

# مجموعه مقالات چین

## هشتم انداز اقتصادی کمربند جاده ابریشم

جلد دوم



مرکز پژوهش‌های اقتصاد تاریک ریاست جمهوری

کتابخانه



عنوان و نام پدیدآور	: مجموعه مقالات چین/ترجمه و ویراستاری زیر نظر ابوالفضل غیاثوند ؛ [برای] مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
مشخصات نشر	: تهران: کتاب راهبرد، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: آ.ج.
شابک	: 978-622-96074-2-8 : 978-622-96074-3-5 : 978-622-96074-3-5 : 978-622-96074-3-5
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
مندرجات	: ج. ۱. استراتژی‌های آینده چین - ج. ۲. چشم‌انداز اقتصادی کمریند جاده ابریشم.
موضوع	: چین -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع	: China -- Addresses, essays, lectures
شناسه افزوده	: غیاثوند، ابوالفضل، ۱۳۵۲-، مترجم، ویراستار
شناسه افزوده	: Ghiasvand, Abolfazl
شناسه افزوده	: ایران، ریاست جمهوری، مرکز بررسی‌های استراتژیک
رده بندی کنگره	: DSV۰۶
رده بندی دیویی	: ۹۵۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۹۱۹۷۴۰



مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری  
کتابخانه

**عنوان کتاب**  
مجموعه مقالات چین : چشم‌انداز اقتصادی کمریند جاده ابریشم (جلد دوم)  
**ترجمه و ویراستاری زیر نظر** : ابوالفضل غیاثوند  
**به سفارش** : مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری  
**نوبت چاپ** : اول - پاییز ۱۳۹۸

همه حقوق این اثر برای مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری است.

ISBN:978-622-96074-2-8



شابک دوره

ISBN:978-622-96074-4-2



شابک جلد دوم

## فهرست مطالب

- ۱----- ضرورت ترجمه گزارش‌های راهبردی
- ۳----- مقدمه
- ۷----- جاده ابریشم جدید: چین، ایالات متحده و آینده‌ی آسیای مرکزی
- توماس زیمرمن  
(مرکز همکاری‌های بین‌المللی دانشگاه نیویورک)
- ۴۱----- چشم‌انداز و اقدامات مربوط به احداث کمربند اقتصادی جاده ابریشم
- (کمیسیون توسعه و اصلاحات ملی وزارت امور خارجه  
وزارت بازرگانی جمهوری خلق چین با مجوز شورای دولتی)
- ۶۳----- کمربند اقتصادی جاده ابریشم با در نظر گرفتن دلالت‌های امنیتی و جنبه‌های همکاری اروپا و چین
- ریچارد قیاسی، جیایی ژوو  
(مؤسسه سیپری و فریدریش-اِبرت-استیفتونگ)
- ۱۵۳----- شناخت طرح کمربند و جاده چین
- پیتر کای  
(مؤسسه لوی برای سیاست بین‌الملل)
- ۱۸۱----- آینده‌های چینی افق ۲۰۲۵
- اوا پچساوا، جاکوب باند، اوا پژسوا، کری براون،  
کریستین شی-کوپفر، مایکل ماکوکی، آلیس اِکمن،  
چارلز پارتون، متیو دو شاتل، النا آتاناسوا-کورنلیس،  
فرانس-پل فن‌در پوتن، میکو هوتاری، گوردون وکر  
(مرکز مطالعات امنیتی اتحادیه اروپا)
- ۲۹۵----- واکنش اروپا به طرح یک کمربند، یک جاده
- گریما موهان  
(صندوق مارشال آلمان)



## ضرورت ترجمه گزارش‌های راهبردی

نوشتارها به افکار جهت و افکار به جهان شکل می‌دهند. جهان امروز نیز دربرگیرنده هزاران اندیشکده، مؤسسه مطالعات راهبردی و اتاق‌های فکری است که کارشناسان و تحلیل‌گران راهبردی را در خود گرد آورده‌اند و با انتشار گزارش‌های راهبردی بر افکار سیاستمداران، بخش خصوصی، رسانه‌ها و جوامع تأثیر می‌گذارند. نزدیک به هفت هزار اندیشکده در جهان وجود دارد که مجموعه گسترده‌ای از دانش راهبردی درباره موضوعات مختلفی از محیط زیست تا اقتصاد، روابط بین‌الملل، و مسائل نظامی و امنیتی را منتشر می‌کنند. این مؤسسات هم‌چنین می‌کوشند تا برآوردهای خود از آینده را نیز ارائه کنند و آینده‌پژوهی یکی از مهم‌ترین اقدامات آن‌هاست.

آگاهی یافتن از موضوعات مدنظر اندیشکده‌ها و مؤسسات مطالعات راهبردی در جهان یکی از ضرورت‌های تفکر راهبردی در ایران است. تحلیل‌گران و استراتژیست‌های ایرانی برای ارائه تحلیل‌هایی که متضمن تأمین منافع ملی باشد به شناخت گزارش‌های اندیشکده‌های خارجی نیازمند هستند. این‌گونه گزارش‌ها هم‌چنین به لحاظ روش‌شناختی نیز گاه حائز اهمیت هستند. پوشیده نیست که هنوز روش‌شناسی پژوهش‌های راهبردی و حتی گاه شیوه نگارش گزارش‌های راهبردی مؤثر نیز در میان بسیاری از اندیشکده‌های ایرانی کاستی‌هایی دارد.

مرکز بررسی‌های استراتژیک با هدف توجه دادن کارشناسان و تحلیل‌گران کشور، و هم‌چنین جهت اطلاع‌یابی مدیرانی که در معرض مسائل و تصمیم‌گیری‌های راهبردی هستند، نسبت به ترجمه و بنا به مورد انتشار محدود یا عمومی مجموعه‌ای از متون راهبردی اقدام می‌کند. مرکز بررسی‌های استراتژیک اگرچه پیشگفتارهای کوتاهی را به ابتدای این گزارش‌ها می‌افزاید و تلاش دارد تا قرائت تحلیل‌گران این مرکز از هر گزارش را ارائه نماید، اما مندرجات این گزارش‌ها الزاماً بیانگر دیدگاه‌های مرکز بررسی‌های استراتژیک نیستند. امید است این اقدام به تعمیق تفکر راهبردی کمک نماید. مرکز بررسی‌های استراتژیک از هرگونه نقد و نظر و هم‌چنین دریافت نظرات مخاطبان این مجموعه درباره مندرجات گزارش‌ها استقبال می‌کند. کارشناسان و تحلیل‌گران هم‌چنین می‌توانند متون راهبردی را که ترجمه و ارائه آن‌ها به جامعه کارشناسان و تحلیل‌گران راهبردی کشور مناسب است به این مرکز پیشنهاد کنند.

حسام‌الدین آشنا

رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک





## مقدمه

چین کشوری بزرگ و دارای تمدنی ۵۰۰۰ ساله است. در طی یک دوره طولانی از تاریخ، چین در بین پیشرفته‌ترین کشورهای جهان قرار گرفت. در دوران مدرن، چین قربانی فقر و ضعف بود و به واسطه تهدیدهایی چون نزاع‌های داخلی و تجاوز خارجی، حتی با مرگ و زوال کامل روبرو شد؛ اما از طریق مبارزه بی‌امان، چینی‌ها آرزوی سعادت و جوان‌سازی کشورشان و خوشبختی مردم را دنبال کردند. در سال ۱۹۴۹، تحت رهبری حزب کمونیست چین، آنها جمهوری خلق چین را تأسیس نمودند، جامعه‌ای نیمه استعماری و نیمه فئودالی را به یک کشور واحد و کاملاً جدید تبدیل کردند و نهایتاً به استقلال ملی و آزادی مردم دست یافتند. سپس چین وارد دوره جدید توسعه شد. در طی ۷۰ سال گذشته، این کشور با وجود همه اختلافات به جلو پیش رفته است، و مسیر پیشرفت را جستجو می‌کند. براساس فرهنگ ۵۰۰۰ ساله چینی، مردم این کشور تجربه و درس‌هایی از بدو تولد سوسیالیسم، رشد ملت چین در ۱۷۰ سال تاریخ انقلاب، نوسازی و اصلاحات در اختیار دارند. از همین رو، چین مسیر سوسیالیسم را با خصوصیات چینی گشود و به نتایج قابل توجهی دست یافت.

چین با جمعیتی زیاد و بنیادهایی که باید بیشتر تقویت شوند، بزرگترین کشور در حال توسعه جهان است. برخی از اصول چین و {حاکم بر این کشور} بدون تغییر باقی مانده است و بنابراین چین هنوز هم با چالش‌های جدی روبرو است. مردم چین هنوز کارهایی دارند که باید انجام دهند. دنیای امروز دستخوش یک مرحله از تحولات عمیق شده است که طی صد سال گذشته دیده نشده است. جامعه بشری مملو از امید و چالش است. قطبیت چندگانه، جهانی‌شدن اقتصادی، تنوع فرهنگی و همچنین فناوری اطلاعات، دسترسی آحاد مردم را گسترش می‌دهد. صلح و توسعه همچنان مضامین پایدار زمان و روزگار کنونی هستند. در عین حال، مشکلات دیرینه همچنان در سراسر جهان آشکار است و بی‌ثباتی و عدم قطعیت در حال افزایش است. ایجاد جامعه جهانی با آینده مشترک و ایجاد دنیای بهتر آرزوهای مشترک همه مردم جهان است.

سال ۲۰۱۹ میلادی، مصادف با هفتادمین سالگرد تأسیس جمهوری خلق چین (PRC) است. در طول ۷۰ سال گذشته، تحت رهبری و زعامت حزب کمونیست چین (CPC)، جمهوری خلق چین شاهد تحولات عمیق و گسترده‌ای بوده و به معجزه‌ای از پیشرفت بی‌سابقه در تاریخ بشر دست یافته است. تنها ظرف چند دهه، چین دوره‌ای را پشت سر گذاشته است که طی چند



صد سال کشورهای توسعه یافته تجربه کرده‌اند. چین اکنون به دومین اقتصاد بزرگ جهان تبدیل شده است، که در پرتو آن، نیازهای مادی نزدیک به ۱,۴ میلیارد نفر را تأمین و مراقبت می‌کند و به رونق همه‌جانبه‌ای رسیده است. مردم این کشور از کرامت و حقوقی که قبلاً برای آنها ناشناخته بوده، برخوردارند. این امر تغییر شگرفی را برای چین به همراه آورده است. این موضوع همچنین پیشرفتی چشمگیر برای جامعه بشری و مهم‌تر از همه، سهم قابل توجهی از طرف چین در صلح و توسعه جهانی به حساب می‌آید.

چین معتقد است، مدل تازه روابط بین‌الملل باید بر مبنای احترام متقابل، برابری و عدالت و همکاری حائز منفعت دوجانبه باشد. احترام متقابل بر مبنای برابری میان تمام کشورها، بزرگ و کوچک، قدرتمند و ضعیف، غنی و فقیر، باشد. هر کشور، باید به نظام سیاسی کشورهای دیگر، حق آن‌ها برای انتخاب مسیر توسعه و منافع و دغدغه‌های آن‌ها، احترام بگذارد. همه باید با سیاست‌بازی قدرت‌ها، هژمونی و مداخله در امور داخلی دیگر کشورها مخالفت کنند. همچنین رهبران فعلی چین بر این عقیده‌اند که، توسعه‌طلبی و هژمونی با منافع چین و اراده مردم این کشور در تضاد است. دنبال کردن هژمونی و نظامی‌گری صرفاً قدرت ملی را به هدر داده و به افول منجر می‌شود. در تاریخ بشری، تلاش قدرت‌های بزرگ برای رسیدن به هژمونی به جنگ‌های مکرر، کشته شدن افراد، عقب‌ماندگی بشری و حتی عقب‌گرد تمدن بشری منجر شده است. چین به صورت طبیعی توسعه می‌یابد و قدرتمندتر می‌شود؛ اما مایل نیست در این روند هیچ کشور دیگری را تهدید کند، به چالش بکشد، کنار بزند، جایگزین آن شود و یا اینکه به هژمونی برسد.

چین وارد دوره جدید توسعه شده است. چین اکنون بر جهان تأثیر می‌گذارد که این (اثرگذاری به نسبت گذشته)، همه‌جانبه‌تر، عمیق‌تر و طولانی‌مدت است و جهان توجه بیشتری به چین خواهد نمود. مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری با توجه به پرسش‌هایی از قبیل: چین چه مسیری را طی کرد؟ چین به کجا می‌رود؟ اهداف چین در شکل دادن به جهان چیست؟ چگونه چین در حال توسعه با سایر جهان تعامل خواهد داشت؟ اقدام به تهیه مجموعه مقالاتی نموده است. هدف از تهیه این کتاب جلب توجه مخاطبین به اهمیت چین با نظر به پرسش‌های فوق می‌باشد.

این مجموعه دو جلدی مشتمل بر ۱۲ گزارش راهبردی در خصوص آینده و چشم‌انداز اقتصادی چین و نیز استراتژی‌های پیش روی این کشور می‌باشد. در جلد اول که با تحت عنوان «استراتژی آینده چین» مزین شده است، ۶ گزارش جای گرفته است. در مقاله نخست



که از انتشارات موسسه معتبر بروکینگز بوده است روابط راهبردی ایالات متحده و چین در دوره اوباما تحلیل شده است. گزارش دوم که از سوی موسسه امور بین الملل و حوزه امنیت آلمان منتشر شده است، نحوه به چالش گرفتن دورنمای غرب از نظام بین الملل توسط چین را با اتکاء به ویژگی های فلسفی چین به بحث گذاشته است. گزارش سوم آینده پژوهی وضعیت پژوهش و نوآوری در چین در افق ۲۰۲۵ است که با روش های استاندارد سناریونویسی و ارائه ۴ سناریوی مشخص آینده چین در این خصوص را ارائه نموده است. در مقاله چهارم اندرو اسکویل و علیرضا نادر از موسسه رند نقش اقتصادی، سیاسی و نظامی چین در خاورمیانه را مورد بررسی قرار داده و مشورت هایی را در این رابطه به ارتش آمریکا ارائه نموده اند. مقاله بعدی نیز در روابط اقتصادی چین با اتحادیه اروپا تا سال ۲۰۲۵ به بحث گذاشته است که کار مشترک تعدادی از اطاق فکرهای مشترک معتبر جهان محسوب می شود. گزارش آخر این مجموعه نیز محصول اتاق بازرگانی اتحادیه اروپا در چین است که آینده صنایع کارخانه ای چین در سال ۲۰۲۵ را مورد مطالعه قرار داده است و پیشنهادهای در هر زمینه برای فعالان و تجار ارائه کرده است.

اما محور مشترک گزارش های جلد دوم عمدتاً به چشم انداز راه جدید ابریشم مربوط می شود. در مقاله اول توماس زیرمن از مرکز همکاری های بین المللی دانشگاه نیویورک چشم انداز اقتصادی راه جدید ابریشم در سه حوزه چین، آمریکا و آسیای مرکزی مورد بررسی قرار داده است. مقاله دوم نگاه دولت چین و رسمی به احداث کمر بند اقتصادی جاده ابریشم را طی مقاله ای ارائه کرده است. مطلب سوم تحت عنوان کمر بند اقتصادی جاده ابریشم با در نظر گرفتن دلالت های امنیتی و جنبه های همکاری اروپا و چین، موضوع جاده ابریشم از حیث ژئوپلیتیکی منطقه ای را بررسی کرده است که توسط موسسه صلح استکهلم و با همکاری دو موسسه دیگر تهیه شده است. گزارش دیگر توسط موسسه لوی برای سیاست بین الملل منتشر شده و با عنوان «شناخت طرح کمر بند و جاده چین» بوده است و بررسی جامعی از این موضوع بدست می دهد. گزارش بعدی یک مطالعه آینده پژوهانه از آینده چین در افق ۲۰۲۵ چین در زمینه مسایل داخلی، منطقه ای و جهانی است که توسط مرکز مطالعات امنیتی اتحادیه اروپا تهیه و منتشر شده است. گزارش انتهایی جلد دوم نیز از سوی صندوق مارشال آلمان با عنوان واکنش اروپا به طرح یک کمر بند، یک جاده تهیه شده و در آن تاثیرات امنیتی و اقتصادی طرح استراتژی های اروپا را به بحث گذاشته است. امید است که این مجموعه مورد استفاده مخاطبین محترم قرار گیرد.



جاده ابریشم جدید:  
چین، ایالات متحده و آینده‌ی آسیای  
مرکزی

توماس زیمرمن

مرکز همکاری‌های بین‌المللی دانشگاه نیویورک



## مرکز همکاری‌های بین‌المللی دانشگاه نیویورک

جهان با چالش‌های امنیتی جدید و قدیمی روبرو است که از آنچه که نهادهای چندجانبه ملی ما در حال حاضر قادر به مدیریت آنها هستند، پیچیده‌تر است. همکاری‌های بین‌المللی بیش از هر زمان برای رویارویی با این چالش‌ها ضروری است. مرکز همکاری‌های بین‌المللی دانشگاه نیویورک (CIC) در راستای بهبود واکنش‌های بین‌المللی به درگیری، ناامنی و کمبود به وسیله تحقیقات کاربردی و تعامل مستقیم با نهادهای چندجانبه و جامعه سیاست گسترده‌تری اقدام نموده است.

برنامه‌ها و فعالیت‌های تحقیقاتی CIC، طیفی از مسائل مربوط به درگیری‌ها، ناامنی و کمبود را در بر می‌گیرند. این امر اجازه می‌دهد تا ارتباطات حیاتی مشاهده گردد و انسجامی که اغلب برای واکنش مؤثر ضروری است را برجسته نماید. تمرکز ویژه‌ای بر واکنش‌های چندجانبه و سازمان ملل متحد نسبت به درگیری‌ها اختصاص داده شده است.



وانگ شیدا<sup>۱</sup>

رئیس مطالعات جنوب غربی آسیا

مؤسسه مطالعات جنوب و جنوب شرقی آسیا و اقیانوسیه

مؤسسه روابط بین‌الملل معاصر چین

از ژانویه تا ژوئن سال ۲۰۱۵، این افتخار را داشتم تا محقق مهمان در مرکز همکاری‌های بین‌المللی (CIC) در دانشگاه نیویورک باشم. تحقیقات خود را تحت نظارت پروفیسور بارت رابین، محقق برجسته و مشهور در حوزه افغانستان و پاکستان انجام دادم. پروفیسور بارت به عنوان مشاور ارشد نماینده ویژه افغانستان و پاکستان در وزارت امور خارجه ایالات متحده (۲۰۱۳-۲۰۰۹) و همچنین به عنوان مشاور نماینده ویژه دبیر کل سازمان ملل متحد برای افغانستان (۲۰۰۳-۲۰۰۱)، به طور گسترده‌ای مشغول به مشاوره سیاسی و پژوهش در خصوص این دو کشور و منطقه بوده است. در حالی که در مرکز همکاری‌های بین‌المللی بودم، توماس زیمرمن به عنوان محقق مهمان به آکادمی علوم اجتماعی ملی شانگهای چین سفر کرد و در نتیجه از طریق این تبادل، دو اندیشکده به یکدیگر مرتبط گردیدند.

در این دوره در چین، توماس بر موضوع ابتکار «یک کمربند، یک جاده»<sup>۲</sup> (OBOR) متمرکز گشت. این پروژه شامل «کمربند اقتصادی جاده ابریشم»<sup>۳</sup> از طریق آسیای مرکزی و همچنین «جاده ابریشم دریایی قرن ۲۱»<sup>۴</sup> در اقیانوس هند است. توماس توانست محققان و مقامات دولتی چین را که در «یک کمربند، یک جاده» درگیر بودند، ملاقات نماید تا پژوهش خود را بر پایه منابع دست اول ارزشمند اطلاعات قرار دهد. نتیجه‌گیری در مقاله وی بر اساس گفتگو با مقامات دولتی چین و ایالات متحده، کارشناسان سیاسی و بررسی ادبیات گسترده‌تر است. توماس دیدگاه پکن در خصوص فرصت‌ها و چالش‌هایی را که در پیاده‌سازی «یک کمربند، یک جاده» روبرو است، تأثیر بالقوه آن بر افغانستان و چشم‌اندازهای همکاری با ایالات متحده را جمع‌آوری نموده است. با خواندن پیشنهاد اولیه این مقاله، به شدت در خصوص اینکه چگونه توماس به عنوان یک آمریکایی توانسته است به چنین اطلاعات جامعی در چین دست پیدا کند و فهم عمیق وی از جایگاه چین در چنین مسئله جدید و خاصی، تحت تأثیر قرار گرفتم.

1. Wang Shida

2. One Belt, One Road

3. Silk Road Economic Belt

4. 21st Century Maritime Silk Road

به نظر بنده، «یک کمربند، یک جاده» تلاشی توسط دولت چین برای احیای جاده ابریشم دوران باستان است که چین را به آسیای مرکزی، غرب آسیا و اروپا از طریق حمل و نقل زمینی و به جنوب شرق آسیا، جنوب آسیا و شرق آفریقا از طریق دریایی متصل می‌نمود. «یک کمربند، یک جاده» به طور مشابه قصد دارد تا پایگاهی را فراهم نماید که تعامل اقتصادی بیشتر میان کشورهای در امتداد جاده ابریشم نوین را تسهیل نماید که آنها را قادر می‌سازد تا از افزایش تجارت بهره‌مند گردند. با این حال، در مقایسه با جاده ابریشم کهن، ماهیت کالاهایی که داد و ستد خواهد شد و همچنین کشورهای که در امتداد مسیر با یکدیگر تعامل می‌نمایند، به طور آشکار تغییر نموده است.

در دوران باستان هزاران تاجر خارجی اغلب از چین دیدار می‌کردند، ابریشم و ظروف چینی می‌خریدند، و ادویه‌جات و محصولات کشاورزی از کشورهای دیگر را به فروش می‌رساندند. در مقابل، چین امروز مشتاق است تا قطارهای تندرو، هواپیماهای مسافربری، و دیگر محصولات تولید شده را بفروشد. بر این اساس، بی‌نهایت خواستار کمک به افزایش زیرساخت‌های «یک کمربند، یک جاده» از طریق ظرفیت ساخت و مهارت‌های تخصصی قابل توجه است. در عین حال، چین همچنان مشتاق است تا رشد اقتصادی سریع خود را از طریق تأمین امنیت ذخایر انرژی و منابع طبیعی از سوی دیگر کشورها تقویت نماید.

همانگونه که توماس در این مقاله تأکید نموده است، تنگناهای حمل و نقل یکی از بزرگترین موانع برای ائتلاف اقتصادی منطقه‌ای است. در مراحل اولیه، «کمربند اقتصادی جاده ابریشم» به عنوان مجموعه‌ای از پروژه‌های زیربنایی حمل و نقل، انرژی و مخابرات شکل گرفت. به عنوان نمونه کریدور اقتصادی چین و پاکستان را در نظر بگیرید. جاده قراقرم<sup>۵</sup> (KKH)، مسیر کلیدی که منطقه خودمختار سینکیانگ<sup>۶</sup> چین را به قسمت شمالی پاکستان متصل می‌نماید، به شدت به سبب برخی بلایای طبیعی در سال‌های اخیر آسیب دیده بود. در ۴ ژانویه سال ۲۰۱۰، یک زمین لغزه و ریزش کوه عظیم در ۱۵ کیلومتری بالای مرکز هونزا<sup>۷</sup> در کریم‌آباد<sup>۸</sup> که دریاچه اتاباد<sup>۹</sup> را ایجاد کرد، منجر به آواره شدن هزاران تن شد و ۲۰ کیلومتر از جاده قراقرم، از جمله پل قراقرم با ۳۱۰ متر طول را با آب پوشاند. با در نظر گرفتن دوستی همیشگی چین

5. Karakoram Road

۶. Xinjiang

7. Hunza

8. Karimabad

9. Attabad Lake

و پاکستان، همچنین موقعیت استراتژیک پاکستان، چین علاقه‌مند است تا قراقرم را تحت چهارچوب کریدور اقتصادی چین و پاکستان ترمیم نموده و ارتقا بخشند. قرارداد این عملیات توسط شرکت راه و پل چین بسته شد و در دسامبر سال ۲۰۱۵ تکمیل گشت.

توماس تأکید می‌نماید که کریدور اقتصادی چین و پاکستان با چالش‌های عمده‌ای روبرو است. اولین و مهم‌ترین مسئله، موضوع حیاتی امنیت است. مقرر شده است اغلب سرمایه‌گذاری‌ها در بخش زیربنایی تحت چهارچوب کریدور اقتصادی چین و پاکستان از طریق خیبر پختونخوا<sup>۱۰</sup> و بلوچستان، دو استان شدیداً ناامن و از نظر سیاسی ناآرام پاکستان، اجرا گردد. بلوچستان که بندر گوادار در آن قرار گرفته است، با چالش‌های قابل توجه و خاصی روبرو است، به گونه‌ای که تنفر عمومی و مخالفت‌های محلی نسبت به سرمایه‌گذاری‌های چین از سوی جنبش‌های جدایی طلب، قابل مشاهده است. برای نمونه، شش شبه نظامی مسلح به فرودگاه جیوانی در گوادار حمله نمودند و یک مهندس را کشته و یک تن دیگر را ربودند. واضح است هم پاکستان و هم چین می‌بایست در این خصوص هوشیار باشند و راه حل‌های پایدار برای چالش‌های امنیتی غیرمنتظره که در روند اجرای کریدور اقتصادی چین و پاکستان رخ خواهد داد، بیابند.

دوم، احزاب مختلف سیاسی می‌بایست به توافقی بر سر مسیر طراحی شده برای کریدور اقتصادی پاکستان و چین دست یابند. احزاب سیاسی ابتدا، در خیبر پختونخوا و بلوچستان از این طرح ناراضی بودند و تلاش‌های دولت فدرال پاکستان را بخاطر توزیع اکثر منابع مربوط به کریدور اقتصادی پاکستان و چین در پنجاب به جای استان‌های دیگر، مورد انتقاد قرار میدادند. طی «کنفرانس همه احزاب»<sup>۱۱</sup> در اسلام‌آباد در اواخر ماه مه، به نظر می‌رسید که شرکت کنندگان به اجماعی بر سر مسیر کریدور اقتصادی پاکستان و چین دست یافتند. نخست‌وزیر شریف اعلام نمود که مسیر غربی پروژه که منابع مالی آن به زودی عرضه می‌گردد، ابتدا ساخته می‌شود. وی همچنین متعهد گشت تا مالکیت سیاسی کامل این پروژه را بر عهده بگیرد. بیشک، مسیر غربی با تهدیدات امنیتی بیشتری نسبت به مسیر شرقی روبرو خواهد بود. با این حال، بخش اعظم این پروژه تحت چهارچوب کریدور اقتصادی پاکستان و چین در امتداد مسیر شرقی قرار دارد. اینکه چگونه منابع بیشتری به مسیر غربی اختصاص یابد، به صورت مشکلی بزرگ باقیمانده است.

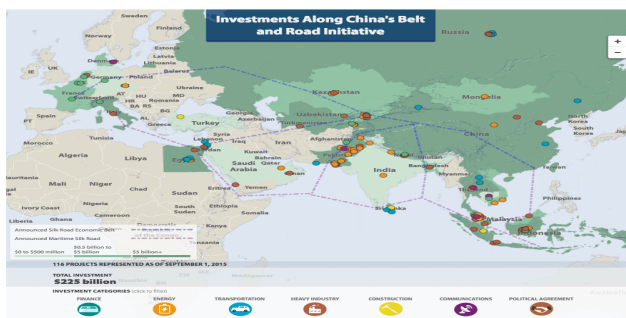
10. Khyber Pakhtunkhwa

11. All Parties Conference



توماس همچنین، در رابطه با نگرش چین نسبت به افغانستان، تحلیل و دیدگاه‌های آموزنده‌ای ارائه نموده که برای درک شرایط با ارزش است. همانگونه که وی به درستی اشاره نموده است، منافع پکن در افغانستان به طور مستقیم به نگرانی‌های این کشور در خصوص سینکیانگ گره خورده است؛ چراکه این استان از نظر جغرافیایی برای تلاش‌های چین در گسترش روابط اقتصادی با آسیای مرکزی، حیاتی است. به عقیده اینجانب، ثبات در سین کیانگ، مهم‌ترین نگرانی ساختار سیاست چین در خصوص افغانستان است. همانگونه که همگی می‌دانیم، صدها تن از تروریست‌های جنبش اسلامی ترکستان شرقی<sup>۱۲</sup> (ETIM)، به ویژه تحت حمایت القاعده در دهه ۱۹۹۰، به افغانستان پناه آورده‌اند. برخی از تروریست‌ها کشته و برخی توسط ایالات متحده دستگیر شده‌اند. این در حالی است که برخی از آنان با دیگر گروه‌های تروریستی بین‌المللی به مناطق قبیله‌ای گریخته‌اند. بنابراین، تهدیدی جدی برای امنیت ملی چین باقیمانده است. اگر بخواهم صادقانه بیان کنم، منفعت اقتصادی چندان‌اندکی در افغانستان برای چین وجود ندارد، اما این کشور آماده است تا کمک‌های خود به بازسازی افغانستان را از طریق شریک نمودن این کشور در کمر بند اقتصادی جاده ابریشم افزایش دهد.

«یک کمر بند، یک جاده» به یکپارچگی کلی در منطقه کمک خواهد نمود و همچنین صلح و ثبات را تقویت خواهد کرد. چینی‌ها همواره بر این باورند که توسعه اقتصادی ریشه‌های تروریسم را خواهد زدود. امید است ایالات متحده و چین، راهی را برای غلبه بر کمبود اعتماد دیرینه خود بیابند و پتانسیل همکاری در افغانستان را به واقعیت تبدیل نمایند. چنین همکاری همچنین برای تلاش‌های مشترک آتی در دیگر زمینه‌ها نیز مناسب خواهد بود.



تمامی پروژه‌ها بوسیله سه معیار مشخص شده‌اند: (۱) علناً به عنوان یک پروژه کمر بند و جاده اعلام شده‌اند. (۲) کشور میزبان پروژه را پذیرفته است (۳) تأمین مالی و / یا توافقی با دولت چین یا شرکت چین تکمیل شده است. پروژه‌هایی که تمامی سه معیار را نداشته‌اند، شامل نشده‌اند. نقشه توسط مرکز پیشرفت آمریکایی ارائه شده است.<sup>۱۳</sup>

12. East Turkestan Islamic Movement

13.Center for American Progress-<https://www.americanprogress.org/issues/security/news/22/09/2015>

## مقدمه

رئیس‌جمهور چین، شی جین‌پینگ<sup>۱۴</sup>، برای نخستین بار در سخنرانی سال ۲۰۱۳ در قزاقستان، چشم‌انداز چین در خصوص «کمربند اقتصادی جاده ابریشم» را بیان نمود. ایده این طرح ایجاد روابط اقتصادی نزدیک‌تر، افزایش همکاری و گسترش توسعه در منطقه اوراسیا بود. در اوایل سال ۲۰۱۵، خطوط استراتژی پکن با اعلام طرح‌های رهبری چین برای «کمربند اقتصادی جاده ابریشم» از طریق آسیای مرکزی و «جاده ابریشم دریایی قرن ۲۱» از طریق جنوب شرق و جنوب آسیا، پدیدار گشت. این کشور هر دو طرح را در مجموع «یک کمربند، یک جاده» نامید. هر دو طرح به عنوان فرصتی در جهت تجدید نظم اقتصادی و سیاسی در آسیای مرکزی و منطقه آسیا اقیانوسیه، از طریق ترویج شبکه‌ای از مسیرهای تجاری، همکاری سیاسی و تبادل فرهنگی، به تصویر کشیده شد. چین قصد دارد با اجرای این طرح، استان‌های غربی و داخلی خود را که گه‌گاه دچار ناآرامی هستند، با هدف سرعت بخشیدن به توسعه و ترویج ثبات در مرکز تعامل خود با آسیای مرکزی و جنوبی قرار دهد.

چنانچه این طرح همانگونه که برنامه‌ریزی شده است اجرا گردد، ابتکارات چین در خصوص جاده ابریشم، این پتانسیل را خواهد داشت تا برخی از چالش‌هایی را که پکن با آن روبرو است و به شدت این کشور را تحت فشار قرار داده است، فرونشاند. موضوعی که اغلب مورد بحث قرار می‌گیرد، ضرورت یافتن بازارهای جدید برای جذب محصولات مازاد ظرفیت صنعتی چین و بهبود دستیابی این کشور به منابع انرژی با تداوم افزایش تقاضای داخلی است. نگرانی پکن همچنان در خصوص افت مداوم شاخص‌های اقتصادی در استان‌های مرکزی و غربی چین نسبت به شهرهای پررونق ساحلی شرق این کشور ادامه دارد. چین در قالب بخشی از استراتژی «حرکت به سوی غرب»<sup>۱۵</sup> سرمایه‌گذاری‌های چشم‌گیری انجام داده است و در سال‌های اخیر بسیاری از استان‌های هدف، رشد قابل توجهی در تولید ناخالص ملی داشته‌اند. با این حال، این استان‌ها هنوز تا دستیابی به میانگین رشد ملی فاصله دارند. علاوه بر این، پکن امیدوار است تا ائتلاف اقتصادی بیشتر با کشورهای همسایه خود، موجب تشویق استفاده از رنمینبی<sup>۱۶</sup> در تجارت جهانی گردد.

پکن توسعه شتابان را نویددهنده‌ترین درمان برای علاج بی‌ثباتی مداوم در استان سین

121689/investments-along-chinas-belt-and-road-initiative/

14. Xi Jinping

15. Go West

۱۶. (Renminbi) واحد رسمی پول چین

کیانگ؛ که در خصوص تهدیدات روزافزون تروریسم، افراط‌گرایی و تجزیه‌طلبی (سه نیروی شیطانی)<sup>۱۷</sup> در این منطقه همواره ابراز نگرانی می‌نماید، برمی‌شمارد. چین با قرار دادن این استان به عنوان دروازه‌ای به «پل سرزمین اوراسیا»<sup>۱۸</sup> از طریق آسیای مرکزی به اروپا، بر آن است تا یکی از بزرگترین تهدیدات نسبت به امنیت داخلی خود را فرونشاند. طرح مارچ ۲۰۱۵ برای «یک کمر بند، یک جاده»، این موضوع را بیان می‌نماید که چین در نظر دارد تا از مزیت‌های جغرافیایی سین کیانگ استفاده درخور نماید و این استان را به مرکزی برای حمل و نقل، تجارت، تدارکات، فرهنگ، علم و آموزش مبدل نماید.

در حالی که چین مسیری طولانی را در راستای شکل دادن به طرح‌های ابتکاری خود در شرایط غیرانحصاری تعاونی و با تأکید بر باز بودن آن به روی طیف گسترده‌ای از سهامداران، پیموده است؛ این کشور به دنبال این است تا خود را هر چه بیشتر به عنوان بازیگر اصلی در امور منطقه‌ای تثبیت نماید. هر دو ابتکار مورد نظر در محافل سیاسی چین به عنوان تلاشی برای خنثی نمودن طرح «محوری برای آسیا»<sup>۱۹</sup> از سوی ایالات متحده و کوشش آمریکا برای تسلط بر منطقه، مورد بحث قرار می‌گیرد (چین تهدیدات ناشی از اتحادیه اقتصادی اوراسیا به رهبری روسیه (EEU)<sup>۲۰</sup> را ناچیزتر می‌انگارد). محققان و مقامات دولت چین، برنامه‌های خود را در تقابل با طرح آمریکایی مارشال پس از جهانی دوم می‌دانند و مدعی‌اند که «یک کمر بند، یک جاده» فاقد ویژگی‌های هژمونیک اخیر است. پکن ابتکارات خود را تلاشی در جهت ترغیب یکپارچه‌سازی و رشد اقتصادی در اوراسیا توصیف می‌نماید؛ تا آنکه آن را تلاشی برای گسترش نفوذ سیاسی خود در منطقه ابراز نماید.

سیاست‌گذاران چینی، «یک کمر بند، یک جاده» را مکانیسمی برای ترویج صلح و ثبات در منطقه (آنچه رئیس‌جمهور شی از آن به عنوان «جامعه‌ای با سرنوشت مشترک»<sup>۲۱</sup> نام برده است) از طریق تقویت روابط دوجانبه این کشور با کشورهای همسایه و توسعه سازمان‌های بین‌المللی که تحت سلطه قدرت‌های غربی نباشند، تشریح می‌نمایند. این الگو می‌بایست بر پایه آراء برخی از محققان چینی، که بیانگر نظرات رئیس‌جمهور شی است، به مسائل امنیتی تعمیم یابد؛ زیرا این نظریات خواستار حل مشکلات امنیتی در آسیا توسط خود آسیایی‌ها است.

17. Three Evil Forces

18. Eurasian Land Bridge

19. Pivot to Asia

20. Eurasian Economic Union (EEU)

21. Community of Common Destiny

در حالی که پکن بر این موضوع تأکید می‌نماید که چهارچوب جاده ابریشم، ساختار همکاری اقتصادی منطقه‌ای متعادل و فراگیری را ایجاد خواهد نمود، این طرح بخشی از یک اقدام گسترده‌تر به منظور تضمین حقی برای چین، متناسب با ظرفیت اقتصادی و نظامی این کشور در تنظیم موضوعات اقتصادی و استراتژیک منطقه است. طرح‌های ابتکاری جاده ابریشم و «بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی» (AIIB)<sup>۲۲</sup>؛ که به تازگی راه‌اندازی شده است، بخشی از کوشش فروان پکن برای توسعه زیرساخت‌های ضروری به منظور متصل نمودن چین به شرکای تجاری در اروپا، خاورمیانه و آفریقا هستند.

این مقاله بر چارچوب کمربند اقتصادی جاده ابریشم چین و تلاش‌های این کشور در افزایش ائتلاف اقتصادی در مرکز آسیا تمرکز دارد. موانع قابل توجه برجسته‌ای در برابر همکاری چین با ایالات متحده در این چارچوب وجود دارد؛ لکن هر دو کشور از خطر ادامه بی‌ثباتی در افغانستان و پاکستان آگاهند و برای اظهار موفقیت پس از هزینه‌های جانی فراوان و سرمایه‌گذاری‌ها انجام شده در منطقه، تحت فشار قرار دارند. بر این اساس، منافع تمامی طرفین این است که به شناسایی موضوعاتی بپردازند که همکاری بر سر آنها بتواند برای هر دو کشور چین و ایالات متحده منفعت در برداشته باشد.

### ساختار ابتکار «یک کمربند، یک جاده»

چین در ماه مه سال ۲۰۱۵ از گردهمایی Boao برای آسیا (BFA)<sup>۲۳</sup> (گردهمایی آسیایی با هدف ترویج و تقویت مبادلات اقتصادی و همکاری درون منطقه‌ای است) به منظور روشن نمودن چشم‌انداز خویش در خصوص ابتکار «یک کمربند، یک جاده» استفاده نمود. به دنبال سخنرانی موضوعی رئیس‌جمهور شی، کمیسیون توسعه و اصلاح ملی (یک نهاد دولتی با مسئولیت اصلی نظارت بر پیاده‌سازی این طرح)، به همراه وزارت امور خارجه و وزارت بازرگانی، طرحی را ارائه نمودند که روستترین تصویر بهروز از استراتژی چین را نمایان می‌نمود. در حالی که ابهام در خصوص جزئیات پروژه‌هایی که در این چهارچوب قرار می‌گیرند، باقی مانده است، این طرح بلندپروازانه به عنوان اولویت استراتژیک رهبران چین ارائه شده است.

طرح ابتکاری «یک کمربند، یک جاده» بر پایه چهار هدف؛ بهبود زیرساخت‌های منطقه‌ای، افزایش هماهنگی سیاست‌های اقتصادی منطقه، از بین بردن موانع تجارت و تشویق روابط فرهنگی به منظور حمایت از پروژه‌های وسیع‌تر قرار دارد که مجموعه‌ای از پروژه‌های مربوط

22. Asian Infrastructure Investment Bank (AIIB)

23. Boao Forum for Asia (BFA)

به زیرساخت‌های حمل و نقل، انرژی و مخابراتی را که طرح‌هایی برای افزایش هماهنگی دیپلماتیک منطقه‌ای، یکپارچگی مالی و تبادل فرهنگی به همراه دارد، در بر می‌گیرد. رئیس‌جمهور شی اظهاری داشت که چین امیدوار است تجارت سالانه این کشور با کشورهای دیگر، از ۲/۵ تریلیون دلار در حدود یک دهه فراتر رود. تجارت چین با منطقه آسیای مرکزی در سال‌های اخیر به طور چشمگیری، از تقریباً ۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ به بیش از ۵۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳، افزایش یافته است. در ماه ژوئیه سال ۲۰۱۵، وزارت بازرگانی چین اعلام نمود که در نیمه اول سال ۲۰۱۵، شرکت‌های چینی ۱۴۰۱ قرارداد پروژه در کشورهای مشمول در چهارچوب ابتکار «یک کمربند، یک جاده» امضاء نموده‌اند. گفته می‌شود این قراردادها ارزشی بالغ بر ۳۷/۶ میلیارد دلار (رشدی معادل ۱۶/۷ درصد سالانه) داشته و برابر با ۴۳/۳ درصد تمامی قراردادهای خارجی امضا شده در طی همین مدت است.

چین تنگناهای حمل و نقلی را به موانع اصلی یکپارچگی اقتصادی منطقه‌ای شناسایی نموده است. در مراحل اولیه این طرح، کمربند اقتصادی جاده ابریشم، به عنوان مجموعه‌ای از پروژه‌های زیرساخت‌های حمل و نقل، انرژی و مخابرات ایجاد گردید. این طرح، توسعه «پلی به سرزمین اوراسیا» و نیز کریدور اقتصادی آسیای مرکزی - غرب آسیایی و چین - شبه جزیره هند را توصیف می‌نماید که از طریق متصل نمودن مجموعه‌ای از شهرهای اصلی از چین تا اروپا ایجاد می‌گردد. در ماه ژوئن سال ۲۰۱۵، مجارستان اولین کشور اروپایی بود که توافقنامه همکاری با کشور چین به منظور مشارکت در کمربند اقتصادی جاده ابریشم را امضاء نمود که پکن امیدوار است این اتفاق مدلی برای مشارکت بیشتر اروپا در این طرح گردد. تأمین مالی پروژه‌های جاده ابریشم، توسط بانک‌های دولتی چین و مجموعه‌ای از بودجه‌های دولتی و چند جانبه از جمله صندوق جاده ابریشم<sup>۲۴</sup>، بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا (AIIB)<sup>۲۵</sup> و بانک توسعه نوین بریکس<sup>۲۶</sup>، انجام می‌گردد.

بانک‌های دولتی چین نقشی حیاتی در تأمین بودجه پروژه‌های مربوط به ابتکار «یک کمربند، یک جاده» دارا هستند. گزارش‌ها در ماه آوریل سال ۲۰۱۵ حاکی از آن است که پکن در نظر دارد تا ذخایر قابل توجهی از تبادلات خارجی خود را به منظور تزریق حداقل ۶۲ میلیارد دلار به سرمایه دو بانک دولتی برای حمایت از ابتکار «یک کمربند، یک جاده» متصل نماید.

---

24. Silk Road Fund

25. Asian Infrastructure Investment Bank

26. BRICS New Development Bank

این سرمایه‌گذاری‌های عمده شامل ۳۲ میلیارد دلار به بانک توسعه چین (CDB)<sup>۲۷</sup> و ۳۰ میلیارد دلار به بانک صادرات و واردات می‌گردد. در ماه ژوئیه سال ۲۰۱۵، بر اساس اخبار خبرگزاری بلومبرگ، مبلغ واقعی اختصاص داده شده به بانک توسعه چین بالغ بر ۴۸ میلیارد دلار بوده است. همزمان، شورای دولتی چین در تلاشی به منظور تشدید کنترل‌ها و معکوس نمودن یک استراتژی به شدت تجاری و تأکید نمودن بر نقش بانک‌ها در حمایت از سیاست‌های دولتی و اهداف استراتژیک، اقدام به اصلاح بانک‌های دولتی این کشور نموده است.

علاوه بر این، (CITIC)<sup>۲۸</sup> چین؛ یک گروه سرمایه‌گذاری دولتی، و شرکت‌های تابعه آن برنامه‌هایی را به منظور فراهم نمودن بیش از ۷۰۰ میلیارد رنمینبی (RMB) (در حدود ۱۱۳ میلیارد دلار) به صورت وام و سرمایه برای حمایت از تقریباً ۳۰۰ پروژه مرتبط به ابتکار «یک کمربند، یک جاده»، اعلام نموده‌اند. بانک چین اظهار نموده است که قصد دارد تا حمایت خود را به طور چشمگیری با هدف گسترش ۲۰ میلیارد دلار به صورت اعتبار در سال جاری (۲۰۱۵) و ۱۰۰ میلیارد دلار طی سه سال آتی افزایش دهد.

صندوق جاده ابریشم ۴۰ میلیارد دلاری طراحی شده چین، که به طور رسمی در ماه دسامبر سال ۲۰۱۴ ایجاد گردید، به عنوان ابزار اصلی سرمایه‌گذاری دو جانبه برای پروژه‌های تحت ابتکار «یک کمربند، یک جاده» در نظر گرفته شده است. حداقل ۱۶ میلیارد دلار برای تأمین بودجه پروژه‌های آسیای مرکزی اختصاص خواهد یافت. سرمایه این صندوق ابتدا با ۱۰ میلیارد دلار از محل کمک‌های اندوخته‌های مبادلات خارجی شرکت سرمایه‌گذاری چین، بانک صادرات - واردات چین و بانک توسعه چین، تأمین گردید. کارشناسان چینی اظهار داشته‌اند که این صندوق در مقایسه با شرکت سرمایه‌گذاری بین‌المللی بانک جهانی، بیشتر به یک صندوق سرمایه خصوصی شباهت دارد تا به یک صندوق مالی دولتی. این صندوق، با تمرکز بر ارائه بازده سرمایه‌گذاری معقول میان‌مدت و بلندمدت، سود محور است. بانک خلق چین در اواسط ماه آوریل اعلام نمود که اولین سرمایه‌گذاری از سوی این صندوق برای ساخت یک سد برق‌آبی بر روی رودخانه جهلوم<sup>۲۹</sup> در شمال پاکستان، بالغ بر ۱/۶۵ میلیارد دلار است. پکن به دنبال این است تا بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی (AIIB) را که به تازگی بنیان نهاده شده است به عنوان یکی دیگر از ابزار (تأمین مالی) سرمایه‌گذاری مهم

27. China Development Bank

28. china international trust and investment corporation

29. Jhelum River

پروژه‌های ابتکار «یک کمربند، یک جاده» در نظر بگیرد. بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی، سرمایه‌های ۱۰۰ میلیارد دلاری خواهد داشت و نهادی چند جانبه با بیش از ۵۷ کشور ثبت شده به عنوان اعضای مؤسس خواهد بود (۵۰ کشور مفاد توافقنامه را امضاء نموده‌اند، ۷ کشور دیگر هنوز نتوانسته‌اند تأییدیه از مراجع قانونگذاری خود دریافت نمایند). چین بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی را به عنوان راهی در جهت رساندن منابع بیشتر برای برطرف نمودن عمیق‌ترین شکاف شناخته شده در بخش سرمایه‌گذاری زیرساخت در آسیا (مقدار آن تا ۸ تریلیون دلار پیشبینی شده است) معرفی نموده است، حال آنکه همچنین این بانک به طور گسترده‌ای به عنوان واکنشی به تلاش‌های متوقف شده برای اعطای قدرت بیشتر به کشورهای در حال توسعه در مدیریت نهادهای برتون وودز در نظر گرفته می‌شود.

در حالی که چین اعلام نموده است که قدرت و تور رسمی در بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی نخواهد داشت، پکن سهمی در حدود ۳۰ درصد در این بانک داشته و بر اساس مفاد توافقنامه این نهاد، ۷۵ درصد حمایت به منظور تصمیم‌گیری در خصوص سیاست‌های عمده عملیاتی و مالی مورد نیاز است. همچنین بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی دارای استانداردهای منطقه‌ای آشکاری است که بر این اساس ضروری است تا اعضای منطقه‌ای حداقل ۷۵ درصد سهم بانک را دارا باشند. دولت‌های منطقه‌ای ۹ عضو از ۱۲ عضو هیأت مدیره را انتخاب خواهند نمود.

نمایندگان دولت‌های در حال توسعه در نهادهای برتون وودز که محرک ایجاد بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی بوده‌اند، همچنین در خصوص اعلام بانک توسعه نوین در اجلاس سران بریکس در ماه ژوئیه سال ۲۰۱۴ همکاری نموده‌اند. بانک توسعه نوین ۵۰ میلیارد دلار از سرمایه اولیه خود (در ابتدا هر کشور با سهمی برابر شرکت نمودند) را با هدف گسترش آن تا ۱۰۰ میلیارد دلار وارد نموده است. این بانک به‌طور رسمی در ماه ژوئیه سال ۲۰۱۵ با هدف گزینش پروژه‌های قابل اجرا برای مطالعه تا پایان سال شروع به کار نمود. طبق گزارشات ارائه شده، اولین سرمایه‌گذاری بانک توسعه نوین بر حسب رنمینی ۳۰ چین انجام خواهد شد. چین آشکارا بانک توسعه نوین را مکانیسم سرمایه‌گذاری مهمی برای پروژه‌های مرتبط با جاده ابریشم بر می‌شمارد. با این حال، نظریه پردازان چینی، بر محدودده اختیار این بانک در تأمین مالی «توسعه پایدار» در کشورهایی که با مشکلات مالی مواجه هستند و بر این واقعیت که بانک توسعه نوین توسط پنج شریک برابر اداره خواهد شد به عنوان دلایلی تأکید

می‌نماید که چین در هدایت سرمایه‌گذاری‌های خود به سمت و سوی پروژه‌های زیربنایی ابتکار «یک کمربند، یک جاده» با دشواری بیشتری روبرو خواهد بود.

در نهایت، چین سازمان همکاری شانگهای (SCO)<sup>۳۱</sup> را تحت فشار قرار داده است تا نهادی مالی که جریان تأمین بودجه اضافی را برای پروژه‌های ابتکار «یک کمربند، یک جاده» فراهم آورد، ایجاد نماید. روسیه، از لحاظ تاریخی، در خصوص پتانسیل یک بانک توسعه در چارچوب سازمان همکاری شانگهای، که قدرت نفوذ چین را در آسیای مرکزی افزایش دهد، نگران بوده است، لیکن به نظر می‌رسد این حرکت در حال تغییر است. در ماه مارس سال ۲۰۱۵، دبیر کل سازمان همکاری شانگهای، آقای دمیتری مزنتسف<sup>۳۲</sup> اظهار نمود که ممکن است این سازمان «استراتژیهای توسعه خود را با استراتژی جاده ابریشم پیوند دهد و از تمامی اعضا دعوت می‌شود تا در این طرح ابتکاری مشارکت نمایند». چهار ماه پس از آن، رئیس‌جمهور شی و رئیس‌جمهور روسیه، ولادیمیر پوتین، توافق نمودند تا در راستای یکپارچه نمودن کمربند اقتصادی جاده ابریشم با اتحادیه اقتصادی اوراسیا (EEU)<sup>۳۳</sup>، با استفاده از سازمان همکاری شانگهای به عنوان پایگاه هماهنگی، حرکت نمایند. به نظر می‌رسد پکن، سازمان همکاری شانگهای، سازمانی که به طور فزاینده در جستجوی ایفای نقشی بیشتر در امور جهانی است، را مکانیسم اولیه برای حمایت منطقه‌ای از طرح‌های ابتکاری اش بر می‌شمارد. کارشناسان سیاست چین طرح‌هایی برای سازمان همکاری شانگهای به منظور داشتن نقشی مؤثر در ابتکار «یک کمربند، یک جاده» تعریف نموده‌اند. سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۱۲ به افغانستان مقام ناظر اعطا نمود و در ماه ژوئیه سال ۲۰۱۵ عضویت کامل به هند و پاکستان بخشید.

### کریدور اقتصادی چین و پاکستان

رئیس‌جمهور شی، طی دیدار ماه آوریل خود از اسلام‌آباد در سال ۲۰۱۵، به امضای توافقی با پاکستان در راستای سرمایه‌گذاری ۴۶ میلیارد دلاری در پروژه‌های زیربنایی و انرژی نظارت نمود، که عظیم‌ترین سرمایه‌گذاری اقتصادی این کشور در کشوری دیگر برای حمایت از توسعه کریدور اقتصادی چین - پاکستان (CPEC)<sup>۳۴</sup> تا به امروز است. طرح کریدور اقتصادی چین - پاکستان که ابتدا در ماه مه سال ۲۰۱۳ اعلام شد، بزرگترین پروژه ابتکار «یک کمربند،

31. Shanghai Cooperation Organization (SCO)

32. Dmitry Mezentssev

33. Eurasian Economic Union

34. China-Pakistan Economic Corridor



یک جاده» نامیده شده است. از میزان تعهد ۴۶ میلیارد دلاری، ۱۲ میلیارد دلار برای زیرساخت‌ها و ۳۴ میلیارد دلار برای پروژه‌های انرژی (از جمله سد جهلوم که پیش از این از آن سخن گفته شد) تخصیص یافت. کارشناسان چینی، کریدور اقتصادی چین - پاکستان را تلاشی در جهت افزایش انعطاف‌پذیری اقتصادی پاکستان و ترغیب ثبات و همچنین راهی برای کاهش وابستگی چین به نفتی که از طریق تنگه مالاکا از خاورمیانه به چین می‌رسد، توصیف می‌نمایند.

طرح‌های ابتکاری کریدور اقتصادی چین - پاکستان، به طور گسترده‌ای از طریق وام‌هایی که سیاست چین و بانک‌های دولتی آن (به ویژه بانک توسعه چین، بانک صنعت و تجارت چین و بانک صادرات واردات چین) به شرکت‌های چینی اعطا می‌شود و سپس توسط این شرکت‌ها در پروژه‌ها به صورت ریسک تجاری، سرمایه‌گذاری می‌گردد، تأمین می‌شود. کارشناسان سیاست چین مدعی هستند که تمرکز چین در آینده نزدیک، بر توسعه زیربنای الکتریکی پاکستان و ایجاد پارک‌های صنعتی خواهد بود.

در صورت اجرای طرح‌های مورد نظر، همانگونه که در خصوص آنها برنامه‌ریزی شده است، توافق میان چین و پاکستان، این توان بالقوه را دارد تا تولید برق پاکستان را تا ۶ سال آتی به دو برابر برساند. این طرح خواستار سرمایه‌گذاری ۱۵/۵ میلیارد دلاری در پروژه‌های انرژی زغالسنگ، آبی، خورشیدی و بادی است تا ۱۰۴۰۰ مگاوات برق را به شبکه ملی تا سال ۲۰۱۸ بیافزاید. همچنین برای افزایش ۶۱۲۰ مگاوات بیشتر (۱۸/۳ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری بیشتر) تا سال ۲۰۲۱ نیز برنامه‌ریزی شده است. پاکستان اعلام نموده که معتقد است پروژه‌های خورشیدی و بادی طی ۶ تا ۱۲ ماه تکمیل خواهند شد، حال آنکه پروژه‌های زغالسنگ طی بازه سه سال آینده به اتمام خواهند رسید. در ماه ژوئیه سال ۲۰۱۵، اخبار حاکی از آن است که دولت شریف به دنبال طرح نمودن ۲۹ پارک صنعتی و ۲۱ منطقه پردازش صنعتی معدنی است که در سرتاسر چهار استان پاکستان پراکنده هستند.

در حالی که ناظران بین‌المللی در ابتدا نگاهی تردیدآمیز نسبت به برنامه‌های چین برای ساخت حدوداً ۳۰۰۰ کیلومتر جاده، راه آهن، خطوط لوله نفت و پروژه‌های انرژی مرتبط با سینکیانگ و گوآدار طی ۱۵ سال آتی داشته‌اند، لیکن به نظر می‌رسد خاص بودن طرح‌هایی که به تازگی اعلام شده‌اند، دیدگاه بسیاری را تغییر داده است.

تردید قابل توجهی در خصوص ظرفیت کشور پاکستان در سرمایه‌گذاری در مقیاس پیشنهادی چین به همراه نگرانی‌هایی در خصوص در هم شکستن احتمالی نظام سیاسی پاکستان، باقی خواهد ماند. در حال حاضر اطلاعیه کریدور اقتصادی چین - پاکستان، منجر به ایجاد

درگیری با استان‌های خیبر پختونخوا<sup>۳۵</sup> و بلوچستان شده است که مدعی این موضوع هستند که دولت پنجاب که تحت کنترل نخست وزیر نواز شریف است، در تلاش است تا مسیرها را از طریق پنجاب اولویتبندی نماید. با این حال، نظر کلی وجود دارد که معتقد است چنانچه چین فقط بخش کوچکی از آنچه پیشنهاد داده است، اجرا نماید، سود بالقوه بسیاری برای کشور پاکستان در بر خواهد داشت. همچنین اجماع روزافزونی در خصوص این موضوع وجود دارد که علیرغم موانع عمده، پکن به جد آماده اجرای تعهد خود در تأمین سرمایه اقتصادی و سیاسی برای این چالش است.

دانشمندان چینی بارها ادعا نموده‌اند که تلاش‌های توسعه‌ای آنها، موفقیت افزونتری را نسبت به کوشش آمریکاییها طی دهه گذشته، به اثبات خواهد رساند، چرا که روابط چین با پاکستان بر مبنای توسعه است، حال آنکه روابط ایالات متحده آمریکا با پاکستان مبتنی بر مسائل امنیتی است. علاوه بر این، آنها همچنین ادعا می‌نمایند، مقیاس سرمایه‌گذاری‌های چین نقش آنها را احتمالاً در تحول اقتصاد پاکستان در مقابل تقریباً ۵ میلیارد دلار کمک‌های غیرنظامی ایالات متحده آمریکا به واسطه قانون کری-لاگر-برمن<sup>۳۶</sup> مؤثرتر می‌نماید.

برخی از ناظران بین‌المللی اینگونه استدلال می‌نمایند که چین موانع رو در روی خود در پاکستان را کم اهمیت جلوه می‌نماید. مقرر شده است بخش عمده از سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی از طریق خیبر پختونخوا و بلوچستان؛ دو استان به شدت ناامن و سیاسی پاکستان، اجرا گردد. بلوچستان که بندر گوادار<sup>۳۷</sup> در آن قرار گرفته است، در معرض چالش‌های فوق‌العاده قابل توجهی قرار دارد. این استان با مخالفت‌هایی از سوی جنبش‌های جدایی طلب و خشم عمومی اهالی محلی نسبت به سرمایه‌گذاری‌های چین، از جمله مورد حمله قرار دادن کارگران چینی، روبرو است. در حقیقت، طبق گزارشات موجود، چین تا کنون حمایت خود از شش پروژه مرتبط با حوزه انرژی در پاکستان را طی سال گذشته، سلب نموده است. کارشناسان چینی، نه تنها چالش‌هایی که پکن در پیاده‌سازی دستور کار خود در پاکستان با آن روبرو خواهد بود را تصدیق می‌نمایند، بلکه همچنین کریدور اقتصادی چین - پاکستان را ابزاری مهم در ترغیب ثبات در پاکستان بر می‌شمارند.

موفقیت کریدور اقتصادی چین - پاکستان به میزان بسیار زیادی مشروط به توانایی پاکستان

35. Khyber-Pakhtunkhwa

36. Kerry\_Luger\_Berman

37. Gwadar

در تضمین امنیت و ثبات در امتداد مسیر طراحی شده است. رئیس ستاد کل ارتش پاکستان، ژنرال رهایل شریف<sup>۳۸</sup> در سخنرانی در خصوص کریدور اقتصادی چین - پاکستان، متعهد شد که نیروهای مسلح آماده هستند تا این رؤیای مطلوب دیرین را به هر بهایی به واقعیت تبدیل نمایند. کشور پاکستان به منظور پاسخ به نگرانی‌های موجود اعلام نموده است که ۱۲۰۰۰ نیروی امنیتی مقتدر را به طور ویژه برای پشتیبانی از کارگران و تکنسین‌های چینی مستقر خواهد نمود. کارشناسان چینی و ناظران بین‌المللی متعددی پیشنهاد نموده‌اند تا پکن به طور ضمنی وعده خود در خصوص سرمایه‌گذاری را مستلزم به این انتظار نماید که پاکستان نقشی سازنده در پیشبرد افغانستان بازی خواهد نمود. طبق گزارش‌های موجود، چین این انتظارات را به طور فزاینده‌ای در مذاکرات خود با دولت پاکستان طی سال گذشته اظهار نموده است. رئیس‌جمهور شی، طی دیدار خود از پاکستان در ماه آوریل، علناً اعلام نمود که کشور چین، پاکستان را در اجرای نقشی سازنده در موضوع افغانستان حمایت خواهد نمود و با این کشور در راستای پیشبرد روند سازش و انتقال آرام در افغانستان همکاری خواهد کرد.

به نظر می‌رسد پکن همزمان اطمینان دارد که تنها تکیه بر پاکستان به منظور تضمین امنیت کارگران چینی و ثبات منطقه‌ای کافی نیست. در حالی که پاکستان آشکارا جنبش اسلامی ترکستان شرقی (ETIM)<sup>۳۹</sup> را هدف قرار داده است، گروه شبه نظامی اویگور<sup>۴۰</sup> به عنوان مسئول یک سری از حملات به سرزمین چین شناسایی شده است، این کشور (چین) از این موضوع که کار چندانی در این خصوص انجام نگردیده، ناامید شده است. چین حداقل از دهه ۱۹۹۰، خطوط ارتباطی با گروه‌های جهادی مستقر در پاکستان، که در ابتدا توسط ISI تسهیل می‌گردید، با هدف عمده نفی حمایت از شبه نظامیان اویگور در افغانستان و پاکستان، پیگیری می‌نماید. همچنین چین در جهت منزوی نمودن گروه شبه نظامی اویگور در این منطقه و منصرف نمودن دیگر گروه‌های افراطی از ارائه کمک به آنها، همکاری طولانی مدتی با پاکستان داشته است. به همان اندازه که چین به طور فزاینده سیاست خود در قبال افغانستان را خارج از رابطه‌اش با پاکستان گسترش می‌دهد، همچنین پیگیری روش‌های بیواسطه‌تر اعمال فشار به شبه نظامیان اویگور در منطقه از جمله تعامل مستقیم با افغانستان را آغاز نموده است.

38. Rhaeel Sharif

39. East Turkestan Islamic Movement (ETIM)

40. Uighur

## تعهد چین به افغانستان

اگر چه از افغانستان به ندرت در اظهارات/بیانیه‌های دولت چین در خصوص کمربند اقتصادی جاده ابریشم، نام برده می‌شود، اما این کشور هرگز خارج از این موضوع قرار ندارد. همانگونه که پکن به دنبال افزایش یکپارچگی در آسیای مرکزی و جنوبی به منظور حمایت از توسعه و ثبات در سین گیانگ است، این کشور ناظر بر وخامت اوضاع امنیتی در این منطقه به عنوان یکی از بالقوه‌ترین خطرات برای طرح‌هایش است. بحث و گفتگو با دانشمندان چینی بیان‌گر این است، در حالی که توافق کلی در خصوص اهمیت ثبات در افغانستان برای موفقیت پکن در بلندپروازی‌های اقتصادی‌اش در منطقه وجود دارد، بر سر نقشی که افغانستان می‌بایست در طرح‌های چین بازی نماید، اجماع وجود ندارد. همزمان، آشکارا پکن تصمیم گرفته است تا نقشی بیشتر در افغانستان؛ نه تنها از نظر اقتصادی، بلکه نقشی با ظرفیت سیاسی و امنیتی بر عهده بگیرد.

از زمان مداخله ایالات متحده در افغانستان در سال ۲۰۰۱، چین تلاش نموده است تا از وارد شدن به درگیری در این کشور خودداری نماید. در حالی که پکن در استمرار دولت به رهبری طالبان سرمایه‌گذاری ننموده است (در نهایت طالبان با ایجاد اردوگاه‌های آموزش نظامی اویگور در خاک خود توافق نمودند)، اما این کشور معتقد است از پیوستن به تلاش‌ها برای مقابله با این گروه، چیزی عاید آن نمی‌گردد. بخشی از این موضوع از دیدگاهی نشأت می‌گیرد که اغلب در پکن به آن معتقدند: شریک ایالات متحده در افغانستان بودن سبب خواهد شد تا چین هدف بزرگتری برای افراط‌گرایان گردد. در سرتاسر این درگیری، چین تلاش نمود تا کانالهایی را که با رهبران طالبان در پاکستان ایجاد نموده بود، حفظ نماید (این روابط هنگامی که این گروه هنوز در مسند قدرت قرار داشت، ایجاد شده بود)، در حالی که، علاوه بر این، به دنبال گسترش روابط دو جانبه با حکومت جدید افغانستان در کابل بود.

بنابر گزارش‌ها، برخی از رهبران چین معتقدند چنانکه ایالات متحده در افغانستان درگیر نمی‌شد، منابع به مراتب بیشتری را برای مهار چین به کار میبرد. تحلیل‌گران چینی اظهارات دولت ایالات متحده در خصوص موازنه مجدد (یا محور) به سوی آسیا را به عنوان پیام کدگذاری شده نسبتاً آشکاری تفسیر می‌نمایند که به طرح‌هایی در خصوص مهار رشد چین مربوط می‌گردد. در حالی که پکن نگران تهدید ناشی از افزایش بی‌ثباتی در آسیای مرکزی است، بسیاری از مقامات رسمی چین، این چشم‌انداز توجه آزادانه ایالت متحده نسبت به چین را یک چالش استراتژیک مهم‌تر در نظر می‌گیرند. به شیوه‌های مختلف، پیام واشنگتن این برداشت را تقویت می‌نماید.

در مقابل، در حالی که چین قدردان معطوف نمودن تمرکز ایالات متحده به غیر از آسیای شرقی است، هنوز نگرانی‌هایی در این خصوص وجود دارد که واشنگتن طرح‌های منطقه‌ای بلندمدتی برای زیرساخت‌های نظامی در آسیای مرکزی دارا است. تنی چند از مقامات رسمی چین اظهار بدگمانی خود را به این موضوع ابراز نموده‌اند که سازمان سیا (CIA) به دنبال استفاده از پایگاه خود در منطقه برای تحریک تنش‌ها در سینکیانگ است. یکی از نتایج این نگرانی متضاد، این است که ایالات متحده فشاری از سوی پکن برای خروج نیروهای خود از منطقه احساس می‌نماید - اما در عین حال به نظر می‌رسد چین تمایل ندارد مانع از تصورات واشنگتن گردد که به ایجاد محیط امنیتی کمک می‌نماید و چنین کاهشی در نیروها را امکانپذیر می‌سازد.

مقامات چینی بارها نگرانی خود در خصوص اینکه سرمایه‌گذاری‌های اولیه این کشور در افغانستان، چگونه در ایالات متحده به تصویر کشیده می‌شود را اعلام نموده‌اند. حساسیت بسیاری در خصوص اتهاماتی مبنی بر اینکه چین در حال ایجاد یک بازی قدرت در افغانستان است و یا اینکه به دنبال بهره‌برداری پس از ایالات متحده که این وزنه را بالا برده، باقی مانده است. طبق اظهارات محققان چینی این نوع لفاظی‌ها در خصوص فعالیت‌های چین در افغانستان، این دیدگاه را تقویت می‌نماید که ایالات متحده خود را در رقابت منطقه‌ای با چین با حاصل جمع صفر در نظر می‌گیرد.

به نظر می‌رسد پکن علیرغم آوازه چین در خصوص سرمایه‌گذاری با ریسک بالا، تاریخچه سرمایه‌گذاری اخیر خود در افغانستان را محتاطانه می‌نگرد. افغانستان در سال ۲۰۰۷، به یک کنسرسیوم چینی متشکل از شرکت گروه متالورژی چین (MCC)<sup>۴۱</sup> و مس جانگشی<sup>۴۲</sup>، که هر دو دولتی هستند، ۳ میلیارد دلار اجاره‌نامه سی ساله اعطا نمود تا معادن مس را در مس آیناک<sup>۴۳</sup>، مکانی که گمان می‌رود دومین و بزرگترین ذخیره مس جهان را در بر دارد، توسعه دهند. این توافق امکان دسترسی چین به ذخایر معدنی بسیار مهمی را فراهم می‌آورد و برای دولت افغانستان نیز منبع عمده درآمد خواهد بود. وعده داده شده بود این همکاری، بیشتر از سایر سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در افغانستان تا آن تاریخ، پیش برود و برای دولت افغانستان ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلیون دلار به صورت حق امتیاز و پرداخت مالیات تأمین نماید که پتانسیل افزایش تولید ناخالص داخلی این کشور را تا حدود ۱/۲ میلیارد دلار دارا بود. بانک جهانی تخمین زده

41. China Metallurgical Group Corporation (MCC)

42. Jangxi Copper

43. Mes Aynak

است که این پروژه دست کم ۴۵۰۰ شغل مستقیم و ۷۶۰۰ شغل غیر مستقیم ایجاد نماید. علاوه بر این، چین توافق نموده است تا خط راه آهنی که امکان انتقال مواد معدنی استخراج شده در سایت به پاکستان و ازبکستان داشته باشد، و همچنین یک نیروگاه برقی ۴۰۰ مگاواتی، یک کارخانه ذوب جهت تصفیه سنگ معدن مس، یک معدن زغال سنگ و حتی جاده و مدرسه را ایجاد کند.

این پروژه تقریباً از زمان آغاز برای دولت افغانستان و سرمایه‌گذاران چینی مایوس‌کننده بوده است. ناظران بین‌المللی، شرکت گروهی متالورژی چین (MCC) را به وعده وعید در پیشنهاد قیمت متهم نمودند، در حالی که این شرکت به مجموعه‌ای از موانع غیرقابل پیش‌بینی؛ از جمله نفع جهانی در حفظ اکتشافات باستانشناسی در محل و نزاع سیاسی بر سر قانون معادن در کابل، اشاره نموده بود. سقوط قیمت جهانی مس، کاهش سرعت رشد اقتصاد چین و وخامت اوضاع امنیتی در افغانستان، این مسائل را پیچیده‌تر نموده است. سایت مس آیناک و مناطق اطراف آن نیز هدف حملات قرار گرفته‌اند. در سال ۲۰۱۴، شرکت گروه متالورژی چین (MCC) به طور موقت کارگران چینی خود را به سبب مسائل امنیتی از سایت خارج نمود. در سال‌های بعد، یکن به دنبال مذاکره مجدد بر سر شرایط قرارداد بوده است. طبق گزارشات موجود، شرکت گروه متالورژی چین (MCC) تلاش نموده است تا از تعهدات خود در خصوص ساخت نیروگاه، خط راه آهن و کارخانه ذوب مس، با استناد به کمبود فسفات محلی، شانه خالی نماید. این موضوع امکان اجرای طرح هند در خصوص استخراج معدن سنگ آهن در بامیان را که وابسته به سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی طرح شده از سوی چین است، زیر سؤال خواهد برد. همچنین شرکت گروه متالورژی چین (MCC) خواستار کاهش در پرداخت‌های مربوط به حق امتیاز از میزان توافق شده ۱۹/۵ درصد به حدود ۱۰ درصد است که پیامد این امر سبب تقریباً ۱۱۴ میلیون دلار کاهش در آمد سالانه برای دولت افغانستان است. در ماه ژوئن سال ۲۰۱۵، وزیر معادن افغانستان، دایواد شاه صبا<sup>۴۴</sup>، اظهار نمود که وی به دنبال ارزیابی مجدد قرارداد مس آیناک است و امکان تجدید نظر در این پیشنهاد وجود دارد.

دولت افغانستان به معامله استثنایی با بهره بردن از موفقیت این پروژه ادامه می‌دهد و مشتاق به آغاز این پروژه در اسرع وقت است. در همین حال، شرکت گروه متالورژی چین (MCC) به دنبال به تعویق انداختن سرمایه‌گذاری‌های بیشتر تا زمانی است که فضای پس از افت ناتو روشنتر گردد. رئیس‌جمهور افغانستان، اشرف غنی، به منظور افزایش پشتیبانی امنیتی در اطراف تأسیسات مس آیناک تعهداتی را قبول نموده است و به دنبال ایجاد جاذبه برای دولت چین و

جامعه بازرگانان برای افزایش سرمایه‌گذاری‌ها در منابع معدن افغانستان است. در سال ۲۰۱۲، یک شرکت دولتی چینی دیگر؛ شرکت ملی نفت چین، حق توسعه میدان نفتی در حوزه امور دریا در شمال افغانستان را کسب نمود.

رئیس‌جمهور غنی، جهت‌گیری‌های رئیس‌جمهور اسبق این کشور به سوی پکن را افزایش داده و روابط نزدیک‌تر اقتصادی، امنیتی و سیاسی با چین را به اولویت مهمی تبدیل نموده است. علاوه بر اولین دیدار رسمی خود در دوران ریاست جمهوری از چین، وی از زمان احراز مقام، چندین طرح به پکن ارائه نموده و از «سیاست واحد»<sup>۴۵</sup> (در خصوص تبت، سینکیانگ و تایوان) حمایت کرد. اداره امنیت ملی افغانستان نیز اقداماتی در خصوص اطمینان حاصل نمودن از اینکه پکن از دستگیری شبه‌نظامیان اویگور توسط نیروهای افغان آگاهی دارد، انجام داده است؛ از جمله اینکه «بادقت برای مقامات چینی سوابقی را ارائه می‌نماید که به طرح شواهدی می‌پردازند که شبه‌نظامیان به اردوگاه‌های آموزشی اسلام‌گرایی در داخل پاکستان بازگشته‌اند». همچنین افغانستان تعدادی از شبه‌نظامیان اویگور به اسارت گرفته شده را به زندان چین انتقال داده است.

رئیس‌جمهور غنی در تلاش است تا چین را در خصوص اعمال فشار بر پاکستان متقاعد نماید تا این کشور طالبان را به پای میز مذاکره با دولت افغانستان بکشاند. پکن به طور فزاینده‌ای نقشی بی‌واسطه‌تر در تسهیل روند صلح میان کابل و طالبان افغانستان بر عهده دارد. چین در سال ۲۰۱۴، نماینده ویژه‌های در خصوص روابط افغانستان و چین برگزید و میزبان چهار نشست وزرای فرآیند استانبول (قلب آسیا)<sup>۴۶</sup> بود. چین همچنین گفتگوهای سه‌جانبه با افغانستان و پاکستان، و ایالات متحده را فراهم نموده است. وزیر امور خارجه، وانگ یی<sup>۴۷</sup>، اظهار نموده است که چین آماده بر عهده گرفتن نقشی سازنده است و امکانات لازم را در هر زمان در صورت نیاز احزاب مختلف در افغانستان فراهم خواهد کرد. چین تا کنون میزبان دو هیئت نمایندگی طالبان در سال ۲۰۱۵ بوده است که نشستی در ارومچی شامل هیئت نمایندگی دولت افغانستان و نمایندگان سازمان اطلاعات داخلی پاکستان (ISI)<sup>۴۸</sup> از این جمله هستند. مقامات چینی و ایالات متحده نیز به عنوان ناظر در مذاکرات ماه ژوئیه سال ۲۰۱۵، میان دولت افغانستان و طالبان در موریه<sup>۴۹</sup> پاکستان، شرکت نموده‌اند.

45. One China Policy

46. Ministerial Meeting of the Istanbul Process (Heart of Asia)

47. Wang Yi

48. Inter-Services Intelligence (ISI)

49. Murree

پکن در طی سفر رئیس‌جمهور غنی در سال ۲۰۱۴، نسبت به ۳۲۷ میلیون دلار (معادل ۲ میلیارد رنمینی) کمک مالی تا سال ۲۰۱۷ متعهد گشت و همچنین در خصوص سرمایه‌گذاری‌های جدید و آموزش ۳۰۰۰ تن از مقامات افغانی و نیروی پلیس طی ۵ سال آتی وعده داد. به تازگی، رئیس‌جمهور شی نسبت به افزایش همکاری امنیتی با کابل و فراهم نمودن امکانات امنیتی، فن‌آوری، تجهیزات و کمک‌های آموزشی متعهد گشته است. کارشناسان چینی همچنین بر این موضوع تأکید می‌نمایند که نگرانی در خصوص وضعیت فعلی امنیت وجود دارد، اما چین علاقه‌مند به فرصت سرمایه‌گذاری بلندمدت در افغانستان است.

### مرز غربی چین

منافع چین در افغانستان به طور مستقیم با نگرانی‌های این کشور در خصوص سین کیانگ پیوند خورده است و این استان از نظر جغرافیایی در تلاش‌های این کشور برای گسترش روابط اقتصادی در آسیای مرکزی مهم است. علاوه بر اینکه این استان تنها استانی است که مرز مشترک با پاکستان دارد (با کشمیر پاکستان)، همچنین با تاجیکستان، قرقیزستان، قزاقستان، روسیه، مغولستان، کشمیر هند و افغانستان نیز هم مرز است. تضمین ثبات در سین کیانگ هم هدف و هم شرط لازم برای بلندپروازی‌های کمر بند اقتصادی جاده ابریشم چین است. در سال‌های اخیر، حملات فزاینده‌ای به غیر نظامیان در سین کیانگ رخ داده است و همچنین رشت‌های از حملات تروریستی سطح بالا در دیگر شهرهای بزرگ، از جمله حمله به ایستگاه راه‌آهن در کونمینگ<sup>۵۰</sup> در سال ۲۰۱۴، اتفاق افتاده است. این موضوع، منبع اختلاف مهمی در روابط دو جانبه چین و ایالات متحده گشته و چین ایالات متحده را به داشتن «استاندارد دوگانه»<sup>۵۱</sup> در خصوص تروریسم متهم نموده و ایالات متحده نگرانی‌های خود را در مورد اقدامات دولت چین در مناطق اویگور ابزار کرده است.

چین تلاش می‌نماید تا در برابر ظهور افراط‌گرایی مقابله نماید. به عنوان بخشی از «کمپین ضربه سخت»<sup>۵۲</sup> یک‌ساله و به منظور هدف قرار دادن افراط‌گرایان و جدایی طلبان، دادستان‌های این کشور بازداشت‌های جنایی را در سینکیانگ تا ۹۵ درصد در سال ۲۰۱۴ افزایش دادند. دولت مرکزی نیز در پی حمایت از ادغام اویگورها در فرهنگ ملی چین است. تحت ریاست جمهوری شی، پکن سیاست‌هایی را دنبال می‌نماید که هدف آنها گسترش فرصت‌های

50. Kunming

51. double standard

52. Strike-Hard Campaign



اقتصادی برای اویگورها است. در همین زمان، دولت مشوق‌هایی را برای ترغیب افزایش مهاجرت هانها<sup>۵۳</sup> به سینکیانگ و مهاجرت اویگورها به استان‌های تحت تسلط هانها فراهم نموده است تا تفاهم متقابل میان گروه‌های مختلف قومی را افزایش دهد و روابط میان آنان را تقویت نماید. چندین تن از محققان چینی این دیدگاه را عرضه نموده‌اند که این کشور امیدوار است از طریق دلسرد نمودن در مورد - و گاهی اوقات ممنوعیت - ابراز عقاید اسلامی، سطح کلی افراط‌گرایی را کاهش دهد. این امر شامل محدود نمودن آموزش‌های مذهبی، سیاست‌هایی که مانع از روزه‌داری بخشی از مردم طی ماه رمضان می‌گردد و ممنوعیت پوشش برقع در مرکز سینکیانگ، می‌شود.

دانشمندان و سیاستگذاران چینی به شدت در خصوص تأثیر گروه‌های افراط‌گرایی اویگور مستقر در خارج نگران هستند. در حالی که دولت چین در خصوص افراط‌گرایی که در خارج از کشور آموزش دیده‌اند و اقدام به حمله به چین میکنند، ابراز نگرانی می‌نماید، گفته می‌شود تعداد واقعی شبه‌نظامیان اویگور در افغانستان و پاکستان بسیار کم است (به طوری که برخی تخمین زده‌اند در حدود ۴۰ تا ۸۰ نفر در پاکستان هستند). بسیاری از کارشناسان سیاست چین اظهار می‌نمایند که بزرگترین تهدید وارد شده توسط گروه‌های خارجی، ایدئولوژیک است که به طور گسترده‌ای از طریق پایگاه‌های آنلاین منتشر می‌گردد.

نگرانی‌ها در خصوص تأثیرات بی‌ثبات‌کننده و بالقوه افغانستان بر سین کیانگ، به همراه ارزیابی مجدد و تدریجی برنامه‌ریزی نظامی ایالات متحده، رویکرد پکن نسبت به ایالات متحده و افغانستان را تغییر داده است. همانگونه که وزیر امور خارجه چین، وانگ لی، در دیدار خود از کابل در سال ۲۰۱۴ اعلام نموده است، چین معتقد است «صلح و ثبات افغانستان بر امنیت غرب چین مؤثر است و از آن مهم‌تر، بر آرامش و توسعه تمامی منطقه تأثیر گذار است». از اینرو، مقامات چینی، دیگر به دنبال خروج سریع ایالات متحده از افغانستان نیستند و بیشتر ابراز نگرانی می‌نمایند که ممکن است ترک این کشور بیش از اندازه سریع باشد.

## جاده ابریشم جدید و تعامل با ایالات متحده در آسیای مرکزی

در سال ۲۰۱۱، ایالات متحده آمریکا، ابتکار جاده ابریشم جدید (NSRI)<sup>۵۴</sup> خود را منتشر نمود که این طرح در نظر داشت تا آسیای مرکزی را از طریق افغانستان به هند و پاکستان متصل نماید. هدف نهایی حمایت از ادغام افغانستان در منطقه‌ای گسترده‌تر و ایجاد رشد در اقتصاد افغانستان بود. این طرح در حوزه زیرساخت‌های انرژی و حمل و نقل، با کمربند اقتصادی جاده ابریشم جدید چین مشترک است.

از همان آغاز، این طرح ابتکاری با تردید قابل توجهی هم در چین و هم در تمامی منطقه روبرو شد. کارشناسان چینی، به روال معمول، این پروژه را به مثابه تلاشی برای حفظ نفوذ آمریکا در منطقه در زمان خارج نمودن نیروهای این کشور از افغانستان، نمی‌پذیرند. در عین حال، پرسش پکن در این خصوص است که آیا واشنگتن تمایل دارد تا به سرمایه‌گذاری سیاسی و اقتصادی مورد نیاز برای حمایت از تلاشی عمده متعهد گردد. این دیدگاه به واسطه این واقعیت که به نظر می‌رسد برخی از طرح‌های عمده ابتکار جاده ابریشم جدید، از جمله خط لوله دائمی ترکمنستان-افغانستان-پاکستان-هند، متوقف خواهد شد، تقویت می‌گردد. ترکمنستان اعلام نموده است ساخت سهم این کشور از این خط لوله در دسامبر سال ۲۰۱۵ آغاز می‌گردد.

به نظر می‌رسد پکن انتظار دارد از هماهنگ نمودن تلاش‌های خویش در آسیای مرکزی با ایالات متحده هیچ سودی به دست نیآورد. این کشور گمان می‌نماید ایالات متحده تنها در زمانی که خواهان تأثیرگذاری بر چین است، تمایل به تعامل با این کشور دارد (یک اصلاح متداول این است که برای هماهنگی می‌بایست هماهنگ شد). همچنین، این نگرانی وجود دارد که هر منبعی که در افغانستان آزاد می‌گردد می‌تواند به سوی محدود نمودن چین مجدداً هدایت گردد. با این حال، ایالات متحده و چین، دارای برخی منافع هم‌تراز در منطقه مشترک هستند. اقدامات مقدماتی که توسط ایالات متحده در تلاش‌هایش برای اتصال افغانستان به همسایگانش انجام می‌گردد و همچنین دانش سازمانی بدست آمده، می‌تواند برای طرح‌های چین ارزشمند باشد.

همچنین، درگیر نمودن چین در برنامه‌ریزی ایالات متحده در خصوص ابتکار جاده ابریشم جدید در زمره منافع این کشور قرار دارد. چین طرح‌هایی را برای سرمایه‌گذاری قابل توجه در آسیای مرکزی ارائه کرده است. همچنان که ایالات متحده در خصوص تثبیت فساد، حکمرانی

بد و استانداردهای زیست محیطی ضعیف ابراز نگرانی می‌نماید، باید از باز بودن خطوط ارتباطی با پکن، به منظور تضعیف سیاست‌هایی که به این استانداردها آسیب می‌رساند، اطمینان حاصل نماید. ایالات متحده از نقش در حال گسترش چین در افغانستان حمایت می‌نماید و همکاری میان دو کشور از نکات برجسته روابط دو جانبه آنها در سال‌های اخیر بوده است. گرویدن افغانستان به تلاش‌های گسترده منطقه‌ای پکن، سود متقابل برای [هر دو کشور] به همراه دارد. یکی از پیشرفته‌ترین طرح‌های ابتکار جاده ابریشم جدید، پروژه انتقال برق و تجارت آسیای مرکزی آسیای جنوبی<sup>۵۵</sup> یا CASA-۱۰۰۰ است که یک شبکه انتقال برق ۱/۲ میلیارد دلاری است که امکان فروش نیروی برق آبی به افغانستان و پاکستان را برای قرقیزستان و تاجیکستان فراهم می‌آورد. این پروژه حوزه بالقوه جالب توجهی برای همکاری ایالات متحده با چین ایجاد کرده است. بانک جهانی و بانک توسعه اسلامی این پروژه را با بودجه قابل قبولی رهبری می‌نمایند. یک شورای بین دولتی (IGC)<sup>۵۶</sup> در برنامه‌ریزی با نمایندگان چهار کشور شرکت کننده همکاری می‌کند. پس از سال‌ها نزاع در ماه آوریل سال ۲۰۰۵، افغانستان، پاکستان، قرقیزستان و تاجیکستان در نشست شورای بین دولتی در استانبول قراردادهای خرید کلی و خرید برق را امضاء نمودند.

این توافق طرح‌هایی برای یک خط انتقال ترسیم می‌نماید که از قرقیزستان آغاز می‌گردد، از تاجیکستان و افغانستان می‌گذرد و به پاکستان ختم می‌گردد. این خط توانایی انتقال ۱۰۰۰ مگاوات به پاکستان و ۳۰۰ مگاوات به افغانستان را دارد. چنانچه این طرح کاملاً اجرا گردد، به کمبود مداوم انرژی پاکستان کمک می‌نماید؛ به این صورت که برق را در طول ماه‌های تابستان که تقاضای برق در این کشور به صورت ناگهانی افزایش می‌یابد، فراهم می‌کند. انتظار می‌رود افغانستان تقریباً ۴۵ میلیون دلار در هر سال از درآمد انتقال برق به دست آورد. در حال حاضر تکمیل این پروژه برای سال ۲۰۱۸ برنامه‌ریزی شده است.

پروژه انتقال برق و تجارت آسیای مرکزی آسیای جنوبی به طور بالقوه، طرح‌های خاص چین جهت سرمایه‌گذاری قابل توجه در زیرساخت‌های برقی پاکستان را تکمیل می‌نماید. چین در حال حاضر تحقیقات اولیه در خصوص ایفای نقشی در توسعه CASA-۱۰۰۰ انجام داده است. این کشور از سال ۲۰۱۱، در نشست شورای بین دولتی در بیشکک در خصوص این پروژه شرکت نمود. علاوه بر این، شرکت شبکه دولتی چین، بزرگترین شرکت دولتی تأسیسات برق

55. Central Asia South Asia Electricity Transmission and Trade Project

56. Inter-Government Council (IGC)

این کشور، تمایل اولیه جهت مشارکت در این پروژه را اعلام کرد و نماینده‌های به کنفرانس پیشنهاد دهندگان<sup>۵۷</sup> در سال ۲۰۱۳ در آلمانی ارسال نمود.

در صورت ادامه پیشرفت CASA-۱۰۰۰، وزارت امور خارجه ایالات متحده به طور قابل توجهی مشتاق به جلب مشتری برای این ابتکار است که در حال حاضر پرسودترین پروژه در حال اجرای ابتکار جاده ابریشم جدید است. ماهیت چندجانبه این پروژه و نقش پیشرو بانک جهانی، تمایل چین برای همکاری را بیشتر نموده است. رئیس بانک جهانی اشتیاق خویش را برای همکاری با بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی (AIIB) اعلام نمود؛ واقعیتی که توسط رسانه دولتی چین منتشر گردید. این پروژه به شدت با مأموریت اصلی بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی در ارتباطات است و می‌تواند فرصتی برای این نوع از تعهد همکاری را که هر دو طرف ادعای پیگیری آن را دارند، فراهم کند.

حساسیت پکن در خصوص تلاش‌های دولت اوباما به منظور دلسرد نمودن متحدانش از پیوستن به بانک توسعه به رهبری چین، باقی است. رئیس‌جمهور اوباما این موضوع را که ایالات متحده مخالف تأسیس بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی بوده است، انکار نمود، در مقابل، نگرانی‌های ایالات متحده را در مورد شفافیت و حفاظت از محیط‌زیست بیان کرد. کارشناسان چینی، معتقد هستند که این حادثه تضاد واکنشی و اشنگتن را به نقش در حال گسترش چین در نهادهای چند جانبه، آشکار می‌نماید. در حالی که به طور قطع میزانی از شعف ناشی از بی‌اعتنایی به ایالات متحده توسط متحدانش که به این بانک جدید پیوسته‌اند، در پکن وجود دارد، لیکن تمایلی برای درگیر شدن ایالات متحده در بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی مشاهده می‌گردد. پیگیری فرصت‌های سرمایه‌گذاری مشترک برای بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی و بانک جهانی در زمره منافع هر دو دولت است.

در حالی که ممکن است پروژه‌های زیربنایی سرمایه‌بر ابتکار جاده ابریشم جدید مورد توجه بیشتر قرار گیرد، این ابتکار دست‌کم به پرداختن به چالش‌های نظارتی و فنی که در منطقه با آن روبرو است، متمرکز است. اولویت ویژه، تلاش برای ساده و هماهنگ نمودن ساختار ملی گمرکات به منظور کاهش هزینه تجارت است. برنامه‌های تسهیل الحاق و تجارت آژانس ایالات متحده برای توسعه بین‌المللی (USAID)<sup>۵۸</sup> برای افغانستان (TAFI) و TAFII<sup>۵۹</sup>، از

57. Bidders Conference

58. United States Agency for International Development (USAID)

59. USAID's Trade and Accession Facilitation for Afghanistan (TAFI)

سازماندهی مجدد دایره گمرکات افغانستان حمایت نموده تا به کار آمدن ساختن فرآیندهای گمرکی در هفت خط مرزی که افغانستان را در بر می گیرند، کمک نماید که متوسط زمان پردازش را از هشت روز در سال ۲۰۰۹ به تقریباً سه و نیم ساعت در سال ۲۰۱۳ کاهش داده است. همچنین افغانستان در سال ۲۰۱۱، به قرارداد حمل و نقل بین مرزی (CBTA)<sup>۶۰</sup> (که تحت چهارچوب همکاری اقتصادی منطقه‌ای آسیای مرکزی امضا شده بود) میان قرقیزستان و تاجیکستان پیوست، که به منظور کارآمد ساختن گمرکات مرزی و مقررات بازرسی طراحی شده بود. طرح «یک کمر بند، یک جاده» چین، بالا بردن همکاری گمرکی و بهبود قابلیت ترخیص کالا از گمرک را به عنوان اولویت تعیین نموده است. چین در حال حاضر توافقات گمرکی با قزاقستان، روسیه و اتحادیه اروپا را پیگیری می نماید که امکان کاهش قابل توجهی در زمان حمل و نقل ریلی میان چین و اروپا فراهم آورده است. براین اساس ضروری است ایالات متحده و چین تضمین نمایند که استانداردهای گمرکی مکمل - نه رقیب - را ترویج مینمایند.

توسعه راه آهن افغانستان نیز نقطه همکاری بالقوه‌ای برای ایالات متحده و چین است. گسترش زیرساخت‌های حمل و نقل، نقشی عمده در هر دو چشم‌انداز جاده ابریشم چین و ایالات متحده بر عهده دارد که هر دو کشور، توسعه راه آهن را به عنوان راهی برای استخراج مواد معدنی در افغانستان میدانند. در سال ۲۰۱۱، اولین ریل جدید قطار افغانستان پس از دهه ۱۹۲۰؛ مسیری ۷۵ کیلومتری از مزار شریف تا حیرتان در مرز ازبکستان، تکمیل شد. این پروژه را بانک توسعه آسیا (ADB) تأمین سرمایه نمود و توسط مقامات راه آهن ازبکستان اداره شد. از آن زمان، ایالات متحده با دولت افغانستان به منظور توسعه و آموزش مقامات راه آهن این کشور با نظارت وزارت فواید عامه<sup>۶۱</sup> همکاری نموده است. بانک جهانی، بانک توسعه آسیا و فرماندهی مرکزی ایالات متحده (USCENTCOM)<sup>۶۲</sup> مجموعه‌ای از مطالعات امکانات سنجی را در خصوص تعدادی از خطوط راه آهن پیشنهادی در افغانستان، که این کشور را به همسایگانش متصل می نماید، منتشر نمود.

در ماه دسامبر سال ۲۰۰۴ چین، قرقیزستان، تاجیکستان، ایران و افغانستان توافقی را برای توسعه راه آهنی که کاشغر در استان سین کیانگ چین را به هرات و از آنجا به ایران متصل

60. Cross-Border Transport Agreement (CBTA)

61. Ministry of Public Works

62. United States Central Command (USCENTCOM)

می‌کرد، امضاء نمودند. این مسیر از شش استان افغانستان؛ کندز، بلخ، جوزجان، فاریاب، بادغیس و هرات می‌گذرد. این پروژه که به شکل عمده توسط بانک صادرات و واردات چین و بانک توسعه آسیا تأمین مالی شد، به واسطه یک شرکت مشاور ایرانی برای بررسی امکان آن پیگیری می‌شود.

در حالی که ابعاد خط راه آهن پیشنهادی نامشخص است، به نظر می‌رسد این خط همانند مسیر شمالی است که در برخی از گزارشات مورد حمایت ایالات متحده مطرح شده است؛ از جمله گزارش تیم برنامه‌ریزی فرماندهی مرکزی ایالات متحده که متشکل از کارشناسان دولت، دانشگاهیان و صنعت راه آهن ایالات متحده، است. بانک جهانی نیز مطالعه امکان‌سنجی مسیرهای مشابه در سال ۲۰۱۲ را تأمین بودجه کرده است. گزارش بانک جهانی مسیری را میان کندوز و مرز ایران یافته است که بهترین گزینه قابل ملاحظه‌ای است که گفته می‌شود پتانسیل تقویت رشد اقتصادی در سرتاسر مرزهای شمالی افغانستان را دارد. دولت ایالات متحده و متحدانش در خصوص فرصت‌ها، چالش‌ها و خطرات بالقوه توسعه خط آهن در افغانستان سال‌ها تحقیق نموده‌اند و این مسئله وجود دارد که ایالات متحده و چین در چه موضعی می‌باید قرار گیرند تا از همکاری و تبادل اطلاعاتی بهره‌مند گردند.

دولت اوباما بارها بر نقش مثبتی که انتظار دارد چین در افغانستان بازی نمایند، تأکید نموده است. در سخنرانی ماه مارس سال ۲۰۱۵ در مؤسسه بروکینگز، معاون وزیر امور خارجه ایالات متحده، تنی بلینکن<sup>۶۳</sup>، بیان نمود که دولت درگیری چین در آسیای مرکزی را در شرایط «حاصل جمع صفر» نمی‌بیند و سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی چین را به عنوان مکمل سرمایه‌گذاری‌های ایالات متحده میدانند. بلینکن افزود، ایالات متحده نقشی مهم برای چین در حمایت از گذار در افغانستان و پیشبرد ادغام این کشور در کل منطقه آسیا، بر می‌شمارد. چین به طور قابل فهمی در خصوص جدیت ایالات متحده در سرمایه‌گذاری در این زمینه تردید دارد، لکن افغانستان حوزه‌ای است که هر دو کشور برای پیشبرد منافع مشترکشان در آن حضور دارند.

### موانع بالقوه پیش روی «یک کمربند، یک جاده» چین

در حالی که اشتیاق حقیقی در جامعه سیاسی چین برای پتانسیل «یک کمربند، یک جاده» وجود دارد، همچنین نگرانی‌هایی حاکی از توجه اندک به این امر است که چگونه سیاست‌های

منطقه‌ای و داخلی در مرکز و جنوب آسیا می‌توانند طرح‌های چین را تحت تأثیر قرار دهند. در حالی که پکن بارها بر این موضوع تأکید نموده است که ابتکارات جاده ابریشم بر پایه سیاست «بُرد-بُرد» طراحی شده است و به دنبال گسترش حوزه نفوذ چین نیست، لیکن بسیاری از کشورهای همسایه چین در این خصوص بدبین هستند. دیپلمات‌های کشورهای که دولت‌هایشان به طور علنی مدعی حمایت از این چهارچوب هستند، ظاهراً، در خفا نگرانی‌های خود را در خصوص مقاصد چین ابراز نموده‌اند. در محافل سیاسی چین، ایالات متحده و ژاپن همچنان غارتگر محسوب می‌شوند؛ بدون توجه به پویایی درونی کشورهای که چین قصد دارد با آنان شریک گردد.

پکن آگاه است که به واسطه اجرای یک کمربند یک جاده در آسیای مرکزی، به سرعت سران کهنه کار دولت‌هایی که بر جوامع در این منطقه حکومت می‌کنند را درگیر خواهد کرد؛ که این امر می‌تواند مستعد بی‌ثباتی در کوتاه‌مدت تا میان‌مدت باشد. چین در سال ۲۰۰۹ از روسیه پیشی گرفت تا تنها و بزرگترین منبع سرمایه‌گذاری در منطقه باشد و نفوذ سیاسی این کشور به موازات افزایش یافت. آسیای مرکزی همچنان با سطوح بالایی از فساد و فرار سرمایه روبرو است و نگرانی‌های بسیاری در خصوص اینکه آیا این منطقه ظرفیت جذب سطوح سرمایه‌گذاری پیشنهادی را دارا هست یا خیر، وجود دارد. با این حال، «خدمات سرمایه‌گذاران مودی»<sup>۶۴</sup> دریافته است که در حالی که چین خود را بیشتر در معرض بازارهای در حال ظهور قرار خواهد داد، به نظر می‌رسد این ریسک قابل مدیریت است که حائل‌های بیرونی بزرگ چین را معین می‌کند؛ دیدگاهی که میان بسیاری از دانشگاهیان چین مشترک است. در برخی جهات، چین خود را در موقعیت ایفای نقشی واسط در آسیای مرکزی از طریق سازماندهی برخی سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی خود، قرار داده است. یک نمونه، خط لوله آسیای مرکزی-چین است که به عنوان مجموعه‌ای از سرمایه‌گذاری مالکیت مشترک پنجاه پنجاه میان شرکت ملی نفت چین (CNPC) و شرکت‌های دولتی گاز قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان سازماندهی شده است. ممکن است سهم چین، پکن را در مرکز مناقشاتی قرار دهد که از داخل این شبکه نشأت می‌گیرد.

محافل سیاسی چین معتقدند که در حالی که همکاری با روسیه از گذشته بسیار دشوار بوده است، در حال حاضر مسکو بیش از حد وابسته به چین است که نمی‌تواند با ابتکارات اقتصادی پکن در آسیای مرکزی مخالفت نماید. در شرایط تحریم‌های اتحادیه اروپا و کاهش دسترسی

روسیه به بازارهای بین‌المللی سرمایه، این کشور به شدت برای بهبود اقتصاد خود به چین امید دارد. معامله ۴۰۰ میلیارد دلاری سال گذشته، که تحت آن گاز پروم مجتمع گاز طبیعی روسیه، ۳۰ سال گاز طبیعی برای شرکت ملی نفت چین (CNPC) فراهم خواهد کرد، این رابطه را محکم‌تر خواهد نمود. در حالی که نفوذ اقتصادی چین در منطقه در حال افزایش است، پکن بر این نکته تأکید می‌نماید که ابتکار این کشور در رقابت با «اتحادیه اقتصادی اوراسیای» روسیه نخواهد بود. مسئله قابل بحث این است که در نهایت تا چه اندازه روسیه در برابر تلاش‌های چین برای بر عهده گرفتن نقشی بیشتر در جایی که مدت‌ها مسکو آن را حیات خلوت خود می‌پنداشته، مقاومت خواهد نمود.

روی هم رفته، روسیه به طور علنی از این ابتکار استقبال نموده است و آنرا «همکاری در قالب چین و اتحادیه اقتصادی اوراسیا» نامیده است. اطلاعاتی‌های اخیر در خصوص برنامه‌های ادغام کمربند اقتصادی جاده ابریشم با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، و حمایت آشکار برای در نظر گرفتن نقشی بیشتر برای سازمان همکاری شانگهای (SCO) در هماهنگی توسعه اقتصادی در آسیای مرکزی، بیانگر این است که روسیه به دنبال بهره‌برداری از سرمایه‌گذاری‌های چین در منطقه است. در همین حال، روسیه این موضوع را روشن ساخته است که انتظار دارد تا در گفتگوها با آسیای مرکزی نقش داشته باشد که این امر می‌تواند با اولویت تاریخی چین برای همکاری دوجانبه تضاد یابد. همچنین روسیه در جهت افزایش نفوذ سیاسی خود و تضمین نقش محوری خویش در امنیت منطقه از طریق سازمان‌هایی چون سازمان پیمان امنیت جمعی (CSTO)<sup>۶۵</sup>، اقدام نموده است. در حالی که به نظر می‌رسد روسیه، سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی چین در آسیای مرکزی را مفید قلمداد می‌نماید، مسکو به طور قطع به دقت مراقب تجدید گروهبندی سیاسی خواهد بود.

هند نیز کاملاً نسبت به بلندپروازی‌های منطقه‌ای چین بی‌مناک است. بسیاری در دهلی از توسعه یک کمربند یک جاده و بویژه کریدور اقتصادی چین و پاکستان (CPEC) که به ضرر آنها خواهد بود، می‌هراسند. در حالی که هند هم دومین سهامدار عمده در بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا (AIIB) و هم شریک چین در بانک توسعه‌ی نوین بریکس<sup>۶۶</sup> است، این کشور در اظهارات شدیدی اعلام نمود که ابتکار یک کمربند، یک جاده را به عنوان یک تلاش چند جانبه حقیقی نمی‌داند.

65. Collective Security Treaty Organization (CSTO)

66. BRICS New Development Bank



وزیر امور خارجه هند، ابتکار یک کمر بند، یک جاده را یک ابتکار ملی برای چین خواند و بیان نمود اگر این ابتکار طرحی است که چین بخواهد از طریق آن منفعت بیشتری کسب نماید، در این صورت نیاز به مذاکرات بیشتری است که اتفاق نیافتاده است.

از نظر کشورهای شمال، دهلی به دنبال بهره بردن از ابتکار جاده ابریشم نوین است که ممکن است به ایجاد کریدور اقتصادی شمال - جنوب و افزایش دسترسی هند به منابع و بازارهای آسیایی مرکز شود. نخست وزیر مودی<sup>۶۷</sup>، تلاش نموده است تا روابط با کشورهای منطقه را که دریافت کنندگان سرمایه گذاری های عمده چین هستند، بهبود دهد. همچنین هند اعلام نموده است که قصد دارد صندوق خود را با هدف توسعه زیرساخت و افزایش تجارت در جنوب آسیا، تأسیس نماید. در حالی که بطور بالقوه این اقدامی قابل توجه است، اما انتظار می رود این صندوق از یک چهارم اندازه صندوق جاده ابریشم کمتر باشد. هند در واکنش به ابتکار جاده ابریشم دریایی چین، «پروژه مایوسام»<sup>۶۸</sup> را رونمایی نمود که هدف آن احیای مسیرهای تاریخی و تقویت روابط فرهنگی با کشورهای سرتاسر اقیانوس هند است.

نگرانی هند با این واقعیت آمیخته شده است که کمر بند اقتصادی جاده ابریشم پیشنهادی چین از استان گلگت-بالتیستان<sup>۶۹</sup> پاکستان می گذرد که این سرزمین پیش از سال ۱۹۴۷ تحت تسلط مهاراجه کشمیر بود که هند آن را یک مناقشه سرزمینی در نظر می گیرد. وزارت امور خارجه چین، با هند تماس برقرار نموده و پیشنهاد هماهنگ نمودن طرح های ابتکاری اقتصادی دو کشور را ارائه کرده است. سفیر چین در دهلی آشکارا تأکید نمود که پکن هند را شریک ذاتی و برجسته چین در ترویج ابتکارات «کمر بند و جاده» می داند. رئیس جمهور شی، مسئله همکاری بیشتر با هند در چهارچوب ابتکار یک کمر بند، یک جاده را در دیدار با نخست وزیر مودی پیش از اجلاس سران سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۱۵، مطرح نمود. بعید است هند از همکاری فوق العاده نزدیک استقبال نماید، با این حال، نامحتمل نیست که ابتکار خود را در چهارچوب گسترده تر پکن بگنجانند.

کارشناسان و سیاستگذاران چینی به طور گسترده ای اذعان نموده اند، همچنان که این کشور در حال ظهور برای بر ایفای نقشی با نفوذتر در تعداد رو به افزایشی از مناطق است، دستگاہ سیاست خارجی در تلاش برای حفظ سرعت این روند است. دولت چین در حال کار بر

67. Modi

68. Project Mausam

69. Gilgit-Baltistan

روی توسعه بیشتر حوزه کار برای کارشناسان سیاسی در خصوص بسیاری از مناطقی است که منافع دیپلمات‌ها و تجار چینی در آنها قرار دارد که افغانستان از آن جمله است. چندین تن از پژوهشگران چینی خواستار ارزیابی دقیق‌تر چالش‌های امنیتی و سیاسی چین شده‌اند که این کشور در تلاش‌هایش برای پیاده‌سازی ابتکار یک کمر بند، یک جاده با آنها روبرو است و تجارب ایالات متحده در منطقه را به عنوان درس عبرت آموز به تصویر می‌کشد.

### نتیجه‌گیری

فشار چین برای سرمایه‌گذاری در یکپارچگی اقتصادی با کشورهای همسایه‌اش در غرب و جنوب غرب در هنگامی اتفاق افتاده است که ایالات متحده در حال کاهش دادن درگیری نظامی خود در افغانستان است. ابتکار یک کمر بند، یک جاده این پتانسیل را دارد تا افغانستان را در اقتصاد منطقه به گونه‌ای ادغام نماید که ایالات متحده سال‌ها به دنبال آن بوده است و در این راستا، ایالات متحده می‌بایست حامی تلاش‌های چین در آسیای مرکزی باشد. چنانچه دو کشور اجازه دهند تردید متقابل آنها به مسیر همکاری آنان که منافع مشترک آنها را پیش خواهد برد وارد گردد، این فرصت از دست خواهد رفت.

برای ایالات متحده تعهد بستن با چین دارای اهمیت است، لکن اگر این موضوع قابل اجرا شود، ضروری است تا واکنش از این موضوع آگاه باشد که هنوز پکن فعالیت این کشور را در منطقه با هدف محدود نگاه داشتن چین، ملاحظه می‌نماید. ابتکارات ایالات متحده در آسیای مرکزی، که غالباً با اندک توجهی به روابط دو جانبه چین و ایالات متحده در نظر گرفته می‌شود، اغلب در پکن به عنوان بخشی از استراتژی گسترده‌تر ایالات متحده با هدف بازداشتن رشد اقتصادی و نظامی چین، قلمداد می‌گردد.

پکن معتقد است ایالات متحده و متحدانش برای مانع شدن در برابر چین از ایفای نقشی در منطقه متناسب با اندازه و قدرت اقتصادی آن، اقدام نموده‌اند. ایالات متحده این دیدگاه را در ماه‌های اخیر از طریق شکست خود در تصویب اصلاح صندوق بین‌المللی پول و مخالفت متعاقب با بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی تقویت نموده است. در حالی که، ابتکارات جاده ابریشم به عنوان چهارچوب‌های فراگیر و قابل تطبیق در نظر گرفته شده‌اند، این طرح‌ها تا اندازه‌ای، به عنوان راهی برای رسیدگی به این ناهماهنگی درک شده تصور می‌گردد. بنابراین، بعید است پکن نقشی قابل توجهی برای ایالات متحده در نظر بگیرد.

چین علاقمند است تا روابط محکم‌تری با کشورهای همسایه خود ایجاد نماید. مقیاس سرمایه‌گذاری که پکن در حال حاضر مطرح نموده است، تأثیر فوق‌العاده مثبتی بر برخی از

اقتصادهای توسعه نیافته دارد. در همان زمان، پکن باید در برابر این وسوسه به منظور نادیده گرفتن اقدامات و تفسیر ایالات متحده به عنوان تلاشی در جهت متزلزل نمودن نفوذ چین، مقاومت نماید. پکن با چالش‌های جدی در پیاده‌سازی بسیاری از طرح‌های پیشنهادی جاده ابریشم روبرو خواهد شد، اما برخی از این چالش‌ها به واسطه شفافیت و تعهد اولیه قابل تعدیل هستند. همچنین، تجارب دولت ایالات متحده طی دو دهه گذشته، این کشور را به شریک فعال بالقوه‌ای در حوزه‌هایی مبدل نموده است که منافع دو کشور مشترک است.

این امر بالاخص در خصوص افغانستان نیز صحیح است. در حالی که پکن به لحاظ تاریخی از یافتن ایالات متحده، در دام درگیری‌هایی که تمرکز واشنگتن را از منطقه آسیا-اقیانوسیه دور نگه می‌دارد، خشنود می‌گردد، بی‌ثباتی ناشی از کاهش نیروهای ایالات متحده طی دو سال آتی، تهدیدی مستقیم برای برخی از منافع اصلی چین ایجاد نموده است. ایالات متحده همچنان به پیگیری فرصت‌هایی برای متصل نمودن افغانستان به همسایگانش به شیوه‌ای که با اهداف اعلام شده چین به شدت متحد گردد، ادامه می‌دهد.

تلاش‌های اخیر چین در ایفای نقش بیشتر در افغانستان، به ویژه در ترویج یک توافق سیاسی، مثبت بوده و لازم است گسترش یابد. ایالات متحده از این توسعه استقبال می‌نماید و تعامل میان چین و متحدان آمریکا، که ممکن است نسبت به نیات چین بدبین باشند، در منطقه را تشویق می‌نماید. از طریق همکاری و شفافیت، ایالات متحده و چین این پتانسیل را دارا هستند که شرکای با اهمیتی در پیشبرد رشد و ثبات در سر تا سر آسیای مرکزی باشند.



چشم انداز و اقدامات مربوط به  
احداث کمربند اقتصادی جاده ابریشم  
به طور مشترک و ساخت جاده ابریشم دریایی  
قرن بیستم و یکم

کمیسیون توسعه و اصلاحات ملی وزارت امور خارجه  
وزارت بازرگانی جمهوری خلق چین با مجوز شورای دولتی



## پیش‌گفتار

قریب به بیش از دو هزار سال پیش مردم پرکار و سخت‌کوش اوراسیا در جستجوی کشف طرق مختلف مبادلات تجاری و فرهنگی، مسیرهای مختلفی را در این عرصه گشودند که تمدن‌های عمده آسیا، اروپا و آفریقا را به هم مرتبط می‌کرد و توسط نسل‌های بعدی به طور کلی جاده ابریشم نام گرفت. روح جاده ابریشم - صلح و همکاری، شفافیت و مشارکت همگانی، یادگیری و منفعت همگانی - برای هزاران سال از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته، جریان تمدن بشری را ارتقا داده و به طور گسترده در رفاه و توسعه کشورهای همجوار جاده ابریشم سهیم بوده است. روح جاده ابریشم به عنوان نماد ارتباط بین شرق و غرب، میراثی تاریخی و فرهنگی است که تمام کشورهای جهان در آن سهیم‌اند.

برای ما در قرن بیست و یکم، یعنی دوران جدیدی که نشانی از صلح، توسعه، همکاری و منفعت همگانی را با خود به همراه دارد، عطف توجه دوباره به روح جاده ابریشم در بهبود اقتصاد جهانی ضعیف و موقعیت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی پیچیده، حائز اهمیت است. شی جین پینگ رئیس‌جمهور چین، پس از بازدید از آسیای مرکزی و جنوب شرقی آسیا در سپتامبر و اکتبر ۲۰۱۳، طرح احداث کمربند اقتصادی جاده ابریشم و جاده ابریشم دریایی قرن بیست و یکم به طور مشترک (که از این پس به عنوان طرح کمربند و جاده<sup>۱</sup> نامیده می‌شود) را مطرح کرد. این طرح توجه ویژه‌ای را در سرتاسر جهان به خود معطوف کرد. در نمایشگاه «چین - آسه‌آن»<sup>۲</sup> در ۲۰۱۳، لی که‌چیانگ، نخست‌وزیر چین بر نیاز به احداث جاده ابریشم دریایی به

---

1. the Belt and Road  
2. China ASEAN Expo

سمت آسه آن و ایجاد مجوزهای استراتژیک در جهت توسعه مناطق داخلی کشور تأکید کرد. تسریع در ساخت طرح کمربند و جاده می‌تواند به ارتقای رونق اقتصادی کشورهای مجاور کمربند و جاده و همکاری اقتصادی منطقه‌ای، تقویت مبادلات و ارتقای آگاهی همگانی بین تمدن‌های مختلف و رشد صلح و توسعه در جهان کمک کند. این اقدامی بزرگ است که منفعت مردم در سرتاسر جهان را به دنبال خواهد داشت.

طرح کمربند و جاده طرحی نظام‌مند است که باید به طور مشترک از طریق رایزنی برای یافتن منافع همگانی احداث شود و تلاش‌ها باید در جهت ادغام استراتژی‌های توسعه کشورهای همجوار کمربند و جاده انجام گیرد. دولت چین پیش‌نویسی از دورنما و اقداماتی برای ساخت کمربند اقتصادی جاده ابریشم و جاده ابریشم دریایی قرن بیست و یکم جهت ارتقای اجرای طرح، ایجاد توان و حیات دوباره جاده ابریشم قدیمی، ایجاد ارتباط هر چه نزدیک‌تر بین کشورهای آسیایی، اروپایی و آفریقایی و ارتقای همکاری مؤثر را به طور همگانی در مرتبه و اشکال جدید تهیه و منتشر کرده است.



## ۱- پیش‌زمینه

تحولات پیچیده و عمیقی در جهان در حال وقوع است. تأثیر بنیادین بحران مالی بین‌المللی همچنان خود را نشان می‌دهد، روند احیای اقتصاد جهانی به کندی صورت می‌گیرد، توسعه در سطح جهان به شکلی ناهمخوان جریان دارد، دورنمای تجارت و سرمایه‌گذاری در جهان و قواعد حاکم بر این حوزه تحولات عمده‌ای را تجربه می‌کنند و کشورها همچنان در مسیر توسعه خود با چالش‌های بزرگی روبرو هستند.

طرح ایجاد کمربند و جاده، بر مبنای پذیرش روند حرکت به سوی جهانی چندقطبی، جهانی شدن اقتصاد، تنوع فرهنگی و افزایش میزان استفاده از فناوری اطلاعات با هدف حفظ نظام تجارت آزاد در جهان و اقتصاد مبتنی بر جهان آزاد در چارچوب همکاری‌های منطقه‌ای شفاف طراحی شده است. هدف از این طرح، ارتقای منظم و آزاد عوامل اقتصادی، تخصیص بسیار کارآمد منابع و انسجام عمیق بازارها، تشویق کشورهای واقع در مسیر کمربند و جاده جهت هماهنگ کردن سیاست‌های اقتصادی خود با یکدیگر و نیز همکاری‌های منطقه‌ای گسترده‌تر و عمیق‌تر، مبتنی بر استانداردهای بالاتر و ایجاد یک ساختار همکاری اقتصادی منطقه‌ای آزاد، فراگیر و متوازن است که تأمین‌کننده منافع همه طرف‌ها باشد. احداث طرح کمربند و جاده به طور مشترک، به نفع جامعه جهانی است. این طرح به عنوان بازتاب‌دهنده آرمان‌های مشترک جوامع بشری، تلاشی مثبت برای یافتن الگوهای تازه‌ای از همکاری‌های بین‌المللی و حکمرانی جهانی است و جان تازه‌ای به کالبد صلح و توسعه جهانی خواهد دمید.

هدف از اجرای طرح کمربند و جاده، تقویت پیوند میان قاره‌های آسیا، اروپا و آفریقا و دریاهای مجاور آنها، ایجاد و تقویت همکاری‌ها در میان کشورهای واقع در مسیر کمربند و جاده، ایجاد شبکه‌های همه‌جانبه، چندلایه و ترکیبی ارتباطی، تحقق توسعه متنوع، مستقل، متوازن و پایدار در این کشورها است. پروژه‌های ارتباطی در چارچوب این طرح، به تنظیم و هماهنگ‌سازی راهبردهای توسعه کشورهای واقع در مسیر کمربند و جاده، استفاده از ظرفیت‌های بالقوه بازار در این منطقه، ترویج سرمایه‌گذاری و مصرف، ایجاد تقاضا و فرصت‌های شغلی، تقویت تبادلات بین‌فردی و فرهنگی و ارتقای آگاهی شهروندان کشورهای مورد نظر کمک می‌کنند و امکان درک، اعتماد و احترام نسبت به یکدیگر و زندگی در کمال صلح، آرامش و رونق را برای آنها فراهم می‌آورند.

اقتصاد چین با اقتصاد جهانی ارتباط تنگاتنگی دارد. چین همچنان به سیاست بنیادین گشایش دروازه‌های اقتصادی، ایجاد الگویی از گشایش سراسری و ادغام هرچه عمیق‌تر خود در نظام

اقتصاد جهانی متعهد خواهد بود. این طرح به چین امکان می‌دهد هر چه بیشتر سیاست گشایش درهای اقتصاد خود را گسترش و تعمیق بخشد و نیز همکاری‌های دوجانبه‌ای را که به نفع هر دو طرف است، با کشورهای آسیایی، اروپایی و آفریقا و سایر نقاط جهان تقویت کند. چین متعهد است مسئولیت‌ها و تعهدات بیشتری را در محدوده توانایی‌های خود بر عهده بگیرد و سهم بیشتری در صلح و توسعه نوع بشر داشته باشد.

## ۲- اصول

طرح کمربند و جاده در راستای اهداف و اصول منشور سازمان ملل متحد قرار دارد. این طرح مؤید پنج اصل همزیستی مسالمت‌آمیز یعنی احترام متقابل به حق حاکمیت و تمامیت ارضی سایر کشورها، عدم تجاوز متقابل، عدم مداخله متقابل در امور داخلی یکدیگر، برابری و منافع متقابل، و همزیستی مسالمت‌آمیز است.

راه همکاری در این طرح باز است. این طرح مسیر جاده قدیمی ابریشم را پوشش می‌دهد، اما محدود به آن نیست. تمامی کشورها، سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای می‌توانند در این طرح مشارکت داشته باشند تا بدین ترتیب، نتایج تلاش‌های مشترک بتواند برای بخش‌های گسترده‌تری از جهان سودمند باشد.

این طرح ماهیتی فراگیر و مبتنی بر همزیستی دارد و بر پایه رواداری میان تمدن‌های مختلف، احترام به مسیرها و شیوه‌های توسعه کشورهای مختلف و نیز حمایت از گفتگو میان تمدن‌های مختلف بر مبنای اصول تلاش برای یافتن وجوه اشتراک در عین کنار گذاشتن اختلافات و نیز استفاده از نقاط قوت دیگران بنا نهاده شده است تا تمامی کشورها بتوانند در کنار هم و برای رسیدن به کامیابی مشترک در صلح و آشتی به سر برند.

این طرح تابعی از کارکرد بازار است و متضمن پایبندی به قواعد بازار و هنجارهای بین‌المللی، توجه به نقش تعیین‌کننده بازار در تخصیص منابع و نقش اصلی شرکت‌ها، و نیز دادن اجازه به دولت‌ها جهت انجام کارکردهای مربوط به خودشان است.

هدف از اجرای این طرح، تأمین منافع متقابل است. در این طرح منافع و دغدغه‌های تمامی طرف‌های مشارکت‌کننده لحاظ شده و تلاش می‌شود تا نوعی اشتراک منافع و گسترده‌ترین نقطه تلاقی جهت همکاری ایجاد شود تا بدین ترتیب درایت و خلاقیت، توانمندی‌ها و ظرفیت‌های بالقوه تمامی طرف‌های مشارکت‌کننده، به طور کامل مجال بروز و ظهور پیدا کند.

### ۳- چارچوب

طرح کمربند و جاده راهی برای همکاری برد- برد است که به توسعه و رونق اقتصادی مشترک کمک کرده و از طریق تقویت درک و اعتماد متقابل و نیز تقویت تبادلات همه‌جانبه، مسیری برای رسیدن به صلح و دوستی به شمار می‌رود. دولت چین حامی صلح و همکاری، شفافیت و مشارکت همگانی، افزایش آگاهی و تأمین منافع متقابل است. دولت چین از همکاری‌های عملی در تمامی زمینه‌ها حمایت و در جهت ایجاد مجموعه‌ای مبتنی بر منافع، سرنوشت و مسئولیت مشترک تلاش می‌کند که اعتماد سیاسی متقابل، به‌هم‌پیوستگی اقتصادی و مشارکت فراگیر فرهنگی از جمله مشخصه‌های بارز آن است. کمربند و جاده از قاره‌های آسیا، اروپا و آفریقا می‌گذرند و مجموعه اقتصادی پویای آسیا را با مجموعه اقتصادهای توسعه‌یافته اروپا پیوند می‌دهند و در عین حال، کشورهایی با ظرفیت‌های بالقوه عظیم را جهت توسعه اقتصادی نیز دربر می‌گیرند. کمربند اقتصادی جاده ابریشم بر ایجاد ارتباط میان چین، آسیای میانه، روسیه و اروپا (حوزه بالتیک) متمرکز است و چین را از طریق آسیای میانه و آسیای غربی به خلیج فارس و دریای مدیترانه و نیز با آسیای جنوب شرقی، آسیای جنوبی و اقیانوس هند مرتبط می‌سازد. جاده ابریشم دریایی قرن بیست و یکم نیز با هدف متصل کردن سواحل چین با اروپا از طریق دریای چین جنوبی و اقیانوس هند از یک مسیر و نیز متصل کردن سواحل چین از طریق دریای چین جنوبی به جنوب اقیانوس آرام از مسیری دیگر، طراحی شده است.

این طرح در خشکی نیز بر ایجاد یک محور ارتباط خشکی میان آسیا و اروپا و نیز ایجاد کریدورهای اقتصادی چین-مغولستان-روسیه، چین-آسیای میانه-غرب آسیا، و چین-شبه‌جزیره هند، و چین از طریق مسیرهای نقل و انتقال بین‌المللی و با تکیه بر شهرهای مهم واقع در مسیر کمربند و جاده و نیز استفاده از پارک‌های اقتصادی و صنعتی کلیدی به عنوان بسترهای همکاری متمرکز است. تمرکز این طرح در دریا نیز بر ایجاد مسیرهای حمل و نقل هموار، امن و کارآمد جهت متصل کردن بندرهای مهم واقع در مسیر کمربند و جاده خواهد بود. کریدورهای اقتصادی چین-پاکستان و بنگلادش-چین-هند-میانمار ارتباط تنگاتنگی با طرح کمربند و جاده دارند و لذا ایجاد آنها مستلزم افزایش میزان همکاری‌ها و نیز حصول پیشرفت بیشتر است.

طرح کمربند و جاده یک دورنمای اقتصادی بلندپروازانه مبتنی بر گشوده شدن دروازه‌ها و نیز همکاری میان کشورهای واقع در مسیر کمربند و جاده است. کشورها باید به شکل هماهنگ عمل کرده و در مسیر تحقق منافع متقابل و تأمین امنیت مشترک گام بردارند. آنها

باید به طور مشخص امکانات زیرساختی در منطقه را بهبود بخشیده و شبکه امن و کارآمدی از مسیرهای زمینی، هوایی و دریایی را ایجاد کنند، پیوندهای میان خود را به سطح بالاتری ارتقا دهند، روند تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری را تقویت کنند، شبکه‌ای متشکل از مناطق تجاری آزاد را با رعایت استانداردهای بالا به وجود آورند، روابط اقتصادی نزدیک‌تری با یکدیگر داشته باشند و اعتماد سیاسی میان خود را تعمیق بخشند، مبادلات فرهنگی را افزایش دهند، تمدن‌های مختلف را به آموختن از یکدیگر و شکوفایی در کنار هم تشویق کنند و به ایجاد و تقویت درک متقابل، صلح و دوستی در میان مردمان تمامی کشورها کمک کنند.

#### ۴- اولویت‌های همکاری

کشورهای واقع در مسیر کمربند و جاده هر یک دارای مزایای خاص خود در حوزه منابع طبیعی هستند و اقتصادهای آنها نیز مکمل یکدیگر است. بنابراین ظرفیت بالقوه و فضای گسترده‌ای جهت همکاری وجود دارد. کشورهای واقع در مسیر کمربند و جاده باید به روند هماهنگ‌سازی سیاست‌ها، به‌هم‌پیوستگی مراکز و امکانات، تجارت آزاد، به‌هم‌پیوستگی مالی و ارتباطات میان شهروندان به عنوان پنج هدف اصلی کمک کرده و همکاری در حوزه‌های کلیدی ذیل را نیز تقویت نمایند:

#### هماهنگ‌سازی سیاست‌ها

تقویت هماهنگی میان سیاست‌ها یکی از عوامل مهم تضمین‌کننده اجرای طرح است. ما باید همکاری‌های میان دولت‌ها را مورد تشویق قرار دهیم، یک سازوکار چندسطحی و بین‌دولتی را در حوزه مبادلات و ارتباطات در زمینه سیاست‌های کلان ایجاد کنیم، منافع مشترک را گسترش دهیم، اعتماد سیاسی دوجانبه را تقویت نماییم و به اجماع تازه‌ای در زمینه همکاری دست یابیم. کشورهای واقع در مسیر کمربند و جاده می‌توانند راهبردها و سیاست‌های خود در حوزه توسعه اقتصادی را به طور کامل با یکدیگر هماهنگ کنند، برنامه‌ها و تمهیداتی را جهت همکاری‌های منطقه‌ای تدوین کنند، در مورد حل مسائل مربوط به همکاری با یکدیگر مذاکره نمایند و به طور مشترک به حمایت راهبردی از اجرایی شدن همکاری‌های عملی و طرح‌های کلان پردازند.

#### به هم پیوستگی تأسیسات

به هم پیوستگی تأسیسات یکی از اولویت‌های مهم در اجرای طرح کمربند و جاده است. کشورهای واقع در مسیر کمربند و جاده باید بر مبنای احترام به حق حاکمیت و دغدغه‌های

امنیتی یکدیگر، بر میزان به هم پیوستگی برنامه‌های زیرساختی و سیستم‌های خود در حوزه استانداردهای فنی بیافزایند، مشترکاً در ایجاد گذرگاه‌های بین‌المللی همکاری کنند و به تدریج شبکه‌ای زیرساختی را جهت متصل کردن تمامی مناطق کوچک‌تر در آسیا و نیز بین آسیا، اروپا و آفریقا ایجاد نمایند. در عین حال، باید در جهت ترویج توجه به مسائل زیست‌محیطی در احداث و مدیریت فعالیت‌ها و تأسیسات زیرساختی نیز تلاش شود و تأثیرات ناشی از تغییرات اقلیمی بر این مسئله به طور کامل لحاظ گردد.

در مورد ایجاد زیرساخت‌های حمل و نقل، باید بر گذرگاه‌ها، تقاطع‌ها و پروژه‌های کلیدی تمرکز شود و ایجاد ارتباط میان راه‌های غیر متصل، حذف گلوگاه‌های حمل و نقل، تقویت ایمنی تأسیسات جاده‌ای و نیز امکانات مربوط به مدیریت ترافیک و تجهیز شبکه ارتباطی به هم‌پیوسته میان جاده‌ها باید در اولویت قرار گیرند. ما باید یک سازوکار هماهنگ‌سازی واحد را جهت حمل و نقل در تمام طول مسیر ایجاد کنیم، ارتباط میان ترخیص گمرکی، بارگیری مجدد و حمل و نقل به اشکال مختلف میان کشورها را تقویت نماییم و به تدریج به تدوین قواعد متناسب و استاندارد در حوزه حمل و نقل بپردازیم، تا بتوانیم حمل و نقل بین‌المللی را تسهیل کنیم. باید عملیات احداث بنادر را تسریع کنیم، مسیرهای نقل و انتقال همواری را میان خشکی و دریا به وجود آوریم و همکاری‌ها در حوزه بنادر را گسترش دهیم؛ مسیرهای دریایی و شمار سفرهای دریایی را افزایش دهیم، و به تقویت همکاری‌ها در زمینه فناوری‌های اطلاعاتی در حوزه پشتیبانی دریایی بپردازیم. باید بسترها و سازوکارهایی را جهت همکاری‌های همه‌جانبه در حوزه هوانوردی غیرنظامی ایجاد کرده و گسترش دهیم و روند تقویت زیرساخت‌ها در حوزه هوانوردی را تسریع نماییم.

ما باید به تقویت همکاری‌ها در زمینه اتصال میان زیرساخت‌ها در بخش انرژی، همکاری در جهت تأمین امنیت خطوط لوله انتقال نفت و گاز و سایر مسیرهای حمل و نقل، ساخت شبکه‌های تأمین برق فرامرزی و مسیرهای انتقال برق و همکاری در زمینه به‌روزرسانی و متحول‌سازی شبکه برق‌رسانی در سطح منطقه بپردازیم.

باید با همکاری یکدیگر، احداث کابل‌های نوری فرامرزی و سایر شبکه‌های ارتباطی را به پیش ببریم، پیوستگی میان امکانات موجود در حوزه ارتباطات بین‌المللی را بهبود بخشیم و یک جاده ابریشم اطلاعاتی ایجاد کنیم. ما باید با سرعت بیشتری نسبت به نصب کابل‌های نوری فرامرزی اقدام کنیم، طرح‌های بین‌قاره‌ای را جهت نصب کابل‌های نوری در زیر دریا تهیه کنیم و به منظور افزایش تبادل اطلاعات و گسترش همکاری‌ها مسیرهای اطلاعاتی فضایی ماهواره‌ای را تقویت نماییم.

## تجارت آزاد

همکاری در حوزه تجارت و سرمایه‌گذاری یکی از مأموریت‌های اصلی در جهت ایجاد کمر بند و جاده است. باید تلاش کنیم تا امکان تجارت و سرمایه‌گذاری را بهبود بخشیم و موانع موجود بر سر راه تجارت و سرمایه‌گذاری را به منظور ایجاد یک محیط سالم فعالیت اقتصادی در منطقه و تمامی کشورهای ذی‌نفع از میان برداریم. ما باید با کشورها و مناطق واقع در مسیر کمر بند و جاده در مورد گشایش مناطق آزاد تجاری جهت استفاده از ظرفیت‌های بالقوه گسترش همکاری‌ها مذاکره کنیم.

کشورهای واقع در مسیر کمر بند و جاده باید همکاری‌های گمرکی را مثلاً در زمینه مبادله اطلاعات، پذیرش متقابل مقررات کشور دیگر و همکاری متقابل جهت اجرای قوانین افزایش دهند، همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه را در حوزه بازرسی و قرنطینه، اعطای گواهی و جواز، سنجش استاندارد و اطلاعات آماری بهبود بخشند و به گونه‌ای عمل کنند که توافق تسهیل تجارت سازمان تجارت جهانی به موعدها اجرا گذاشته شود. ما باید امکانات ترخیص گمرکی در بنادر مرزی را افزایش دهیم، یک «دریچه انحصاری» در بنادر مرزی به وجود آوریم، هزینه‌های ترخیص گمرکی را کاهش دهیم و به تقویت ظرفیت ترخیص گمرکی پردازیم. ما باید همکاری در تأمین ایمنی و نیز سهولت زنجیره عرصه و تقاضا را افزایش دهیم، روند هماهنگی رویه‌های نظارتی فرامرزی را بهبود بخشیم، به ترویج کنترل آنلاین گواهی‌های مربوط به بازرسی و قرنطینه پردازیم و روند پذیرش متقابل فعالان اقتصادی دارای مجوز را تسهیل کنیم. باید موانع غیر تعرفه‌ای را کاهش دهیم، مشترکاً بر میزان شفافیت تمهیدات فنی تجاری بیافزاییم، و به روند آزادسازی و تسهیل تجارت کمک کنیم. ما باید حوزه‌های تجارت را گسترش دهیم، ساختار تجاری را اصلاح کنیم، حوزه‌های جدید دارای امکان رشد مبادلات تجاری را مورد بررسی قرار دهیم و موازنه در تجارت را ترویج کنیم. ما باید در اشکال تجارت دست به نوآوری بزنیم و تجارت الکترونیکی فرامرزی و سایر مدل‌های مدرن کسب و کار را گسترش بخشیم. باید یک سامانه پشتیبانی خدمات تجاری با هدف یکپارچه‌سازی و گسترش مبادلات تجاری سنتی ایجاد شود و تلاش‌ها در جهت تجارت با تکیه بر خدمات مدرن نیز باید تقویت شوند. باید تجارت و سرمایه‌گذاری را با یکدیگر ادغام کنیم و تجارت از طریق سرمایه‌گذاری را ترویج نماییم.

باید روند تسهیل سرمایه‌گذاری را تسریع کنیم، موانع موجود بر سر راه سرمایه‌گذاری را از میان برداریم و مذاکرات جهت امضای موافقت‌نامه‌های دوجانبه در حوزه حمایت از

سرمایه‌گذاری و نیز موافقت‌نامه‌های مربوط به اجتناب از اخذ مالیات مضاعف را در راستای صیانت از حقوق و منافع قانونی سرمایه‌گذاران به پیش ببریم.

ما باید حوزه‌های سرمایه‌گذاری متقابل را گسترش دهیم، همکاری‌ها در بخش کشاورزی، جنگل‌داری، دامداری، شیلات، تولید ماشین‌آلات کشاورزی و فرآوری محصولات زراعی را تعمیق بخشیم، همکاری در زمینه پرورش محصولات دریایی، ماهی‌گیری در عمق دریا، فرآوری محصولات آبریان، شیرین کردن آب دریا، داروسازی از محصولات دریایی، مهندسی فناوری اقیانوس، صنایع حفاظت از محیط‌زیست، گردشگری دریایی و سایر حوزه‌ها را نیز گسترش دهیم. ما باید همکاری‌ها در زمینه کاوش و توسعه معادن ذغال‌سنگ، نفت، گاز، فلزات معدنی و سایر منابع سنتی انرژی را افزایش دهیم، همکاری در زمینه تولید برق آبی، هسته‌ای، بادی، خورشیدی و سایر منابع انرژی پاک و تجدیدپذیر را گسترش دهیم و به تقویت همکاری‌ها در زمینه فرآوری و تبدیل انرژی یا منابع معدنی در محل مصرف یا در نزدیکی محل مصرف پردازیم و بدین ترتیب، زنجیره صنعتی منسجمی از همکاری در حوزه‌های انرژی و منابع را ایجاد کنیم. باید همکاری‌ها در زمینه پردازش عمیق فناوری، تجهیزات و خدمات مهندسی را در بخش‌های انرژی و منابع طبیعی گسترش دهیم.

باید همکاری در بخش صنایع نوظهور را تقویت کنیم. در راستای رعایت اصول نقش مکمل متقابل و تأمین منافع متقابل، باید به تقویت همکاری‌های عمیق با سایر کشورهای واقع در مسیر کمربند و جاده در زمینه نسل‌های جدید فن‌آوری‌های اطلاعاتی، فن‌آوری‌های زیستی، فن‌آوری‌های نوین در بخش انرژی، مواد جدید و سایر صنایع نوظهور پرداخته و سازوکارهایی را جهت همکاری در بخش‌های کارآفرینی و سرمایه‌گذاری ایجاد کنیم.

باید از طریق ترغیب کل زنجیره صنعتی و صنایع مرتبط به توسعه هماهنگ، به اصلاح نظام تقسیم کار و توزیع زنجیره‌های صنعتی پردازیم، سامانه‌های تحقیقات و توسعه، تولید و بازاریابی را به وجود آوریم و ظرفیت پشتیبانی صنعتی و قابلیت رقابت صنایع منطقه‌ای را نیز تقویت نماییم. باید زمینه‌های حضور در صنعت خدمات یکدیگر را در جهت تسریع توسعه صنایع خدماتی در سطح منطقه فراهم کنیم. ما باید شکل تازه‌ای از همکاری در حوزه سرمایه‌گذاری را مورد بررسی قرار دهیم و در جهت ایجاد انواع مختلف پارک‌های صنعتی مانند مناطق همکاری اقتصادی و تجاری برون‌مرزی و نیز مناطق همکاری اقتصادی مرزی و نیز کمک به توسعه خوشه‌های صنعتی با یکدیگر همکاری کنیم. ما باید به پیشرفت‌های بوم‌شناسی در زمینه تجارت و سرمایه‌گذاری کمک کنیم، همکاری‌ها در زمینه حفظ محیط‌زیست، حفاظت

از تنوع گونه‌های زیستی و مقابله با تغییرات آب و هوایی را افزایش دهیم و دست در دست یکدیگر برای تبدیل جاده ابریشم به جاده‌ای حافظ محیط زیست بکوشیم. ما از شرکت‌ها از همه کشورها جهت سرمایه‌گذاری در چین استقبال می‌کنیم و شرکت‌های چینی را نیز به مشارکت در اجرای طرح‌های زیربنایی در سایر کشورهای واقع در مسیر کمربند و جاده و نیز انجام سرمایه‌گذاری‌های صنعتی در آن کشورها ترغیب می‌نماییم. ما از فعالیت‌ها و مدیریت شرکت‌های چینی در داخل کشور به منظور تقویت اقتصاد داخلی، افزایش اشتغال در داخل، بهبود شرایط زندگی داخلی و پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی در حفاظت از تنوع زیستی و محیط زیست محلی حمایت می‌کنیم.

### به هم پیوستگی مالی

به هم پیوستگی مالی یکی از الزامات مهم اجرای طرح کمربند و جاده است. ما باید ضمن تعمیق همکاری‌های مالی، تلاش بیشتری را در جهت ایجاد یک نظام تثبیت بهای ارز، یک نظام سرمایه‌گذاری و تأمین اعتبار و نیز یک سامانه اطلاعات اعتباری در آسیا داشته باشیم. ما باید مقیاس و گستره مبادلات و تسویه‌های ارزی دوجانبه با کشورهای دیگر واقع در مسیر کمربند و جاده را افزایش دهیم، بازار اوراق بهادار در آسیا را راه‌اندازی کرده و توسعه دهیم، مشترکاً برای تشکیل بانک سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی آسیا و بانک توسعه نوین بریکس تلاش کنیم، به انجام مذاکرات در میان طرف‌های ذی‌نفع در زمینه مؤسسه تأمین اعتبار وابسته به سازمان همکاری‌های شانگهای بپردازیم، و صندوق جاده ابریشم را نیز هر چه زودتر تأسیس و راه‌اندازی کنیم. ما باید همکاری عملی میان انجمن بین‌بانکی چین-آسه آن<sup>۳</sup> و انجمن بین‌بانکی سازمان همکاری‌های شانگهای<sup>۴</sup> را تقویت کنیم و به همکاری‌های مالی چندجانبه در قالب اعطای وام‌های سندیکایی و اعتبارات بانکی بپردازیم. ما از تلاش‌های کشورهای واقع در مسیر کمربند و جاده و نیز شرکت‌ها و مؤسسات مالی خوش سابقه تابع آنها جهت انتشار اوراق بهادار به صورت رهنمایی در چین استقبال می‌کنیم. از مؤسسات مالی و شرکت‌های چینی واجد شرایط نیز درخواست می‌شود تا نسبت به انتشار اوراق بهادار به شکل رهنمایی و ارزهای خارجی در خارج از چین اقدام کرده و از منابع مالی حاصل از این کار در کشورهای واقع در مسیر کمربند و جاده استفاده کنند.

ما باید همکاری در حوزه مقررات مالی را تقویت کنیم، کشورها و شرکت‌های مختلف را به

3. ChinaASEAN Interbank Association

4. SCO Interbank Association



امضای یادداشت تفاهم در جهت همکاری در این حوزه تشویق نماییم و یک سازوکار کارآمد جهت هماهنگ‌سازی مقررات مالی در منطقه به وجود آوریم. باید سازوکار واکنش در برابر ریسک و مدیریت بحران را اصلاح کنیم، یک سامانه هشدار سریع ریسک مالی منطقه‌ای به وجود آوریم و یک سازوکار مبادله و همکاری را به منظور مقابله با مخاطرات و بحران‌های برون‌مرزی ایجاد نماییم. باید مبادلات و همکاری‌های مرزی میان ضابطان سنجش اعتبار، مؤسسات بررسی اعتبار و مؤسسات رتبه‌بندی اعتبار را افزایش دهیم. باید به نقش صندوق جاده ابریشم و صندوق‌های حاکمیتی کشورهای واقع در مسیر کمربند و جاده توجه کامل داشته باشیم و صندوق‌های سرمایه‌گذاری تجاری و صندوق‌های خصوصی را به مشارکت در پروژه‌های کلیدی این طرح ترغیب نماییم.

### ارتباط میان شهروندان

ارتباط میان شهروندان حمایت عمومی لازم جهت اجرای طرح را فراهم می‌کند. ما باید روح مبتنی بر همکاری دوستانه در مسیر جاده ابریشم را از طریق حمایت از تبادلات گسترده فرهنگی و دانشگاهی، مبادله و همکاری میان پرسنل، همکاری‌های رسانه‌ای، برنامه‌های تبادل بانوان و جوانان و نیز خدمات داوطلبانه جهت جلب حمایت عمومی نسبت به تعمیق همکاری‌های دو و چندجانبه زنده نگه داریم.

ما باید دانشجویان بیشتری را به کشورهای یکدیگر بفرستیم و همکاری در اداره مشترک مدارس را نیز افزایش دهیم. چین سالانه ۱۰ هزار بورسیه تحصیلی دولتی را به اتباع کشورهای واقع در مسیر کمربند و جاده اعطا می‌کند. ما باید سال‌های فرهنگ، جشنواره‌های هنری، جشنواره‌های فیلم، هفته‌های تلویزیون و نمایشگاه‌های کتاب را در کشورهای یکدیگر برگزار کنیم، در زمینه تولید و ترجمه فیلم‌های هنری، برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی همکاری داشته باشیم و مشترکاً به معرفی و حفاظت از اماکن میراث فرهنگی جهانی بپردازیم. همچنین باید مبادله پرسنل و همکاری‌های پرسنلی میان کشورهای واقع در مسیر کمربند و جاده را تقویت کنیم.

ما باید ضمن افزایش همکاری‌ها در حوزه گردشگری، مقیاس فعالیت‌ها در این بخش را نیز گسترش دهیم، هفته‌ها و ماه‌های تشویق به گردشگری در کشورهای یکدیگر برگزار کنیم، مشترکاً به ایجاد مسیرها و محصولات گردشگری بین‌المللی رقابت‌پذیر با تکیه بر ویژگی‌های جاده ابریشم بپردازیم و روند اخذ روایید گردشگری در کشورهای واقع در مسیر کمربند و

جاده را نیز تسهیل نماییم. باید همکاری در زمینه طرح گردشگری سیاحتی جاده ابریشم دریایی قرن ۲۱ را تقویت کنیم. ما باید ضمن انجام تبادلات ورزشی، از تلاش کشورهای واقع در مسیر کمربند و جاده برای میزبانی رقابت‌های ورزشی عمده بین‌المللی حمایت کنیم. باید همکاری‌ها با کشورهای همسایه در زمینه تبادل اطلاعات پیرامون بیماری‌های همه‌گیر، مبادله فن‌آوری‌های پیشگیری و درمان و نیز آموزش پزشکان متخصص را افزایش داده بر میزان توانایی خود جهت مقابله مشترک با شرایط اضطراری در حوزه سلامت عمومی بیفزاییم. ما ضمن همکاری‌های پزشکی، کمک‌های پزشکی اضطراری را نیز در اختیار کشورهای مربوطه قرار خواهیم داد و به همکاری‌های عملی در زمینه بهداشت مادر و کودک، توانمندسازی معلولان و مقابله با امراض عفونی عمده مانند ایدز، سل و مالاریا خواهیم پرداخت. همچنین همکاری‌ها در زمینه طب سنتی را نیز گسترش خواهیم داد. باید همکاری‌های خود در حوزه علوم و فن‌آوری را افزایش دهیم، آزمایشگاه‌ها یا مراکز پژوهشی مشترک، مراکز بین‌المللی انتقال فن‌آوری و مراکز همکاری‌های دریایی ایجاد کنیم، به مبادله پرسنل علمی و فنی بپردازیم، در مقابله با چالش‌های کلیدی در حوزه علوم و فن‌آوری همکاری داشته باشیم و با همکاری یکدیگر ظرفیت نوآوری در حوزه علوم و فن‌آوری را بهبود ببخشیم.

باید منابع موجود را در جهت گسترش و پیشبرد همکاری‌های عملی میان کشورهای واقع در مسیر کمربند و جاده در زمینه اشتغال جوانان، آموزش کارآفرینی، توسعه مهارت‌های شغلی، مدیریت بیمه اجتماعی، مدیریت دولتی و سایر حوزه‌های مورد علاقه طرف‌های ذی‌نفع بسیج کنیم.

باید به نقش ارتباط میان احزاب سیاسی و مجالس قانون‌گذاری توجه کامل داشته باشیم و مبادلات دوستانه میان نهادهای قانون‌گذاری، احزاب و سازمان‌های سیاسی عمده در کشورهای واقع در مسیر کمربند و جاده را تقویت کنیم. باید نسبت به انجام مبادلات و نیز همکاری میان شهرها، ترغیب شهرهای عمده در این کشورها به تبدیل شدن به شهرهای خواهرخوانده، تمرکز بر همکاری عملی به ویژه در حوزه مبادلات فرهنگی و میان‌شهری و ایجاد نمونه‌های زنده تر همکاری اقدام کنیم. ما از انجام پژوهش‌ها و برگزاری مجامع مشترک از سوی اندیشکده‌های مختلف در کشورهای واقع در مسیر کمربند و جاده استقبال می‌کنیم.

باید میزان مبادلات و همکاری‌ها در میان سازمان‌های غیردولتی در کشورهای واقع در مسیر کمربند و جاده را افزایش دهیم، فعالیت‌های عام‌المنفعه‌ای را در زمینه آموزش، بهداشت، کاهش فقر، تنوع گونه‌های زیستی و حفاظت از زیست‌بوم‌ها انجام دهیم و شرایط تولید و زندگی در

مناطق فقرزده در مسیر کمربند و جاده را نیز بهبود بخشیم. ما باید تبادلات و همکاری‌های بین‌المللی در حوزه فرهنگ و رسانه را افزایش داده از نقش مثبت اینترنت و ابزارهای رسانه‌ای نوین جهت ایجاد بسترهای فرهنگی و افکار عمومی صلح‌طلب استفاده کنیم.

## ۵- سازوکارهای همکاری

به‌هم‌پیوستگی اقتصادهای جهان و همکاری‌های منطقه‌ای به شکل فزاینده‌ای در حال اوج‌گیری است. چین به طور کامل از سازوکارهای همکاری دوجانبه و چندجانبه در جهت پیشبرد روند احداث کمربند و جاده و کمک به توسعه همکاری‌های منطقه‌ای استفاده خواهد کرد. ما باید همکاری‌های دوجانبه را تقویت و به توسعه همه‌جانبه روابط دوجانبه از طریق ارتباطات و رایزنی‌ها در سطوح و از مجاری متعدد کمک کنیم. باید از امضای یادداشت‌های تفاهم یا طرح‌های همکاری استقبال کنیم و طرح‌های آزمایشی چندی را در حوزه همکاری‌های دوجانبه تدوین نماییم. باید سازوکارهای کاری مشترک دوجانبه را ایجاد و تقویت کرده و طرح‌های اجرا و نقشه‌های راهی را جهت پیشبرد طرح کمربند و جاده ترسیم نماییم. همچنین باید از سازوکارهای دوجانبه موجود مانند کمیته‌های مشترک، کمیته‌های تلفیقی، کمیته‌های هماهنگ‌کننده، کمیته‌های پیش‌برنده و کمیته‌های مدیریت جهت هماهنگ‌سازی و تقویت روند اجرای طرح‌های همکاری به طور کامل بهره‌گیریم.

ما باید نقش سازوکارهای همکاری چندجانبه را تقویت کنیم، به طور کامل از سازوکارهای موجود مانند سازمان همکاری‌های شانگهای، آسه آن به علاوه چین (۱۰+۱)<sup>۵</sup>، سازمان همکاری اقتصادی آسیا-پاسفیک (APEC)<sup>۶</sup> سازمان ملاقات آسیا-اروپا (ASEM)<sup>۷</sup>، گفتگوی همکاری آسیا (ACD)<sup>۸</sup>، کنفرانس تعامل و اقدامات اعتمادساز در آسیا (CICA)<sup>۹</sup>، مجمع همکاری چین و کشورهای عربی (CASCF)<sup>۱۰</sup>، گفتگوی راهبردی چین و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس<sup>۱۱</sup>، سازمان همکاری اقتصادی ناحیه مکونگ بزرگ (GMS)<sup>۱۲</sup> و سازمان همکاری

5. ASEAN Plus China

6. Asia Pacific Economic Cooperation

7. Asia Europe Meeting

8. Asia Cooperation Dialogue

9. Conference on Interaction and Confidence Building Measures in Asia

10. China Arab States Cooperation Forum

11. China Gulf Cooperation Council Strategic Dialogue

12. Greater Mekong Subregion Economic Cooperation

منطقه‌ای آسیای میانه (CAREC)<sup>۱۳</sup>، در جهت تقویت ارتباط با کشورهای مربوطه و جلب مشارکت شمار بیشتری از کشورها و مناطق در طرح کمربند و جاده بهره‌گیریم. ما باید همچنان نقش سازنده مجامع و نمایشگاه‌های بین‌المللی در سطوح منطقه‌ای و پایین‌تر را که در کشورهای واقع در مسیر کمربند و جاده برگزار می‌شوند و نیز عرصه‌هایی مانند مجمع بوئو برای آسیا<sup>۱۴</sup>، نمایشگاه چین-آسه آن، نمایشگاه چین-اوراسیا، مجمع اقتصادی اروپا-آسیا، نمایشگاه بین‌المللی سرمایه‌گذاری و تجارت چین، نمایشگاه چین-آسیای جنوبی، نمایشگاه چین-کشورهای عربی، نمایشگاه بین‌المللی غرب چین، نمایشگاه چین-روسیه و مجمع همکاری کیانهای<sup>۱۵</sup> را مورد حمایت و تشویق قرار دهیم. ما باید از مقامات محلی و عموم شهروندان کشورهای واقع در مسیر کمربند و جاده در تلاششان برای کاوش پیرامون میراث تاریخی و فرهنگی کمربند و جاده حمایت کنیم، فعالیت‌های مربوط به سرمایه‌گذاری، تجارت و مبادلات فرهنگی را به طور مشترک انجام دهیم و موفقیت نمایشگاه بین‌المللی فرهنگ جاده ابریشم، جشنواره فیلم و نمایشگاه بین‌المللی کتاب جاده ابریشم را تضمین نماییم. پیشنهاد ما تشکیل یک اجلاس بین‌المللی سران در زمینه طرح کمربند و جاده است.

## ۶- مناطق مختلف چین در جستجوی گشایش

چین در راستای پیشبرد طرح کمربند و جاده از مزایای نسبی مناطق مختلف خود به طور کامل بهره خواهد گرفت، راهبردی فعالانه و مبتنی بر گشایش هرچه بیشتر دروازه‌های خود به روی خارجی‌ان را در پیش خواهد گرفت، تعامل و همکاری را در میان مناطق شرقی، غربی و مرکزی خود تقویت خواهد کرد، و به شکلی همه‌جانبه به بهبود شفافیت در اقتصاد خود خواهد پرداخت.

مناطق شمال غرب و شمال شرق. ما باید از مزایای جغرافیایی شین جیانگ و نقش آن به عنوان دریچه‌ای به سمت غرب جهت تعمیق ارتباطات و همکاری‌ها با کشورهای آسیای میانه، جنوب و غرب آسیا به شکل مطلوبی استفاده کرده و این منطقه را به مرکز کلیدی حمل و نقل، تجارت، پشتیبانی، فرهنگ، علوم و آموزش و نیز یک حوزه محوری در طرح کمربند اقتصادی جاده ابریشم تبدیل کنیم. ما باید به شکل کامل از مزایای اقتصادی و فرهنگی استان‌های

13. Central Asia Regional Economic Cooperation

14. Boao Forum for Asia

15. Qianhai Cooperation Forum

شانکسی<sup>۱۶</sup> و گانسو<sup>۱۷</sup> و نیز مزایای قومیتی و فرهنگی منطقه خودمختار نینگ‌شیا هوئی<sup>۱۸</sup> و استان کینگهای<sup>۱۹</sup> استفاده کنیم، شهر شیآن<sup>۲۰</sup> را به محور تازه‌ای از اصلاحات و گشایش بخش‌های داخلی چین تبدیل نماییم، توسعه و گشایش شهرهایی مانند لانژو<sup>۲۱</sup> و شی‌نینگ<sup>۲۲</sup> را سرعت بخشیم و کار احداث منطقه اقتصادی آزمایشی جزیره نینگ‌شیا را با هدف ایجاد مجاری راهبردی، کانون‌های تجارت و خدمات پشتیبانی و پایگاه‌های کلیدی جهت انجام مبادلات صنعتی و فرهنگی در تعامل با کشورهای آسیای میانه، جنوب و غرب آسیا را نیز به پیش ببریم. ما باید از نزدیکی منطقه خودمختار مغولستان داخلی به مغولستان و روسیه نهایت استفاده را بکنیم، خطوط آهن میان استان هیلونگ‌جیانگ<sup>۲۳</sup> و روسیه و نیز شبکه راه آهن منطقه‌ای را بهبود بخشیم، همکاری‌ها میان استان‌های هیلونگ‌جیانگ، جیلین<sup>۲۴</sup> و لیائونینگ<sup>۲۵</sup> با مناطق دوردست شرق روسیه را در زمینه حمل و نقل چندشکلی دریایی-زمینی تقویت کنیم، و روند احداث یک کریدور حمل و نقل سریع‌السیر میان آسیا و اروپا را که پکن و مسکو را به هم متصل می‌کند، با هدف ایجاد مجاری ارتباطی کلیدی در مسیر شمال، به پیش ببریم.

منطقه جنوب غربی. ما باید از مزیت منحصر به فرد منطقه خودمختار گوانگشی ژوانگ<sup>۲۶</sup> به عنوان منطقه‌ای همجوار با کشورهای عضو آسه آن نهایت استفاده را ببریم و روند گشایش و توسعه منطقه اقتصادی خلیج بیبو<sup>۲۷</sup> و منطقه اقتصادی میان رودخانه پرل و منطقه شی‌جیانگ<sup>۲۸</sup> را سرعت بخشیم، یک کریدور بین‌المللی در مسیر منطقه آسه آن ایجاد کنیم، محورهای راهبردی جدیدی را جهت گشایش و توسعه مناطق جنوب غربی و جنوبی چین ایجاد نماییم و دروازه مهمی را که کمربند اقتصادی جاده ابریشم را به جاده ابریشم دریایی قرن بیست و یکم

16. Shaanxi

17. Gansu

18. Ningxia Hui

19. Qinghai

20. Xi'an

21. Lanzhou

22. Xining

23. Heilongjiang

24. Jilin

25. Liaoning

26. Guangxi Zhuang

27. Beibu Gulf

28. Pearl RiverXijiang Economic Zone

متصل کند، به وجود بیاوریم. ما باید از موقعیت جغرافیایی خاص استان یون‌نان<sup>۲۹</sup> به شکلی مطلوب استفاده کنیم، روند احداث یک کریدور حمل و نقل بین‌المللی میان چین و کشورهای همجوار را به پیش ببریم، یک نقطه عطف تازه همکاری اقتصادی را در منطقه مکونگ بزرگ ایجاد کنیم و این منطقه را به مرکز اصلی روند گشایش دروازه‌های چین به روی کشورهای آسیای جنوبی و جنوب شرقی تبدیل نماییم. ما باید تجارت و گردشگری مرزی و همکاری‌های فرهنگی میان منطقه خودمختار تبت و کشورهای همسایه مانند نپال را تقویت کنیم.

مناطق ساحلی، و همچنین هنگ کنگ، ماکائو و تایوان. ما باید از مزایای دلتای رودخانه یانگ تسه، دلتای رودخانه پرل، ساحل غربی تنگه‌های تایوان، بوهای ریم<sup>۳۰</sup> و سایر حوزه‌های برخوردار از مناطق آزاد اقتصادی دارای میزان بالایی از امکان مشارکت، توانایی‌های اقتصادی عظیم و نقش محرک قوی استفاده کنیم، روند توسعه آزمایشی منطقه آزاد تجاری شانگهای را سرعت ببخشیم و به تبدیل شدن استان فوجیان<sup>۳۱</sup> به یکی از بخش‌های اصلی طرح جاده ابریشم دریایی قرن بیست و یکم کمک کنیم. ما باید به نقش کیانه‌های (در استان شنژن)<sup>۳۲</sup>، نانشا<sup>۳۳</sup> (در استان گوانگ‌ژو)<sup>۳۴</sup> هنگ‌کین<sup>۳۵</sup> (در استان ژوهای)<sup>۳۶</sup> و پینگتان<sup>۳۷</sup> (در استان فوجیان) در گشودن باب تعامل و همکاری توجه کامل داشته باشیم، همکاری این مناطق را با هنگ کنگ، ماکائو و تایوان تعمیق بخشیم و در ایجاد منطقه خلیج بزرگ گوانگ‌دونگ-هنگ کنگ-ماکائو<sup>۳۸</sup> نیز کمک کنیم. ما باید به روند توسعه منطقه آزمایشی توسعه اقتصاد دریایی چجیانگ<sup>۳۹</sup>، منطقه آزمایشی اقتصاد دریایی فوجیان و حوزه جدید مجمع‌الجزایر ژائوشان<sup>۴۰</sup> کمک کنیم و هرچه بیشتر استان هاینان<sup>۴۱</sup> را به عنوان یک جزیره دارای اهمیت گردشگری در سطح بین‌المللی به یک منطقه آزاد تبدیل کنیم. باید روند احداث بنادر در شهرهای ساحلی مانند شانگهای،

29. Yunnan

30. Bohai Rim

31. Fujian

32. Shenzhen

33. Nansha

34. Guangzhou

35. Hengqin

36. Zhuhai

37. Pingtan

38. GuangdongHong KongMacao Big Bay Area

39. Zhejiang Marine Economy Development Demonstration Zone

40. Zhoushan Archipelago New Area

41. Hainan

تیانجین، نینگبو-ژائوشن، گوانگ‌ژو، شنژن، ژانجینگ<sup>۴۲</sup>، شانتو<sup>۴۳</sup>، کینگ‌دائو<sup>۴۴</sup>، یانتای<sup>۴۵</sup>، دالیان<sup>۴۶</sup>، فوژو<sup>۴۷</sup>، شیامن<sup>۴۸</sup>، کوانژو<sup>۴۹</sup>، هایکو<sup>۵۰</sup> و سانیا<sup>۵۱</sup> را تقویت کنیم و کارایی فرودگاه‌های بین‌المللی پرترددی مانند فرودگاه‌های شانگهای و گوانگ‌ژو را نیز افزایش دهیم. ما باید برای ایجاد انگیزه در این مناطق جهت انجام اصلاحات عمیق‌تر، ایجاد سازوکارها و سیستم‌های تازه جهت ایجاد اقتصاد آزاد، تقویت نوآوری‌های علمی و فنی، ایجاد مزیت‌های تازه برای مشارکت در همکاری و رقابت بین‌المللی و ایفای نقش برجسته در این حوزه‌ها و تبدیل شدن به محور اصلی طرح کمربند و جاده و به ویژه احداث جاده ابریشم دریایی قرن بیست و یک از اهرم تبدیل این منطقه به منطقه آزاد استفاده کنیم. ما باید از اهرم نقش منحصر به فرد مناطق اداری ویژه هنگ‌کنگ و ماکائو استفاده و این مناطق را به مشارکت در پیش‌برد طرح کمربند و جاده ترغیب کنیم. ما همچنین باید تمهیدات مناسبی را جهت تبدیل منطقه تایوان به بخشی از این تلاش اتخاذ کنیم.

مناطق درون‌بوم. ما باید از مزایای این مناطق از قبیل وجود یک خشکی گسترده، منابع غنی انسانی و وجود یک شالوده صنعتی قوی به شکل مطلوب استفاده کرده و به منظور تقویت تعاملات و همکاری‌های منطقه‌ای و تمرکز صنعتی بر مناطق کلیدی از قبیل خوشه‌های شهری در امتداد دلتای رودخانه یانگ‌تسه، در اطراف چنگ‌دو<sup>۵۲</sup> و چونگ‌کینگ<sup>۵۳</sup>، در مرکز استان هاینان، در اطراف هو هوت<sup>۵۴</sup>، بائوتو<sup>۵۵</sup>، اردوس<sup>۵۶</sup> و یولین<sup>۵۷</sup> و نیز در اطراف هاربین<sup>۵۸</sup> و چانگ‌چون<sup>۵۹</sup>

42. Zhanjiang

43. Shantou

44. Qingdao

45. Yantai

46. Dalian

47. Fuzhou

48. Xiamen

49. Quanzhou

50. Haikou

51. Sanya

52. Chengdu

53. Chongqing

54. Hohhot

55. Baotou

56. Erdos

57. Yulin

58. Harbin

59. Changchun

متمرکز شویم. ما باید چونگ کینگ<sup>۶۰</sup> را به محور مهمی برای توسعه منطقه غرب چین و تبدیل آن به منطقه آزاد و چنگ‌دو، ژنگ‌ژو<sup>۶۱</sup>، ووهان<sup>۶۲</sup>، چانگ‌شا<sup>۶۳</sup>، نان‌چانگ<sup>۶۴</sup> و هفی<sup>۶۵</sup> را نیز به محورهای اصلی گشایش دروازه‌های اقتصاد در مناطق مرکزی کشور تبدیل کنیم. ما باید همکاری‌ها میان مناطق واقع در نواحی بالادست و میانی رودخانه یانگ‌تسه و مناطق همجوار آنها در مسیر رودخانه ولگا در روسیه را تسریع کنیم. باید سازوکارهای هماهنگ‌سازی را در حوزه حمل و نقل ریلی و ترخیص گمرکی در بنادر در کریدور چین-اروپا ایجاد کنیم، جایگاه و اعتبار قطارهای باری میان چین و اروپا را تثبیت نماییم و یک کریدور حمل و نقل مرزی را ایجاد کنیم که مناطق شرقی، مرکزی و غربی را به هم متصل کند. ما باید از روند احداث فرودگاه و پایانه‌های بین‌المللی زمینی در شهرهای مرکزی مانند ژنگ‌ژو و شیان حمایت کنیم، همکاری میان بنادر مرکزی و بنادر واقع در مناطق ساحلی و مرزی در حوزه ترخیص گمرکی را تقویت نماییم و خدمات آزمایشی تجارت الکترونیک را نیز جهت انجام مبادلات تجاری مرزی راه‌اندازی کنیم. ما باید نحوه چینش حوزه‌های مختلف نظارتی گمرک را بهینه‌سازی کنیم، مدل‌های تازه‌ای از پردازش مبادلات تجاری را ارائه دهیم، و همکاری‌های صنعتی با کشورهای واقع در مسیر کمربند و جاده را نیز عمق بخشیم.

## ۷- اقدامات عملی چین

دولت چین از بیش از یک سال پیش فعالانه در زمینه احداث کمربند و جاده، افزایش میزان ارتباطات و رایزنی‌ها و پیشبرد همکاری‌های عملی با کشورهای واقع در مسیر کمربند و جاده وارد عمل شده و سیاست‌ها و اقدامات چندی را جهت دستیابی به نتایج زود هنگام اتخاذ کرده است.

راهنمایی و تسهیل روندها در سطوح عالی. شی جین‌پینگ و لی چه‌کیانگ، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر چین به بیش از بیست کشور سفر کرده‌اند، در مجمع گفتگو پیرامون تقویت همکاری مبتنی بر ارتباط متقابل<sup>۶۶</sup> و ششمین کنفرانس مجمع همکاری چین و کشورهای عربی که در سطح وزرا برگزار شد، حضور یافته و با رهبران کشورهای ذی‌نفع به منظور بحث و

60. Chongqing

61. Zhengzhou

62. Wuhan

63. Changsha

64. Nanchang

65. Hefei

66. Dialogue on Strengthening Connectivity Partnership



تبادل نظر پیرامون روابط دوجانبه و مسائل مرتبط با تحولات منطقه دیدار داشته‌اند. آنها از این فرصت‌ها برای توضیح محتوای غنی و نیز نتایج مثبت حاصل از اجرای طرح کمربند و جاده استفاده کرده‌اند و تلاش‌های آنها به ایجاد یک اجماع گسترده در حمایت از طرح مذکور کمک کرده است.

امضای چارچوب همکاری. چین یادداشت‌های تفاهمی را جهت همکاری در زمینه توسعه کمربند و جاده با برخی کشورها به امضا رسانده است و یادداشت‌های تفاهم همکاری چندی را نیز در زمینه همکاری‌های منطقه‌ای و مرزی و اجرای طرح‌های توسعه میان‌مدت و درازمدت جهت همکاری‌های اقتصادی و تجاری با برخی کشورهای همسایه امضا کرده است. چین همچنین کلیات طرح‌هایی را در زمینه همکاری‌های منطقه‌ای با برخی کشورهای همجوار پیشنهاد کرده است.

ترغیب به همکاری در زمینه اجرای طرح‌ها. چین میزان ارتباطات و رایزنی‌های خود را با کشورهای واقع در مسیر کمربند و جاده افزایش داده و طرح‌های مهم چندی را جهت همکاری در بخش‌های ارتباطات زیرساخت، سرمایه‌گذاری صنعتی، توسعه منابع، همکاری اقتصادی و تجاری، همکاری مالی، مبادلات فرهنگی، حفاظت از محیط‌زیست و همکاری دریایی در مواردی که شرایط مناسب وجود داشته باشد، پیشنهاد کرده است.

بهبود سیاست‌ها و تمهیدات. دولت چین منابع داخلی خود را به منظور حمایت راهبردی قوی‌تر از طرح کمربند و جاده به شکلی منسجم بسیج خواهد کرد. دولت چین همچنین روند تأسیس بانک سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی آسیا را تسهیل خواهد کرد. چین پیشنهاد تأسیس صندوق جاده ابریشم را مطرح کرده است که در صورت اجرا، به تقویت کارکرد صندوق همکاری‌های اقتصادی چین-اوراسیا<sup>۶۷</sup> در حوزه سرمایه‌گذاری منجر خواهد شد. ما مؤسسات تهاتر را که با کارت‌های بانکی کار می‌کنند، به انجام عملیات تهاتر برون‌مرزی و نیز مؤسسات پرداخت را نیز به انجام پرداخت‌های تجاری برون‌مرزی تشویق خواهیم کرد. ما فعالانه برای تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری تلاش خواهیم کرد و روند اصلاح ترخیص گمرک در سطح منطقه‌ای را نیز تسریع خواهیم نمود.

تقویت نقش بسترهای همکاری. چندین اجلاس، مجمع، سمینار و نمایشگاه بین‌المللی با محوریت طرح کمربند و جاده برگزار شده‌اند که نقش مهمی در تقویت درک متقابل، دستیابی به اجماع و تعمیق همکاری‌ها داشته‌اند.

## ۸- رفتن به استقبال آینده‌ای روشن در کنار یکدیگر

طرح کمربند و جاده هرچند توسط چین پیشنهاد شده است، اما آرمان مشترک تمامی کشورهای واقع در مسیر کمربند و جاده را تشکیل می‌دهد. چین آماده انجام رایزنی از موضع برابر با تمامی کشورهای واقع در مسیر کمربند و جاده به منظور بهره‌برداری از فرصت حاصل از اجرای این طرح، کمک به باز شدن درهای اقتصاد، ارتباطات و نیز رایزنی‌ها در میان کشورهای ذی‌نفع در مقیاسی گسترده‌تر، با رعایت استانداردهای بالاتر و در سطوح عمیق‌تر است و در عین حال به منافع و خواسته‌های تمامی طرف‌های ذی‌نفع نیز توجه دارد. طرح ایجاد کمربند و جاده یک طرح باز و فراگیر است و ما از مشارکت تمامی کشورها و نیز سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در این طرح استقبال می‌کنیم.

احداث کمربند و جاده باید عمدتاً از طریق تبیین سیاست‌ها و هماهنگ‌سازی اهداف به پیش برده شود. این طرح یک فرایند تکثرگرایانه و باز برای همکاری است که می‌تواند از انعطاف بسیار بالایی نیز برخوردار باشد و به دنبال ایجاد همسانی اجباری نیست. چین در کنار سایر کشورهای واقع در مسیر کمربند و جاده برای غنا بخشیدن و بهبود محتوا و شیوه همکاری در اجرای این طرح، تعیین جداول زمانی و ترسیم نقشه‌های راه و انطباق طرح‌های توسعه ملی با طرح‌های همکاری منطقه‌ای، تلاش خواهد کرد.

چین در انجام تحقیقات، برگزاری مجامع و نمایشگاه‌ها، آموزش پرسنل، طرح‌های مبادله و بازدید مشترک در چارچوب سازوکارهای همکاری موجود دوجانبه، چندجانبه، منطقه‌ای و محلی با سایر کشورهای واقع در مسیر کمربند و جاده همکاری خواهد کرد تا این کشورها درک بهتری از محتوا، مأموریت‌ها و اهداف این طرح داشته باشند. چین برای پیشبرد مداوم طرح‌های آزمایشی، تعیین طرح‌هایی که تأمین‌کننده منافع دوجانبه و چندجانبه باشند، و نیز تسریع در آغاز اجرای طرح‌هایی که طرف‌های ذی‌نفع در مورد آنها به توافق رسیده‌اند و زمینه اجرای آنها وجود دارد، با کشورهای واقع در مسیر کمربند و جاده همکاری خواهد کرد تا امکان بهره‌مندی زود هنگام از نتایج مثبت این طرح‌ها فراهم گردد.

همکاری در اجرای طرح کمربند و جاده متضمن احترام و اعتماد و تأمین منافع متقابل و همکاری برد-برد و نیز آموختن تمدن‌های مختلف از یکدیگر است. تا زمانی که تمامی کشورهای واقع در مسیر کمربند و جاده در تلاش برای دستیابی به اهداف مشترکمان متحد باشند، دورنمای احداث کمربند اقتصادی جاده ابریشم و جاده ابریشم دریایی قرن بیست و یکم روشن خواهد بود و همه شهروندان این کشورها خواهند توانست از منافع حاصل از اجرای این طرح بهره‌مند گردند.

کمر بند اقتصادی جاده ابریشم  
با در نظر گرفتن دلالت‌های امنیتی و  
جنبه‌های همکاری اروپا و چین

ریچارد قیاسی  
جایی ژوو

مؤسسه سبیری و فریدریش-اِبرت-استیفتونگ



## مقدمه

بخش کمر بند اقتصادی جاده ابریشم<sup>۱</sup> (که از این پس به اختصار کمر بند گفته می‌شود) از طرح ابتکاری کمر بند و جاده که از سوی کشور چین در سال ۲۰۱۳ پیشنهاد شد، چشم‌اندازی بلندپروازانه است که شور و شوق زیادی در میان بسیاری از سهامداران ایجاد کرده است. از جمله اهداف طرح کمر بند، ارتقاء توسعه و ارتباط زیرساختی و تشویق همبستگی اقتصادی در سراسر منطقه اورآسیا است. اروپا بخش لاینفکی از چشم‌انداز فراقاره‌ای چین است و چنان که چارچوب ارتباط چین و اتحادیه اروپا نشان می‌دهد، این اتحادیه نیز منافع خود را در این کمر بند خواهد داشت. کمر بند علاوه بر ارتباط مستقیم اقتصادی می‌تواند نقش نقطه آغازی برای همکاری عمیق‌تر بین اتحادیه اروپا و چین در طیفی از امور مرتبط با مدیریت جهانی و منطقه‌ای داشته باشد.

علاوه بر این، اتحادیه اروپا در وهله اول باید درک جامع‌تری از کلیت مفاهیم راهبردی کمر بند - و این که این مفاهیم چه ارتباطی با امنیت این اتحادیه و اهداف سیاست خارجی اش خواهد داشت - کسب کند. دغدغه‌ها و تردیدهایی در خصوص چرایی پیشنهاد چنین طرحی از سوی چین باقی می‌ماند: از جمله این که آیا این طرح بالقوه نقش یک برنامه کاری ژئوپلیتیک را دارد و ارتباط آن با پویایی اقتصادی و سیاسی در بسیاری از دولت‌های آسیب‌پذیر و در حال توسعه‌ای که از آنها عبور می‌کند، چگونه است. و نیز پرسش‌هایی در خصوص این که این طرح با پویایی امنیت محلی و ژئوپلیتیک منطقه‌ای چگونه تعامل دارد. تا به امروز گفتمان‌های بین‌المللی خیلی محدودی روی پاسخ به این پرسش‌ها تمرکز کرده‌اند و دقیقاً همین خلاء در تجزیه و تحلیل است که مؤسسه پژوهشی صلح بین‌المللی استکهلم (SIPRI)<sup>۲</sup> را بر آن داشته با همکاری فریدریش - ابرت - استیفتونگ (FES)<sup>۳</sup> پروژه حاضر را آغاز کند.

1. The Silk Road Economic Belt

2. Stockholm International Peace Research Institute

3. Friedrich-Ebert-Stiftung (FES)

بخش اول این گزارش به توصیف ماهیت ذاتی کمربند و نیز منافع متنوعی که چین را بر آن داشته تا دست به این کار بزند می‌پردازد. گزارش حاضر کمربند را در بافت منافع و بلندپروازی‌های امنیتی رو به رشد خود چین بررسی می‌کند. بخش دوم به کنکاش در تعابیر و برداشت‌ها از کمربند و تعاملات آن با پویایی امنیت در دو منطقه منتخبی می‌پردازد که در چشم‌انداز کمربند و نقشه راه آن جایگاه انکارناپذیری دارند: یعنی آسیای میانه و جنوبی. بخش سوم و پایانی گزارش نگاهش را به سوی اتحادیه اروپا معطوف کرده و سازگاری کمربند را با منافع خارجی و امنیتی اتحادیه اروپا، هم از منظر عمومی و هم در این مناطق خاص، ارزیابی می‌کند. بر این اساس، تحلیلی در باب این که آیا اتحادیه اروپا احتمالاً می‌تواند با چین و کنشگران منطقه‌ای در حوزه فعالیت کمربند وارد همکاری شود یا نه، و در چه حیطه‌ای این همکاری‌ها رخ خواهد داد، شکل گرفته است.

این گزارش سیاستی، ماحصل یک سال کار پژوهشی و تجزیه و تحلیل فشرده روی یک چشم‌انداز چینی نو، گسترده و رو به رشد است. مؤلفین این گزارش مسیری بس طولانی را در راه کنکاش این موضوعات طی کرده‌اند. مؤلفین علاوه بر منابع ثانویه به زبان انگلیسی، از منابع دست اول به زبان‌های چینی و روسی هم استفاده و با ۱۵۶ کارشناس از جمله دانشگاہیان، روزنامه‌نگاران، مشاوران و سیاستگذاران مختلف از مجموعاً ۸۴ مؤسسه در ۱۲ شهر از ۷ کشور در سراسر منطقه اورآسیا صحبت کرده‌اند. این گفتگوها در کشورهایی در مسیر کریدوره‌ای اصلی کمربند صورت گرفت که از چین آغاز شد و کم‌کم به سمت غرب و محل استقرار دفتر اتحادیه اروپا در بروکسل تداوم یافت. دفاتر موسسه فریدریش-اِبرت-استیفتونگ در پکن، آستانه، اسلام‌آباد، مسکو و بروکسل مقدمات بسیاری از دیدارها را فراهم کردند و کارگاه‌های سیاستی را سازماندهی نمودند. بی‌گمان، این دیدارها و گفتگوها سهم بسیار زیادی در گزارش حاضر ایفا کردند. امیدواریم که سهامداران در اتحادیه اروپا و نیز سهامداران چینی و سایر سهامداران کمربند، این گزارش سیاستی را نوشتاری روشن‌گر و مفید یابند. سپیری و فریدریش-اِبرت-استیفتونگ، مایلند مراتب قدردانی خالصانه خود از همه کسانی که با مؤلفین این اثر دیدار کرده و دیدگاه‌های ارزشمندشان را با ایشان در میان گذاشتند، اعلام نماید.

دن اسمیت<sup>۴</sup>، مدیر سپیری

یورگن استتن<sup>۵</sup>، بخش آسیا و اقیانوسیه، فریدریش-اِبرت-استیفتونگ

فوریه ۲۰۱۷

## سپاسگزاری

در جریان انجام این پروژه افراد بسیاری به تهیه گزارش حاضر کمک کرده‌اند، از جمله تمامی کارشناسانی که در پنج کارگاه منطقه‌ای سیبری که به ترتیب در پکن، آستانه، استانبول، مسکو و بروکسل برگزار شد و کارشناسانی از نهادهای دانشگاهی، اندیشکده‌های دولتی، غیر دولتی و رسانه‌ای که در شهرهای مذکور و نیز در شانگهای، ارومچی، لانتزو، بیشکک، آلماتی، دهلی نو، لوون و استکهلم با آنها دیدار داشتیم. به‌طور کلی، در این راه با ۱۵۶ کارشناس از ۸۴ مؤسسه درباره پروژه مورد نظر ریزنی شد. آنها برای حمایت از تلاش ما و نیز توسعه دانش‌مان درباره موضوع گزارش صمیمانه وقت گذاشتند. از مؤسسات روابط بین‌المللی معاصر چین (CICIR)<sup>۶</sup>، مؤسسه مطالعات راهبردی قزاقستان زیر نظر ریاست جمهوری قزاقستان (KasISS)<sup>۷</sup> و دانشگاه تحقیقاتی مدرسه عالی اقتصاد (HSE)<sup>۸</sup> که به ترتیب در پکن، آستانه و مسکو پذیرای کارگاه‌های ما بودند، تشکری ویژه داریم.

علاوه بر این، بر خود لازم می‌دانیم از همکارانی که سخاوتمندانه برای مطالعه گزارش و انعکاس نظراتشان در خصوص بخش‌هایی از آن وقت گذاشتند تشکر و قدردانی کنیم: تی. سی. ای. رانگاچری<sup>۹</sup>، ایمتیاز گول<sup>۱۰</sup>، پال دونای<sup>۱۱</sup>، ژابین جاکوب<sup>۱۲</sup>، خالد عزیز<sup>۱۳</sup>، فرانتس-پل فاندرو پوتن<sup>۱۴</sup>، واسیلی کاشین<sup>۱۵</sup>، گلشن ساشدوا<sup>۱۶</sup>، شهباز رانا<sup>۱۷</sup>، یولیا نیکیتینا<sup>۱۸</sup>، ژی تائو<sup>۱۹</sup>، فریزر کامرون<sup>۲۰</sup>، ژوس بونسترا<sup>۲۱</sup>، لیو ژونگی<sup>۲۲</sup>، ولادیمیر پارامونوف<sup>۲۳</sup>، اندرو اسمال<sup>۲۴</sup>، کامل

6. China Institutes of Contemporary International Relations

7. Kazakhstan Institute for Strategic Studies under the President of Kazakhstan

8. High School of Economics

9. T. C. A. Rangachari

10. Imtiaz Gul,

11. Pal Dunay

12. Jabin Jacob

13. Khalid Aziz

14. Frans-Paul van der Putten

15. Vasily Kashin

16. Gulshan Sachdeva

17. Shahbaz Rana

18. Yulia Nikitina

19. XieTao

20. Fraser Cameron

21. Jos Boonstra

22. Liu Zongyi

23. Vladimir Paramonov

24. Andrew Small

توکتوموشف<sup>۲۵</sup>، سباستین شیک<sup>۲۶</sup>، دانیار کوسنازاروف<sup>۲۷</sup>، بالاژ یوژواری<sup>۲۸</sup>، متیو بورنای<sup>۲۹</sup>، میکو هوتاری<sup>۳۰</sup>، توماس ادر<sup>۳۱</sup>، مظفر عالموف<sup>۳۲</sup>، فرخود امینجونوف<sup>۳۳</sup>، آناتول پانگ<sup>۳۴</sup>، استفان موته<sup>۳۵</sup>، لارس اریک لوندین<sup>۳۶</sup>، جان هارت<sup>۳۷</sup> و تیمو اسمیت<sup>۳۸</sup> و نیز بخش سردبیری سیبری به‌خاطر کمکی که با فرم نهایی انتشار به ما کردند.

تشکر بسیار ویژه‌ای داریم از دکتر لورا سلمان<sup>۳۹</sup>؛ پژوهشگر ارشد و مدیر سیبری در برنامه چین و امنیت جهانی، برای ویرایش گزارش؛ دینارا کوژاخمتووا<sup>۴۰</sup> برای پشتیبانی از گزارش در مراحل پایانی پروژه و کریستین دیتریش<sup>۴۱</sup> برای تولید دو طرح آمده در گزارش.

تأمین مالی این پروژه مدیون حمایت سخاوتمندانه فریدریش-ابرت-استیفتونگ است، که از این جهت قدردان لطف ایشان هستیم. دفتر فریدریش-ابرت-استیفتونگ برلین و دفاتر محلی آن با مهربانی مقدمات تمامی پنج کارگاه منطقه‌ای و تعداد زیادی از دیدارهای چهره به چهره ما را فراهم کردند و با نظرات ارزشمندشان درباره منطقه، به غنای هر چه بیشتر پژوهش میدانی ما کمک کردند. از اینرو بسیار مدیون آنها هستیم و از کار کردن با ایشان لذت فراوانی بردیم. به‌طور ویژه، دوست داریم مراتب سپاس خود را از نوت دتلفسن<sup>۴۲</sup>، که زحمت هماهنگی کل پروژه را با یورگن استتن، کریستوف پولمن<sup>۴۳</sup>، استفن پنتکووک<sup>۴۴</sup>، هنریت کایفر<sup>۴۵</sup>، مارک

- 
25. Kemal Toktomushev
  26. Sebastian Schieck
  27. Daniyar Kosnazarov
  28. Balazs Ujvari
  29. Matthieu Burnay
  30. Mikko Huotari
  31. Thomas Eder
  32. Muzaffar Olimov
  33. Farkhod Aminjonov
  34. Anatole Pang
  35. Stephan Mothe
  36. Lars-Erik Lundin
  37. John Hart
  38. Timo Smit
  39. Lora Saalman
  40. Dinara Kozhakhmetova
  41. Christian Dietrich
  42. Knut Dethlefsen
  43. Christoph Pohlmann
  44. Stefan Pantekoek
  45. Henriette Kiefer



ساکستر<sup>۴۶</sup>، رولف پاش<sup>۴۷</sup>، عبدالله دایو<sup>۴۸</sup>، میرکو همپل<sup>۴۹</sup> و اُوِه اوپتنهوگل<sup>۵۰</sup> از سوی فریدریش- ابرت-استیفتونگ، با از خود گذشتگی زیاد بر عهده داشت، اعلام کنیم. هر گونه ایراد و اشکالی در گزارش حاضر ناشی از کوتاهی ما بوده است.

مؤلفین

- 
46. Marc Saxer
  47. Rolf Paasch
  48. Abdullah Dayo
  49. Mirko Hempel
  50. Uwe Optenhgel

## خلاصه مدیریتی

طی این یک سال مطالعه دفتری و میدانی، بخش کمربند جاده ابریشم (که از این پس به اختصار کمربند نامیده می‌شود) از طرح ابتکاری کمربند و جاده چین از منظر امنیت مورد بررسی قرار گرفت. این گزارش از سه مؤلفه برخوردار است: الف) گزارش به تجزیه و تحلیل این که ماهیت ذاتی کمربند چیست، انگیزه چین از طرح چنین برنامه‌ای چیست، و ارتباط آن با امنیت خود چین به چه صورت است، می‌پردازد؛ ب) مفاهیم و برداشت‌های امنیتی حاصل از کمربند و مفهوم آنها در ارتباط با دو منطقه منتخب اورآسیا (در این گزارش منظور از اورآسیا ترکیبی از سرزمین‌های اروپا و آسیا است) یعنی آسیای مرکزی و جنوبی، چیست؛ ج) بر اساس مجموع این یافته‌ها، پژوهش حاضر به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا کمربند یک پلتفرم برای همکاری اتحادیه اروپا (EU) و چین در جهت تقلیل تهدیدهای امنیتی در منطقه اورآسیا است یا خیر و در خصوص نحوه عملکرد، توصیه‌های سیاستی برای اتحادیه اروپا دارد یا خیر. در چارچوب این گزارش، «امنیت» به طور گسترده در ارتباط با امنیت درون دولتی و بینادولتی تعریف می‌شود: لذا دربرگیرنده امنیت انسانی و شرایط توسعه‌ای خواهد بود.

کمربند یک چشم‌انداز چینی رو به تکامل و درازمدت برای توسعه زیرساختی، ارتباط و همکاری اقتصادی اورآسیایی است. یک خلاء گسترده در زیرساخت‌های مهم در بخش‌های بزرگی از اورآسیا وجود دارد که بسیاری از دولت‌های مربوطه حتی با کمک منابع مالی توسعه چندجانبه هم قادر به پر کردن آن نیستند. طرح کمربند قصد دارد بخش اعظم این خلاء را پر کند و در حالی که پایایی سیاسی این ابتکار و کارآمدی اجرای آن هنوز آشکار نشده است، این طرح در بسیاری از مناطق اورآسیا با شور و شوق مورد استقبال قرار گرفته است.

از منظر رسمی، کمربند در قالب پیشنهادی نسبتاً بشردوستانه است که مبتنی بر اصول سود دو جانبه و بازی برد برد است. این طرح هیچ محدودیتی از قبل برای کنشگران، روش‌ها یا هنجارها قائل نمی‌شود و انعطاف‌پذیری فراوانی دارد. از این جهت، پتانسیل آن را دارد که به الگویی پیشرو برای همکاری‌های اقتصادی دو جانبه و چند جانبه در منطقه اورآسیا تبدیل شود. با این حال، تعدادی از سهامداران در خصوص اجرایی بودن آن تردید دارند، به ویژه در مورد ارجاع آن به چالش‌های امنیتی در سراسر منطقه اورآسیا. دغدغه‌های دیگری هم در باب مبانی ژئوپلیتیک آن از جمله این که این طرح در حقیقت به اندازه کافی چند جانبه نیست و در خدمت گسترش نفوذ راهبردی سیاسی و اقتصادی چین در میان دولت‌های مشارکت‌کننده در آن است، وجود دارد. گفتمان رسمی چندانی از سوی کشور چین در خصوص انگیزه‌های سیاسی آن مطرح نشده است و همین مسئله به گمانه‌زنی در این زمینه دامن می‌زند.

اما آن چه روشن است این که طیف وسیعی از انگیزه‌های مختلف در پشت برنامه کمربند است، برای مثال می‌توان به بالا بردن امنیت اقتصادی داخلی چین از طریق افزایش نفوذ اقتصادی و به ویژه مالی آن در سطح جهانی، کاهش تهدیدات امنیتی و فراهم کردن فضای راهبردی اشاره کرد. در واقع، این طرح فراتر از هر موضوع منفردی تکامل یافته تا همگرایی و تجمعی از محرک‌ها و منافع دیپلماتیک، اقتصادی-اجتماعی داخلی، مالی، جغرافیای اقتصادی (ژئواکونومیک) و جغرافیای سیاسی (ژئوپلیتیک) و نیز پیشنهادات و پروپوزال‌های از قبل موجود دولت‌ها باشد. این که آیا طرح مزبور توان دستیابی موفق به منافع مورد نظر چین در ارتباط با مسائل فوق را دارد یا خیر را باید در عمل دید.

در هر صورت، نفوذ روز افزون اقتصادی چین در ورای مرزهایش از طریق کمربند در درازمدت انگیزه مضاعفی برای این کشور در جهت به دست گرفتن رهبری مدیریت جهانی و مسائل امنیتی دولت محلی و منطقه‌ای، ایجاد خواهد کرد. در واقع، کمربند با مضامین کنشگرانه فزاینده امنیتی چین که بر امنیت مشترک از طریق همکاری توسعه‌ای و اقتصادی تأکید دارد، مرتبط است. این طرح می‌تواند یکی از بنیان‌های اصلی رشد اقتصادی و یکپارچگی آسیا و نهایتاً همکاری‌های اقتصادی و امنیتی نزدیکتر میان دولت‌های مربوطه باشد، لیکن راه رسیدن به این سناریو، طولانی و آکنده از موانع و مشکلات است. بدون در نظر داشتن اهداف مشخص و روشن، ارزیابی میزان موفقیت و شکست کمربند در درازمدت کار دشواری است.

در حقیقت، شاید چین بیش از حد روی ظرفیت مدیریت سازمانی و اقتصادی محلی و توان مالی و دیپلماتیک خودش حساب باز کرده است. همچنین ممکن است گستره دشواری‌های ژئوپلیتیکی که سر راهش پدیدار می‌شوند را دست کم گرفته باشد. تنش‌های سیاسی و آشوب در درون دولت‌های منطقه اورآسیا ممکن است روی کمربند تأثیر بگذارند، اما خود کمربند نیز متقابلاً با این مسائل در تعامل است. برخی برداشت‌ها از کمربند در حوزه پویایی امنیتی در آسیای مرکزی و جنوبی به قرار زیر هستند:

۱. در آسیای مرکزی و جنوبی (به ویژه پاکستان) کمربند می‌تواند مشکلات مدیریتی، در وهله اول فقدان مسئولیت‌پذیری اقتصادی و فساد، را تشدید کند. این طرح همچنین می‌تواند به‌طور بالقوه به حفظ رژیم‌هایی کمک کند که سابقه دموکراتیک یا توسعه‌ای ضعیفی دارند و عناصر ساختاری بی‌ثباتی را تشدید کند. با این حال، در صورتی که دولت‌های محلی بتوانند از سرمایه کمربند در راه تقویت رشد اجتماعی و اقتصادی پایدار و فراگیر استفاده کنند، این برنامه همچنین می‌تواند به افزایش انگیزه برای ثبات بیشتر کمک کند.

۲. کمربند به‌طور بالقوه می‌تواند در آسیای مرکزی به تلاش‌های بیشتر و اراده سیاسی مستحکم‌تر برای همکاری در میان دولت‌ها کمک کند تا به شکل مؤثری مخاطرات زیربنایی منطقه‌ای مربوط به منافع اقتصادی متقابل را حل و فصل کنند.

۳. بخش کریدور اقتصادی چین-پاکستان (CPEC)<sup>۵۱</sup> کمربند در جنوب آسیا، تنش‌های سیاسی بین هند و پاکستان را افزایش داده است. هندوستان به شدت با این کریدور اقتصادی مخالفت کرده است و در حالی که طرح کمربند موجد درگیری جدیدی نیست، تا کنون به تشدید رقابت‌های تاریخی بر سر نفوذ در جنوب آسیا منجر شده است. علاوه بر این، کمربند در این مرحله پتانسیل ناچیزی برای کمک به آب شدن یخ روابط بین پاکستان و افغانستان از خود نشان داده است، اما ممکن است در آینده در میان‌مدت یا درازمدت چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای برای این امر وجود داشته باشد.

۴. در حال حاضر، کمربند به لحاظ ساختاری، تقابلی با اهداف امنیتی روسیه یا اتحادیه اقتصادی اورآسیا (EEU)<sup>۵۲</sup> در سطح ملی یا در آسیای مرکزی ندارد. منابع ناامنی ویژه‌تر محلی در آسیای مرکزی و جنوبی با یا بدون حضور کمربند نیز وجود دارند. این مشکلات به سادگی و به خودی خود قابل حل نیستند و کمربند، دست کم فرصتی برای آغاز حل و فصل این چالش‌های مشترک است.

در واقع، کمربند می‌تواند کالاهای عمومی را فراهم کند که به‌طور بالقوه توان تسریع توسعه اقتصادی و اجتماعی در کشورهای آسیای مرکزی و جنوبی را دارند. به هر حال، سرریزهای مثبت توسعه‌ای کمربند نیز تا حد زیادی به جزئیات اجرا بستگی خواهند داشت: توزیع دست‌آوردها و منافع بین سهامداران چینی و دولت‌های محلی و نیز بین نخبگان حاکم در این دولت‌ها و سایر بخش‌های جمعیت. این کار مستلزم تعهد فراگیرتر چین و به‌ویژه کنشگران محلی به سیاست‌هایی خواهد بود که به جای امنیت رژیم - دولت - محور، امنیت انسانی را تقویت می‌کنند.

کمربند به‌طور اجتناب‌ناپذیری روی منافع امنیتی اتحادیه اروپا در آسیای مرکزی و جنوبی تأثیر می‌گذارد. ارتباط بینابینی بیشتر، که از دست‌آوردهای بالقوه کمربند است، به اتحادیه اروپا انگیزه می‌دهد تا راهبردی تر فکر کرده و مشارکت کنشگرانه‌تری در برقراری ثبات و مرزهای همسایگان بلافصل خود داشته باشد. به هر حال، این امر مستلزم آن است که اتحادیه

51. China-Pakistan Economic Corridor

52. Eurasian Economic Union

اروپا چشم‌انداز راهبردی مختص خودش را برای ثبات و امنیت در اورآسیا به‌طور کلی و نقشی که برای خودش و سهامداران در این تصویر قائل است، داشته باشد. چنین چشم‌اندازی نقطه آغازی ایده‌آل برای ارزیابی کمربند خواهد بود. در حال حاضر، به استثناء پلتفورم ارتباط بین چین و اتحادیه اروپا، بروکسل واکنشی روشن و پاسخی راهبردی به طرح کمربند از خود بروز نداده است.

در یک سطح سازمانی، اتحادیه اروپا پیش از درگیر شدن در مقیاس گسترده‌تر در این طرح، هنوز به درک جامع‌تری از مفاهیم راهبردی کمربند در کل نیاز دارد. این امر شامل درک تمامی مفاهیم کمربند در ارتباط با منافع خارجی، امنیتی و اقتصادی تعیین شده اتحادیه اروپا می‌شود. کمربند به‌مثابه چارچوبی نه‌چندان مستحکم و نهادینه نشده، که به‌شکل عمده‌ای از طریق پروژه‌های اقتصادی پیش می‌رود، خود پلتفورم ایده‌آلی برای همکاری اتحادیه اروپا و چین در باب موضوعاتی چون امنیت سخت نیست. با این حال، این گزارش در رابطه با اجرای کمربند به این نتیجه رسیده است که فرصت‌های همکاری بالقوه‌ای در درون قلمرو امنیت و پیشرفت انسانی وجود دارد.

اتحادیه اروپا هماهنگی با سایر سهامداران مربوطه می‌تواند از فرصت فراهم شده توسط کمربند برای مشارکت با چین و نزدیکتر کردن خود به گونه‌ای از «نظم قانون محور جهانی» با بیشترین همخوانی با منافع و ارزش‌های خودش، استفاده کند. مشارکت اتحادیه اروپا با چین در زمینه طیفی از مقولات مشترک غیر سنتی و امنیتی نرم، از توسعه پایدار و امنیت انرژی گرفته تا همبستگی و مدیریت منطقه‌ای، از اهمیت و ارزش خاص خود برخوردار است.

در هر صورت، تفاوت رویکردها و ارزش‌های سیاسی می‌تواند همکاری عملی و کارآمد را با مشکل روبرو کند. در حالی که کمربند تا حد زیادی با منافع اتحادیه اروپا در آسیای مرکزی و جنوبی همسو است، برداشت‌ها برای برنامه کاری هنجارمند و ارزشمدار اتحادیه اروپا همچنان مورد تردید است. به این ترتیب، یک راهکار عملی و نسبتاً سیاسی برای اتحادیه اروپا و چین جهت ورود مشارکتی به طرح کمربند این است که از طریق چارچوب مشترک اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد (SDGs)<sup>۵۲</sup> این کار صورت گیرد. در واقع، کمربند، شتاب دهنده بالقوه‌ای برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد است و چین و اتحادیه اروپا هر دو توسعه اقتصادی و اجتماعی را شدیداً مرتبط با ثبات و امنیت در دولت‌های ذیربط در آسیای مرکزی و جنوبی می‌دانند.

گزارش حاضر به شکل ملموس‌تری توصیه می‌کند که اتحادیه اروپا نکات زیر را مورد

توجه قرار دهد:

### در کوتاه مدت

۱- سرمایه انسانی بیشتری به سرویس اقدام بیرونی اروپایی (EEAS)<sup>۵۴</sup> و سایر ارگان‌های مربوطه اختصاص دهد تا به بررسی و پایش مفاهیم امنیتی کمربند بپردازد. بر این مبنای، با مقامات ذیربط چینی دیدار کرده و مفاهیم امنیتی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت کمربند و نحوه تأثیرگذاری این مضامین بر منافع خارجی و امنیتی اتحادیه اروپا را مورد بررسی و کنکاش قرار دهند. این کار می‌تواند به عنوان چارچوبی برای ارزیابی و پایش مفاهیم شناسایی شده مورد استفاده قرار گیرد.

۲- گفتگوهای قوی‌تر و مداوم‌تر درون کشوری در سطح سفارتخانه‌ها و فرستاده‌ها با چین و نیز سایر کنشگران طرف سوم مثل سازمان‌های غیردولتی (NGOها) و کسب و کارهای سازمان یافته صورت دهند که حداقل هدف آنها اطلاعات امنیتی بیشتر کمربند و اشتراک ارزیابی خطر باشد. این روش را همچنین می‌توان برای شناخت مشارکت‌ها در برنامه‌ریزی توسعه‌ای و امنیت نرم بین اتحادیه اروپا و چین نیز به کار گرفت. دولت‌های محلی و کنشگران طرف سوم می‌توانند اطلاعات خود را به اشتراک گذاشته و از این طریق مطالعات موردی مناسب برای تبیین بهترین تجارب در همکاری با چین حاصل شود.

۳- با چین، سازمان ملل متحد و سایر سهامداران کمربند از طریق چارچوب توسعه جهانی<sup>۵۵</sup> و برنامه کاری<sup>۵۶</sup> ۲۰۳۰ سازمان ملل، به منظور افزایش حداکثری منافع مربوط به امنیت انسانی، برگشت‌پذیری دولتی-اجتماعی و برگشت‌های سرمایه‌گذاری کمربند در امور زیرساختی و بخش‌های مربوطه مشارکت کنند. خارج از کانال‌های سازمان ملل متحد این کار می‌تواند از طریق گفتگوهای توسعه‌ای دوجانبه سالانه در سطح مقامات ارشد، چنان که در برنامه کاری ۲۰۲۰ اتحادیه اروپا و چین برای همکاری<sup>۵۷</sup> تدوین شده است، انجام پذیرد.

54. European External Action Service

55. Global Development Framework

56. UN Agenda 2030

57. EU-China 2020 Agenda for Cooperation

## در کوتاه‌مدت تا میان‌مدت

۱- ترسیم چشم‌انداز اتحادیه اروپا برای یک اورآسیای با ثبات‌تر و امن‌تر. این کار مستلزم در نظر گرفتن نقش راهبردی اتحادیه اروپا در خود اورآسیا، دیدگاه‌هایش در خصوص معماری امنیت آسیا و چشم‌انداز آن نسبت به مدیریت رو در رو با سایر سهامداران، شامل نه تنها ایالات متحده و چین، بلکه هندوستان، روسیه، قدرت‌های خاورمیانه و بازیگران محلی، است. چنین چشم‌اندازی نیازمند به کار گرفتن پیشنهادات سیاست‌گذاری برای یک رویکرد منسجم‌تر و راهبردی‌تر اتحادیه اروپا به منافع امنیتی در آسیای مرکزی و جنوبی خواهد بود. در این صورت چشم‌انداز مزبور می‌تواند نقش راهنما و دستورالعملی برای ارزیابی تمامی تلاش‌های اتحادیه اروپا در سایر پیشنهادات در باب امنیت و اتصال اورآسیا از جمله طرح کمربند را داشته باشد.

۲- فراهم نمودن کمک‌های فنی و توسعه‌ای - امنیتی برای دولت‌های مشارکت‌کننده در کمربند، به منظور استفاده بهینه و همراستا کردن تأمین مالی کمربند برای اهداف توسعه اقتصادی پایدار ملی، تأمین امنیت انسانی و تعهدات خود دولت‌های محلی به اهداف توسعه پایدار سازمان ملل (SDGs). این کار را می‌توان از طریق هماهنگی با کنشگران چینی به انجام رسانید. بسیاری از دولت‌های مشارکت‌کننده در کمربند، فاقد ظرفیت نهادی لازم برای پیگیری مؤثر چنین برنامه‌های کاری هستند و مزایای رقابتی اتحادیه اروپا و قدرت نرم آن می‌تواند در قالب کارشناسی و تخصصی بسیار شده‌اند پیاده شود.

۳- چین، روسیه و هندوستان و سایر کنشگران مرتبط برای ایجاد یک ساز و کار هماهنگی و مشورتی مشترک کمربند در میان کنشگران اورآسیایی پیشرو شده‌اند. همچنان که آثار طرح کمربند رشد می‌کنند، مضامین امنیت برای همه طرفین و نیز کنشگران کوچکتر هم افزایش می‌یابند. همه سهامداران علاقه‌مند کمربند باید در تجزیه و تحلیل، برنامه‌ریزی و پایش دقیق‌تر مشارکت کنند. این ارزیابی باید فراگیر بوده و دربرگیرنده بینش توسعه و همبستگی کمربند از جمله مسیرها و جریان‌های تجاری باشد. این موارد از پیش بهتر هماهنگ می‌شوند، به طوری که از اختلافات احتمالی بعد از اجرا در آینده پرهیز شده و منافع امنیت اقتصادی اتحادیه اروپا تهدید نشوند.

۴- مناسب‌سازی برنامه‌ریزی توسعه‌ای اتحادیه اروپا برای دولت‌های مربوطه در پاسخ به تغییرات اقتصادی یا دورنماهای کسب و کاری، چنان که توسط کمربند شکل داده شده است، مثلاً، از طریق (الف) برنامه‌های آموزشی و حرف‌های در صنایع فنی مربوطه

برای افزایش حداکثری تولید شغل محلی و کاهش فقر؛ (ب) استفاده از برنامه‌های موجود محافظت از محیط‌زیست برای پایش و به حداقل رساندن تبعات زیست محیطی سرمایه‌گذاری‌های عظیم چین؛ یا (ج) پروژه‌های تکمیلی در زیرساخت اجتماعی. این کار را می‌توان از طریق هماهنگی بیشتر با سهامداران چینی و نیز در تعامل با جامعه مدنی محلی با هدف به حداقل رساندن هر جنبه مشکل‌ساز از پروژه‌های کمربند که به لحاظ اقتصادی و اجتماعی اختلال ایجاد می‌کنند، به انجام رسانید.

### در دراز مدت

۱- تلاش برای یافتن نقشی در سازمان همکاری شانگهای (SCO)<sup>۵۸</sup> و/یا ساز و کار گفتگو با این سازمان و کنفرانس موازین تعامل و اعتمادسازی در آسیا (CICA)<sup>۵۹</sup>: این احتمال وجود دارد که این نهادها در مباحث مربوط به پویایی امنیتی کمربند نقشی مهم ایفا کنند، همچنین سازمان همکاری شانگهای، این نقش را در سیاست‌های امنیت واقعی و فعالیت‌های مرتبط نیز ایفا می‌کند. علاوه بر این، اتحادیه اروپا می‌تواند از طریق سازمان امنیت و همکاری در اروپا (OSCE)<sup>۶۰</sup> گفتگوهای امنیتی مهم‌تری با چین را دنبال کند.

۲- مشارکت با چین، افغانستان و سایر سهامداران ذیربط در ارزیابی این که چگونه می‌توان از طرح کمربند، به ویژه در کریدور اقتصادی چین-پاکستان (CPEC)، برای کمک به وضعیت امنیتی شکننده افغانستان استفاده بهینه کرد. این کار را می‌توان از طریق گفتگوهای Track1.5 پیش برد. اتحادیه اروپا از سال ۲۰۰۱ (به هر مقیاسی) به میزان قابل توجهی در افغانستان سرمایه‌گذاری کرده است؛ بنابراین، منطقی است که در باب تلاش‌ها جهت ایجاد همبستگی منطقه‌ای حرفی برای گفتن داشته باشد. منافع چینی‌ها و پاکستانی‌ها در ایجاد، اتصال و محافظت از کریدور اقتصادی چین-پاکستان را نمی‌توان دست کم گرفت و می‌توان از آن به صورت راهبردی برای ارتقاء ثبات در افغانستان بهره برد.

۳- شناسایی پروژه‌های سرمایه‌گذاری مشترک درازمدت‌تر در کشورهای سوم و همکاری‌های عمیق‌تر بین مؤسسات مالی چینی مربوطه شامل بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا (AIIB)<sup>۶۱</sup> و مؤسساتی مثل بانک سرمایه‌گذاری اروپایی (EIB)<sup>۶۲</sup> یا بانک اروپایی برای

58. Shanghai Cooperation Organization

59. Conference on Interaction and Confidence-Building Measures in Asia

60. Organization for Security and Co-operation in Europe

61. Asian Infrastructure Investment Bank

62. European Investment Bank



بازسازی و توسعه (EBRD)<sup>۶۳</sup> و نیز سایر بانک‌ها و مؤسسات توسعه‌ای مرتبط، به‌عنوان ابزاری برای بالا بردن استانداردهای سرمایه‌گذاری تنظیمی، زیست‌محیطی، کارگری و سایر استانداردهایی از این دست. این امر می‌تواند به موارد زیر کمک کند: (الف) کاهش خطرات ناشی از این واقعیت که کمربند ممکن است مدیریت اقتصادی ضعیف در دولت‌های مرتبط را تشدید کند و (ب) به حداقل رساندن هر گونه سرمایه‌گذاری به‌لحاظ اجتماعی-سیاسی اختلال‌زا.

## ۱- بازیابی کمربند اقتصادی جاده ابریشم

## یافته‌های کلیدی

## کمربند اقتصادی جاده ابریشم:

- یک الگوی ناتمام اما در حال تکامل برای همکاری‌های بین‌المللی اقتصادی است که می‌تواند توسعه و همبستگی در اورآسیا را تسریع کرده و تهدیدات امنیتی را کاهش دهد - با این حال باید دید تأثیرگذاری و دوام آن در آینده به چه صورت خواهد بود؛
- به یک زیرساخت حیاتی وسیع در اورآسیا و کمبود ارتباط در این منطقه، که جایگزین‌های کلان مالی محدود دیگری داشته یا اصلاً نداشته است، می‌پردازد. از این طرح عمدتاً با شور و شوق زیادی استقبال شده است، گرچه هنوز تردیدهایی در خصوص عملی بودن، مبانی و تبعات سیاسی درازمدت آن وجود دارد؛
- متأثر از طیف وسیعی از منافع ملی چین در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، مالی و ژئوپلیتیک است. این موارد شامل ارتقاء امنیت اقتصاد داخلی، افزایش نفوذ مالی چین در سطح جهانی، کاهش تهدیدهای امنیتی و کسب فضای راهبردی برای این کشور در منطقه اورآسیا می‌شود؛
- با گذر زمان، همانطور که منافع چین در راستای نفوذ اقتصادی‌اش در آنسوی مرزها گسترش می‌یابد، به‌عنوان انگیزه‌ای برای حضوری کنشگرانه‌تر در شکل‌دهی مدیریت جهانی و امور امنیت دولتی در سطوح منطقه‌ای و محلی عمل می‌کند؛
- در قالب مفاهیم امنیتی چین، که بر امنیت مشترک از طریق همکاری اقتصادی تأکید دارد، جای می‌گیرد و می‌تواند به مبنایی برای یک همکاری اقتصادی مستقل‌تر در امنیت اورآسیا و آسیا تبدیل شود؛
- ممکن است بیش از حد روی ظرفیت نهادی محلی حساب کرده باشد و می‌تواند با رقابت ژئوپلیتیک و گسترش مالی بیش از حد خود چین، متوقف شود؛ و
- مستلزم تجزیه و تحلیل فراگیر و گسترده‌تر پویایی سیاسی و اجتماعی-اقتصادی در سراسر اورآسیا است.

شاید بتوان ابتکار کمربند و جاده (BRI)<sup>۶۴</sup> را بلندپروازانه‌ترین برنامه سیاست خارجی چین از زمان تأسیس جمهوری خلق چین در ۱۹۴۹ دانست.<sup>۶۵</sup> این طرح، که در اکتبر ۲۰۱۳ منتشر شد،

## 64. Belt and Road Initiative

۶۵. ارجاع به کمربند اقتصادی جاده ابریشم و جاده دریایی قرن ۲۱ مجموعاً از «یک کمربند، یک جاده» (One Belt, One Road (OBOR)) به «ابتکار کمربند و جاده» (BRI) تغییر کرده است. دلیل این کار احتمالاً به گذشته برمی‌گردد: عنوان پیشین به جای مضامین چندگانه‌ای که این طرح در نظر داشت، برداشت‌های از یک «کمربند» منفرد خشکی-محور، یعنی جاده، و یک «کمربند» منفرد دریا-محور، یعنی مسیر دریایی، را به ذهن متبادر می‌کرد.

چشم‌اندازی درازمدت برای توسعه، تولید و همبستگی اقتصادی زیرساختی است - که در وهله اول منحصرأباً هدف منطقه اورآسیا (در گزارش حاضر «اورآسیا» به ترکیب سرزمین اروپا و آسیا اشاره می‌کند) طراحی نشده بود. اگر چه به شکلی محدودتر، اما بر اساس برخی منابع نیمه رسمی، طرح کمر بند و جاده اتصال آفریقا، عمدتاً شمال، شمال شرق و جنوب آفریقا (جنوب آفریقا منطقه محوری در برخی طراحی‌های جاده است)؛ اقیانوسیه و حتی آمریکای لاتین را نیز در هدف گذاری خود دارد. طرح کمر بند و جاده دو مؤلفه اصلی دارد: کمر بند اقتصادی خشکی - محور جاده ابریشم (کمر بند) و جاده ابریشم دریایی قرن ۲۱ که دریا-محور است (جاده).

گزارش حاضر تنها روی کمر بند اورآسیا-محور تمرکز دارد. در زیربخش ۱-۱ روایت‌های رسمی چینی در خصوص کمر بند با ادراکات و دغدغه‌های عمومی سهامداران مقایسه و مقابله می‌شوند. زیربخش ۱-۲ به مشوق‌ها، یعنی محرک‌ها و منافع مستتر چین برای پایه گذاری این طرح می‌پردازد. سپس در زیربخش ۱-۳ به منظور ارزیابی نحوه شکل‌گیری کمر بند، این طرح در چارچوب مفهوم امنیت در حال تکامل چین مورد بررسی قرار می‌گیرد. مؤلفین امیدوارند که رویکرد حاضر در ک جامع، بهروز و دقیقی از زمینه امنیتی وسیع‌تر کمر بند و محرک‌های آن در اختیار سهامداران و سایر افراد علاقه‌مند قرار دهد. در حالی که تمرکز گزارش روی کمر بند است، اما هر جا که لازم باشد به ابتکار کمر بند و جاده هم ارجاع داده خواهد شد. چرا که (الف) ماهیت و هدف کمر بند با طرح مزبور به‌طور کلی مرتبط و درهم تنیده است: کمر بند و جاده هر دو به‌عنوان عناصر تکمیل‌کننده ابتکار مورد نظر مطرح شده‌اند؛ و (ب) در برخی موارد زمینه بحث به‌طور ویژه به ارجاع به ابتکار کمر بند و جاده نیاز دارد. امنیت در چارچوب گزارش حاضر به‌طور گسترده در ارتباط با ثبات بینا-دولتی و میان-دولتی تعریف می‌شود و در برگیرنده عناصر توسعه‌ای است و امنیت انسانی را نیز پوشش می‌دهد.

## ۱-۱- تعریف حوزه کاری و اهداف

کمر بند، طرحی پیشنهادی از سوی چینی‌ها در جهت برقراری ارتباط بین کشورها و اقتصادهای قاره اورآسیا از طریق طیفی از پروژه‌هایی است که در وهله اول روی توسعه و ارتباط زیرساختی و هماهنگی برنامه‌های توسعه‌ای منطقه‌ای و ملی تمرکز دارند. کمر بند ماهیتاً می‌خواهد (الف)

اگر چه، عنوان جدید هم هنوز برخی برداشت‌های منفرد بودن را در خود دارد. ابتکار کمر بند و جاده، واقعاً نه یک «کمر بند» است و نه یک «جاده». چین این بدشانسی را داشته است که ایالات متحده از قبل در سال ۲۰۱۱ قبل از چینی‌ها عنوان «جاده ابریشم جدید» را به کار برده است.

شبکه‌های حمل و نقل و بازارها را گسترش داده و به هم متصل کند؛ (ب) ظرفیت تولید اورآسیا را پخش کرده و ارتقاء بخشد؛ و (ج) ترانزیت کالاها، سرمایه، انرژی، مواد خام - و تا حدودی - اطلاعات مردم و فرهنگ را تسهیل کند. این طرح قصد دارد کارهای فوق را از طریق سرمایه‌گذاری‌های کلان در حوزه‌های جاده، راه‌آهن، بندر و زیرساخت هوایی به همراه امکانات جانبی مثل شبکه‌های برق، خطوط لوله انتقال انرژی و کابل‌های فیبر نوری سرعت بالا، انجام دهد. مقامات چینی مدعی هستند که همکاری در قالب ابتکار کمربند و جاده می‌تواند ۶۵ کشور جهان، حدود ۶۳ درصد جمعیت فعلی جهان و سهم فزاینده، اما هنوز نامشخصی، از تولید ناخالص جهان (GDP) را پوشش دهد.<sup>۶۶</sup> علاوه بر این، ابتکار مزبور می‌تواند مستقیم و غیرمستقیم به بسیاری، اگر نگوئیم تمام، اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد (SDGs) کمک کند (رجوع کنید به ضمیمه ۱)، اگر چه این امر نهایتاً به کیفیت اجرای ابتکار کمربند و جاده بستگی دارد.<sup>۶۷</sup>

اوراق سفید<sup>۶۸</sup> منتشر شده در مارس ۲۰۱۵ با عنوان «چشم‌انداز و اقدامات مربوط به ساخت مشترک کمربند اقتصادی جاده ابریشم و جاده ابریشم دریایی قرن ۲۱»، که جامع‌ترین سیاست رسمی است که تا کنون درباره ابتکار کمربند و جاده تدوین شده است، اهداف یکپارچه‌سازی کلی را مشخص کرده است. پنج هدف اصلی کمربند عبارتند از ارتقاء (الف) هماهنگی سیاستی؛ (ب) اتصال امکانات؛ (ج) تجارت نامحدود؛ (د) یکپارچگی مالی و (ه) پیوندهای فرد به فرد (پنج اتصال).<sup>۶۹</sup> از نگاه چینی‌ها، اتصال و توسعه در کنار هم منافع مشترک و کلیدهای صلح و کامیابی هستند.<sup>۷۰</sup>

66. Wu, J., "“One Belt and One Road”, far-reaching initiative”, China-US Focus, 26 Mar. 2016, <<http://www.chinausfocus.com/finance-economy/one-Belt-and-one-road-far-reaching-initiative/>>.

67. Hong P., 'The "Belt and Road" towards the Sustainable Development Goals', 15 July 2016, <[http://blog.sina.cn/dpool/blog/s/blog\\_9cc0e6840102x6ig.html?type=-1&from=timeline&isappinstalled=0](http://blog.sina.cn/dpool/blog/s/blog_9cc0e6840102x6ig.html?type=-1&from=timeline&isappinstalled=0)>.

68. white paper

69. Chinese National Development and Reform Commission, 'Vision and Actions on Jointly Building Silk Road Economic Belt and 21st Century Maritime Silk Road', Chinese Ministry of Foreign Affairs and Chinese Ministry of Commerce, 28 Mar. 2015, <[http://en.ndrc.gov.cn/newsrelease/201503/t20150330\\_669367.html](http://en.ndrc.gov.cn/newsrelease/201503/t20150330_669367.html)>.

به نوعی گزارش معتبر یا راهنما برای کمک به خوانندگان اتلاق می‌شود که به منظور درک یک مسئله، حل یک مشکل، و یا اتخاذ یک تصمیم تدوین می‌گردد. (م)

70. برای مثال رجوع کنید به: President Xi Jinping's Remarks at the Fourth Conference on Interaction and Confidence Building

به‌طور ملموس‌تر، کمربند با شش کریدور اقتصادی طراحی شده مرتبط است که از چین آغاز و در سراسر اورآسیا گسترده می‌شوند و برخی از آنها نیز با جاده ادغام می‌شوند.<sup>۷۱</sup> این کریدوره‌ای اقتصادی در اتحادیه اروپا به روتردام، هامبورگ، پراگ و مادرید ختم می‌شوند.<sup>۷۲</sup> برخی از این کریدورها و نیز مؤلفه‌ها یا پروژه‌های آنها از قبل و پیش از بیانیه‌های طرح کمربند پیشنهاد، طراحی یا تکمیل شده‌اند، اما بعداً در قالب کمربند قرار گرفته‌اند. با این حال، کمربند نیز از طریق مجموعه‌ای از پروژه‌های سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی که ارتباطی به کریدوره‌ای زیرساختی و حمل و نقل ندارند، پیش رفته است (تصویر ۲-۱ و ۲-۲ را ملاحظه کنید). ورای سرمایه‌گذاری در بیرون، کمربند از مؤلفه داخلی قدرتمندی نیز برخوردار است. یک مورد در این خصوص، منطقه ویژه خودمختار (SAR) شینجیانگ<sup>۷۳</sup> است که به‌نظر یک «ناحیه مرکزی» و یک قانون اقتصادی عمده است که چین را به دیگر بازارهای اورآسیا وصل می‌کند. شینجیانگ با بیش از هشت کشور هم‌مرز است و از طریق کریدور اقتصادی چین-پاکستان که گل سرسبد کریدورها است، این منطقه مرزی را به اقیانوس هند متصل می‌سازد. سایر بیست و چهار استان، مناطق ویژه خودمختار و شهرهای دیگر چین نیز در اوراق سفید «چشم‌انداز و اقدامات» به‌عنوان نواحی مناسب برای ایجاد چنین ساختاری و همکاری‌های ابتکار کمربند و جاده معرفی شده‌اند.<sup>۷۴</sup>

به هر حال، کمربند هیچ ساختار نهادی رسمی ندارد. بخشی برای برنامه‌ریزی و انجام هماهنگی‌های مربوط به ابتکار کمربند و جاده تحت نظارت مستقیم معاون نخست وزیر ژائو گائولی<sup>۷۵</sup> در کمیسیون ملی توسعه و بهسازی (NDRC)<sup>۷۶</sup>، «فرا-وزارتی» قدرتمند و عمدتاً داخلی-محور مسئول اقتصاد و توسعه چین، راه‌اندازی شده است. با این حال، اجرای ابتکار جاده و کمربند توسط کنشگران مختلف و در سطوح گوناگون صورت می‌گیرد. از آن

Measures in Asia (CICA), May 2014, <[http://www.fmprc.gov.cn/mfa\\_eng/topics\\_665678/yzxhxzyxrshydscfh/t1162057.shtml](http://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/topics_665678/yzxhxzyxrshydscfh/t1162057.shtml)>.

۷۱. شش کریدور طراحی اقتصادی شده عبارتند از: کریدور اقتصادی چین-مغولستان-روسیه (CMREC)، پل سرزمین جدید اورآسیا (NELB)، کریدور اقتصادی چین-آسیای میانه-آسیای غربی (CCWAEC)، کریدور اقتصادی چین-شبه‌جزیره هندوچین (CICPEC)، کریدور اقتصادی چین-پاکستان (CPEC) و کریدور اقتصادی بنگلادش-چین-هندوستان-میانمار (BCIMEC).

۷۲. اینها کریدورها و پایانه‌های پیشنهادی هستند که در رسانه‌های دولتی چین به آنها اشاره شده است: لذا نیمه رسمی بوده و ممکن است تغییر کنند.

73. Xinjiang Special Autonomous Region

74. Chinese National Development and Reform Commission (note ۴).

75. Zhao Gaoli

76. National Development and Reform Commission

جمله، وزارتخانه‌های مختلف چین، مهم‌ترین آنها وزارت بازرگانی و وزارت امور خارجه، مقامات محلی استانی یا شهری با برنامه‌های اجرایی و نیز کنشگران و سرمایه‌گذاران شرکتی دولتی و غیردولتی را می‌توان نام برد. از قبل ساز و کارهای تأمین سرمایه‌مختلفی مانند بانک زیرساخت آسیایی و صندوق جاده ابریشم جدید<sup>۷۷</sup> و ساختارهای بانکی از قبیل بانک توسعه چین<sup>۷۸</sup> (CDB)، بانک توسعه نوین (NDB)<sup>۷۹</sup> و بانک صادرات-واردات چین (EXIM)<sup>۸۰</sup>، برای کمربند در نظر گرفته شده است. دیگر منابع مالی عمده، شامل صندوق دارایی عالی چین (SWF)<sup>۸۱</sup>، از طریق شرکت سرمایه‌گذاری چین، و ذخایر ارز خارجی، از طریق اداره دولتی ارز خارجی می‌شوند.<sup>۸۲</sup> چین تأکید می‌کند که قصد ندارد سرمایه دولتی چین را به عنوان یک منبع صرف صادر کند، بلکه به دنبال تشویق سرمایه‌های خصوصی چینی و غیرچینی برای صنایع جانبی کوچکتر است. به هر حال، در حالی که اوراق سفید «چشم‌انداز و اقدامات» ساز و کارهای بازار را ذکر می‌کند، این احتمال وجود دارد که در مراحل اولیه مؤسسات مالی و گروه‌های سرمایه‌گذاری و بنگاه‌های دولتی غیرچینی (SOEs)<sup>۸۳</sup> هدایت این فرایند را در دست بگیرند. در ابعاد بزرگتر، علت این است که آنها به منابع مربوطه دسترسی دارند، تمایل دارند برای ایجاد زیرساخت و اتصال آنها کمتر ریسک کنند و در برخی موارد دریافت کنندگان محافظت سرمایه‌گذاری از کشورهای پذیرنده هستند.<sup>۸۴</sup> پروژه‌های اتصال از طریق فرایندهای عمدتاً دوجانبه و چندجانبه، شامل همکاری با دیگر ابتکارات موجود منطقه، درک خواهند شد.

۷۷. ایالات متحده و ژاپن تمایلی به عضویت در این صندوق نداشته‌اند..

۷۸. ظاهراً بانک توسعه چین از قبل متعهد شده است بیش از ۸۹۰ میلیارد دلار آمریکا برای بیش از ۹۰۰ پروژه در ۶۰ کشور سرمایه‌گذاری کند. با این حال، این ارقام جاده را نیز شامل می‌شوند. روزنامه‌چاینا دیلی مینویسد: «چین ۹۰۰ میلیارد دلار در ابتکار کمربند و جاده سرمایه‌گذاری می‌کند». ۲۸ مه، ۲۰۱۵.

<[http://www.chinadaily.com.cn/business/28/05-2015/content\\_20845654.htm](http://www.chinadaily.com.cn/business/28/05-2015/content_20845654.htm)>.

79. China Development Bank

80. New Development Bank

81. Export-Import Bank of China

82. Sovereign Wealth Fund

83. China's SWF as of June 2016. See Bloomberg, 'China Foreign Reserves Unexpectedly Climb to \$3.2 Trillion', 7 July 2016, <<http://www.bloomberg.com/news/articles/2016-07-07/china-reserves-rise-on-valuation-as-brexiteboosts-haven-demand>>; and Jin, Q., 'The Silk Road infrastructure plan: from where will the funds come?', Financial Times Chinese, 13 May 2016.

84. State-owned Enterprises

۸۵. واحد اطلاعات اکونومیست، «دیدگاه‌ها و چالش‌های «یک کمربند یک جاده» چین: گزارش ارزیابی ریسک، ۲۰۱۵.

مهم‌ترین که، هیچ فهرست رسمی و قطعی از کشورها و پروژه‌هایی که مشمول ابتکار مزبور می‌شوند وجود ندارد. اگر چه ابتکار کمربند و جاده ۶۵ کشور را پوشش می‌دهد، این کشورها به‌سادگی در قالب کشورهای مجاور یا کشورهای مرتبط با ابتکار کمربند و جاده دسته‌بندی می‌شوند.<sup>۸۶</sup> علاوه بر این، در حالی که وزارت بازرگانی چین به‌طور عمومی دربارهٔ فعالیت‌های مرتبط با ابتکار کمربند و جاده گزارش می‌کند، سرمایه‌گذاری‌هایی که کاملاً مورد حمایت چینی‌ها هستند، و پروژه‌های قرارداد-خارجی در این کشورها را در یک گروه بزرگتر «مرتبط با ابتکار کمربند و جاده» جای می‌دهد.<sup>۸۷</sup> این فقدان ویژگی حکایت از نبود چارچوبی رسمی با تعریف مشخص دارد، اما نشانه‌ای از انعطاف‌پذیری بالا برای پروژه‌ها و کشورهای مشارکت‌کننده نیز هست. تا اواسط فوریه ۲۰۱۶، چین تفاهم‌نامه‌های رسمی مربوط به ابتکار کمربند و جاده را با تقریباً ۳۰ کشور امضا کرده بود. در ماه اوت همان سال این رقم به مشارکت فعال بیش از ۶۰ کشور و چندین سازمان بین‌المللی از جمله برنامهٔ توسعهٔ سازمان ملل متحد (UNDP)<sup>۸۸</sup> رسیده بود.<sup>۸۹</sup> با این حال، چند مورد از این تفاهم‌نامه‌ها هنوز چندان مورد توجه قرار نگرفته و بخش‌پذیری و تعهد کشورهای شریک ابتکار کمربند و جاده همیشه قابل توجه نبوده است.<sup>۹۰</sup> بنابراین، کمربند تا حد زیادی یک کار در حال پیشرفت است، کاری که شاید در حقیقت باید توسعهٔ آن را در طول چندین دهه انجام داد. مقامات چینی ابتکار مزبور را طرحی درازمدت اعلام کرده‌اند و هیچ تاریخی برای اتمام آن تعیین نشده است.<sup>۹۱</sup>

86. Chinese Ministry of Commerce, The Belt and Road will hopefully construct a new global economic cycle, 13 Apr. 2016; <<http://trb.mofcom.gov.cn/article/zuix-indt/201604/20160401295001.shtml>>; and Wang C., 'Gongyehua lanpishu: "yidai yilu" yanxian guojia gongyehua jincheng baogao fabu', Chinese Academy of Social Sciences, 7 Feb. 2016, <[http://www.cssn.cn/zx/bwyc/201602/t20160207\\_2863161.shtml](http://www.cssn.cn/zx/bwyc/201602/t20160207_2863161.shtml)>.

87. Chinese Ministry of Commerce, '2016 Investment cooperation with Belt and Road-related countries in the first quarter of 2016', Department of Outward Investment and Economic Cooperation, 21 Apr. 2016, <<http://hzs.mofcom.gov.cn/article/date/201604/20160401302151.shtml>>.

88. UN Development Program

89. Chinese National Development and Reform Commission, Belt and Road construction has achieved a good start, 15 Feb. 2016, <[http://www.sdpc.gov.cn/xwzx/xwfb/201602/t20160215\\_774656.html](http://www.sdpc.gov.cn/xwzx/xwfb/201602/t20160215_774656.html)>.

90. Montesano, F. S. and Okano-Heijmans, M., 'Economic diplomacy in EU-China relations: why Europe needs its own "OBOR"', Clingendael Policy Brief, June 2016, p. 5.

۹۱. به گفتهٔ آقای وانگ یویی (Wang Yiwei)، استاد دانشگاه رنمین (Renmin)، طراحی ابتکار کمربند و جاده باید تا سال ۲۰۲۱ تکمیل شده باشد (سالگرد صدسالگی بنیانگذاری حزب کمونیست چین (CPC)) و فاز اجرا تا حدود ۲۰۴۹ (سالگرد صدسالگی بنیانگذاری جمهوری خلق چین) طول خواهد کشید. رجوع کنید به:

Wang, Y., The Belt and Road Initiative: What Will China Offer the World in Its Rise (New World Press: Beijing, Feb. 2016), p. 16.

بنابراین، از بعد نظری، طرح ابتکار کمربند و جاده همچنان یک چارچوب همکاری ناتمام باقی خواهد ماند. در حالی که هدف آن هماهنگ‌سازی سیاست‌ها و راهبردهای توسعه اقتصادی در میان دولت‌ها است، اما پارامترهای مشخصی برای روش‌ها، کنشگران و ساز و کارهای مورد نظر تعیین نمی‌کند و این طرح قرارداد-بنیان هم نیست. با وجود این، باید توجه داشت که ابتکار کمربند و جاده تلاش کاملاً جدید و نوینی نیست. چین و تعدادی از دولت‌ها در قفقاز، آسیای میانه و اروپای شرقی دست کم از اواخر دهه ۱۹۹۰ همبستگی نزدیک‌تری ایجاد کرده‌اند.<sup>۹۲</sup> کمربند تا حدودی تداوم سیاست‌های اتصال منطقه‌ای چین از دهه ۱۹۹۰ است و روی تعدادی از پیوندهای تکمیل نشده موجود در سراسر منطقه اورآسیا کار می‌کند. به این ترتیب، کمربند در خدمت ایجاد هماهنگی و همگام‌سازی سیاست‌های پراکنده موجود با اهداف سیاستی جدید و پروژه‌های فعلی و آتی از جمله تعدادی از خط لوله‌های نفت و گاز موجود است.<sup>۹۳</sup>

### ۱-۲- شناسایی انگیزه‌های چین

ابتکار کمربند و جاده ریشه در برخی ایده‌های سیاستی وزارتخانه‌های چینی دارد. بخش اورآسیایی در داخل وزارت خارجه کشور چین طیف متنوعی از ابتکارات همکاری‌های اقتصادی اولیه شناسایی شده طی دهه گذشته را در چارچوب ابتکار کمربند و جاده ادغام کرده است. در بخش آسیایی وزارت خارجه، ایده کمربند به‌عنوان ابزاری برای توسعه همبستگی آسیا-پاسفیک و همکاری با انجمن ملت‌های جنوب شرق آسیا (ASEAN)<sup>۹۴</sup> مطرح شده است.<sup>۹۵</sup> در همین زمان، وزارت بازرگانی نیز برنامه‌ای برای برونریز کردن ذخایز سرمایه‌ای چین با هدف تشویق تقاضای اقتصادی در خارج از کشور را به‌منزله راهی برای کاهش مشکلات ساختاری ظرفیت اضافی و حل معضل افت تقاضا، پیشنهاد کرده است.<sup>۹۶</sup> این طرح‌های پیشنهادی متنوع، مورد توجه رهبری عالی سیاسی قرار گرفت و پس از هیجدهمین کنگره ملی حزب کمونیست

92. Shepard, W., 'The new Silk Road is not Chinese, it's international', Forbes, 14 Oct. 2016.

۹۳. اخیراً کنشگران دیگر نیز چشم‌اندازهای یکپارچه‌سازی برای (اورآسیا تدوین کرده‌اند: مثالهای قابل توجه در این خصوص عبارتند از اتحادیه اقتصادی اورآسیا (EEU) در روسیه، کریدور حمل و نقل مسیر دریای شمال/شمالگان و شمال-جنوب (NSTC)، اقدام شرق و چشم‌انداز اتصال ایران-افغانستان و آسیای میانه در هندوستان و اندیشه هندو-اقیانوس آرام در ژاپن، ابتکار اورآسیایی در کره جنوبی و چشم‌انداز ۲۰۳۰ در ترکیه.

94. Association of Southeast Asian Nations

95. K., Zhao, Research on the Grand Strategy of China's BELT, Xinjiang shifan daxue xuebao (zhexue shehui kexue ban), no. 2016, 1.

96. Xu Shanda: Chinese Marshall Plan to be supported by 500 billion in foreign exchange reserves, <<http://finance.sina.com.cn/china/hgjj/20090806/07566578273.shtml>>; and 'China's Great Game: road to a new empire', Financial Times, 12 Oct. 2015.



چین (CPC)<sup>۹۷</sup> پذیرفته شده و چنان که در اوراق سفید «چشم انداز و اقدامات» مارس ۲۰۱۵ آمده است، در قالب ابتکاری گسترده تر و یکپارچه ادغام شدند.

بسیاری از کارشناسان و متخصصان در چین برای مشارکت با خود رئیس جمهور ژو جینگنگ<sup>۹۸</sup> در ابتکار کمربند و جاده اظهار آمادگی کرده اند: این طرح به یکی از ستون‌ها و ابتکارات سیاستی تبدیل شده است که علامت مشخصه و نشانگر رهبری او هستند. با توجه به ماهیت از بالا به پایین و عدم شفافیت سیاست گذاری در چین، گمانه زنی‌ها به این محدود شده است که علت معرفی ابتکار کمربند و جاده چیست و منافع ویژه آن کدامند. در واقع، متخصصان چینی خود به واسطه دیدگاه‌هایشان در خصوص این که آیا ابتکار کمربند و جاده ماهیتاً راهبردی ژئواستراتژیک، اقتصادی یا ملی است به دو گروه تقسیم می‌شوند.<sup>۹۹</sup> از نظر آن دسته از کارشناسانی که روی اهمیت ژئواستراتژیک تأکید دارند، مثل کارشناسان برجسته‌ای نظیر وانگ جیسی<sup>۱۰۰</sup> از دانشگاه پکینگ<sup>۱۰۱</sup> و یان خوئونگ<sup>۱۰۲</sup> از دانشگاه تسینگهوا<sup>۱۰۳</sup>، فشارهای ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک در برگیرنده فشرده کردن فضای راهبردی در منطقه آسیا-پاسیفیک و تمایل به افزایش نفوذ راهبردی چین در دولت‌های مشارکت کننده، هستند.<sup>۱۰۴</sup> اگر چه دولت همکاری‌های اقتصادی را معمولاً در قالب مشارکت برد برد تعریف می‌کند، پیشنهاد شده است که این فعالیت‌ها به طور فزاینده‌ای به عنوان ابزار نامتقارنی از توازن اقتصادی و سیاسی نیز به کار گرفته می‌شوند.<sup>۱۰۵</sup> به هر حال بدون تأییدیه رسمی، همه اینها صرفاً در حد تفسیرهای مختلف باقی می‌مانند. همچنین باید توجه داشت که اغلب یک فقدان هماهنگی سیاستی ملموس بین دیپلماسی اقتصادی چین و منافع امنیتی این کشور در عمل وجود دارد.

97. Communist Party of China

98. Xi Jinping

99. Chinese scholars, Interviews with authors, Beijing, Shanghai, Lanzhou and Urumqi, China, Apr. 2016.

100. Wang Jisi

101. Peking University

102. Yan Xuetong

103. Tsinghua University

104. Grieger, G., 'One Belt, One Road (OBOR): China's regional integration initiative', European Parliamentary Research Service (EPRS) Briefing, July 2016.

۱۰۵. عناصری از ابتکار کمربند و جاده را حتی می‌توان در دولت‌های جیانگ زمین و هو جین تائو نیز مشاهده کرد، از جمله اندیشه «توسعه صلحجویانه» چین، راهبرد «بیرون رفتن» (going out) که در سال ۱۹۹۹ پیشنهاد شد، راهبرد «توسعه عظیم غربی» (The Grand Westyern Development) در سال ۲۰۰۰، راهبردهای «حرکت به سوی غرب» (March West) که از سال ۲۰۰۴ به بعد تکامل یافته‌اند، اندیشه «جهان موزون» (Harmonious World) سال ۲۰۰۵، «روای چینی» (Chinese Dream) سال ۲۰۱۲ و «جامعه‌ای با مقصد مشترک» (Community of Common Destiny) سال ۲۰۱۳. قبلاً در دهه ۱۹۹۰ صحبت از یک «جاده ابریشم جدید» بود برای مثال رجوع کنید به:

Artykova, N., 'Li foresees "new Silk Road" as China, Uzbekistan sign pacts', Agence France-Presse, 19 Apr. 1994.

با وجود این تردیدها، این واقعیت که کمربند در رابطه با سیاست‌گذاری‌های داخلی و خارجی اهداف خاصی را دنبال می‌کند، امری بدیهی است. با آن که ابتکار کمربند و جاده درون حلقه‌های نزدیک به شی جینپینگ شکل گرفته است، این طرح از وضعیت اولیه‌اش خیلی فراتر رفته است: چنان که مدیران و مقامات محلی هم درگیر آن شده‌اند و طرح فراتر از هر موضوع منفرد، در راستای تبدیل شدن به عاملی برای همگرایی و گردآوری منافع و محرک‌های چندگانه دیپلماتیک، اقتصادی-اجتماعی داخلی، مالی، ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک -و نیز برنامه‌ها و طرح‌های پیشنهادی دولتی موجود- تکامل یافته است.<sup>۱۰۶</sup>

به‌طور ویژه‌تر چنان که در کتاب دولتی کتاب آبی امنیت غیرستستی<sup>۱۰۷</sup> (۱۵-۲۰۱۴) آمده، ابتکار کمربند و جاده قرار است در جهت دستیابی به این منافع باشد: (الف) مراقبت از امنیت اقتصادی چین؛ (ب) ارتقاء امنیت انرژی از طریق مسیرهای کشتیرانی دریایی جایگزین؛ (ج) تسهیل امنیت مرزی از طریق توسعه مناطق غربی چین؛ (د) مبارزه با «سه اهریمن» در داخل و خارج از طریق توسعه اقتصادی و بازتوزیع ثروت؛ (ه) کمک به کاهش سازوکارهای ژئوپلیتیکی که تحت نفوذ ایالات متحده هستند و (و) ایجاد یک نظام گفت‌وگویی بین‌المللی جدید و یک نظم امنیتی بین‌المللی جدید که قدرت ملی فراگیر و قدرت فرهنگی نرم چین را تقویت می‌کند.<sup>۱۰۸</sup>

عناصر مختلفی از این اهداف امنیتی در بخش ۱ کنکاش‌های دیپلماتیک و در نوشته‌های منتشره کارشناسان خبره مورد تأکید قرار گرفته‌اند.<sup>۱۰۹</sup> در ادامه به جزئیات برخی از محرک‌های ابتکار کمربند (بدون هیچ توجه ویژه‌ای به ارتباط آنها با مقامات چینی) خواهیم پرداخت.

106. Yan (note 24). The 'three evils' are 'terrorism, separatism, and religious extremism', as defined by the Chinese Government and adopted by the Shanghai Cooperation Organization. An, X. and Xie, G., On the One Belt, One Road's construction and the national security strategy, Non-Traditional Security Blue Book: Report on China's Non-Traditional Security Studies (2014-2015)] (Social Sciences Academic Press: Beijing 2015).

107. Blue Book of Non-Traditional Security

108. Yan (note 24). The 'three evils' are 'terrorism, separatism, and religious extremism', as defined by the Chinese Government and adopted by the Shanghai Cooperation Organization. An, X. and Xie, G., 'On the One Belt, One Road's construction and the national security strategy in Non-Traditional Security Blue Book: Report on China's Non-Traditional Security Studies (2014-2015) (Social Sciences Academic Press: Beijing 2015).

109. He, M. and Zhang, J., Analysis of the National Strategy of the New Silk Road Economic Belt, CPC News, 31 Dec. 2013, <<http://theory.people.com.cn/n/2013/1231/c40531-23993161-4.html>>; Jiang, Z., One Belt One Road: developmental strategy of using space for time, <[http://www.ciis.org.cn/chinese/2015-09/01/content\\_8203018.htm](http://www.ciis.org.cn/chinese/2015-09/01/content_8203018.htm)>; Deepen pragmatic cooperation between China and Pakistan, to promote the construction of CPEC], <<http://www.sic.gov.cn/News/456/4453.htm>>; and Li, Y., One Belt One Road's is of great strategic significance to China's national security, On BELT's construction and China's national security strategy, May 2015.

### امنیت اقتصاد داخلی: بازارهای جدید و رشد متوازن

طرح کمربند تا حد زیادی ابتکاری داخلی است که توسط مسئولین استانی و شهری در سراسر چین به منظور دستیابی به اهداف اقتصاد داخلی اجرا شده است. در چارچوب یک اقتصاد مشکل دار جهانی و عبور کند اقتصاد داخلی از الگوی رشدی که عمدتاً از تولید و صادرات تبعیت می کند، کمربند ابزاری است که با توسعه بازار به خارج از مرزهای چین به رشد اقتصادی این کشور کمک می کند.<sup>۱۱۰</sup> این کار با تحریک تقاضای منطقه‌ای برای کالاهای صنعتی و کشاورزی، منفعت افزوده توانمندسازی توسعه و «انعطاف پذیری» اقتصادی خود چین را در پی دارد. طرح مزبور همزمان می تواند در درازمدت به توازن وابستگی تجارت این کشور بین اقتصادهای در حال توسعه و توسعه یافته کمک کند. به این ترتیب، کمربند ابزاری است که چین به وسیله آن برتری تجاری خود را توسعه و توازن می بخشد. در حالی که همزمان، «شاهراه‌های» زمینی ایجاد می کند که در صورت بروز جنگ‌های تجاری، تحریم‌ها یا ممانعت ترانزیت دریایی از سوی ایالات متحده، از طریق آنها می توان محصولات غذایی و غیر غذایی ضروری را تأمین کرد.

کمربند اکنون گزینه‌های جایگزین بیشتری در خارج از کشور پیش روی بنگاه‌های غیردولتی چینی در صنعت ساخت و ساز و سایر صنایعی که از مازاد ظرفیت یا سرمایه گذاری اضافی داخلی رنج برده‌اند، قرار داده است. در حالی که این گزینه‌های خارجی ممکن است از نظر مقیاس و سهولت نسبی به پای پروژه‌های داخلی نرسند، لیکن می توانند به افزایش رقابت پذیری بنگاه‌های غیردولتی از این دست منجر شوند.<sup>۱۱۱</sup> ورای این واقعیات عملی، کمربند همچنین به عنوان ابزاری جهت گسترش بازار برای صنایع تولیدی کیفی و قیمتی چین مطابق با هدف گذاری ابتکار «ساخت چین ۲۰۲۵»، در کنار سایر فناوری‌های هسته‌ای و راه آهن پرسرعت به جای تولیدات سنتی و بی ارزش قدیم عمل می کند.<sup>۱۱۲</sup> با بالا رفتن دستمزد کارگران در چین، کمربند تنها می تواند انگیزه دولتی برای تغییر امکانات تولیدی کارر و دارای ارزش افزوده پایین در خارج را افزایش دهد. علاوه بر این، کمربند به دنبال توسعه یک اقتصاد داخلی متوازن تر برای چین از طریق سرمایه گذاری در نواحی اقتصادی حاشیه‌ای تر و اغلب عقب مانده، به ویژه شینجیانگ است.<sup>۱۱۳</sup>

110. Zhao, M., 'China's New Silk Road initiative', Instituto Affari Internazionali (IAI), Working Papers 15-37, Oct. 2015.

111. Arduino, A., 'China's One Belt, One Road: has the European Union missed the train?', S. Rajaratnam School of International Studies, RSIS9 Policy Report, Mar. 2016, p. 9.

112. Li, H., 'Made in China 2025: How Beijing is revamping its manufacturing sector', South China Morning Post, 9 Jun. 2015.

113. Chinese experts in conversation with authors, China, Apr. 2016.

### برونگرایی ۲۰: تشویق جهانی‌سازی، همبستگی و توسعه

کمربند را می‌توان نسخه‌ای به‌روز شده از سیاست «برونگرایی» چین دانست که در ۱۹۹۹ مطرح شد و راهکار و انگیزه راهبردی تری برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین در ورای مرزها (OFDI)<sup>۱۱۴</sup> ایجاد می‌کند. کمربند با هدف‌گذاری برای سیاست همبستگی عمیق‌تر و بیشتر چین با نظام اقتصاد جهانی همخوانی دارد و در عین حال چین را به‌عنوان رهبر و پیش‌تاز این نظام معرفی می‌کند.<sup>۱۱۵</sup> شی ژی<sup>۱۱۶</sup> یک کارشناس نامدار چینی در مؤسسه چینی مطالعات بین‌الملل، معتقد است که کمربند به فرایند جهانی‌سازی کمک شایانی می‌کند.<sup>۱۱۷</sup>

سرمایه‌گذاری چین در خارج از مرزها از طریق کمربند ابزاری را فراهم می‌کند که چین می‌تواند به وسیله آن خود را به‌عنوان پیش‌تاز توسعه اقتصاد جهانی معرفی کند. مؤسسات توسعه‌ای غربی مآب فعلی نمی‌توانند کسری زیرساختی وسیع آسیا که مبلغی تقریبی معادل ۴ تریلیون دلار آمریکا تنها برای دوره ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ می‌شود، را جبران کنند.<sup>۱۱۸</sup> چین در برطرف کردن این نیاز برای خود نقش رهبری قائل است که به توسعه، اتصال و حتی ثبات منطقه‌ای کمک می‌کند. همکاری‌های اقتصادی می‌تواند به گسترش حلقه دوستان چین کمک کند و اگر درست اجرا شود، پتانسیل تقویت قدرت نرم این کشور و دیپلماسی منطقه‌ایش را دارد.

### ارتقاء امنیت انرژی چین

چین با مشکل امنیت انرژی روبرو است: نرخ رشد اقتصادی این کشور تا کنون از عرضه انرژی کنونی‌اش فراتر رفته و تولید نفتی داخلی آن رو به کاهش است.<sup>۱۱۹</sup> وابستگی چین به تأمین نفت از خارج نزدیک به ۶۰ درصد کل نیاز این کشور را تشکیل می‌دهد که تقریباً نیمی از آن از

114. Overseas Foreign Direct Investment

115. Yan (note 24); and Li and Liang (note 25).

116. Shi Zi

117. Shi, Z., 'A look at a new concept and the remarkable practice of China's development through the "One Belt, One Road"', presentation given by Senior Research Fellow and Director of International Strategic Studies on Energy at the China Institute of International Studies (CIIS) at the International Schiller Institute, [n.d.], <<http://newparadigm.schillerinstitute.com/media/pr-shi-ze-regard-sur-le-concept-nouveau-d-une-ceinture-une-route/>>.

118. PricewaterhouseCoopers (PWC), Foundations of the Future (PWC: 2013).

مطابق گزارشی که برای شورای مشورتی همکاری کسب و کار اقتصادی آسیا-پاسفیک تهیه شده بود، حفظ شرایط رشد اقتصادی در سطوح فعلی به تزریق سالانه بین ۸۰۰ میلیارد تا ۱/۳ تریلیون دلار آمریکا به پروژه‌های زیرساختی از اکنون تا سال ۲۰۲۰ نیاز دارد.

119. Li, L., 'Energy security and energy risk management', *Journal of International Affairs*, vol. 69, no. 1 (Fall/Winter2015).

خاورمیانه و یک چهارم آن از آفریقا تأمین می‌شود، در حالی که وابستگی به منابع خارجی گاز طبیعی نزدیک به ۳۰ درصد است و از این مقدار نزدیک به ۵۰ درصد از ترکمنستان وارد می‌شود.<sup>۱۲۰</sup> هشتاد درصد عرضه انرژی چین از طریق تنگهٔ مالاکا<sup>۱۲۱</sup>، که در کنترل نیروی دریایی ایالات متحده است، عبور می‌کند.

در صورت بروز درگیری با ایالات متحده، دسترسی چین به منابع انرژی خارجی با مشکل روبرو خواهد شد. بنابراین، یکی از اهداف چین ایجاد کانال‌های جایگزین انرژی و مواد خام از طریق پل‌های زمینی از آسیای میانه، جنوب شرق آسیا و پاکستان است - و کمر بند تلاش برای دستیابی به این مهم را تسهیل می‌کند.<sup>۱۲۲</sup> کانال‌های مزبور، که عمدتاً از راه زمینی هستند، از میان سرزمین‌های دولت‌های مستقل عبور می‌کنند و بنابراین به نظر می‌رسد در برابر تحریم ایالات متحده کمتر آسیب‌پذیر باشند.

به‌طور خاص، بندر گوآدار<sup>۱۲۳</sup> در پاکستان، که توسط چین اجاره شده است و به‌عنوان بخشی از کریدور جنوب شرقی کمر بند (عموماً از آن با عنوان کریدور اقتصادی چین-پاکستان (CPEC) یاد می‌شود) عمل می‌کند، می‌تواند به هدف حفظ دسترسی به منابع انرژی کمک کند. پیش‌بینی می‌شود حمل و نقل نفت از بندر گوآدار به داخل خاک چین در مقایسه با مسیر دریایی تنگهٔ مالاکا، زمان رساندن محموله به مقصد را تا ۸۵ درصد کاهش دهد.<sup>۱۲۴</sup> با این حال، باید توجه داشت که این مسیر نیز با چالش‌های توپوگرافیک و نیز تهدیدات امنیتی از سوی شورشیان در قلمرو پاکستان روبرو است.

علاوه بر این، ساخت و ساز خط لوله‌های انتقال از مسیر آسیای میانه طی چند سال اخیر، که نفت را از قزاقستان و گاز طبیعی را از ترکمنستان و ازبکستان منتقل می‌کنند، به‌طور نسبی وابستگی این کشور به مسیرهای دریایی و بنادر روسی را کاهش داده است.

120. Hong Kong Commission on Strategic Development, 'One Belt, One Road (translation)', Working Paper CSD/2/2015, 3 July 2015, <[http://www.cpu.gov.hk/doc/en/commission\\_strategic\\_development/csd\\_2\\_2015e.pdf](http://www.cpu.gov.hk/doc/en/commission_strategic_development/csd_2_2015e.pdf)>.

121. Malacca

122. امنیت انرژی از طریق تنوع کانال‌های واردات در *Security China's Blue Book of Non-Traditional (2014-2015)* ذکر شده است. رجوع کنید به یان (بند ۲۴).

123. Port of Gwadar

124. Zhen, S., 'Chinese firm takes control of Gwadar Port free-trade zone in Pakistan', *South China Morning Post*, 11 Nov. 2015.

## افزایش نفوذ مالی چین در سطح جهانی

کمربند و مؤسسات مالی چندجانبه آن که توسط چین راه‌اندازی شده‌اند، مثل بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا (AIIB)، واکنشی به بحث‌هایی در چین است مبنی بر این که نظام غرب‌گرای برتون وودز<sup>۱۲۵</sup> برای نظم پولی، که پروتکل جهانی برای روابط تجاری و مالی را تدوین کرده است، مانع از آن می‌شود که چین و کشورهای در حال توسعه نقش پررنگتری در فرایندهای تصمیم‌سازی ایفا کنند.<sup>۱۲۶</sup> ورای هدف کمربند برای شکل‌دهی مدیریت اقتصاد جهانی در ابعاد بزرگ، دو هدف کلیدی و اصلی در سیاست اقتصادی اخیر چین نیز محرک‌های مهمی به حساب می‌آیند. طبق اوراق سفید «چشم‌انداز و اقدامات» این اهداف عبارتند از: (الف) پیدا کردن کارکردهای جدید برای سرریز سرمایه‌ای چین و (ب) بین‌المللی کردن پول ضعیف شده چین (RMB<sup>۱۲۷</sup>).<sup>۱۲۸</sup>

سرمایه‌گذاری داخلی، به ویژه در پروژه‌های بزرگتر، در طول یک دهه بازده‌های رو به کاهشی به دست داده است. این امر، چنان که بررسی‌های بین‌المللی فراوان اخیر نشان می‌دهد، موجب شده توجه چینی‌ها به میزان قابل ملاحظه‌ای به خارج از کشور معطوف شود. گزینه‌های سنتی مانند اوراق قرضه دولتی ایالات متحده نیز در دورانی که مشخصه‌اش کاهش‌های کمی است، بازده‌های پایینی داشته‌اند. مناطقی همچون آسیای میانه با بازارهای نسبتاً توسعه نیافته ممکن است برای سرمایه درآمدهای بالاتر، و دست کم، برای استفاده از سرمایه‌های مورد حمایت دولتی، بازده‌های غیرمالی تکمیلی ارائه کنند.

علاوه بر این، بر خلاف سرمایه‌گذاری در کشورهای توسعه یافته‌تر، برخی از دولت‌های در حال توسعه در مسیر کمربند فرصتی فراهم کرده‌اند که از پول ملی چین (RMB) به عنوان ارز مبادلاتی خود استفاده کنند - ارزی که در تجارت بین‌المللی و معاملات مالی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این کار پول چین را یک قدم به جذب منافع دلار آمریکا نزدیکتر می‌کند. اگر پول مزبور در واقع با اقبال گسترده‌تری در حوزه کمربند روبرو شود، با سرمایه‌گذاری بنگاه‌های دولتی و بخش خصوصی، روی ذخایر ارزی خارجی چین، که رو به کاهش هم هست، فشار وارد نخواهد کرد. در صورت موفقیت، کمربند به چین اجازه خواهد داد تا توان اقتصادی و سرمایه‌ای خود را به نفوذ سیاسی تبدیل کند. با این حال، در خصوص دوام این نفوذ سیاسی، به

125. Bretton Woods

126. See e.g. Gabuev, A., 'A "Soft Alliance"? China-Russia Relations after the Ukraine Crisis', European Council on Foreign Relations, Policy Brief, no. 126, Feb. 2015, p. 7.

127. Renminbi

۱۲۸. کمیسیون ملی توسعه و اصلاحات چین (ماده ۴)

واسطهٔ هزینهٔ مربوطه، تردید وجود دارد. ماهیت درازمدت پروژه‌های زیرساختی و روند زمانی کند بازگشت سرمایه (ROI)<sup>۱۲۹</sup> آنها، ریسک مالی قابل توجهی ایجاد می‌کند که احتمالاً به تعهد مالی بیش از حد چین منجر خواهد شد.<sup>۱۳۰</sup>

### کاهش تهدیدهای جاری و ایمن‌سازی همسایگی چین

کمربند را می‌توان ابزاری برای تقویت سیاست‌های منطقه‌ای و همجواری چین به حساب آورد. یک همسایگی با ثبات و آباد، به رشد اقتصادی و ثبات اجتماعی خود چین هم کمک شایانی خواهد کرد، به ویژه در منطقهٔ پرتنش شینجیانگ، که با افغانستان و پاکستان هم مرز است. این امر مستلزم ارتقاء روابط با همسایگان بلافصل چین و کاهش بی‌اعتمادی سیاسی است، به این امید که مرزهایش با ۱۴ کشور همسایه، نه به نقاط آسیب‌پذیری و تهدید بلکه به سرمایه‌ای راهبردی برای چین تبدیل شوند.<sup>۱۳۱</sup> همکاری توسعه‌ای و اقتصادی می‌تواند به دستیابی به هدف مزبور کمک شایانی کند. چین زیرساخت‌ها را سنگ بنای توسعه‌ای می‌داند که به نوبهٔ خود چنان که ژو جین‌پینگ در نشست چهارم کنفرانس معیارهای تعامل و اعتمادسازی در آسیا (CICA)<sup>۱۳۲</sup> می‌گوید، بالاترین شکل امنیت خواهد بود.<sup>۱۳۳</sup>

چین برای تأمین ثبات و امنیت داخلی و نیز منطقه‌ای، ناگزیر به کاهش تأثیرات تهدیدهایی مثل فقر، تروریسم، صنعت مواد مخدر و جنایات سازمان یافته در مناطق همجوار خواهد بود. به گفتهٔ وزیر امور خارجهٔ این کشور، آقای وانگ یی<sup>۱۳۴</sup>، همکاری‌های اقتصادی ممکن است به از بین بردن عوامل ریشه‌دار بی‌ثباتی و افراط‌گرایی در کشورهای توسعه‌نیافته آسیایی کمک کند، کشورهایی که به باور چین در حاشیهٔ نظام جهانی قرار دارند و عدم توازن اقتصادی یکی از علل اصلی تنش در آنها به حساب می‌آید.<sup>۱۳۵</sup> با آن که عوامل بروز افراط‌گرایی

129. Return on Investment

۱۳۰. همچنین باید توجه داشت که برخی کشورهای مشارکت‌کننده در طرح کمربند از مبانی اقتصادی ضعیفی از جمله کسریهای عمده در نظام مالیاتی و حسابهای جاری، برخوردار هستند.

Lo, C., 'China's One Belt One Road: one stone kills three birds', BNP Paribas, 24 June 2015, <[http://institutional.bnpparibas-ip.com/wp-content/uploads/2015/06/Chi\\_Lo\\_Chi\\_on\\_China\\_China\\_One\\_Belt\\_One\\_Road\\_Part1.pdf](http://institutional.bnpparibas-ip.com/wp-content/uploads/2015/06/Chi_Lo_Chi_on_China_China_One_Belt_One_Road_Part1.pdf)>.

131. Burrows, M., and Manning, R. A., 'America's worst nightmare: Russia and China are getting closer', *National Interest*, 24 Aug. 2015.

132. Conference on Interaction and Confidence Building Measures in Asia

133. President Xi Jinping's Remarks (note 5). See also Chinese Ministry of Foreign Affairs, 'New Asian security concept for progress in security cooperation', 21 May 2014, <[http://www.fm-prc.gov.cn/mfa\\_eng/zxxx\\_662805/t1159951.shtml](http://www.fm-prc.gov.cn/mfa_eng/zxxx_662805/t1159951.shtml)>.

134. Wang Yi

135. Chinese Ministry of Foreign Affairs, 'Foreign Minister Wang Yi meets the press', 8

صرفاً اقتصادی نیستند و به نظر بسیار پیچیده‌تر و متأثر از شرایط زمان و مکان هستند، این عامل تأثیرات خود را داشته و کمر بند می‌تواند در ایجاد «حایلی» از دولت‌های با ثبات‌تر دور چین مفید باشد. جالب آن که، یک کارشناس ارشد هندی پیش‌بینی می‌کند که انگیزه همبستگی اقتصادی بیشتر همچنین ممکن است به حل و فصل مناقشات زمینی و دریایی در سراسر آسیا کمک کند.<sup>۱۳۶</sup>

### تسهیل همکاری‌های امنیتی آسیایی

کمر بند به خوبی در موضع فعال‌تر دولت ژئی جین پینگ در خصوص مسائل امنیت منطقه‌ای جای می‌گیرد. چنان که در «اندیشه نوین امنیت آسیایی» (NASC)<sup>۱۳۷</sup> ۲۰۱۴ عنوان شده است، چین علاقه‌مند به ایجاد یک نظم نوین آسیایی است که خود در آن نقش برنامه‌ریزی بیشتری ایفا می‌نماید.<sup>۱۳۸</sup> در حال حاضر، چین چارچوب امنیت منطقه‌ای مورد حمایت ائتلاف نظامی تحت رهبری ایالات متحده را چندان با ثبات یا همخوان با منافع خویش نمی‌بیند و در عوض پیشنهاد می‌کند امنیت آسیایی‌ها به خودشان واگذار شود. لیکن «اندیشه نوین امنیت آسیایی» طرحی فراتر از روابط سنتی نظامی و امنیتی است. این طرح یک اندیشه فراگیر امنیتی مبتنی بر سنگ بنای توسعه است که مفاهیم اتصال و زیرساخت مفاهیم کلیدی آن هستند.<sup>۱۳۹</sup> به باور یک کارشناس ارشد چینی، هدف از این گونه همکاری‌ها و استقلال اقتصادی کاهش بی‌اعتمادی سیاسی بین این کشور و همسایگانش است و از نگاه چینی‌ها ممکن است به رسیدن به مفهوم مشترکی از همکاری امنیتی با چین و در میان خود دولت‌های همسایه کمک کند.<sup>۱۴۰</sup> در عین حال، احتمالاً تکامل کمر بند خود می‌تواند چین را به گسترش دیپلماسی سنتی عدم دخالت و پایبندی به تعهد سیاسی و امنیتی گسترده‌تر با دولت‌های مشارکت‌کننده در ابتکار کمر بند، وادار کند.<sup>۱۴۱</sup>

Mar. 2015, <[http://www.fmprc.gov.cn/mfa\\_eng/wjb\\_663304/wjbz\\_663308/2461\\_663310/t1243662.shtml](http://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/wjb_663304/wjbz_663308/2461_663310/t1243662.shtml)>; and Zhao (note 29).

۱۳۶. گفتگوی یک کارشناس ارشد هندی با مؤلفین گزارش حاضر، هندوستان، سپتامبر ۲۰۱۶.

137.. New Asian Security Concept

۱۳۸. وزارت امور خارجه چین (بند ۴۵) همچنین رجوع کنید به موضوع اصلی سخنرانی ژئی جین پینگ در پنجمین نشست کنفرانس موازین تعامل و اعتمادسازی در آسیا (CICA) که در آنجا ژئی پیشنهاد می‌کند الگوی مدیریت امنیتی با ویژگی‌های آسیایی بسازند، خبرگزاری شین هوا، ۲۹ آوریل، ۲۰۱۶.

<[http://news.xinhuanet.com/english/29/04-2016/c\\_135321261.htm](http://news.xinhuanet.com/english/29/04-2016/c_135321261.htm)>.

139. President Xi Jinping's Remarks (note 5); and Chinese Ministry of Foreign Affairs (note 45).

۱۴۰. گفتگوی کارشناس ارشد چینی با مؤلفین در خصوص کمر بند، چین، آوریل ۲۰۱۶.

۱۴۱. برای مثال رجوع کنید به:

Swanström, N., 'China expands its global power', *Dragon News*, no. 3 (2015), pp. 6-7.



بنابراین، طرح کمر بند با برنامه کاری چین برای افزایش توجه این کشور به دولت‌های منطقه‌ای در امور توسعه و امنیت با هدف تضعیف نظام ائتلافی تحت رهبری ایالات متحده در آسیا همخوانی کامل دارد.

### «هل دادن و راندن» به سوی شرق، انباشت فضای راهبردی به سوی غرب

مواردی از توسعه‌های بیرونی که در اوایل دهه ۲۰۱۰ رخ داد، احتمالاً بخشی از برنامه چین برای توسعه کمر بند بوده است، شامل: (الف) تعامل بیشتر همسایگان آسیا-پاسیفیک خود در خصوص مسائل اقلیمی؛ (ب) آگاه‌سازی نسبت به طرح «محور» ایالات متحده (که بعداً «توازن مجدد» نام گرفت) در آسیا در سال ۲۰۱۱ و (ج) شراکت ترنس پاسیفیک (TTP)<sup>۱۴۲</sup> به رهبری ایالات متحده (رئیس‌جمهور دونالد ترامپ در ۲۴ ژانویه ۲۰۱۷ ایالات متحده را از پیمان تجاری ترنس پاسیفیک بیرون کشید، که احتمالاً به پایان کار این پیمان تجاری ختم خواهد شد) که چین در آن عضویت ندارد.<sup>۱۴۳</sup> در نتیجه محور ایالات متحده برای آسیا و مشارکت‌هایش در منطقه، فضای راهبردی برای چین در جهت تقویت روابط سیاسی و دیپلماتیک با شرق خود در مقایسه با قاره آسیا خیلی تنگتر شده است، منطقه‌ای که ایالات متحده عملاً از آن دوری می‌کرده و نفوذ نسبتاً ضعیفی در آنجا داشته است.<sup>۱۴۴</sup>

کمر بند همچنین زمینه را برای یک بازار اورآسیایی خودکفا به لحاظ صنعتی فراهم می‌کند که توان کاهش وابستگی اقتصادی به کشورهای غیر اورآسیایی را داشته باشد. از نظر برخی تحلیل‌گران خارجی چین به موقع پیش‌بینی می‌کند که تجارت و کانال‌های تجاری در مقایسه با آب‌هایی که سرزمین اورآسیا را احاطه کرده است تا حدودی کفه ترازو را به سمت این منطقه (خشکی) سنگین می‌کند و این مسئله اهمیت برتری دریایی ایالات متحده را کاهش می‌دهد.<sup>۱۴۵</sup> این امر مزیت اضافه‌ی مقابله با ابتکارهای تحت هدایت ایالات متحده نظیر ابتکار (TTIP)<sup>۱۴۶</sup>، که موجب تضمین تداوم تصمیم‌گیری غرب برای نظام تجاری و مالی

#### 142. Trans-Pacific Partnership

۱۴۳. گریگر (بند ۲۳)؛ و گفتگوهای کارشناسان چینی با مؤلفین، چین، آوریل ۲۰۱۶. ظاهراً عده‌ای از مقامات و کارشناسان چینی از این که ایالات متحده ایده یک «جاده ابریشم جدید» که افغانستان در مرکز آن قرار می‌گیرد را مطرح کرده است، در حالی که خود چینی‌ها که جاده ابریشم را بخشی از تاریخ خود می‌دانند چنین ایده‌های به ذهنشان خطور نکرد، غافلگیر شدند.

#### 144. Grieger (note 23), p. 2.

۱۴۵. برای مثال رجوع کنید به:

54 See e.g. Rolland, N., 'China's New Silk Road', National Bureau of Asian Research, 12 Feb. 2015, <<http://nbr.org/downloads>

#### 146. Transatlantic Trade and Investment Partnership

بین‌المللی می‌شوند، را دارد. در حالی که آینده پیمان تجاری ترنس پاسیفیک و پیمان تجارت و سرمایه‌گذاری ترنس آتلانتیک در حال‌های از ابهام قرار دارد، این پیمان‌ها احتمالاً در طراحی ابتدایی چین برای کمر بند، لحاظ شده‌اند. هرچه اقتصاد اعضای بالقوه پیمان‌های فوق‌الذکر رابطه مستحکم‌تری با چین داشته باشند، احتمال این که کشورهای مزبور منافع و اولویت‌های اقتصادی و ژئوپلیتیک چین را مد نظر قرار دهند، بیشتر خواهد بود.<sup>۱۴۷</sup> بنابراین، کمر بند را می‌توان ابزاری برای شکل دادن به بلوک اقتصادی اورآسیا تعریف کرد.

با این همه، برای این که کمر بند عملاً اورآسیا را یکپارچه کند، باید همکاری نزدیک‌تری با اقتصاد اتحادیه اروپا داشته باشد. چین اتحادیه اروپا را شریک بالقوه‌ای برای صلح در اورآسیا می‌داند که پتانسیل تبدیل شدن به وزنه تعادلی در مقابل ایالات متحده در معادلات بین‌المللی را دارد.<sup>۱۴۸</sup> کمر بند به واقع می‌تواند وابستگی اقتصادی متقابل اتحادیه اروپا به آسیا، که به نوبه خود به کاهش موضوعیت روابط اقتصادی فرا-اقیانوسی منجر می‌شود، را تسهیل کند.<sup>۱۴۹</sup> در این سناریو، می‌توان مرکز ثقل اقتصادی و سیاسی جهان را از بلوک‌های اقتصادی ترنس آتلانتیک و ترنس پاسیفیک تا قاره اورآسیا بازتعریف کرد.<sup>۱۵۰</sup> اگر سناریوی مزبور عملی شود، وابستگی چین به بازار ایالات متحده کاهش یافته و تأثیر جنگ‌های تجاری و تحریم‌های احتمالی در آینده کمرنگ خواهد شد. به هر حال، در آینده باید دید که این سناریو به واقعیت نزدیک است یا صرفاً یک خیال‌پردازی بلندپروازانه خواهد بود.

### روبارویی با چالش‌ها و دغدغه‌های موجود

بر خلاف جاده ابریشم قدیم که اساساً در نتیجه منافع تجاری محلی و منطقه‌ای، به صورت

147. Bond, I., 'China's European charm offensive: silk road or silk rope?', Centre for European Reform, 27 Nov. 2015, <<http://www.cer.org.uk/insights/chinas-european-charm-offensive-silk-road-or-silk-rope>>.

148. Wacker, G., 'Chinese Internal Views of the European Union', Europe China Research and Advice Network (ECRAN), Short-term policy brief, 23 Mar. 2012.

۱۴۹. با آن که این نکته صراحتاً بیان نشده است، لیکن می‌توان از اوراق سفید «چشم‌انداز و اقدامات» چنین برداشتی کرد. کمیسیون ملی توسعه و اصلاحات چین. همچنین رجوع کنید به:

Conley, H. A. et al., 'A rebalanced transatlantic policy toward the Asia-Pacific region', Centre for International and Strategic Studies (CSIS), May 2016.

کل تجارت بین اتحادیه اروپا و چین از ۲۱۲/۸ میلیارد یورو در سال ۲۰۰۶ به ۵۲۰ میلیارد یورو در ۲۰۱۵ افزایش یافت.

European Commission, Directorate-General for Trade, European Union, Trade in goods with China, [n.d.], <[http://trade.ec.europa.eu/doclib/docs/2006/september/tradoc\\_113366.pdf](http://trade.ec.europa.eu/doclib/docs/2006/september/tradoc_113366.pdf)>, p. 3.

150. Rolland (note 54).

هدایت نشده رشد کرده بود، کمربند بیانگر یک چشم‌انداز است، اگر چه این چشم‌انداز هنوز پختگی لازم را ندارد. این مسئله برای برخی از سهامداران و مشارکت‌کنندگان ابهام‌هایی در خصوص ماهیت دقیق کمربند و این که در وهله اول چرا مقامات چینی این طرح را پیشنهاد کرده و فعالانه آن را تبلیغ می‌کنند، به وجود آورده است. قدرت‌های مهم منطقه قبول دارند که کمربند سودهای فراوانی ارائه می‌کند. با این حال، ایده این که چین طرح مزبور را رهبری کند و برداشت‌های احتمالی ژئوپلیتیک، موجب بروز برخی نگرانی‌ها در میان عده‌ای از سهامداران کمربند از جمله در داخل چین شده است. همچنین در میان کنشگران بزرگتر، که اصلی‌ترین آنها ژاپن و ایالات متحده و نیز هندوستان و تا حد کمتری اتحادیه اروپا هستند، نگرانی‌هایی به وجود آمده است.<sup>۱۵۱</sup> در خلال گفتگوهای مؤلفین با ناظرانی از افغانستان، قرقیزستان، پاکستان، روسیه، تاجیکستان و ازبکستان، همه آنها دیدگاه مثبتی به کمربند داشتند در حالی که ناظرین قزاق نظرشان مثبت بود اما به نظر محتاط‌تر و مراقب بودند.

چین مکرر اعلام کرده است که با آن که کمربند توسط چین پیشنهاد شده و تبلیغ می‌شود، این کشور به هیچ وجه «امتیاز ویژه‌ای» ندارد و برای خود حق و توقائل نیست. هر دولت، هر ارگان دولتی یا بخش خصوصی که تمایل به همراهی با ابتکارهای اتصال اورآسیایی، با یا بدون رابطه مستقیم با چین یا اجازه آن را داشته باشد از او به گرمی استقبال می‌شود.<sup>۱۵۲</sup> اما چین می‌داند که بسیاری از این کشورها و دولت‌ها ابزار مالی لازم برای پیگیری چنین اهدافی را ندارند. علاوه بر این، طراحی‌های که تا کنون برای مسیرهای کمربند پیشنهاد شده، چین را نقطه آغاز و اروپا را به عنوان نقطه پایان معرفی کرده‌اند. همچنین تردیدهای عمیقی در مورد بعد چندجانبه بودن طرح کمربند، جامعیت پیشنهادها و اجرا وجود دارد.<sup>۱۵۳</sup>

درباره این که مرکزیت کمربند تا چه حد عملاً در چین است و نه در اتحادیه اروپا، پرسش‌های فراوانی پیش آمده است. افراد شکاک از جمله برخی در داخل اتحادیه اروپا، در مورد راه‌ها و مسیرهای تجاری، یا «پیکان‌های» این کریدورها نگران هستند. آنها این پرسش را

۱۵۱. بر اساس نظریات شرکتکنندگان مختلفی از اتحادیه اروپا و هندوستان در کارگاه آموزشی پروژه و در نشست‌های مؤلفین با ناظرانی از اتحادیه اروپا و هندوستان، آوریل تا نوامبر ۲۰۱۶.

152. Li Keqiang's speech at the opening ceremony of the 2016 Boao Forum for Asia, Chinese State Council, 25 Mar. 2015, <[http://www.gov.cn/guowuyuan/2016-03/25/content\\_5057611.htm](http://www.gov.cn/guowuyuan/2016-03/25/content_5057611.htm)>; Chinese Ministry of Foreign Affairs (note 46); and Chinese Ministry of Foreign Affairs, 'Xi Jinping attends and addresses China-UK Business Summit', 22 Oct. 2015, [http://www.fmprc.gov.cn/mfa\\_eng/topics/665678\\_xjpdygjxgsfw/t1308463.shtml](http://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/topics/665678_xjpdygjxgsfw/t1308463.shtml)>.

153. Multiple experts, Conversations with authors, Eurasia, Apr.-Nov. 2016.

مطرح می‌کنند که آیا ترانزیت تجاری در مسیر این کریدورها عمدتاً با فاصله گرفتن از چین پایان پیدا می‌کنند، مثلاً این که چین قادر است به جای واردات حتی بیش از میزان کنونی به صادرات بپردازد. از دیگر سو، چین در حال حاضر یک شریک تجاری عمده برای اکثر کشورهای منطقه اورآسیا است و در نتیجه ایفای نقشی کانونی‌تر برای چین امری منطقی است. همچنین تردید وجود دارد چون تعدادی از دولت‌های مزبور در مسیر کمربند بسیار بی‌پول هستند و برای پروژه‌های زیرساختی بزرگ‌تر نیاز به تأمین مالی بیرونی دارند. در حالی که چین می‌تواند این مشکل را تا حدودی مرتفع کند، برخی از ناظران می‌ترسند این موضوع به مرور زمان به اهرم اقتصادی و سیاسی برای چین تبدیل شود و این یعنی کاسه رود جایی که باز آرد قدح.<sup>۱۵۴</sup>

چنین شک و تردیدهایی ممکن است تا زمانی که ارائه تعریفی عقلانی از کمربند با مشکل روبرو است، تداوم پیدا کند. بعضی وقتها، سیاست چین صرفاً از طریق تصمیم‌گیری باری به هر جهت شکل می‌گیرد و با بروز مشکلات راه‌حلهایی ارائه می‌کنند. به هر حال، اگر چین بدون داشتن راهکاری کلی برای مقابله با چنین ناهماهنگی‌ها و واکنش‌های سیاسی، کار خود را پیش ببرد، با خطر تشدید نارضایتی از کمربند روبرو خواهد شد. رویکرد چین به طراحی و اجرای کمربند در منطقه‌ای به وسعت و تنوع اورآسیا، به‌نظر تا حد زیادی مبتنی بر روش آزمون و خطا بوده است. تبلیغ چین برای کمربند نمونه قابل توجهی از این رویکرد است. اگر شاخص‌ها برای تفهیم «ماهیت»، «کیفیت» و «علت» از ابتدای امر مؤثر و مفیدتر بودند، کمربند می‌توانست با شتاب اولیه بیشتری اجرا شود. اولین اوراق سفید عمده در خصوص کمربند، مارس ۲۰۱۵ اوراق سفید «چشم‌انداز و اقدامات»، حدود ۱۸ ماه پس از مطرح شدن کمربند منتشر شد.<sup>۱۵۵</sup> چارچوب زمانی بین ارائه طرح کمربند و انتشار اولین اوراق سفید حکایت از آن دارد که ابتکار مزبور با عجله معرفی شده بود. از منظری دیگر، چین می‌توانست عمداً کمربند را به‌عنوان یک «پایلوت» در جهت اخذ نظریات مختلف معرفی کرده و طراحی آن تا حد زیادی باز و انعطاف‌پذیر بوده باشد.

بلندپروازی‌های عظیم کمربند همچنین راه را برای گمانه‌زنی باز گذاشته و اجازه می‌دهد برخی ناظران آن را یک «راهبرد» یا «برنامه مارشال» چین بنامند. به هر حال، دولت چین این

۱۵۴. مصاحبه ناظران با مؤلفین، اورآسیا، آوریل تا نوامبر، ۲۰۱۶.

۱۵۵. دولت چین اولین بار در ۷ سپتامبر ۲۰۱۳ به کمربند اشاره کرد و اولین سند توصیفی راجع به کمربند و جاده، اوراق سفید «چشم‌انداز و اقدامات» در ۲۸ مارس ۲۰۱۵ بیرون آمد. کمیسیون ملی توسعه و اصلاحات چین (بند ۴).

توصیفات از کمربند را رد کرده و تأکید می‌کند این طرح مبتنی بر مشارکت داوطلبانه است و در مقابل هیچ کس پنهان کاری نمی‌کند. با وجود این، می‌توان آن را احتمالاً یک راهبرد خواند زیرا هدفی مشخص دارد: همکاری و اتصال گسترده‌ی اورآسیا. بنابراین، این امر می‌تواند طرح را به جای صرفاً ربط‌دادن به چین، به راهبرد کلانی برای اورآسیا (و فراتر از آن) تبدیل کند. کارشناسان در گفتگو با مؤلفین اظهار داشتند که هم در داخل و هم خارج از چین تردیدهایی در خصوص این که آیا چین واقعاً از آمادگی لازم برای اجرای کمربند برخوردار است یا خیر، وجود دارد، گرچه باید توجه داشت که وجود چنین تردیدهایی در مورد اجرای پروژه‌هایی با این مقیاس امر غیرمعمولی نیست.<sup>۱۵۶</sup> پرسش‌های دیگری هم مطرح است به خصوص درباره‌ی این که آیا چین بیش از حد جسور شده است و «توسعه‌ی کور» عجولانه و بیش از حد متمرکز را دنبال می‌کند. همچنین در این خصوص که آیا چین دقیقاً و به‌طور واقعگرایانه تأثیر پویایی سیاسی و نیز فساد و تورم اقتصادی حاصل از طرح کمربند را مورد بررسی و تجزیه تحلیل قرار داده است یا خیر.

ظاهراً، با توجه به مشارکت بین‌المللی، که مبنای این پلتفرم همکاری گسترده قرار گرفته است، کمربند به مراتب حوزه‌ی گسترده‌تری دارد که کنشگران چینی به تنهایی از عهده‌ی اجرای آن برآیند. کارآمدی دولت‌های شریک چین در طرح کمربند مسئله‌ی تأثیرگذاری است. زیرساخت ارتقاء یافته مطمئناً می‌تواند نقش تسریع‌کننده‌ی برای استخدام و فعالیت اقتصادی ایفا کند، اما پتانسیل توسعه‌ی زیرساخت‌ها خود مستلزم سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی انسانی و سازمانی و اجرای سیاست‌های هوشمند اقتصادی توسط دولت‌های محلی است که این نیز مطمئناً پروسه‌ی زمانبر و خارج از حیطه‌ی اختیار چین خواهد بود.<sup>۱۵۷</sup> در حالی که چنین پویایی‌هایی را می‌توان در واقع باید برجسته کرد، اما هنوز قضاوت کردن درباره وضعیت موجود فرایند مزبور در این مرحله زود است. نتیجه‌ی تعاملات گوناگون از طریق باز کردن روایی طرح کمربند قابل مشاهده خواهد بود.

زیرساخت‌های ارتقاء یافته بی‌گمان می‌تواند نقش تسریع‌کننده‌ی برای استخدام و فعالیت اقتصادی ایفا کند، اما پرداختن به پتانسیل توسعه‌ی زیرساخت‌ها خود مستلزم سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی انسانی و سازمانی و اجرای سیاست‌های صحیح اقتصادی توسط دولت‌های محلی است، پروسه‌ای که ضرورتاً در حیطه‌ی اختیار چین نیست.

156. Observers, Interviews with authors, Eurasia, Apr.-Oct. 2016.

۱۵۷. گفتگوهای کارشناسانی از چین، آسیای میانه و آسیای جنوبی با مؤلفین، آوریل و سپتامبر ۲۰۱۶.

### ۳-۱- ارتباط با مفاهیم امنیت در حال تکامل چین

از اواخر دهه ۱۹۹۰ و دوران اصلاحات و باز شدن درها، مهم‌ترین نکته راهبردی سیاست خارجی چین حفظ یک محیط خارجی با ثبات برای حمایت از توسعه اجتماعی-اقتصادی داخلی-پایگاه اصلی مشروعیت و ثبات رژیم برای حزب کمونیست چین- بوده است. در طول دهه ۹۰ و اوایل تا اواسط دهه ۲۰۰۰ میلادی این به معنای وضعیتی بود که به طور کلی در رویارویی با تهدیدهای امنیتی بین‌المللی رویکردی نه کنشگرانه بلکه واکنشگرانه پیش می‌گیرد. چین به طور عمده توجه خود را روی پرداختن به مسائل امنیت پیرامونی و همسایگی خود متمرکز کرده است که روی منافع سرزمینی اصلی‌اش که در تقابل با طرح‌ریزی قدرت جهانی است، تأثیر گذاشته است.<sup>۱۵۸</sup>

طی دهه گذشته برخی از محرک‌ها از جمله گسترش منافع برون‌مرزی چین و نیز تمایل قوی‌تر رهبری این کشور برای به تن کردن ردای یک ارائه‌کننده جهانی خدمات عمومی موجب تکامل این وضعیت امنیتی از بعد گستره و جغرافیا شده‌اند. طرح کمربند این دو گرایش را تقویت می‌کند، گرچه ممکن است تلاش برای شکل‌دهی فضای سیاسی و در واقع امنیتی به نفع رویکرد کنشگرانه فوق‌الذکر باشد. رخدادهای امنیتی ناشی از افشای بیشتر سرمایه‌ها و پرسنل اقتصادی چین نیز احتمالاً منجر به تغییرات جدید در عملکردهای امنیتی این کشور خواهد شد.

با آن که دولت چین در اشاره به طرح کمربند و جاده آشکارا سخنی از مسائل راهبردی و امنیتی به میان نمی‌آورد، لیکن این طرح به خوبی در چارچوب مضامین امنیت بین‌المللی، که این کشور در طول سال‌ها به آنها استناد کرده است، جای می‌گیرد. از جمله این موارد کمیسیون امنیت ملی چین (NSC)<sup>۱۵۹</sup> است که در اوراق سفید دفاعی مربوط به سال ۱۹۹۸ ترسیم شد. چین در چارچوب گسترده‌تر رویه جهانی برای تعریف «امنیت» در سایه جنگ سرد، دیدگاه‌های سنتی جمع‌صفر و یکجانبه را مورد انتقاد قرار داده است. در مقابل، روی دستیابی به «امنیت مشترک» بین دولت‌ها از طریق گفتگو، همکاری و هماهنگی تأکید دارد.<sup>۱۶۰</sup>

۱۵۸. از جمله این موارد: استقلال دولت، امنیت ملی، یکپارچگی قلمرو و مراقبتهای پایه برای تضمین توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی هستند.

Chinese State Council Information Office, 'China's Peaceful Development', Sep. 2011 <[http://www.fmprc.gov.cn/mfa\\_eng/topics\\_665678/whitepaper\\_665742/t856325.shtml](http://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/topics_665678/whitepaper_665742/t856325.shtml)>.

159. National Security Commission

160. Chinese Ministry of Foreign Affairs, 'China's Position Paper on the New Security Concept', July 2002, <[http://www.fmprc.gov.cn/mfa\\_eng/wjb\\_663304/zjjz\\_g663340/gjs\\_665170/gjzzyhy\\_665174/2612\\_665212/2614\\_665216/t15319.shtml](http://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/wjb_663304/zjjz_g663340/gjs_665170/gjzzyhy_665174/2612_665212/2614_665216/t15319.shtml)>.

کمیسیون امنیت ملی چین پا را از حیطة نظامی فراتر نهاده و تهدیدهای امنیتی غیرسنجی را نیز پوشش داده است. مهم‌تر این که، کمیسیون مزبور همچنین امنیت اقتصادی، که در زیربخش ۱-۲ به‌عنوان یکی از محرک‌های کمربند به آن اشاره شد، را به‌منزله عنصری کلیدی برای امنیت دولتی و در ابعاد وسیع‌تر نظم جهانی، مورد تأکید قرار می‌دهد و علاوه بر یک بنیان سیاسی، اقداماتی را برای شکل‌دهی یک «بنای اقتصادی برای امنیت جهانی و منطقه‌ای» پیشنهاد می‌کند. چنان که در اوراق سفید دفاعی سال ۱۹۹۸ آمده، «مبادله و تعامل اقتصادی ابزار مهمی برای دستیابی به امنیت پایدار در مناطق مجاور چین است».<sup>۱۶۱</sup> به هر حال، این مضمون بیشتر به‌منزله مجموعه‌ای از اصول عمل می‌کند تا یک نسخه سیاستی ملموس و در راستای فرمان رئیس‌جمهور سابق دنگ ژیاوپینگ<sup>۱۶۲</sup> مبنی بر «حفظ وضعیت عدم جلب توجه» تأثیر امنیتی چین در خارج از کشور نسبتاً محدود باقی می‌ماند.

با این حال، چنان که در اوراق سفید ۲۰۱۱ «توسعه مسالمت‌آمیز چین» آمده است، «چین با بالا رفتن قدرت فراگیرش مسئولیت بیشتری در سطح بین‌الملل برای خود قائل خواهد شد» و در واقع شواهد به‌طور فزاینده‌ای این مسئله را تأیید می‌کردند.<sup>۱۶۳</sup> از دهه ۲۰۰۰ به بعد، گسترش منافع برون‌مرزی و نیز فشارهای اصلاحی موجب شد چین نقشی فعال‌تر، و در برخی موارد حتی نقش رهبری، در مدیریت امنیت جهانی بر عهده گیرد. مثلاً، ناوگان دریایی ارتش آزادی بخش خلق (PLAN)<sup>۱۶۴</sup> از سال ۲۰۰۸ به منظور تأمین امنیت خطوط کشتیرانی در عملیات‌های ضد دزدی دریایی در خلیج عدن دخالت داشته است و در حال ساختن اولین پایگاه نظامی برون‌مرزی خود در جیبوتی برای تأمین پشتیبانی لازم از اسکورت نظامی، حفاظت از صلح و مأموریت‌های امداد و نجات ارتش چین است.<sup>۱۶۵</sup> چین در مناقشات میان سودان و سودان جنوبی، گفتگوهای شش‌جانبه کره شمالی، خلع سلاح هسته‌ای ایران، روند صلح در افغانستان و دیگر مذاکرات سیاسی به‌عنوان میانجی مشارکت داشته است. این کشور در حال ایفای نقش پررنگ‌تری در برخورد با چالش‌هایی مثل تغییرات آب و هوا است و در حال حاضر نیز در میان اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل بزرگترین نیروی شرکت‌کننده در مأموریت‌های حافظ صلح این سازمان را دارد.<sup>۱۶۶</sup>

161. Chinese State Council Information Office, 'China's National Defense', July 1998.

162. Deng Xiaoping

۱۶۳. دفتر اطلاعات شورای دولتی چین (بند ۶۷).

164. People's Liberation Army Navy

165. Ministry of Foreign Affairs of the People's Republic of China, [China's first military base in Africa begins construction, President of Djibouti expresses support], 26 Feb. 2016, <<http://www.fmprc.gov.cn/zflt/chn/zxxx/t1343368.htm>>.

166. Fung, C. J., 'China's troop contributions to UN peacekeeping', US Institute of Peace, Peace Brief no. 212, July 2016.

این تغییرات به بحث تحلیلی در خصوص مداخله «خلاق» و مداخله «سازنده» یک سیاست خارجی و وضعیت امنیتی کمک می‌کند که سختگیرانه نیست، بلکه نرم و انعطاف‌پذیر و به جای آن که واکنشگرانه باشد، کنشگرانه است.<sup>۱۶۷</sup> چنین گرایشاتی در دوران ریاست جمهوری شی جین پینگ شدت گرفته‌اند. تلاش‌های دیپلماتیک برای ترویج «الگوی نوین روابط قدرت بزرگ» بیانگر تغییری در خودانگاره چین و پذیرش نقش خود به‌عنوان یک قدرت بزرگ در ژئوپلیتیک قرن بیست و یکم است. چین به‌لحاظ منطقه‌ای با جسارت بیشتری، چنان که در «اندیشه نوین امنیت آسیایی» پیشنهادی سال ۲۰۱۴ الگوسازی شده، برای خود نقش رهبری قائل شده است. برنامه «اندیشه نوین امنیت آسیایی» روی امنیت مشترک، فراگیر، همیارانه و پایدار در میان کنشگران آسیایی تأکید می‌کند، اما با طرح اقدامات قابل اجرا جهت دستیابی به این مهم از صحبت‌های پیشین چینی‌ها فراتر می‌رود.<sup>۱۶۸</sup>

طرح کمربند، در کنار بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا (AIIB) و بانک توسعه نوین (NDB)، نمادی از چینی است که در صحنه جهانی نمایانتر شده است. با آن که مسئولین عمدتاً کمربند را در چارچوب اقتصادی تعریف می‌کنند، این طرح مسیر مفهومی پایداری از دیدگاه‌های رسمی چین در باب امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی بر «مبنای اقتصادی» برای امنیت منطقه‌ای و جهانی را دنبال می‌کند. همبستگی و ارتباط اقتصادی راهی برای اعتمادسازی در میان همسایگان و نیز برای افزایش وابستگی متقابل و منافع ثبات منطقه‌ای، چنان که در مجمع کاری کنگره ملی حزب کمونیست برای دیپلماسی پیرامونی در ۱۲ اکتبر ۲۰۱۳ تأکید شد، محسوب می‌شود.<sup>۱۶۹</sup> طرح کمربند با وزن سیاسی و خارجی زیادی تقویت شده است و وزیر امور خارجه چین، وانگ یی<sup>۱۷۰</sup> اشاره می‌کند که این طرح اولویت اول دیپلماتیک چین در سال ۲۰۱۵ خواهد بود.<sup>۱۷۱</sup> در حقیقت، پیشنهاد اخیر رئیس‌جمهور شی جینپینگ مبنی بر این که توسعه «والاترین شکل امنیت و شاه کلید مسائل امنیتی منطقه است»، نشان می‌دهد که چین قصد دارد به یکی از بزرگترین و به احتمال زیاد اصلی‌ترین تأمین‌کنندگان امنیت منطقه تبدیل شود.<sup>۱۷۲</sup>

167. See Wang, Y., *Creative Involvement: The Evolution of China's Global Role* (Peking University Press: 2013).

168. Chinese Ministry of Foreign Affairs, 'New Asian Security Concept for Progress in Security Cooperation', 21 May 2014, <[http://www.fmprc.gov.cn/mfa\\_eng/zxxx\\_662805/t1159951.shtml](http://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/zxxx_662805/t1159951.shtml)>.

169. Swaine, M. D., 'Chinese views and commentary on periphery diplomacy', *China Leadership Monitor*, 28 July 2014.

170. Wang Yi

171. 'China's 2015 diplomacy focuses on "Belt and Road"', Xinhua News, 8 Mar. 2015, <[http://news.xinhuanet.com/english/2015-03/08/c\\_134047992.htm](http://news.xinhuanet.com/english/2015-03/08/c_134047992.htm)>.

172. Chinese Ministry of Foreign Affairs (note 74).



طرح کمربند همچنین به عناصر متعددی از مفهوم بازنگری شده امنیت ملی چین و سازماندهی مجددی، که در سال ۲۰۱۴ اعلام شد، می‌پردازد. در چارچوب این مفهوم کلی‌نگر امنیت ملی، بر ۱۱ حوزه گوناگون سنتی و غیرسنتی تأکید می‌شود، از جمله: حوزه‌های سیاسی، ملی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، علم و فناوری، اطلاعات، زیست‌محیطی، منابع و هسته‌ای. نکته مهم این است که این مفهوم امنیت ملی، امنیت بیرونی و درونی را به هم پیوند می‌دهد.<sup>۱۷۳</sup> به هر حال، هنوز هم با یک عدم شفافیت، در خصوص این که آیا کمربند بیشتر از روی تصادف در چارچوب‌های امنیت رو به تکامل چین جای گرفته یا چنان که در بالا اشاره شد این مسئله هدفمند و طراحی شده بوده است، روبرو هستیم. باز هم اجماعی در این خصوص حتی در خود چین وجود ندارد که آیا کمربند در درجه اول ذاتاً یک راهبرد ژئواستراتژیک، اقتصادی یا یک راهبرد توسعه‌ای ملی است - اگر چه هر یک از این عناصر احتمالاً نقش خود را ایفا می‌کنند.<sup>۱۷۴</sup> گذشته از اینها، کمربند ضرورتاً به انگیزه‌ای برای یک اندیشه و اقدام امنیتی جدید در چین تبدیل خواهد شد. افزایش وسیع در تأثیر اقتصادی چین در خارج از کشور از قبل روی وضعیت امنیتی چین تأثیر فراوان داشته است و از دهه ۲۰۰۰ به بعد موجب افزایش قاطع دخالت نظامی این کشور در خارج از مرزها هم از نظر فاصله و هم از منظر کارکردی شده است.<sup>۱۷۵</sup> در سال ۲۰۰۴ رئیس‌جمهور هو جین تائو<sup>۱۷۶</sup> سخنرانی مهمی ایراد کرد که در آن به منافع برون‌مرزی چین اشاره کرد، اصطلاحی که در برگیرنده (الف) امنیت ملی‌ها در بیرون مرزها؛ (ب) نهادها، شرکت‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها؛ (ج) خطوط و کانال‌های ارتباطی راهبردی دریایی؛ (د) و انرژی و منابع برون‌مرزی بود.<sup>۱۷۷</sup> این اصطلاح در وهله اول روی منافع اقتصادی چین در خارج از کشور متمرکز است، گرچه این موارد با منافع سیاسی و نظامی برون‌مرزی نیز همپوشانی دارند.<sup>۱۷۸</sup> چنان که در اوراق سفید دفاعی ۲۰۱۳ آمده است، موارد مزبور به جزء لاینفکی از منافع ملی چین تبدیل شده‌اند.<sup>۱۷۹</sup> در «راهبرد نظامی چین» در سال ۲۰۱۵، حفاظت از

173. Xinhua Daily Telegraph, Xi Jinping presides over the first meeting of the National Security Commission, 16 Apr. 2016.

174. Interviews in Beijing, Shanghai, Lanzhou and Urumqi, China, Apr. 2016.

175. Duchâ tel, Brauner and Hang (note 80); and Chinese State Council Information Office (note 80).82 Liu, X., 'On China's overseas interests', CPC News, 17 Aug. 2010, <<http://cpc.people.com.cn/GB/68742/187710/191095/12464892.html>>.

176. Hu Jintao

177. Duchâ tel, Brauner and Hang (note 80); and Chinese State Council Information Office (note 80).

178. Liu, X., 'On China's overseas interests', CPC News, 17 Aug. 2010, <<http://cpc.people.com.cn/GB/68742/187710/191095/12464892.html>>.

۱۷۹. دفتر شورای دولتی اطلاعات چین (بند ۸۰).

امنیت منافع چین در ورای مرزها به یکی از وظایف راهبردی ارتش آزادی‌بخش خلق (PLA)<sup>۱۸۰</sup> ارتقاء یافته است.

طرح کمربند به واسطه افزایش روز افزون پرسنل و سرمایه‌گذاری‌های چین مخاطرات امنیتی جدید را پیش می‌آورد و حتی موجب گسترش بیش از پیش ردپای این کشور در خارج از مرزها می‌شود. کمربند با عبور کردن از میان برخی از پرآشوبترین و به‌لحاظ سیاسی بی‌ثبات‌ترین مناطق اورآسیا ممکن است موجب بروز اقدامات بی‌سابقه‌ای از سوی دستگاه امنیتی چین شود، که تا کنون نسبتاً محدود به عملیات‌های نظامی یا مختلط هدفمند باقی مانده است. از ماده ۷ قانون ضد تروریسم ۲۰۱۵ که اجازه مأموریت‌های برون‌مرزی توسط ارتش آزادی‌بخش خلق و نیروی مسلح پلیس خلق را صادر کرده است، می‌توان دریافت که چین از پیش خود را برای رویدادهای غیرمترقبه آماده کرده است.<sup>۱۸۱</sup> برخی از تحلیل‌گران چینی بر این باورند که نباید به کارگیری این آمادگی جدید حتی در کوتاه‌مدت نادیده گرفته شود.<sup>۱۸۲</sup> در کتاب *آبی/امنیت غیرسنجی (۱۵-۲۰۱۴)* قرار گرفتن شدید در معرض تروریسم و افراط‌گرایی نیز برجسته شده است. دیگر مخاطرات امنیتی که طرح کمربند را تهدید می‌کنند عبارتند از: (الف) ژئوپلیتیک قدرت بزرگ؛ (ب) مناقشات سرزمینی؛ (ج) جرائم سازمان‌یافته؛ (د) بی‌ثباتی سیاسی (از جمله انقلاب‌های رنگی)؛ (ه) خطرات اقتصادی و مالی؛ (و) خطرات زیست‌محیطی و اکولوژیک؛ (ز) کنترل کیفیت؛ (ح) امنیت مرزی چین؛ (ط) عناصر امنیت اجتماعی و انسانی؛ (ی) دزدی دریایی در طول جاده ابریشم] و (س) مسائل مرتبط با امنیت اطلاعات.<sup>۱۸۳</sup>

در حال حاضر چین برای محافظت از منافع خود در خارج از مرزهایش، در وهله اول به نیروهای مسلح محلی یا در برخی موارد به تأمین‌کنندگان امنیت خارجی (مثلاً، روسیه در برخی از کشورهای آسیای میانه) متکی است.<sup>۱۸۴</sup> این کشور ممکن است به‌منظور پاسخگویی به تقاضای در حال رشد برای ظرفیت امنیت اضافی در آینده، استفاده بیشتری از شرکت‌های

180. People's Liberation Army

181. People's Republic of China Counterterrorism Act, Presidential Decree no. 36, Dec. 2015, <[http://big5.gov.cn/gate/big5/www.gov.cn/zhengce/2015-2/28/content\\_5029899.htm](http://big5.gov.cn/gate/big5/www.gov.cn/zhengce/2015-2/28/content_5029899.htm)>.

۱۸۲. گفتگو با مؤلفین، پکن، آوریل ۲۰۱۶.

183. Wang, Y., and Zheng, D., Non-traditional security challenges One Belt, One Road faces], *China Opening Journal*, Aug. 2015; and Liu, H., [Security challenges to the One Belt, One Road strategy and China's choices, *Pacific Journal*, no. 2 (2015).

184. Kurlantzick, J. et al., 'Beijing's Asia pivot in 2016', Council on Foreign Relations, 5 Jan. 2016, <[http://www.cfr.org/china/beijings-asia-pivot-2016/p37409#expert\\_roundup\\_author\\_9268](http://www.cfr.org/china/beijings-asia-pivot-2016/p37409#expert_roundup_author_9268)>.

امنیت خصوصی ببرد.<sup>۱۸۵</sup> در هر حال، به‌منزله معیاری کنشگرانه، دولت چین همچنین در حال توسعه و تقویت روابط امنیتی خود با کنشگران دولتی از طریق کانال‌های دوجانبه و چندجانبه است.<sup>۱۸۶</sup> از منظر همکاری‌های امنیتی، چین عمدتاً با کشورهای در حال توسعه در مقیاس کم تعامل داشته و در قالب کمک‌های شامل تجهیزات نظامی و آموزش خارج از سایت<sup>۱۸۷</sup> که در اختیار آنها گذاشته یاری‌شان کرده است.<sup>۱۸۸</sup> با آن که این نوع همکاری‌های نظامی و امنیتی با کشورهایی در طول طرح کمربند و جاده تا به امروز نسبتاً محدود بوده است، اما اخیراً به صورت معناداری رو به افزایش گذاشته است. در سریلانکا از مانورهای نظامی مشترک با نام «همکاری جاده ابریشم ۲۰۱۵» آشکارا با عنوان محافظت از طرح کمربند و جاده یاد شده است. چین همچنین برای توسعه روابط امنیت دوجانبه در جهت کاهش خطراتی که ممکن است در چارچوب طرح کمربند و جاده پیش آیند با کشورهای دیگر از جمله کامبوج، میانمار، تایلند، ویتنام و سایر کشورهای شرق آسیا همکاری می‌کند. این کشور در پاکستان برنامه‌هایی برای اعزام نیروهای امنیتی خود برای تکمیل واحد ویژه امنیت ارتش پاکستان دارد، که به‌طور ویژه برای محافظت از شهروندان و اموال چین در آنجا طراحی و ایجاد شده‌اند.<sup>۱۸۹</sup>

در سطوح آکادمیک و پژوهشی، کارشناسان پارادیم‌های نوینی از مداخله امنیتی در سایر کشورها در چارچوب طرح کمربند و جاده پیشنهاد می‌کنند، از جمله سازوکارهای هشدار زود هنگام و پیشگیری برای امنیت جهانی جدید و همکاری اطلاعاتی امنیتی بین‌المللی در مسائل امنیت غیرسنجی مثل ضد تروریسم.<sup>۱۹۰</sup> ساختار ضد تروریسم منطقه‌ای (RATS)<sup>۱۹۱</sup> سازمان همکاری شانگهای (SCO)، تأسیس شده در سال ۲۰۰۴، یکی از این سازوکارهای موجود است، لیکن چین در واقع به دنبال شراکت‌های چندجانبه جدید نیز هست، چنان که سازوکار همکاری و

185. Zi, Y., 'China's private security companies: domestic and international roles', *China Brief*, vol. 16, no 5, 4 Oct. 2016.

186. P., Du Ping: China's Silk Road's many security risks, requires more investment], Feng Huang Net, 31 Aug. 2016<[http://phtv.ifeng.com/a/0\\_44444978/20160831.shtml](http://phtv.ifeng.com/a/0_44444978/20160831.shtml)>.

187. Off-site training

188. Saunders, P. C., 'China's global activism: strategy, drivers, and tools', Institute for National Strategic Studies, National Defence University, Oct. 2006.

189. Li, D., China and Sri Lanka join hands to provide security for the One Belt, One Road, Bauhinia Net, 31 July 2015, <<http://www.zijing.org/htmls/zz/647097.shtml#>>.

190. Zhao M. et. al, Assessment of Countries' Security Situation along the One Belt One Road and Road and Countermeasures, Chinese Academy of Social Science, 29 May 2015.

191. Regional Anti-Terrorism Structure

هماهنگی چهارجانبه راه‌اندازی شده بین نیروهای مسلح چین، پاکستان، افغانستان و تاجیکستان در اوت ۲۰۱۶ شاهدهی بر این مدعا هستند.<sup>۱۹۲</sup> ورای همکاری عملی، برخی از کارشناسان برجسته چینی مثل ژائو کجین<sup>۱۹۳</sup> از دانشگاه چینهووا<sup>۱۹۴</sup>، مدعی هستند که امنیت طرح کمربند و جاده همچنین مستلزم پذیرش هنجارهای امنیتی جدیدی از سوی کشورهای مرتبط با این طرح خواهد بود.<sup>۱۹۵</sup> نوشته‌های موجود برای نشان دادن این دگرگونی هنجاری به‌عنوان مرجع به «اندیشه نوین امنیت آسیایی» و «کمیسوین امنیت ملی» چین اشاره کرده‌اند.

به تعبیر یان ژوئونگ<sup>۱۹۶</sup>، از دانشگاه چینهووا، در هم پیچیدگی مسیرها در گذر زمان طیف وسیع‌تری از عناصر راهبردی فراتر از منافع اقتصادی صرف را پوشش خواهد داد. یک بعد قوی سیاسی ضرورت خواهد داشت. سرانجام این امر ممکن است حتی تا جایی بسط یابد که تأمین ضمانت‌های امنیتی برای انتخاب کشورها را نیز پوشش دهد.<sup>۱۹۷</sup> در هر حال، حتی در میان چینی‌ها هم ارزیابی کیفیت اثرگذاری واقعیات و پیامدهای عملی اجرای کمربند بر روی سیاست امنیتی چین و واکنش این کشور چه در حوزه حفاظت روی زمین و چه به‌طور کلیتر ژئوپلیتیک، کار دشواری خواهد بود.<sup>۱۹۸</sup> عدم دخالت در امور داخلی کشورهای مستقل همچنان یکی از اصول اصلی سیاست بیرونی چین است و هیچ نشانه‌ای مبنی بر تغییر رسمی این سیاست به چشم نمی‌خورد. در حالی که، هیچ نشانه‌ای در خصوص این که چین اصول کشورهای میزبان یا اقتدار سازمان ملل و اولویت‌بندی آن برای راه حل‌های غیرنظامی را زیر پا گذاشته است وجود ندارد، انعطاف‌پذیری بیشتر در موضع چین از پیش مشاهده شده است و این تغییر ممکن است تداوم داشته باشد.<sup>۱۹۹</sup>

192. Chinese Ministry of National Defense, 'Afghanistan, China, Pakistan, Tajikistan issue joint statement on antiterrorism', 4 Aug. 2016, <[http://eng.mod.gov.cn/Defense-News/2016-08/04/content\\_4707451.htm](http://eng.mod.gov.cn/Defense-News/2016-08/04/content_4707451.htm)>.

193. Zhao Kejin

194. Tsinghua University

195. Zhao, K., One Belt, One Road should strengthen its security basis, China.org, 15 June 2015, <[http://opinion.china.com.cn/opinion\\_83\\_131683.html](http://opinion.china.com.cn/opinion_83_131683.html)>; Li (note 92).

196. Yan Xuetong

197. Yan (note 24).

۱۹۸. مصاحبه‌های چندگانه با مؤلفین، پکن، آوریل ۲۰۱۶.

199. He, M. and Zhang, J., Analysis of the National Strategy of the New Silk Road Economic Belt, CPC News, 31 Dec. 2013, <<http://theory.people.com.cn/n/2013/1231/c40531-23993161-4.html>>.

## ۱-۴- نتیجه گیری

طرح کمر بند یک چشم انداز اتصال درازمدت چینی است که پارامترهای از پیش تعیین شده‌ای برای روش‌ها، کنشگران یا سازوکارها ندارد و تا کنون چندان دسته‌بندی و مرتب نشده است. بنابراین، امکان زیادی برای انعطاف‌پذیری در خود دارد و احتمالاً می‌تواند به یک الگوی پیش‌تاز برای همکاری و مدیریت جهانی تبدیل شود. این سناریو ممکن است در درازمدت روی سیستم برتون وودز تأثیر بگذارد - این که سناریوی مزبور تا چه حد تکمیل‌کننده یا فرساینده خواهد بود بعداً مشخص خواهد شد. با توجه به بلندپروازی‌های طرح کمر بند، فقدان روایتی رسمی در خصوص انگیزه‌ها و منافع خود چین منجر به بروز نگرانی در میان برخی از رقبای عمدتاً ژئوپلیتیکی، چین شده است. دیپلماسی عمومی چین در رابطه با طرح کمر بند عمدتاً روش‌هایی از فداکاری و همکاری برد برد را منتقل می‌کند، اما انتظار می‌رود ابتکار مزبور در خدمت بسیاری از منافع ملی چین باشد.

ابتکار کمر بند در پاسخ به مشکلات اقتصاد داخلی چین و اهداف سیاست خارجی این کشور مطرح شده است. طرح مزبور همچنین به خوبی در قالب مضامین امنیتی رو به رشد چین، که روی امنیت مشترک از طریق همکاری اقتصادی تأکید دارد، جای می‌گیرد. در واقع، اگر کمر بند با موفقیت اجرا شده و تداوم یابد، احتمالاً می‌تواند به یکی از مبانی توسعه رشد و همبستگی اقتصادی آسیا و همکاری نزدیکتر سیاسی و امنیتی در منطقه تبدیل شود.

شکی نیست که بخش‌های وسیعی از اورآسیا از فقدان شدید زیرساخت‌هایی رنج می‌برند که بسیاری از دولت‌ها از تأمین آنها عاجزند و قادر نیستند مستقلاً و یا با کمک سازوکارهای توسعه چندجانبه موجود این زیرساخت‌ها را برای خود فراهم کنند. همچنین پتانسیل توسعه و همبستگی فراوانی در اورآسیا وجود دارد که مغفول مانده است. بنابراین، طرح کمر بند می‌تواند یک معامله برد برد برای برخی از این دولت‌ها باشد. با این حال، در حالی که هدف طرح کمر بند برطرف کردن نیازهای زیرساختی و توسعه‌ای دولت‌های مربوطه است، پرسشی که پیش می‌آید این است که انگیزه‌ها و منافع چین تا چه میزانی با واقعیات سیاسی و اجتماعی - اقتصادی چین دولت‌هایی همپوشانی دارد.

با آن که طرح کمر بند پتانسیل برطرف کردن چالش‌های اجتماعی - اقتصادی قاره اورآسیا را دارد، دورنمایی از ناهمخوانی در توقعات موجود از مدیریت آن وجود دارد. احتمالاً، اگر سایر دولت‌ها در بسیج امکانات خود مانند چین عملکرد مناسبی داشته باشند، طرح کمر بند بهترین بازده را خواهد داشت. زیرساخت‌های ارتقاء یافته مطمئناً می‌توانند به عنوان تسریع‌کننده

استخدام و فعالیت اقتصادی عمل کنند، اما پرداختن به پتانسیل توسعه زیرساخت خود مستلزم سرمایه‌گذاری در بخش نیروی انسانی و سازمانی و اتخاذ سیاست‌های اقتصادی مناسب از سوی دولت‌های محلی است و این هم پروسه‌ای فی‌الفسه سیاسی است که ضرورتاً در حوزه اختیار چین نیست.

طرح کمربند مطمئناً منافع امنیتی برون‌مرزی چین را توسعه می‌بخشد و نیازمند آن است که این کشور موضعی فعال در خصوص مسائل امنیت منطقه‌ای اتخاذ کند، دست کم برای حفاظت از سرمایه‌گذاری‌های خود در منطقه. موضع عدم دخالت چین که از قبل و طی چند سال اخیر رو به رشد بوده است، احتمالاً در آینده خلاقانه‌تر خواهد شد. با این حال، چگونگی بروز و ظهور آن همچنان که طرح کمربند پیش می‌رود، به پویایی امنیتی ویژه در دولت‌های هدف کمربند بستگی دارد. بخش بعد به تشریح این مقوله اختصاص دارد.

## ۲- کمربند اقتصادی جاده ابریشم: تعامل با پویایی امنیتی منطقه‌ای

### یافته‌های کلیدی

#### کمربند اقتصادی جاده ابریشم:

- پتانسیل لازم برای حمایت از شرایط لازم برای ثبات، توسعه و امنیت انسانی از طریق تأمین سرمایه‌گذاری و خدمات عمومی در سطح داخلی در آسیای جنوبی و میانه (به ویژه در پاکستان) را دارد؛ به هر حال، این امر تا حد زیادی به جزئیات عملی در اجرا و توزیع دستاوردها هم بین سهامداران چینی و هم دولت‌های محلی و نیز بین نخبگان حاکم و دیگر بخش‌های جمعیت بستگی دارد؛
- می‌تواند برخی از مشکلات زیرساختی حکومتی در آسیای جنوبی و میانه (به ویژه پاکستان) شامل فساد و فقدان مسئولیت‌پذیری را تشدید کند؛ قبضه کردن منافع اقتصادی از سوی نخبگان سیاسی در درازمدت می‌تواند بی‌ثباتی سیاسی را تشدید نماید؛
- پتانسیل آن را دارد که در سطح منطقه‌ای، همکاری بیشتر و اراده سیاسی در میان دولت‌ها را افزایش دهد تا تهدیدهای امنیتی مشترک را به سود منافع اقتصادی متقابل در آسیای میانه برطرف کنند. این مسئله هنوز در خصوص جنوب آسیا صدق نمی‌کند.
- ضرورتاً نشان از چالش جدیدی در جنوب آسیا نیست، اما تا حدودی رقابت تاریخی بر سر منافع نفوذ و امنیت بین چین و پاکستان از یک سو و هندوستان از سوی دیگر و نیز به صورت دوجانبه بین پاکستان و هندوستان را تشدید می‌کند؛
- با چالش‌هایی از جانب وضعیت امنیتی افغانستان روبرو می‌شود و در این مرحله پتانسیل کمی

برای کمک به آب کردن یخ روابط بین پاکستان و افغانستان دارد. این طرح همچنین ممکن است در درازمدت همکاری‌های بین‌المللی در افغانستان را برای توسعه اقتصادی ارتقاء بخشد.

● در حال حاضر با منافع امنیت ملی روسیه یا منافع امنیتی منطقه‌ای اتحادیه اقتصادی اورآسیا (UEE)<sup>۲۰۰</sup> و آسیای میانه تنشی ندارد. نشانه‌هایی وجود دارد مبنی بر این که روسیه احتمالاً با نقش امنیتی فعال‌تر چین در منطقه آسیای میانه مشکلی ندارد.

این بخش به بررسی چگونگی تعامل کمربند با پویایی امنیتی در دو منطقه منتخب با منافع مشترک برای چین و اتحادیه اروپا، یعنی آسیای میانه (زیر بخش ۱-۲) و آسیای جنوبی (زیربخش ۲-۲) می‌پردازد. آسیای میانه اولین سرزمینی است که بین دو کریدور اصلی کمربند که چین را با بازارهای اروپا و خاورمیانه وصل می‌کند پل می‌زند. کریدور اقتصادی چین - پاکستان کریدور اصلی کمربند در آسیای جنوبی است و چین را از طریق دریای عرب<sup>۲۰۱</sup> به اقیانوس هند وصل می‌کند. هر دو منطقه با تهدیدهای سنتی و غیرسنتی پیچیده و درهم تنیده روبرو هستند. و با درجات متفاوتی در معرض رقابت ژئوپلیتیک و فرامنطقه‌ای قرار دارند. آیا طرح کمربند به حل برخی از این چالش‌های امنیتی کمک خواهد کرد یا خود موجب تشدید این مشکلات خواهد شد و احتمالاً حتی تهدیدهای امنیتی نوظهوری را با خود به ارمغان می‌آورد؟ سازگاری کمربند با منافع توسعه و امنیتی روسیه، که یکی از کنشگران مهم در چشم‌انداز کمربند است، به ویژه با توجه به منافع این کشور در آسیای میانه در زیربخش ۲-۳ مورد بررسی قرار می‌گیرد. دیدگاه‌های هندوستان در مورد کمربند و کریدور اقتصادی چین - پاکستان نیز مطرح می‌شوند.

## ۲-۱- تعامل با پویایی‌های امنیتی در آسیای میانه

آسیای میانه با جمعیتی در حدود ۶۶ میلیون نفر، منطقه جغرافیایی محصور در خشکی (بدون دسترسی به آب‌های آزاد) است. این منطقه از منابع ارزشمندی که بیشتر به صورت نفت و گاز و مواد معدنی و آب هستند، برخوردار است که به شکل نابرابری در میان ۵ کشور منطقه: قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان توزیع شده‌اند. این منطقه به منزله پلی میان اورآسیای غربی و شرقی، کانون کالاهای اولیه و بازاری برای تجارت و سرمایه‌گذاری، از پتانسیل عظیمی برخوردار است. با وجود این، بی‌اعتمادی سیاسی و ترکیبی از موانع فیزیکی و غیرفیزیکی پتانسیل توسعه‌ای و اقتصادی منطقه را با مشکل روبرو می‌سازد.

200. Eurasian Economic Union

201. Arabian Sea

تا پیش از دهه ۲۰۰۰، آسیای میانه اولویت راهبردی سطح پایینی برای چین داشت، اما اکنون اهمیت آن در روابط خارجی چین افزایش یافته است: (الف) به‌عنوان منطقه‌ای با منافع راهبردی برای امنیت منطقه خودمختار شین جیانگ در غرب چین؛ (ب) به‌خاطر منافع تجاری و منابع؛ و (ج) به‌عنوان «سرزمینی برای آزمودن» مداخلات خارجی چین - شامل ساختن نهادی چندجانبه. چین به‌عنوان یکی از بزرگترین شرکای تجاری و یک مشتری عمده انرژی ظهور کرده است. این کشور از طریق پلتفورم سازمان همکاری شانگهای با استفاده از مانورهای مشترک و دوجانبه نظامی و نیز اشتراک اطلاعات، که بیشتر حول محور مبارزه با «سه اهریمن» سیر می‌کنند، مراودات امنیتی خود را با کشورهای عضو ارتقاء بخشیده است. چین همچنین شراکتی راهبردی با هر یک از پنج کشور مزبور دارد و در سال‌های اخیر اقدام به افزایش تدارکات کمک‌های نظامی و مداخله دوجانبه در مقولات دفاعی کرده است.<sup>۲۰۲</sup>

آسیای میانه نیز در حال حاضر محل عبور مسیرهای اصلی کمربند است. کریدور چین، آسیای میانه و شرق آسیا، پل زمینی اورآسیا و راه آهن خورگوس-آکتوآ همگی جایگاه خاص خود را در این طرح دارند. همه این مسیرها از کشور قزاقستانی عبور می‌کنند، که پیشاپیش تا کنون بیش از ۲۷ میلیارد دلار آمریکا از سرمایه‌گذاری چین در طرح کمربند را جذب کرده است.<sup>۲۰۳</sup> خطوط لوله، راه آهن، ایستگاه‌های هیدروپاور (انرژی آبی)، مراکز لجستیک و مناطق ویژه اقتصادی اضافی نیز در فاز طراحی یا اجرا قرار دارند. سرمایه اضافی از طریق حساب جاده ابریشم چین به مبلغ ۴۰ میلیارد دلار آمریکا و نیز از طریق بانک‌های سیاست چین، سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های دولتی و کانال‌های مالی بخش خصوصی که پروژه‌هایشان در چارچوب طرح کمربند قرار می‌گیرند، به سوی پنج کشور مزبور سرازیر خواهند شد.

منافع اقتصادی و امنیتی چین در منطقه تنها با پیشرفت اجرای این طرح افزایش خواهند یافت. به هر حال، این که منافع مورد نظر با منافع کنشگران محلی و نیز منافع قدرت‌های بیرونی مثل روسیه، ایالات متحده و اتحادیه اروپا همپوشانی دارند را باید در آینده دید. از زمان استقلال جمهوری‌های آسیای میانه، این منطقه به‌مثابه یک «حیاط خلوت» و منطقه‌ای با منافع ویژه برای روسیه به حساب آمده است. با اجرای طرح کمربند نقش اقتصادی پرننگ‌تر چین

202. Muzalevsky, R., 'China's long march into central Asia', Statfor, 27 Apr. 2016; Swans-trm, N. 'The security dimension of the China-Central Asia relationship: China's military engagement with Central Asian countries', Testimony given before the US Congressional Commission on U.S.-China Economic and Security Review, 18 Mar. 2015.

203. Tiezzi, S., '3 years on, where does China's Silk Road stand?', *The Diplomat*, 9 Sep. 2016.



در امور مربوط به آسیای میانه ممکن است در درازمدت سلطه امنیتی سنتی و قدرت نرم روسیه در منطقه را تقلیل دهد و از سویی ممکن است چنین اتفاقی رخ ندهد. به هر حال، واکنش رسمی روسیه تا کنون این بوده که در اقدامی برای نشان دادن تأیید سیاسی متقابل، ابتکار یکپارچه سازی خود، یعنی اتحادیه اقتصادی اورآسیا (EEU)<sup>۲۰۴</sup>، را با طرح کمر بند پیوند دهد. نشانه هایی وجود دارد مبنی بر این که روسیه به عنوان تأمین کننده اول امنیت منطقه، ممکن است حتی به افزایش همکاری های امنیتی چین در کشورهای آسیای میانه رضایت دهد.<sup>۲۰۵</sup> این طرح پیشنهادی به نسبت در حال رشد و ناآزموده باقی می ماند، اگر چه راه اندازی سازوکار همکاری و هماهنگی چهار جانبه بین نیروهای مسلح چین، پاکستان، افغانستان و تاجیکستان در ۲۰۱۶ بدون دخالت دادن روسیه یا حتی مشورت با این کشور صورت گرفته بود.<sup>۲۰۶</sup>

ایالات متحده، که منافعش در آسیای میانه تا حدودی از دخالتش در افغانستان نشأت می گیرد، در حال کاهش حضور امنیتی خود در منطقه بوده است. مقامات ایالات متحده پیشتر نشان داده اند که از پروژه های زیرساختی و طرح های ایجاد همبستگی چین به عنوان مکمل تلاش های ایالات متحده در منطقه استقبال کرده اند.<sup>۲۰۷</sup> با آن که از منظر امنیت سخت در آسیای میانه اتحادیه اروپا یک بازیگر فرعی به حساب می آید، اتحادیه مزبور به عنوان دومین شریک تجاری بزرگ منطقه نفوذ اقتصادی چشم گیری در منطقه دارد و یک مشتری اصلی انرژی به ویژه برای قزاقستان محسوب می شود.<sup>۲۰۸</sup> اتحادیه اروپا به دلایل جغرافیایی و امنیت انرژی برای این منطقه اهمیت «ژئواستراتژیک» قائل است.<sup>۲۰۹</sup> این اتحادیه همچنین از طریق برخی پروژه ها و گفتگوهای دوجانبه و چند جانبه، حضوری توسعه ای و با امنیت نرم در منطقه برای خود حفظ کرده است. همچنین باید به موازین هنجاری حضور اتحادیه اروپا در آسیای میانه اشاره کرد که با تأکید روی حقوق بشر، ترویج دموکراسی و ساخت جامعه مدنی، اغلب با ارزش های

#### 204. Eurasian Economic Union

۲۰۵. مصاحبه ها در مسکو، روسیه، اکتبر ۲۰۱۶.

۲۰۶. مصاحبه ها در مسکو، روسیه، اکتبر ۲۰۱۶.

207. Blinken, A. J., 'An enduring vision for Central Asia', US Department of State, Deputy Secretary Remarks at Brookings Institute, 31 Mar. 2015.

۲۰۸. EU ۲۸ در سال ۲۰۱۵ حدود ۲۵/۶ درصد از جریان تجاری منطقه را به خود اختصاص داده و پس از چین (۲۹/۵ درصد) بالاتر از روسیه (۲۰/۱ درصد) و ترکیه (۵/۷ درصد) قرار گرفته است.

European Commission, Directorate-General for Trade, 'Central Asia 5, Trade with world', [n.d.], <[http://trade.ec.europa.eu/doclib/docs/2013/november/tradoc\\_151896.pdf](http://trade.ec.europa.eu/doclib/docs/2013/november/tradoc_151896.pdf)>; and European Commission Trade Website, 'Countries and Regions: Central Asia', updated 29 Apr. 2016, <<http://ec.europa.eu/trade/policy/countries-and-regions/regions/central-asia/>>.

۲۰۹. وبسایت کمیسیون بازرگانی اتحادیه اروپا (بند ۱۰۴)

«سیاسی» دولت‌های محلی و نیز ارزش‌های چین و روسیه چالش پیدا می‌کنند. علاوه بر این تفاوت‌ها در رویکرد، نوعی رقابت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک در میان این کنشگران بیرونی را نیز نباید از قلم انداخت. با وجود این، منافع مشترک فراوانی میان آنها وجود دارد که امنیت، ثبات و توسعه منطقه آسیای میانه را پشتیبانی می‌کنند.

### تعامل با تهدیدهای امنیتی

تهدیدهای سنتی و غیرسنتی در آسیای میانه اغلب ارتباط نزدیکی با هم دارند و مناقشات بین دولت‌ها به واسطه مسائل مرتبط با اشتراک منابع و امنیت مرزی، تشدید شده‌اند. در ضمن، بی‌اعتمادی سیاسی، همکاری‌های منطقه‌ای لازم برای آغاز مقابله با تهدیدهای فراملیتی و موانع توسعه را مختل می‌کند. همانند تمامی موارد در سرمایه‌گذاری خارجی، اجرای موفق طرح کمربند در منطقه آسیای میانه مستلزم برخورداری از یک موقعیت امنیتی پایدار است. تحلیل‌گران چینی و خارجی با بررسی کمربند به‌عنوان یک متغیر وابسته، تأکید می‌کنند که پروژه‌های چینی مختلف ممکن است به‌طور اتفاقی از پیش‌آمدهایی مثل شورش یا خشونت تأثیر پذیر باشند، البته اگر خوش شانس باشند و خود قربانی این ناآرامی‌های نشوند.

از دیگر دغدغه‌های این حوزه، تهدیدهای غیرحرکتی از جمله، فساد، جرائم سازمان‌یافته، سرمایه‌انسانی و سازمانی محدود، فقدان مسئولیت‌پذیری و مخاطرات اقتصادی نیز هستند. به هر حال، ابتکار بزرگ چینی‌ها علاوه بر امنیت سرمایه‌گذاری، برای دارایی‌ها، سرمایه و نیروی انسانی مرتبط با کمربند، به روشی متقابلاً سازنده، با پویایی امنیتی آسیای میانه سروکار دارد. طرح کمربند به همان میزانی که مقامات چینی و محلی را به کار کردن در جهت رفع تهدیدهای مزبور ترغیب می‌کند، می‌تواند تلاش‌های مشترک گسترده‌تر و اراده سیاسی بیشتر برای مقابله و مبارزه مؤثرتر با مخاطرات ساختاری و موضعی شده را نیز برانگیزد. صریح‌تر این که، رشد اقتصادی بیشتر حاصل از سرمایه‌گذاری چینی‌ها همچنین می‌تواند شرایط را برای ثبات و توسعه مهیا سازد. با این حال، هنوز دغدغه‌هایی در خصوص این که سرمایه چین می‌تواند برخی از مشکلات حکومتی در منطقه را تشدید کند، باقی می‌ماند. در ادامه نگاهی اجمالی به تهدیدهای منطقه و تعامل آنها با طرح کمربند خواهیم داشت.

### رویارویی با مناقشات و تنش‌های بین دولتی

در سطوح منطقه‌ای و بین‌دولتی، روابط میان دولت‌های منطقه آسیای میانه دورنمای خیلی خوش‌بینانه‌ای ندارد. پنج دولت منطقه هر یک بخشی از یک یگان متحد اقتصادی در دوران

اتحاد شوروی بوده‌اند، با میراث زیرساختی مشترکی که تفکیک آنها به اقتصادهای مستقل را مختل می‌کند. در نتیجه، چالش‌های مربوط به اشتراک منابع، به ویژه اختلاف بر سر منابع آب و انرژی، به بروز برخی مناقشات پایدار منجر شده‌اند.

برای مثال، قزقیزستان و تاجیکستان که در مقایسه با دیگر کشورها، در بالادست قرار دارند، مجموعاً ۹۰ درصد منابع آب منطقه را در کنترل خود دارند. مناقشات بر سر سطح و زمانبندی تأمین آب، روابط بین کشورهای درگیر را تحت تأثیر قرار می‌دهند. رئیس‌جمهور سابق ازبکستان، اسلام کریموف، حتی هشدار داده بود که چالش‌ها بر سر آب به «جنگ» ختم خواهند شد.<sup>۲۱۰</sup> علاوه بر این، هیچ یک از پنج کشور مزبور مرزهای خود را به‌طور کامل تعیین نکرده‌اند و درگیری‌های خشونت‌بار - به ویژه بین ازبکستان، تاجیکستان و قزقیزستان - به کرات رخ می‌دهد.

این مناقشات مرزی به فرایندهای ناقص تشکیل دولت-ملت در منطقه هم تسری می‌یابد، چرا که مناطق متعددی وجود دارد که در آنها، به ویژه در دره فرغانه، اقلیت‌های نژادی با ملیت اسمی کشورشان کنار نمی‌آیند. این مسائل به موضع دفاعی کشورهای همسایه خدشه وارد کرده و مانع شکل‌گیری همکاری در طیفی از تهدیدهای امنیتی انتقالی و نیز همبستگی اقتصادی و تجاری می‌شوند. در واقع، همانند سال ۲۰۱۳، تنها ۶/۲ درصد از تجارت جمهوری‌های آسیای میانه با یکدیگر بوده است - وضعیتی که نه تنها محصول فقدان ارتباط فیزیکی بلکه ناشی از وجود موانع مربوط به بی‌اعتمادی سیاسی است.<sup>۲۱۱</sup>

همکاری‌های منطقه‌ای همیشه تحت تأثیر قدرت‌های بیرونی بوده است و به همین ترتیب، تأکید چین بر مشوق‌های مالی می‌تواند دولت‌ها را وادار به آغاز همکاری کند، یا مناقشات بین دولت‌ها که مانع عملی شدن پروژه‌های انتقالی می‌شوند را کنار بزند. کریموف اشاره می‌کند که طرح کمر بند «منافع اقتصادی درازمدت تمامی کشورهای منطقه، از جمله بخشی از آن را از طریق زیرساخت حمل و نقل فرامنطقه‌ای، تأمین می‌کند».<sup>۲۱۲</sup> گرچه تکمیل راه آهن چین-قرقیزستان-ازبکستان به واسطه دغدغه‌های دولت قزقیزستان با مشکل روبرو است، با

210. Lopour, J., 'Geopolitics at the world's pivot: exploring Central Asia's security challenges', Centre for International Governance Innovation (CIGI) Paper no. 80, Nov. 2015.

211. Kuchins, A. C. et al., 'Central Asia in a reconnecting Eurasia: Kazakhstan's evolving foreign economic and security interests', Center for Strategic and International Studies (CSIS), June 2015.

212. Kuchins et al. (note 107).

این وجود محرک‌های بیرونی حاصل از سرمایه‌گذاری چین، روابط اغلب پرتنش بین این دو کشور آسیای میانه را به سوی در نظر گرفتن منافع متقابل اقتصادی هدایت کرده است. به هر حال، در سطحی وسیع‌تر، بسیاری از تحلیل‌گران بر این باورند که بی‌اعتمادی سیاسی میان تمامی دولت‌های منطقه هنوز هم حتی برای کشوری مثل چین بیش از حد جدی هستند که بتوان بر آنها فائق آمد. همین مشکل، ابتکارهای اتصال و ارتباط کمربند را به خطر می‌اندازد.<sup>۲۱۳</sup> رهبری جدید ازبکستان نشانه‌هایی از خود بروز داده است که حاکی از آن است که بهبود روابط اقتصادی و سیاسی با همسایگانش ممکن است دور از دسترس نباشد، لیکن درستی و نادرستی این مسئله هم در آینده آشکار خواهد شد.<sup>۲۱۴</sup>

در سطوح بین دولتی، پیوندهای فیزیکی بیشتر بین نواحی و جوامع از منظر تئوریک، همبستگی ملی بیشتر را افزایش می‌دهد. رئیس‌جمهور قرقیزستان، الماس بیگ آتامابایف<sup>۲۱۵</sup> تأکید کرده است که پروژه‌های زیرساختی چینی «بخش‌های دورافتاده قرقیزستان را با هم متحد خواهد کرد و ... به همبستگی ملل منطقه در کنار هم کمک خواهد کرد».<sup>۲۱۶</sup> در هر صورت، هر چه تصور شود که سرمایه‌گذاری‌ها گروهی را به گروه دیگر ترجیح می‌دهند، به همان میزان می‌توانند تنش‌های منطقه‌ای، جامعه محلی و تنش‌های میان‌قومی را تشدید کنند - یک دغدغه شدید و قطعه‌ای لرزان برای پروژه راه آهنی که قبلاً به آن اشاره شد.<sup>۲۱۷</sup>

### ارزیابی نهادهای ضعیف و مدیریت ناکارآمد

با آن که بسیاری از مناقشات میان دولتی همچنان لاینحل باقی مانده است، این چالش‌های درونی هستند که مهم‌ترین تهدیدهای کوتاه‌مدت و میان‌مدت برای ثبات به حساب می‌آیند. پس از دو دهه استقلال، فرایند دولت‌سازی در بیشتر آسیای میانه ناقص مانده است. در شاخص دولت آسیب‌پذیر ۲۰۱۶<sup>۲۱۸</sup>، همه ۵ کشور آسیای میانه از منظر شاخص‌های مربوط به مشکلات اجتماعی-سیاسی، اقتصادی و امنیتی در طیفی از «هشدار» تا «اخطار شدید» قرار دارند. از منظر

۲۱۳. مصاحبه‌ها در آستانه، قزاقستان، ۲۰۱۳

214. 'Uzbekistan: Mirziyoyev flirting with regional reset?', Eurasianet.org, 29 Sep. 2016 <<http://www.eurasianet.org/node/80721>>.

215. Almazbek Atmabaev

216. 'Kyrgyz President wants China-Kyrgyzstan-Uzbekistan railway', Radio Free Europe, 23 May 2012, <<http://www.rferl.org/a/kyrgyz-president-pushes-china-uzbek-rail-link/24590625.html>>.

217. Cooley, A., 'New Silk Route or classic developmental cul-de-sac? The prospects and challenges of China's BELT initiative', PONARS Eurasia Policy Memo no. 372, July 2015.

218. Fragile State Index 2016

تعدادی از شاخص‌های حکومتی، شامل مسئولیت‌پذیری، کیفیت مقررات، حکومت قانون و کنترل فساد، بسیاری از این کشورها بین صفر تا ده درصد جهانی قرار می‌گیرند. در شاخص کل همه این کشورها به استثناء قزاقستان، در ربع پایینی قرار می‌گیرند (تصویر ۲-۱).<sup>۲۱۹</sup>

تصویر ۲-۱ نقشه آسیای میانه که پروژه‌های کمربند اقتصادی جاده ابریشم و شاخص‌های شکنندگی در هر کشور روی آن نمایش داده شده است.



نقشه تهیه شده توسط کریستین دیتربش

منبع: داده‌ها گردآوری شده توسط مؤلفین از منابع گوناگون

ورای پیچیدگی‌های سرزمینی، تحلیل‌گران در هندوستان به‌شکل فزاینده‌ای بدان سمت رفته‌اند که کریدور اقتصادی چین-پاکستان را ترفندی ژئوپلیتیک و یک پروژه امنیتی به حساب بیاورند. این امر تا حدودی ناشی از این تصورات است که کریدور مزبور به لحاظ تجاری قابل اجرا نیست و محرک‌های راهبردی نهفته در پی آن قوی‌تر هستند. این مسئله به نوبه خود متأثر از سه عامل است: (الف) هندوستان ادعا کرده است که در ارتباط با این کریدور، چین هرگز صادقانه از هندوستان دعوت نکرده و نقش مشخصی برای این کشور لحاظ نکرده است؛ (ب) چین در خصوص کریدور با سیستم نظامی پاکستان، که تمایلی برای تجارت با هندوستان ندارد، تعامل کاملی داشته و منبع درآمد جدیدی برای سیستم نظامی پاکستان فراهم کرده است؛ و (ج) هندوستان اظهار داشته است که اقتصاد پاکستان برای توجیه جذب سرمایه‌گذاری ۴۶ میلیارد دلاری آمریکا خیلی کوچک است و اقتصاد شینجیانگ بیش از حد حاشیه‌ای است.<sup>۲۲۰</sup> کارشناسان هندی که مؤلفین با آنها مصاحبه کرده‌اند، عمدتاً نمی‌دانستند که آیا این کریدور مقرون به‌صرفه است یا نه، چرا که مخاطرات آن بسیار زیاد است و بنابراین، از نظر ایشان انگیزه ایجاد آن نمی‌تواند اقتصادی باشد. در هر حال، استدلال‌های مزبور هنوز هم این حقیقت را نادیده گرفته‌اند که پاکستان پتانسیل اقتصادی ششمین جمعیت بزرگ دنیا را در اختیار دارد، در حالی که چین قصد دارد شینجیانگ را به کانون اقتصادی اصلی منطقه تبدیل کند.

با در نظر گرفتن این استدلال‌ها، در هندوستان معمولاً تصور می‌شود که کریدور اقتصادی چین-پاکستان ممکن است کارکرد دوگانه اجتماعی و نظامی داشته باشد، به این صورت که چین از بندر گوادار برای نظارت بر فعالیت دریایی هندوستان استفاده کرده، احتمالاً حتی از آن برای گسترش حضور دریایی خود چین بهره‌برداری بکند. همچنین، دغدغه‌ای در هندوستان وجود دارد، که با آن که کریدور اقتصاد چین-پاکستان در کوتاه‌مدت و میان‌مدت می‌تواند فرصتی برای اشتغالزایی و رشد در پاکستان باشد، در درازمدت تر پیامدهای راهبردی آن می‌تواند توازن منطقه‌ای قدرت را به نفع چین تغییر داده و دسترسی ژئوپلیتیک هندوستان را محدود کند.<sup>۲۲۱</sup> در حقیقت، هندوستان شاهد تعامل چینی فزاینده با و در حضور کشورهای حوزه اقیانوس هند و آسیای جنوب شرقی، از جمله کریدور ذاتاً غیرفعال بنگلادش-چین-هندوستان- میانمار (BCIM)<sup>۲۲۲</sup> و در افغانستان و ایران است. در سال ۲۰۱۶، چین بار دیگر با

۲۲۰. کارشناسان هندی، بحث و گفتگو با مؤلفین، دهلی نو، اوت تا سپتامبر ۲۰۱۶. واگنر (پانویس ۱۸۱).

۲۲۱. کارشناسان هندی، بحث و گفتگو با مؤلفین، دهلی نو، سپتامبر ۲۰۱۶. و آردینو (پانویس ۳۰) ص. ۶.

قدرت به تبلیغ کریدور فوق، که پتانسیل تبدیل شدن به یک کریدور مهم در طرح کمر بند در جنوب و جنوب شرقی آسیا داشت، را به هندوستان معرفی کرد.

این بعد منفی راهبردی به این خاطر تقویت می شود که طبق مشاهدات، چین تلاش های محدودی برای دخالت دادن هندوستان یا پیشنهاد روش های مستحکم و ملموس برای همکاری ارائه داده است.<sup>۲۲۳</sup> کریدور اقتصادی چین-پاکستان رابطه چین، پاکستان و هندوستان را پیچیده کرده و هندوستان را وارد یک موضع «منتظر می نشینیم و می بینیم» کرده است.<sup>۲۲۴</sup> این حقیقت که هندوستان در این خصوص بی تفاوت نبوده، بلکه رویکردی خشن نسبت به کریدور اتخاذ کرده است، احتمالاً بزرگترین مانع بر سر راه روابط چین و هندوستان است. هر چه وضعیت موجود بیشتر تداوم پیدا کند، مشکلات حاصله بین چین، هندوستان و پاکستان بزرگ و بزرگتر می شود.

### سازگاری کریدور اقتصادی چین-پاکستان با منافع امنیتی افغانستان

افغانستان و چین شصتمین سالگرد روابط دیپلماتیک معاصر فی مابین را در سال ۲۰۱۵ جشن گرفتند. در طول این دوران افغانستان به تدریج جایگاه برجسته تری در سیاست خارجی چین به دست آورده است. این امر تا حدودی، با کاهش تعداد نیروهای ایالات متحده در افغانستان، همراه با تلاش های چین برای اولویت دهی به روابطش با همسایگانش از سال ۲۰۱۳، تسریع شده است. منافع طرح کمر بند، یا شاید دغدغه های آن، وزن بیشتری به روابط مزبور بخشیده است. طرح کمر بند از طریق کریدور مرکزی، که با گذر از آسیای میانه یا احتمالاً در مراحل از طریق کریدور اقتصادی چین-پاکستان به سمت شمال افغانستان پیش می رود، پتانسیل آن را دارد که افغانستان را، به روش هایی که ایالات متحده سال ها تلاش کرده بود انجام دهد، به اقتصاد منطقه ای پیوند دهد.<sup>۲۲۵</sup> در این راه، چین می تواند به طور بالقوه صادرات را بهبود و هزینه های واردات را کاهش دهد - که در حال حاضر بیشتر آن از طریق پاکستان صورت می گیرد.<sup>۲۲۶</sup>

۲۲۳. کارشناسان هندی، بحث و گفتگو با مؤلفین، دهلی نو، اوت تا سپتامبر ۲۰۱۶.

۲۲۴. کارشناسان هندی، بحث و گفتگو با مؤلفین، دهلی نو، اوت تا سپتامبر ۲۰۱۶.

225. Zimmerman, T., 'The New Silk Roads: China, the US, and the future of Central Asia', NYU Centre on International Cooperation, Oct. 2015,

<[http://cic.nyu.edu/sites/default/files/zimmerman\\_new\\_silk\\_road\\_final\\_2.pdf](http://cic.nyu.edu/sites/default/files/zimmerman_new_silk_road_final_2.pdf)>.

226. Husain, I. and Ather Elahi, M., 'The future of Afghanistan-Pakistan trade relations', US Institute of Peace, Aug. 2015, <<http://www.usip.org/sites/default/files/PB191-The-Future-of-Afghanistan-Pakistan-Trade-Relations.pdf>>.

با این حال، پنج مانع دشوار پیش رو قرار دارند که باید از میان برداشته شوند. اولین مانع پیوند استثنائی چین و پاکستان است. این مانعی برای اعتمادسازی میان نخبگان افغان است، که بسیاری از آنها آمریکا-محور هستند. به هر حال، رهبری افغانستان عموماً طرح کمر بند را تأیید می‌کند و پیش‌بینی می‌کند این طرح منافع زیادی برای اقتصاد افغانستان و نیز آثاری آرام‌شبخش بر روابط افغانستان و پاکستان به ارمغان خواهد آورد.<sup>۲۲۷</sup> روابط اقتصادی نزدیکتر و وابستگی متقابل با پاکستان ممکن است بهراستی پاکستان را از دخالت آسیب‌زا در افغانستان و امور داخلی آن بازدارد.

برخلاف هندوستان، کریدور در افغانستان هیچ نگرانی‌ای ایجاد نکرده است. افغانستان از تمامی طرح‌های ابتکاری منطقه‌ای که بتواند اقتصاد بیمارش را مجدداً فعال کند، با آغوش باز استقبال می‌کند، حال فرقی نمی‌کند که از طریق کریدور اقتصادی چین-پاکستان باشد یا از طریق تلاش‌های هندوستان برای وصل شدن به اقتصاد افغانستان از مسیر بندر چابهار ایران باشد. ایران با کریدور مزبور مخالفتی نکرده است و ابراز علاقه شدیدی به طرح کمر بند و جاده نموده است. بندر چابهار با دور زدن پاکستان، نقش نقطه اتصال خشکی به دریا را برای افغانستان و جمهوری‌های آسیای میانه بازی خواهد کرد. این رابطه هندوستان، ایران و افغانستان، در صورت اجرایی شدن و مدیریت موفق می‌تواند پاکستان را با انزوای خودخواسته بیشتری در منطقه روبرو کرده و آشکارا آن را به چین وابسته سازد. پاکستان برای اتصال به کریدور مرکزی کمر بند، که از آسیای میانه عبور می‌کند، ناگزیر باید از افغانستان بگذرد. گزینه جایگزین خشکی برای رسیدن به آسیای میانه باید از سراسر قلمرو چین عبور کند که مسیر انحرافی به مراتب طولانی‌تری خواهد بود.

دومین مانع این است که طراحی‌های فعلی کریدور اقتصادی چین-پاکستان تأثیری حاشیه‌ای بر اقتصاد افغانستان خواهند داشت. صرفاً اقتصادهای خرد موجود در مسیر مرز با پاکستان احتمالاً می‌توانند از منافع غربی‌ترین کریدور بهره‌مند شوند. برای تغییر این حرکت باید برنامه توسعه دقیق و جزئی‌تری برای پیوند کریدور اقتصادی چین-پاکستان با افغانستان و آسیای میانه تدوین شود - که می‌تواند به عنوان «بخش دو» برای طراحی فعلی کریدور مطرح شود. در حال حاضر، منافع اولیه کریدور نه برای افغانستان که برای پاکستان خواهد بود.

بنابراین، از منظر تئوریک با آن که کریدور اقتصادی چین-پاکستان ترانزیت از طریق افغانستان و به بیرون از این کشور را تسریع می‌کند، صادرات افغانستان از طریق پاکستان همچنان از سوی پاکستان سیاست‌زده باقی می‌ماند. حتی اگر این نیز تغییر کند، باز هم اقتصاد کشاورزی

227. 'Kabul seeks Asia links, not competition', Global Times, 31 May 2016, <<http://www.globaltimes.cn/content/986042.shtml>>.



افغانستان همجنس با اقتصاد پاکستان است. در سناریویی برای آینده نهچندان نزدیک، کمر بند از طریق کریدور اقتصادی چین-پاکستان یا کریدور مرکزی یا هر دو می تواند به امنیت اقتصادی افغانستان کمک کند و وابستگی آن به کمک های خارجی را کاهش دهد- سناریویی که اتحادیه اروپا مطمئناً از آن استقبال خواهد کرد. موقعیت جغرافیایی افغانستان خود یک امتیاز است چرا که این کشور آسیای میانه را به آسیای جنوبی وصل می کند. علاوه بر این، از ذخایر معدنی غنیای برخوردار است. بنابراین، افغانستان می تواند به کانونی برای ترانزیت تبدیل شود و منابع معدنی آن نیز به کارخانه های چینی سرازیر شوند. به هر حال، از آنجا که وضعیت امنیتی کنونی افغانستان اجازه چندان برای سرمایه گذاری های قابل توجه را نمی دهد، این امر به صورت پتانسیلی بالقوه در درازمدت باقی می ماند. در حقیقت، وضعیت امنیتی افغانستان یک نقطه تردید برای طرح کمر بند است که ممکن است چین را وادار سازد سرعت طرح های آتی، نه تنها آنهایی که شامل افغانستان می شوند، بلکه طرح هایی نیز که به کشورهای همسایه آن مربوط می شوند، را کم کند.<sup>۲۲۸</sup>

سومین مانع این است که احتمال منتفع شدن افغانستان از کریدور اقتصادی چین-پاکستان کم است، مگر آن که روابط این کشور با پاکستان بهبود یابد. به این منظور، دغدغه های امنیتی پاکستان در رابطه با افغانستان باید رفع شوند. این دغدغه ها عمدتاً ریشه در ترسی بزرگ مبنی بر تسلط هندوستان بر اقتصاد و سیاست خارجی افغانستان دارد. به هر حال، برای این که افغانستان کاملاً و به صورت کارآمد با اقتصاد منطقه همراه شود، هندوستان نیز باید به کریدور اقتصادی چین-پاکستان بیوندد، اگر چه راه هایی غیر از کریدور مزبور مثل ارتباط هندوستان، ایران و افغانستان که قبلاً اشاره شد، نیز وجود دارند.

چهارمین مانع این است که بی ثباتی سیاسی و وضعیت امنیتی در بیشتر مناطق افغانستان مانع از سرمایه گذاری و ارتباط برقرار کردن با این کشور می شوند. احتمال بهبود روند فرایند صلح در افغانستان و نقش پاکستان در این رابطه در کوتاه مدت یا حتی میان مدت چندان محتمل نیست. پنجمین مانع، فراوانی مشکلات اقتصادی افغانستان است که برآمده از رهبری ضعیف، حمایت ناچیز بخش خصوصی و سیاست های اقتصادی ناسالم هستند.<sup>۲۲۹</sup> کریدور اقتصادی چین-پاکستان از عهده حل این معضلات بر نمی آید. برخورداری افغانستان از منافع اقتصادی کریدور تا حد زیادی منوط به علاقه و توان دولت این کشور برای ایجاد محیطی مساعد برای سرمایه گذاری و تجارت است.

۲۲۸. آردوینو (پانوش ۳۰) ص. ۶.

229. Ghiasy, R., Zhou, J. and Hallgren, H., 'Afghanistan's private sector: status and ways forward', SIPRI, Oct. 2015.

## تعامل کریدور اقتصادی چین-پاکستان با پویایی امنیتی آسیای جنوبی

کریدور اقتصادی چین-پاکستان در حال حاضر پتانسیل تشدید دو خط گسل در امنیت جنوب آسیا را دارد. اولین گسل بین چین و هندوستان است. دومین گسل بین چین و پاکستان از یک سو و هندوستان از سوی دیگر است. سومین مورد بین چین و هندوستان و شرکایش، مثل ایالات متحده، ژاپن و تا حدود کمتری ویتنام است. منطقه بلوچستان به لحاظ ژئوپلیتیکی به ابزاری برای کنشگران مختلفی تبدیل شده است. این خود شاهی برای آن است که کریدور اقتصادی چین-پاکستان در تشکیل بلوک سیاسی و امنیتی نقش داشته است، اما بود و نبود کریدور تأثیری در این رقابت بلوکی بین ایالات متحده-ین و چین-پاکستان ندارد. این کریدور صرفاً اتحاد راهبردی بین چین و پاکستان را تقویت کرده است.

در این مرحله، باید در آینده دید آیا این شکل‌ها می‌تواند خطوط گسل موجود را تشدید کنند و منطقه را بی‌ثبات‌تر کنند، یا برعکس نویدبخش رشد اقتصادی از طریق رقابت ژئوپلیتیک خواهند بود. این امر همچنین تا حد زیادی به چرخش‌های عمده سیاسی ایالات متحده توسط رئیس‌جمهور، دونالد ترامپ در منطقه بستگی دارد.

از نظر چین، آسیای جنوبی منطقه‌ای توسعه‌نیافته به لحاظ اقتصادی و پرتنش است که به واسطه خشونت‌های بین هندوستان و پاکستان فلج شده و وضعیت موجود به نوبه خود اجازه داده است که این کشور به سمت رابطه با کشورهای کوچکتر در جنوب آسیا بچرخد. به گفته یک کارشناس چینی، چین معتقد است که موقعیت امنیتی موجود در منطقه می‌تواند از بین برود و تنها رقابت اقتصادی ممکن است راه خروج از وضعیت موجود باشد.<sup>۲۳۰</sup> با این حال، در حال حاضر بلوچستان، یکی از توسعه‌نیافته‌ترین مناطق و مستعدترین نواحی پاکستان برای درگیری، از طریق اجرای کریدور، انگیزه ژئوپلیتیک جدیدی پیدا می‌کند. این منطقه ناحیه‌ای راهبردی می‌ماند که ظرفیت تبدیل شدن به چراغ راهی برای رقابت منطقه‌ای را دارد و حتی برخی تحلیل‌گران منطقه‌ای از آن به عنوان کانون نوین «بازی بزرگ»<sup>۲۳۱</sup> یاد می‌کنند.<sup>۲۳۲</sup>

230. Chinese participant, South Asia workshop, Islamabad, Sep. 2016.

۲۳۱. «بازی بزرگ» (Great Game) اشاره به عنوانی دارد که مورخین از آن برای اشاره به رویارویی سیاسی و دیپلماتیک بین بریتانیا و روسیه بر سر افغانستان و سرزمین‌های مجاور آن در آسیای میانه رخ داد و در بیشتر قرن نوزده میلادی تداوم داشت، استفاده می‌کنند. (م)

232. Indian and Pakistani experts, Conversations with authors, New Delhi and Islamabad, Sep. 2016. See also Kumar, S. and Stanzel, A., 'The Balochistan tinderbox', European Council on Foreign Relations, Commentary, 5 Oct. 2016, <[http://www.ecfr.eu/article/commentary\\_the\\_balochistan\\_tinderbox7133#](http://www.ecfr.eu/article/commentary_the_balochistan_tinderbox7133#)>.

در حالی که چین و پاکستان به دلایل اقتصادی قویاً مشتاق اجرای کریدور اقتصادی چین-پاکستان هستند، منافع راهبردی و امنیتی گسترده‌تر نیز محرک آنها بوده است. بر اساس این منطق، پروژه مزبور در مقابل یک حساب تجاری سود و زیان محض مصونیت دارد و سهامداران این موضوع را مد نظر قرار داده‌اند. از زمان معرفی کریدور اقتصادی چین-پاکستان، موضع هندوستان در مقابل چین و پاکستان به‌طور فزاینده‌ای سخت و سخت‌تر شده است. یکی از مشکلات فقدان تفاهم کلی بین هندوستان و پاکستان در سطوح مدنی، دانشگاهی، نظامی و سیاسی است. یکی از آشکارترین تناقضات این است که هندوستان خود را قدرتی بزرگ می‌پندارد، در حالی که چین تمایلی به پذیرش این مسئله ندارد. چین نیز بیش از حد ذهن‌های هند را به خود مشغول کرده است و در حالی که خود هندوستان هم مستعد جلب توجه است، ایالات متحده به‌طور متناوب ذهن مقامات و تحلیل‌گران چینی را به خود معطوف داشته است.<sup>۲۳۳</sup>

در هندوستان در اصل اعتراضاتی حقیقی و مفهومی به کریدور اقتصادی چین-پاکستان وجود دارد. اعتراض حقیقی این است که هندوستان نمی‌خواهد مناقشه خود با پاکستان بر سر جامو و کشمیر را بین‌المللی کند. فعالیت چین در مناطق مورد مناقشه به‌طور خودکار پای این کشور را به مناقشات مزبور باز می‌کند. با وجود این، از نظر هندی‌ها، چین تنها یک سهامدار فرعی است. در سطح مفهومی، کریدور به چین اجازه می‌دهد از طریق دسترسی مستقیم به دریای عرب برای خود جای پای در اقیانوس هند کسب کند. این وضعیت، نگرانی‌های عمیقی پیش می‌آورد، مبنی بر این که ممکن است در برخی مراحل، موضوع ابعاد نظامی به خود بگیرد. در همین زمان، پیشرفت‌های مثبت‌تری وجود دارد که ممکن است چین و هندوستان را در اداره آسیا اندکی به همکاری با هم نزدیکتر کند. این پیشرفت‌های مثبت عبارتند از کاهش احتمالی دخالت ایالات متحده در امور آسیا در زمان دولت جدید این کشور و ورود هندوستان و پاکستان به سازمان همکاری شانگهای.

در ضمن، ناظرین در اتحادیه اروپا نگران آن هستند که کریدور اقتصادی چین-پاکستان تا چه حد ممکن است در هندوستان و به‌نسبت کمتری در پاکستان موجب تقویت شکاف میان رهبری نظامی و مدنی در پاکستان شود - موضوعی که در طول تاریخ هر گاه قدرت‌های خارجی از این کشور پشتیبانی مالی کرده‌اند رخ داده است. هندوستان بر این باور است که تأثیر ثبات‌آور کریدور قابل چشم‌پوشی است، اما بی‌گمان ساختار سیاسی موجود پاکستان را

233. See e.g. Indian printed and digital media on a given day—China dominates many pieces.

مستحکم‌تر خواهد کرد. بنابراین، برخی ناظرین در هندوستان کریدور را فرصتی برای پشت کردن به شبه‌قاره می‌دانند و می‌ترسند این امر به تقویت نیروهای ضد هند در داخل پاکستان بیانجامد.<sup>۲۳۴</sup>

در واقع در سال‌های اولیه طراحی و ساخت کریدور اقتصادی چین-پاکستان منافع پیش‌بینی شده آن برای پاکستان به منافع بادآورده آن برای منطقه هم نمی‌رسد. بی‌اعتمادی سیاسی عمیق و ریشه‌دار و شکاف‌های اجتماعی و مذهبی عمدتاً بین دو کششگر بزرگ منطقه، یعنی هندوستان و پاکستان، برنامه‌ریزی‌ها برای همبستگی منطقه‌ای مثل انجمن آسیای جنوبی برای همکاری‌های منطقه‌ای (SAARC)<sup>۲۳۵</sup> را فلج کرده و آنها را ناگزیر به همکاری با کششگران فرامنطقه‌ای می‌کند. کریدور اقتصادی چین-پاکستان نمونه اصلی برای این همکاری‌ها به حساب می‌آید.

کریدور اقتصادی چین-پاکستان تا کنون منجر به بروز تنش‌ها و درگیری‌های ژئوپلیتیک در آسیای جنوبی، عمدتاً بین چین-پاکستان و هندوستان، شده است. حضور بیش از پیش چین در منطقه به واسطه کریدور اقتصادی چین-پاکستان آرزوی هندوستان برای ارتقاء برتری ژئوپلیتیک و تجاری‌اش در جنوب آسیا را بر باد می‌دهد. هندوستان نگران آن است که کریدور مزبور نقش این کشور به‌عنوان مهم‌ترین کششگر منطقه را کم‌رنگ کند و به چین اجازه دهد در منطقه-منطقه‌ای که هندوستان به‌لحاظ تاریخی قلمرو جغرافیایی و فرهنگی خود می‌داند- جای پای خود کسب کند.

اساساً، پیامدهای امنیتی کریدور اقتصادی چین-پاکستان در مقیاس منطقه‌ای چندان نویدبخش درگیری جدید نیست، بلکه در عوض آتش رقابت بر سر نفوذ در منطقه و دستیابی به منافع امنیتی چین و پاکستان از یک سو و از سوی دیگر هندوستان را برافروخته‌تر می‌کند. اولین گام برای پیشگیری از سخت‌تر شدن مواضع و تشدید رقابت ژئوپلیتیک، شفاف‌سازی بیشتر اهداف چین در اقیانوس هند و کسب تضمین‌های عملی از چین و پاکستان در خصوص این است که اجرای کریدور اقتصادی چین-پاکستان به نفع کل منطقه خواهد بود.<sup>۲۳۶</sup> بهترین راه برای رسیدن به این مهم دخیل کردن هندوستان و سایر کششگران منطقه‌ای در موفقیت طرح است.

234. Malik, A., 'What CPEC means for South Asia: it fundamentally alters Pakistan's alignment, sundering its link to the subcontinent', *Times of India*, 16 Nov. 2016.

235. South Asian Association for Regional Cooperation

236. Liu, Z., 'India's political goals hinder cooperation with China on "Belt, Road"', *Global Times*, 3 July 2016.

## ۲-۳- سازگاری با منافع امنیتی روسیه

روسیه در ماه مه ۲۰۱۵ پس از صرف دوره‌ای تقریباً دوساله برای ارزیابی، رسماً همکاری‌های اتحادیه اقتصادی اورآسیا- کمربرد را با امضای بیانیه‌ای مشترک توسط رئیس‌جمهور پوتین و رئیس‌جمهور شیچین پینگ، تأیید کرد.<sup>۲۳۷</sup> برای دستیابی به درک بهتری از چرخش در منطق راهبردی روسیه، ضروری است ابتدا نگاه جامع‌تری به جهت‌گیری ژئواکونومیک روسیه داشته باشیم.

نیات روسیه برای توازن بخشیدن به وابستگی تجارت اقتصادی‌اش بین اروپا و آسیا دست کم از سال ۱۹۹۶ مطرح شده‌اند.<sup>۲۳۸</sup> بحران اوکراین، که با تحریم‌ها، پیامدهای اقتصادی و افت شدید قیمت نفت همراه شد، چرخش روسیه به سمت شرق را تسریع کرد. این سیاست به دنبال بهبود همبستگی اقتصادی با منطقه آسیا-اقیانوسیه است و به طور نسبی وابستگی روسیه به غرب را کاهش می‌دهد. همانطور که سایر اقتصادهای بزرگ منطقه آسیا-اقیانوسیه، مثل ژاپن و کره جنوبی هم‌پیمانان تجاری ایالات متحده هستند و تجارت با آسه آن<sup>۲۳۹</sup> قابل چشم‌پوشی است، اقتصاد بزرگ چین تا کنون نقطه تمرکز این سیاست بوده است. چین از دهه ۱۹۹۰ از طریق نهادهای دوجانبه و چندجانبه مستقیماً روی همکاری با روسیه کار می‌کرده است. طرح کمربرد

237. 'Russia, China agree to integrate Eurasian Union, Silk Road, sign deals', Russia Today, 8 May 2015, <[www.rt.com/business/256877-russia-china-deals-cooperation/](http://www.rt.com/business/256877-russia-china-deals-cooperation/)>. See also Chinese Ministry of Commerce website, <[policy.mofcom.gov.cn/section/gjty!fetch.action?id=TOEL000080](http://policy.mofcom.gov.cn/section/gjty!fetch.action?id=TOEL000080)>.

به هر حال اهداف تصریح شده در سند مزبور جزئیات محدودی دارند. این توافقنامه دوجانبه است- سایر اعضای اتحادیه اقتصادی اورآسیا این قرارداد را امضاء نکردند.

See the EEU's 2015 document 'Transport' on the technical details of this integration, <[http://www.eurasiancommission.org/ru/Documents/transport\\_eng.pdf](http://www.eurasiancommission.org/ru/Documents/transport_eng.pdf)>, pp.42-45.

بر اساس گفتگوهای مؤلفین با کارشناسان متعدد در مسکو در اکتبر ۲۰۱۶: جامعه اندیشمندان روسیه عمدتاً از طرح کمربرد و پیوند آن با اتحادیه اقتصادی اورآسیا حمایت می‌کنند.

See also Spanger, H. J., 'Russia's turn eastward, China's turn westward: cooperation and conflict on the new silk road', Valdai Papers no. 47 (May 2016).

۲۳۸. یوگنی پریماکوف، وزیر امور خارجه روسیه در سال ۱۹۹۶ تا ۹۸ از قبل این ایده ارتباط سه‌جانبه روسیه- هندوستان- چین را در سر داشت.

See also Lavrov, S., 'The rise of Asia, and the eastern vector of Russia's foreign policy', Russia in Global Affairs, 12 July 2006, <[http://eng.globalaffairs.ru/number/n\\_6865](http://eng.globalaffairs.ru/number/n_6865)>.

نکته قابل توجه این که، ویتنام اولین کشوری بود که توافقنامه تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اورآسیا را امضا کرد. See Eurasian Economic Commission, 'Free Trade Agreement between the Eurasian Economic Union and Vietnam to enter into force on October 5', 19 Aug. 2016, <<http://www.eurasiancommission.org/en/nae/news/Pages/2016-08-19.aspx>>.

239. ASEAN, Association of Southeast Asian Nations

هم می‌تواند پلتفرم دیگری برای عملیاتی کردن همکاری‌ها و همبستگی بین چین و روسیه باشد و بحث و گفتگو در باب ویژگی‌های همکاری بین اتحادیه اقتصادی اورآسیا و کمر بند هنوز ادامه دارند، گرچه روند کار کند است.<sup>۲۴۰</sup>

علاوه بر این، روسیه معتقد است که نظم جهانی به سوی بلوک‌های کلان امنیتی و اقتصادی حرکت می‌کند.<sup>۲۴۱</sup> روسیه در غرب خود اتحادیه اروپا و پیمان تجاری و سرمایه‌گذاری ترنس-آتلانتیک را می‌بیند؛ در شرق با پیمان ترنس پاسیفیک روبرو است؛ و در جنوب شرقی نیز به طرح کمر بند برخورد می‌کند. به استثناء طرح کمر بند، روسیه خود را محروم از تمامی بلوک‌های اقتصادی فوق‌الذکر می‌بیند. نیت اتحادیه اقتصادی اورآسیا، که رسماً در سال ۲۰۱۴ بنیان نهاده شد، خدمت به منافع ژئواکونومیک خود روسیه به همان سبک و سیاق است.<sup>۲۴۲</sup> تأسیس اتحادیه اقتصادی اورآسیا پیامد نهایی تلاش‌های فراوان برای خلق یک اتحادیه گمرکی و فضای اقتصادی مجزا است که از اوایل دهه ۱۹۹۰ آغاز شد. به‌طور رسمی این اتحادیه جانشینی برای کمیسیون اقتصادی اورآسیا (EEC)<sup>۲۴۳</sup> و اتحادیه گمرکی آن است. هدف از تشکیل اتحادیه اقتصادی اورآسیا ارتقاء جایگاه اقتصادی و استقلال روسیه و کشورهای عضو اتحاد شوروی سابق یعنی ارمنستان، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان و اوکراین، در حیطه مسائل اقتصادی جهان است. این ابتکار به‌عنوان طرحی روسیه-محور از نفوذ پیوسته روسیه در دولت‌های سابق شوروی منشعب شده و با همین مسئله تقویت هم می‌شود. این طرح همواره سیاست خارجی اولویت‌دار بسیار مهمی برای روسیه بوده است. اتحادیه اقتصادی اورآسیا نیز به‌عنوان پیامد یک تفاهم و تصمیم در روسیه، مبنی بر این که این کشور باید فراتر از پتانسیل ترانزیتی قلمرو خودش و آسیای میانه را مد نظر داشته باشد، مطرح شد و از طریق طرح کمر بند و سایر ساز و کارهایی از این دست چین، اروپا و خاور میانه را به هم متصل می‌کند.<sup>۲۴۴</sup>

با وجود این، اتحادیه اقتصادی اورآسیا با سه محدودیت جدی روبرو است که موجب شده روسیه آن را با طرح کمر بند پیوند بزند: (الف) به جای فرامنطقه‌ای بودن، منطقه‌ای و

۲۴۰. یک کارشناس روسی اشاره می‌کند که روسیه نمی‌تواند همزمان به مقابله با پیامدهای اقتصادی بحران اوکراین و رقابت با پیشرفت‌های طرح کمر بند پردازد - طرح کمر بند بیش از حد بزرگ و بلندپروازانه بود که بتوان آن را نادیده گرفت. گفتگو با مؤلفین، مسکو، اکتبر ۲۰۱۶.

241. Duchatel, M. et al., 'Eurasian integration: caught between Russia and China', European Council on Foreign Relations, 7 June 2016, <[http://www.ecfr.eu/article/essay\\_eurasian](http://www.ecfr.eu/article/essay_eurasian)>.

۲۴۲. با آن که سازمان مزبور در وبسایت خود رسماً با عنوان اختصاری EEAU معرفی می‌شود، گفتمان دانشگاهی بیشتر تمایل دارد از عنوان EEU برای آن استفاده کند.

243. Eurasian Economic Commission

244. Safranchuk, I., 'Russia in a reconnecting Eurasia: foreign economic and security interests', Centre for Strategic and International Studies (CSIS), Sep. 2016.

حفاظتی است؛ (ب) عضویت آن انحصاری است و (ج) وزن اقتصادی محدودی دارد. به استثناء روسیه، همه دولت‌های عضو محصور در خشکی هستند. علاوه بر روسیه و قزاقستان، همه دولت‌های عضو، اقتصادهای نسبتاً کوچکی دارند. مجموع درآمدهای ناخالص ملی ارمنستان، بلاروس و قرقیزستان روی هم تنها ۵/۴ درصد از درآمد ناخالص ملی روسیه می‌شود و اگر درآمد ناخالص قزاقستان را هم به آنها اضافه کنیم، ۱۹/۴ درصد درآمد این کشور را تشکیل خواهد داد.<sup>۲۴۵</sup> این امر نقشی آشکارا محوری به روسیه می‌دهد. اقتصادهای روسیه و قزاقستان تحت سلطه صادرات منابع طبیعی هستند و بنابراین، فاقد مکمل هستند - همان کار کردی که اتحادیه اقتصادی اورآسیا به طور کلی دارد. بنابراین، تجارت بین اتحادیه اقتصادی اورآسیا اهمیت چندانی برای روسیه ندارد. تجارت کل اتحادیه اقتصادی اورآسیا ۳/۷ درصد صادرات جهان و ۲/۳ درصد واردات جهان در سال ۲۰۱۴ را تشکیل می‌دهد.<sup>۲۴۶</sup>

به این ترتیب، روسیه برای پیشبرد منافع اقتصادی‌اش نمی‌تواند روی اندازه و نفوذ اقتصادی بازارهای ترکیبی اتحادیه اقتصادی اورآسیا تکیه کند. در عوض، باید روی بازارهای آسیایی و اروپایی و سرمایه‌گذاری بیرونی در بازارهای اتحادیه اقتصادی اورآسیا تکیه کند. این همان جایی است که طرح کمربند به میان می‌آید. میان کارشناسان بسیاری که در مسکو با مؤلفین گفتگو داشتند توافق (البته نه بین همه) وجود داشت که طرح کمربند مکمل اتحادیه اقتصادی اورآسیا است.<sup>۲۴۷</sup> روسیه علاقه‌مند به ارتقاء جو رقابتی در برون‌داد صنعتی اتحادیه اقتصادی اورآسیا و تقویت بازار کل این منطقه است و چین می‌تواند از طریق طرح کمربند سرمایه‌گذاری لازم برای نیل به این هدف را برای روسیه فراهم کند.<sup>۲۴۸</sup> به هر حال، بین متخصصین بین‌المللی در خصوص این که آیا طراحی‌های سازمانی کاملاً متضاد طرح کمربند و اتحادیه اقتصادی اورآسیا (طراحی اتحادیه اقتصادی اورآسیا منطقه‌ای و انحصاری است در حالی که کمربند فراگیر و فرامنطقه‌ای است) عملاً یکدیگر را تکمیل می‌کنند یا بر علیه هم عمل خواهند کرد، اجماع وجود ندارد.<sup>۲۴۹</sup> با وجود این، اراده سیاسی برای اتصال این دو وجود دارد و حداقل کارشناسان روسی و چینی انتظار دارند وجود این اراده سیاسی به همکاری عملی ختم شود.<sup>۲۵۰</sup> مشخصاً چه چیزی این اراده سیاسی را در روسیه شکل داد؟ طرح کمربند به هشت طریق خاص

۲۴۵. محاسبات مبتنی بر داده‌ها برگرفته از بانک جهانی است،

<[www.data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.CD](http://www.data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.CD)>.

246. See statistics on the official EEU website, <[www.eaunion.org/?lang=en#about](http://www.eaunion.org/?lang=en#about)>.

۲۴۷. کارشناسان روسی و چینی، کارگاه منطقه‌ای روسیه، مسکو، اکتبر ۲۰۱۶.

۲۴۸. اجماع کارشناسان روسی، کارگاه منطقه‌ای روسیه، مسکو، اکتبر ۲۰۱۶.

249. See e.g. Cooley (note 119).

۲۵۰. کارشناسان روسی، گفتگو با مؤلفین، مسکو، اکتبر ۲۰۱۶.

در جهت منافع روسیه عمل می‌کند:

۱. پیوند با کمر بند به اتحادیه اقتصادی اورآسیا مشروعیت می‌بخشد و موجب می‌شود از سوی یک قدرت بزرگ، مثلاً چین، در سطح بین‌المللی به رسمیت شناخته شود.<sup>۲۵۱</sup>
۲. همکاری‌های اتحادیه اقتصادی اورآسیا و کمر بند «چرخش به سمت شرق» را در روسیه تسریع می‌کنند و از این طریق وابستگی اقتصادی و سازمانی روسیه به غرب کاهش می‌یابد.<sup>۲۵۲</sup>
۳. از آنجا که چین به لحاظ اقتصادی از روسیه قدرتمندتر است، چانه‌زنی در چارچوب طرح کمر بند و اتحادیه اقتصادی اورآسیا به نفع روسیه خواهد بود.
۴. طرح کمر بند به کمک‌های ایالات متحده در آسیای میانه و تلاش‌های این کشور برای ایجاد همبستگی در منطقه، مثل طرح پیشنهادی ایالات متحده برای «جاده ابریشم نوین» که روسیه را دور می‌زنند، اهمیت چندانی نمی‌دهد.
۵. با وجود بی‌اعتمادی سیاسی، کمر بند راه را برای همکاری‌های نزدیکتر با چین هموار می‌سازد: پیوند دادن آن با اتحادیه اقتصادی اورآسیا سیگنال قوی از اعتماد به چین ارسال می‌کند، و یک پلتفرم سازمانی اضافی است که احتمال درگیری و رویارویی در آینده را کاهش می‌دهد.
۶. روسیه کمر بند را فرصتی برای کسب سرمایه مالی می‌داند که به اشتغالزایی در داخل کشور و آسیای میانه منجر می‌شود که این هم به نوبه خود به حفظ نظم و ثبات در مقابل تهدید رو به رشد افراط‌گرایی اسلامی، انقلاب‌های رنگی و بی‌ثباتی برآمده از افغانستان، کمک شایانی می‌کند. ثبات رژیم‌ها و مرزهای فعلی آسیای میانه از اهمیت ویژه‌ای برای روسیه برخوردار است.<sup>۲۵۳</sup>
۷. انتظار می‌رود برهم‌کنش احتمالی بین کمر بند و اتحادیه اقتصادی اورآسیا توازن بین جهانی شدن و منطقه‌گرایی را برهم بزند: نخبگان آسیای میانه خواهان جذب سرمایه‌های کلان به منظور افزایش رانت‌خواهی‌های خود هستند، در حالی که مردمشان اشتغالزایی

۲۵۱. کارشناسان روسی، گفتگو با مؤلفین، مسکو، اکتبر ۲۰۱۶.

۲۵۲. اجماع کارشناسان روسی، کارگاه منطقه‌ای روسیه، مسکو، اکتبر ۲۰۱۶.

253. Bordachev, T., 'Россия и Китай в Центральной Азии: большая игра с позитивной суммой' [Russia and China in Central Asia: the Great Win-Win Game], *Russia in Global Affairs Journal*, 1 July 2016, <<http://www.globalaffairs.ru/valday/Rossiya-i-Kitai-v-Tcentralnoi-Azii-bolshaya-igra-s-pozitivnoi-summoi-18258>>; and Vorobyev, V., 'Стыковка на стратегической орбите' [Docking on the strategic orbit], *Russia in Global Affairs Journal*, 8 Sep. 2016, <<http://www.globalaffairs.ru/number/Stykovka-na-strategicheskoi-orbite-18347>>.



و به نوعی حمایت از تولید داخلی را ترجیح می‌دهند.<sup>۲۵۴</sup> با توجه به قابلیت اتصال باز طرح کمر بند که فرصت‌هایی برای جهانی شدن فراهم می‌آورد و تمرکز اتحادیه اقتصادی اورآسیا روی بازار منطقه‌ای، ادغام این دو احتمالاً بتواند توازن برای آسیای میانه به وجود آورد - البته باید در آینده دید که این روند چگونه پیش خواهد رفت.

۸. روسیه طرح کمر بند را ساز و کاری برای افزایش وابستگی اتحادیه اروپا به انرژی روسیه می‌بیند، چرا که منابع انرژی آسیای میانه به سمت چین سرازیر می‌شوند، و اروپا ناگزیر باید به روسیه روی آورد.

با وجود این، بهرغم همگرایی‌های مزبور به نظر می‌رسد که دو ابتکار اتحادیه اقتصادی اورآسیا و کمر بند تا حدودی به صورت غیرطبیعی با هم جفت شده‌اند. روش‌های عملی برای پیوند واقعی این دو طرح هنوز کاملاً شناسایی نشده‌اند: چنین روندی به نظر وارونه انجام دادن کارها است.<sup>۲۵۵</sup> علاوه بر این، روسیه در ارائه پروژه‌های زیرساختی به طرف‌های چینی و تعیین شروط سرمایه‌گذاری محتاط بوده است.<sup>۲۵۶</sup> در حال حاضر، هر دو طرف روی تدوین یک چارچوب تنظیمی ضروری برای تجارت و سرمایه‌گذاری کار می‌کنند.<sup>۲۵۷</sup> این روند ممکن است فرایندی کند باشد و سرمایه‌گذاری چینی‌ها در روسیه در سطح پایینی باقی بماند.

همچنین پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا تأثیر اقتصادی روزافزون چین در آسیای میانه، صرفاً به این خاطر که روسیه ابزار اقتصادی و مالی برای رقابت با چین را ندارد، درازمدت نفوذ این کشور در منطقه را کمرنگ می‌کند یا خیر. با این حال فعلاً یک «تقسیم کار» بین این دو وجود دارد: روسیه روابط نظامی و سیاسی قوی خود را حفظ می‌کند، در حالی که چین سرمایه‌های مالی خود را به منطقه تزریق می‌کند و تجارتش با منطقه را افزایش می‌دهد.<sup>۲۵۸</sup>

254. Russian experts, Russia regional workshop, Moscow, Oct. 2016; and Safranchuk, I., 'Когда ставки не сыграли' [When stakes have failed], *Russia in Global Affairs Journal*, 25 Sep. 2016, <<http://www.globalaffairs.ru/number/Esli-stavki-ne-sygrali-18390>>.

255. National Bureau of Asian Research, Policy Q&A, Interview with Carnegie Moscow Centre's Alexander Gabuev, China's One Belt, One Road Initiative and the Sino-Russian Entente, 9 Aug. 2016.

۲۵۶. تحلیل‌گر ارشد روسی در گفتگو با مؤلفین، استکهلم، نوامبر ۲۰۱۶. با آن که به طور مستقل تأیید نشده است، اما ظاهراً چین می‌خواهد - با کنار زدن کسب و کار محلی - تمام مواد و نیروی کار لازم برای طرح پیشنهادی راه آهن مسکو-کازان را تأمین کند. همچنین باید توجه داشت که داده‌های آماری موجود در خصوص سرمایه‌گذاری چین در کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اورآسیا کمتر از میزان واقعی است، چرا که برخی از سرمایه‌گذاری‌ها از طریق حوزه‌های برون‌مرزی صورت می‌گیرند.

257. Russian Ministry of Foreign Affairs, 'Russian Ambassador to China Andrey Denisov's interview with the Rossiya Segodnya and TASS news agencies', 21 June 2016, <[http://www.mid.ru/en/web/guest/nota-bene/-/asset\\_publisher/dx7DsH1WAM6w/content/id/2327002](http://www.mid.ru/en/web/guest/nota-bene/-/asset_publisher/dx7DsH1WAM6w/content/id/2327002)>.

۲۵۸. نفوذ روسیه در منطقه را نباید صرفاً در قالب تجاری سنجد، چرا که واردات چین از منطقه مواد خام است که چندان مورد نظر روسیه نیست.

See e.g. Lukyanov, F., 'Как Москва Ищет Свое Место в Центральной Азии' [How Moscow is searching for its place in Central Asia], *Russia in Global Affairs Journal*, 30 Aug. 2016

قضاوت در خصوص این که چنین وضعیتی در عمل چگونه اجرا می‌شود را باید به آینده موکول کرد، اما روشن است که چین در قرابت سیاسی، تاریخی و فرهنگی با منطقه و نیز تسلط بر ساخت و معماری نظامی آن نمی‌تواند با روسیه رقابت کند.<sup>۲۵۹</sup>

به هر حال، این بخش‌بندی‌ها آنچنان که به نظر می‌رسند هم قطعی نیستند. روسیه مهم‌ترین مقصد صادرات نیروی کار آسیای میانه است و در آینده نیز خواهد بود. این به خلق وابستگی اقتصادی شدید می‌انجامد و قدرت نرم قابل توجهی تولید می‌کند. برای مثال، قزاقستان در سال ۲۰۱۶، بیشتر از چین با روسیه تجارت داشته است.<sup>۲۶۰</sup> در همین زمان، چین از طریق قراردادهای عمده فروش تسلیحات به قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان، به تدریج در حال افزایش نقش امنیتی خود در منطقه است.<sup>۲۶۱</sup>

برخی تحلیل‌گران روسی ابراز نگرانی کرده‌اند که طرح کمربند، با ارائه مشوق‌های مطلوب، به ویژه سرمایه و همبستگی بهتر با اقتصاد جهانی، به کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اورآسیا، به مرور زمان اتحادیه مزبور را خواهد بلعید.<sup>۲۶۲</sup> همزمان، این دغدغه وجود دارد که روسیه بیش از حد به لحاظ اقتصادی به چین وابسته شود، به همین جهت هم روسیه در تلاش است اتحادیه اقتصادی اورآسیا را با ابتکارات همکاری منطقه‌ای مغولستان و کره جنوبی پیوند دهد و نیز به دنبال برقراری رابطه گرمتر با ژاپن است. در واقع، «چرخش روسیه به سمت شرق» این کشور را در موضع سیاسی-اقتصادی وابستگی بیجا به چین قرار داده است - این وضعیت به نظر نمی‌رسد پایدار باقی بماند و احتمالاً در درازمدت روی منافع امنیتی روسیه تأثیر منفی خواهد گذاشت. آثار روابط میان اتحادیه اقتصادی اورآسیا و کمربند هنوز کاملاً شناسایی نشده است - اما فعلاً روسیه و چین را به هم نزدیکتر کرده است.

<<http://www.globalaffairs.ru/redcol/Kak-Moskva-ischet-svoe-mesto-v-Tcentralnoi-Azii-18328>>; and Russian experts, Conversations with authors, Moscow, Oct. 2016.

۲۵۹. کارشناسان روسی و چینی، کارگاه منطقه‌ای و مصاحبه‌ها در مسکو، اکتبر ۲۰۱۶. به اعتقاد یک کارشناس ارشد روسی، نخبگان محلی عموماً به چین اعتماد ندارند و دستیابی به این اعتماد دهه‌ها طول خواهد کشید.

260. Jan.-Oct. 2016, Agency of the Republic of Kazakhstan on Statistics website, <[http://stat.gov.kz/faces/wcnav\\_externalId/homeNumbersCrossTrade;jsessionid=VLJMYvGCvC-jPBZHtkng7zhT8By9CkxmsbnXBLLJvp3TT1rwK89xJ!-1055757432!696278373?lang=ru&\\_afLoop=12022155618256982#%40%3F\\_afLoop%3D12022155618256982%26lang%3Dru%26\\_adf.ctrl-state%3Dw5jg1rdg4\\_4](http://stat.gov.kz/faces/wcnav_externalId/homeNumbersCrossTrade;jsessionid=VLJMYvGCvC-jPBZHtkng7zhT8By9CkxmsbnXBLLJvp3TT1rwK89xJ!-1055757432!696278373?lang=ru&_afLoop=12022155618256982#%40%3F_afLoop%3D12022155618256982%26lang%3Dru%26_adf.ctrl-state%3Dw5jg1rdg4_4)>.

261. SIPRI Arms Transfers Database, as from end of Feb. 2017.

۲۶۲. اعضای اتحادیه اقتصادی اورآسیا بدون در نظر گرفتن هنجارها و تلاش‌های اتحادیه و روسیه، با چین قراردادهای دوجانبه‌ای برای همکاری در چارچوب طرح کمربند امضاء کرده‌اند.

## ۲-۴- نتیجه گیری

طرح کمربند تبعات امنیتی مختلفی در آسیای میانه و جنوبی دارد. این طرح از سوی کشورهای محصور در خشکی آسیای میانه به مثابه ابزاری برای شکوفایی رشد اقتصادی مورد استقبال قرار گرفته است. به ویژه در برخی کشورها مثل قزاقستان و ازبکستان این طرح در برنامه‌های توسعه داخلی لحاظ شده است. کمربند در سطح منطقه‌ای به خودی خود موجب تشدید مناقشات بین کشورها نمی‌شود و به‌طور بالقوه در خدمت منافع بزرگتر همکاری منطقه‌ای خواهد بود. در واقع، همکاری در آسیای میانه همواره به تشویق و ترغیب قدرت‌های بیرونی بوده است و مشوق‌های مالی چینی‌ها می‌تواند دولت‌های منطقه را به آغاز همکاری برای حل و فصل یا عبور از مناقشات فی‌مابین، که مانعی برای شکل‌گیری پروژه‌های اقتصادی بین دولتی است، تشویق کند. روسیه پس از صرف مدتی طولانی برای بررسی طرح به خاطر پارامترهای ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک و انگیزه‌های اقتصادی‌اش، آن را تأیید کرده است. در این مرحله، روسیه هیچ تعارض ساختاری با منافع خود در آسیای میانه یا چارچوب اقتصادی منطقه‌ای خود در قالب اتحادیه اقتصادی اورآسیا نمی‌بیند. بلکه برعکس، طرح کمربند و اتحادیه اقتصادی اورآسیا به‌نظر مکمل همدیگر هستند - این که در آینده این وضعیت به چه شکلی پیش خواهد رفت باید منتظر ماند و دید. طرح کمربند به روسیه اجازه می‌دهد پهنه اقتصادی خود را روی بلوک‌های همبستگی اقتصادی پیشنهادی چین و طرح‌های احتمالی غرب در آینده تنوع بخشد. در آسیای جنوبی، جایی که کمربند در حال حاضر فقط از یک کشور یعنی پاکستان عبور می‌کند، فضای سیاسی به خاطر این طرح ملتهب شده است. هندوستان به شدت با کریدور اقتصادی چین - پاکستان مخالفت ورزیده است، از جهتی به خاطر این که این کریدور از سرزمینی مورد مناقشه عبور می‌کند. این مسئله تا حدودی دنباله یک رقابت قدیمی میان هندوستان و پاکستان، و همچنین متأثر از رقابت چین - پاکستان با هندوستان بر سر نفوذ و امنیت منطقه‌ای است. هندوستان در خصوص پیامدهای ژئوپلیتیکی این کریدور در درازمدت، به ویژه در تقابل با کسب نفوذ و تأثیر بیشتر چین به قیمت کمرنگ شدن نفوذ هندوستان، نگران است. هندوستان پیش‌بینی می‌کند که محافظت از سرمایه‌گذاری و محافظت از ترانزیت در آینده از طریق پاکستان نقش امنیتی چین در منطقه را نیز پررنگ‌تر خواهد کرد. یکی از کانون‌های رقابت منطقه‌ای روزافزون می‌تواند بلوچستان باشد، استانی که بندر گوآدار یعنی یکی از محل‌های کلیدی سرمایه‌گذاری‌های کمربند، در آن واقع شده است.

طرح کمربند تعامل سازنده متقابلی با پویایی امنیتی در آسیای میانه و جنوبی دارد. در حالی که تهدیدهای امنیتی از جانب بی‌ثباتی و تروریسم می‌تواند سرمایه‌گذاری‌های چین را به خطر بیندازد، این تهدیدات مقامات چینی و محلی را بیشتر ترغیب می‌کنند که برای حل این مشکلات اراده قوی‌تری برای همکاری از خود نشان دهند. رشد اقتصادی بیشتر به واسطه سرمایه‌گذاری‌های چینی‌ها می‌تواند به واقع شرایط را برای ثبات و توسعه فراهم کند. به هر حال، نگرانی‌هایی وجود دارد که سرمایه‌چینی‌ها ممکن است برخی از مشکلات ساختاری حکومت، به ویژه مشکلات مرتبط با فساد و عدم پاسخگویی را در هر دو منطقه تشدید کند. همچنین ممکن است سیستم دولت‌های ناکارآمد را با مشکلات بیشتر روبرو سازد. تا آنجا که سرمایه‌گذاری‌ها گروهی را به گروه دیگر ترجیح می‌دهند، می‌توانند تنش‌های جامعه محلی و قومی را تشدید کنند. فقدان شفافیت حول بسیاری از معاملات چینی‌ها به این نگرانی‌ها دامن می‌زند.

روی هم رفته، سرمایه‌گذاری‌ها به تنهایی برای توسعه دگرگون‌ساز در جوامع آسیای میانه و جنوبی کفایت نمی‌کند. رشد فراگیر و پایدار در درازمدت مستلزم اصلاحات سازمانی و منسوخ شدن عملکردهای پدرسالارانه و فساد دولتی است. این که چین و دولت‌های آسیای میانه و پاکستان تا چه حد حکومت خوب و رشد پایدار به‌اضافه دستاوردهای کوتاه‌مدت اقتصادی را اولویت می‌بخشند، موضوعی است که باید در آینده ثمره آن را دید. بنابراین، بسیاری از پیامدها و منافع مثبتی که برای طرح کمربند ذکر می‌شوند، هنوز به کیفیت اجرای آن، توزیع منافع و کیفیت امنیت انسانی و نیز میزان اهمیت رژیم‌ها به امنیت دولت-بنیان بستگی دارند.

### ۳- کمربند اقتصادی جاده ابریشم: فرصتی برای همکاری اتحادیه اروپا-چین

#### یافته‌های کلیدی

##### کمربند اقتصادی جاده ابریشم

- با برخی از اولویت‌های خارجی و امنیتی اتحادیه اروپا از جمله مدیریت جهانی، انعطاف‌پذیری دولتی-اجتماعی و همکاری میان نظام‌های منطقه‌ای، سروکار دارد؛
- با منافع اتحادیه اروپا در آسیای میانه و جنوبی همخوانی زیادی دارد، گرچه پیامدها آن برای برنامه‌های هنجاری و ارزش-بنیان اتحادیه همچنان محل سؤال است؛
- در این مرحله، به‌عنوان پلتفرمی برای همکاری‌های اتحادیه اروپا-چین در زمینه امنیت سخت‌افزاری دورنمای موفقیت محدودی دارد، اما پتانسیل همکاری بیشتری در رابطه با امنیت انسانی، به ویژه به‌صورت شتاب‌دهنده‌ای برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد (sGDS)، در آن نهفته است؛
- اتحادیه اروپا:
- باید به‌لحاظ راهبردی از این فرصت‌ها برای دخالت دادن چین و سایر کنشگران مرتبط و تقویت کمربند جهت مشارکت برای نیل به «نظم جهانی قانون‌مدار» در راستای منافع و ارزش‌های خود استفاده لازم را ببرد؛
- باید به‌منظور دستیابی به ثبات بیشتر در اورآسیا، روابط راهبردی نزدیک‌تری با سهامداران کلیدی مثل چین، هندوستان و روسیه را تقویت کند و در این راه طرح کمربند را به‌عنوان انگیزه‌ای مناسب در نظر داشته باشد؛
- باید برای چشم‌انداز خود جهت رسیدن به اورآسیایی امن‌تر، راهبردی تر بیانید و برنامه‌ریزی کند و موضعی منسجم‌تر در خصوص چشم‌اندازهای همبستگی اورآسیا مثل طرح کمربند اتخاذ کند؛
- برای بررسی و پایش مداوم طرح کمربند و پیامدهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی آن نیاز به تخصیص سرمایه انسانی و سازمانی بیشتری خواهد داشت.

این بخش بر پایه بخش‌های ۱ و ۲ بنا شده است و به ارزیابی میزان سازگاری اهداف و محرک‌های کمربند با منافع خارجی و امنیتی اتحادیه اروپا در منطقه اورآسیا می‌پردازد. در این بخش نگاهی داریم به چگونگی ارتباط اتحادیه اروپا با طرح کمربند و جاده به‌طور کلی و در سطوح مختلف داخلی و جهانی، و این که ورود چین به آسیای میانه و جنوبی از طریق

کمربند چه تأثیری به‌طور خاص بر منافع امنیتی اتحادیه اروپا در مناطق مزبور خواهد داشت. این بخش به مجموعه‌ای از توصیه‌های سیاستی برای اتحادیه اروپا ختم می‌شود که مبتنی بر یافته‌های گزارش حاضر و تمرکز بر راه‌های همکاری اتحادیه اروپا و چین از منظر امنیتی است.

### ۳-۱- سازگاری با منافع امنیتی اتحادیه اروپا

در راهبرد جهانی ۲۰۱۶ اتحادیه اروپا تصریح شده است که اتحادیه «در خصوص انگیزه‌های چین برای ارتباط با غرب رویکردی منسجم» اتخاذ خواهد کرد.<sup>۲۶۳</sup> از منظر تجاری و سرمایه‌گذاری، اتحادیه اروپا و بسیاری از اعضای فقیر آن از ورود سرمایه‌های چین استقبال کرده‌اند. در سپتامبر ۲۰۱۵، کمیسیون اروپا برای «بهبود سطح همکاری‌ها بین طرح کمربند و جاده و برنامه سرمایه‌گذاری خود اتحادیه برای اروپا (یونکر پلان)<sup>۲۶۴</sup>» تفاهم‌نامه‌ای در خصوص پلتفورمی برای ارتباط اتحادیه اروپا و چین امضا کرد. پلتفورم مزبور با هدف پیگیری فرصت‌های سرمایه‌گذاری مشترک در طول مسیر جاده ابریشم طراحی شده است. تا کنون پروژه‌های آینده‌نگری در قلمروهای اتحادیه اروپا و خود چین شناسایی شده‌اند، البته در چارچوب مزبور سرمایه‌گذاری مشترک در کشورهای سوم نیز در نهایت می‌تواند صورت گیرد. کشورهای عضو اتحادیه اروپا، به ویژه بسیاری از کشورهای اروپای مرکزی و شرقی (CEE)<sup>۲۶۵</sup> از طریق الگوی گفتگوی ۱+۱۶ که در سال ۲۰۱۲ پایه‌گذاری شده است، نیز در زمینه سرمایه‌گذاری مرتبط با طرح کمربند و جاده با چین وارد معاملات دوجانبه شده‌اند. با آن که تحلیل‌گران و مقامات چینی اظهار داشته‌اند که پلتفورم گفتگوی ۱+۱۶ با کشورهای اروپای مرکزی و شرقی از پروسه همبستگی اروپا حمایت می‌کند، برخی مقامات اتحادیه اروپا این الگو را تهدیدی برای انسجام درونی اروپا و نیز عامل ایجاد یک لابی بالقوه طرفدار چین در بروکسل می‌دانند.<sup>۲۶۶</sup>

به هر حال، ورای حیطه اقتصادی، هنوز موضعی منسجم‌تر در خصوص طرح کمربند و جاده اتخاذ نشده است. واکنش‌های داخلی محدودی در درون اتحادیه اروپا نسبت به پیامدهای درازمدت این طرح برای منافع سیاسی و امنیتی اتحادیه در سطوح جهانی و منطقه‌ای بروز یافته و هیچ موضع منسجمی در سطح سیاست خارجی اتخاذ نشده است.<sup>۲۶۷</sup> ظاهراً این مسئله تا حدودی

263. European Union, 'Shared vision, common action: a stronger Europe', June 2016.

264. Juncker Plan

265. Central and Eastern Europe

266. European Council on Foreign Relations, 'China's investment in influence: the future of 16+1 cooperation', Dec. 2016 .

۲۶۷. مصاحبه‌هایی با مؤلفین، بروکسل، نوامبر ۲۰۱۶.

ناشی از شکل نامطمئن و هنوز در حال تکامل خود طرح است. انگیزه‌های اقتصادی، سیاسی و ارزش بنیان رقیب در سطوح فراملی و کشورهای عضو، مانع از اتخاذ رویکردی یکپارچه‌تر در کل نسبت به چین می‌شوند.<sup>۲۶۸</sup> سرانجام، یک فقدان کلی ظرفیت تحلیل راهبردی فراگیر در داخل نهادهای مرتبط در اتحادیه اروپا وجود دارد - و دانش تخصصی داخلی نسبت به چین به‌طور ویژه باید توسعه پیدا کند.<sup>۲۶۹</sup> تنش‌های سیاسی و واگرایی‌های گسترده‌تر نیز می‌تواند بخشی از خلاء اتحادیه اروپا در واکنش به طرح کمربند و جاده و نیز سایر تلاش‌های چندجانبه اخیر چین همچون بانک سرمایه‌گذاری زیرساختی آسیا (AIIB) باشد.

با وجود این، طرح کمربند و جاده تأثیرات مهمی بر منافع راهبردی اتحادیه اروپا خواهد داشت. یکی از اهداف سیاستی اولیه اتحادیه اروپا و بخش لاینفکی از سیاست امنیتی جهانی‌اش، چنان که در بیانیه ۲۰۰۳ راهبرد امنیت اروپایی آمده و نیز در راهبرد جهانی اتحادیه در سال ۲۰۱۶ بار دیگر روی آن تأکید شده است، «ترویج نظم جهانی قانون‌مدار با چندجانبه‌گرایی به‌عنوان اصل کلیدی و سازمان ملل متحد در مرکز آن» بوده است.<sup>۲۷۰</sup> این هدف گذاری با ادبیات چینی‌ها در طرح کمربند و جاده همخوانی دارد، مثلاً آنجا که می‌گوید: «این طرح با اهداف و اصول منشور سازمان ملل همخوان است»، و این که طرح جاده و کمربند «تابع قوانین بازار و هنجارهای بین‌المللی خواهد بود» و این که چین «نقش سازوکارهای همکاری چندجانبه را به‌عنوان بخشی از این طرح ارتقاء خواهد داد».<sup>۲۷۱</sup> همچنین، چین در اوراق سیاستی خود در رابطه با اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۴، که اشاره می‌کند اتحادیه اروپا و چین «در باب ساختن جهانی چندپایه با هم اجماع راهبردی مهمی دارند»، تعهد خود را بیان می‌کند.<sup>۲۷۲</sup> به‌لحاظ عملی، رویکردهای چین و اتحادیه اروپا به چندجانبه‌گرایی اغلب متفاوت هستند و چین در واقع بیشتر از فرمت‌های دوجانبه برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کند، اما همین منافع مشترک در ترویج نظم قانون‌مدار و فراگیر جهانی دست کم یک بستر ادراکی برای گفتگوی اتحادیه اروپا-چین و همکاری در زمینه مسائل مرتبط با طرح کمربند و جاده

268. Huotari, M. et al. (eds), *Mapping Europe-China Relations: A Bottom-up Approach* (MERICS, IFRI, Elcano Royal Institute: Berlin, 2015).

269. See e.g. Keohane, D. et al., 'A new ambition for Europe: a memo to the EU Foreign Policy Chief', Carnegie Europe, 28 Oct. 2014.

270. European Union (note 220).

271. Chinese National Development and Reform Commission (note 4).

272. Chinese Ministry of Foreign Affairs, 'China's policy paper on the EU: deepen the China-EU comprehensive strategic partnership for mutual benefit and win-win cooperation', Apr. 2014, <[http://www.fmprc.gov.cn/mfa\\_eng/wjdt\\_665385/wjzcs/t1143406.shtml](http://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/wjdt_665385/wjzcs/t1143406.shtml)>.

ایجاد می‌کند. طرح کمربند و جاده همچنین مستقیماً با برخی از اولویت‌های ویژه‌تر اتحادیه اروپا نیز سروکار دارد، از جمله: (الف) مدیریت (اقتصادی) جهان از طریق یک سیستم باز و قانونمند؛ (ب) نظم‌های مشارکتی در منطقه، که آسیایی به هم پیوسته را پوشش دهد و (ج) انعطاف‌پذیری دولتی-اجتماعی در مناطق اطراف اتحادیه اروپا. از منظر رسمی، چنان که در اوراق سفید «چشم‌اندازها و اقدامات» اشاره شده است، چین دقیقاً به دنبال دستیابی به همان اهداف است. به لحاظ نظری، طرح کمربند همچنین با راهبردهای فرامنطقه‌ای و برنامه‌های کشورمحور اتحادیه اروپا، به ویژه برنامه‌هایی که از طریق توسعه اقتصادی و اجتماعی به دنبال بهبود امنیت (انسانی) هستند، تناسب خوبی دارد.

آنچه در ادامه می‌آید به اختصار توضیح می‌دهد که کمربند ممکن است چگونه با منافع منطقه‌ای و کشورمحور اتحادیه اروپا تعامل داشته باشد. باید توجه داشت که میزان سازگاری عملی (در تقابل با بحث نظری) کمربند با بسیاری از منافع اتحادیه اروپا به کیفیت و شیوه اجرای پروژه‌های چین در تعامل با هزاران ریسک مدیریتی و تنش‌های ژئوپلیتیکی که در منطقه وجود دارند، وابسته است. تأثیر واقعی سرمایه‌گذاری‌های چین بر منافع ارزشمندانتر اتحادیه اروپا در ارتباط با مدیریت خوب، حکومت قانون، حقوق بشر و دموکراسی را باید در آینده دید. به هر حال، این تردیدها ممکن است نمایانگر فرصتی برای تعامل اتحادیه اروپا با چین و طرح کمربند برای شکل‌دهی دورنمای تکاملی توسعه امنیتی اورآسیا همراستا با ارزش‌ها و چشم‌اندازهای اتحادیه اروپا نیز باشد.

بخش زیادی از این هم می‌تواند منوط به تدوین چشم‌اندازی منسجم‌تر در داخل اتحادیه اروپا برای نقش این اتحادیه به‌عنوان کنشگری راهبردی در قاره اورآسیا باشد. در این رابطه، ملاحظات ژئوپلیتیک هم وجود دارد که اتحادیه اروپا باید در نظر بگیرد: از جمله انگیزه‌های منفعت‌محور و ژئوپلیتیک ملی چین برای ارائه طرح کمربند (رجوع کنید به بخش ۱). روابط سرمایه‌گذاری و تجاری ناشی از طرح کمربند بین چین و کشورهای در آفریقا، اروپای مرکزی و شرقی و خاورمیانه مستعد کمک به رشد نفوذ سیاسی و اقتصادی چین در این مناطق هستند.<sup>۲۳۳</sup> به مرور زمان این نفوذ می‌تواند به‌صورت ابزاری سیاسی - به لحاظ نظری حتی علیه اتحادیه اروپا - مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین، اتحادیه اروپا و رای تعامل با چین باید تعامل کنشگرانه‌تری با کشورهای هدف طرح کمربند نیز داشته باشد و برای خود چشم‌اندازی راهبردی‌تر و منسجم‌تر اتخاذ کند.



## منافع اتحادیه اروپا در آسیای میانه و جنوبی

این زیر بخش به تبیین نوع برهم کنش احتمالی تأثیر منافع و امنیت نرم اتحادیه اروپا در آسیای میانه و جنوبی با حضور چینی‌ها در این مناطق سال‌های آتی می‌پردازد؛ جدای از مأموریت پلیسی اتحادیه اروپا (EUPOL)<sup>۲۷۴</sup> در افغانستان، این اتحادیه در هیچ یک از این مناطق مأموریت امنیتی و دفاعی پلیسی مشترک (CSDP)<sup>۲۷۵</sup> برای پشتیبانی از اهداف دفاع سخت‌افزایتر و ایمنی خود انجام نداده است. در واقع، اتحادیه اروپا به لحاظ تاریخی هیچگاه یک کنشگر ژئوپلیتیک یا راهبردی عمده در آسیا، دست کم در مناطق آسیای میانه یا جنوبی، یا حتی در منطقه آسیا-پاسفیک، نبوده است، اگر چه در مجامع گفتمانی نشست آسیا-اروپا (ASEM)<sup>۲۷۶</sup> و آسه آن حضور داشته است. اهداف تعریف شده‌های در راهبرد جهانی ۲۰۱۶ برای «تعمیق دیپلماسی اقتصادی و بالا بردن نقش امنیتی اتحادیه اروپا در آسیا» بیان شده است، اما چنین بلندپروازی‌هایی برای اتحادیه اروپا با منابع و شناخت محدودی که دارد و در حال حاضر روی چالش‌های داخلی و بحران‌های پیش آمده در سرزمین‌های همسایه نزدیکتر متمرکز هستند، با رقابتی دشوار روبرو خواهند شد. به این ترتیب، به جای مسائل مربوط به امنیت سخت‌افزای و مدیریت بحران، ابعاد نرم‌تر امنیت و سیاست خارجی اتحادیه اروپا در رابطه با منطقه مطرح خواهد شد. مثلاً از جمله این موارد عبارتند از: کمک‌های توسعه‌ای، کمک‌های فنی، دولت و نهاد سازی، همبستگی منطقه‌ای، مدیریت خوب و همکاری در مبارزه با تهدیدهای غیر سنتی. به طور گسترده‌تر، اتحادیه اروپا به دنبال «تعمیق همکاری در زمینه‌های ضد تروریسم، مبارزه با قاچاق و مهاجرت و نیز ارتقاء وضعیت حمل و نقل، تجارت و اتصال انرژی در آسیای میانه و جنوبی در سال‌های آتی است».<sup>۲۷۷</sup> طرح کمر بند اهداف اتصالی اتحادیه اروپا را با آثار غیرمستقیم مثبت روی مسائل مربوط به تروریسم، قاچاق و مهاجرت برابر می‌کند، اتحادیه اروپا و چین مشترکاً منفعت خیلی کلیای در امنیت و توسعه آسیای میانه دارند؛ آنها تأکید دارند که توسعه پیش شرط مهمی برای امنیت است. مسائل مربوط به توسعه بین الملل حوزه‌ای برای همکاری هستند که با نگاهی به اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد - که طرح کمر بند و کریدور اقتصادی چین-پاکستان به تسریع دستیابی به آنها کمک می‌کنند- در برنامه راهبردی ۲۰۲۰ اتحادیه اروپا-چین برجسته شده است. در عین حال، تنش‌هایی بین اتحادیه اروپا و چین

274. EU Police Mission

275. Common Security and Defense Policy

276. Asia-Europe Meeting

277. European Union (note 220).

در رابطه با هنجارها و ارزش‌ها همچنان پابرجا باقی می‌ماند. در پس دخالت اتحادیه اروپا تأکیدی بر جامعه مدنی و امنیت انسانی - در تقابل با ترجیح چین برای ثبات حکومت‌ها و مضامین امنیت دولت‌بنیان - وجود داشته است.

### آسیای میانه

اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۷ یک راهبرد آسیای میانه تدوین کرد که در سال ۲۰۱۵ بار دیگر آن را بهروز رسانی کرد. هدف تعریف شده در این راهبرد «توسعه باثبات، امن و پایدار منطقه» بود. همانند تجارت و سرمایه‌گذاری، امنیت انرژی نیز از اهمیت بالایی در فهرست منافع اتحادیه اروپا درباره آسیای میانه برخوردار است، اما این منافع در وهله اول روی کشور قزاقستان متمرکز هستند.<sup>۲۷۸</sup> در مقابل، قرقیزستان و تاجیکستان به‌عنوان دریافت‌کنندگان کمک‌ها و حمایت‌های توسعه‌ای مد نظر اتحادیه اروپا بوده‌اند. همکاری با ازبکستان محدودتر است و اتحادیه اروپا هیأتی در ترکمنستان ندارد. برخلاف بیانه‌های اتحادیه اروپا در خصوص اهمیت منطقه، این منطقه برای کشورهای عضو «اولویت ژئوپلیتیک» ندارد، و حضور و نفوذ اتحادیه اروپا در مقایسه با روسیه و چین در این منطقه محدود است.<sup>۲۷۹</sup>

اتصال زیرساختی از دهه ۱۹۹۰ با راه‌اندازی برنامه کریدور حمل و نقل اروپا قفقاز آسیا (TRACECA)<sup>۲۸۰</sup> در سال ۱۹۹۳، در برنامه کاری اتحادیه اروپا بوده است. توسعه اقتصادی و همبستگی اقتصادی منطقه از اولویت‌های اتحادیه اروپا بوده است. بنابراین، هدف‌گذاری‌های رسمی طرح کمربند چین برای اقتصادهای ملی آسیای میانه و کل منطقه، بسیار با اهداف اتحادیه اروپا همخوان هستند. در حالی که اتحادیه اروپا هیچ موضع رسمی در خصوص کمربند اتخاذ نکرده است، لیکن تمایل خود برای گفتگوی بیشتر در مورد مسائل مربوطه را بروز داده است. شورای اروپا در سال ۲۰۱۵ درباره راهبرد اتحادیه اروپا در باب آسیای میانه به نتیجه رسید. در حالی که در این راهبرد صراحتاً از چین نام برده نمی‌شود، سند مزبور اشاره می‌کند که اتحادیه اروپا «تلاش‌های خود برای ترویج گفتگو با ... همسایگان کشورهای آسیای میانه و سایر کشورهای فعال در منطقه را با نگاهی به جستجو برای تشریک مساعی بین سیاست‌هایمان در این حوزه و ابتکاراتی در زمینه موضوعاتی چون امنیت، رابطه فی مابین، حمل و نقل، انرژی

278. Directorate-General for External Policies, Policy Department, 'Implementation and review of the European Union-Central Asia Strategy: recommendations for EU action', 2016.

279. Directorate-General for External Policies (note 230).

280. Transport Corridor Europe Caucasus Asia

و توسعه پایدار، از جمله امکانات و فرصت‌های پدید آمده از طرح جاده ابریشم» بیشتر خواهد کرد.<sup>۲۸۱</sup> آسیای میانه همچنین به عنوان یکی از نقاط گفتگوی متعدد در برنامه راهبردی اتحادیه اروپا-چین برای همکاری مطرح شده است.

از بُعد نظری، تأکید اتحادیه اروپا روی زیرساخت‌های نرم‌افزاری در آسیای میانه در کنار تأکید کمربند روی سخت‌افزار و زیرساخت فیزیکی عمل و نقش مکمل آن را ایفا می‌کند.<sup>۲۸۲</sup> با آن که کمک‌های مالی اتحادیه اروپا به منطقه (اندکی بیش از یک میلیارد یورو در سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰ بوده است) نمی‌تواند به پای سرمایه‌گذاری‌ها و وام‌های چین به کشورهایی مانند قرقیزستان و تاجیکستان، که بیشتر کمک‌ها به سمت آنها سرازیر می‌شود، برسد. تأثیرات توسعه‌ای قابل چشم‌پوشی هستند. کشورهای آسیای میانه نسبت به رویکردهای اتحادیه اروپا مبنی بر سرمایه‌گذاری قانون‌مدار بین‌المللی و رسمی اقبال بیشتری نشان داده‌اند.<sup>۲۸۳</sup> همکاری بیشتر بین سرمایه‌داران چینی و کارشناسان فنی اتحادیه اروپا می‌تواند برای منافع هر دو طرف، مثلاً در حوزه مسائلی از قبیل مبارزه با فساد، حکومت قانون و ترویج یک محیط کسب و کار بهتر برای توسعه اقتصادی، مفید باشد.

مبارزه با تروریسم، مدیریت آب و مدیریت مسائل مرزی همگی از جمله منافع مشترک هستند، گرچه همکاری مستقیمی در هیچ یک از این حوزه‌ها صورت نمی‌گیرد. برنامه مدیریت مرزی اتحادیه اروپا در آسیای میانه (BOMCA)<sup>۲۸۴</sup> در حوزه امنیت مرزی روی آموزش و تربیت نیروها متمرکز است، در حالی که چین امکانات سخت‌افزاری بیشتری فراهم کرده است، از جمله ایجاد پست‌های مرزی جدید در طول مرز تاجیکستان و افغانستان. با آن که اتحادیه اروپا خود دغدغه مبارزه با تروریسم را دارد اما این حوزه‌ای نیست که در آن فراتر از گفتگو اقدامات تأثیرگذار دیگری داشته باشد. چین در این زمینه با کشورهای آسیای میانه تلاش‌های مشترک دوجانبه و چندجانبه‌ای داشته است، لیکن این موضوع به لحاظ سیاسی حساس بوده و تا حد زیادی در حیطه حدود صلاحیت دولت‌های ملی آسیای میانه باقی می‌ماند. روش‌های مرتبط در حوزه مبارزه با افراط‌گرایی، آموزش و تربیت را می‌توان از طریق کانال‌های همکاری بین‌المللی بهبود بخشید.

281. General Secretariat of the European Council, 'Relations with Central Asia: Council Conclusions on the EU Strategy for Central Asia', 22 June 2015.

282. Directorate-General for External Policies (note 230)

283. Various Central Asian scholars and officials, Conversation with authors, Central Asia, June 2016.

284. Border Management in Central Asia

## آسیای جنوبی

افغانستان نقطه کانونی منافع امنیتی اتحادیه اروپا در منطقه وسیع تر آسیای جنوبی و به نسبت کمتری نیز تمرکز روی پاکستان (و نیز آسیای میانه) به عنوان ترانزیت کالا بوده است. در حوزه تجارت و سرمایه گذاری، اتحادیه اروپا به عنوان بزرگترین شریک تجاری پاکستان نفوذ زیادی در این کشور دارد. در حالی که، در حوزه مسائل سیاسی و راهبردی، تأثیر این اتحادیه شدیداً ناچیز است. اتحادیه اروپا و پاکستان در سال ۲۰۱۲ تحت چارچوب همکاری امنیتی گفتمانی راهبردی پایه گذاری کرد که بخش‌های مختلف آن عبارتند از: مبارزه با تروریسم، مبارزه با مواد مخدر، مبارزه علیه جرائم سازمان یافته و خلع سلاح و عدم گسترش تسلیحات.<sup>۲۸۵</sup> اگر چه، و رای آموزش پلیس و همکاری محدود در مبارزه با تروریسم، مشارکت ملموس محدود است. در واقع، تمرکز روابط اتحادیه اروپا-پاکستان عمدتاً روی تجارت، توسعه و مسائل انسانی بوده است.<sup>۲۸۶</sup> برنامه اتحادیه اروپا برای اقدام ۲۰۲۰ انگیزه‌های نوینی برای تقویت همکاری اتحادیه اروپا-هندوستان در زمینه منع گسترش تسلیحات و خلع سلاح، مبارزه با دزدی دریایی و امنیت شبکه‌های اطلاعات ایجاد خواهد کرد - اما میزان پیگیری و تحقق این بلندپروازی‌ها برای همکاری متقابل را باید در آینده دید.<sup>۲۸۷</sup> در کل، اتحادیه اروپا در برخورد با کشورهای منطقه و نیز کل منطقه فاقد یک سیاست راهبردی منسجم است.

با آن که اتحادیه اروپا در قبال پروژه کریدور اقتصادی چین-پاکستان موضع رسمی‌ای اتخاذ نکرده است، مقامات این اتحادیه نشان داده‌اند که از این طرح استقبال می‌کنند، چرا که این طرح با منافع اتحادیه اروپا در حوزه اشتغالزایی، رشد اقتصادی و اتصال زیرساختی در پاکستان همگرایی زیادی دارد.<sup>۲۸۸</sup> برخی کشورهای عضو اتحادیه اروپا حتی نسبت به مشارکت در این طرح ابراز علاقه کرده‌اند.<sup>۲۸۹</sup> کمک توسعه‌ای اتحادیه اروپا به پاکستان برای سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰ به ۶۵۳ میلیون یورو می‌رسد و روی مسائل مربوط به مدیریت خوب، حقوق بشر،

285. 'European External Action Service (EEAS), 'EU-Pakistan 5-year Engagement Plan', 2012, <[http://eeas.europa.eu/archives/docs/pakistan/docs/2012\\_feb\\_eu\\_pakistan\\_5\\_year\\_engagement\\_plan\\_en.pdf](http://eeas.europa.eu/archives/docs/pakistan/docs/2012_feb_eu_pakistan_5_year_engagement_plan_en.pdf)>.

286. Gross, E., 'The EU and Asia: towards proactive engagement?', eds S. Biscop and R. Whitman, *The Routledge Handbook of European Security* (Routledge: 2012).

287. European Commission, 'EU-India Agenda for Action 2020', 30 Mar. 2016.

288. Mehmood, S., 'EU welcomes CPEC, supports peace process in region', *Pakistan Today*, 26 June 2016.

289. 'Boris wants UK firms to be a part of CPEC', *Today in Pakistan*, 26 Nov. 2016, <<http://todayinpakistan.com/boris-wants-uk-firms-part-cpec/>>.

حکومت قانون، آموزش و توسعه روستایی تمرکز دارد. به همان میزان که ورود سرمایه‌های چینی به توسعه اقتصاد محلی، مبارزه با فقر و رشد پایدار کمک می‌کند، کریدور اقتصادی چین-پاکستان شدیداً با برنامه توسعه‌ای اتحادیه اروپا بیگانه است. به هر حال، انگیزه‌های سرمایه‌گذاری ضرورتاً غیرسیاسی نیستند و می‌تواند روی مدیریت اقتصادی و هنجارهای دموکراتیک تأثیرات منفی بگذارد.

در آسیای میانه نیز، نوعی تکمیل‌گری یا بهره‌برداری از پروژه‌های چینی در تلاش‌های اتحادیه اروپا برای تقویت جوامع محلی و جامعه مدنی، ترویج توسعه اجتماعی-اقتصادی پایدار و احترام به طبیعت و استانداردهای کارگری می‌تواند در خدمت منافع «انعطاف‌پذیری دولتی-اجتماعی» به عنوان نکات برجسته راهبرد جهانی ۲۰۱۶ باشد. به هر حال، بار دیگر همکاری بین اتحادیه اروپا و چین در کشورهای سوم همچنان ناآزموده و سر بسته باقی می‌ماند. به عنوان نمونه‌ای از این گونه کشورهای سوم می‌توان افغانستان را نام برد، که اتحادیه اروپا منافع خود را در ثبات آن می‌بیند و طرح کمربند ممکن است در میان مدت به همبستگی اقتصادی آن در منطقه کمک کند. گزارش حاضر نیز نشان می‌دهد که بخش کریدور اقتصادی چین-پاکستان طرح کمربند می‌تواند در درازمدت به آب شدن یخ روابط بین افغانستان و پاکستان کمک کند (زیربخش ۲-۲).

در سطح منطقه‌ای، اتحادیه اروپا روی هم‌بستگی میان کشورهای آسیای جنوبی تأکید می‌کند، و در انجمن همکاری‌های منطقه‌ای آسیای جنوبی نقش ناظر را ایفا می‌کند. تأثیر کریدور اقتصادی چین-پاکستان روی همبستگی سیاسی و اقتصادی میان کشورهای همسایه در کوتاه مدت محل بحث است، به ویژه با توجه به تنش‌های ژئوپلیتیکی که در تقابل با هندوستان پیش آمده است. آخرین گفتمان مبارزه سیاسی با تروریسم بین اتحادیه اروپا و پاکستان در رابطه با موضوع مبارزه با تروریسم با پرداختن به ریشه‌ها و علل افراط‌گرایی، روی همکاری برای دستیابی به رویکردی فراگیر در جهت مقابله با افراط‌گرایی خشن تأکید می‌کند.<sup>۴۹</sup> اجرای کریدور اقتصادی چین-پاکستان به لحاظ نظری، به رفع برخی ریشه‌های اقتصادی افراط‌گرایی کمک می‌کند، اما رابطه بین رشد اقتصادی و خشونت سیاسی ضرورتاً رابطه‌ای خطی نیست.

290. EEAS, 'EU and Pakistan hold political counter-terrorism dialogue', 20 Apr. 2016. <[https://eeas.europa.eu/topics/nuclear-safety/5152/eu-and-pakistan-hold-political-counter-terrorism-dialogue\\_en](https://eeas.europa.eu/topics/nuclear-safety/5152/eu-and-pakistan-hold-political-counter-terrorism-dialogue_en)>.

## ۳-۲- راه‌های پیش روی اتحادیه اروپا

دورنمای ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک اورآسیا به سرعت در حال دگرگونی است. در حالی که کنشگرانی چون چین و روسیه تلاش‌های خود برای ارتباط و همبستگی با این منطقه را در قالب طرح‌هایی مثل کمربند و اتحادیه اقتصادی اورآسیا پیش می‌برند، اتحادیه اروپا گرفتار چالش‌های داخلی برای یکپارچگی خود است و همچنین با بحران‌هایی در همسایگی بلافصل خود دست و پنجه نرم می‌کند. به هر حال، در یک فضای راهبردی به سرعت در حال تغییر و تحول و در دنیایی که ارتباط و اتصال درونی آن روز به روز بیشتر و بیشتر می‌شود، اتحادیه اروپا نیز باید به فکر ثبات در درازمدت - نه تنها برای همسایگان، بلکه برای همسایگان همسایگان هم - باشد. با آن که در راهبرد جهانی ۲۰۱۶ روی این موضوع تأکید شده است، هیچ چشم‌اندازی به‌طور خاص برای اورآسیا تبیین نشده است - بین‌باندگی و امنیت اتحادیه اروپا و امنیت آسیا رابطه‌ای مستقیم برقرار شده است.

نکته کلیدی این است که اتحادیه اروپا پا را از راهبرد جهانی ۲۰۱۶ فراتر نهاده و به‌طور شفافتر چشم‌انداز خود را برای اورآسیایی امن‌تر و با ثبات‌تر ترسیم کرده است. این مهم مستلزم آن است که اتحادیه اروپا نقش راهبردی خود در منطقه اورآسیا، دیدگاه‌هایش در خصوص معماری امنیتی آسیا و چشم‌اندازش در مورد مدیریت را در مقابل سهامداران عمده، از جمله نه تنها ایالات متحده آمریکا، بلکه هندوستان و روسیه، قدرت‌های خاورمیانه و کنشگران محلی، با هم ترکیب کند.<sup>۲۹۱</sup> آنگاه چشم‌انداز مزبور می‌تواند به‌مثابه راهنمایی برای همه تلاش‌های این اتحادیه در سایر زمینه‌های امنیت و اتصال اورآسیا، مثل طرح کمربند، عمل کند و ارزیابی از آنها به دست دهد.

در هر صورت، در غیاب چنین چشم‌اندازی، طرح کمربند از بسیاری جهات با منافع اتحادیه اروپا چنان که هستند همخوانی دارد: به‌دنبال ایفای نقش پررنگ‌تر در همبستگی و همکاری اقتصادی، سیاسی و امنیتی با اورآسیا و برطرف کردن کمبودهای گسترده زیرساختی و توسعه‌ای است که تعداد معدودی جایگزین‌های مالی کلان دیگر برای آنها وجود دارد. در واقع، این طرح شور و شوق قابل توجهی در میان کشورهای هدف، از جمله در اتحادیه اروپا ایجاد کرده است. اتحادیه اروپا باید اهداف و آرمان‌های خود را سامان دهد و پاسخ منفرد و مناسبی، هم در درون و هم بیرون از اتحادیه، برای طرح کمربند ارائه کند. از آنجا که کمربند خود

291. Reiterer, M., 'Asia as part of the EU's global security strategy: reflections on a more strategic approach', LSE IDEAS, Dahrendorf Forum Special Report, Apr. 2016.

بدون محدودیت و نسبتاً انعطاف پذیر است، اتحادیه اروپا نیز باید از فرصت پیش آمده برای قاعده‌مند کردن ابتکار مزبور به‌طور فعال در جهتی که بیشترین همخوانی را با منافع خارجی و امنیتی خود داشته باشد، استفاده کند. در زیربخش‌هایی که در ادامه می‌آیند به برخی از راهکارهای احتمالی اشاره شده است:

### راهکارهای بالقوه برای همکاری امنیتی

چنان که در بخش قبلی اشاره شد، مشارکت اقتصادی چین در سطح کلان در بسیاری از کشورهای ضعیف، در حال توسعه و حتی توسعه‌یافته در سراسر اورآسیا پیامدهای مهمی برای مدیریت جهانی در پی داشته است. شاید پیامدهای اقتصادی طرح کمر بند بهتر درک شده باشند و اتحادیه اروپا به واسطه پلتفرم اتصال اتحادیه اروپا-چین برای همکاری در زمینه سرمایه‌گذاری، که امکان سرمایه‌گذاری مشترک در کشورهای سوم در آینده را نیز دارد، از پیش با چین سروکار پیدا کرده است. هنوز برای نتیجه‌گیری در مورد تأثیر طرح کمر بند بر روی ساختار امنیتی جهانی یا منطقه‌ای خیلی زود است، اما آنچه مشخص است این که مشارکت اقتصادی چین در کشورهای ضعیف در سال‌های آتی این کشور را بر آن خواهد داشت تا در خارج از مرزهایش -از طریق کانال‌های دوجانبه و چندجانبه- برای خود نقش سیاسی و امنیتی تعریف کند. چنان که در بخش‌های ۱ و ۲ دیدیم، طرح کمر بند پیامدهای ژئواستراتژیک قابل توجهی نیز خواهد داشت. بنابراین، از منظر سیاست خارجی، مشارکت با چین در طرح کمر بند و مسائل مربوطه برای اتحادیه اروپا، از این جهت که در شکل‌دهی چشم‌انداز امنیتی آینده -در راستای اولویت‌های تصریح شده اتحادیه در رابطه با مدیریت جهانی، انعطاف‌پذیری دولتی- اجتماعی و نظم منطقه‌ای مشارکتی- مشارکت فعال داشته باشد اهمیت بسزایی دارد.

در اینجا باید به خاطر داشت که (الف) این گزارش نتیجه می‌گیرد که کمر بند خود پلتفرم ایده‌آلی برای همکاری‌های امنیتی نیست؛ (ب) هم چین و هم اتحادیه اروپا «امنیت» را مضمونی گسترده و جامع می‌دانند که مسائل اقتصادی، توسعه‌ای و اجتماعی مهمی را در بر می‌گیرد و فقط از دریچه‌ای محدود نمی‌توان آن را نگریست. بنابراین، با آن که طرح کمر بند ظاهراً فقط یک ابتکار اقتصادی است، در عین حال طوری توسط چینی‌ها طراحی شده است که پیامدهای امنیتی مهمی نیز در بر دارد. چنان که شی جینپینگ در سال ۲۰۱۴ اعلام نمود «توسعه بزرگترین امنیت و شاهکلید همه مسائل امنیتی منطقه است».<sup>۳۹۲</sup> بسیاری از تحلیل‌گران چینی معتقدند

کمربند با ترغیب و تحریک رشد اقتصادی و ریشه‌کنی فقر با استفاده از سرمایه‌گذاری، تجارت و تدارک دیدن زیرساخت‌ها، امنیت و ثبات بیشتری برای سراسر منطقه ملت‌آر آسیا به ارمغان خواهد آورد.

گذشته از این که برنامه‌ها و طرح‌های اتحادیه اروپا و چین روی کاغذ مکمل هم هستند، بی‌گمان هنوز هم تفاوت‌هایی بین رویکردهای سیاسی اتخاذ شده از سوی آنها وجود دارد که ممکن است همکاری‌های بیشترشان را با مشکل روبرو کند. به‌طور خاص، اتحادیه اروپا روی رویکرد بین‌المللی قوی‌تر و قانون‌مدارتر برای سرمایه‌گذاری، حقوق بشر و دموکراسی در مشارکت‌های سیاسی و مدیریت خوب در تلاش‌های دولت‌ساز خود تأکید دارد. با وجود این، مشارکت بیشتر با چین در زمینه طرح کمربند ابرازی برای تأثیرگذاری روی چین در حیطه طیفی از این مسائل به‌منظور اتخاذ رویکردی مبتنی بر امنیت انسانی به جای امنیت حکومت‌محور است.

همکاری در باب رابطه امنیت و توسعه حکایت از یک نقطه آغازی عملی و نسبتاً غیرسیاسی برای گفتگویی در خصوص کمربند دارد، چرا که کمربند یکی از سه ستون اصلی برنامه راهبردی همکاری اتحادیه اروپا-چین ۲۰۲۰ بوده است. با توجه به تأکید هر دو طرف روی سازمان ملل متحد به‌عنوان رکن اصلی یک نظام بین‌المللی مبتنی بر قوانین، برنامه ۲۰۲۰ چارچوبی ایده‌آل برای این گفتگو ارائه می‌کند. چنان که مدیر بخش تجزیه تحلیل و سیاست‌گذاری دپارتمان امور اقتصادی و اجتماعی (DESA)<sup>۲۹۳</sup> سازمان ملل متحد توضیح می‌دهد، اشتراکات و پیوندهای بیشماری بین اهداف کمربند و اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد (SDGs) وجود دارد. بسیاری از این اشتراکات مستقیم هستند از جمله آشکارترین اهداف سازمان ملل در رابطه با کاهش فقر، شغل مناسب و رشد اقتصادی و صنعت، نوآوری و زیرساخت (به ترتیب اهداف شماره ۱، ۸ و ۹ توسعه پایدار سازمان ملل متحد).<sup>۲۹۴</sup> بسته به سرمایه‌گذاری مطرح شده، ممکن است سرریزهای بخشی یا غیرمستقیم‌تری در رابطه با بقیه اهداف توسعه پایدار سازمان ملل نیز وجود داشته باشد. در حقیقت، طرح کمربند از پیش توسط سازمان ملل به‌عنوان یک «تسریع‌کننده بالقوه و حامل مؤثر» برای دستیابی به برنامه ۲۰۲۰ تأیید شده است.<sup>۲۹۵</sup> در سپتامبر ۲۰۱۵ تفاهم‌نامه‌ای بین چین و برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) امضا شد.

293. Department of Economic and Social Affairs

294. Hong (note 3).

295. United Nations Development Programme (UNDP), 'Belt and Road: new path to regional development', Press release, 10 Nov. 2016.



این تفاهم‌نامه چارچوبی برای همکاری راهبردی بود که هدفش ارتقاء مشارکت بین برنامه توسعه سازمان ملل متحد و دولت چین در اجرای طرح کمربند و جاده و برنامه ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار .... بسیج کردن و تسهیل هماهنگی بین همه سهامداران دخیل در ایجاد محیطی که به ریشه کنی فقر، پایداری زیست‌محیطی و توسعه فراگیر اجتماعی کمک می‌کند، بود.<sup>۲۹۶</sup> برنامه اقدام آدیس آبابا (AAAA)<sup>۲۹۷</sup> که «از ابتکارهای تازه در حوزه‌های زیرساختی استقبال می‌کند»، با هدف پر کردن خلاء زیرساختی در کشورهای در حال توسعه تدوین شده و می‌تواند به‌عنوان چارچوبی اضافی برای مشارکت در طرح کمربند چین نیز به کار گرفته شود.<sup>۲۹۸</sup>

همانطور که در بیانیه مشترک اخیر اتحادیه اروپا اشاره شده است، در خصوص «عناصری برای یک راهبرد نوین اتحادیه اروپا در قبال چین» اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد: سهم مشترکی به چین و اتحادیه اروپا در نابودی فقر و توسعه پایدار برای همه از طریق سازمان‌های مؤثر، مدیریت خوب، حکومت قانون و جوامع صلح‌طلب [می‌دهد] ... سازمان‌های مربوطه در اتحادیه اروپا و نیز کشورهای عضو اتحادیه باید به حمایت از توسعه بانک زیرساختی آسیا ادامه دهند و به‌منظور تقویت مدیریت خوب و سیستم چندجانبه با بانک توسعه نوین وارد گفتگو شوند ... علاوه بر این، اتحادیه اروپا در حوزه بهترین تجارب در قالب قرض دادن به کشورهای در حال توسعه از جمله مسائلی مانند تداوم قرض، استانداردهای کاری و زیست‌محیطی و مبارزه با رشوه و فساد، باید به‌دنبال گفتگو با چین باشد.<sup>۲۹۹</sup>

در حقیقت، همکاری‌های توسعه‌ای در کشورهای سوم به‌عنوان ابزاری برای هر دو طرف جهت نیل به اهداف توسعه‌ای مشترک، از سوی سفیر اتحادیه اروپا در چین مورد تأکید قرار گرفت.<sup>۳۰۰</sup> رایزن دولت چین نیز اشاره مستقیمی به طرح کمربند به‌عنوان ابزاری برای

296. 'First MOU signed between China and an international organization on promoting the Belt and Road', People's Daily Online, 20 Sep. 2016, <<http://en.people.cn/n3/2016/0920/c90000-9117119.html>>.

297. Addis Ababa Action Agenda

298. United Nations, 'Addis Ababa Action Agenda of the Third International Conference on Financing for Development', 2015.

299. European Commission, Joint Communication to the European Parliament and the Council, 'Elements for a new EU strategy on China', 22 June 2016.

300. Schweisgut, H. D., 'The four pillars of EU-China cooperation', Friends of Europe, 6 June 2016, <<http://www.friendsforeurope.org/global-europe/the-four-pillars-of-eu-china-cooperation/>>.

این کار اشاره داشته است.<sup>۳۰۱</sup> اتحادیه اروپا علاوه بر همکاری با چین همچنین می‌تواند با کمک به ظرفیت‌سازی و اداره عمومی با دولت‌های محلی نیز ارتباط نزدیک‌تری داشته باشد تا به دستگاه‌های دولتی کمک کند که منابع مالی چینی را با روش‌ها و از کانال‌هایی که با تعهداتشان برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار سازمان ملل همخوان‌تر هستند، به کار بگیرند. بسیاری از این کشورها نقیصی در سرمایه انسانی و سازمانی دارند که آنها را از تدوین برنامه‌های توسعه ملی جامع مربوط به خودشان باز می‌دارند.

در سطحی به مراتب منطقه‌ایتر در آسیای میانه و جنوبی، هم چین و هم اتحادیه اروپا امنیت محلی را وابسته به توسعه اجتماعی و اقتصادی می‌دانند. چنان که این گزارش توضیح می‌دهد، تصمیم‌گیری برای بسیاری از پیامدهای امنیتی-توسعه‌ای و مدیریت طرح کمر بند در سطح محلی هنوز خیلی زود است. خود کفایی بیشتر فرضی برای کشورهای اورآسیایی با رقابت روزافزونی که ممکن است صنایع محلی با آن روبرو شوند و نیز وابستگی، اگر نگوئیم بدهکاری، دولت به سرمایه چین، تعدیل می‌شود. توسعه فرضی اقتصادی-اجتماعی به واسطه مخاطراتی که ممکن است بر اثر سوء مدیریت عمومی و فساد افزایش یابند، با مشکل روبرو می‌شود؛ هیچ تضمین بالفعلی وجود ندارد که منافع درون کشوری به طور گسترده و به تساوی تقسیم شوند. بنابراین، در رابطه با این مسائل، اتحادیه اروپا و کشورهای عضو، منافع خود را در گرو کمک به شکل‌دهی این پویایی به سمت بهبود انعطاف‌پذیری دولتی-اجتماعی دیده‌اند. مزایای رقابتی تخصص فنی، استانداردها و رویه‌های سرمایه‌گذاری (از جمله مسئولیت اجتماعی گروهی، CSR)<sup>۳۰۲</sup> تجربه در اجرای پروژه‌های کمک‌رسانی و توسعه بین‌المللی، برقراری ارتباط با جامعه مدنی و حتی تأکید روی امنیت انسانی به جای امنیت دولتی، همگی می‌توانند برای کمک به چین در این رابطه استفاده شوند. مقامات و کارشناسان چینی، با توجه به فقدان تجربه و ردپای ضعیف چین در بسیاری از این امور، در مجامع مختلف تأکید داشته‌اند که این نوع همکاری‌ها - گفتگو کردن با سهامداران و سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOها) - در واقع می‌تواند یک همکاری خوشایند از سوی اتحادیه اروپا باشد.<sup>۳۰۳</sup>

301. China's development and China-Europe cooperation: sources of positive energy for the world', Speech by Chinese State Councillor Yang Jiechi at the French Institute of International Relations, 14 Apr. 2016, <[http://www.fmprc.gov.cn/mfa\\_eng/wjdt\\_665385/zyjh\\_665391/t1355580.shtml](http://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/wjdt_665385/zyjh_665391/t1355580.shtml)>.

302. Corporate Social Responsibility

۳۰۳. مصاحبه‌ها و کارگاه‌ها، چین، قزاقستان و بلژیک، ۲۰۱۶.

از منظر امنیت غیر سنتی، چین به طرح کمربند و جاده «سبز» متعهد است، اما هیچ موضع گیری رسمی مستحکم تری از سرمایه گذاری های انرژی خارجی و زیرساختی با اهدافی در راستای حفاظت زیست محیطی وجود نداشته است. برای مثال، بسیاری از سرمایه گذاری ها در آسیای میانه در بخش های استخراجی سنتی باقی می ماند. از این رو، اواخر سال ۲۰۱۶ یک «پلتفورم همکاری توسعه پایدار کمربند و جاده برای تسهیل و به روزرسانی صنعتی و ظرفیت مدیریت کشورهای شامل ابتکار کمربند و جاده از طریق نوآوری سبز، هوشمند و پایدار فنی» طراحی شد.<sup>۳۰۴</sup> این پلتفورم، که در هماهنگی با برنامه توسعه سازمان ملل متحد طراحی شده است، سهامداران را قادر به شناسایی بهترین عملکردها و راهبردها برای حرکت به سمت پایداری و جامعیت بیشتر در رابطه با سرمایه گذاری کمربند می کند. این الگوها یا پلتفورم های همکاری ممکن است با مشارکت نهادهای مرتبط از اتحادیه اروپا ارتقاء پیدا کنند یا حتی در زمینه ای دوجانبه بین اتحادیه اروپا-چین یا چندجانبه تکرار شود.

کمربند همچنین پیامدهای امنیتی سخت تری در ثبات سیاسی و تروریسم و نیز مسائل مربوط به حفظ صلح، حل و فصل تنش و صلح آفرینی - به ویژه در آسیای جنوبی - خواهد داشت. به هر حال، مسیر مزبور بسیار بیشتر از خود کمربند به پویایی سیاسی محلی بستگی دارد. در حال حاضر، در حیطه این چارچوب سست بنیان خود کمربند، ممکن است جای چندانی برای مشارکت اتحادیه اروپا با چین و دولت های محلی در زمینه مسائلی از این دست وجود نداشته باشد، به ویژه در مناطقی که نفوذ امنیتی خود اتحادیه اروپا خیلی محدود است. در هر صورت، همکاری مجزا اما مرتبط با کمربند در حوزه امنیت انرژی، تغییرات آب و هوایی و فناوری سبز، کفایت منابع، مدیریت بلایای طبیعی، بهداشت عمومی، امور انسانی و مبارزه با تروریسم، همگی به عنوان حوزه های مورد علاقه مشترک مورد تأکید اتحادیه اروپا و چین بوده اند.<sup>۳۰۵</sup>

با وجود رقابت و چشم و همچشمی بر سر بازارها، سرمایه گذاری مشترک بین اتحادیه اروپا یا کشورهای عضو اتحادیه و مؤسسات یا شرکت های چین می تواند ابزاری عملی و ملموس برای مشارکت در ارتقاء استانداردها و شفافیت قانون و مقررات باشد. اگر چه تا به امروز، پلتفورم اتصال اتحادیه اروپا-چین هنوز خود را به همکاری در کشورهای سوم بسط نداده است. در هر حال، همکاری در سطح پروژهای در کشورهای سوم روی مسائل غیراقتصادی

304. UNDP, 'The Belt and Road Sustainable Development Cooperation Platform', 11 Nov. 2016, <<http://www.cn.undp.org/content/china/en/home/presscentre/articles/2016/11/11/the-Belt-and-road-sustainable-developmentcooperation-platform.html>>.

305. European Commission (note 248); and Chinese Ministry of Foreign Affairs (note 227).

نباید نادیده گرفته شوند، چرا که ممکن است مشارکت‌ها و تکمیل‌گری‌هایی بین برنامه‌های اتحادیه اروپا و ابتکارهای چینی وجود داشته باشد. در حوزه امنیت مرزی، اتحادیه اروپا از طریق برنامه مدیریت مرزی اتحادیه اروپا در آسیای میانه (BOMCA) در این منطقه عمدتاً مساعدت فنی نرم‌افزاری فراهم می‌کند، در حالی که چینی‌ها مواد و زیرساخت سخت‌افزاری را فراهم می‌کنند. همچنین ممکن است راه‌هایی وجود داشته باشد که اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن برای کمک به بسط منافع توسعه‌ای بتوانند تلاش‌های خود را با پروژه‌های سرمایه‌گذاری کلان چینی‌ها یکپارچه کنند. مثلاً، در پاکستان دپارتمان توسعه بین‌المللی پادشاهی متحد (DFID)<sup>۳۰۶</sup> در تأمین مالی مشترک بزرگراهی که برای ترویج اتصال منطقه‌ای، رشد اقتصادی و ثبات در پاکستان<sup>۳۰۷</sup> به زیرساخت کریدور اقتصادی چین-پاکستان وصل خواهد شد با بانک توسعه آسیایی (ADB) همکاری می‌کند.<sup>۳۰۷</sup>

فعالیت‌های مشارکتی ممکن است مستلزم همکاری مستقیم بین اتحادیه اروپا یا مقامات دولتی کشورهای عضو اتحادیه و چینی‌ها نباشد، اما گفتگوی درون‌کشوری بیشتر حتی در سطح اشتراک اطلاعات افزوده در خصوص کمربند میان سفارتخانه‌ها و مأموریت‌های درون منطقه‌ای و همکاری با مقامات و سهامداران محلی می‌تواند به‌طور بالقوه میزبانی برای فرصت‌های برنامه‌ریزی همیارانه باشند. در بسیاری از موارد، سیاست‌گذاران یا تحلیل‌گران در چین یا اتحادیه اروپا ممکن است از قبل راجع به این تلاش‌ها نیندیشیده باشند. در واقع، شمول یا دخالت ساده چین در برخی از ابتکارها و پروژه‌ها توسعه‌ای منطقه‌ای که اتحادیه اروپا راه‌اندازی کرده است، می‌تواند در شناساندن راه و روش به این سهامدار مهم مفید باشد. همچنین با توجه به نفوذ فزاینده چین در دولت‌های محلی، این امر می‌تواند به‌طور بالقوه به ارتقاء تأثیرگذاری فعالیت‌های اتحادیه اروپا کمک کند.

گفتگوی بیشتر و بیشتر بین اتحادیه اروپا و چین در درون (از طریق وضعیت ناظر احتمالی) و بین سازمان‌های چندجانبه مثل سازمان امنیت و همکاری در اروپا (OSCE)<sup>۳۰۸</sup> با سازمان همکاری شانگهای، می‌تواند ابزاری اضافی برای اتحادیه اروپا جهت پیش بردن منافع خود در منطقه‌گرایی مشارکتی باشد. کنفرانس تعامل و اعتمادسازی در آسیا (CICA)<sup>۳۰۹</sup>، که پاکستان و چهار کشور دیگر در آسیای میانه را در بر می‌گیرد، پلتفرم سازمانی دیگری است که در این

306. Department for International Development

307. Rana, S., 'UK to partner in CPEC, provide \$121.6 million grant', *Express Tribune*, 1 Sep. 2016.

308. Organization for Security and Co-operation in Europe

309. Conference on Interaction and Confidence-Building Measures in Asia

حوزه می‌توان در نظر گرفت. با این حال، با توجه به واقعیات ژئوپلیتیک منطقه هنوز هم حدی از آب شدن سیاسی یخ تنش‌های بین دولتی پیشنهاد همکاری‌های اقتصادی میان این کشورها خواهد بود - اگر نخواهیم بحث امنیت را مطرح کنیم.

به هر صورت، در حال حاضر اتحادیه اروپا در برخورد با آسیای جنوبی و تا حدود کمتری آسیای میانه، فاقد چشم‌اندازی راهبردی برای نوع نظم منطقه‌ای است که دوست دارد ببیند یا ترویج کند. تلاش‌های چین برای همبستگی و حضور روزافزونش در منطقه اورآسیا احتمالاً تعیین‌کننده اصلی مدیریت آینده منطقه در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی خواهد بود. در درازمدت، این نفوذ می‌تواند آثاری در سطح جهانی از خود به جای بگذارد. بنابراین، در ارتباط با دورنمای این مدیریت که به سرعت در حال دگرگونی و تغییر است، بسیار به جا خواهد بود که اتحادیه اروپا راهبردی عمل کرده، برای ترویج گونه «نظم قانون‌مدار جهانی» که بیشترین همخوانی را با ارزش‌ها و منافعش دارد، با سایر سهامداران در اورآسیا - چین و سایرین - همکاری داشته باشد.

### ۳-۳- توصیه‌های سیاستی برای اتحادیه اروپا

در این برهه زمانی، طرح کمربند به‌عنوان پلتفرمی برای همکاری گسترده‌تر اتحادیه اروپا و چین در حوزه مسائل امنیت سخت‌تر در اورآسیا ممکن است چندان نوید بخش نباشد. با این حال، بیانگر فرصتی است برای اتحادیه اروپا تا برای رسیدن به همکاری‌های نزدیکتر امنیتی - توسعه‌ای در زمینه طیفی از موضوعات نرم‌تر امنیت یا توسعه کار کند. اتحادیه اروپا با رقابت منفی پیشدستانه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک با چین، می‌تواند از کمربند برای دستیابی تدریجی به روابط با چین استفاده کند و اعتماد سیاسی متقابل و درک منافع امنیتی بیشتری کسب نماید. بی‌تردید، با توجه به واقعیات ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک و نیز خلاء سازمانی در اتحادیه اروپا، چنین مشارکتی تنها به صورت تدریجی و به مرور زمان تحقق می‌پذیرد.<sup>۳۱۰</sup> به هر حال، اتحادیه اروپا می‌تواند با یک ارزیابی راهبردی و تدوین دستور کاری با نگاه به جلو شروع کند، که پیامدهای امنیتی کمربند در آسیای میانه، جنوبی و سایر مناطق اورآسیا که برای اروپا حائز منافع امنیتی هستند، را بررسی می‌کند. آنگاه تصمیمی که اتحادیه اروپا در قبال طرح کمربند می‌گیرد باید مبتنی بر تجزیه و تحلیل این پویاییها بوده و در سطحی ایده‌آل تجزیه و تحلیل‌های مربوط به سایر مناطق فرعی را نیز لحاظ کند. گزارش حاضر توصیه می‌کند اتحادیه اروپا با چنین آغازی نکات زیر را مد نظر قرار دهد.

۳۱۰. مشاهداتی از این دست از سوی دیگرانی چون دوکاتل و همکاران هم گزارش شده است (بند ۱۹۹).

**در کوتاه‌مدت**

۱- برای پایش تأثیرات و پیامدهای کمربند، سرمایه‌انسانی بیشتری به سرویس اقدام بیرونی اروپایی (EEAS) و سایر آژانس‌های مربوطه تخصیص دهد. بر این اساس، تلاش کند با مقامات چینی مربوطه در خصوص آثار کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت طرح و چگونگی تأثیرگذاری این پیامدها بر منافع خارجی و امنیتی اتحادیه اروپا بحث و تبادل نظر داشته باشد. این کار چارچوبی خواهد بود برای پایش و ارزیابی پیامدهای مزبور.

۲- به منظور دست کم اشتراک بیشتر امنیت اطلاعات و ارزیابی ریسک طرح کمربند، با چین در سطح سفرا و مأمورین و نیز با سایر کنشگران کشورهای سوم مانند سازمان‌های مردم نهاد و کسب و کارهای سازمان‌یافته گفتگوهای درون کشوری قوی برگزار کند. این کار می‌تواند به کشف راه‌های تشریک مساعی در برنامه‌ریزی توسعه‌ای و امنیت نرم‌افزاری بین اتحادیه اروپا و چین کمک کند. دولت‌های محلی و کنشگران طرف سوم می‌توانند اطلاعات خود را به اشتراک بگذارند و از این طریق مطالعات موردی برای بهترین تجارب در مشارکت با چین به دست آید.

۳- سازمان ملل و سایر سهامداران طرح کمربند با مشارکت دادن چین از طریق چارچوب توسعه جهانی و دستور کار ۲۰۳۰ سازمان ملل منافع مربوطه را برای امنیت انسانی، انعطاف‌پذیری دولتی - اجتماعی و بازده‌های اجتماعی سرمایه‌گذاری کمربند در زیرساخت‌ها و بخش‌های مربوطه به حداکثر برسانند. خارج از کانال سازمان ملل، این کار می‌تواند از طریق گفتگوهای دوجانبه سالانه در سطح مقامات ارشد - چنان که در دستور کار همکاری‌های اتحادیه اروپا-چین ۲۰۲۰ نهادینه شده - صورت پذیرد.

**در دوره زمانی کوتاه‌مدت تا میان‌مدت**

۱- تدوین چشم‌انداز اتحادیه اروپا برای اورآسیایی با ثبات تر و ایمن تر. این امر مستلزم ترکیب نقش راهبردی خود اتحادیه اروپا در اورآسیا، دیدگاه‌هایش در خصوص معماری امنیتی آسیا و چشم‌اندازش برای مدیریت رو در روی سایر سهامداران، از جمله نه تنها ایالات متحده و چین، بلکه هندوستان، روسیه، قدرت‌های متوسط و کنشگران محلی، است. این چشم‌انداز باید در برگیرنده پیشنهادهاتی برای رویکرد یکپارچه‌تر و راهبردی‌تر اتحادیه اروپا به منافع امنیتی در آسیای میانه و آسیای جنوبی باشد. سپس چشم‌انداز مزبور می‌تواند به عنوان دستورالعملی برای همه تلاش‌های اتحادیه اروپا در سایر طرح‌های امنیتی و اتصال در منطقه اورآسیا، از جمله کمربند، و نیز ارزیابی آنها به کار گرفته شود.

۲- فراهم کردن مساعدت سیاستی در زمینه‌های فنی و توسعه-امنیتی بیشتر برای کشورهای شرکت کننده برای استفاده بهتر از کمربند و هدایت سرمایه‌های آن برای اهداف توسعه پایدار اقتصاد ملی، تدارک امنیت انسانی و تعهد دولت‌های محلی به اهداف توسعه پایدار سازمان ملل (SDGs). این کار می‌تواند با هماهنگی بیشتر با کنشگران چینی صورت گیرد. بسیاری از کشورهای مشارکت کننده در طرح کمربند فاقد سرمایه‌سازمانی و انسانی برای پیگیری مؤثر و مفید این گونه دستور کارها هستند و مزایای رقابتی اتحادیه اروپا می‌تواند به تخصصی که ضرورت خیلی بیشتری دارد تبدیل شوند.

۳- هدایت کنشگران کلیدی منطقه اورآسیا، چین، هندوستان و روسیه و سایر کنشگران ذریبط به سمت ایجاد یک سازوکار مشورتی مشترک برای هماهنگی کمربند. از آنجا که حوزه نفوذ کمربند رو به گسترش است، پیامدهای امنیتی آن برای تمامی کنشگران فوق و کنشگران کوچکتر نیز افزایش خواهد داشت. تمامی سهامداران علاقه‌مند کمربند باید در تجزیه و تحلیل، برنامه‌ریزی و پایش دقیق‌تر و مشترک طرح مشارکت داشته باشند. این ارزیابی می‌تواند در برگیرنده چشم‌انداز توسعه و همبستگی کمربند، شامل مسیرها و جریان‌های تجاری، باشد. این امور بهتر است پیشاپیش هماهنگ شوند تا از تنش‌های احتمالی پس از اجرا پرهیز شده و منافع امنیت اقتصادی اتحادیه اروپا به مخاطره نیفتد. ایفای نقش یا به کارگیری سازوکار گفتگو در سازمان همکاری‌های شانگهای و توانمندسازی مجدد کنفرانس تعامل و اعتمادسازی آسیا نیز ممکن است به دستیابی به اهداف مزبور کمک کند (رجوع کنید به قسمت بعد).

۴- مناسب‌سازی برنامه‌ریزی توسعه‌ای اتحادیه اروپا در کشورهای ذریبط در پاسخ به چشم‌اندازهای اقتصادی یا کسب و کاری در حال تغییر چنان که توسط طرح کمربند شکل‌دهی شده است، مثلاً از طریق (الف) برنامه‌ریزی آموزشی و فنی و حرف‌های در صنایع فنی با هدف افزایش حداکثری اشتغال محلی و کاهش فقر؛ (ب) کاربرد برنامه‌های حفاظت محیط‌زیست موجود برای پایش و به حداقل رساندن تأثیرات زیست‌محیطی سرمایه‌گذاری‌های کلان چین، یا (ج) پروژه‌های تکمیلی در زیرساخت اجتماعی. به‌منظور به حداقل رساندن هر گونه تأثیر مخرب اجتماعی-اقتصادی پروژه‌های کمربند، می‌توان این کار را با هماهنگی بیشتر با سهامداران چینی و نیز جامعه مدنی محلی انجام داد.

## در درآمدت

۱- ایفای نقش یا به کارگیری سازوکار گفتگو در سازمان همکاری‌های شانگهای و توانمندسازی مجدد کنفرانس تعامل و اعتمادسازی آسیا: احتمال دارد این نهادها نقشی

به مراتب مهم در بحث‌های مربوط به پویایی امنیتی کمر بند ایفا کنند و در مورد سازمان همکاری‌های شانگهای، این سازمان سیاست‌های امنیتی حقیقی و فعالیت‌های مرتبطی در این زمینه دارد. علاوه بر این، اتحادیه اروپا به دنبال گفتگوی امنیتی بیشتر با چین و از طریق سازمان امنیت و همکاری در اروپا (OSCE) است.

۲- مشارکت با چین، افغانستان و سایر سهامداران ذیربط در رابطه با ارزیابی بهترین روش بهره‌برداری از کمر بند، به ویژه کریدور اقتصادی چین-پاکستان، برای کمک به موقعیت امنیتی شکننده افغانستان. این کار را می‌توان با گفتگوهای Track 1.5 پیش برد. اتحادیه اروپا از سال ۲۰۰۱ به بعد سرمایه‌گذاری چشم‌گیری (با هر معیاری) در افغانستان داشته است و به همین دلیل منطقی است که در تلاش‌ها برای همبستگی منطقه‌ای حرفی برای گفتن داشته باشد. علاقه چینی‌ها و پاکستانی‌ها به توسعه، اتصال و حفاظت کریدور اقتصادی چین-پاکستان را نباید دست کم گرفت و می‌توان از آن برای بهبود ثبات در افغانستان بهره‌برداری کرد.

۳- شناسایی پروژه‌های سرمایه‌گذاری مشترک درازمدت در کشورهای سوم، و تعمیق همکاری‌ها بین مؤسسات مالی چینی مربوطه، از جمله بانک سرمایه‌گذاری زیرساختی آسیا، و دیگر مؤسسات مثل بانک سرمایه‌گذاری اروپا (EIB)<sup>311</sup> یا بانک اروپایی برای بازسازی و توسعه (EBRD)<sup>312</sup> و نیز سایر بانک‌ها و بنگاه‌های توسعه‌ای مرتبط، به عنوان ابزاری برای ارتقاء استانداردهای تدارکاتی، تنظیمی، زیست‌محیطی، کارگری و سایر استانداردهای سرمایه‌گذاری. این کار می‌تواند کمک کند به: (الف) کاهش این خطر که سرمایه‌گذاری کمر بند ممکن است مدیریت اقتصادی ضعیف در کشورهای ذیربط را تشدید کند؛ و (ب) به حداقل رساندن سرمایه‌گذاری‌هایی که به لحاظ اجتماعی-اقتصادی تنش‌آفرین هستند.

311. European Investment Bank

312. European Bank for Reconstruction and Development



## ضمیمه ۱- اهداف توسعه پایدار سازمان ملل (SDGs)

- هدف ۱: ریشه کن کردن فقر به هر شکلی و در هر جایی.
- هدف ۲: ریشه کن کردن گرسنگی، دستیابی به امنیت غذایی و تغذیه بهبود یافته و ترویج کشاورزی پایدار.
- هدف ۳: تضمین سلامت جان افراد و ترویج رفاه برای همه در هر سنی.
- هدف ۴: تضمین آموزش کیفی فراگیر و برابر و ترویج فرصت‌های فراگیری در تمام عمر برای همه.
- هدف ۵: دستیابی به برابر جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران.
- هدف ۶: تضمین در دسترس و پایدار بودن مدیریت آب و بهداشت برای همه.
- هدف ۷: تضمین دسترسی به انرژی مقرون به صرفه، مطمئن، پایدار و مدرن برای همه.
- هدف ۸: ترویج رشد اقتصادی پیوسته، فراگیر و پایدار، اشتغال کاملاً مولد و کار مناسب برای همه.
- هدف ۹: ایجاد زیرساخت‌های بهبودپذیر، ترویج صنعتی‌سازی فراگیر و پایدار و حمایت از نوآوری.
- هدف ۱۰: کاهش نابرابری در درون کشورها.
- هدف ۱۱: فراگیر، امن، متناسب و پایدار نمودن شهرها و سکونتگاه‌های انسانی.
- هدف ۱۲: تضمین الگوهای مصرف و تولید پایدار.
- هدف ۱۳: اقدام فوری برای مبارزه با تغییرات آب و هوایی و آثار آن.
- هدف ۱۴: حفاظت و بهره پایدار از اقیانوس‌ها، دریاها و منابع دریایی برای توسعه پایدار.
- هدف ۱۵: محافظت، ذخیره و ترویج استفاده پایدار از اکوسیستم‌های زمینی، مدیریت پایدار جنگل‌ها، مبارزه با بیابانزایی و توقف و معکوس کردن روند فرونشست زمین و توقف حذف تنوع زیستی.
- هدف ۱۶: ترویج جوامع صلح‌طلب و فراگیر برای توسعه پایدار، ایجاد امکان دسترسی به عدالت برای همه و ساختن مؤسسات مفید، پاسخگو و فراگیر برای همه سطوح.
- هدف ۱۷: تقویت ابزار اجرا و احیای مجدد مشارکت جهانی برای توسعه پایدار.

## ضمیمه ۲- علائم اختصاری

- AAAA: Addis Ababa Action Agenda  
AIIB: Asian Infrastructure Investment Bank  
ASEAN: Association of Southeast Asian Nations  
ASEM: Asia–Europe Meeting  
BCIMEC: Bangladesh–China–India–Myanmar Economic Corridor  
Belt: the Silk Road Economic Belt  
BOMCA: Border Management in Central Asia  
BRI: Belt and Road Initiative  
CEE: Central and Eastern Europe  
CDB: China Development Bank  
CICA: Conference on Interaction and Confidence-Building Measures in Asia  
CNPC: China National Petroleum Corporation  
CPEC: China–Pakistan Economic Corridor  
CPC: Communist Party of China  
CSDP: Common Security and Defence Policy  
DESA: United Nations Department of Economic and Social Affairs  
DFID: Department for International Development  
EEAS: European External Action Service  
EBRD: European Bank for Reconstruction and Development  
EEC: Eurasian Economic Commission  
EEU: Eurasian Economic Union  
EIB: European Investment Bank  
EU: European Union  
EUPOL: EU Police Mission  
EXIM: Export-Import Bank of China  
GDP: Gross domestic product  
IMU: Islamic Movement of Uzbekistan  
NGOs: Non-governmental organizations  
IS: Islamic State

MFA: Ministry of Foreign Affairs  
MOC: Ministry of Commerce  
MOU: Memorandum of understanding  
NASC: New Asian Security Concept  
NDB: New Development Bank  
NDRC: National Development and Reform Commission  
NSC: National Security Commission  
NSRF: New Silk Road Fund  
OFDI: Overseas foreign direct investment  
OSCE: Organization for Security and Co-operation in Europe  
PLA: People's Liberation Army  
PLAN: People's Liberation Army Navy  
RATS: Regional Anti-Terrorism Structure  
RMB: Renminbi  
Road: the 21st Century Maritime Silk Road  
ROI: Return-on-investment  
SAARC: South Asian Association for Regional Cooperation  
SAR: Special Autonomous Region  
SCO: Shanghai Cooperation Organization  
SDGs: Sustainable Development Goals  
SOE: State-owned enterprise  
SWF: Sovereign wealth fund  
TRACECA: Transport Corridor Europe Caucasus Asia  
TIP: Turkistan Islamic Party  
TPIP: Transatlantic Trade and Investment Partnership  
TPP: Trans-Pacific Partnership  
UNDP: United Nations Development Programme



# شناخت طرح کمر بند و جاده چین

پیتر کای

مؤسسه لوی برای سیاست بین الملل



## مقدمه

در پایان سال ۲۰۱۳، شی جین پینگ<sup>۱</sup> رئیس جمهور چین، یکی از بلندپروازانه ترین طرح های سیاست خارجی و اقتصادی چین را اعلام کرد. او خواستار ایجاد یک کمربند اقتصادی در جاده ابریشم و یک جاده ابریشم دریایی مناسب قرن بیست و یکم که مجموعاً با عنوان یک کمربند یک جاده به آن اشاره و نیز با عنوان طرح کمربند و جاده شناخته می شود، بود. چشم انداز شی، یک برنامه بلندپروازانه ایجاد زیرساخت به منظور اتصال مناطق مرزی کمتر توسعه یافته چین به کشورهای همسایه است. مسلماً این طرح، یکی از عظیم ترین برنامه های توسعه در عصر جدید به شمار می رود.

پکن قصد دارد مناطق توسعه نیافته و دور افتاده کشور را به طور زمینی از طریق آسیای مرکزی به اروپا متصل کند. این جاده با عنوان کمربند اقتصادی جاده ابریشم تعبیر می شود. دومین بخش از برنامه شی، ساخت یک جاده ابریشم دریایی مناسب قرن بیست و یکم به منظور اتصال آسیای جنوب شرقی به سرعت در حال توسعه، به استان های جنوبی چین توسط بنادر و جاده های ریلی است.

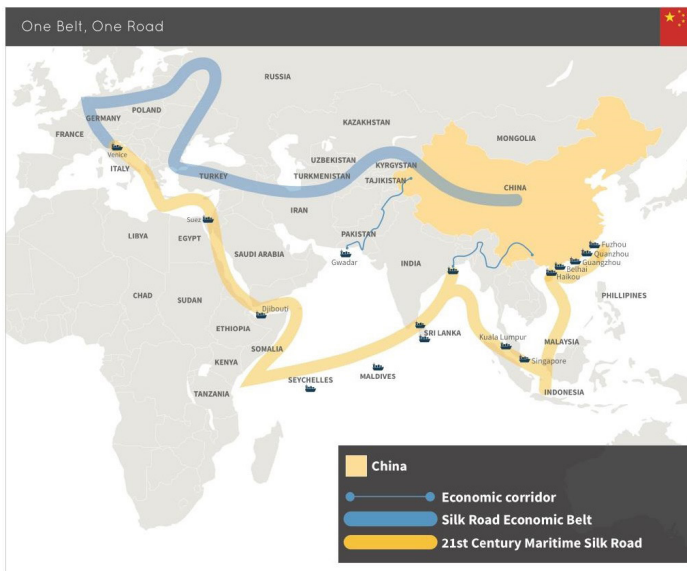
تمام سطوح دولت چین، از آژانس ملی برنامه ریزی اقتصادی<sup>۲</sup> تا دانشگاه های استانی، جهت ایفای نقش در طرح کمربند و جاده در تکاپو هستند. تقریباً هر یک از استان های چین برنامه خود برای مشارکت در طرح کمربند و جاده را جهت تکمیل نقشه ملی توسعه داده است. سیاست کلان دولت و بانک های تجاری، برنامه های تأمین مالی سخاوتمندانه ای جهت تحقق چشم انداز بلندپروازانه شی ارائه کرده اند.

1. Xi Jinping

2. national economic planning agency

«ما باید در فرایند یکپارچه سازی اقتصادی منطقه‌ای، تسریع ایجاد زیرساخت، و اتصال مناطق، مشارکت داشته باشیم و نقش مشوق را ایفا کنیم.»

شی، طرح کمربند و جاده را زمانی آغاز کرده است که سیاست خارجی چین قاطعانه‌تر شده است.<sup>۳</sup> این به این معنا بوده است که طرح کمربند و جاده اغلب به عنوان یک برنامه ژئوپلیتیکی تفسیر می‌شود تا یک برنامه صرفاً اقتصادی. در حالی که این تفسیر تا حد زیادی صحت دارد، این تحلیل استدلال می‌کند که تمرکز بر جنبه‌های ژئوپلیتیکی طرح کمربند و جاده، انگیزه‌های اصولاً مربوط به اقتصاد جغرافیایی آن را با ابهام روبرو می‌سازد، به خصوص ارتباط طرح با تغییرات سیاست داخلی چین در خصوص صنعت.



### طرح کمربند و جاده: ژئواستراتژی یا ژئواکونومیک؟

پیش از هجدهمین کنگره حزب در سال ۲۰۱۳، مباحثات داغی میان سیاست‌گذاران و کارشناسان در خصوص تعیین جهت استراتژیک سیاست خارجی کشور، به ویژه در خصوص همسایگان<sup>۴</sup>

3. Christopher K Johnson, "President Xi Jinping's 'Belt and Road' Initiative:

A Practical Assessment of the Chinese Communist Party's Roadmap for China's Global Resurgence", CSIS Report, 28 March 2016, <https://www.csis.org/analysis/president-xi-jinping's-belt-and-road-initiative>.

۴. بر اساس تحقیقات شیولی، یکی از پژوهشگران ارشد آکادمی علوم اجتماعی چین، همسایه به گروه پراکنده‌ای شامل ۶۳ کشور از آسیا، روسیه، و اقیانوسیه، که در شرق کوه‌های اورال و غرب تنگه برینگ، جنوب کوه‌های قفقاز و شرق تنگه بسفر و کانال سوئز واقع شده‌اند اشاره دارد:



وجود داشت.<sup>۵</sup> در اکتبر ۲۰۱۳، پکن یک کنفرانس کاری مهم با عنوان دیپلماسی پیرامونی<sup>۶</sup> برگزار کرد. ظاهراً این همایش، بزرگترین همایش در خصوص سیاست خارجی از سال ۲۰۰۶ و اولین همایش با موضوع سیاست در خصوص کشورهای همسایه از زمان تأسیس جمهوری خلق بوده است. تمام بازیگران اساسی که در فرایند سیاست گذاری خارجی چین نقش دارند، از جمله تمام اعضای کمیته دائمی دفتر سیاسی، در این همایش شرکت کردند.<sup>۷</sup> شی در کنفرانس کاری دیپلماسی پیرامونی اظهار کرد: همسایگان چین، ارزش استراتژیک بسیار مهمی دارند. او در ادامه افزود: می‌خواهد روابط چین را با همسایگان بهبود بخشد، روابط اقتصادی را مستحکم کند، و همکاری‌های امنیتی را تعمیق نماید.<sup>۸</sup>

«حفظ ثبات در همسایگی چین، هدف کلیدی دیپلماسی پیرامونیست. ما باید در فرایند یکپارچه سازی اقتصادی منطقه‌ای، تسریع ایجاد زیرساخت، و اتصال مناطق، مشارکت داشته باشیم و نقش مشوق را ایفا کنیم. ما باید کمربند اقتصادی جاده ابریشم و جاده ابریشم دریایی قرن بیست و یکم را بسازیم و یک نظم اقتصادی منطقه‌ای جدید ایجاد کنیم».<sup>۹</sup>

شی آشکارا منابع اقتصادی قابل ملاحظه چین را به عنوان یک ابزار کلیدی در تلاش‌های خود به منظور حفظ ثبات منطقه‌ای و دفاع از رهبری چین بر همسایگان به کار می‌گیرد. تحلیل‌گران این کنفرانس کاری را نقطه عطفی در تحول سیاست خارجی چین می‌دانند. داگلس پال<sup>۱۰</sup> از بنیاد صلح بین‌المللی کارنگی<sup>۱۱</sup> استدلال می‌کند که در این همایش، شاهد این بودیم که رهبری چین به طور مؤثری تلاش کرد سخن معروف «قدرت خود را مخفی کن و

[China's Neighbourhood Foreign Policy against the Backdrop of One Belt and One Road]", Financial Times (Chinese edition), 11 January 2016, <http://www.ftchinese.com/story/001065641>

5. Zhai Kun, ["One Belt and One Road: The Wings of a Great Nation", in One Belt and One Road Leads China: Strategic National Design and Implementation Guideline], Caixin Media Editorial Department ed (Beijing: China Wenshi Publishing House, 2015)

6. 'peripheral diplomacy'

۷. بحث مفصل در خصوص کنفرانس کاری دیپلماسی پیرامونی چین را اینجا ببینید:

Michael D Swaine, "Chinese Views and Commentary on Peripheral Diplomacy", China Leadership Monitor 44 (Summer 2014), <http://www.hoover.org/research/chinese-views-and-commentary-periphery-diplomacy>

8. [Xi Jinping's Important Speech at the Peripheral Diplomacy Work Conference]", Xinhua News Agency, 25 October 2013, [http://news.xinhuanet.com/politics/2013-10/25/c\\_117878897.htm](http://news.xinhuanet.com/politics/2013-10/25/c_117878897.htm)

9. Ibid

10. Douglas Paal

11. Carnegie Endowment for International Peace

منتظر فرصت مناسب بمان»<sup>۱۲</sup> از دنگ ژیاو پینگ<sup>۱۳</sup> رهبر سابق به فراموشی سپرده شود. بر اساس گفته‌های این تحلیل‌گر، در عوض، رهبری جدید چین، دیپلماسی کنش‌گرایانه‌تری را در مناطق پیرامونی پیش برده است.<sup>۱۴</sup>

این سیاست خارجی کنش‌گرایانه‌تر، این تصور را تقویت کرده است که محور طرح کمر بند و جاده در درجه اول، اهداف ژئواستراتژیک گسترده است. مشخصاً برخی از عناصر طرح کمر بند و جاده با چنین تصویری سازگار هستند. کریدور اقتصادی چین پاکستان، اولین نمونه از این دست به شمار می‌رود. این کریدور به طور گسترده‌ای یکی از پروژه‌های پرچمدار طرح کمر بند و جاده در نظر گرفته می‌شود و با اشتیاق توسط هم‌پکن و هم‌اسلام آباد مورد حمایت است. انتظار می‌رود این کریدور پیشنهادی، کاشغر در سین کیانگ در غربی‌ترین نقطه چین را به بندر گوادر در استان بلوچستان<sup>۱۵</sup> متصل کند. با در نظر گرفتن نزدیکی این بندر به خلیج فارس، گوادر می‌تواند به عنوان نقطه حمل به منظور تأمین انرژی چین استفاده شود و نیاز به عبور از تنگه مالاکا<sup>۱۶</sup> در جنوب شرق آسیا را از سر راه بردارد.<sup>۱۷</sup>

علاوه بر ایفای نقش به عنوان یک بندر تجاری، عمق آب‌های گوادر به اندازه‌ای است که می‌تواند زیردریایی‌ها و ناوهای هواپیمابر را نیز در خود جای دهد. در واقع، منطق نظامی به عنوان انگیزه توسعه این بندر، به طور روز افزونی برجسته‌تر می‌شود، نظیر اعزام افراد نیروی دریایی ارتش آزادی بخش به فعالیت‌های پرت و دور افتاده، از مأموریت‌های علیه دزدان دریایی در دریای عرب گرفته تا تخلیه کارگران چینی در لیبی.<sup>۱۸</sup>

12. hide your strength and bide your time

13. Deng Xiaoping

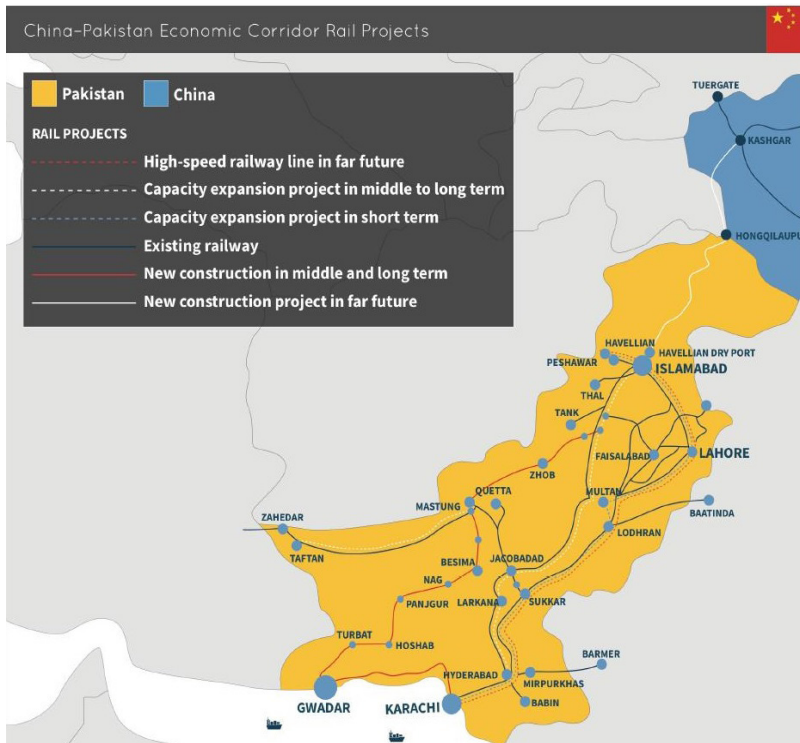
14. Douglas Paal, "Contradictions in China's Foreign Policy", Carnegie Endowment for International Peace, 13 December 2013, <http://carnegieendowment.org/2013/12/13/contradictions-in-china-s-foreign-policy-pub-53913> - comments

15. Baluchistan

16. Malacca

17. Dipankar Banerjee, "China's One Belt and One Road Initiative — An Indian Perspective", ISEAS Perspective, Issue 2016, No 14, 31 March 2016, [https://www.iseas.edu.sg/images/pdf/ISEAS\\_Perspective\\_2016\\_14.pdf](https://www.iseas.edu.sg/images/pdf/ISEAS_Perspective_2016_14.pdf)

18. Andrew Small, *The China-Pakistan Axis: Asia's New Geopolitics* (London: Hurst & Company, 2015), 103-105.



همچنین در یک سطح استراتژیک گسترده‌تر، سیاست‌گذاران چینی با نفوذ و تحلیل‌گران استدلال کرده‌اند که طرح کمربند و جاده می‌تواند به عنوان یک ابزار استراتژیک، علیه سیاست چرخش دولت اوپاما به آسیا استفاده شود. در سال ۲۰۱۵، جاستین ییفو لین<sup>۱۹</sup>، یکی از مشاوران سیاسی با نفوذ و اقتصاددان ارشد سابق در بانک جهانی، استدلال کرد رئیس‌جمهور شی طرح کمربند و جاده را به منظور تعدیل سیاست‌های ایالات متحده نظیر سیاست چرخشی<sup>۲۰</sup> و مشارکت ترانس پاسیفیک (تی پی پی)<sup>۲۱</sup> راه‌اندازی نموده است. او استدلال کرد چین باید از منابع اقتصادی خود از جمله ذخایر مالی هنگفت در خارج از کشور و تجربه در ایجاد زیرساخت، جهت استحکام موقعیت خود در منطقه استفاده نماید<sup>۲۲</sup>. تنگ مین<sup>۲۳</sup>، یکی از رایزنان

19. Justin Yifu Lin

20. pivot

21. Trans-Pacific Partnership (TPP)

22. Justin YiFu Lin, -@-^,

["One Belt and One Road, Enables China to Perfect its Market Economy", in Leading Scholars from National Think Tanks and Their Insights on China's New Silk Road] (Beijing: CITIC Press, 5, (2015)

23. Tang Min

در شورای حکومتی دولت چین<sup>۲۴</sup>، اشاره کرد که چین و بسیاری از اقتصادهای نوظهور، از مشارکت ترانس پاسیفیک با محوریت ایالات متحده محروم نگه داشته شده بودند، و این کشورها به یک قطب سوم نیاز داشتند که همان طرح کمربند و جاده است<sup>۲۵</sup>.

### چین از طرح کمربند و جاده به منظور دفاع از رهبری خود بر منطقه از طریق یک برنامه گسترده ادغام اقتصادی استفاده می‌کند.

انتخاب دونالد ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده در سال ۲۰۱۶ و رد مشارکت ترانس پاسیفیک توسط او در ژانویه ۲۰۱۷، به رهبری چین کمک خواهد کرد تا به طور مؤثرتری به جذب طرفدار برای طرح کمربند و جاده پردازد. همانطور که لی شین لونگ<sup>۲۶</sup>، نخست‌وزیر سنگاپور در ملاقاتی از واشینگتن در اوت ۲۰۱۶ هشدار داد، رد مشارکت ترانس پاسیفیک توسط ایالات متحده، به اعتبار آن در میان متحدان منطقه‌ای صدمه خواهد زد<sup>۲۷</sup>.

رئیس‌جمهور شی، در معرفی چین به عنوان قهرمان جدید جهانی تجارت آزاد، فرصت را از دست نداد. دیپلمات‌های چین مشغول جذب طرفداران معاملات تجاری منطقه‌ای مورد پشتیبانی پکن نظیر مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای و طرح کمربند و جاده بوده‌اند<sup>۲۸</sup>. نشانه‌های اولیه‌ای از آغاز گرایش برخی از متحدان منطقه‌ای ایالات متحده به سمت پکن در مسائل مربوط به رهبری اقتصادی قابل مشاهده است. برای نمونه، رودریگو دوترت<sup>۲۹</sup>، رئیس‌جمهور فیلیپین، علیرغم مشکلات موجود در روابط دو کشور بر سر جزایر مورد مناقشه دریای جنوبی چین، به گرمی از پکن استقبال کرده است<sup>۳۰</sup>.

### ژئواکونومیک

مشکل تفاسیر ژئواستراتژیک متعصبانه از طرح کمربند و جاده، اشتباه بودنشان نیست، بلکه ناقص بودنشان است. بسیاری از تحلیل‌گران مایل به مبالغه در خصوص جنبه‌های ژئواستراتژیک پروژه طرح کمربند و جاده هستند، در حالی که برنامه‌های اقتصادی آن را نادیده

24. State Council of the Chinese Government

25. Tang Min,

["One Belt and One Road Shows China's Great Power Attitude", in Leading Scholars from National Think Tanks and Their Insights on China's New Silk Road] (Beijing: CITIC Press, 2015)

26. Lee Hsien Loong

27. Dave Boyer, "At White House, Leader of Singapore Urges Congress to Approve Free-trade Deal", The Washington Times, 2 August 2016, <http://www.washingtontimes.com/news/2016/aug/2/singapore-pm-urges-congress-ok-free-trade-deal/>

28. Carrie Grace, "US Leaving TPP: A Great News Day for China", BBC News, 22 November 2016, <http://www.bbc.com/news/world-asia-china-38060980>

29. Rodrigo Duterte

30. Ben Blanchard, "Duterte Aligns Philippines with China, Says US Has Lost", Reuters, 20 October 2016, <http://www.reuters.com/article/us-china-philippines-idUSKCN12K0AS>

می گیرند.<sup>۳۱</sup> در حقیقت، این دو هدف، متناقض یکدیگر نیستند. چین از طرح کمربند و جاده به منظور دفاع از رهبری منطقه‌ای خود از طریق یک برنامه گسترده ادغام اقتصادی استفاده می‌کند. هدف، ایجاد یک زنجیره تولید منطقه‌ای است که در آن، چین مرکز تولید و نوآوری پیشرفته، و تعیین کننده استانداردها باشد. اما این نیز صحیح است که طرح کمربند و جاده به چین کمک می‌کند بر اکثر چالش‌های اقتصادی نگران کننده خود فائق آید. سه مورد از این چالش‌ها به طور خاص، در شناخت اهداف کلیدی طرح کمربند و جاده مهم هستند: تشویق توسعه منطقه‌ای از طریق ادغام مطلوبتر با اقتصاد کشورهای همسایه، ارتقا صنعت چین همزمان با صدور استانداردهای چین، و حل مشکل ظرفیت مازاد.

### طرح کمربند و جاده و توسعه منطقه‌ای

جنبه توسعه منطقه‌ای مربوط به طرح کمربند و جاده شاید یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست اقتصادی چین باشد. سازمان مسئول هماهنگ کننده دولت برای طرح کمربند و جاده، کمیسیون اصلاح و توسعه ملی<sup>۳۲</sup> است، یعنی ممتازترین سازمان برنامه‌ریزی اقتصادی کشور. ممکن است اجزای چینی داخلی پروژه‌های طرح کمربند و جاده پیش از اجزای فرامرزی ایجاد شوند، مشخصاً به این دلیل که پکن بتواند برنامه‌های خود را به طور بسیار مؤثرتری در قلمرو خود تقویت کند. اما اگر دولت چین در اتصال پروژه‌های داخلی به اجزای فرامرزی شکست بخورد، طرح کمربند و جاده با دیگر برنامه‌های داخلی ایجاد زیرساخت تفاوت اندکی خواهد داشت و تا حد بسیار زیادی از ارزش اقتصادی و استراتژیک آن کاسته می‌شود.

در سال ۲۰۱۴، در کنفرانس کاری اقتصادی مرکزی، (مجمع اقتصادی سالیانه سیاست‌گذاران به منظور تعیین دستور العمل‌ها)، طرح کمربند و جاده به طور رسمی در استراتژی توسعه اقتصادی ملی چین لحاظ شد. پکن سه برنامه توسعه منطقه‌ای را اعلام کرد، که یکی از آن‌ها طرح کمربند و جاده بود.<sup>۳۳</sup> این برنامه‌های توسعه منطقه‌ای به منظور رسیدگی به مشکل دیرینه توسعه نامواری در چین طراحی شده‌اند.

نابرابری میان مناطق غربی کشور و ایالات پر رونق ساحل شرقی، یک چالش بزرگ برای حزب حاکم به شمار می‌رود. برای مثال، کلانشهر ساحلی شانگهای، پنج برابر ثروتمندتر از ایالت گانسو است که زمانی بخشی از جاده ابریشم قدیم بود.<sup>۳۴</sup>

31. See Johnson, "President Xi Jinping's 'Belt and Road' Initiative", 20

32. National Development and Reform Commission

33. Chai Yifei, [Three Strategies Shoulder the Common Destiny]", The People's Daily (overseas edition), 20 September 2016, [http://paper.people.com.cn/rmrbhwb/html/2016-09/20/content\\_1713601.htm](http://paper.people.com.cn/rmrbhwb/html/2016-09/20/content_1713601.htm)

34. "Regional Development: Rich Province, Poor Province", The Economist, 1 October 2016, <http://www.economist.com/news/china/-21707964government-struggling-spread-wealth-more-evenly-rich-province-poor-province>

پکن تلاش داشته است شکاف میان این گونه استان‌ها را از بین ببرد. از سال ۱۹۹۹، دولت چین، «استراتژی توسعه غربی» را دنبال کرده است تا استان‌هایی از جمله منطقه خودمختار شین‌جیانگ با اکثریت مسلمان که به طور مزمین عملکرد ضعیفی داشته‌اند را مجدداً احیا کند. با این حال، این تلاش‌ها، نتایج ملموس اندکی در پی داشته است. علیرغم سیاست‌های ترجیحی، تزیقات مالی در مقیاس گسترده، و سرمایه‌گذاری‌های استان محور، سهم استان‌های غربی در کل تولید ناخالص داخلی چین، با سودی اندک تنها از ۱۷/۱ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۱۸/۷ درصد در سال ۲۰۱۰ رسیده است.<sup>۳۵</sup>

یکی از عوارض جانبی حاد سوبسیدهای سنگین در این استان‌ها، تمرکز بالای بنگاه‌های دولتی و نفوذ پایین بنگاه‌های خصوصی بوده است. برای نمونه، مناطق غربی شین‌جیانگ<sup>۳۶</sup>، تبت<sup>۳۷</sup>، چینگهای<sup>۳۸</sup>، و گانسو<sup>۳۹</sup>، چهار استان با پایین‌ترین رتبه در شاخص بازار آزاد سازمان پژوهش‌های اقتصادی چین<sup>۴۰</sup> هستند<sup>۴۱</sup>. میانگین امتیاز این چهار استان ۲/۶۷ است (۰ به معنای عدم وجود بنگاه‌های خصوصی و ۱۰ به معنای آزادی کامل است)، در حالی که میانگین ملی ۶/۵۶ است<sup>۴۲</sup>.

پکن شدیداً مایل به آزمودن روش‌های مختلف است تا بتواند این استان‌های با عملکرد ضعیف را مجدداً احیا کند و طرح کمربند و جاده یکی از راه‌های کلیدی دانسته شده است. منطق اقتصادی ورای آن به اندازه کافی ساده است، سیاست‌گذاران قصد دارند به جای قوطه‌ور کردن این استان‌ها در پول‌های دولتی، این مناطق را در اقتصادهای منطقه‌ای ادغام نمایند.

وضعیت شین‌جیانگ، یک بررسی موردی جالب را فراهم می‌سازد. چنانکه پیش از این اشاره شد، یکی از مهم‌ترین پروژه‌های پرچمدار طرح کمربند و جاده، کریدور اقتصادی چین

35. David SG Goodman ed, Handbook of the Politics of China (Cheltenham: Edward Elgar Publishing, 2015), 198

36. Xinjiang

37. Tibet

38. Qinghai

39. Gansu

40. China Economic Research Institute

۴۱. شاخص بازار آزاد، درجه آزادی اقتصادی استان‌های چین را اندازه می‌گیرد. این شاخص توسط سازمان پژوهش‌های اقتصادی چین منتشر می‌شود.

42. Wang Xiaolu, Yu Wenjing and Fan Gang, "Eh# MM

MS [A Progress Report on Eight Years of China's March Towards the Free Market Economy]", Caijing Magazine, 11 April 20, 2016

پاکستان است، که کاشغر در شینجیانگ را به بندر گوادر متصل می‌کند. این پروژه، که ۴۶ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود، یکی از آشکارترین نمونه‌هایی است که در آن، منطق ژئو استراتژیک طرح کمر بند و جاده، با انگیزه‌های اقتصادی آن تلاقی می‌کند.

شین جیانگ شامل جمعیت بزرگی از مسلمان‌های ترک زبان است که به طور روز افزون از حکومت پکن سرخورده تر شده‌اند. همچنین از دهه ۱۹۹۰ شین جیانگ به مرکز تروریسم در چین تبدیل شده است. اندرو اسمال<sup>۴۳</sup>، یکی از کارشناسان برجسته روابط چین و پاکستان، بیان می‌کند<sup>۴۴</sup> که آرمان‌های معطوف به خودمختاری بیشتر یا استقلال آشکار، با ظاهر زندگی سیاسی در استان، فاصله چندانی نداشته است. گسترش اسلام‌گرایی رادیکال در شین جیانگ، پیچیدگی وضعیت این استان که از پیش پرتنش بوده را بیشتر هم می‌کند.

حزب حاکم کمونیست، جنبش جدایی طلبی شین جیانگ را تهدیدی برای موجودیت این حزب می‌داند. پکن معتقد است فقر و عقب ماندگی، ریشه افزایش ستیزه جویی در این استان ناآرام است و بهترین استراتژی برای مهار ریشه این مشکل، ادغام شین جیانگ با منطقه همسایه است<sup>۴۵</sup>.

**پکن شدیداً مایل به آزمودن روش‌های مختلف است تا بتواند این استان‌های با عملکرد ضعیف را مجدداً احیا کند و طرح کمر بند و جاده یکی از راه‌های کلیدی دانسته شده است.**

لو شیولینگ<sup>۴۶</sup>، سفیر سابق چین در پاکستان، استدلال می‌کند که ساخت بندر گوادر از نظر اقتصادی برای شین جیانگ که در خشکی محصور شده و بین چهار تا پنج هزار کیلومتر با بنادر ساحلی چین فاصله دارد، حیاتی است. لو معتقد است این بندر به طور چشم‌گیری هزینه‌های حمل و نقل را برای این استان کاهش می‌دهد. او در ادامه استدلال می‌کند که منافع اقتصادی این کریدور، به حل مناقشات سیاسی پاکستان و شین جیانگ کمک می‌کند: «بهترین دارو برای درمان مشکل تروریسم، مقابله با عامل رشد تروریسم یعنی همان فقر است»<sup>۴۷</sup>. رئیس بانک مرکزی شین جیانگ نیز بحث مشابهی را مطرح نموده و اشاره کرده است که اتصال

43. Andrew Small

44. Small, *The China-Pakistan Axis: Asia's New Geopolitics*, 69-70

45. Alok Ranjan, "The China-Pakistan Economic Corridor: India's Options", *Institute of Chinese Studies Occasional Paper No 10*, May 2015, 12, <http://www.icsin.org/uploads/2015/06/05/31e217cf-46cab5bd9f15930569843895.pdf>

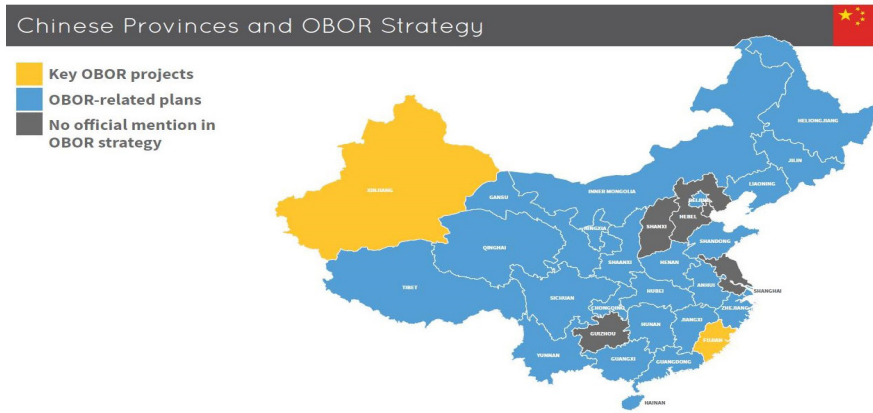
46. Lu Shuling

47. Lu Shulin,

[*"China-Pakistan Economic Corridor Is the Flagship Project of OBOR"*, in *Is China's Neighbourhood on Fire?*, Zhang Xiaon ed] (Beijing: Shijie Zhishi Publishing House, 2016)

مطلوب‌تر این استان با منطقه آسیای مرکزی، «امنیت ملی و امنیت اقتصادی» را به دنبال خواهد داشت.<sup>۴۸</sup>

علاوه بر توسعه منطقه غربی، انتظار می‌رود طرح کمربند و جاده در احیای اقتصادی استان‌های عقب مانده در شمال شرق و نیز سایر مناطق فقیر در جنوب غرب که با آسیای جنوب شرق هم مرز هستند، نقش مهمی ایفا کند. در حقیقت، تمام استان‌های چین مشتاقند در این پروژه ملی مشارکت داشته باشند. بسیاری آن را یک فرصت طلایی به منظور به دست آوردن حمایت سیاسی و بودجه بی‌دردسر برای پروژه‌های زیرساختی خود زیر پرچم طرح کمربند و جاده می‌دانند.



گووان یو کینگ<sup>۴۹</sup>، رییس سازمان پژوهشی اوراق بهادار مینشنگ<sup>۵۰</sup>، و یکی از معتبرترین تحلیل‌گران سهام در چین، می‌گوید تمام استان‌ها بر سر پروژه‌های مربوط به طرح کمربند و جاده، به شدت با یکدیگر در حال رقابتند. هر یک از استان‌ها می‌خواهد یک حلقه مهم در استراتژی ملی باشند و گووان معتقد است این مسئله منجر به مصرف دوباره هزینه‌های زیربنایی توسط دولت‌های محلی خواهد شد. بر اساس تخمین گووان، تمام استان‌ها بیش از یک تریون یوان<sup>۵۱</sup> برای پروژه‌های زیرساختی مربوط به طرح کمربند و جاده اختصاص داده‌اند، که ۶۸ درصد آن مربوط به خط آهن، جاده سازی، و فرودگاه‌ها است. طبق تخمین گووان، این

48. Guo Jianwei, ®'l—

["Xinjiang's Financial Services Industry Supports Strategic Development of 'Silk Road Economic Belt'", in *Leading Scholars from National Think Tanks and Their Insights on China's New Silk Road*] (Beijing: CITIC Press, 2015)

49. Guan Youqing

50. Minsheng Securities Research Institute

51. renminbi



مصرف ۶۸ درصد بودجه در پروژه‌های فوق، تنها ۰/۲ تا ۰/۳ درصد به تولید ناخالص ملی می‌افزاید، اگرچه که باید به این تخمین بطور محتاطانه نگرست<sup>۵۲</sup>.

### ارتقا صنایع چین همزمان با صدور استانداردهای این کشور

چین، به عنوان یک تولید کننده جهانی در سه دهه گذشته به شهرت قابل توجهی دست یافته است. با این حال، در سال‌های اخیر، مزایای مناسب چین در تولید، نظیر هزینه پایین نیروی کار، در حال از دست رفتن هستند. به همین دلیل، رهبری چین می‌خواهد به بالاترین نقطه زنجیره ارزش جهانی دست یابد.

به همین منظور، چین نیاز به ارتقا صنایع خود خواهد داشت. در حقیقت، این موضوع به یکی از مهم‌ترین اهداف داخلی اقتصادی چین تبدیل شده است. این مسئله در استراتژی سال ۲۰۲۵ با عنوان ساخت چین<sup>۵۳</sup> بازتاب یافته است<sup>۵۴</sup> که توسط وزیر صنعت و فناوری اطلاعات<sup>۵۵</sup> نگاهشته شده است. این استراتژی، از نقشه صنایع نسل ۴ آلمان الهام گرفته است. اهداف اصلی آن، سوق دادن صنایع تولید کشور به سمت به کارگیری نوآوری بیشتر، تأکید بر کیفیت به جای کمیت، و بازسازی صنعت تولید کم هزینه چین است<sup>۵۶</sup>.

پکن انتظار دارد طرح کمربند و جاده نقش مهمی در تسهیل صدور کالاهای با کیفیت تولید چین ایفا کند. سیاست‌گذاران چینی معتقدند بازارهای نوظهور که به واسطه طرح کمربند و جاده ایجاد می‌شوند، به پذیرش کالاهای صنعتی با کیفیت چین بیشتر متمایل خواهند بود تا کالاهای کشورهای توسعه یافته در آمریکای شمالی و اروپا.

تلاش چین صرفاً این نیست که از طریق طرح کمربند و جاده کالاهای با کیفیت صادر کند بلکه تشویق سایرین به پذیرش استانداردهای چین را نیز در بر می‌گیرد. آشنایی با تمرکز دولت چین بر صدور استانداردهای تکنولوژیکی خود، به منظور درک جاه‌طلبی گسترده‌تر این کشور برای تبدیل شدن به یک اقتصاد مبتنی بر نوآوری و یک پیشتاز در تحقیق و توسعه،

52. Guan Youqing, ANALYSIS

[“One Belt and One Road: The Fourth Wave of Investment”, in Leading Scholars from National Think Tanks and Their Insights on China’s New Silk Road] (Beijing: CITIC Press, 2015)

53. Made in China

54. Arthur Kroeber, “The Never-ending Slowdown”, China Economic Quarterly 19, Nos 3 and 4 (November 2015), 4

55. (MIIT)

56. 27 Scott Kennedy, “Made in China 2025”, Critical Questions, Center for Strategic and International Studies, 1 June 2015, <https://www.csis.org/analysis/made-china-2025>

ضروری است. طبق یک گزارش پژوهشی که از طرف کمیسیون بررسی اقتصادی و امنیتی ایالات متحده و چین<sup>۵۷</sup> تهیه شده است، سیاست‌گذاران، توسعه استانداردهای فناوری را عامل اصلی تحقق این اهداف می‌دانند.<sup>۵۸</sup>

یک مثل معروف چینی می‌گوید: «کمپانی‌های درجه سوم محصولات را می‌سازند، کمپانی‌های درجه دوم فناوری را می‌سازند، و کمپانی‌های درجه اول استانداردها را می‌سازند». یک باور رایج در چین، به ویژه در میان محافل سیاسی و تحصیل کرده‌ها وجود دارد، مبنی بر اینکه صرفاً کمپانی‌های استانداردساز می‌توانند به‌عنوان کمپانی‌های در رده جهانی شناخته شوند.<sup>۵۹</sup> شو جینگ<sup>۶۰</sup>، رئیس سازمان تولید هوشمند وابسته به وزارت صنعت و فناوری، می‌گوید طرح کمربند و جاده، در کمک به کمپانی‌های چینی برای تبدیل شدن هرچه بیشتر به کمپانی‌های ارزان و قابل رقابت در سطح بین‌المللی نقشی کلیدی ایفا خواهد نمود.<sup>۶۱</sup> به واسطه طرح کمربند و جاده، کمپانی‌های چینی و به خصوص تولیدکنندگان کالاهای صنعتی با کیفیت تشویق خواهند شد و انتظار می‌رود که در بازارهای با تقاضای بیشتر و محیط‌های تحت نظارت دقیق‌تر فعالیت نمایند. گسترش یک زنجیره تولید به مرکزیت چین همچنین تولیدکنندگان را وادار به ارتقا موقعیت خود در زنجیره ارزش خواهد نمود. این تلاش‌ها توسط تأمین‌کنندگان مالی در چین، که اغلب وام‌گیرندگان را به پذیرش کالاهای ساخت چین به‌عنوان شرط تمدید وام ترقیب می‌کنند، حمایت می‌شود.

**تلاش چین صرفاً این نیست که از طریق طرح کمربند و جاده کالاهای با کیفیت صادر کند، بلکه تشویق سایرین به پذیرش استانداردهای چین را نیز در بر می‌گیرد.**

کمپین دولت چین در جهت بازاریابی برای فناوری خط آهن پرسرعت خود، شاید یکی از بهترین نمونه‌های چگونگی استفاده این کشور از طرح کمربند و جاده برای ارتقاء صنعت باشد.

57. US-China Economic and Security Review Commission

58. Dan Breznitz and Michael Murphree, "The Rise of China in Technology Standards: New Norms in Old Institutions", Research Report Prepared on Behalf of the US-China Economic and Security Review Commission, 16 January 2013, 4, <https://www.uscc.gov/sites/default/files/Research/RiseofChinainTechnologyStandards.pdf>

59. Ibid

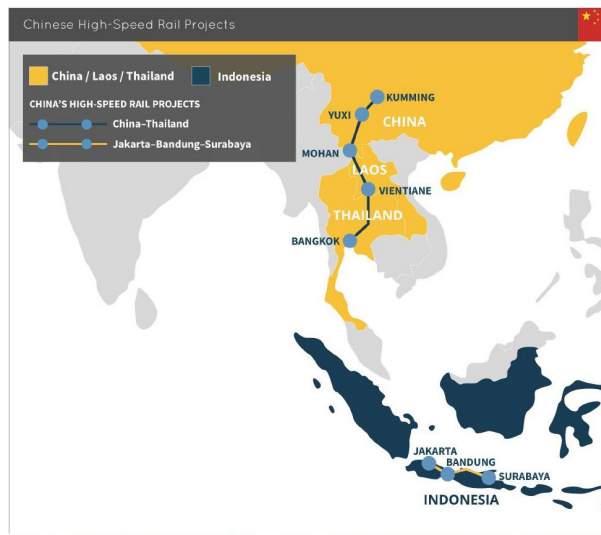
60. Xu Jing

61. Wang Erde, [The Seamless Integration between Made in China 2025 and One Belt and One Road], 21st Century Business Herald, 20 May 2015,

<http://finance.sina.com/gb/experts/sinacn/17031264782/20150520.html>

بسیاری تلاش لی،<sup>۶۲</sup> نخست وزیر چین، برای بازاریابی در این زمینه را با عنوان دیپلماسی خط آهن پرسرعت تعبیر کرده‌اند.

پکن فناوری خط آهن پرسرعت خود را یکی از گوهرهای گران بهای صنعت پیشرفته تولید خود می‌داند. دولت چین بیش از ده هزار دانشمند و مهندس را به منظور تلفیق فناوری وارداتی از سایر کشورها و نیز توسعه خط آهن پرسرعت کشور گرد هم آورده است. نتیجه این تلاش، در توسعه حیرت انگیز بخش خط آهن پرسرعت چین قابل مشاهده است. امروز این کشور میزبان بیش از پنجاه درصد از خط آهن پرسرعت ساخته شده در جهان است. نخست وزیر لی ککیانگ<sup>۶۳</sup>، شخصاً خط آهن پرسرعت چین را در تایلند، هند، اندونزی، و مالزی بازاریابی کرده است.<sup>۶۴</sup> تمام این کشورها، شرکای استراتژیک کلیدی در طرح کمربند و جاده به شمار می‌روند.



تمرکز بر خط آهن پرسرعت همچنین نشان دهنده هدف پکن مبنی بر به دست آوردن پذیرش استانداردهای چین توسط سایرین است. اگر کشورهای سرتاسر منطقه، فناوری خط آهن پرسرعت چین را به عنوان استاندارد ملی خود بپذیرند، می‌تواند به استاندارد بالفعل در

62. Li

63. Li Keqiang

64. Sha Lu, [Li Keqiang's 'High-Speed Rail Diplomacy' Scorecard], Xinhua News Agency, 26 November 2015, [http://news.xinhuanet.com/finance/26/11-2015/c\\_128469565.htm](http://news.xinhuanet.com/finance/26/11-2015/c_128469565.htm)

منطقه جغرافیایی وسیعی تبدیل شود. این بدین معنی است که تولیدکنندگان و تأمین‌کنندگان چینی، در مقابل سایر رقبا خصوصاً تولیدکنندگان ژاپنی خط آهن پرسرعت، از مزیت قوی قرارگیری در جایگاه اولین پیشگام بهره‌مند خواهند شد.

در یک سند سیاسی که توسط وزارت صنعت و فناوری اطلاعات در خصوص توسعه صنعت حمل و نقل منتشر شد، انتظار می‌رود بخش خط آهن پرسرعت، نقش پیشتاز در تشویق صادرات محصولات صنعتی با کیفیت چین را ایفا کند. این سند تخمین می‌زند که بازار تجهیزات حمل و نقل تا سال ۲۰۱۸ حدود ۲۶۳ میلیارد دلار باشد. برنامه‌ریزان چینی بر این باورند که تقاضای چشمگیر از طرف مناطق تحت پوشش طرح کمربند و جاده نظیر آسیای جنوب شرقی، آسیای جنوبی، آسیای مرکزی، و آسیای غربی، سرازیر خواهد شد.<sup>۶۵</sup>

علاوه بر بخش خط آهن پرسرعت، دولت چین همچنین از طرح کمربند و جاده به منظور تشویق به استانداردهای چین در سایر بخش‌ها نظیر انرژی و ارتباطات راه دور استفاده می‌کند. پروژه خط آهن پرسرعت جاکارتا-باندونگ<sup>۶۶</sup>، نمونه خوبی از نحوه استفاده چین از طرح کمربند و جاده به منظور تبلیغ بخش فناوری‌های پیشرفته و نیز استانداردهای فنی و مهندسی چینی به شمار می‌رود. پکن حق احداث ۱۴۲ کیلومتر خط آهن پرسرعت متصل‌کننده پایتخت اندونزی به باندونگ در غرب جاوا<sup>۶۷</sup> را پس از یک جنگ مناقصه‌ای با ژاپن، برای خود محفوظ کرد.<sup>۶۸</sup> پکن تأمین مالی پروژه را خود بر عهده گرفت تا توانست برنده مناقصه شود.<sup>۶۹</sup> به منظور متقاعد ساختن رئیس‌جمهور اندونزی، جوکو ویدودو<sup>۷۰</sup>، شی جین‌پینگ، حتی شیو شیاوشی<sup>۷۱</sup>، رئیس کمیسیون اصلاح و توسعه ملی را به عنوان نماینده ویژه به جاکارتا اعزام کرد.

مهم‌ترین بخش این معامله برای پکن، تصمیم دولت اندونزی مبنی بر پیاده‌سازی فناوری خط آهن پرسرعت چین است. شین هووا<sup>۷۲</sup>، آژانس خبری رسمی دولت چین، گزارش کرده

65. [Interpreting Made in China 2025: Promoting the Development of Advanced Transport Equipment]", The Ministry of Industry and Information Technology, <http://www.miit.gov.cn/n11293472/n11293877/n16553775/n16553822/16633922.html>

66. Jakarta-Bandung

67. Java

68. "China Wins Indonesia High-speed Rail Project as Japan Laments 'Extremely Regrettable' U-turn", South China Morning Post, 29 September 2015, <http://www.scmp.com/news/asia/southeast-asia/article/1862459/china-wins-indonesia-high-speed-rail-project-japan-laments>

69. Robin Harding and Tom Mitchell, "Rail Battle between China and Japan Rushes Ahead at High Speed", Financial Times, 20 December 2015

70. Joko Widodo

71. Xu Shaoshi

72. Xinhua

است که پروژه با «استانداردهای چینی، فناوری چینی، و تجهیزات چینی» پیاده سازی می شود و یک شرکت مهندسی چینی در تمام مراحل ساخت و ساز، از بررسی های اولیه تا مدیریت خط آهن پس از تکمیل پروژه، حضور خواهد داشت<sup>۷۳</sup>. شاید این معامله برای پکن یک سرمایه گذاری زیانده باشد اما یک گام بزرگ در متقاعد کردن یک کشور خارجی به پذیرش استانداردها و فناوری چینی به شمار می رود.

علاوه بر بخش خط آهن پرسرعت، دولت چین همچنین از طرح کمربند و جاده به منظور تشویق به استانداردهای چین در سایر بخش ها نظیر انرژی و ارتباطات راه دور استفاده می کند. رو کووان لو<sup>۷۴</sup>، مدیر توسعه راهبردی در پترو چین<sup>۷۵</sup>، استدلال می کند که چین باید از سرمایه گذاری گسترده خود در پروژه های نفتی و گازی دولت های آسیای مرکزی، به منظور ترویج استانداردهای صنعتی نفتی خود استفاده کند:

«بر اساس تجربیات غول های انرژی آمریکا و اروپا، کنترل استانداردها یعنی برخورداری از برگ برنده در مذاکره، چانه زنی برای پیشنهادهای ارزان شگفت انگیز و سودآوری مطلوبتر. کنترل استاندارد ها، از هر چیز مهم تر است»<sup>۷۶</sup>.

ارتباطات راه دور یکی دیگر از بخش های مهم در خصوص به دست آوردن پذیرش استانداردهای چینی توسط سایرین، به شمار می رود. چین دارای دو کمپانی تولیدکننده تجهیزات مخابراتی در رده جهانی است: هواوی<sup>۷۷</sup> و زد تی ای<sup>۷۸</sup>. هواوی، هفتاد درصد از درآمد فروش خود را خارج از چین به دست می آورد و به طور خاص در آسیا، آفریقا، و آمریکای لاتین موفق است.

علاوه بر بخش خط آهن پرسرعت، دولت چین همچنین از طرح کمربند و جاده به منظور تشویق به استانداردهای چین در سایر بخش ها نظیر انرژی و ارتباطات راه دور استفاده می کند.

73. Cao Zheng, [High-speed Rail Export Scores Historical Breakthrough, China and Indonesia Will Jointly Build High Speed Rail between Jakarta and Bandung]”, 17 October 2015, Xinhua News Agency, [http://news.xinhuanet.com/fortune/17/10\\_2015/c\\_128327911.htm](http://news.xinhuanet.com/fortune/17/10_2015/c_128327911.htm)

74. Ru Quan Lu

75. Petro China

76. Lu Ruquan, [One Belt and One Road, China On the Oil Road]”, Caixin, 6 July 2015

77. Huawei

78. ZTE

هوای، زد تی ای، و چاینا موبایل<sup>۷۹</sup>، بطور تنگاتنگی در توسعه فناوری فایو جی<sup>۸۰</sup> در حال نقش آفرینی هستند، که شامل تنظیم و طراحی استانداردهای فنی بین‌المللی می‌شود. این کمپانی‌ها در حال تبدیل شدن به اعضای فعال در بسیاری از انجمن‌ها و سازمان‌های بین‌المللی صنعت ارتباطات راه دور نظیر اتحادیه بین‌المللی ارتباطات راه دور<sup>۸۱</sup>، پروژه مشارکتی نسل سوم<sup>۸۲</sup>، و سازمان مهندسان برق و الکترونیک<sup>۸۳</sup> هستند. پکن صنعت ارتباطات راه دور را مرکز استراتژی سال ۲۰۲۵ ساخت چین می‌داند<sup>۸۴</sup>.

بنابراین، بی دلیل نیست که دولت چین، ایجاد شبکه‌های ارتباطات راه دور را یکی از بخش‌های کلیدی طرح کمر بند و جاده تصور می‌کند. هو هیوایینگ<sup>۸۵</sup>، رییس بانک توسعه چین، یکی از بزرگترین بانک‌های جهان، بطور خاص بخش ارتباطات راه دور را یکی از صنایع کلیدی دانست که بانک تحت ریاست او مایل است به عنوان مشارکت در بخشی از طرح کمر بند و جاده پشتیبانی کند. او اشاره کرد این مسئله تأثیر بسیار شگرفی بر ارتقا ساختار صنعتی چین خواهد داشت<sup>۸۶</sup>.

### حل مشکل ظرفیت مازاد

طی بحران مالی جهانی، دولت چین، یکی از بزرگترین بسته‌های محرک را در تاریخ اخیر اقتصاد ارائه کرد. این بسته، چین (و مشخصاً تعدادی از کشورهای دیگر نظیر استرالیا) را توسط بالا بردن نجومی قیمت کالا و خدمات از رکود اقتصادی حفظ کرد. اگرچه که آن برنامه انگیزشی تأثیر گذار بود، یکی از عوارض جانبی آن که تا به امروز نیز پابرجا مانده است، ایجاد انبوهی از ظرفیت مازاد در بسیاری از بخش‌های صنعتی از فولاد تا سیمان بود. برای نمونه، در صنعت فولاد، تولید سالیانه فولاد چین از ۵۱۲ میلیون تن در ۲۰۰۸ به ۸۰۳ میلیون تن در ۲۰۱۵ افزایش یافت. در درک دقیق این مسئله، توجه به این نکته کافی است که تنها همین ۳۰۰ میلیون تن تولید مازاد، از مجموع تولید ایالات متحده و اتحادیه اروپا بیشتر است<sup>۸۷</sup>.

79. China Mobile

80. 5G

81. International Telecommunications Union

82. the 3rd Generation Partnership Project

83. the Institute of Electrical and Electronics Engineers

84. Xie Lirong, [Turning the Table on Mobile Telecommunications Standards], Caijing Magazine, 7 September 2015, 59

85. Hu Huaibang

86. 38 Hu Huaibang, [Using Development Finance to Serve the OBOR Strategy], China Banking, 13 January 2016, [http://www.cdb.com.cn/rdzt/gjyw\\_201601/1/t2187\\_20160118.html](http://www.cdb.com.cn/rdzt/gjyw_201601/1/t2187_20160118.html)

87. 39 World Steel Association data, accessed 8 August 2016, [https://www.worldsteel.org/dms/internet-DocumentList/statistics\\_archive/production-archive/steel-archive/steel-monthly/Steel-monthly-2015/document/Steel%20monthly%202015.pdf](https://www.worldsteel.org/dms/internet-DocumentList/statistics_archive/production-archive/steel-archive/steel-monthly/Steel-monthly-2015/document/Steel%20monthly%202015.pdf)

حل مشکل ظرفیت مازاد کشور، به یکی از اولویت‌های مهم اقتصادی دولت چین تبدیل شده است. یکن این مسئله را به شمشیر داموکلس<sup>۸۸</sup> که از سرش حلق آویز شده تشبیه کرده است.<sup>۸۹</sup> ظرفیت مازاد، سود شرکت‌ها را کاهش می‌دهد، باعث افزایش میزان بدهی می‌شود، و سیستم مالی کشور را آسیب‌پذیرتر می‌سازد.<sup>۹۰</sup>

بسیاری از شرکت‌های دولتی در بخش‌های دارای ظرفیت مازاد، در زمان بحران مالی، وام‌های سنگینی گرفتند. کاهش رشد اقتصادی، تقاضاهای اندک بین‌المللی، و عرضه بیش از تقاضا، سود این شرکت‌ها را کاهش داده است. بسیاری از این شرکت‌ها با آخرین نفس‌هایشان برای بقا مبارزه می‌کنند. این وام‌های نامطلوب، فشار زیادی بر سیستم بانکی چین وارد کرده است.

دولت چین، تعدادی از سیاست‌های تمهیدی خود به منظور رسیدگی به مشکل ظرفیت مازاد را ارائه کرده است. سیاست‌هایی نظیر تعدیل ۱/۸ میلیون نیروی کار از صنایع فولاد و معادن زغال سنگ<sup>۹۱</sup>. مقامات همچنین قصد دارند کارخانه‌های آلاینده تولید فولاد و کوره‌های بلند را نیز تعطیل کنند.

طرح کمر بند و جاده یکی از راه‌های دیگر سیاستگذاران چینی برای حل مشکل ظرفیت مازاد به شمار می‌رود، البته نه به آن شکل که برخی از ناظران در نظر دارند. زمانی که شی جینپینگ طرح کمر بند و جاده را اعلام کرد، برخی از ناظران آن را تلاش چین به منظور صدور تولیدات صنعتی مازاد به کشورهای همسایه نامیدند. فاینشال تایمز<sup>۹۲</sup> در سال ۲۰۱۵ گزارش کرد که چشم‌انداز بزرگ برای یک جاده ابریشم نوین، حیات خود را به سادگی در اعماق وزارت بازرگانی چین به عنوان یک ابتکار صادرات آغاز کرد<sup>۹۳</sup>.

از نظر پرداختن به مشکل ظرفیت مازاد، طرح کمر بند و جاده نقش اندکی در افزایش صدور تولیدات نظیر فولاد دارد و نقش عمده آن، انتقال ظرفیت مازاد تولید، به خارج از کشور است.

88. Damocles

89. the sword of Damocles hanging over its head

90. [Li Keqiang Knocking on the Door of ASEAN Countries and Industrial Capacity Cooperation is the Key]", Chinese Government Information Portal, [http://www.gov.cn/zhengce/2015\\_11/19/content\\_5014521.htm](http://www.gov.cn/zhengce/2015_11/19/content_5014521.htm)

91. Peter Cai, "Curbs on Coal and Steel will Test Beijing's Resolve", The Australian, 19 January 2016, <http://www.theaustralian.com.au/business/business-spectator/curbs-on-coal-and-steel-will-test-beijings-resolve/news-story/43dfa1b17bd88556d1b8746e0c7d2658>

92. Financial Times

93. Charles Clover and Lucy Hornsby, "China's Great Game: Road to a New Empire", Financial Times, 13 October 2015

از نظر پرداختن به مشکل ظرفیت مازاد، طرح کمربند و جاده نقش اندکی در افزایش صدور تولیدات نظیر فولاد دارد و نقش عمده آن، انتقال ظرفیت مازاد تولید، به خارج از کشور است. در حال حاضر پروژه‌های طرح کمربند و جاده کوچکتر از آن هستند که بتوانند پاسخگوی عرضه گسترده و بیش از حد فولاد و دیگر تولیدات چین باشند. در عوض، پکن قصد دارد از طرح کمربند و جاده جهت انتقال کل امکانات تولید استفاده نماید. لی ککیانگ، نخست وزیر چین، سال ۲۰۱۴ در ناپیداو<sup>۹۴</sup>، در میانمار، در خطابه خود به رهبران کشورهای جنوب شرقی آسیا<sup>۹۵</sup> مسئله را روشن کرد:

ما می‌خواهیم که کمپانی‌هایی این ظرفیت مازاد تولید را از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشورهای جنوب شرقی آسیا که مایل به ایجاد زیربنای صنعت خود هستند منتقل کنند.

«ما تجهیزات مازاد زیادی برای تولید فولاد، سیمان، و شیشه مشجر<sup>۹۶</sup> برای بازار چین داریم. این تجهیزات از نوع مرغوب هستند. ما می‌خواهیم که کمپانی‌هایی این ظرفیت مازاد تولید را از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشورهای جنوب شرقی آسیا که مایل به ایجاد زیربنای صنعت خود هستند منتقل کنند. این محصولات باید به طور محلی در کشوری تولید شوند که تقاضا برای آن‌ها وجود داشته باشد»<sup>۹۷</sup>.

هو هیوایبنگ، رئیس بانک توسعه چین و تأثیرگذارترین تأمین کننده مالی پروژه‌های طرح کمربند و جاده، می‌گوید یکی از مهم‌ترین اهداف طرح کمربند و جاده، کمک به چین برای ایجاد اصلاحات ساختاری در اقتصاد، ارتقاء صنایع، و فاصله گرفتن از مدل تولید انبوه ارزان است:

«ما از یک سو، باید به تدریج کارخانجات ابتدایی خود را به کشورهای دیگر منتقل کنیم و فشار را از صناعی که از مشکل ظرفیت مازاد رنج می‌برند برداریم. از سویی دیگر، باید از صنایع رقابتی نظیر مهندسی ساخت و ساز، خط آهن پرسرعت، تولید برق، ساخت ماشین‌آلات، و ارتباطات راه دور در ورای مرزها حمایت کنیم»<sup>۹۸</sup>.

94. Nay Pyi Taw

95. ASEAN countries

96. pleat glass

97. Li Keqiang's Official Speech at the 17th ASEAN-China (1+10) Leaders' Meeting, Nay Pyi Taw, Myanmar, 13 November 2014, [http://www.fmprc.gov.cn/web/ziliao\\_674904/zt\\_674979/dnzt\\_674981/qtzt/ydy1\\_675049/zyxw\\_675051/t0820\\_121.shtml](http://www.fmprc.gov.cn/web/ziliao_674904/zt_674979/dnzt_674981/qtzt/ydy1_675049/zyxw_675051/t0820_121.shtml)

98. Hu Huaiyang, [Using Development Finance to Service the One Belt and One Road Strategy], first published in China Banking Industry Magazine, 13 January 2016, [http://www.cdb.com.cn/rdzt/gjyw\\_1/201601/t20160118\\_2187.html](http://www.cdb.com.cn/rdzt/gjyw_1/201601/t20160118_2187.html)



انتقال کارخانجات با ظرفیت مازاد به کشورهای تحت پوشش طرح کمر بند و جاده به چین کمک می کند عرضه بیش از تقاضا را در کشور خود کاهش دهد و همزمان به کشورهای کمتر توسعه یافته در ایجاد بنیان های صنعتی مورد نیازشان کمک کند. در اصل، بدهی های اقتصادی داخلی، به دارایی های اقتصادی و دیپلماتیک خارجی تبدیل می شوند. جین کای<sup>۹۹</sup>، رئیس صندوق جاده ابریشم<sup>۱۰۰</sup>، (یک صندوق مالی مستقل که در سال ۲۰۱۴ بطور ویژه جهت تأمین سرمایه اولیه پروژه های طرح کمر بند و جاده تأسیس شد)، طی یکی از سخنرانی های عمومی بی نظیر خود در خصوص طرح کمر بند و جاده، این مسئله را روشن کرد<sup>۱۰۱</sup>.

او گفت هم اکنون جایگاه چین در میانه زنجیره تولید جهانی قرار دارد و می تواند به کشورهایی که در مرحله ابتدایی توسعه هستند، کمک کند تا به کشوری صنعتی تبدیل شوند: «چین، از ظرفیت تولید صنعتی مرغوب، تجهیزات، فناوری، بودجه کافی، و سی سال تجربه توسعه و پیشرفت برخوردار است». او همچنین اشاره کرد سرمایه چینی می تواند «به تسهیل همکاری بین المللی در تولید، و سازماندهی مجدد زنجیره جهانی تولید کمک کند. برای چین، این به معنای کمک به کشور جهت صدور ظرفیت تولید مرغوب، تجهیزات، دانش فنی چگونگی انجام کار، و تجربه پیشرفت و توسعه، است»<sup>۱۰۲</sup>.

بخشی از این تفکر توسط تجربه خود چین از صنعتی شدن در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ نشأت می گیرد. یکی از مقامات ارشد برنامه ریز اقتصادی استانی اظهار کرد چین در دهه ۱۹۸۰، خطوط تولید دست دوم خصوصاً ظرفیت صنعتی مازاد ناخواسته را از آلمان، تایوان، و ژاپن وارد کرد<sup>۱۰۳</sup>. پکن تصور می کند تجربه چین می تواند در کشورهای همسایه کمتر توسعه یافته، تکرار شود.

یکی از نمونه های بارز این مورد، برنامه انتقال بخشی از امکانات مازاد انبوه تولید فولاد استان هبئی<sup>۱۰۴</sup> است. این استان، بزرگترین تولید کننده فولاد در چین، قصد دارد بیست میلیون تن از ظرفیت تولید را تا سال ۲۰۲۳ به خارج از مرزهای کشور منتقل کند. طبق این برنامه، کمپانی ها امکانات مازاد تولید فولاد، و نیز سیمان و شیشه مشجر خود را به آسیای جنوب

99. Jin Qi

100. Silk Road Fund

101. Jin Qi's speech in Hong Kong on 18 May 2016 at Belt and Road Summit, <http://www.silkroad-fund.com.cn/cnweb/19930/19938/32726/index.html>

102. Ibid

۱۰۳. مصاحبه با یک مقام ارشد اقتصادی از استان هوبئی، اوت ۲۰۱۶

104. Hebei

شرقی، آفریقا، و آسیای غربی منتقل می‌کنند. برای نمونه، دلانگ استیل<sup>۱۰۵</sup>، از شینتای<sup>۱۰۶</sup>، در حال ساخت یک کارخانه تولید فولاد در تایلند است که توانایی تولید ۶۰۰ هزار تن کوئل نورد گرم<sup>۱۰۷</sup> در سال را دارد و در مشارکت با یک اپراتور محلی تایلندی، پرمزین استیل<sup>۱۰۸</sup> به کار خود ادامه می‌دهد<sup>۱۰۹</sup>.

برخی از پژوهشگران و مقامات چینی نسبت به میزان موفقیت این جنبه طرح کمر بند و جاده مردد هستند. این مسئله مورد سؤال است که آیا کشورهای تحت پوشش طرح کمر بند و جاده می‌توانند واقعاً خط تولید مازاد گسترده چین را جذب کنند. مهم‌تر از آن، آیا از نظر سیاسی برای سایر کشورها خوشایند خواهد بود که به سادگی ظرفیت صنعتی ناخواسته چین را بپذیرند؟

### اجرای پروژه‌های بیرون از چین، پیشرفت اندکی داشته است

تحلیل موجود در پژوهش انینگ<sup>۱۱۰</sup> اشاره کرده است که بسیاری از کشورهای تحت پوشش طرح کمر بند و جاده مشتاق به پذیرش ظرفیت مازاد چین نیستند. در حقیقت، برخی از کشورها با این ایده مخالفند چرا که در تعدادی از بخش‌های صنعتی، مستقیماً با چین در حال رقابتند.

«در آینده‌ای قابل پیش‌بینی، احتمال اینکه کشورهای تحت پوشش طرح کمر بند و جاده، گسترش شهرنشینی را به همان سرعتی که چین در دهه گذشته تجربه نمود، تجربه کنند، ناچیز است. مشکل ظرفیت مازاد در حال حاضر، یک مشکل سراسری است، و احتمال نمی‌رود طرح کمر بند و جاده بتواند راه حل چنین مشکلی باشد.»<sup>۱۱۱</sup>

یکی از ارشدترین مشاوران سیاسی چین، ژنگ شین لی<sup>۱۱۲</sup>، معاون اسبق دفتر پژوهش‌های سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست<sup>۱۱۳</sup> این کشور، نگرانی‌های خود را در خصوص انتقال انبوه کارخانجات چینی به آسیای جنوب شرقی و آسیای جنوبی ابراز کرده است.

105. Delong Steel

106. Xintai

107. hot rolled coil

108. Permsin Steel

109. [Hebei Province Promotes the Migration of Excess Capacities from Steel, Cement and Pleat Glass Sectors]”, Policy Directive from Hebei Provincial Government, <http://www.hebei.gov.cn/hebei/11937442/10761139/12224328/index.html>

110. Anbang

111. Liu Xiao, Wang Xu and Wang ShuQin, [One Belt and One Road: The Vision and Implementation]”, in *Leading Scholars from National Think Tanks and Their Insights on China’s New Silk Road* (Beijing: CITIC Press, 2015), 169

112. Zheng Xin Li

113. the Policy Research Office of the Chinese Communist Party Central Committee

«هنوز ۲۴۰ میلیون کشاورز در چین وجود دارند که باید مشاغل تولیدی پیدا کنند. اگر اکثریت صنایع کارگر محور کشور به خارج از مرزها منتقل شوند، تمام این کشاورزان مازاد، در روستاها گرفتار خواهند شد.»<sup>۱۱۴</sup>

### چالش‌های اجرا: عدم وجود پروژه‌های نقد شونده و ریسک عدم پایداری به تعهدات اخلاقی<sup>۱۱۵</sup>

رهبر چین، شی جینپینگ، طرح کمربند و جاده را در پایان سال ۲۰۱۳ راه‌اندازی نمود. دو سال بعد، در مارس ۲۰۱۵، سه سازمان دولتی هماهنگ کننده (کمیسیون اصلاح و توسعه ملی، وزارت امور خارجه<sup>۱۱۶</sup>، و وزارت بازرگانی<sup>۱۱۷</sup>)، اولین نقشه کلی رسمی طرح کمربند و جاده، «چشم‌انداز و اقدامات در خصوص ساخت چندجانبه کمربند اقتصادی جاده ابریشم و جاده ابریشم دریایی قرن بیست و یکم» را منتشر نمودند. با این حال، اجرای پروژه‌های بیرون از چین، پیشرفت اندکی داشته است.

### ما باید تعدادی از پروژه‌ها را به عنوان نمونه انجام دهیم، نشانه‌های اولیه موفقیت را به نمایش بگذاریم، و اجازه دهیم این کشورها منافع مثبت طرح ما را احساس کنند

در یک کنفرانس کاری اخیر با موضوع طرح کمربند و جاده به ریاست ژنگ گیولی<sup>۱۱۸</sup> معاون نخست وزیر، یکی از اعضای کمیته دائمی دفتر سیاسی و سرپرست طرح کمربند و جاده، شی درخواست کرد برخی از پروژه‌ها به عنوان نمونه به سرعت اجرا شوند، تا منافع ملموس و موفقیت اولیه به نمایش گذاشته شود. او معتقد بود باید تمرکز بر پروژه‌های زیربنایی باشد که اتصالات بین منطقه‌ای را بهبود می‌بخشد و با ظرفیت مازاد، و مناطق تجاری، مرتبط است. او به جمع بزرگی از مقامات ارشد حزب و صاحبان کسب و کارهای برجسته گفت: «ما باید تعدادی از پروژه‌ها را به عنوان نمونه انجام دهیم، نشانه‌های اولیه موفقیت را به نمایش بگذاریم، و اجازه دهیم این کشورها منافع مثبت طرح ما را احساس کنند». شی از عدم پیشرفت خوشنود نیست نه تنها به این خاطر که طرح کمربند و جاده بخشی از میراث سیاسی اوست بلکه طرح کمربند و جاده با چالش‌های متعدد دشواری مواجه است.

114. Zheng Xinli, [The Directions and Tactics in Investing Overseas]”, in —^—^ [One Belt and One Road and the Grand Financial Strategy], Chen Yuan and Qian Yingyi eds (Beijing: CITIC Press, 2016), 76

115. MORAL HAZARD

116. the Ministry of Foreign Affairs

117. Ministry of Commerce

118. Zhang Gaoli

نخست، میزان زیادی از عدم اعتماد سیاسی در تعدادی از کشورهای مهم تحت پوشش طرح کمربند و جاده وجود دارد. شاید هند یکی از بهترین نمونه‌ها در این خصوص باشد. سابرامنیوم جیشنکار<sup>۱۱۹</sup>، وزیر امور خارجه این کشور، اظهار کرده است که طرح کمربند و جاده یک طرح یک جانبه است و هند بدون مشورت کافی، به این طرح متعهد نخواهد شد<sup>۱۲۰</sup>. سمیر پاتیل<sup>۱۲۱</sup>، دستیار اسبق ریاست شورای امنیت ملی هند<sup>۱۲۲</sup> و پژوهشگر اندیشکده سیاست خارجی گتوی هائوس<sup>۱۲۳</sup>، می‌گوید پروژه کریدور اقتصادی چین پاکستان، یک مانع بزرگ در مقابل هند برای مشارکت در طرح است<sup>۱۲۴</sup>.

مشکل دوم این است که تقریباً دو سوم کشورهای تحت پوشش طرح کمربند و جاده از رتبه‌بندی اعتباری مستقل پایین‌تر از حد استاندارد برای تضمین سرمایه‌گذاری مطمئن رنج می‌برند. برخی از کشورهای کلیدی در طرح کمربند و جاده نظیر پاکستان بی ثبات هستند که برای کمپانی‌های چینی و نیز کارمندانی که در آن منطقه کار می‌کنند ریسک‌های امنیتی به دنبال دارد<sup>۱۲۵</sup>. برای نمونه، ارتش پاکستان، وعده داده است یک واحد نظامی متشکل از دوازده هزار سرباز به منظور حفاظت از پروژه‌های کریدور اقتصادی چین پاکستان اختصاص دهد.

سومین مشکل، احتیاط از طرف تأمین‌کنندگان مالی چینی به شدت با نفوذ و ریسک‌گریز است. پس از اینکه شی طرح کمربند و جاده را اعلام کرد، نهادهای مالی دولتی چین، مجموعه سیاست‌هایی را در پیش گرفتند که منعکس‌کننده چشم‌انداز رئیس‌جمهور بود. بانک توسعه چین، که انتظار می‌رود در تأمین مالی طرح کمربند و جاده نقش کلیدی ایفا کند، بیان داشت بیش از نهمصد پروژه را به ارزش بیش از ۸۹۰ میلیارد دلار آمریکا، در ۶۰ کشور دنبال می‌کند<sup>۱۲۶</sup>.

119. Subrahmanyam Jaishankar

120. ANALYSIS

Tanvi Madan, "What India Thinks about China's One Belt, One Road Initiative (But Does Not Explicitly Say)", Order from Chaos (blog), Brookings Institution, 14 March 2016, <https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/14/03/2016/what-india-thinks-about-chinas-one-belt-one-road-initiative-but-doesnt-explicitly-say/>

121. Sameer Patil

122. Indian National Security Council

123. foreign policy think tank Gateway House

124. Interview with Sameer Patil, Mumbai, India, August 2016

125. Kamran Haider and Ismail Dilawar, "Militants Strike Pakistan, Hitting China's Economic Corridor", Bloomberg, 26 October 2016, <https://www.bloomberg.com/news/articles/2016-10-25/militants-return-to-pakistan-hitting-china-s-economic-corridor>

126. [China Development Bank Builds One Belt One Road Project Bank and the Total Amount is Approaching One Trillion USD]", Caijing, 28 May 2015, <http://m.caijing.com.cn/api/show?contentid=3893051>

بانک چین، که صاحب بزرگترین شبکه‌های فرامرزی است، تضمین کرد بیست میلیارد دلار آمریکا در سال ۲۰۱۵ و حداقل صد میلیارد دلار آمریکا بین ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۸ تسهیلات فراهم کند.<sup>۱۲۷</sup> بانک صنعتی و تجاری چین<sup>۱۲۸</sup> (آی سی بی سی)، در حال بررسی ۱۳۰ پروژه تجاری توجیه‌پذیر به ارزش ۱۵۹ میلیارد دلار آمریکا بوده است. این بانک پنج پروژه در پاکستان را تأمین مالی نموده و یک شعبه در لاهور<sup>۱۲۹</sup> تأسیس کرده است.<sup>۱۳۰</sup>

هنوز، با وجود تضمین حمایت‌های دولتی، بسیاری از بانکداران چینی، و خصوصاً آن‌هایی که در فهرست بانک‌های تجاری قرار دارند، نظیر بانک صنعتی و تجاری چین، در خصوص میزان توجیه اقتصادی پروژه‌های طرح کمربند و جاده نگرانند. آن‌ها نگران ریسک مرتبط با وام‌های فرامرزی نظیر بی‌ثباتی سیاسی و توجیه اقتصادی در خصوص بسیاری از پروژه‌ها هستند. همانطور که اندرو کالیر<sup>۱۳۱</sup>، مدیر عامل سازمان پژوهش سرمایه در شرق<sup>۱۳۲</sup> اشاره کرده است: «کاملاً مشخص است که همه به سختی به دنبال یافتن پروژه‌های مناسب و معقول هستند. همه می‌دانند که شرکت در پروژه‌ها باعث هدررفت سرمایه می‌شود و مایل به مشارکت نیستند، ولی بالاخره مجبورند کاری کنند»<sup>۱۳۳</sup>. کالیر به عنوان نمونه یک بانک در پکن را مثال زد که خودش اظهار کرد وام‌های کمکی به پروژه‌های خط آهن در مکان‌های پر مخاطره نظیر بلوچستان در پاکستان را متوقف کرده است.

یکی از مدیران سرمایه‌گذاری در یکی از بزرگترین نهادهای مالی دولتی چین نیز به نویسنده مقاله در خصوص تردیدهای خود چنین گفت: «من ترجیح می‌دهم در مکان‌هایی نظیر کانادا و استرالیا سرمایه‌گذاری کنم، مواردی که می‌توانم از آن‌ها سود امن و مناسبی دریافت کنم. اما، زمانی که به من دستور داده می‌شود در کشورهای تحت پوشش طرح کمربند و جاده سرمایه‌گذاری کنم، من صرفاً کمترین مقدار سرمایه را اختصاص خواهم داد»<sup>۱۳۴</sup>.

تردیدهای تأمین‌کنندگان مالی و صاحبان کسب و کار چین در خصوص طرح کمربند و جاده، باید از منظر وخیم‌تر شدن مشکل بدهی‌ها در سیستم مالی چین نیز در نظر گرفته شود،

127. Huo Yu, Wang Ling and Wu Hong Yu Ran, [Will One Belt and One Road Become the Overseas Version of the Wasted Four Trillion Stimulus], Caixin Weekly, 15 June 2015

128. Industrial and Commercial Bank of China

129. Lahore

130. Ibid

131. Andrew Collier

132. Orient Capital Research

133. Email interview with Andrew Collier, Managing Director of Orient Capital Research, October 2016

134. Interview with a senior Chinese financier, Beijing, June 2016

خصوصاً تعداد وام‌های بدون بازده در ترازهای مالی بانک‌ها. این انباشتگی سریع بدهی‌ها پس از بحث بسته‌های انبوه محرک کشور در سال ۲۰۰۸ اتفاق افتاد. کیکسین<sup>۱۳۵</sup>، برترین مجله تجارت چین، بیان کرده است که طرح کمربند و جاده می‌تواند به تکرار آنچه در سال ۲۰۰۸ رخ داد منجر شود<sup>۱۳۶</sup>. سیاست‌گذاران اقتصادی تأثیرگذار در چین نیز نگرانند انگیزه‌های سیاسی طرح کمربند و جاده، چین را به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیان‌ده<sup>۱۳۷</sup> در ورای مرزها سوق دهد. آن‌ها نگرانند که برخی از کشورها از طرح کمربند و جاده سوءاستفاده کنند و بدون اینکه قصد بازگرداندن وام‌ها را داشته باشند، برای اجرای پروژه‌های چین در کشور خود اعلام آمادگی نمایند<sup>۱۳۸</sup>.

**تدوین‌های تأمین‌کنندگان مالی و صاحبان کسب و کار چین در خصوص طرح کمربند و جاده، باید از منظر وخیم‌تر شدن مشکل بدهی‌ها در سیستم مالی چین نیز در نظر گرفته شود**

یپینگ هووانگ<sup>۱۳۹</sup>، یکی از اقتصاددانان با نفوذ عضو کمیته سیاست‌های پولی بانک مرکزی چین و یکی از بانکداران اسبق متخصص در امور سرمایه‌گذاری، استدلال کرده است که چین باید در پروژه‌های طرح کمربند و جاده با احتیاط گام بردارد:

«مؤثرترین راه گسترش طرح، این است که یک یا دو پروژه را به انجام رساند. چنانچه پروژه‌های انجام شده موفقیت‌آمیز بودند، برداشتن گام بعدی، ساده‌تر خواهد بود. چنانچه پروژه‌های اولیه فاجعه‌بار باشند، مسیر سختی در آینده در پیش رو خواهد بود»<sup>۱۴۰</sup>.

هووانگ همچنین بیان کرد تلاش‌ها برای توسعه منطقه غرب کشور عمدتاً به این دلیل شکست خورد که دولت مسئله اقتصادی بنیادین مبنی بر اطمینان از برگشت سود سرمایه‌ها را نادیده گرفت<sup>۱۴۱</sup>.

135. Caixin

136. Huo Yu, Wang Ling and Wu Hong Yu Ran, “[Will One Belt and One Road Become the Overseas Version of the Wasted Four Trillion Stimulus]”

137. white elephant

138. Ibid

139. Yiping Huang

140. Huang Yiping,

[“New Overseas Investment Landscape against the Backdrop of One Belt and One Road Strategy”, in Leading Scholars from National Think Tanks and Their Insights on China’s New Silk Road] (Beijing: CITIC Press, 285 ,138 ,2015)

141. Ibid

نشانه‌هایی آشکار شده است مبنی بر اینکه تأمین کنندگان مالی چین، شرایط و ضوابط دشوارتری را وضع می‌کنند تا اطمینان حاصل شود که پروژه‌های طرح کمربند و جاده در دراز مدت از توجیه اقتصادی برخوردار باشند. مذاکرات با دولت تایلند در خصوص پروژه ساخت یک خط آهن پیشرفته، از میان دلایل دیگر، بیشتر به دلیل اختلافات بر سر نرخ بهره، با مشکل روبرو شد<sup>۱۴۲</sup>. تأمین کنندگان مالی چینی تقاضای نرخ بهره ۲/۵ درصد برای وام اعطایی خود داشتند، در حالی که دولت تایلند، نظرش بر ۲ درصد بهره بود، همان میزان که چین به جاکارتا پیشنهاد داد. زمانی که بانکداران چینی بر نرخ بهره ۲/۵ درصدی اصرار ورزیدند، بانکوک اعلام کرد که خودش پروژه را تأمین مالی خواهد نمود. شی لی، یکی از پژوهشگران ارشد آکادمی علوم اجتماعی چین<sup>۱۴۳</sup>، و عضو پنل نیمه رسمی کارشناسی طرح کمربند و جاده<sup>۱۴۴</sup>، می‌گوید احتمالاً چین در معامله خط آهن پرسرعت اندونزی، با ضرر مواجه خواهد شد، که پکن آن را یک مورد خاص تلقی می‌کند و مایل نیست این شرایط تأمین مالی سخاوتمندانه، به یک امر متداول تبدیل شود.

### نتیجه‌گیری

طرح کمربند و جاده بلندپروازانه‌ترین طرح سیاست خارجی و اقتصادی رئیس‌جمهور شی به شمار می‌رود. بحث‌های اخیر در خصوص این طرح، عمدتاً جنبه‌های ژئوپلیتیکی طرح را در نظر داشت. شکی نیست که هدف فراگیر این طرح، کمک به چین برای دستیابی به اهداف ژئوپلیتیکی از طریق پیوند اقتصادی نزدیک‌تر کشورهای همسایه چین به پکن است. اما اهداف عینی و اقتصادی بسیار زیادتری از طرح کمربند و جاده وجود دارد که نباید با تمرکز بر استراتژی، پنهان شوند.

دست‌یافتنی‌ترین هدف طرح کمربند و جاده، کمک به ارتقا قابلیت‌های تولیدی چین خواهد بود. با فرض توانایی چین در تأمین مالی پروژه‌ها و برتری بر وام‌گیرندگان، احتمال استفاده گسترده کشورهای تحت پوشش طرح کمربند و جاده از محصولات صنعتی با کیفیت ساخت چین نظیر خط آهن پرسرعت، تجهیزات تولید انرژی، و تجهیزات ارتباطات راه دور وجود دارد. اما بیش از هر چیز این سؤال باقی است که آیا کشورهای همسایه چین، به جذب

142. "Thailand Rebuffs Railway Deal with China", The Straits Times, 5 May 2016, <http://www.straitstimes.com/asia/se-asia/thailand-rebuffs-railway-deal-with-china>

143. Chinese Academy of Social Sciences

144. semi-official OBOR expert panel

ظرفیت مازاد صنعتی این کشور متمایل خواهند بود. نبود اعتماد سیاسی میان چین و برخی از کشورهای تحت پوشش طرح کمربند و جاده، و نیز بی ثباتی و تهدیدات امنیتی در دیگر کشورهای تحت پوشش طرح کمربند و جاده، موانعی قابل تأمل به شمار می‌روند. احتمالاً بانکداران چینی نقش کلیدی در تعیین موفقیت طرح کمربند و جاده ایفا خواهند نمود. اگرچه که آن‌ها حمایت عمومی خود را از چشم‌انداز بزرگ رئیس‌جمهور شی اعلام کرده‌اند، برخی چه به صورت عمومی و چه در خفا، خواستار برخورد محتاطانه با پروژه‌های طرح کمربند و جاده شده‌اند. تمایل آنان به تأمین مالی پروژه‌ها و توانایی ایشان در مدیریت محیط پیچیده سرمایه‌گذاری و رای مرزهای چین، سرعت و مقیاس پیشرفت طرح کمربند و جاده را شکل خواهد داد. البته یک باور عمومی وجود دارد مبنی بر اینکه طرح کمربند و جاده یک دهه به طول خواهد انجامید و از این رو هم اکنون بسیاری با احتیاط گام برمی‌دارند.



# آیندهای چینی افق ۲۰۲۵

اوا پجساوا  
جاکوب باند

مرکز مطالعات امنیتی اتحادیه اروپا



## پیشگفتار

مدتی نه چندان پیش هنگامی که به دنبال بحران مالی ۲۰۰۷-۰۸ اولین نشانه‌های پایان یک عصر (نظیر «لحظه تک قطبی» سال‌های بعد از جنگ سرد یا حتی «قرن آمریکایی») در حال هویدا شدن بود، برخی از تحلیل‌گران و مفسران شروع به بحث درباره خاتمه پانصد سال تسلط غرب بر جهان کردند. ارجاع اصلی در این مباحث به چین بود، کشوری که پانصد سال پیش (همزمان با خیزش غرب) خود را از بقیه جدا کرده و مصون نگاه داشت، و اینک در حال بازیابی جایگاه خود بود؛ هم در سطح منطقه و هم در سطح جهان. مراسم افتتاحیه تماشایی المپیک پکن در برابر دیدگان چین و بقیه جهانیان نیز به نظر می‌رسید به صورت نمادین نمایانگر این تحول باشد.

از آن زمان، نشانه‌های این تحول مشهودتر شده‌اند، به گونه‌ای که خیزش چین به یک عامل بالقوه تغییردهنده بازی در آسیا و در سراسر جهان (هرچند با آشکار بودن کمتر) تبدیل شده است. اکنون سؤال بزرگ در اینجا عبارت است از اینکه چنین خیزشی در سال‌های پیش رو تا چه اندازه خطی و چقدر پایدار خواهد بود. بنابراین نباید جای تعجب باشد که مرکز مطالعات امنیتی اتحادیه اروپا (EUISS) تصمیم گرفت سومین مورد از مجموعه کارگروه‌های «آینده‌های»<sup>۱</sup> خود را (پس از جهان عرب در سال ۲۰۱۵ و روسیه در سال ۲۰۱۶) مخصوصاً به چین اختصاص داده و در عین حال همان افق زمانی ۲۰۲۵ را به عنوان نقطه مرجع نگه دارد. گزارش حاصل از کارگروه مورد نظر، احتمالاً به صورت ناگزیر، از لحاظ ساختار بیشتر شبیه به گزارش مربوط به روسیه است تا گزارش اول که پیرامون جهان عرب (که دربرگیرنده

---

1. 'futures' Task Forces

شمار زیادی از کشورها و مناطق بدون هیچ سازمان و سیاست متمرکزی می‌شود) است. با این وجود رویکرد به کار گرفته شده برای همه تقریباً یکسان باقی مانده است؛ به منظور تلاش برای پیش‌بینی روندهای کنونی تا میان‌مدت، باید در حالی که یک چشم به آینده است به زمان حال نگریت، و بعضی از نشانه‌ها را برای سیاست‌گذاران اتحادیه اروپا برونیابی کرد. این گزارش بر اساس سه کارگاه مربوط به یک کارگروه اختصاصی تهیه شده است (با هماهنگی توسط اِوا پِژسوا<sup>۲</sup> و جاکوب باند<sup>۳</sup>، کارگاه‌هایی که بین دسامبر ۲۰۱۶ و مارس ۲۰۱۷ در پاریس و بروکسل برگزار شده و متخصصین تأثیرگذاری در زمینه چین از اندیشکده‌ها و دانشگاه‌های مختلف و نیز دنیای دیپلماسی را در بر می‌گیرند. بدین ترتیب این کارگروه نمایانگر ترکیب منحصر به فردی از تخصص و تجربه است که مرکز مطالعات امنیتی اتحادیه اروپا همواره سعی بر ایجاد آن دارد تا تفکرات تازه و مناسبی را در عرصه سیاست حال و آینده تزریق نماید.

آنتونیو میسیرولی<sup>۴</sup> - پاریس، ژوئیه ۲۰۱۷

---

2. Eva Pejsova  
3. Jakob Bund  
4. Antonio Missiroli

## مقدمه: آینده‌های چین

اوا پژسوا

خیزش چین به ویژگی تعریف کننده «سده آسیا-اقیانوسیه»<sup>۵</sup> تبدیل شده است. ظهور چین به مثابه یک بازیگر سیاسی و امنیتی مهم، ورای قدرت اقتصادی آن، نه تنها توازن قدرت در آسیا را بازتعریف نموده، بلکه وجهه و آرمان‌های بین‌المللی رو به رشد آن به شکل‌دهی قابل توجه چشم‌انداز استراتژیک جهان در سال‌های آتی ادامه خواهد داد.

از آنجا که اروپا به دنبال پیش‌بینی قدرت و نفوذ خود در دنیایی است که به طور فزاینده‌ای چند محوری می‌شود، رویکرد و نحوه تعامل آن با این غول آسیایی آزمون مهمی برای سیاست خارجی و امنیتی آن خواهد بود. روابط بین چین و اتحادیه اروپا که طی سه دهه گذشته به تدریج عمیق شده است، در حال گرفتن قالب‌های ملموس تری به خود است؛ به گونه‌ای که افزایش جریانات تجاری، سرمایه‌گذاری و طرح‌های زیرساختی در کل سرزمین وسیع اوراسیا هر دو عامل را بیشتر از هر زمان دیگری به یکدیگر نزدیک می‌کند. در حالی که تقویت همکاری در عرصه‌های اقتصادی، توسعه و امنیتی در حال تبدیل شدن به یک ضرورت است، سیاستگذاران در بروکسل با احتیاط اقدام کرده و مناسبات دوجانبه را با دقت مدیریت می‌کنند. نوسازی ارتش و افزایش تجهیزات نظامی چین، به همراه پیگیری جدی مطالبات سرزمینی خود در دریاهای جنوبی و شرقی چین، کماکان ریسک‌های مربوطه را برای عاملان سنتی امنیت منطقه افزایش می‌دهد؛ عاملانی که نگران ثبات منطقه و آینده یک نظم بین‌المللی مبتنی بر قانون هستند. توسعه کانون‌های تجارت در آفریقا و حضور نظامی در حال افزایش چین در اقیانوس هند، آرمان‌های راهبردی پکن که به دنیای بیرون گرایش دارند و نیز اشتیاق فزاینده به حفاظت از منافع خود در خارج را مورد تأکید قرار می‌دهند. عزم این کشور برای تبدیل شدن به یک بازیگر جهانی تأثیرگذار به واسطه راه‌اندازی ساختارهای نظارتی جدید آن، مانند بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا<sup>۶</sup> (AIIB) و طرح یک کمربند و یک جاده<sup>۷</sup> (BRI) پشتیبانی می‌شود. تبدیل شدن به چه نوع بازیگر جهانی را می‌توانیم از چین انتظار داشته باشیم؟ روندهای کنونی چه چیزی را در رابطه با مسیر سیاست خارجی و امنیتی آینده آن در آسیا و دیگر نقاط جهان نشان می‌دهند؟ و اروپا چگونه می‌تواند با شریک چینی خود مشارکت نموده و در عین حال جایگاه و منافع خودش را تضمین کند؟

5. Asia-Pacific century

6. Asian Infrastructure Investment Bank

7. Belt and Road Initiative

در واقع، با توجه به ماهیت خاص فضای سیاسی داخلی چین، سؤالات بسیاری در خصوص پایداری مدل توسعه این کشور و قابل اطمینان بودن آرمان‌های خارجی و امنیتی آن مطرح می‌شوند. هر چند پیش‌بینی آینده غیرممکن است، اما یک تحلیل دقیق از روندهای کنونی و چالش‌های پیش‌روی رهبران سیاسی می‌تواند به ترسیم نمای اصلی سیاست خارجی پکن در کوتاه مدت در تلاش برای پیش‌بینی تأثیرات آن بر امور جهان کمک نماید.

در نظر گرفتن افق ۲۰۲۵ لزوماً شامل تلاش برای ارزیابی میراث رئیس‌جمهور شی جینپینگ<sup>۸</sup> که انتظار می‌رود حاکمیتش در سال ۲۰۲۲ خاتمه یابد، و نیز ارزیابی دستاوردهای اصلاحات بلندپروازانه‌ای می‌شود که تحت رهبری او در زمینه‌های داخلی، اقتصادی، و سیاست خارجی و امنیتی انجام گرفته‌اند. چین تا سال ۲۰۲۰ باید شاهد نتایج سیزدهمین طرح پنج‌سال‌هاش باشد (از جمله وعده‌های مربوط به مضاعف کردن تولید ناخالص داخلی، تکمیل روند گذار به یک کشور مدرن و توسعه یافته، و تشکیل یک جامعه «نسبتاً مرفه»). در سال ۲۰۲۱ چین صدمین سالگرد تأسیس جمهوری خلقی را جشن خواهد گرفت؛ نقطه عطفی که گواهی بر مشروعیت حزب کمونیست چین خواهد بود. مسئله ثبات نظام حکومتی حیاتی خواهد بود. چه بر سر وعده «رؤیای چین» خواهد آمد و این کشور طی ۱۰ سال آینده چه اصلاحات داخلی را خواهد توانست اجرایی کند؟

ساختار این گزارش مطابق با منطق تعریف‌کننده اولویت‌های سیاست‌گذاران چین است. در حالی که تمرکز اصلی این گزارش معطوف به سیاست‌های خارجی و امنیتی آینده پکن است، این سیاست‌ها منوط به چالش‌های سیاسی داخلی، اقتصادی و اجتماعی بسیاری است که باید در وهله اول جهت حفظ پایداری نظام حکومتی به آنها پرداخته شود. از این رو، قسمت اول گزارش جنبه‌های گوناگون فضای داخلی چین را بررسی می‌کند. نحوه تعامل چین با همسایگان خود و اظهار منافعش در منطقه، نمایاندن بخش زیادی از شناخت چین از نقش خود، و همچنین اسلوب عملکرد آن در امور بین‌المللی، در قسمت دوم مورد بررسی قرار می‌گیرد. قسمت سوم و پایانی به ملاحظه اقدامات و آرمان‌های جهانی چین پرداخته و سعی می‌کند پتانسیل و تمایل این کشور برای ایفای نقش مثبت در حاکمیت جهان را ارزیابی نموده و پیامدهای غیرمستقیم آن برای نظم جهانی (و به طور ویژه اروپا) را بررسی می‌کند.

## فضای داخلی چین

تحکیم قدرت و ثبات نظام حکومتی، اولویت‌های اصلی رهبران سیاسی چین را تشکیل می‌دهند، و دهه بعد شاهد یک تحول بسیار مهم خواهد بود. فصل اول کتاب کِری براون<sup>۹</sup> خلاصه‌ای از مجموعه چالش‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی (که همگی به هم پیوسته و نزدیک هستند) را ارائه می‌کند که پیش روی نخبگان حزب کمونیست چین (CCP) قرار دارند. مسائل جمعیت شناختی، تخریب محیط‌زیست، نیاز به اصلاحات مالی و مشکلات فراگیر نابرابری در داخل جامعه چین برخی از مسائل کلیدی هستند که در میان بسیاری از چالش‌های نگران‌کننده تشخیص داده شده‌اند؛ چالش‌هایی که از طریق اصلاحات مؤثر باید به آنها پرداخته شود. شیوه مدیریت مسائل داخلی توسط دولت تک حزبی چین (چه از طریق کنترل سختگیرانه و چه با انعطاف‌پذیری بیشتر؛ موضوعی که در آینده مشخص خواهد شد) همچنین جایگاه این کشور به عنوان یک قدرت جهانی را تعیین خواهد نمود.

کریستین شی-کوپفر<sup>۱۰</sup> با توضیح مفصل چالش‌های اجتماعی، نگاه عمیق‌تری به درون برخی از پدیده‌هایی می‌افکند که تعادل بین دولت و جامعه را به مخاطره می‌اندازند؛ تعادلی که بین نظارت اجتماعی شدید از یک سو و نیازهای طبقه متوسط در حال رشد و قدرتمند از سوی دیگر در نوسان است. اصلاحات مربوط به دغدغه‌های زیست محیطی، امنیت غذایی، نظام سلامت و بازنشستگی جزء مهم‌ترین اولویت‌ها در سال‌های آتی هستند. در حالی که ایجاد یک «جامعه هماهنگ» یکی از اهداف مهم ریاست جمهوری آقای شی به شمار می‌رود، کشور همچنان درگیر آفت‌های ناشی از نابرابری‌های اجتماعی است که به تضعیف ثبات نظام حکومتی ادامه می‌دهند. با این وجود، هیچ تلاش سازمان‌یافته‌ای جهت سرنگونی نظم سیاسی موجود به چشم نمی‌خورد.

اتکا بر رشد به عنوان منبعی از مشروعیت و ثبات سیاسی در داخل کشور، نیاز به اصلاحات اقتصادی موفقیت‌آمیز را به اولویت شماره یک تبدیل نموده است. چالش‌های اصلی بر سر راه اجرای این اصلاحات چه هستند و جهت‌گیری بازار چین در سال‌های پیش رو چگونه متحول خواهد شد؟ اینها سؤالاتی هستند که مایکل ماکوکی<sup>۱۱</sup> در بخش مربوط به خود مورد ملاحظه قرار می‌دهد. نوسازی بخش صنعتی و توسعه یک اقتصاد مبتنی بر خدمات، مبنای الگوی رشد

9. Kerry Brown

10. Kristin Shi-Kupfer

11. Michal Makocki

جدیدی است که رهبران چین باید به منظور پرهیز از «دام درآمد متوسط» آن را ایجاد نمایند. در حالی که اصلاح شرکت‌های تحت مالکیت دولت (SOEs) در صدد ایجاد توازن بین ارتقای رشد و ثبات اجتماعی است، کلید این کار نظارت مؤثر است.

در نهایت، با توجه به به هم پیوستگی نزدیک میان اهداف داخلی و سیاست خارجی، آلیس ال‌کمن<sup>۱۲</sup> به تحلیل محرک‌های دیپلماسی کنشگرایانه و بلند پروازانه فزاینده چین در منطقه و فراتر از آن می‌پردازد. توسعه و رشد اقتصادی مجدداً در اینجا به عنوان انگیزه‌های اصلی گسترش رو به بیرون<sup>۱۳</sup> آن نمایان می‌شوند و در صدد فراهم‌سازی فرصت‌های بازاری جدید و تضمین دسترسی به انرژی و مواد خام هستند. با اینکه نیروهای ایدئولوژیک ملی‌گرایی و پیگیری «جوان‌سازی دوباره ملت چین» هنوز در گفتمان چین تأثیرگذار هستند، اما فضای لازم را برای ملاحظات عملگرایانه باقی می‌گذارند و نباید مورد غلو قرار گیرند. چین به عنوان یک ترویج‌دهنده بانفوذ چندجانبه‌گرایی و جهانی‌سازی، احتمالاً قدرت لازم را به دست آورده و خود را در جایگاه یک سردمدار در عرصه‌های نوظهور حاکمیت جهانی قرار می‌دهد.

### وضعیت منطقه‌ای چین

بخش دوم این گزارش محرک‌های سیاست خارجی و امنیتی چین را در آسیا بررسی نموده و روی الگوهای زیربنایی شکل‌دهنده گفتمان سیاست خارجی چین تمرکز می‌کند: اهمیت حاکمیت<sup>۱۴</sup>، سیاست چین در خصوص همسایگان، و نقش ایالات متحده و هم‌پیمانان آن در منطقه آسیا-اقیانوسیه؛ ملاحظاتی که احتمالاً در محاسبات راهبردی و جهت‌گیری آینده چین ثابت باقی می‌مانند.

حفاظت از حاکمیت ملی و یکپارچگی سرزمینی شالوده «منافع اصلی» حزب کمونیست چین را تشکیل می‌دهد. از بسیاری جهات، نحوه برخورد و رویکرد پکن نسبت به تایوان، هنگ‌کنگ، و نیز قلمروهایی در دریاهای جنوبی و شرقی چین که این کشور ادعای مالکیت آنها را دارد، مشروعیت سیاسی آن را تعریف کرده‌اند. چارلز پارتون<sup>۱۵</sup> اهمیت مفهوم حاکمیت و عدم مداخله در تفکر سیاسی چین را توضیح می‌دهد، و تأثیر آن و رای مسائل قلمروی را برجسته می‌نماید. دهه بعد احتمالاً شاهد استمرار (اگر نگوئیم تقویت) سیاست‌های کنونی در

12. Alice Ekman

13. outward expansion

14. sovereignty

15. Charles Parton



رابطه با قلمروهای مورد ادعای این کشور خواهد بود. بنابراین موفقیت این سیاست‌ها و مسیر آینده رویدادها به ویژه در دریاهای جنوبی و شرقی چین عمدتاً به موضع‌گیری ایالات متحده بستگی خواهد داشت.

یک منطقه آرام، باثبات و شکوفا برای امنیت ملی و رشد اقتصادی چین ضروری به شمار می‌رود. در طول دهه‌های گذشته، پکن رویکرد منحصر به فردی برای برخورد با شرکای خود در جنوب شرق، شمال شرق و مرکز آسیا اتخاذ نموده است، آن هم با داد و ستد سرمایه‌گذاری‌ها و توسعه اقتصادی در ازای حمایت سیاسی و ضمانت‌های امنیتی. منافع اقتصادی، توسل به پیوندهای تاریخی، و قرابت ایدئولوژیکی یا فرهنگی بخشی از «سیاست حمله‌جذابت»<sup>۱۶</sup> چین هستند، که اغلب همراه با لحن زورگویانه و اقدامات جسورانه پیاده‌سازی می‌شود. بنا به نظر متیو دوشاتل<sup>۱۷</sup>، «هویج‌های بیشتر، چماق‌های بیشتر»، تاکتیک‌های جدید سیاست خارجی اتخاذ شده توسط شی جین‌پینگ را خلاصه می‌کند. آینده سیاست خارجی چین توسط کاربرد سیستماتیک و پیچیده طیف وسیعی از ابزارها تعریف می‌شود، از جمله سیاستمداری اقتصادی، قدرت نظامی، قدرت نرم و نهادسازی.

حضور نظامی ایالات متحده و پیمان‌های امنیتی آن در آسیا همواره یک ویژگی تعیین‌کننده در عرصه راهبردی منطقه بوده که نه تنها جایگاه و اقدامات هم‌پیمانان و اشنگتن، بلکه به ویژه رفتار خود چین را نیز تحت تأثیر قرار داده است. پکن در حالی که همیشه در طول تاریخ به تهدیدات واکنش نشان داده، اما تحت رهبری آقای شی آمادگی خود را برای ترویج منافع ملی خود با قدرت و عزم بیشتر نشان داده است. النا آتاناسوا-کورنلیس<sup>۱۸</sup> آرمان‌های رهبری منطقه‌ای درازمدت چین در سایه محاسبات هزینه فایده را در کوتاه مدت و میان مدت بررسی می‌کند. یکی از اهداف اساسی، جلوگیری از تشکیل اتحادهای ضد چین از طریق اطمینان دادن به همسایگان، افزایش مشوق‌های اقتصادی و ایجاد «شبکه‌ای از دوستان» در یک استراتژی «تسلط‌گزینشی» است که احتمالاً تا سال ۲۰۲۵ غالب خواهد شد. در عین حال، با توجه به عدم احتمال کاهش مشارکت نظامی ایالات متحده و هم‌پیمانان آن در کوتاه‌مدت، پکن به تقویت دفاعی خود جهت افزایش حضور نظامی نسبی‌اش در منطقه ادامه خواهد داد.

16. charm offensive

17. Mathieu Duchâtel

18. Elena Atanassova-Cornelis

## چین و جهان

قسمت پایانی این گزارش وجهه بین‌المللی و آرمان‌های چین را بررسی می‌کند. چین چه نوع قدرت جهانی خواهد بود و ما در ده سال آینده چطور می‌توانیم انتظار داشته باشیم با آن تعامل کنیم؟ برای پاسخ به این سؤال، این گزارش ابتدا نحوه در نظر گرفتن سایر قدرت‌های بزرگ توسط پکن و برداشت آن از نقش خود در نظام بین‌الملل را بررسی می‌کند، و سپس روی مشارکت این کشور در ساختارهای نظارتی موجود تمرکز می‌کند. با در نظر داشتن این موضوع، فصل آخر به طرز اختصاصی تری در مورد آینده روابط بین اتحادیه اروپا و چین تعمق می‌کند.

طبق نظر فرانس-پل فندر پوتن<sup>۱۹</sup>، رویکرد چین نسبت به قدرت‌های بزرگ، طی دهه آینده، به واسطه دو روند اصلی تعیین خواهد شد: از یک سو نیاز به خنثی‌سازی تهدیدات بالقوه که توسط برخی قدرت‌های بزرگ برای امنیت ملی آن به وجود می‌آید؛ و از سوی دیگر نیاز به همکاری با دیگران برای مدیریت یک فضای بین‌المللی با ثبات که موجب رشد اقتصادی شود. در حال حاضر، تلقی ایالات متحده به عنوان یک تهدید موجود برای منافع و حاکمیت چین، پکن را از تمرکز کامل و سرمایه‌گذاری روی همکاری با دیگر کشورها باز می‌دارد. هر چند ممکن است اینطور به نظر برسد که فرمول مورد توافق «عدم تقابل و همکاری برد-برد» موقتاً روابط بین چین و ایالات متحده را تنش‌زدایی کرده باشد، جو عدم اعتماد متقابل همچنان بین این دو کشور وجود داشته و زمان به نفع چین پیش می‌رود.

با عقب‌نشینی ایالات متحده از پیمان‌های بین‌المللی خود، چین در حال پیشبرد حمایت از چند جانبه‌گرایی و ساختارهای نظارتی موجود است. به گفته میکو هوتاری<sup>۲۰</sup>، تغییر لحن چین هر چقدر هم چشمگیر باشد، باید به دیده تردید به آن نگریست. در واقع، مشارکت چین در اداره جهان به میزان قابل ملاحظه‌ای متحول شده است، که نشان دهنده سوسیالیستی شدن تدریجی آن در داخل نظام جهانی، و همچنین آرمان این کشور مبنی بر اصلاح این نظام مطابق با تغییر توازن قدرت است. «رویکرد متمایز» پکن نسبت به اداره جهان توسط وضعیت موجود در یک زمینه به خصوص، ماهیت علاقه چین به آن، و اهرم دیپلماتیک مؤثر یا ظرفیت تکنیکی آن در حوزه مورد نظر تعیین می‌شود. شکی نیست که نقش چین در تغییر سیستم نظارتی موجود به رشد خود ادامه خواهد داد، و همراه با آن چندپارگی، تمرکززدایی و «غربی‌زدایی» احتمالی نظم جهانی نیز افزایش خواهد یافت.

19. Frans-Paul van der Putten

20. Mikko Huotari

روی هم رفته، در صورتی که چین مسیر کنونی‌اش را ادامه دهد، اروپا باید با حضور و نفوذ بیشتر چین در همسایگی خود و در کشورهای عضو اتحادیه اروپا کنار بیاید. گودران وکر<sup>۳۱</sup> گزینه‌ها و فرصت‌های موجود برای اتحادیه اروپا را جهت تعامل با همتای آسیایی خود به گونه‌ای که منافع خودش را تأمین و به حداکثر برساند، بررسی می‌کند. زمینه‌های فراوانی برای تقویت همکاری وجود دارند، اعم از یک نقش کنشگرایانه‌تر در طرح «یک جاده و یک کمربند»، همکاری در زمینه مسائل نوظهوری که نیازمند نظارت جهانی هستند (مانند تغییرات اقلیمی، امنیت سایبری، و فضا) هماهنگی نزدیکتر در کمک‌های مربوط به توسعه و برقراری صلح، و نیز نوآوری و تکنولوژی. چالش کلیدی برای اتحادیه اروپا پذیرا بودن نسبت به تغییرات در نظام بین‌الملل، و در عین حال حفظ هنجارها و ارزش‌های بنیادین خودش خواهد بود.

## بخش اول - عرصه داخلی چین

## ۱- فضای سیاسی: چالش‌های پیش روی حزب کمونیست چین

کری براون

## مقدمه

دهه آینده یک دوره تحول اساسی خواهد بود که جمهوری خلق چین در آن دستخوش تغییرات بنیادی خواهد شد. چالش‌های پیش روی این کشور به طور کلی به دو حوزه اقتصادی و سیاسی تقسیم می‌شوند. با این وجود، این دو مجموعه چالش پیوند نزدیکی با یکدیگر خواهند داشت. این امر به علت شیوه‌هایی است که به موجب آنها حزب کمونیست چین از همان ابتدای دوره اصلاحات اقتصادی<sup>۲۲</sup> در ۱۹۷۸ در پی مشروعیت سیاسی بیشتر از طریق رونق و رشد اقتصادی بوده است. در سراسر این دوره، رهبران نخبه از دنگ ژیاو پینگ<sup>۲۳</sup> گرفته تا جیانگ زمین<sup>۲۴</sup> و هو جینتائو<sup>۲۵</sup> به وضوح اعلام کرده‌اند که زبردستی اقتصادی و مسئولیت اقتصاد کشور توسط حزب ابزارهای کلیدی هستند که حزب از طریق آنها انحصار خود بر قدرت سیاسی را توجیه می‌کند. قرارداد اجتماعی در طول این دوره، علیرغم نابسامانی‌های دوره‌ای (که مهم‌ترین آنها قیام دانشجویی سال ۱۹۸۹ بود)، مبتنی بر این فرضیه بوده است که مادامی که جامعه به طور اساسی در حال پیشرفت باشد، زندگی مردم بهبود یابد و رفاه و ثروت افزایش یابد، حزب کمونیست قادر است این جایگاه ممتاز را حفظ و توجیه نماید. مخالفت سازمان یافته به محض پیدایش به طرز شدیدی مورد سرکوب قرار گرفته است. حتی فروپاشی شوروی سابق در سال ۱۹۹۱ نیز موجب انحراف قابل توجه حزب کمونیست چین از استراتژی خود نشد.

## یک اقتصاد در حال تحول

در سال ۲۰۱۷ می‌توانیم نتیجه بگیریم که این استراتژی تا کنون به خوبی به حزب کمونیست چین خدمت کرده است. این استراتژی اکنون کشوری را اداره می‌کند که دارای دومین اقتصاد بزرگ جهان است و در طول بخش اعظم دوره خود یعنی از ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۰ شاهد یک رشد دو رقمی بوده، و نفوذ ژئوپولیتیکی را اعمال می‌کند که چهار دهه پیش خیالی بیش نبود. با این حال، از زمان به قدرت رسیدن رئیس جمهور شی جینپینگ در سال ۲۰۱۲، داستان حزب نیاز به تغییر داشته است. نرخ رشد اقتصادی ناچاراً کاهش یافته است. حزب اولین هدف

22. Reform and Opening Up

23. Deng Xiaoping

24. Jiang Zemin

25. Hu Jintao

صد ساله خود را در نظر دارد (سال ۲۰۲۱، یکصدمین سالگرد تأسیس آن)، زمانی که عنوان می‌کند قصد تأسیس کشوری با درآمد متوسط (با تولید ناخالص داخلی سرانه ۱۳۰۰۰ دلار) را دارد. آگاهی بالایی در میان متخصصین وجود دارد مبنی بر اینکه در هر فضای مشابه دیگری، این برهه نه تنها با تغییر اقتصادی بلکه با تحولات اجتماعی و سیاسی اساسی همراه می‌بود. عملاً یک طبقه متوسط ظهور کرده که خواهان مشارکت بیشتر در تصمیم‌گیری‌ها خواهد بود. این گروه از جامعه که شاید در حال حاضر بیش از ۵۰ درصد از جمعیت چین را تشکیل می‌دهند، شاهد ارتقای شرایط زندگی، حقوق‌ها و استانداردهای زندگی خود خواهند بود. آنها یک منبع مالیاتی برای دولتی خواهند بود که در آن شرکت‌های دولتی اصلی دیگر چنان منبع بزرگی از درآمد را ارائه نخواهند کرد. پیدایش این طبقه متوسط جدید، مستلزم مطالباتی برای یک نظام رفاه اجتماعی، مستمری، و کالاهای عمومی بهتر است؛ امری که بازتاب‌دهنده استانداردهای زندگی مشاهده شده در غرب بوده، و توسط خود آقای شی هنگام برده‌برداری از بیانیهٔ سیاست‌های «رؤیای چین» در سال ۲۰۱۳ مورد ارجاع قرار گرفته است.

بدین ترتیب، اصلاحات اقتصادی طی این دوره شامل مسائل کاملاً سیاسی نیز خواهد بود. چین تلاش خواهد کرد چیزی را متقبل شود که قبلاً هرگز دیده نشده است: ایجاد یک نظام پایدار تک‌حزبی در کشوری با یک اقتصاد ترکیبی؛ بخشی بازاری و بخشی تحت کنترل دولت. در اتحاد جماهیر شوروی سابق، نظام تک‌حزبی ۷۴ سال دوام آورد. در ۲۰۰۳ چین از این رکورد پیشی گرفت. این کشور نیاز به ایجاد یک نظام با دوام دارد که در آن مارکسیسم-لنینیسم به همراه خصوصیات چینی، جامعه‌ای با پیچیدگی فراوان را اداره خواهد نمود. اما سؤال اینجا است که آیا این کار انجام‌پذیر است؟

به منظور پاسخ به این سؤال، باید درک مناسبی از مجموع شرایطی که حزب کمونیست چین در آنها برای دستیابی به این هدف تلاش خواهد کرد، وجود داشته باشد. رشد اقتصادی در طول چهار دهه گذشته کشور را متحول ساخته است. چین اکنون با سرزمینی که سال ۱۹۷۷ وجود داشت به کلی فرق دارد. در آن زمان بخش غیردولتی تنها یک درصد از فعالیت اقتصادی را تشکیل می‌داد. این بخش اینک بیش از نیمی از کل رشد تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده است. در آن دوره درآمد سرانه ۳۰۰ دلار و فقر رایج بود. اکنون چین دارای میلیارد‌هایی بیشتر از هر جای دیگری غیر از ایالات متحده است. شهرهای چین اکنون نسبت به شهرهایی که در عصر سوسیالیسم مائوئیستی شدید وجود داشتند، طوری به نظر می‌رسند که گویی از یک سیاره دیگر هستند.

علیرغم اینها، تنها چیزی که به همان شکل باقی مانده، سلطه حزب و کنترل آن بر فضایی است که در آن فعالیت سیاسی سازمان یافته در چین مجاز است. البته تاکتیک‌ها، قالب و فلسفه حزب کمونیست چین امروز متفاوت هستند. این حزب بیشتر شبیه به یک نهاد راهبردی عظیم و هماهنگ کننده عمل می‌کند که مدیریت ریسک در سطح بالایی را بر عهده می‌گیرد، و زمینه‌های فعالیتی وسیعی در حوزه اقتصاد را به عواملان غیردولتی یا ترکیبی واگذار می‌کند. با وجود همه این گشایش‌ها در فضای اقتصادی، حتی گفتگوی کوتاهی با وکلای حقوق بشر یا دگران‌دیشان در چین نشان می‌دهد با کسانی که مشروعیت حزب را به چالش بکشند این روزها با همان شدتی برخورد می‌شود که با فعالان دخیل در جنبش مختصر دیوار دموکراسی<sup>۲۶</sup> در ۱۹۷۹ برخورد می‌شد. مطالبه آنها در آن دوره برای «مدرن سازی پنجم»<sup>۲۷</sup> و اصلاحات دموکراتیک و سیاسی (عطف به جنبش چهارم مه ۱۹۱۹) و تلاش‌های صورت گرفته طی دهه‌ها جهت ترویج یک چشم‌انداز چینی اصیل و بومی از لیبرالیسم و پلورالیسم سیاسی همگی با شکست مواجه شده‌اند. اکنون و در سال ۲۰۱۷ به نظر نمی‌رسد به تحقق چنین چشم‌اندازی نزدیکتر شده باشیم. با اینکه غیرممکن نیست، اما غیرمحتمل به نظر می‌رسد که ما شاهد هیچ‌گونه تغییر اساسی در ساختارهای سیاسی چین در دهه آینده باشیم.

### چالش‌های پیش رو

علیرغم آنچه گفته شد، حزب کمونیست چین احتمالاً طی ده سال آینده مجبور خواهد بود اصلاحاتی را طرح‌ریزی و سپس اجرا کند که بیشتر ماهیتی سیاسی دارند تا اقتصادی. این حزب با مجموعه دشواری از مشکلات مواجه است که برای فائق آمدن بر آنها به سطح بالایی از وفاق اجتماعی و عکس‌العمل یکپارچه نیاز است. شاید دشوارترین چالش این مسئله خواهد بود که این دولت تک حزبی در مواجهه با هر یک از مشکلات مذکور در سال‌های آتی باید تصمیماتی را اتخاذ نماید که باعث ایجاد برندگان و بازندگان مشخصی در جامعه خواهد شد. این حزب همچنین مجبور خواهد بود چند انتخاب بسیار سخت را انجام دهد. با توجه به مدل سیاسی فعلی که نسبتاً متمرکز، واحد و سلسله‌مراتبی است، معلوم نیست این حزب چگونه قادر خواهد بود در مورد این مسائل کنکاش کرده و به هر کسی که در این امر دخیل است اطمینان دهد که صدایش شنیده شده است. همچنین مشخص نیست چنانچه کشمکش‌های درونی مهم درباره چگونگی پرداختن به مسائل مورد منازعه به نحو احسن، تلاش‌های مربوط به فرونشاندن

26. Democracy Wall movement

27. Fifth modernisation

نارضایتی‌های اجتماعی را خدشه‌دار کند، این دولت تک حزبی تا چه اندازه انعطاف‌پذیر خواهد بود. در این تلاش‌ها، ملاحظات حزب در خصوص اینکه طی سال‌های آینده کجا از اختیارات ویژه خود حفاظت کند و کجا به نیروهای جدید در جامعه میدان بدهد، اهمیتی اساسی خواهد داشت؛ چرا که با توجه به پیچیدگی و سرعت تغییرات در چین جای چندانی برای محاسبات غلط وجود ندارد.

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی: چین دارای یک جمعیت در حال پیر شدن بوده که نسبت جنسیتی آن ۱۰۶ مرد به ۱۰۰ زن است. این پدیده تا حدی نتیجه تصمیمات سیاسی در گذشته (به ویژه سیاست‌های تک فرزندی) و تا حدی نیز ناشی از تصمیمات خانوادگی است (داشتن فرزندان بیشتر مستلزم مخارج بیشتر است، که یعنی بسیاری از خانواده‌ها تصمیم گرفتند بیش از یک فرزند نداشته باشند). این امر منجر به ایجاد جامعه‌ای شده است که در آن از کسانی که هنوز کار می‌کنند انتظار می‌رود از تعداد فزاینده شهروندان بازنشسته سالخورده مراقبت نمایند. مانند اقتصادهای توسعه‌یافته در هر جای دیگر دنیا، احتمال زیادی وجود دارد که نسل بعدی چینی‌ها زندگی‌های سخت‌تری نسبت به پیشینیان نزدیک خود داشته باشند، که باعث ایجاد نارضایتی و تنش‌های اجتماعی خواهد شد. بحران مستمری<sup>۲۸</sup> چین یک مشکل بزرگ محسوب می‌شود. هیچ نظام ملی کارآمدی در این زمینه وجود ندارد. مراقبت از سالمندان که هنوز عمدتاً بر عهده خانواده اصلی یا گسترده است، توسط جامعه چندپاره، سیار و مهاجری که چین اکنون به آن تبدیل شده، به خطر افتاده است. علاوه بر این، وضعیت سلامت چینی‌ها مشابه با وضع موجود در اروپا یا ایالات متحده است: یعنی میانگین بالای امید به زندگی اما افزایش بیماری‌های مزمن نظیر سرطان یا مشکلات قلبی. این مجموعه مشکلات حتی اگر قابل مدیریت باشند، نیازمند مقدار عظیمی از منابع و اصلاح اساسی نظام‌های بهزیستی و سلامت هستند. در نوزدهمین کنگره حزب در اواخر ۲۰۱۷، ترفیع مقامات به خصوص با یک سابقه و تاریخچه اجرایی مشخص نشانه‌ای از این موضوع خواهد بود که چین در تلاش برای انجام اصلاحات اجتماعی بیشتر (در مقایسه با اصلاحات صرفاً اقتصادی) طی پنج سال آینده تا چه حد جسورانه عمل می‌کند. تأمین و تقویت مستمری‌ها، یک نظام سلامت و رفاه اجتماعی و تمهیدات معیشتی مربوطه، اقدامات بسیار پرهزینه‌ای بوده و شامل به کارگیری قابل توجه منابع خواهند بود؛ امری که با کُند شدن رشد تولید ناخالص داخلی و تولید ثروت چالش برانگیزتر نیز شده است.

مسائل زیست‌محیطی: تغییرات اقلیمی و تخریب محیط‌زیست تأثیرات هنگفتی در چین بر جای گذاشته‌اند. چهار دهه صنعتی‌سازی شدید از کیفیت هوا و آب کاسته است. مراکز شهری چین در طول دوره ریاست جمهوری آقای شی دچار مه‌دود غلیظ وحشتناکی شده‌اند که پیامدهای نامساعدی برای سلامت و کیفیت زندگی هواداران اصلی شی (یعنی طبقه متوسط نوظهور ساکن شهر که در بخش خدمات کار می‌کنند) در بر داشته است. جستجوی یک راهکار تکنولوژیکی برای این مجموعه مشکلات توسط چین و به همراه سایر کشورهای جهان، یکی از مضامین کلیدی دهه آتی خواهد بود. عملیات وسیع «پاکسازی» پرهزینه و طاقت‌فرسا بوده و اگر بیش از حد کند یا حتی یک تلاش ناکام باشد، فشارهایی را بر دولت تک حزبی وارد خواهد کرد. حرکت چین در راستای شهری‌سازی یک مشخصه مداوم از فرآیند اصلاحات بوده است. تا سال ۲۰۲۷، تعدادی معادل ۷۰٪ از چینی‌ها در شهرها زندگی خواهند کرد. اما این مراکز وسیع شهری از پکن تا شانگهای و دلتای رود پرل<sup>۲۹</sup> در جنوب، بدون ذخائر آب بهتر و هوای بهتر اصولاً غیر قابل تحمل خواهند بود. این احتمال وجود دارد که نوزدهمین کنگره حزب به تقویت اولویت سیاسی پردازد که روی نگرانی‌های زیست‌محیطی قرار داده می‌شود. با این وجود ارائه جزئیات زیاد در مورد اقدامات ملموس، غیرمحمول است.

اصلاحات مالی: تنظیم مجدد و پیچیده نظام مالی بسیار متمرکز چین تحت ریاست جمهوری آقای شی منجر به اتخاذ میزان بیشتری از تصمیمات بودجه‌ای توسط استان‌ها به جای پکن شده است. اما از لحاظ قدرت جمع‌آوری مالیات، چین همچنان یک کشور بسیار متمرکز به شمار می‌رود. از بین تمام کشورهای بزرگ و مهم، چین به تنهایی در برابر هر گونه تلاش جهت ایجاد یک نظام فدرال مقاومت کرده است. نگهداری نظامی اینچنین متمرکز کار چشم‌گیری بوده است؛ اما با افزایش اختلافات در رابطه با توسعه اجتماعی-اقتصادی بین استان‌ها و مناطق خودمختار، تنش‌ها بالا خواهند گرفت. نواحی محصور در خشکی مانند تبت<sup>۳۰</sup> برای بیش از ۹۰ درصد بودجه خود متکی بر کمک‌های مالی (یارانه) از سوی پکن هستند. اما گوانگژو<sup>۳۱</sup> و دیگر استان‌های ساحلی، اعانه‌دهندگان خالص<sup>۳۲</sup> هستند. فشارها بر استانداران جهت ارائه خدمات بیشتر به جوامع خود یک تنش رقابتی را ایجاد خواهد نمود. این مسئله نابرابری کلانی که در داخل چین وجود دارد را برجسته می‌سازد؛ جایی که نواحی واقع در غرب دارای سطوح

29. Pearl River Delta

30. Tibet

31. Guangzhou

32. net contributors



بسیار پایین تری از تولید ناخالص داخلی سرانه و ثروت و توسعه هستند، در حالی که نواحی شرقی در همه جنبه‌های مهم قبلاً به جهان توسعه یافته ملحق شده‌اند. مطالبات مطرح شده توسط استان‌ها جهت داشتن اختیارات بیشتر برای جمع‌آوری مالیات احتمالاً افزایش می‌یابند؛ چرا که یکی از منابع اصلی برای درآمدهای در اختیار اعطا شده به آنها (یعنی فروش زمین) رو به اتمام است. این مسئله شاهد کشمکش بین مطالبات محوری جهت کنترل منابع و اعتقاد راسخ مردم بومی مبنی بر این خواهد بود که مسئولین عرصه اقدام موقعیت خود را به خوبی می‌دانند و باید خودمختاری بیشتری در تصمیم‌گیری‌ها به آنها داده شود. از بیرون، چین بسیار متحد و یکپارچه به نظر می‌رسد، و با این وجود تاریخ این کشور با دوره‌هایی از جداسازی و چندپارگی توصیف می‌شود. این موضوع نباید نادیده گرفته شود، هر چند در حال حاضر امری غیرمحمتمل به نظر می‌رسد. کنگره حزب در سال ۲۰۱۷ احتمالاً تعهد صورت گرفته در پنج سال قبل جهت جایز شمردن تفویض بعضی از اختیارات مالی را تکرار می‌کند. با این وجود، اعلام عصر جدیدی که در آن مقادیر قابل توجهی از اختیارات از پکن به استان‌های دیگر منتقل شود، ناممکن است. ریسک مرتبط با دادن اختیارات فراوان به استان‌ها در برابر دولت مرکزی بسیار بالا خواهد بود، به ویژه در دوره منتهی به سال ۲۰۲۱ و نقطه عطف نمادین صدسالگی حزب.

نابرابری: علیرغم موفقیت عظیم در ایجاد رشد تولید ناخالص داخلی از سال ۱۹۷۸، این منافع اقتصادی سریع با هزینه تبدیل چین به یک کشور بسیار نابرابرتر به دست آمده‌اند. در دهه ۱۹۸۰ ضریب جینی<sup>۳۳</sup> مربوط به این کشور نشانگر سطح نسبتاً بالای نابرابری بود. اما تا سال ۲۰۱۰، چین دچار همان اختلافات عظیم بین ثروتمندان و فقرا شد که گریبانگیر سایر اقتصادهای توسعه یافته شده است.

رتبه ضریب جینی این کشور جزء بدترین‌ها در جهان است. ناخشنودی‌ها در خصوص مسائلی همچون ناتوانی در پرداخت غرامت مناسب برای زمین‌های غصب شده توسط مأمورین محلی دولت، عدم پرداخت مستمری‌ها و ناتوانی در توسل به عدالت از طریق دادگاه‌ها منجر به موجی از نارضایتی اجتماعی شده است. با اینکه کسب آمار دقیق دشوار است، یو ژیانرونگ<sup>۳۴</sup> در آکادمی علوم اجتماعی چین<sup>۳۵</sup> در سال ۲۰۱۰ برآورد کرد که بیش از ۲۰۰ هزار رویداد

33. GINI co-efficient

34. Yu Jianrong

35. Chinese Academy of Social Sciences

جمعی در آن سال به وقوع پیوسته است؛ تظاهراتی شامل ده نفر یا بیشتر که به دنبال چاره‌ای برای رنج‌های خود بوده‌اند. برخی از این تظاهرات ستیزه‌جویانه و همراه با کشمکش‌های خشونت‌آمیز بین مأموران امنیتی و مردم بوده است. مجاهدت‌های ضد فساد آقای شی تلاش‌های در راستای اعاده‌ی وجهه‌ی حزب در نظر عموم با ریشه‌کن کردن مقامات دخیل در فعالیت‌های گسترده‌ی ثروت‌اندوزی بوده است. حتی با این وجود، چین غالباً یک جامعه‌ی به شدت تفکیک‌شده و جدا از هم به نظر می‌رسد که خشم و طغیان در زیر سطح آن در حال غلیان است. این جو حاکم مسبب مقادیر هنگفت منابعی است که صرف امنیت داخلی می‌شود. آیا این سطح از کنترل را می‌توان حفظ کرد؟ این امکان حقیقی وجود دارد که یکی از تظاهرات ممکن است تشدید شده و غیر قابل مهار شود، و اغتشاش اجتماعی گسترده‌ای را برانگیخته و رژیم را سرنگون کند. حزب کمونیست چین از قدرت چنین بسیج اجتماعی بسیار آگاه است: به هر حال، این همان شیوه‌ای است که خود حزب به موجب آن موجودیت پیدا کرد و قدرت را در دست گرفت. کنگره‌ی سال ۲۰۱۷ فرصتی است برای حزب که بهسازی رهبری خود برای منفعت همه‌ی مردم چین را به نمایش بگذارد. شواهد موجود تا کنون حاکی از آن هستند که رهبری شی چینپینگ از محبوبیت در میان مردم برخوردار است، و اینکه او حافظ منافع طبقه‌ی متوسط چین در تکاپوهای ایشان در زندگی در نظر گرفته می‌شود. اینکه عدم توازنهای ساختاری عمیقی که محرک تقسیم‌بندی‌های اقتصادی هستند شاهد یک راه حل سریع باشند، امری نامحتمل است؛ و قطعاً هیچ یک از چنین تلاش‌هایی قبل از تشکیل مجامع حزب در سال‌های آتی انجام نخواهد گرفت.

چین و جهان: در عصر مائوئیسم، چین غالباً با جهان خارج و نیز کسانی که در مرزهایش مستقر بودند، در نزاع به سر می‌برد. این کشور با هند، کره، روسیه و ویتنام وارد جنگ شد. از سال ۱۹۸۰، چین از یک فضای بین‌المللی مساعد برخوردار شده است، فضایی که در آن بر مبنای معاملات تجاری و توافقنامه‌های بین‌المللی مبتنی بر قانون (مانند معاهدات فراهم شده توسط سازمان تجارت جهانی)، ثروتمندتر شده است. عصر حاضر این تلقی را به وجود آورده که چین یک عامل مرکانتیلیستی است که صرفاً از روی نفع شخصی عمل می‌کند، و نقش آن در نظام جهانی در بهترین حالت مبهم و نامشخص، و در بدترین حالت به صورت نیمه خود آگاهانه‌ای<sup>۳۶</sup> رقابتی و خصومت‌آمیز است. لحن گفتاری «تهدید چین» تحت ریاست جمهوری دونالد ترامپ از زمان ژانویه ۲۰۱۷ شدیدتر شده است. با قضیه‌ی تحلیل رفتن موفقیت اقتصادی

تحت تأثیر افت نرخ‌های رشد، رهبران چین شروع به جستجوی رکن جدیدی از مشروعیت نموده‌اند. متوسل شدن فزاینده و مکرر به زبان جوان‌سازی ملی و ملی‌گرایی تحت ریاست جمهوری آقای شی دال بر تلاش‌ها در راستای این هدف بوده است. چین تحت کنترل شی، به بیان خودش، به دنبال «یک سرنوشت مشترک در منطقه آسیا و یک معامله «برد-برد» با جهان است. چهارچوب‌های بزرگی مانند طرح وسیع «یک کمربند و یک جاده» که بیش از ۶۵ کشور را در بر می‌گیرد، نمودار شده‌اند. چین شروع به انتقال چشم‌انداز روشن‌تری از نقش جهانی خود به دنیا کرده است. اما تفاوت قابل توجه آن از نظر مدل سیاسی بدین معنا است که یک کمبود اعتماد همچنان برقرار است. اهداف چین مورد بی‌اعتمادی هستند. آرمان‌های منطقه‌ای آن از سوی کشورهای همسایه‌اش و ذینفعان امنیتی خارجی با احتیاط مورد ملاحظه قرار می‌گیرند. ادعاهای آن نسبت به تایوان و دریاهای جنوبی و شرقی چین جنجالی‌تر شده‌اند. این روندها در دهه آتی تنها احتمال دارد خشونت‌بارتر و برجسته‌تر شوند، و این احتمال واقعی وجود دارد که فشار ملی‌گرایان متعصب در داخل چین رهبران را مجبور کند در اقدامات سیاست خارجی خود ماجراجویانه‌تر عمل کنند. چین با خواسته‌هایی جهت فعال شدن فزاینده در سطح جهان برای مقابله با چالش‌هایی که پیامدهایی محسوس برای معیشت شهروندانش دارند، مواجه خواهد شد؛ مانند تغییر اقلیم، تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی و نیز تمهیدات مربوط به حمایت از صنایع داخلی که صادرات چین و دسترسی آن به تکنولوژی‌های راهبردی را محدود می‌سازند. اما اینکه چین قادر باشد به طرز قابل قبولی پیغامی را به بقیه کشورهای جهان منتقل کند که اعتماد بیشتری را ایجاد نماید، هنوز معلوم نیست. برای اولین بار در تاریخ مدرن، چین نیاز خواهد داشت که دیدگاه‌ها، بینش و نگرش‌های خود را برای جهان خارج جذاب سازد. این امر چیزی بیش از مؤسسات کنفوسیوسی<sup>۳۷</sup>، پروپاگاندای تحت رهبری دولت، و لحن جزمی حاکم بر اظهارات رسمی رهبران چین را می‌طلبد.

در سال ۲۰۰۰ و در یک عصر متفاوت، رئیس‌جمهور وقت چین جیانگ زمین از یک دوره «فرصت راهبردی» سخن گفت که به واسطه دو دهه آینده فراهم می‌شود، دوره‌ای که در آن چین قادر خواهد بود به ظرفیت درونی خود بیفزاید، با برخی از مسائل داخلی بزرگش مقابله نماید، و از توجه ایالات متحده به هر جای دیگر جهان بهره‌برداری کند. در دوره‌ای که از ۲۰۱۷ آغاز می‌شود، این فرصت راهبردی کماکان برای چین وجود دارد؛ و در واقع از نظر پکن حتی هیجان‌انگیزتر از دو دهه قبل است. چین هرگز تا این حد از نفوذ و اهمیت در امور

جهان برخوردار نبوده است. اما توأم با تعامل این کشور با دنیایی که به طور فزاینده‌ای نیاز به مشارکت با آن و درک آن دارد، چین همچنین به مواجهه با مشکلات مربوط به پیچیدگی عظیم در داخل خود ادامه می‌دهد؛ که بررسی فوق‌الذکر گواهی بر این مدعا است.

### نتیجه‌گیری

سؤال اینجا است که آیا مدل سیاسی تک حزبی فعلی که بر چین حاکم است، در مقابله با این چالش‌های داخلی و خارجی یک مزیت به شمار می‌رود یا یک کاستی. تا کنون، قابلیت آن در حفظ وحدت یک مزیت بوده است. اما برهه‌های فراوانی در دهه پیش رو هستند که سرسختی این مدل سیاسی در آنها ممکن است به منزله یک نقطه ضعف نمودار شود. بدین ترتیب سؤال این است که آیا رهبران نخبه حزب کمونیست چین که تا به اکنون بسیار عملگرا بوده‌اند با اصلاحات در حوزه سیاسی به‌خاطر دلایل تاکتیکی کنار می‌آیند، این اصلاحات را فراهم می‌کنند و حکم به انجام آنها می‌دهند یا خیر. در حال حاضر پیش‌بینی اینکه آنها یک موضع انعطاف‌پذیر یا سرسختانه را اتخاذ نمایند، غیرممکن است. اما بیش از هر زمان دیگری می‌توانیم مطمئن باشیم که ثبات و توسعه همراه با رونق نظام جهان به تصمیم آنها بستگی دارد. این موضوع به علت آن است که چین یک قدرت جهانی بوده و رهبران آن شخصیت‌هایی جهانی هستند. بنابراین بازه زمانی ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۵ (هر چیز دیگری که در بر داشته باشد) دوره‌ای خواهد بود که بهترین توصیف آن دوره‌ای است که شاهد ظهور نهایی چین جهانی بوده است. حداقل این موضوع را می‌توان با اطمینان پیش‌بینی کرد.

## ۲- بافت اجتماعی: مدیریت روابط بین دولت و جامعه

کریستین شی - کوپفر

### مقدمه

از سال ۲۰۱۳ تا باآوری اجتماعی<sup>۳۸</sup> در چین، طوری که به شکل یک جامعه مدنی مستقل نمود پیدا کند، در سایه فشار دولت مرکزی برای باز پس گیری کنترل تضعیف شده است. سرکوب‌های خشونت‌آمیز همراه با تمرکز رژیم روی انجام اصلاحات اقتصادی و مادی جهت تأمین رضایت عموم، جامعه مدنی را در تلاش حزب کمونیست چین برای «متمدن‌سازی» فضای عمومی، کرخت نموده است؛ که این امر نمایانگر ایده ارباب مآبانه منضبط کردن جامعه تحت قیومیت دولت در مقایسه با یک جامعه مدنی خود سامان است. تقلای هر روزه برای امرار معاش تحت شرایطی مانند مسکن بیش از حد گران قیمت، خویشاوند سالاری<sup>۳۹</sup>، آلودگی صنعتی و رقابت شدید در داخل نظام آموزشی، توانایی بسیاری از شهروندان چینی برای عمل کردن بر اساس هوشیاری سیاسی شان را بیش از پیش کاهش داده است.

این نیروهای پویای سیاسی-اقتصادی، جامعه مدنی چین را به گروهی از طرفداران متعهد عدالت اجتماعی تقلیل داده است. به علاوه، ساکنان شهری مرفه و آشنا با تکنولوژی سعی می‌کنند فضاهای اجتماعی-اقتصادی خودشان را ایجاد نمایند، از جمله با فرستادن فرزندان خود به خارج جهت فرار از محیط آموزشی که به طور روز افزونی سرشار از مفاهیم ایدئولوژیکی است، یا با کسب جواز اقامت در اروپا یا ایالات متحده برای فرار از شرایط زیست محیطی پر مخاطره و نیز دور زدن شبکه اینترنتی گند و سانسور شده. در نواحی روستایی کشور، دهقانان و کارگران مهاجر به مبارزه برای شرایط کاری بهتر و حقوق شهروندی یکسان با جمعیت شهری ادامه می‌دهند.

نظر به این شرایط، فراهم نمودن یک جامعه به اصطلاح «بائبات» (به معنای نسبتاً برابر، کارآمد، و وفادار به لحاظ سیاسی) چنانکه در «رؤیای چینی» شی جینپینگ مجسم شده است، یک مأموریت سخت و چالش برانگیز برای حزب کمونیست چین پس از بیستمین کنگره حزب در سال ۲۰۲۲ خواهد بود.

از زمان تأسیس جمهوری خلق چین (PRC) در ۱۹۴۹، روابط بین دولت و جامعه توسط دو الگو شکل گرفته است: از طرفی حزب کمونیست چین بین کنترل اجتماعی شدید برای

38. societal resilience

39. nepotism

حفظ ثبات (و تضمین قدرت سیاسی خود) و یک رویکرد آزادمنشانه<sup>۴۰</sup> که تفکر کارآفرینی را ترغیب کرده و تا حدودی اجازه آزادی عمل در حوزه‌های گزینشی (برای مثال در زمینه مسائل زیست محیطی و خدمات اجتماعی) را می‌دهد، در نوسان است؛ اگرچه همچنان با محدودیت‌های سختگیرانه در خصوص خود سامان دهی. از طرف دیگر، نمایندگان جامعه مدنی محدودیت‌های رسمی را دائماً باز تفسیر کرده و دور زده‌اند تا به اهرم فشاری برای منافع و ایده‌های خود دست یابند.

حزب کمونیست چین در طول عصر مائو زدونگ<sup>۴۱</sup> جامعه را از نظر ایدئولوژیکی طبقه‌بندی، تقسیم و سطح‌بندی کرد. با این وجود، هنگامی که مائو گاردهای سرخ<sup>۴۲</sup> را بسیج کرد تا مقامات سنتی و سازمانی را برکنار کنند، آنها وحشیانه زندگی افراد و پیوندهای اجتماعی را نابود کردند. مائو زدونگ سرانجام مجبور شد ارتش را فرا بخواند تا اوضاع را آرام کند. این حادثه دلخراش زخم‌های عمیقی را در حافظه جمعی چین بر جای گذاشته است. در اوایل دهه ۱۹۷۰، جو سرکوب سیاسی شروع به فروکش کرد و جامعه مدنی وارد یک رابطه محتاطانه با رهبران حزب شد، در حالی که عمدتاً جدا از سیاست باقی ماند. همزمان، روحیه نوظهوری از کارآفرینی و نیاز به چاره‌جویی تحت محدودیت‌های یک اقتصاد بیمار و نهادهای اجتماعی-سیاسی دارای اختلال، باعث آغاز تغییرات اقتصادی مهمی شد، مانند پیدایش از پایین به بالای<sup>۴۳</sup> بازارهای روستایی و کسب و کارهای کوچک با مالکیت خصوصی (خوداشتغالی).

مطالبات مبنی بر مشارکت سیاسی بیشتر مکرراً توسط دستگاه امنیتی بی‌رحم حزب کمونیست چین سرکوب شده است، که مشهورترین آنها در سال ۱۹۸۹ و در میدان تیان‌آنمن<sup>۴۴</sup> پکن و دیگر شهرهای سراسر چین به وقوع پیوست. در نتیجه این سرکوب، با «تور جنوب» دنگ ژیاوپینگ<sup>۴۵</sup>، مبنای لازم برای یک قرارداد اجتماعی-سیاسی مبتنی بر عدم مداخله متقابل برقرار گردید: حزب کمونیست چین به مردم این کشور اجازه می‌دهد رفاه و خوشبختی فردی را دنبال نمایند؛ مادامی که قیومیت حزب (که خودشان تحمیل کرده‌اند) جهت حکومت و هدایت ملت را به چالش نکشند. در برابر این پس‌زمینه، دهه ۱۹۹۰ و دهه اول قرن بیست و یکم

40. *laissez-faire*

41. Mao Zedong

42. Red Guards

43. bottom-up

44. Tiananmen

45. Deng Xiaoping's 'Southern tour'

شاهد ورود چین به زنجیره تولید و نظام‌های تجارت جهانی بود که تغییرات اجتماعی-اقتصادی سریعی را برانگیخت و استاندارد (یا سطح) زندگی را برای بسیاری از مردم بهبود بخشید.

### یک «جامعه هم‌هنگ»

از سال ۲۰۰۴، مفهوم یک «جامعه هم‌هنگ» (به چینی: 和谐社会 hexie shehui) به یکی از استراتژی‌ها و بینش‌های محوری حزب کمونیست چین تبدیل شده است. رهبران چین به سرپرستی هو جینتاو<sup>۴۶</sup> یک توسعه اجتماعی-اقتصادی متوازنتر را با برطرف کردن مشکلات مربوط به نابرابری و بی‌عدالتی اجتماعی ناشی از رشد اقتصادی سریع و تولید ثروت به صورت غیرمنصفانه، هدف خود قرار دادند. در سنت کنفوسیوسی متعلق به یک بنیانگذار به ظاهر خیرخواه، حزب کمونیست چین در صدد تعریف یک چهارچوب بنیادین برآمده که ثبات اجتماعی و سیاسی را تضمین کند. با اینکه خواسته‌های همگانی برای استقلال قضایی یا آزادی رسانه‌ها توسط حزب کمونیست چین به عنوان چالش‌هایی برای نظم سیاسی اصولی سرکوب می‌شوند، رهبران چین گام‌هایی در راستای کاهش فقر و مهار بدترین مازادهای اکتساب غیرقانونی ثروت برداشته‌اند؛ مواردی که به عنوان نارضایتی‌های مشروع در روایت خود حزب از رهبری اخلاقی با آنها برخورد می‌شود و حزب در قبال آنها خود را به عنوان «متولی مردم» مسئول می‌داند. در خصوص بسیاری مسائل دیگر، حزب صرفاً با حالتی منفعلانه، نیروهای پویای در حال آشکار شدن را مورد نظارت قرار داده است؛ امری که ظهور یک جامعه مدنی سرزنده اما محتاط متشکل از وکلای حرف‌های و روزنامه‌نگاران، سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) متعهد به پیشبرد اهداف حفاظت از محیط‌زیست و حقوق کارگری، و نیز سازمان‌های خیریه و فعالیت‌های مذهبی را میسر نموده است. حزب در ازای همه محدودیت‌هایی که وضع نموده، هنوز فساد گسترده موجود را کنترل نکرده و عدالت اجتماعی را در یک سطح سیستماتیک ایجاد نکرده است.

نیروهای گریز از مرکز<sup>۴۷</sup> افزایش نابرابری (که در نتیجه پیگیری ثروت و قدرت شخصی رسمی و ترغیب شده از سوی مقامات آزاد شدند) موقتاً توسط کشگرایی<sup>۴۸</sup> و تلاش‌های حمایتی اجتماعی صورت گرفته از جانب روزنامه‌نگاران، و کلا و دانشمندانی که به نیابت از محرومان اقتصادی مبارزه می‌کردند، مهار شدند. رهبران حزب کمونیست چین که با موج

46. Hu Jintao

47. centrifugal forces

48. activism

جهانی جدیدی از دموکراسی‌سازی مواجه شده بودند (که به واسطه «انقلاب‌های رنگی» و حمایت‌های اساسی در بین بخش‌های مختلف جامعه از اصلاحات سیاسی مربوط به «منشور ۰۸»<sup>۴۹</sup> به راه افتاده بود)، شروع به سرکوب شدید فعالان حقوق مدنی کردند، وب سایت‌ها و پلتفرم‌های شبکه‌های اجتماعی خارجی را مسدود کردند، و بلاگ‌نویس‌ها و روزنامه‌نگاران را تهدید کرده و مورد اذیت و آزار قرار دادند. با این حال، رئیس‌جمهور هو جینتاو و نخست‌وزیر ون جیابائو<sup>۵۰</sup> که رهبرانی خوش مشرب و اهل معاشرت بودند ظاهراً از این اقدامات متأثر بوده و کنترل آنها را به دست نداشتند؛ اقداماتی که با هدف اعمال محدودیت بر فضای عمومی مربوط به بحث آزاد انجام گرفته بودند. با توجه به مطالبه انحصارطلبانه قدرت توسط رهبران حزب کمونیست و ترس از هر گونه بی‌ثباتی اجتماعی-سیاسی که می‌توانست مقدمه بالقوه‌ای برای از دست دادن کنترل باشد، آنها قادر نبودند روابط بین دولت و جامعه را به شیوه‌ای غیر از یک نوسان درایتمندانه بین کنترل و آزادمنشی متصور شوند.

این روند تحت رهبری شی جینپینگ بر دولت تک حزبی چین تغییر یافته است. آقای شی سیاست بسیار مشخص‌تر و بلندپروازانه‌ای را در رابطه با نظارت اجتماعی مطرح کرده است که اولویت را به کنترل و نظارت (به قیمت رویکرد آزادمنشی) می‌دهد. هرگونه مخالفت با انحصار سازمانی و اندیشه‌پردازی حزب کمونیست چین (اعم از وبلاگ‌نویسان، روزنامه‌نگاران، و کلا، علمای اجتماعی، و سازمان‌های غیردولتی دارای پیوندهای بین منطقه‌ای) مورد سرکوب قرار گرفته یا تطمیع<sup>۵۱</sup> شده‌اند. به علاوه، شی جینپینگ از همه اعضای حزب درخواست کرده انضباط سیاسی داشته باشند، از جمله با «عدم انتقاد از سیاست دولت مرکزی» (به چینی: 中央 wangyi zhongyang). مفاهیم غربی نظم سیاسی، مانند ارزش‌های جهان شمول یا مشروطه‌گرایی<sup>۵۲</sup>، در مباحث حزبی، رسانه‌ها و نظام آموزشی ممنوع شده‌اند.

رهبران حزب کمونیست چین تحت ریاست جمهوری آقای شی با بسط دادن تمهیدات آغاز شده توسط دولت هو-ون<sup>۵۳</sup>، در گسترش برنامه‌های امنیت اجتماعی پیشرفت قابل ملاحظه‌ای کرده‌اند و آنها را تا پوشش تقریباً فراگیر توسعه داده‌اند، به ویژه تا دسترسی به مناطق روستایی.

۴۹. جهت مطالعه یک ترجمه انگلیسی از منشور ۰۸ (08 Charter)، به این وبسایت رجوع نمایید:

<http://www.2008xianzhang.info/english.htm>.

50. Wen Jiabao

51. Co-opted

52. constitutionalism

53. Hu-Wen



آقای شی همچنین شروع به تدارک ترتیباتی برای طرح‌های پرهزینه و تلفیقی خدمات اجتماعی نموده است، که تقسیم‌بندی پیشین بین شهروندان با ثبت خانوارهای روستایی و شهری را کنار می‌زند.<sup>۵۴</sup>

مهم‌تر از همه، رهبران چین مشغول ایجاد یک سیستم دقیق نه تنها برای نظارت و مراقبت بلکه برای اثرگذاری مستقیم بر روی رفتار شهروندان و کنترل شرکت‌ها بوده‌اند؛ سیستمی که فعلاً تحت آزمایش عملی و میدانی در سطح شهری در بیش از سی منطقه قرار دارد.<sup>۵۵</sup> این «سیستم به اصطلاح اعتبار اجتماعی» (SCS)، به چینی: **社会信用体系** shehui xinyong مبتنی بر جمع‌آوری اطلاعات از افراد و شرکت‌ها جهت ردیابی و تأثیرگذاری بر نه تنها صداقت و اعتبار اقتصادی بلکه رفتار اجتماعی و سیاسی بالقوه است. سیستم اعتبار اجتماعی (یا همان SCS) حول محور محرک‌های رفتاری تعریف‌شده توسط حزب کمونیست چین به شکل رفتار «خوب» و جریمه برای رفتار «بد» طراحی شده است.<sup>۵۷</sup> همزمان با اینکه فعالیت اجتماعی و اقتصادی به طور روزافزونی به سمت اینترنت جابجا می‌شود (یا حداقل به آن متصل می‌شود)، فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) پتانسیل گسترده‌ای را در اختیار حزب کمونیست چین برای کنترل پنهانی و نظارت قرار می‌دهد. امروزه نرم‌افزار تشخیص چهره و ردیابی تحرک و جابجایی بر اساس دستگاه‌های شبکه‌ای قابل حمل هم اکنون پیامدهای فراگیر مورد نظر را به نمایش می‌گذارند. با این وجود، نوآوری‌ها در فضای فناوری اطلاعات و ارتباطات همچنین فرصت دور زدن ساز و کارهای سانسور را برای فعالان اجتماعی فراهم کرده و شبکه‌های حمایتی را که پشتیبانی عموم مردم برای اهداف اجتماعی را بسیج می‌کنند، حفظ می‌نمایند.<sup>۵۸</sup>

54. Matthias Stepan, 'How sustainable is China's social security system?', China Policy Institute Analysis, University of Nottingham, 14 October 2016. Available at: <https://cpianalysis.org/2016/10/14/the-social-policy-agenda-under-xi-jinping-from-self-restraint-to-big-spending-how-sustainable-is-the-expansion-of-chinas-social-security-system/>.

55. 'China's Social Credit System: Black Mirror or Red Herring?', Interview with Shazeda Ahmed, *China Digital Times*, 16 February 2017. Available at: <http://chinadigitaltimes.net/2017/02/qa-shazeda-ahmed-on-chinas-social-credit-system/>.

56. Social Credit System

57. 'China invents the digital totalitarian state', *The Economist*, 17 December 2016. Available at: <http://www.economist.com/news/briefing/21711902-worrying-implications-its-social-credit-project-china-invents-digital-totalitarian>; Miriam Meissner, 'China's Social Credit System: A big-data enabled approach to market regulation with broad implications for doing business in China', *MERICs China Monitor* no. 39, 24 May 2017. Available at: [https://www.merics.org/fileadmin/templates/download/china-monitor/merics\\_ChinaMonitor\\_39\\_englisch\\_Web.pdf](https://www.merics.org/fileadmin/templates/download/china-monitor/merics_ChinaMonitor_39_englisch_Web.pdf)

58. See Jinghan Zeng, 'China's date with big data: will it strengthen or threaten authoritarian rule?', *International Affairs*, vol. 92, no. 6, November 2016, pp. 1443-62

توانایی حزب کمونیست چین در حفظ کنترل بر جامعه عمدتاً به دو عامل بستگی دارد: اولاً، رشد اقتصادی باثبات و مداوم جهت تأمین مالی برنامه‌های رفاه اجتماعی و توجیه حکومت ارباب‌مآبانۀ خود (از جمله کنترل شدید بر جامعه، شرکت‌های مهم از لحاظ راهبردی، و دستگاه امنیتی)؛ ثانیاً، یک دستگاه حزبی یکپارچه جهت اجرای مؤثر تصمیمات مربوطه و کنترل جریان‌ات اطلاعاتی و تفسیر آنها به شکلی که مرتبط با روایت‌های مربوط به ثبات، ثروت و قدرت باشند.

### چالش‌های در حال پدیدار شدن: شینجیانگ<sup>۵۹</sup> و ملی‌گرایی

در مسیر منتهی به بیستمین کنگره حزب کمونیست چین و مابعد آن، دو مسئله به عنوان جدی‌ترین چالش‌های اجتماعی برای رهبران حزب احتمالاً دچار تحول می‌شوند. اولین مورد از این مسائل به چرخه باطل سرکوب و خشونت در شین جیانگ مربوط می‌شود. از زمانی که شی جین‌پینگ در سال ۲۰۱۲ به قدرت رسید، تناوب رویدادهای خشونت‌آمیز، از جمله شورش‌های با انگیزه سیاسی، قتل‌ها، و حملات تروریستی افزایش یافته‌اند. حملات خشن توسط افراط‌گرایان به دیگر بخش‌های چین نیز گسترش یافته است. حادثه سال ۲۰۱۳ در میدان تیانانمن پکن و حمله سال ۲۰۱۴ به ایستگاه راه‌آهن کونمینگ<sup>۶۰</sup> نمونه‌هایی از این دست هستند. شواهد رو به افزایشی حاکی از آن است که شماری از مسلمانان اویغور<sup>۶۱</sup> به صفوف گروه به اصطلاح حکومت اسلامی (داعش) پیوسته‌اند. در ژانویه ۲۰۱۷، داعش ویدیویی منتشر کرد که یک جنگجوی اویغوری را در حال اعلام قصد خود برای بسط دادن عملیات گروه تا چین، نشان می‌دهد.<sup>۶۲</sup>

غیر از ریسک امنیتی به وجود آمده برای شهروندان چینی در داخل این کشور، پیوندهای فزاینده‌ای از مسلمانان اویغور افراط‌گرا با شبکه‌های تروریستی بین‌المللی طرح بلند پروازانه شی جین‌پینگ یعنی «یک کمربند و یک جاده» (به چینی: 一带一路 yi dai yi lu) را نیز به خطر می‌اندازد؛ طرحی که هدف آن ساخت یک شبکه زیرساختی و تجاری است که از چین تا

۵۹. Xinjiang) یکی از مناطق بزرگ خودمختار در چین

60. Kunming Railway station

۶۱. (Uighur) قوم مسلمان ساکن شمال غرب چین

62. Bethany Allen-Ebrahimian, 'Report: More Than 100 Chinese Muslims Have Joined the Islamic State', *Foreign Policy*, 20 July 2016. Available at: <http://foreignpolicy.com/2016/07/20/report-100-chinese-muslims-have-joined-isis-islamic-state-china-terrorism-uighur/>; Nodirbek Soliev, 'How Serious Is the Islamic State Threat to China?', *The Diplomat*, 14 March 2017. Available at: <http://thediplomat.com/2017/03/how-serious-is-the-islamic-state-threat-to-china/>.

سایر مناطق آسیا، آفریقا و اروپا امتداد می‌یابد. شین جیانگ یک محور ژئواستراتژیک در این پروژه به شمار می‌رود.

به علت گسترش نظارت و سرکوب، بخش رو به رشدی از جمعیت اویغور احساس می‌کنند توسط دولت چین به حاشیه رانده شده و از حقوق شهروندی محروم شده‌اند. با توجه به عدم وجود ساز و کارهای سیاسی برای مذاکره و لذا عدم وجود هرگونه احتمال واقعی جهت ارائه یک راهکار برای این مسئله، شینجیانگ (به ویژه نواحی جنوب غربی این منطقه) به احتمال زیاد در چرخهای از سرکوب و نظارت دولتی، نارضایتی قومیتی آشکار، و تکرار ناآرامی‌های خشونت‌آمیز گیر خواهد کرد.<sup>۶۳</sup>

مسئله دوم به فشار ملی‌گرایان برای رهبری جسورانه‌تر حزب کمونیست چین مربوط می‌شود. با توجه به مواجهه با اصلاحات اقتصادی شدید و چشم‌اندازهای نامشخص در زمینه رشد، حزب کمونیست چین احساسات ملی‌گرایانه را به عنوان یک منبع مشروع مهم‌تر از هر زمان دیگری در نظر می‌گیرد. «رؤیای چین» شی جینپینگ (به چینی: 中国梦 Zhongguo meng) نوید خیزش (مجدد) چین به عنوان یک قدرت جهانی غنی و نیرومند را می‌دهد و برای احساسات ملی‌گرایانه جذاب است.

اما حزب کمونیست چین به این شناخت رسیده است که احساسات ملی‌گرایانه یک شمشیر دو لبه به شمار می‌رود. ملی‌گرایی یک نیروی محرکه قدرتمند است که به ساخت یک جامعه ملی تحت تصور جهت منحرف کردن توجهات از بحران داخلی و نسبت دادن شکسته‌ای سیاستی به خارجی‌ها یا به اصلاح دشمنان، کمک می‌کند. اما ملی‌گرایی یک ابزار به شدت فرار است که اگر به اندازه کافی سرسختانه یا جنجالی تلقی نشود به راحتی می‌تواند علیه آنها عمل کند.

در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰، رهبران حزب کمونیست چین با مشکلاتی در فرو نشانیدن تظاهرات ملی‌گرایانه و بیگانه‌هراسی علیه ایالات متحده و ژاپن مواجه شدند. در ماه مارس ۲۰۱۷ پایگاه‌های رسانه‌ای تحت کنترل دولت از تحریم کسب و کارهای کره جنوبی حمایت کرده و حتی خواستار آن شدند، و توریست‌های چینی را از سفر به کره جنوبی بر حذر داشتند،

63. Joseph Hincks, 'Uighur Militants Reportedly Threaten China in ISIS Video', *Time.com*, 1 March 2017. Available at: <http://time.com/4686836/isis-video-china-ughur/>; Adrian Zenz and James Leibold, 'Xinjiang's Rapidly Evolving Security State', *China Brief*, vol. 17, no. 4, 14 March 2017. Available at: <https://jamestown.org/program/xinjiangs-rapidly-evolving-security-state/>.

که عکس‌العملی در برابر استقرار سامانه ضد موشکی تاد<sup>۶۴</sup> (THAAD) ساخت آمریکا محسوب می‌شد. با این وجود، مقامات اصلی حزب در این خصوص سنجیده عمل کرده و لحن متعادلی را در سخنان خود به کار گرفتند که صدای خشم همگانی را در آورده و در عین حال از انجام هر گونه عملی که احیاناً باعث ایجاد اغتشاشات خشونت‌آمیز در سطح کلان شود، جلوگیری می‌کند.<sup>۶۵</sup>

فشار ملی‌گرایانه عمومی همچنین با قابلیت دولت در محافظت از شهروندان چینی در خارج از کشور مرتبط است. با حضور اقتصادی رو به رشد چین در سطح جهان، عده بیشتری از مردم این کشور در خارج خود را در یک موقعیت مخاطره‌آمیز یافته و قربانی جرائم مختلف (از جمله تجاوز) و حملات تروریستی شده‌اند.<sup>۶۶</sup> به علاوه، انتظارات فزاینده چینی‌های مرفه مبنی بر توانایی مسافرت به مقصدهای توریستی مهم بدون به زحمت افتادن از طریق پروسه‌های مربوطه نیز در فشارهای اعمال شده روی دولت مرکزی جهت پیشرفت در سطح بین‌المللی دخیل بوده‌اند. اگر تلقی از رهبران چین هنگام مواجهه با تحریم‌های تجاری یا هجمه‌های کلامی یا فیزیکی به شهروندان چین، به گونه‌ای باشد که گویی بیش از حد با ترس و انفعال از خود واکنش نشان می‌دهند، و منجر به تظاهرات مردمی برانگیخته شده توسط نیروهای ملی‌گرا شود، ممکن است چالش بزرگتری را پیش روی حزب کمونیست چین قرار دهد.

### نتیجه‌گیری: پیگیری «رؤیای چین» آقای شی

در حال حاضر هیچ نشانه‌ای از هرگونه تلاش سازمان یافته جهت براندازی نظم سیاسی موجود به چشم نمی‌خورد. با وجود همه اینها (نیروهای پویای فوق‌الذکر در شینجیانگ و احساسات ملی‌گرایانه)، به نظر نمی‌رسد هیچ بخشی از جمعیت چین انگیزه یا قابلیت سازماندهی و بسیج کردن یک جنبش اجتماعی گسترده با قدرت کافی برای سرنگونی رژیم را داشته باشد. به علاوه، چنانچه بحران کنونی دموکراسی‌های لیبرال و نظام‌های همکاری منطقه‌ای ادامه یابند، هر گونه جایگزین سیاسی بالقوه برای یک سیستم حکومتی تک‌حزبی و ظاهراً کارآمد، در نظر بسیاری از چینی‌ها صرفاً از جذابیت کمتری برخوردار خواهد بود.

64. Terminal High Altitude Area Defense

65. See Suisheng Zhao, 'The State as the Mobilizer and De-mobilizer in China's Nationalist Protests', Paper at International Conference on State-mobilised Contention, The University of Hong Kong, January 2017. Available at: [http://www.socsc.hku.hk/smc/pdf/2017/pp\\_12.pdf](http://www.socsc.hku.hk/smc/pdf/2017/pp_12.pdf).

66. Benjamin David Baker, 'After Deadly Attack in Mali, How Will China Protect Its Citizens Abroad?', *The Diplomat*, 29 November 2015. Available at: <http://thediplomat.com/2015/11/after-deadly-attack-in-mali-how-will-china-protect-its-citizens-abroad/>.

با این حال، روند جاری تخریب محیط‌زیست و آلودگی هوا و آب که حتی رو به وخیم‌تر شدن می‌رود، و منجر به افت کیفیت زندگی و افزایش موارد بیماری‌های تنفسی و مشکلات سلامتی مربوطه می‌شود، پتانسیل شدیدی را برای تظاهرات سرتاسری دارا است که همه شهروندان را به یک نحو تحت تأثیر قرار می‌دهد، صرف نظر از وضعیت اجتماعی-اقتصادی و طرز فکر سیاسی. با توجه به امنیت مادی نسبی چین، مطالبات و آرمان‌های طبقه متوسط بالای این کشور (متشکل از متخصصان IT، مهندسان، و کلا، روزنامه‌نگاران و پزشکان) هم برای ترویج تغییرات اجتماعی و سیاسی (اعم از مطالبات از پیش مطرح شده نظیر «عدم مالیاتبندی بدون داشتن نماینده») و هم برای حفظ کنترل اجتماعی و سیاسی، چنانچه از زاویه دید حزب کمونیست چین مد نظر قرار گیرد، حائز اهمیت خواهند بود.<sup>۶۷</sup>

بدون رویداد چشم‌گیری به بزرگی یک رسوایی زیست‌محیطی در سراسر منطقه که نارضایتی مردمی را تسریع نماید، اعتراضات با مقیاس بزرگ که فراتر از ابراز نارضایتی‌های محلی گاه و بیگاه باشند، همچنان غیرمحمّل باقی می‌مانند. مادامی که اکثریت جمعیت به روایت‌های حزب کمونیست چین و تلاش‌های صادقانه‌اش برای برطرف‌سازی مشکلاتی که دهه‌ها گریبانگیر کشورهای غربی نیز بوده اعتماد اساسی داشته باشند، احتمالاً یک روحیه تحمل انفعالی بر مردم مستولی خواهد بود. در صورت کند شدن قابل توجه رشد اقتصادی، یک بحران مالی بزرگ یا فروپاشی بازار مسکن، کارگران صنعتی و صاحبخانه‌های جزء طبقه متوسط بیش از همه احتمال آن را دارند که نگرانی‌های خود و نارضایتی‌شان از حزب کمونیست چین را مطرح کنند. با این وجود، تظاهرات گسترده‌ی یکی از این گروه‌ها تنها تحت تأثیر یک بحران اقتصادی شدید (که یا با از کار بیکار شدن‌های فراوان و یا افت قیمت‌های مستغلات همراه باشد) امکان‌پذیر است.

به طور خلاصه، در نبود ضعف‌های اقتصادی اساسی و عدم بروز اختلافات آشکار در داخل حزب کمونیست چین که بتواند به از دست دادن کنترل نیروهای امنیتی و اطلاعات و تکنولوژی بیانجامد، فضای لازم برای یک جامعه مدنی مستقل همچنان به شدت محدود باقی خواهد ماند. شی جینپینگ ممکن است در کنترل و شکل‌دهی جامعه چین به دنبال «رؤیای چین» خود، به خوبی موفق ظاهر شود.

67. See Kristin Shi-Kupfer and Sebastian Heilmann, 'Urban society and new social forces', in: Sebastian Heilmann (ed.), *China's Political System* (Lanham, MA: Rowman & Littlefield, 2017), p. 259.

## ۳- قضیه به اقتصاد مربوط می‌شود: مسیر چین

مایکل ماکوکی

## مقدمه

پیش‌بینی رشد چین در آینده سابقاً یک عمل سرراست بود. در ۳۰ سال اخیر و از زمان شروع اصلاحاتی که توسط دنگ ژیاو‌پینگ کلید خورد، اقتصاد چین با یک سرعت عالی به رشد خود ادامه داد، به گونه‌ای که حتی به واسطه بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ دچار تزلزل نشد. چین به بزرگ‌ترین اقتصاد جهان (از لحاظ برابری قدرت خرید) بدل شده است. با این وجود، این روزها اقتصاد چین پیچیده‌تر شده و چالش‌هایی که با آن مواجه است نگران‌کننده‌تر شده‌اند. رهبران چین نیز ظاهراً تا همین اندازه فهمیده‌اند و در موقعیت‌های متعددی، با انحراف از لحن پروپاگاندا‌ی بشاش و معمول خود، اعلام کرده‌اند که اقتصاد چین نامتوازن و ناپایدار<sup>۶۸</sup> است. «وضع عادی جدید» اقتصاد چین این نیست که آیا سرعت این کشور کند خواهد شد یا خیر، بلکه چنین است که این روند کند شدن یک فرآیند سریع خواهد بود یا تدریجی.

این چشم‌انداز اقتصادی تغییر یافته به دو چالش اساسی برای حزب کمونیست چین منجر خواهد شد. اولاً، اقتصاد چین هنوز بر نرخ‌های نسبتاً بالای رشد در تولید اشتغال برای جریان مداوم (هرچند رو به کاهش) مهاجران داخلی و در نتیجه ثبات متکی است. اما با توجه به حباب بدهی در حال گسترش چین (در اقتصادی که با سرمایه‌گذاری اشباع شده، هر دلار اعتبار سودهای دائماً رو به کاهشی به دست می‌دهد) و یک فضای خارجی نامساعد (صادرات به علت حمایت از صنایع داخلی که در سطح جهان در حال پدیدار شدن است، ممکن است آسیب ببیند)، تولید نرخ‌های بالای رشد اکنون بسیار پیچیده‌تر شده است.

چالش دوم به تغییر دنده‌ای موتور اقتصادی از طریق اصلاحات طرف عرضه مربوط می‌شود. موازنه مجدد<sup>۶۹</sup> از سرمایه‌گذاری به مصرف و از صنعت به خدمات با اینکه از لحاظ سیاسی دشوار است، اما در ثابت نگه داشتن چین در مسیر اقتصادی‌اش ضروری خواهد بود. رهبران چین به درستی نگران آن هستند که بدون اصلاحات قابل توجه، چین ممکن است خود را گرفتار در دام درآمد متوسط ببیند. برای اصلاحات هیچ کمبود طرحی وجود ندارد، اما هنگام تلاش برای پیش‌بینی مسیر چین، تحلیل قابلیت دولت در اجرای این طرح‌ها مثل همیشه مهم است.

68. unsustainable

69. rebalancing

فصل حاضر این موضوع را بررسی می‌کند که آیا اقتصاد چین خواهد توانست به سلامت از آب‌های متلاطم اصلاحات تا سال ۲۰۲۵ عبور کرده و در عین حال از دام درآمد متوسط دوری نماید. این تحلیل قبل از ورود به آینده ابتدا وضعیت فعلی اقتصاد چین را ارزیابی می‌کند.

### اقتصاد چین در حال حاضر: یک الگوی رشد ناپایدار؟

سال ۲۰۱۶ برجسته‌ترین برهه در تاریخچه اقتصادی اخیر چین نبوده است. احتمالاً یکی از تحت نظرترین شاخص‌ها یعنی موازنه مجدد به سمت مصرف داخلی تا حدودی شاهد پیشرفت بوده است. اصلاحات مهمی در زمینه نرخ‌های ارز و نرخ‌های بهره نیز اجرایی شده‌اند، در حالی که بانک مرکزی اقدام به فشرده‌سازی سیاست پولی نموده است، آن هم با هدف کاهش مقادیر هشدار دهنده چیزی که به بزرگترین بدهی شرکتی غیرمالی جهان بدل شده است.

اما به طور کلی اقتصاد چین شتاب خود را از دست داده است. رشد در حال کند شدن است، حتی اگر با استانداردهای غرب همچنان چشمگیر باشد. در سال ۲۰۱۶، ۶/۷ درصد از رشد تولید ناخالص داخلی عمدتاً از طریق تمهیدات تشویقی پی در پی به دست آمده است (هرچند هر بسته تشویقی جدیدی نسبت به بسته قبل محافظه کارانه‌تر بوده است). بدهی کل چین تا انتهای سال ۲۰۱۶ به ۲۶۰ درصد از تولید ناخالص داخلی رسید. شرایط مخصوص اعتبار ممکن است فشرده شده باشند، اما مسئله مهم‌تر این است که بانک‌ها همچنان اعتبارات را به جای شرکت‌های کوچک و متوسط (SMEs) (که یک بخش پویا محسوب می‌شود) به سمت شرکت‌های تحت مالکیت دولت (SOEs) (که از لحاظ سیاسی متصل به یکدیگر هستند) سوق می‌دهند. بانکداری سایه نابسامان، سهم رو به رشدی از نظام مالی را تشکیل می‌دهد.

بازار سهام در تابستان ۲۰۱۵ سقوط کرد و هنوز به طور کامل بهبود نیافته است. رونق از بازار املاک نیز برای همیشه رخت بر بسته است. همزمان با بالا رفتن هزینه‌های نیروی کار، صادرات کمتر رقابتی شده‌اند. در نهایت، چین همچنین با مشکلات ساختاری اساسی مواجه است، مانند دموگرافی و تخریب محیط‌زیست که هر دو موانع قابل ملاحظه‌ای برای چشم‌اندازهای رشد در آینده به شمار می‌روند.

نیروهای پویای زیربنایی مدل اقتصادی و اجتماعی فعلی از سوی خود رهبران چین «بی‌ثبات، ناهماهنگ، نامتوازن، و ناپایدار» اعلام شده‌اند. اقتصاد این کشور نیاز به تغییر دارد، در غیر این صورت فروپاشیده و مشروعیت و بقای حزب را تهدید می‌کند. در مسیر منتهی به سال ۲۰۲۵، که افق مربوط به پیش‌بینی‌های این گزارش است، چین نقاط عطف متعددی را پشت

سر خواهد گذاشت. دور دوم ریاست جمهوری شی جین پینگ در سال ۲۰۲۳ به پایان خواهد رسید، اما او از همین حالا قصد دارد اقتصاد را تا سال ۲۰۲۱ تغییر شکل دهد؛ اولین مورد از اهداف به اصطلاح صد ساله حزب کمونیست چین که حاکی از صدمین سالگرد تأسیس آن است. حزب اعلام کرده که تا آن زمان چین «از همه لحاظ یک کشور نسبتاً مرفه» خواهد شد.

### طرح‌های اصلاحات اقتصادی

در سال‌های اخیر ازدیاد طرح‌های اصلاح طلبانه را شاهد بوده‌ایم که مایه مباهات رهبران چین هستند. برنامه اصلاحی آقای شی در تمهیدات اتخاذ شده در مجمع‌های سوم و چهارم تنظیم شده است. طرح پنج ساله سیزدهم تحت سرپرستی آقای شی آماده گردیده و سال گذشته عرضه شد. طرح‌های اقتصادی مانند «ساخت چین، ۲۰۲۵»<sup>۷۰</sup> و طرح «یک کمربند، یک جاده» جزئیات بیشتری را در خصوص سیاست صنعتی و توسعه فراگیر چین ارائه می‌کنند. وضوح بیشتر در این زمینه که حزب تمایل دارد چین به چه مقصدی برسد، اما وضوح کمتر در مورد نحوه رسیدن به این مقصد نتیجه این طرح‌ها بوده است. ارزش دارد که نظر دقیق‌تری به این طرح‌ها بیفکنیم.

اندکی پس از آنکه شی جینپینگ سکان حزب را در سال ۲۰۱۲ به دست گرفت، طرح مجمع سوم با نوید «اصلاحات اقتصادی بی‌سابقه» عرضه شد. پیغام اصلی طرح این بود که نیروهای بازار نقش عمده و غالب را در اقتصاد ایفا خواهند کرد، هدفی که با واقعیت تقدم بخش دولتی در تضاد آشکار قرار داشت. این ایده توسط برنامه پنج ساله سیزدهم به اهداف مشخص‌تری برگردانده شد، که مضمون کلیدی آن این است که استراتژی اقتصادی می‌بایست موازنه مجدد به سمت بخش خدمات و مصرف را تأمین نماید، صنعت را به‌روزرسانی کرده و نوآوری را تقویت کند، و در عین حال دسترسی جهانی صنعت را گسترش دهد. این طرح همچنین روی «اصلاحات عرضه‌ای» تأکید می‌کند، به عبارت دیگر حذف تشریفات و کاغذبازی اداری، کاهش مازاد ظرفیت<sup>۷۱</sup>، اصلاح شرکت‌های تحت مالکیت دولت (به معنای بهبود بازدهی آنها، و نه خصوصی‌سازی)، و اصلاح نظام مالی جهت بهبود بازدهی تخصیص سرمایه.

اصلاحات داخلی با طرح «یک کمربند و یک جاده» پشتیبانی می‌شوند، طرحی که اغلب از سوی مقامات چینی با عنوان موج سوم اصلاحات و گشایش از آن یاد می‌شود (پس از اصلاحات دنگ و الحاق به سازمان تجارت جهانی). اهداف این طرح چندگانه بوده و شامل

70. Made in China 2025

71. overcapacity



حمایت از مازاد ظرفیت صادرات و کمک به گسترش جهانی شرکت‌های چینی (به ویژه برای بخش‌های پیشرفته از لحاظ تکنولوژیکی، با ارزش افزوده بالاتر)، و توسعه استان‌های داخلی فقیر چین از طریق افزایش پیوندهای آنها با اقتصاد جهان می‌شود. طرح مورد نظر همچنین کاهش نابرابری‌های اقتصادی منطقه‌ای و تثبیت مناطق بی‌ثبات از نظر سیاسی مانند شینجیانگ از طریق توسعه اقتصادی را هدف قرار می‌دهد.

سیاست صنعتی با طرح دیگری (ساخت چین، ۲۰۲۵) مورد توجه قرار می‌گیرد. این سند آرمان‌های مربوط به بخش تولیدی چین (که در اکثر موارد در تقابل مستقیم با منافع غرب هستند) را به تفصیل شرح می‌دهد. صنایع چین قرار است تمامی حوزه‌هایی که شرکت‌های غربی تا کنون در آنها موفق بوده‌اند (و نیز مدرن‌سازی چین را تقویت کرده‌اند) را تحت کنترل خود در آورند؛ از حمل و نقل گرفته تا فناوری اطلاعات (IT) و تجهیزات پزشکی. عده‌ای این طرح را به منزله فهرستی از اهداف مربوط به جاسوسی اقتصادی<sup>۳</sup> یا فهرست خریدی برای اکتساب‌های خارجی توصیف می‌کنند. و در واقع، شرکت‌های چینی در حال ارتقای تکنولوژی خود در بخش‌های فهرست شده در طرح مذکور از طریق مالکیت شرکت‌های خارجی هستند؛ اما این مسئله هم اکنون در حال ایجاد یک واکنش شدید در اتحادیه اروپا است، که تا کنون یکی از لیبرالترین حوزه‌های قضایی برای مالکیت‌های چینی‌ها بوده است.

سطح آگاهی از چالش‌های اقتصاد چین توسط رهبران حزب اطمینان‌بخش است. اما از زمان اصلاحات دنگ، مشکل چین مفهوم پردازی نبوده بلکه اجرا بوده است. آیا آقای شی قادر خواهد بود چشم‌انداز بلند پروازانه خود را اجرا کند، بر مقاومت ناشی از منافع شخصی غلبه نموده و همزمان از متلاشی شدن زیر بار بدهی‌ها اجتناب ورزد؟

### اولویت با رشد و توسعه است یا اصلاحات؟

رشد به هر قیمتی دیگر امکان‌پذیر نیست. ضروری هم نیست، چون جریان مهاجران داخلی در حال کاهش است، و لذا به ایجاد مشاغل کمتری نیاز است. چیزی که بیشتر ضروری است اصلاح الگوی رشد است. با این وجود رونقِ دائماً فزاینده رکن مشروعیت حزب (و ثبات اجتماعی) محسوب می‌شود، و حزب با شمّ صیانت از خود که به خوبی در آن پا گرفته است، به نظر می‌رسد هدف حفظ رشد را بر اصلاحات ترجیح داده است. آخرین دور از مشوق‌ها نسبت به مشوق‌های کلان سال ۲۰۰۸ محافظه کارانه‌تر شده‌اند، که به چین کمک کرده است

با ملایمت از بحران اقتصادی جهانی عبور کند. اما همان منطق قبل چشم‌اندازهای رشد تا سال ۲۰۲۵ را تعریف خواهد کرد: اصلاحات تنها در صورتی پیشرفت می‌کنند که فضای داخلی و خارجی تولید رشد نموده و بدین ترتیب تغییرات ساختاری را تسهیل کند. با این وجود، فضای خارجی برای اقتصاد چین ناسازگارتر از هر زمان دیگری است. چین از زمان الحاقش به سازمان تجارت جهانی، به بخشی از اقتصاد جهان و مظهری برای جهانی‌سازی تبدیل شده است. چین اشتغال را افزایش داد، با حرکت مردم از کشاورزی به کار در کارخانه‌های دارای بازدهی بالا رفت، و مصرف فزاینده توسط ساکنان شهری جنبش تازه‌های به بازار داخلی بخشید. این تلاش‌ها در سطح جهان به عنوان پیشرفت‌هایی مثبت تشخیص داده شدند. مهارت چین در مونتاژ به کارآمدسازی زنجیره‌های تأمین کمک کرد، تورم را پایین نگه داشت، و جابجایی اقتصادهای غربی به سمت نوآوری و خدمات (بخش‌های دارای ارزش افزوده بالاتر نسبت به بخش تولید) را تسهیل نمود. این همگرایی در حال از بین رفتن است، به ویژه به علت سخنان خصمانه رئیس‌جمهور ترامپ؛ کسی که به طور کلی جهانی‌سازی و به طور ویژه چین را هدف قرار داده است.

### کنترل یا عدم کنترل

منطق «اول رشد، بعد اصلاحات» هنگام ارزیابی موفقیت‌های به دست آمده در اجرای هدف افزایش نقش نیروهای بازار (که خود دولت آن را اعلام کرده) مشهود است. به نظر می‌رسد آقای شی و حزیش مادامی که بازارها «میهن پرستانه» عمل کنند، از اینکه تسلیم این بازارها شوند خوشحال می‌شوند. لحظه‌ای که آنها از میهن پرستی دست بکشند (یعنی مانند بازارها رفتار کنند، به شیوه‌ای فرار و غیر قابل پیش‌بینی)، باید دوباره به حالت میهن پرستانه تنظیم شوند؛ همانگونه که مداخله عظیم دولت جهت با ثبات‌سازی بازار در حال سقوط سهام در ۲۰۱۵ نشان داد. پیچیدگی در حال افزایش ساختارهای چین بدین معنا است که اقتصاد این کشور در حال عادی‌تر شدن است، اقتصادی که در آن دولت نمی‌تواند تعداد زیادی از رویدادهای بازار را کنترل نماید. اما در عین حال فرار بودن ذاتی بازارها در تقابل با ثباتی است که حزب آن را مغتنم می‌شمارد. تا اندازه‌ای که اصلاحات بازاری به دستیابی به ثبات کمک کنند چین آنها را پیگیری خواهد کرد، اما استثنائات بسیاری در این خصوص وجود خواهد داشت، مانند موارد مشاهده شده در جریان سقوط بازار در سال ۲۰۱۵.

اصلاح بخش دولتی نمونه دیگری از این کشمکش است. تسلط و نفوذ شرکت‌های با مالکیت دولتی بزرگ، ناکارآمد و بدهکار با اشتیاق برای آزاد کردن نیروهای بازار و اجازه

ایفای نقش تعیین کننده در اقتصاد توسط بازار، در تقابل است. چین هدف خصوصی سازی را در سر نمیروراند؛ شرکت‌های با مالکیت دولتی قرار است تحت کنترل دولت باقی بمانند، اما اقتصادیت‌تر و قادر به رقابت جهانی با هم‌تایان غربی شان شوند. منظور در اینجا داشتن بهترین‌ها از هر دو جهان است: شرکت‌های تحت مالکیت دولت و با گرایش به بازار مطابق با ملزومات بازار عمل کنند، بدون اینکه نیاز باشد دولت از آنها حمایت کند، و نیز نقش عاملان میهن پرست را ایفا کنند، هنگامی که دولت برای مقاصد سیاسی به این امر نیاز دارد. اما حتی چنین اصلاح تدریجی شرکت‌های تحت مالکیت دولت در حال عقب ماندن است، زیرا بر خلاف بسیاری از منافع مقرر محسوب می‌شود.

### کارآمدسازی نظارت

هر گونه تغییری می‌بایست بر منافع مقررری که عمیقاً در خود حزب ریشه دوانده‌اند، غلبه کند. به دنبال اصلاحات بازاری دنگ، گروه‌های بومی جزء بزرگترین برندگان این اصلاحات بودند. آنها با اهرم جایگاه سیاسی خود، از فرصت‌های به وجود آمده برای ثروتمند شدن استفاده کردند؛ کاری که بیشتر با سوق دادن منابع از بانک‌های تحت مالکیت دولت به حامل‌های سرمایه گذاری ۷۳ بومی با مالکیت دولتی انجام شد، که بر اساس بالا رفتن قیمت‌های مستغلات، به سرمایه تبدیل می‌شدند. اما چنانچه تصمیم گیرنده تخصیص منابع، بازار باشد و نه قدرت سیاسی، این فرصت‌ها از بین خواهند رفت.

دو مورد از اصلاحات کلیدی (یعنی مالی و بودجه‌ای<sup>۷۴</sup>) نیز با چالش‌های مشابهی روبرو خواهند شد. سرمایه گذاری‌های از سوی دولت‌های محلی باعث تقویت معجزه رشد چین شد. مقامات دولت‌های محلی خواهان درآمدهای مالیاتی بیشتر برای خود هستند (به جای آنکه این درآمدها تحت کنترل دولت مرکزی باشند). البته آنها دلیلی هم ندارند. برآوردها نشان می‌دهد انتقالات دولت مرکزی و مالیات‌بندی محلی بیشتر از ۵۰ درصد از درآمدهای دولت‌های محلی را تشکیل نمی‌دهد، اما آنها ملزم هستند ۸۰ درصد از هزینه اجرای سیاست‌های مرکزی را پوشش دهند. با این وجود، حل و فصل این عدم توازن به معنای خودمختاری بیشتر برای دولت‌های محلی خواهد بود، که با تمایل حزب مبنی بر کنترل کامل بر اقتصاد در تضاد است.

73. investment vehicles

74. fiscal

## نوآوری

نوآوری یکی دیگر از حوزه‌هایی است که کمک فراوانی به معضل حزب می‌کند. چین نیاز به نوآوری بیشتر دارد تا بر دام درآمد متوسط غلبه نماید. چین در مرحله فعلی توسعه اقتصادی‌اش، در جذب تکنولوژی سرآمد است. این کشور با به کارگیری تکنولوژی‌های ساخت کشورهای دیگر در بازار بزرگ خود، درآمد کسب می‌کند. با این حال به طور کلی چین از هم‌تایان غربی خود از لحاظ دارا بودن محیطی که نوآوری را میسر کند، عقب است. تعداد بالای استارت‌آپ‌های IT در چین ممکن است به تمام کسانی که در مورد ظرفیت نوآوری چین تردید دارند ثابت کند که در اشتباه هستند، اما بخش IT یک استثناء به شمار می‌رود.

بر خلاف سایر بخش‌های اقتصاد چین، بخش IT عاری از منافع مقرر و عاملان بزرگ به هم پیوسته از لحاظ سیاسی است، تحت تسلط بخش خصوصی است و نه بخش دولتی، و یکی از بازارهای حقیقتاً ملی است که صرفه‌های به مقیاس<sup>۷۵</sup> فراوانی را میسر ساخته است (بازارهای دیگر در باتلاق حمایت از صنایع بومی در سطح استان‌ها گیر کرده‌اند). نوآوری با این مقیاس در بخش IT چین به معنای تخریب خلاقانه و لذا اختلال است. آیا چین در سایر بخش‌های اقتصاد نیز حامی چنین نظام نوآوری‌ای خواهد بود و اجازه خواهد داد نیروهای بازار بازندگان و برندگان را انتخاب کنند؟ چشم‌اندازهای ورشکستگی و بیکاری موقت باعث می‌شود چین مراقب چنین فضای باریسک بالا اما سرشار از مزیت، مانند فضای موجود در سیلیکونولی که الگویی است که حزب مشتاق است آن را سرمشق خود قرار دهد، باشد. یکی دیگر از موانع نوآوری می‌تواند نظام سیاسی چین باشد. نظام‌های مستبد ممکن است قادر نباشند میزان لازم حفاظت از حقوق نوآوران را در سرتاسر کشور فراهم نمایند، و سانسور برای صنایعی که متکی بر مدیریت اطلاعات و آمار هستند موانعی را ایجاد خواهد کرد. رهبری چین همچنین در خصوص ایجاد صنایع جدید از صفر بر مبنای تکنولوژی خارجی، باید واقع‌بینانه‌تر شود، چرا که واکنش‌های شدید و فزاینده علیه مالکیت‌های راهبردی چین نشانگر آن است که این کار در آینده به طرز روزافزونی دشوارتر خواهد شد (هرچند دولت در پاسخ ممکن است به عنوان یک چاره و راه حل مجدداً به جاسوسی سایبری روی آورد).

## آیا طرح «یک کمربند، یک جاده» اجرایی خواهد شد؟

طرح «یک کمربند و یک جاده» چشم انداز یک اقتصاد جهانی به هم پیوسته با محوریت چین را پیش می‌برد، که به واسطه بزرگی چین و عمل کردن طبق اجماع پکن (با هدایت دولت) و نه اجماع (لیبرال) واشنگتن تسهیل می‌شود. اما از زمانی که این طرح اعلام شده است، فضای مخصوص اجرا کردن آن به طرز قابل ملاحظه‌ای تغییر یافته است. در حال حاضر، ترامپ و شی ممکن است به راهی برای به تعویق انداختن خصومت اقتصادی دست یافته باشند، آن هم با امضای توافقنامه‌ای که امتیازات تجاری و همکاری در زمینه کره شمالی را به هم پیوند دهد؛ و نیز توافقی در مورد کنار گذاشتن اتهامات مبنی بر تقلب و دستکاری ارز بر علیه چین. با این وجود، سیاست اقتصادی حمایت از صنایع داخلی و انتخاب مخالفان شدید تجارت با چین برای منصب‌های کلیدی دولت توسط ترامپ، حاکی از آن است که مناقشات تجاری ممکن است کماکان به منبع مهمی از اختلاف در روابط بین چین و ایالات متحده تبدیل شوند. چین با واکنش شدید در اروپا نیز مواجه است. مباحث پیرامون وضعیت اقتصادی بازار و مالکیت راهبردی جواهرات صنعتی (مانند KUKA که یک شرکت آلمانی در حوزه رباتیک است) موجب ایجاد اعتراضات گسترده علیه لیبرال‌سازی بیشتر روابط اقتصادی با چین شده است. کریدورهای اقتصادی در نواحی توسعه نیافته وسیع و فاقد ثبات سیاسی مانند مناطق مرکزی چین نه تنها به لحاظ اقتصادی موفقیت آمیز نیستند، بلکه (حتی هنگامی که هزینه‌ها هیچ نقشی نداشته باشند) غیر قابل اجرا هستند. الگوی پشت این طرح (یعنی رشد ناشی از اعتبار) در حال رسیدن به بنبست است: به عنوان مثال در سریلانکا، بازپرداخت بهره وام‌های چین سهم قابل توجهی از بودجه این کشور را به خود اختصاص می‌دهد.

### نتیجه‌گیری: چین در ۲۰۲۵

با توجه به همه چالش‌های فوق الذکر، پیش‌بینی اقتصاد چین در ۲۰۲۵ چگونه است؟ طرح‌ریزی احتمالات یا سناریوهای بی‌شمار در این زمینه، و رای حیطه این فصل است. اما در رابطه با مقاصد و اهداف، محتمل‌ترین سناریو برای چین سقوط به درون یک بحران مالی و یا تبدیل شدن به بزرگترین نیروگاه مولد نوآوری در جهان نیست، بلکه کنار آمدن با وضع موجود است.

ارقام کنونی مربوط به سرانه تولید ناخالص داخلی چین حاکی از آن است که این کشور هنوز فضای بسیار زیادی برای رشد دارد (ژاپن به رشد سریع خود ادامه داد، تا زمانی که از ۸۰ درصد میانگین درآمد ایالات متحده پیشی گرفت). چین هنوز باید کارهای زیادی انجام

دهد تا از لحاظ شهری‌سازی خود را به سایر کشورهای پیشرفته جهان برساند، و دولت ظاهراً شرط‌بندی کرده است که سرمایه‌گذاری‌های ضروری حاصله در زیرساخت، مسیر رشد کنونی را تا آینده گسترش خواهند داد. رئیس‌جمهور شی علناً گفته است که چین می‌بایست هدف رشد تولید ناخالص داخلی ۶/۵ درصد را تا سال ۲۰۲۰ حفظ کند، که نمایانگر این فرض است که نرخ رشد بالقوه چین بسیار بالاتر از نرخ رشد ژاپن (هنگامی که این کشور با بدهی مشابهی مواجه بود) است.

اما چنین پیش‌بینی‌هایی ممکن است با برهمکنش بین سیاست و توسعه اقتصادی مغایرت داشته باشند. این فرضیه که رشد اقتصادی مشروعیت حزب را تقویت می‌کند در یک برهه مشخص باید جای خود را به این استنباط بدهد که از لحاظ تاریخی، اصلاحات سیاسی بیشتر در شرایط میزان درآمد بالاتر به وقوع می‌پیوندند. یک جامعه هرچه ثروتمندتر شود، اصلاحات سیاسی بیشتری را می‌طلبد. این لزوماً به معنای دموکراسی بیشتر نیست، بلکه به معنای مدیریت بهتر و کارآمدتر است. مسئولیت‌پذیری سیاسی پیش شرط این موضوع است، هر چند که این مسئولیت‌پذیری سیاسی از خصلت‌های معمول دولت‌های مستبد محسوب نمی‌شود.

خصوصی‌سازی شرکت‌های بزرگ تحت مالکیت دولت غیرمحمول است. به شرکت‌های خصوصی و خارجی ممکن است دسترسی به بخش‌های بیشتری که در حال حاضر تحت تسلط شرکت‌های با مالکیت دولتی هستند، اعطا شود. اما این کار از طریق مالکیت ترکیبی انجام می‌گیرد، بدین منظور که امکان کنترل نهایی برای دولت میسر گردد. دخالت دولت در چین ادامه خواهد یافت و چالشی برای شرکت‌های غربی خواهد بود. چین جاویژه‌هایی را در صنایع راهبردی ایجاد خواهد نمود؛ صنایعی که در آنها جزء پیشگامان جهان خواهد بود. اما این امر اکثراً در صنایع جدید (مانند IT) روی خواهد داد، یعنی جاهایی که عدم وجود منافع مقرر امکان آزمایشات جسورانه‌تر را فراهم می‌کند.

دادن منابع درآمدی جدید به مقامات محلی، مانند مالیات بر املاک و مصرف، ممکن است به صورت پروژه‌های آزمایشی آغاز شود؛ اما امکان دارد چین قادر نباشد از پس بدهی خود بر بیاید. مهار کردن رشد اعتبار (که منجر به نرخ سرمایه‌گذاری کمتری می‌شود) تنها زمانی امکان‌پذیر است که اقتصاد چین منبع جایگزینی برای رشد پیدا کند. صادرات این بار اضافی را متحمل نخواهند شد. علیرغم یارانه‌های مالی کلانی که از طرح «یک کمربند، یک جاده» پشتیبانی می‌کنند و نیز وجوه بین‌المللی و داخلی همراه با آن، صادرات چین باید راهی برای مقابله با اتخاذ سیاست رو به رشد حمایت از صنایع داخلی توسط سایر کشورها بیابد.

## ۴- سیاست خارجی: محرک‌های داخلی

آلیس اکمن

در طول عصر اصلاحات و گشایش دنگ ژیاو پینگ، سیاست خارجی چین بیشتر به داخل توجه داشت: اولویت با توسعه اقتصادی داخلی بود و چین استطاعت یک سیاست خارجی بلندپروازانه را نداشت. ۳۵ سال بعد، این رویکرد دستخوش اصلاحات قابل توجهی شده است. در ریاست جمهوری شی جینپینگ، سیاست خارجی چین کمتر ترغیب به آن می‌شود که «خود را از انظار دور نگاه دارد» تا اینکه «برای پیشرفت تقلا کند». در سایه این تحولات اصولی، دیپلماسی چین بسیار کنشگرانه‌تر شده و در منطقه آسیا-اقیانوسیه و فراتر از آن دست به اقدام می‌زند.

### توسعه اقتصادی به مثابه یک محرک کلیدی برای سیاست خارجی

شکی نیست که سیاست خارجی چین همچنان به شکل‌گیری، تحت تأثیر عمده اهداف داخلی توسعه اقتصادی ادامه خواهد داد، حتی اگر برجستگی سایر عوامل مانند شخصیت شی جینپینگ یا چهارچوب ایدئولوژیکی مورد ترویج حزب کمونیست چین افزایش یابد. دلایل این امر ریشه در شکاف دیرین موجود در توسعه اقتصادی بین نواحی شرقی و غربی چین و نیز نقش حیاتی که قابلیت حزب برای پیشبرد رشد اقتصادی جهت تقویت مشروعیت خود ایفا می‌نماید، دارند. طرح توسعه زیرساخت جاده ابریشم جدید (یا به اصطلاح رسمی آن، «یک کمربند، یک جاده») که توسط شی جینپینگ در پاییز ۲۰۱۳ راه‌اندازی شد، به طور ویژه برای پرداختن به نقطه ضعف‌های اقتصادی این کشور طراحی شده است؛ به خصوص از طریق گشایش در فقیرترین استان‌های کشور و جستجوی فرصت‌های بازاری در خارج و در بخش‌هایی که در حال حاضر با مازاد ظرفیت قابل توجهی مواجه هستند (ساخت و ساز، فولاد و ذغال سنگ از جمله صنایعی هستند که به طور ویژه تحت تأثیر قرار می‌گیرند).<sup>۷۷</sup> چین با توسعه زیرساخت حمل و نقل، همچنین خواستار تقویت شبکه‌های زیرساختی (از جمله بنادر، فرودگاه‌ها، جاده‌ها، راه آهن‌ها، خط لوله‌ها، مخابرات، کابل‌های زیردریایی و ماهواره) در منطقه وسیع‌تر همسایگان خود است، که به موقع خود می‌توانند تجارت را در منطقه تسهیل کنند، و مهم‌تر از آن، کالاهای چینی را از مسیرهای جایگزینی (که تنگه مالاکا<sup>۷۸</sup> را دور می‌زنند) به بازارهای

۷۷. جهت مشاهده یک تحلیل جامع‌تر از اهداف داخلی و زیربنایی پروژه‌های «یک کمربند و یک جاده»، برای مثال رجوع نمایید به:

Alice Ekman, 'China in Asia: What is behind the New Silk Roads?', *Note de l'Ifri*, July 2015.

78. Malacca Strait

اروپا بیاورند. طرح «یک کمربند، یک جاده» را می‌توان یک اقدام تکمیلی بلندپروازانه‌تر برای سیاست «برونگرایی»<sup>۷۹</sup> در نظر گرفت که در اواخر دهه ۱۹۹۰ با هدف جهانی سازی شرکت‌های چینی راه‌اندازی شد که گواه دیگری است بر محوریت دغدغه‌های توسعه اقتصادی داخلی در شکل‌گیری جایگاه بین‌المللی چین. این روند جهانی سازی که اینک به مدت بیش از سه دهه در جریان بوده است، الزامات مهمی برای سیاست خارجی در بر دارد؛ به گونه‌ای که چین را در معرض شوک‌های خارجی بسیار دورتر از مرزهای آن قرار می‌دهد، آن هم در مناطقی که سرمایه‌گذاری هنگفتی در آنها کرده است (مانند سودان، برمه/میانمار، یا لیبی). حتی با وجود اینکه چین تصمیم ندارد مستقیماً درگیر منازعات داخلی یا منطقه‌ای شود، دولت چین (همراه با شرکت‌های بزرگ تحت مالکیت دولت آن) باید ریسک‌های موجود در کشورهایی که در آنها حضور دارد را بهتر ارزیابی و پیش‌بینی کند تا از وارد آمدن آسیب بالقوه به شهروندانش و ضررهای مالی جلوگیری نماید.

نیازهای مربوط به انرژی داخلی و مواد خام نیز به میزان زیادی جهت‌گیری‌های سیاست خارجی چین را طی دو دهه گذشته تحت تأثیر قرار داده است؛ چرا که تقاضای انرژی خالص چین افزایش چشم‌گیری داشته و تقریباً سه برابر شده است: از معادل ۱/۱۳۴ میلیون تن نفت در سال ۲۰۰۰ به ۳/۰۸۰ میلیون تن در سال ۲۰۱۵،<sup>۸۰</sup> در نتیجه، سرمایه‌گذاری‌های چین در بخش انرژی در طول این دوره به سرعت افزایش یافته‌اند، که موجب توسعه زیرساخت انرژی هم در داخل و هم در خارج، و نیز افزایش حضور چین در شماری از مناطق (از جمله آفریقا و خاورمیانه) شده است. این سرمایه‌گذاری‌های خارجی شبکه‌های اقتصادی-امنیتی را بیش از پیش برجسته می‌سازند، و نیاز فوق‌الذکر به حفاظت از شهروندان و دارایی‌های چین در خارج را به عنوان یک دغدغه روزافزون هم برای دیپلماسی و هم شرکت‌های چینی، مورد تأکید قرار می‌دهند.

### شی جینپینگ: یک سیاست خارجی بلندپروازانه‌تر و کنشگرایانه‌تر

اگرچه در جهت‌گیری‌های کلی سیاست خارجی چین از یک رئیس‌جمهور تا رئیس‌جمهور بعد تداوم و استمرار زیادی را شاهد هستیم، اما شخصیت هر رئیس‌جمهور به واقع حائز اهمیت است. از زمان نامزدی شی جینپینگ برای ریاست جمهوری کشور جمهوری خلق چین در ماه مارس ۲۰۱۳، آرمان‌ها و متدولوژی سیاست خارجی چین با مجموعه‌ای از تعدیل‌های

79. 'going out' policy

80. Enerdata, *Global Energy Statistical Yearbook 2017*



مجدد قابل توجه مشخص شده است. آقای شی به سرعت رهبری خود بر فرآیند تصمیم‌گیری سیاست خارجی را مستحکم کرد (با سرپرستی اکثر جلسات داخلی حزب مرتبط با امور خارجه، تقویت تدوین و هماهنگ‌سازی سیاستی در سطح عالی رتبه، عرضه مفاهیم و طرح‌های جدید، و افزایش تعداد سفرها به کشورهای خارجی). هدف او وضع کردن یک استراتژی درازمدت در زمینه سیاست خارجی برای کشورهای همسایه چین و ورای آنها بود. تحت رهبری او، تعداد کلی اقدامات ابتکاری انجام شده توسط دیپلماسی چین چه در سطح دوجانبه و چه چندجانبه با سرعت بالایی رو به افزایش نهاده است. چین در حال افزایش حضور خود در نشست‌ها و گردهمایی‌های چندجانبه موجود (مانند گروه بیست<sup>۸۱</sup>) و تحکیم نشست‌های جدیدی که خود ایجاد نموده، است (مانند بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا، چهارچوب همکاری منطقه‌ای، یا طرح «یک کمربند، یک جاده»).

علاوه بر کنشگرایی سازمانی، نوآوری مفهومی نیز تحت رهبری کنونی مورد تشویق قرار می‌گیرد. چین اخیراً مفاهیم جدیدی را در سیاست خارجی ابداع نموده است (مانند طرح «یک کمربند، یک جاده» و نیز «انجمن سرنوشت مشترک»<sup>۸۲</sup>، «نوع جدیدی از رابطه اساسی کشوری»<sup>۸۳</sup>، و «نوع جدیدی از روابط بین‌المللی»)، و اینک در حال ترویج آنها از طریق اقدامات دیپلماسی عمومی با هدف نهایی برقرار نمودن آنها به عنوان مفاهیم اصلی منطقه‌ای و بین‌المللی است. با توجه به منابع انسانی و مالی وسیعی که به این اقدامات تخصیص یافته است، اقداماتی که از طریق طیفی از کانال‌های ترویجی و تبلیغی (به رهبری دولت و با حمایت رسانه‌های وابسته به دولت، مؤسسات آموزش عالی، انجمن‌های پراکنده، شرکت‌های تحت مالکیت دولت، و غیره) ترتیب داده می‌شوند، احتمال اینکه این مفاهیم در سال‌های آتی وارد اصطلاحات سیاست خارجی شوند بالاست. دیپلمات‌های چینی از همان‌کنون توانسته‌اند ارجاعات صریحی را به آنها در بیانیه‌های حاصل از گردهمایی‌های چندجانبه بگنجانند (از جمله یک قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل،<sup>۸۴</sup> یک بیانیه مشترک گروه بیست، و سخنرانی‌ها و توافقات مربوط به مجمع «یک کمربند، یک جاده»).

81. G20

82. Community of Common Destiny

83. Major-Country Relationship

۸۴. قطعنامه شماره ۲۳۴۴ شورای امنیت سازمان ملل که در تاریخ ۱۷ مارس ۲۰۱۷ به تصویب رسید، حاوی اشاراتی به طرح «یک کمربند، یک جاده» بود و گریزی هم به مفاهیم «انجمن سرنوشت مشترک» زد که اولین بار توسط شی جینپینگ در اواخر ۲۰۱۲ پیشنهاد شد. برای ملاحظه متن کامل این قطعنامه رجوع کنید به:

<https://www.un.org/press/en/2017/sc12756.doc.htm>.

به طور کلی، هم از لحاظ سیاسی و هم مفهومی، شی جینپینگ سیاست خارجی «گوش به زنگ»<sup>۸۵</sup> و میراث آن را کنار گذاشت. با این حال به نظر می‌رسد مواضع سیاست خارجی چین هنگامی که به منافع محوری در منطقه مربوط شوند (برای مثال، روابط با تایوان در زمینه تنگه تایوان، و ادعاهای مالکیتی در دریاهای شرقی و جنوبی چین) بسیار راهبردی‌تر، پیش‌نگرانه‌تر و واضح‌تر از سایر مسائلی هستند که در مسافت‌های دورتر پدیدار شده و ارتباط مستقیم کمتری با اولویت‌های چین دارند (مانند بحران‌های سوریه و اوکراین).

### بعد ایدئولوژیکی سیاست خارجی چین

رویکرد دیپلماتیک چین غالباً عمل‌گرایانه، سنجیده و متناسب با وضعیت عینی در میدان و ماهیت منافع ملی در معرض خطر قلمداد می‌شود. این روال از زمان دنگ ژیاوپینگ وجود داشته است؛ کسی که از جهت‌گیری‌های بیشتر ناشی از ایدئولوژی در سیاست خارجی (که در دوره مائو اتخاذ می‌شد) فاصله گرفت. در عین حال، برخی از ابعاد ایدئولوژیکی سنتی مربوط به دوره مذکور امروز هم کماکان بر سیاست خارجی چین حاکم هستند و نباید به راحتی نادیده گرفته شوند. رویکرد سیاست خارجی شی جینپینگ که در تقابل مستقیم با سلفش یعنی هو جینتاو قرار دارد، نقش بیشتری را به مبنای ایدئولوژیکی آن نسبت می‌دهد.

اول از همه اینکه انگیزه و محرک سیاست خارجی کنش‌گرایانه چین در عصر حاضر، حس شدید غرور ملی و این باور بوده است که زمان بازگرداندن ملت چین به جایگاهی از پذیرش و احترام بین‌المللی فرا رسیده است. پکن تصور می‌کند که اینک قابلیت‌های اقتصادی لازم برای پشتیبانی از یک سیاست خارجی جاه‌طلبانه‌تر را داراست، موضوعی که به «جوانسازی دوباره ملت چین» منجر خواهد شد و جایگزین ترومای جمعی «۱۰۰ سال حقارت» می‌شود که تاریخ آن به جنگ اول تریاک<sup>۸۶</sup> بازمی‌گردد. با این حال، هرچند ارتباطات رسمی چین سرشار از ارجاعات ملی‌گرایانه هستند، اما در مورد فشار ملی‌گرایی همگانی و سنگینی افکار عمومی در داخل پیرامون سیاست خارجی نباید اغراق شود. حزب به خوبی از این موضوع آگاه است که ملی‌گرایی مظهر یک شمشیر دولبه برای ثبات سیاسی است، و افکار عمومی را زیر نظر داشته یا حتی از طریق ابزارهای آنلاین و آفلاین سانسور می‌کند؛ آن هم به صورت پیش‌دستانه یا هر گاه حزب تصور کند ابراز افکار عمومی زیادی از مسیر رسمی آن دور شده است.

85. 'expectant' foreign policy

86. the First Opium War

علاوه بر ملی‌گرایی، خصومت سنتی چین با دموکراسی‌های لیبرال غربی (و در درجه نخست و مهم‌تر از همه، ایالات متحده) بخش زیادی از گفتمان و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی آن را شکل می‌دهد. چین به طور روزافزون در حال ترویج مدل جایگزینی از مناسبات بین‌المللی است که مبتنی بر شراکت‌ها است و نه یک نظام ائتلافی (آن هم نظامی که به رهبری ایالات متحده باشد).<sup>۸۷</sup> چین همچنین در حال پیشبرد یک الگوی جایگزین در زمینه توسعه و حاکمیت است، که «اجماع واشنگتن»<sup>۸۸</sup> را زیر سؤال برده و خودش را در جایگاه ارائه‌دهنده «راهکار» قرار می‌دهد؛ که صراحتاً به نقطه ضعف‌های نظام دموکراتیک و لیبرال غربی اشاره دارد. این مانورها از طریق برنامه‌های آموزشی معطوف به مقامات متعلق به کشورهای در حال توسعه و نوظهور پشتیبانی می‌شوند، که معمولاً شامل یک مؤلفه ایدئولوژیکی به علاوه آموزش عملی هستند.<sup>۸۹</sup> چین در صدد تحکیم وجهه خود به منزله یک ارائه‌دهنده «راهکار» نیز هست: از طریق خروجی‌های رسانه‌ای بین‌المللی خود (رسانه‌هایی که اکنون در تعداد فزاینده‌ای از کشورها به زبان‌های بومی برنامه پخش می‌کنند) و در نشست‌های چندجانبه‌ای که در آنها شرکت می‌کند (برای مثال مجمع جهانی اقتصاد<sup>۹۰</sup> در شهر داووس<sup>۹۱</sup>، ۲۰۱۷) یا خودش ترتیب می‌دهد (مانند مجمع «یک کمربند، یک جاده» که در ماه مه ۲۰۱۷ در پکن برگزار شد).

این جریان‌های ایدئولوژیکی ملی‌گرایی، خشم تاریخی نسبت به غرب و بی‌زاری از ائتلاف‌ها اغلب به هم پیوسته هستند. عوامل مذکور با اینکه جامع و فراگیر نیستند (ملاحظات ایدئولوژیکی دیگری مانند دیدگاه واقع‌گرایانه نسبت به سیاست جهان نیز بر تصمیمات اثرگذار هستند)، اما چهارچوب کلی ارتباطات و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی چین را در عصر حاضر شکل می‌دهند.

۸۷. در این زمینه، به گزارش رسمی چین پیرامون سیاست‌های چین در خصوص همکاری امنیتی آسیا-اقیانوسیه رجوع نمایید که در ۱۱ ژانویه ۲۰۱۷ توسط مرکز اطلاعات هیأت دولت (State Council Information Office) چین منتشر شده است. متن کامل (نسخه رسمی انگلیسی):

[http://english.gov.cn/archive/white\\_paper/2017/01/11/content\\_281475539078636.htm](http://english.gov.cn/archive/white_paper/2017/01/11/content_281475539078636.htm); Xi Jinping, opening speech at the Belt and Road Forum, 14 May 2017. Full speech (official English version): [http://news.xinhuanet.com/english/2017-05/14/c\\_136282982.htm](http://news.xinhuanet.com/english/2017-05/14/c_136282982.htm).

88. Washington consensus

89. Yun Sun, 'Political party training: China's ideological push in Africa?', *Brookings*, 5 July 2016. Available at: <https://www.brookings.edu/blog/africa-in-focus/2016/07/05/political-party-training-chinas-ideological-push-in-africa/>.

90. World Economic Forum

91. Davos

## پیش‌بینی سال ۲۰۲۵

تا به اینجای کار، ظاهراً سرعت طرح‌های سیاست خارجی چین تحت تأثیر کُندی رشد اقتصادی قرار نگرفته است. تعداد این طرح‌ها کمتر از سایر طرح‌ها نیست، و به نظر هم نمی‌رسد کمتر بلندپروازانه باشند. بالعکس، در مورد طرح «یک کمر بند، یک جاده»، شمار فزاینده‌ای از کشورها و بخش‌ها اکنون در آن گنجانده شده‌اند و پروژه‌های زیرساختی قابل توجهی در راه هستند و درخواست‌های جدیدی جهت بسط شبکه سازمان‌های وابسته و سازوکارهای مشارکتی مطرح شده است.<sup>۹۲</sup>

وقفه‌های گاه و بیگاه تا به اکنون منجر به کاهش بزرگی آرمان‌های سیاست خارجی چین نشده است، عمدتاً به این علت که چین یک دورنمای درازمدت را در رابطه با سیاست خارجی خود اتخاذ نموده است. صد سالگی تأسیس جمهوری خلق چین در ۲۰۵۰ یک نقطه عطف قابل توجه برای هدف فوق‌الذکر یعنی «توانمندسازی دوباره ملت چین» و اجرای کامل طرح‌های دیپلماتیکی که تا کنون آغاز شده‌اند، قلمداد می‌شود. رهبران چین امیدوارند تا آن زمان بهره‌های قابل ملاحظه‌ای را در زمینه سیاست داخلی و خارجی به بار آورند، به گونه‌ای که اولین نتایج هم اکنون برای سال ۲۰۲۰ و برای صد سالگی حزب کمونیست چین پیش‌بینی شده‌اند، حزبی که جشن‌های آن در سراسر کشور دو سال قبل از بیستمین کنگره حزب و پایان احتمالی ریاست جمهوری شی جینپینگ برگزار می‌شوند. تا این موعده‌ای مقرر، چین سعی خواهد کرد طرح‌های مختلف دیپلماسی اقتصادی کنش‌گرایانه خود را در سراسر منطقه به هم متصل نماید (به ویژه سرمایه‌گذاری‌ها در زیرساخت راهبردی تحت چهارچوب فوق‌الذکر «یک کمر بند و یک جاده» که متشکل از بنادر، فرودگاه‌ها، راه‌آهن‌ها، خط لوله‌ها، مخابرات، کابل‌های زیردریایی و ماهواره‌ها است) تا به تفوق لجستیک و ژئواستراتژیک فراتر از همسایگان نزدیک خود دست یابد. با توجه به تبلیغات با مقیاس گسترده حول طرح «یک کمر بند، یک جاده»، ناکامی در عرضه نتایج تا موعده‌ای مقرر پیامدهای شدیدی برای ارزیابی داخلی از دوره و میراث آقای شی در بر خواهد داشت.

آرمان‌ها و توقعات بالا هستند، اما رهبران چین جو بین‌المللی فعلی را عموماً مطلوب تلقی می‌کنند و به نظر می‌رسد روز به روز اعتماد به نفس بیشتری در خصوص توانایی جهت بردن بیشترین بهره از این شرایط پیدا می‌کنند. این عقیده از زمان بحران مالی و اقتصادی جهان

۹۲. به سخنرانی افتتاحیه مجمع یک کمر بند، یک جاده در سال ۲۰۱۷ رجوع نمایید که در آن وی ایجاد شبکه‌های بین‌المللی جدیدی را اعلام نمود (برای مثال «شبکه تجارت آزاد کمر بند و جاده»، «کمر بند چند لایه»، «شبکه مخصوص همکاری میان سازمان‌های مردم نهاد»، «طرح آزمایشگاه مشترک»، «طرح انتقال تکنولوژی»، «پلتفرم سرویس کلان داده»).

که در پاییز ۲۰۰۸ نمودار شد، تقویت گردید. مقاومت نسبتاً سرسختانه اقتصاد چین در برابر پس‌لرزه‌های این بحران، به ترفیع و جهه سیاسی و اقتصادی چین در سطح جهان کمک نمود. پذیرش بین‌المللی نسبتاً مثبت پیشنهادهای دیپلماتیک چین به طور کلی، به ویژه طرح «یک کمربند، یک جاده» و بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا (AIIB)، اعتماد به نفس دستگاه دیپلماسی چین را بیش از پیش تثبیت کرد. اگرچه اینک برای ارزیابی آینده‌نهایی آنها خیلی زود است، اما نفس راه‌اندازی این طرح‌ها از سوی پکن یک موفقیت قلمداد شد، با توجه به پوشش رسانه‌ای گسترده در سطح بین‌المللی و تعداد زیاد کشورهای که علاقه خود به مشارکت در طرح مورد نظر در هر یک از مراحل اولیه آن را نشان داده‌اند.

با اعتماد به نفس تجدید شده چین و این استنباط که شرایط کنونی مساعد هستند، احتمال دارد دیپلماسی پکن به افزایش و تنوع بخشی به تعداد طرح‌های سازمانی خود ادامه دهد. چین احتمالاً در حوزه‌های مربوط به ساختارهای مدیریت بین‌المللی موجود<sup>۹۳</sup> (مانند امور مالی و تجارت) کنشگرا باقی میماند. اما این کشور همچنین آمادگی خود برای بهره‌برداری از فرصت تعیین اداره جهان در جاهایی که هنوز در حال احداث هستند را نشان داده است؛ از جمله در حیطه‌های غیرستتی نظیر فضای سایبری<sup>۹۴</sup>، فضا و تغییرات اقلیمی (تحلیل مفصل‌تری از نقش آتی چین و سهم آن از اداره جهان در ادامه و در بخش سوم این گزارش ارائه خواهد شد). پکن که مصمم به رهبری (یا «هدایت»، طبق اصطلاح رسمی آن) فرآیند بازسازی اداره جهان است، خود را در جایگاه حامی اصلی چند جانبه‌گرایی و جهانی‌سازی قرار خواهد داد. انتخاب دونالد ترامپ لحظه سرنوشت‌سازی در این رابطه بود. شی جینپینگ در سخنرانی‌های خود در داووس و ژنو در ژانویه ۲۰۱۷، مخالفت خود را با طرح برگزیت<sup>۹۵</sup>، حمایت از صنایع داخلی مانند سیاست «آمریکا در اولویت»، و کناره‌گیری ایالات متحده از پیمان تجاری اقیانوس آرام<sup>۹۶</sup> ابراز نموده و خود را در جایگاه مدافع مصمم «جهانی‌سازی اقتصادی» قرار داد، عبارتی که بیش از ۳۰ بار در طول سخنرانی خود آن را تکرار کرد. برگزیت و انتخاب رئیس‌جمهور ترامپ همچنین در پکن به عنوان فرصت‌هایی جهت تحکیم و جهه چین به منزله یک کشور

93. existing international governance structures

۹۴. لانگ ژو [Long Zhou]، هماهنگ کننده امور سایبری در وزارت امور خارجه چین، برنامه‌هایی را برای «راهکار چین» در خصوص نظارت بر اینترنت اعلام کرده است (AFP, 2017 March 2). همچنین رجوع کنید به: China's 'International Strategy of Cooperation on Cyberspace', released on 14 January 2017. Full text (official English version): [http://news.xinhuanet.com/english/china/01/03\\_2017/c\\_136094371.htm](http://news.xinhuanet.com/english/china/01/03_2017/c_136094371.htm)

۹۵. (Brexit) طرح خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا

96. Trans-Pacific Partnership

موفق و کنشگرا و مقایسه آن با دموکراسی‌های لیبرال غربی (که نقش کم‌رنجی داشته و در حال کناره‌گیری از جهان توصیف می‌شوند)، در نظر گرفته می‌شود.

در عین حالی که چین در حال بهره‌گیری از فرصت‌های در دسترس است که به موجب انتخاب ترامپ به آنها پی برده است، آرمان‌هایش توسط یک استراتژی درازمدت برای اداره جهان تعیین می‌گردند که اندک کشورهایی می‌توانند از لحاظ برنامه‌ریزی، هماهنگی یا پشتیبانی مالی با آن رقابت کنند. این پشتوانه سازمانی نشان می‌دهد که چین ورای اظهارات کلامی، به واقع می‌تواند در تجدید ساختار اداره جهان مطابق با آرمان‌هایش، موفق ظاهر شود. با توجه به عزم شی جینپینگ، تنها یک رکود اقتصادی شدید و افت منابع می‌تواند به تنزل این آرمان‌ها بیانجامد. حتی تحت چنین شرایطی، با توجه به فاصله گرفتن قابل توجه شی جینپینگ از این رویکرد و میزان حضور اقتصادی و دیپلماتیک و منافع چین در خارج در عصر حاضر، بازگشت سیاست خارجی چین به رویکرد «دور از انظار»<sup>۹۷</sup> مربوط به عصر دنگ ژیاوپینگ نامحتمل خواهد بود.

یک نگرش کنشگرایانه فزاینده در سیاست خارجی چین به معنای آن نخواهد بود که چین لزوماً در بحران‌های بین‌المللی که آنها را ثانویه تلقی کرده یا حل و فصل آن‌ها را بیش از حد هزینه‌بر بداند، بیشتر دخالت خواهد کرد. در عوض، این کشور به دنبال نفوذ بیشتر و صدایی رساتر در سازمان‌هایی خواهد بود که می‌تواند به این مسائل پردازد؛ به ویژه جهت تقویت توانایی خود در جلوگیری از دخالت بین‌المللی در منافعش.

بی‌تردید بینش و سبک شخصی شی جینپینگ به میزان زیادی در حال شکل دادن به سیاست خارجی چین است. هرگونه اقدام نسبت به پیش‌بینی جهت‌گیری‌های آتی سیاست خارجی چین باید برنامه سیاسی داخلی و مهم‌تر از همه تعداد سال‌هایی که شی جینپینگ در قدرت باقی خواهد ماند را نیز مد نظر قرار دهد. به احتمال زیاد، او حداقل تا سال ۲۰۲۲ رئیس‌جمهور خواهد بود. اما نوزدهمین کنگره قریبالوقوع حزب در پاییز ۲۰۱۷ نشانه‌های بیشتری را از تعداد دقیق این سال‌ها و احتمال تمدیدی فراتر از دو دوره مرسوم، در اختیار ما قرار خواهد داد. حتی اگر شی جینپینگ در ۲۰۲۲ یا قبل از آن از قدرت کنار برود، او مفاهیم، متدولوژی، نهادها و آرمان‌های سیاست خارجی چین را به اندازه‌ای تغییر داده است که این تغییرات احتمالاً تا بعد از دوره تصدی وی نیز برقرار خواهند بود.

## بخش دوم- وضعیت منطقه‌ای چین

۵- حاکمیت ارضی<sup>۹۸</sup>: مفهوم و عمل

چارلز پارتون

## مقدمه

هرگونه برآورد از سیاست چین می‌بایست از یک فرض بنیادین آغاز شود: هدف اصلی حزب کمونیست چین (که سایر ملاحظات سیاستی نسبت به آن در درجات بعدی قرار می‌گیرند)، ماندن در قدرت است. سیاست خارجی و مسائل حاکمیتی ملازمان این امر بی‌چون و چرای داخلی هستند.

دومین فرض اساسی این است که حزب به صورت روز افزون دل‌مشغولی تقویت و تحکیم مشروعیت خود را دارد. امروزه مشروعیت بالا برای حفظ حمایت یک طبقه متوسط تحصیل کرده و مرفه ضروری است. استراتژی رژیم در این خصوص مبتنی بر سه مضمون اصلی است:

- بالا رفتن مداوم رونق اقتصادی و حفظ نرخ‌های اشتغال بالا.
  - متقاعدسازی مردم چین در این خصوص که تنها حزب کمونیست چین می‌تواند از طریق بازیابی مرزهای تاریخی کشور، ملت را مجدداً متحد نماید.
  - پیشرفت در راستای تحقق «رؤیای چین» (به معنای پایان ۱۷۵ سال زورگویی خارجی و اعاده «جایگاه برحق» چین به عنوان یک قدرت بزرگ در نظم بین‌المللی که قادر است اداره جهان و ارزش‌های آن را در جهت منافع خود تعدیل کند).
- این مؤلفه‌ها به معنای آن هستند که سیاست منطقه‌ای (و جهانی) چین معطوف به این موارد است: تأمین منابع، بازارها و سرمایه‌گذاری جهت حفظ و افزایش رفاه و اشتغال؛ پاسداشت تمامیت ارضی؛ کنترل آب‌های نزدیک برای تضمین امنیت خود؛ و حصول اطمینان از اینکه ارزش‌ها و مدل حکومتی آن بیشتر مورد پذیرش قرار گیرند، به گونه‌ای که در یک دنیای دستخوش جهانی‌سازی که در آن شهروندان چین به صورت فزاینده‌ای با «ارزش‌های غربی» تماس پیدا می‌کنند، جریاناتی که به داخل چین بازمی‌گردند برای منافع حزب کمونیست چین کمتر زیان بخش باشند.

همه مؤلفه‌های فوق‌نقشی حیاتی در دیدگاه چین نسبت به حاکمیت و تفسیر آن در رفتارشان در قبال هنگ‌کنگ، ماکائو، تایوان، و دریا‌های شرقی و جنوبی چین ایفا می‌کنند. این مؤلفه‌ها دلیل اینکه چرا سیاست‌گذاران حزب کمونیست چین گه‌گاه به طرقتی عمل می‌کنند که مغایر با منافع گسترده‌تر چین (و نه حزب کمونیست این کشور) هستند را توضیح می‌دهند.

شایان ذکر است که اصطلاحاتی که معمولاً توسط حزب کمونیست چین در حوزه امور خارجه مورد استفاده قرار می‌گیرند («برد-برد»، «انجمن مبتنی بر منافع» و واژگان مربوط به طرح «یک کمربند و یک جاده») اغلب برای انحراف توجهات از این ملاحظات حیاتی به کار گرفته می‌شوند.

### نگرش رو به تحول چین نسبت به حاکمیت

اگر در هر برهه‌ای از تاریخ از امپراطوران سؤال می‌شد که حاکمیت را تعریف کنند، از این کار باز می‌ماندند. در جامع‌ترین تعریف این اصطلاح، هر آنچه در طول تاریخ متعلق به چین بوده، همان چین بوده است. هنگامی که بیگانگان (مغول‌ها و قوم منچو) چین را فتح نمودند، قلمروهایی که آنها حاکمان را از آنجا آغاز کردند به بخشی از چین تبدیل شدند. به علت شورش و ضعف دستگاه اجرایی امپراطوری مرکزی، گاهی اوقات قسمت‌هایی از چین تحت کنترل حاکمیت نبوده‌اند، اما از منظر محکمه امپراطوری این قسمت‌ها با این وجود کماکان جزئی از جهان متمدن (که مترادف با چین بود) بودند.

لذا چینی‌ها حاکمیت خود را از طریق منشور تاریخ، و به علاوه، از طریق یک دیدگاه ماکسیمالیستی از آن تعریف می‌کنند. این دیدگاه غربی نیست، دیدگاهی که به یک تعریف مورد توافق گرایش دارد که توسط قوانین یا معاهدات بین‌المللی تقدیس و از آن محافظت می‌شود. مانند هامپتی دامپتی<sup>۹۹</sup> («وقتی من از کلمه‌ای استفاده می‌کنم، معنی آن دقیقاً همان مفهوم می‌است که من انتخابش می‌کنم، نه کمتر و نه بیشتر»)، برای حزب، حاکمیت چین عمدتاً چیزی است که حزب معنای آن را انتخاب می‌کند. تاریخ، به ویژه در یک حکومت لنینگرا<sup>۱۰۰</sup> و مستبد، یک ابزار انعطاف‌پذیر است. لذا، در حالی که کشورهای غربی ممکن است نسبت به ادعاهای چینی‌ها مبنی بر حاکمیت بر آرون‌چال پرادش<sup>۱۰۱</sup> یا قطعه زمین‌های برآمده

۹۹. (Humpty Dumpty) یکی از معروفترین شخصیت‌های داستان‌های کودکان که اغلب به شکل یک تخم مرغ به تصویر کشیده می‌شود؛ کنایه از کسی یا چیزی که با یک بار زمین خوردن از بین برود.

100. Leninist

۱۰۱. (Arunachal Pradesh) از ایالت‌های هند که چین ادعای مالکیت آن را دارد



در دریا<sup>۱۰۲</sup> با فاصله هزاران مایل از هاینان<sup>۱۰۳</sup> بدگمان باشند، حزب و اکثر شهروندان چینی (که در معرض پروپاگاندا دائمی حزب این کشور هستند) این بدگمانی را ندارند. این اصل زیربنایی که روایت و برداشت حزب از تاریخ، حاکمیت را تعریف می‌کند، تغییر نیافته است. واقعیت‌های قدرت مسلماً چگونگی اجرا شدن این اصل را تعریف کرده‌اند: شینجیانگ، تبت، هنگ‌کنگ و ماکائو را می‌توان باز پس گرفت؛ اما مغولستان بیرونی<sup>۱۰۴</sup>، آروناچال پرادش (جنوب تبت به سمت پکن) و جزایر دیائو/سنکاکو<sup>۱۰۵</sup> را نمی‌توان. تایوان، برآمدگی‌های واقع در دریا‌های شرقی و جنوبی چین که در محدوده معروف «خط ۹ تکه»<sup>۱۰۶</sup> هستند (که از جنوب چین امتداد یافته و با سواحل فیلیپین، برونئی، مالزی، اندونزی، و ویتنام تماس پیدا می‌کند) جزء مناطقی هستند که تلاش‌های مربوط به ادعای حاکمیت آنها همچنان ادامه دارد.

اینکه مفهوم «یک کشور، دو نظام» (که در ابتدا برای تایوان ابداع گردید، اما برای تسهیل بازگرداندن هنگ‌کنگ و ماکائو تحت حکومت چین مورد تعدیل قرار گرفت)، نمایانگر یک تغییر پایدار در برداشت چینی‌ها از حاکمیت است یا خیر، مورد تردید است. در شرایط سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۹، انتقال حاکمیت به چین، خودمختاری منطقه‌ای قابل ملاحظه‌ای را میسر ساخت که برای حفظ ثبات در هنگ‌کنگ و ماکائو ضروری به شمار می‌رفت. اما رویدادهای اخیر شاهد آمادگی فزاینده چین برای کاهش این خودمختاری بوده‌اند، و هیچکس نمی‌داند بعد از سال‌های ۲۰۴۷ و ۲۰۴۹ یعنی زمانی که حداقل پنجاه سال «عدم تغییر» منقضی می‌شود (موضوعی که در بیانیه مشترک همراه با دولت‌های بریتانیا و پرتغال مورد توافق قرار گرفت)، چه اتفاقی خواهد افتاد.

تأکید چین بر روی حاکمیت و عدم مداخله خارجی‌ها، تا حدی فراتر از ملاحظات صرفاً ارضی گسترش می‌یابد. حاکمیت اینترنتی شاید برجسته‌ترین مثال در این زمینه باشد، اما حاکمیت در سایر اشکال آن یعنی بیگانگان هیچ حقی ندارند در این باره اظهار نظر کنند که چین در قلمرو تعریف شده تاریخی‌اش چطور حکومت می‌کند، حال این اظهار نظر چه در زمینه حقوق بشر باشد، چه آموزش، چه فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) و یا امور فرهنگی.

102. maritime outcrops

۱۰۳. (Hainan). جزیره‌های در جنوب چین

104. Outer Mongolia

105. Diaoyu/Senkaku islands

106. Nine Dash Line

## یک جسارت تازه

نقطه شروع جسارت رو به افزایش چین را می‌توان به اوایل دهه ۱۹۷۰ نسبت داد. قبل از آنکه مذاکرات پیرامون کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاها<sup>۱۰۷</sup> (UNCLOS) توجهات را به ارزش مناطق اقتصادی انحصاری<sup>۱۰۸</sup> (EEZs) معطوف کرد، که حق بهره‌برداری از مواد معدنی، آبیان و سایر منابع تا شعاع ۲۰۰ مایل دریایی از قلمروهایی که در محدوده حوزه قضایی حاکمیتی یک کشور قرار می‌گیرند را به کشورها می‌دهد، چین اهمیت کمی برای حاکمیت دریایی قائل بود. اما در قرن بیستم، چین به اندازه کافی قدرتمند نبود که ادعای حاکمیت کند؛ اگرچه در ۱۹۷۴ ویتنام جنوبی را از برخی جزایر پاراسل<sup>۱۰۹</sup> بیرون راند. ظهور چین به عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان یکی دیگر از عوامل مشهود است. این امر منجر به مطالبه احترام بیشتر برای منافع چین شده است. احتمالاً آرمان‌های سیاسی خود شی جینپینگ، و مسلماً رؤیای چین او، به نیروی محرکه آن افزوده‌اند.

اما یکی از محرکه‌های مهم در این زمینه ترس از افزایش زیر سؤال بردن مشروعیت یک نظام دولتی تک حزبی است که به نفع اعضای به خصوصی از حزب و به ضرر توده‌های مردم تمام می‌شود. این موضوع به سه منبع مشروعیتی برمی‌گردد که در آغاز این فصل ترسیم شدند. فساد، سرکوب، استفاده خودسرانه از قدرت و نابرابری تا زمانی تحمل می‌شوند که افزایش رفاه برای اکثریت جمعیت ادامه یافته و نرخ اشتغال قابل توجه باشد. این یک پیمان سر بسته میان حزب و مردم از سال ۱۹۸۹ بوده است. اما همه اقتصادها وارد یک چرخه رو به پایین<sup>۱۱۰</sup> هم می‌شوند. به علاوه، رهبران گذشته و حال اعلام کرده‌اند که مدل اقتصادی و اجتماعی موجود «نامتوازن، ناهماهنگ، و ناپایدار» بوده<sup>۱۱۱</sup> و از این رو به اصلاحات جامع نیاز است. این روند گذار به مدل جدید، اگر موفقیت آمیز باشد، به معنای جابجایی اقتصادی<sup>۱۱۲</sup> خواهد بود؛ و اگر ناموفق باشد، یک رکود اقتصادی طولانی مدت را در پی خواهد داشت. در این رابطه نیاز به ادعای مالکیت منابع دریاهای چین یک دلیل برای افزایش جسارت دولت چین محسوب می‌شود. یکی دیگر از دلایل، نیاز به تأمین رفاه اقتصادی حدود ۴۰۰

107. United Nations Convention on the Law of the Sea

108. Exclusive Economic Zones

109. Paracel Islands

110. down cycle

111. Wen Jiabao, 'Premier: China confident in maintaining economic growth,' Xinhua, 16 March 2007. Available at: [http://news.xinhuanet.com/english/16/03-2007/content\\_5856569.htm](http://news.xinhuanet.com/english/16/03-2007/content_5856569.htm).

112. economic dislocation

هزار نفری است که در صنعت ماهیگیری مشغول به کار هستند و محافظت از آن در دریای جنوبی چین است: اگر آنها از منبع امرار معاش خود محروم شوند، می‌توانند به تهدیدی برای ثبات بدل شوند. در نهایت، اولویت‌های ارتش آزادی بخش خلق<sup>۱۱۳</sup> را نمی‌توان نادیده گرفت. ارتش ضامن نهایی استمرار و ابقای حزب در قدرت است، که همانطور که در ابتدای فصل به آن اشاره شد، اصل موضوع است.

دو پایه دیگر سه پایه مشروعیت نیز می‌بایست تقویت گردند. فقط حزب می‌تواند قلمروهایی (که طبق نگرش آن نسبت به تاریخ) به چین تعلق دارند را بازپس گرفته و اتحاد دوباره را تأمین کند. به همین ترتیب، فعالیت‌های مربوط به «نیست‌انگاری تاریخی»<sup>۱۱۴</sup>، یعنی انکار روایت حزب از پیوستار تاریخ خودش، تحت ریاست جمهوری شی جینپینگ سرکوب شده‌اند. ثانیاً، پیشرفت در جهت دستیابی به *رؤیای چین* را دیگر نمی‌توان با تسلیم شدن در برابر ژاپن یا ایالات متحده در دریاهای شرقی و جنوبی چین یا تایوان اندازه‌گیری نمود. چرا که چین اکنون مجدداً به ردیف قدرت‌های بزرگ پیوسته است، و هیچکس نمی‌تواند اجازه تحکم به چین را داشته باشد، به ویژه اگر این رفتار تحکماً میز هماهنگ با ارزش‌های غربی بوده و تهدیدی را برای حزب در داخل پیش آورد. بنابراین، حزب آتش ملی‌گرایی را شعله‌ور می‌سازد تا مشروعیت خودش را تقویت کند.

### پیامدهای منطقه‌ای

ارزش آن را دارد که نگاه مختصری به مدت کمی بعد از ۲۰۲۵ یعنی به سال ۲۰۴۹ بیافکنیم، که هنگامه دومین «هدف سدهای» چین و تبدیل شدن به یک کشور سوسیالیستی مدرن است، چرا که این هدف احتمالاً سیاست‌ها و اقدامات چین را در هشت سال آینده تحت تأثیر قرار می‌دهد.

### هنگ کنگ و ماکائو

قانون پایه<sup>۱۱۵</sup> هنگ کنگ و قانون پایه ماکائو (عملاً قانون‌های اساسی آنها) برای مدت ۵۰ سال تضمین شده‌اند. شرایط آنها بعد از سال‌های ۲۰۴۷ و ۲۰۴۹ مشخص نیست. تداوم مفهوم «یک کشور، دو نظام» تا بعد از نیمه قرن حاضر قطعی نیست، اگرچه حزب کمونیست چین بخواهد (همراه با تعدیلاتی) اینگونه باشد. اما به منظور اطمینان دادن به شهروندان و سرمایه‌گذاران،

113. PLA (People's Liberation Army)

114. Historical nihilism

115. Basic Law

چشم‌اندازی از آینده باید مدتی کافی قبل از سال ۲۰۴۷ بیان گردد. حزب تا آن زمان هنوز تصمیم‌گیری نکرده است، اما اقدامات و سیاست‌های فعلی آن حاکی از آنند که گرایش روزافزونی به مدل «یک کشور، یک نظام» دارد.

جای تعجب نیست که اهداف بلندمدت در سیاست‌ها و اعمال حزب تا سال ۲۰۲۵ منعکس می‌شوند، که گواهی است بر عزم آن مبنی بر اینکه هیچ اتفاقی نمی‌تواند برای ثبات سرزمین اصلی<sup>۱۱۶</sup>، ارزش‌ها/ایدئولوژی حزب، و بقای آن در قدرت تهدیدی به وجود آورد. بنابراین حزب کمونیست چین احتمالاً روی موارد ذیل تمرکز می‌کند:

- کنترل فرآیند انتخابات در هنگ‌کنگ برای هر دو منصب ریاست جمهوری و هیأت قانونگذاری<sup>۱۱۷</sup>، به گونه‌ای که در راستای حق رأی همگانی بوده، اما در حقیقت پیروزی نامزدهای طرفدار پکن را تضمین نماید؛
- محدودسازی آزادی بیان، رسانه‌ها، و جریانات آنلاین اطلاعات؛
- حصول اطمینان از اینکه مقوله امنیت ملی نیز مانند امور دفاعی و امور خارجه به حیطه‌های تحت کنترل پکن ملحق شود.
- مداخله در مسائل قضایی که روی منافع حزب اثرگذار هستند، هر جا که لازم باشد؛
- محدودسازی بیشتر اقتصادها به منطقه دلتای رود پرل و وادار کردن ماکائو به اینکه کمتر متکی به درآمدهای حاصل از قمار و بازی باشد.

در چند سال اخیر، به ویژه از زمان انتشار گزارش رسمی دولت در ژوئن ۲۰۱۴ پیرامون اجرای سیاست «یک کشور، دو نظام» در هنگ‌کنگ، شاهد حرکت‌هایی در راستای نیل به این اهداف بوده‌ایم. نمونه‌های علنی در این زمینه شامل موارد ذیل بوده‌اند: عدم اعلام استقلال قوه قضائیه در گزارش رسمی مذکور، که به شدت واکنش در پی داشت؛ رایش پنج کتاب فروش (از جمله از داخل هنگ‌کنگ) به خاطر آنکه کتاب‌هایی می‌فروختند که حاوی شایعاتی درباره زندگی خصوصی رهبران ارشد حزب بودند؛ رایش اخیر شیائو جیانهو<sup>۱۱۸</sup> میلیارد هنگ‌کنگی، مجدداً از داخل هنگ‌کنگ؛ تفسیر کمیته دائمی کنگره ملی خلق<sup>۱۱۹</sup> از قانون پایه که منجر به ممنوعیت ورود دو عضو منتخب هیأت قانونگذاری هنگ‌کنگ به این مجلس شد، آن هم به خاطر عدم ادای مناسب سوگند. یکی از نمونه‌های کمتر علنی این است

۱۱۶. (Mainland) بخشی از یک محدوده سیاسی یا طبیعی چندبخشی که نسبت به سایر قسمت‌ها مهم‌تر و معمولاً بزرگ‌تر است (در اینجا، سرزمین یکپارچه چین).

117. Legislative Council (Legco)

118. Xiao Jianhua

119. National People's Congress Standing Committee's

که سازمان کار جبهه متحد<sup>۱۲۰</sup> (UFWD) هواداران خود در هنگ کنگ را به اعمال نظارت بیشتر بر آزادی‌های دانشگاهی ترغیب کرده است، بدین منظور که «تحصیلات میهن پرستانه» تری را رواج داده و علیه کسانی که به دنبال تعریف آزادانه تری از دموکراسی هستند بسیج شوند. به طور خلاصه، حزب کمونیست چین احتمالاً حاکمیت بر هنگ کنگ و ماکائو، «دموکراسی» و «خود مختاری» را به گونه‌ای تفسیر خواهد کرد که تقابل با آزادی کمتر سرزمین اصلی و اثرگذاری بر آن را به حداقل برساند. حزب نسبت به بیگانگانی که طبق نتیجه‌گیری گزارش رسمی مذکور، «در امور داخلی چین مداخله نمایند» یا «با نیروهای خارجی تبانی کنند»، لحن شدیداً خشنی را به کار خواهد برد.<sup>۱۲۱</sup> این امر بر حسب اتفاق عرصه را برای اختلافات بیشتر فراهم می‌کند، زیرا شهروندان هنگ کنگ حاکمیت را به عنوان یک مفهوم انعطاف پذیر تلقی نمی‌کنند.

با این وجود، محدودیت‌هایی در خصوص تأکید بیش از حد بر روی جنبه «یک کشور» در عبارت «یک کشور، دو نظام» به ضرر جنبه «دو نظام» آن، وجود دارد. کاستن بیش از حد از آزادی‌ها می‌تواند به برون رفت سرمایه، سرمایه‌گذاری و افراد از قلمروهای این کشور منجر شود. مداخله زیاد از حد در حاکمیت قانون بستر مستحکم موفقیت اقتصادی هنگ کنگ را تضعیف خواهد نمود (ربایش یک تاجر میلیاردی از هتلی در هنگ کنگ در اوایل امسال یک پیشامد نگران کننده در این خصوص محسوب می‌شود). هنگ کنگ همچنین به عنوان پایگاهی برای جهانی‌سازی رزمینی<sup>۱۲۲</sup> اهمیت خود را حفظ خواهد کرد (هرچند این کار برای آینده قابل پیش‌بینی ممکن است در حالت تعلیق باقی بماند). وضعیت نامساعد آینده هنگ کنگ همچنین احتمال بسط دادن رویکرد «یک کشور، دو نظام» به تایوان را تضعیف خواهد نمود.

## تایوان

حزب در صدد وضع حاکمیت بر تایوان به عنوان بخشی از استراتژی اتحاد دوباره‌اش بوده و به دنبال الحاق تایوان به چین به عنوان یک منطقه ویژه خودمختار است (توجه داشته باشید که عده بسیاری هم در داخل و هم خارج از تایوان این سؤال را مطرح خواهند کرد که آیا واژه‌های «حاکمیت» و «اتحاد دوباره» موضوعیت داشته و مناسب هستند؟) در این اثناء پکن روی

120. United Front Work Department

121. Information Office of the State Council of the People's Republic of China, 'The Practice of the "One Country, Two Systems" Policy in the Hong Kong Special Administrative Region,' *White Paper*, June 2014. Available at: [http://english.gov.cn/archive/white\\_paper/2014/08/23/content\\_281474982986578.htm](http://english.gov.cn/archive/white_paper/2014/08/23/content_281474982986578.htm).

دو مسئله تأکید می‌کند: اینکه حزب دموکراتیک خلق (DPP) و رهبر آن یعنی تسای اینگ-ون<sup>۱۲۳</sup> از استقلال تایوان حمایت نمی‌کنند؛ و توسل به «اجماع سال ۱۹۹۲» که پکن آن را به منزله احترام به این قاعده اصولی تعبیر می‌کند که تنها یک چین واحد و بنابراین یک کشور مستقل وجود دارد، که می‌بایست یک دولت نماینده آن باشد. روی هم رفته و علیرغم این صحبت‌ها، چین چاره‌ای جز ادامه سیاست‌های دهه گذشته ندارد. در حالی که برداشت‌های زیادی از بیانیه شی جینپینگ در سپتامبر ۲۰۱۴ مبنی بر اینکه چین تا ابد نمی‌تواند شکیبایی به خرج دهد به عمل آمده است، اما بیش از یک دهه قبل رئیس جمهور جیانگ زمین هم همین سخن را گفته بود. مهم‌تر از آن، با توجه به فوریت اصلاح مدل اقتصادی و اجتماعی «ناپایدار» چین، آقای شی نمی‌تواند از عهده تنش‌هایی که می‌توانند به اختلالات اساسی و حتی جنگ بیانجامند و روابط اقتصادی و سرمایه‌گذاری تنگه تایوان را تحت تأثیر قرار دهند، برآید. رکود اقتصادی حاصله و افزایش احتمالی بیکاری در استان‌های فوجیان<sup>۱۲۴</sup> و چجیانگ<sup>۱۲۵</sup> ارزش ریسکی که این مسئله برای ثبات به وجود می‌آورد را ندارد، مگر آنکه وضعیت اقتصادی از قبل به قدری بد می‌بود که حزب برانگیختن احساسات ملی‌گرایانه را لازم تلقی می‌کرد.

بدین ترتیب پکن باید همچنان امیدوار باشد که پیوندهای نزدیک‌تر اقتصادی و سرمایه‌گذاری، تبادلات آموزشی و فرهنگی بیشتر، به علاوه فعالیت پشت پرده سازمان UFWD نهایتاً تایوانی‌ها را در مورد اعتبار و ارزشمندی مفهوم «یک کشور، دو نظام»، متقاعد سازد. همزمان رخدادهای صورت گرفته در هنگ‌کنگ ممکن است خلاف این را نشان دهند، و نظرسنجی‌ها حاکی از آن هستند که عده‌رو به افزایشی از تایوانی‌ها هویت خود را تایوانی می‌دانند تا چینی یا تایوانی-چینی (به ترتیب ۵۸ درصد، ۳/۴ درصد و ۳۴ درصد، در سال ۲۰۱۶).<sup>۱۲۶</sup>

اما شی جینپینگ با پافشاری روی اینکه حزب دموکراتیک خلق حمایت خود را از «اجماع سال ۱۹۹۲» اعلام می‌کند (در مقابل صرفاً عدم رد کردن آن)، در حال اعمال فشار بیشتر است. عدم حرکت روی خط پکن با یک واکنش تصاعدی مواجه می‌شود (به تعداد بیشتری از ۲۱ ایالت کوچکی که هنوز روابط دیپلماتیک خود را با تایوان حفظ کرده‌اند اجازه داده می‌شود که به پکن روی آورند؛ کاهش جریان‌ات توریستی از سرزمین اصلی به تایوان؛ خریداری کمتر محصولات کشاورزی و سایر کالاها؛ کاستن از سیاست‌های سرمایه‌گذاری ترجیحی<sup>۱۲۷</sup>؛ ایجاد

123. Tsai Ing-wen

124. Fujian

125. Zhejiang

126. 'Taiwanese/Chinese Identification Trend Distribution in Taiwan (1992/06~2016/12)', Election Study Center, National Chengchi University, 2016. Available at: <http://esc.nccu.edu.tw/course/news.php?Sn=166#>.

127. preferential investment

وقفه در مذاکرات بیشتر بین شورای امور سرزمین اصلی<sup>۱۲۸</sup> و انجمن روابط بین تنگه‌ها<sup>۱۲۹</sup>؛ بیرون نگه داشتن تایوان از سازمان بهداشت جهانی و سازمان‌های اقتصادی و مالی نظیر بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا، همکاری اقتصادی جامع منطقه‌ای<sup>۱۳۰</sup>، و پیمان تجاری اقیانوس آرام).

در چند سال آینده احتمالاً شاهد تشدید تمهیدات فوق و واکنش شدید چین علیه عاملان خارجی خواهیم بود که طبق تلقی این کشور به تایوان در مقاومت در برابر افزایش فشارها کمک می‌کنند. مجدداً، آنچه که پشت همه موارد فوق نهفته است، این واقعیت است که یک تایوان مستقل (یا دست کم تایوانی که وجود حاکمیت در پکن را تصدیق نمی‌کند)، روایت رؤیای چین و (با بسط معنی) یکی از سه رکن مشروعیت حزب را تضعیف می‌کند.

«سیاست یک چین واحد»<sup>۱۳۱</sup> از اصول بنیادین مشروعیت حزب به شمار می‌رود. در ابتدا اینگونه به نظر می‌رسید که گویا ظهور دولت ترامپ در کاخ سفید، با اتخاذ زود هنگام یک موضع مقابله‌ای نسبت به چین توسط رئیس‌جمهور جدید و انتقاد وی از «سیاست یک چین واحد»، روابط بین ایالات متحده و چین را مورد تنش قرار می‌دهد. رئیس‌جمهور ترامپ از آن زمان به بعد آشتی‌جویانه عمل کرده و این احتمال وجود دارد که پکن و واشنگتن قصد دارند عمدتاً همان روال پیشین را ادامه دهند: برای شی، مسائل مهم‌تری یعنی تحکیم قدرت و اصلاحات وجود دارند که باید به آنها رسیدگی کند؛ برای ترامپ، مسائل تجاری و سیاست «بزرگ کردن دوباره آمریکا» به واسطه تنش و خصومت تضعیف خواهد شد؛ چیزی که احتمالاً نه مردم آمریکا از آن حمایت می‌کنند و نه دولت‌های عضو پیمان آسه‌آن، مگر آنکه به طرز بی‌چون و چرایی توسط پکن برانگیخته شوند. با این وجود، ترامپ یک عنصر عدم قطعیت را ارائه کرده و جایی را برای محاسبات اشتباه و رویدادهای نامساعد کنار گذاشته است. علاوه بر این، اگر او از آنچه که پکن آنها را خطوط قرمز غیر قابل مذاکره (پیرامون «مسائل محوری» تایوان) می‌داند عبور کند، شی از بین فهرستی از گزینه‌های تنبیهی دست به انتخاب می‌زند؛ از جمله تمهیداتی علیه شرکت‌های آمریکایی بزرگی که با چین تجارت می‌کنند، توقف سطوح جاری همکاری در خصوص کره شمالی، و افزایش قابل ملاحظه فشار سیاسی، اقتصادی و نظامی روی خود تایوان.

128. Mainland Affairs Council

129. Association for Relations Across the Straits

130. Regional Comprehensive Economic Partnership

131. One China Policy

در صورت عدم وجود هر گونه رویداد نامساعد یا اقدامات بی‌ثبات کننده طرح‌ریزی شده از سوی واشنگتن، شی چاره‌ای جز خالی کردن خشم خود روی خانم تسای ندارد (و به همین دلیل است که خانم تسای ممکن است از اینکه در مبارزات ترامپ با چین به عنوان یک گروگان مورد استفاده قرار گیرد، استقبال نکند). حتی در این صورت، شی اگر می‌خواهد از دچار شدن سرزمین اصلی به پیامدهای نامطلوب اقتصادی و سرمایه‌گذاری اجتناب نماید (صرف نظر از ایجاد بیگانگی بیشتر در میان جوانان و افراد نه چندان جوان در تایوان)، نمی‌تواند زیاد از حد به تسای فشار وارد کند. حزب ممکن است دریابد که استفاده ابزاری آن از تاریخ (که به عنوان توجیهی برای ادعاهای حاکمیتی به کار گرفته می‌شود)، ممکن است چنان که در سرزمین اصلی کارآمد است، در آن سوی تنگه مؤثر واقع نشود.

### دریاهای شرقی و جنوبی چین

تایوان به یک علت دیگر نیز مهم محسوب می‌شود. این جزیره از لحاظ راهبردی بین دریای شرقی چین و دریای جنوبی چین واقع شده است. اینجا است که ادعاهای حاکمیتی چین بر اساس تاریخ (که «نشان می‌دهد» چینی‌ها اولین کسانی بودند که این جزیره را کشف و نامگذاری کردند، در آن ماهیگیری و ناوبری کردند و روی آن قدم گذاشتند) با بیشترین مقاومت مواجه شده است.

در نگاه اول عجیب به نظر می‌رسد که چین تصمیم گرفت از این سیاست قدیمی خود فاصله بگیرد که مقوله حاکمیت را در یک گوشه قرار داده و بی‌سر و صدا اقدام به تحکیم منافع خود در دریاهای چین نماید. در این مسئله، چین به دنبال پرهیز از تنش با ژاپن (که یک شریک تجاری و سرمایه‌گذاری کلیدی محسوب می‌شد) و جداسازی کشورهای آسه‌آن بوده است؛ کشورهایی که چین خواستار سردمداری اقتصادی و نهایتاً سیاسی در بین آنها است. بهره‌برداری مشترک از منابع چه در سطح و چه زیر دریا مسلماً به نفع شرکت‌های چینی بوده که بدون هیچ تنشی برای آنها سود به بار آورده است. رد کردن یکسره حکم دیوان دائمی داوری<sup>۱۳۳</sup> (PCA) در پرونده دریای جنوبی چین که فیلیپین آن را علیه چین اقامه نمود، نشان از یک ژست سازش‌ناپذیر و جدید داشت. این رویداد چین را در مظان این اتهام قرار داد که احترامی برای قوانین بین‌المللی قائل نیست و باعث مخارج دفاعی بیشتر توسط کشورهای آسه‌آن و ژاپن شد.



اما اگر این وقایع را در چهارچوب ضرورت تقویت مشروعیت حزب قرار دهیم، تماماً روشنتر می‌شوند. گروه دینفع بزرگ ماهیگیران و کسانی که از آنها حفاظت می‌کنند باید مورد ملاحظه قرار گیرند. با این وجود الزامات مربوط به «رؤیای چین» و بازیابی جایگاه سزاوار آن در جهان به عنوان یک قدرت بزرگ (که با احساسات ملی گرایانه برانگیخته می‌شوند) نیرومندتر هستند. به علاوه، چین اگر می‌خواهد در نهایت به یک قدرت بزرگ تبدیل شود، باید ابتدا کنترل نظامی حیاط خلوت دریایی خود را در دست بگیرد. شی هم اولین رهبری نخواهد بود که با پررنگ کردن نقش ارتش در پیشبرد منافع کشور، آن را تقویت می‌کند. در واقع، از آنجا که ارتش آزادی بخش خلق تضمین‌کننده نهایی قدرت حزب بوده و شی در حال اصلاح آن و اعمال کنترل شخصی خود بر آن است، ضرورت سیاسی پاسداشت ارجحیت حزب دلیل مهمی برای عمل کردن علیه منافع وسیع‌تر چین در زمینه ثبات به شمار می‌رود.

### اهداف بلندمدت و کوتاه‌مدت حزب در دریاهای چین

منطق اظهارات فعلی حزب حاکی از آن است که اهداف بلندمدت‌تر چین عبارتند از:

- به رسمیت‌شناسی حاکمیت آن بر جزایر و برآمدگی‌های دریایی؛
  - تصدیق اینکه این برآمدگی‌ها مشمول منطقه اقتصادی انحصاری (۲۰۰ مایل دریایی) می‌شوند.
  - کنترل نظامی بر سرتاسر دریای شرقی و دریای جنوبی چین. این به معنای محدودیت‌هایی بر روی فعالیت‌های نظامی و جمع‌آوری اطلاعات در داخل مناطق انحصاری ویژه چین و احداث پایگاه‌ها در جزایر پاراسل و اسپراتلی بلکه سواحل کم عمق اسکاربورو<sup>۱۳۳</sup> خواهد بود، که مثالی ایجاد می‌کند که از آنجا همه دریاهای چین را می‌توان تحت پوشش قرار داد، و بدین ترتیب از پایگاه زیردریایی چین در هاینان محافظت کرده و از تهدیدات ایالات متحده برای سرزمین اصلی چین (و تایوان پس از بازیابی) جلوگیری می‌نماید.
- به بیان کوتاه‌تر، پکن ظاهراً قصد دارد:
- حکم دیوان دائمی داوری مورخه ژوئیه ۲۰۱۶ را تضعیف کند؛ حکمی که عنوان مناطق انحصاری اقتصادی را برای بسیاری از برآمدگی‌های واقع در دریای جنوبی چین رد می‌کند؛

- از اتحاد کشورهای آسه‌آن و ژاپن علیه منافعش در دریای جنوبی چین جلوگیری نماید؛
  - پایگاه‌های نظامی در دریای جنوبی چین را مستحکم کند، که کار بر روی آنها از هماکنون آغاز شده است.
  - نفوذ و مداخله ایالات متحده در منطقه را کاهش دهد.
  - حزب به صورت مرسوم از سه شیوه برای پیشبرد سیاست خارجی خود استفاده کرده است:
  - پافشاری روی دادوستدهای دو جانبه برای حل و فصل تعارض منافع؛
  - قرار دادن در عمل انجام شده<sup>۱۳۴</sup> (برای مثال، ساختن یک باند فرود و سپس مذاکره درباره آن)؛
  - چند جانبه‌گرایی در صورتی که برای جایگاه چین مناسب باشد (عضویت دائم در شورای امنیت سازمان ملل یک امتیاز برای چین در این رابطه بوده است).
- اخیراً ابزار چهارمی در سکوت رشد پیدا کرده است: پشتیبانی مالی و اقتصادی. در دریاهای چین، دو جانبه‌گرایی از جذابیت ویژه‌های برخوردار است، زیرا به استفاده مؤثر از سیاست چماق و هویج مربوط به نفوذ اقتصادی، کمک می‌کند. از روش قرار دادن در عمل انجام شده تحت این پوشش دفاع می‌شود که حاکمیت به چین اجازه می‌دهد هر کاری می‌خواهد با جزایر خودش انجام دهد. چند جانبه‌گرایی یک عنصر کمتر مشهود در دریای جنوبی چین است، هر چند نفوذی که بر روی نشست وزرای خارجه کشورهای آسه‌آن در ژوئیه ۲۰۱۶ اعمال شد، نمونه‌ای را در این خصوص ارائه می‌کند. در این نشست چین در بازپس‌گیری و انصراف از ابلاغیه نهایی نشست توسط اعضا به نتیجه رسید؛ امری که برای موضع این کشور در دریای جنوبی چین حیاتی به شمار می‌رفت.

## نتیجه‌گیری: پیشامدهای احتمالی در دریای جنوبی چین تا سال ۲۰۲۵

وقایع در دریاهای چین عمدتاً به اقدامات ایالات متحده بستگی دارند. این موضوع ابهام نسبتاً زیادی را به وجود می‌آورد. آیا شعار رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر «بزرگ کردن دوباره آمریکا» بر شعار دیگرش یعنی «آمریکا در اولویت» (که انزو اطلبانه‌تر محسوب می‌شود) غلبه می‌کند؟ آیا او در صدد ممانعت از ظهور چین به عنوان یک قدرت بزرگ بر خواهد آمد؟ آیا او پشتیبانی از ژاپن، تایوان و کشورهای آسه‌آن را به عنوان اهرمی برای پیشبرد منافع تجاری خود در مورد چین به کار خواهد گرفت؟

باید دید موضع رئیس‌جمهور ترامپ در قبال چین که اخیراً آشتی‌جویانه‌تر شده، ادامه می‌یابد یا خیر. او در درازمدت ممکن است به دنبال جلوگیری از ایجاد این تصور باشد که چین در حال تحقیر و بهره‌کشی از یک آمریکای ضعیف است. بنابراین افزایش تنش می‌تواند ویژگی غالب چند سال آینده باشد. چین فضای کافی برای گنجایش دو ابرقدرت در جهان را می‌بیند، اما اگر مشاوران ترامپ قائل به این امر نباشند، محلی که آمریکا باید شروع به اعمال نگرش خود در آن نماید دریاهای چین هستند؛ به ویژه با سلب امکان احداث مراکز نظامی در سواحل کم عمق اسکاربورو از چین. تا به اینجای کار چین در برابر وسوسه محک زدن عزم ایالات متحده از طریق اقدام به هرگونه ساخت و ساز در این مکان، مقاومت کرده است. با این وجود، منطق پشت تاکتیک‌های پیشین و فعلی چین یعنی اقدامات کوچک اما افزونشی (که هیچ کدام به خودی خود به اندازه کافی بزرگ نیستند که مستوجب اقدام متقابل باشند)، این است که چین نهایتاً سعی خواهد کرد یک پایگاه در سواحل اسکاربورو ایجاد کند. این کار ممکن است به یک جنگ بیانجامد. در عین حال چنانچه ایالات متحده با انجام عملیات‌های بیشتر (اما کمتر قابل پیش‌بینی) مربوط به آزادی کشتیرانی، حضور خود را در دریای جنوبی چین تهاجمی‌تر سازد، این می‌تواند به درگیری‌هایی در جریان برخوردهای هوایی و دریایی برنامه‌ریزی نشده منجر شود. با اینکه احتمال دارد این وقایع از کنترل خارج شوند، اما اینکه شی جینپینگ تمایل به اجازه وقوع این جریان‌ها داشته باشد یا اینکه عناصری در داخل ارتش آزادی بخش خلق برخلاف سیاست فرمانده کل خود رفتار نمایند، امری غیرمحتمل است؛ مگر اینکه یک وضعیت اقتصادی و سیاسی به شدت وخیم در داخل کشور رهبران چین را وادار به انجام رزمایش نظامی در دریای جنوبی چین کند تا توجه شهروندان چینی را از مرارت‌های مبرم در داخل منحرف سازند.

متغیر مهم دیگر میزان پشتوانه چین در تایوان و سایر کشورهای واقع در دریاهای چین در صورت اتخاذ یک موضع تهاجمی تر توسط ایالات متحده است. شواهد تا کنون حاکی از آن است که به استثنای ژاپن، کشورها حاضر نیستند روبروی چین قرار گرفته یا فرصت‌های سرمایه‌گذاری خود را از دست بدهند. ابهام و استعداد رئیس جمهور ترامپ در توهین به کشورهای دیگر نیز به تقویت اطمینان آنها مبنی بر اینکه در صورت ایجاب منافع تجاری یا سایر منافع ملی آمریکا، این کشور آنها را در یک موقعیت بد قرار نخواهد داد، کمکی نکرده است.

در مجموع، در سال‌های منتهی به ۲۰۲۵ احتمالاً شاهد تداوم سیاست کنونی چین یعنی تحکیم تدریجی کنترل خود بر دریاهای چین در عین اعلام مقاصد صلح‌آمیز خود و توسل به تاریخ به عنوان توجیهی برای ادعاهایش در زمینه حاکمیت خواهیم بود. این کشور به افزایش حضور گارد ساحلی خود و کشتی‌های ماهیگیری که دارای قابلیت دفاع مسلحانه هستند، ادامه خواهد داد. کشورهای منطقه و به ویژه ژاپن به شیوه مشابهی واکنش نشان خواهند داد، و احتمال جنگ و نزاع افزایش می‌یابد. چین به افزایش تجهیزات نظامی نیروی دریایی ارتش آزادی بخش خلق ادامه می‌دهد. تهدید ترامپ به افزایش ناوگان دریایی ایالات متحده نشان می‌دهد که پشتوانه بودجه‌ای لازم در کنگره وجود داشته و با یک تأخیر زمانی محقق می‌شود. اما در این اثناء، این مسئله بیشتر به قدرت اراده ترامپ برمی‌گردد تا توان نظامی (نیروهای ارتش ایالات متحده تا سال ۲۰۲۵ و پس از آن احتمالاً برتری خود نسبت به ارتش چین را حفظ خواهند کرد). افزایش تنش‌های بین چین و آمریکا و نحوه مدیریت موفق آنها نهایتاً منوط به این موضوع خواهند بود که ایالات متحده با چه شدتی در برابر تاکتیک‌های تهاجمی چین مقاومت می‌کند.

## ۶- سیاست همسایگی: تاکتیک‌ها و ابزارها

متیو دو شاتل

## مقدمه

هویج‌های بیشتر، چماق‌های بیشتر: این عبارت می‌تواند تغییرات در سیاست خارجی چین تحت ریاست جمهوری شی جینپینگ را خلاصه کند. از زمان هجدهمین کنگره حزب (نوامبر ۲۰۱۲) رئیس‌جمهور شی جینپینگ، با استفاده از ترفیع‌های سیاسی و بهره‌برداری از مبارزات علیه فساد، از هیچ تلاشی برای تحکیم قدرت خود در حزب کمونیست و ارتش آزادی بخش (PLA) خلق فروگذار نکرده است. در انتهای سال ۲۰۱۶، ۸۶ افسر ارتش آزادی بخش خلق با درجه سرلشگر یا بالاتر و ۱۲۷ نفر از مقامات دولتی با منصب معاون وزیر یا بالاتر به واسطه کمپین ضد فساد هدف قرار گرفته بودند.<sup>۱۳۵</sup>

این فرآیند تمرکز قدرت، که در نوزدهمین کنگره قریب الوقوع حزب بیش از پیش تقویت خواهد شد، پس از دوره‌ای رخ داده است که در آن عده بسیاری در پکن منتقد سیاست خارجی کشور تحت رهبری جمعی با محوریت هو جیتائو بودند. گفته می‌شد قدرت بیش از حد پراکنده است، و امر تصمیم‌گیری توسط جناح‌های مختلف دارای منافع خاص صادره شده است. چندپارگی موضوع باب روز بود. تنها پس از کنار رفتن بو شیلائی<sup>۱۳۶</sup>، ژو یونگکانگ<sup>۱۳۷</sup>، ژو کیهائو<sup>۱۳۸</sup> و گو بوگژیانگ<sup>۱۳۹</sup> بود که صاحب‌نظران به بزرگی چالشی که کشمکش‌های قدرت برای ظرفیت سیاست‌گذاری دولت چین به وجود آورده بود، پی بردند. شی جینپینگ در دور اول ریاست جمهوری خود روی غلبه بر چندپارگی و عدم قاطعیت، طرح‌های جسورانه در سیاست خارجی، و انشای روایت جدیدی جهت بازگو کردن داستان چین به عنوان یک قدرت بزرگ برای جهان، و پر کردن تدریجی خلأ رو به گسترش ناشی از افول نسبی و برگشتناپذیر ایالات متحده، تمرکز کرده بود. پس از برگزاری مجمع مربوط به طرح «یک کمربند، یک جاده» که در مه ۲۰۱۷ در پکن برگزار شد، رسانه‌های چینی پر شدند از اشاره به آرمان شی جینپینگ مبنی بر «انجام یک کار بزرگ».

135. Andrew Wedeman, 'Four Years On: Where is Xi Jinping's Anti-corruption Drive Headed?', *CPI Analysis*, 19 September 2016. Available at: <https://cpianalysis.org/2016/09/19/four-years-on-where-is-xi-jinpings-anti-corruption-drive-headed/>.

136. Bo Xilai

137. Zhou Yongkang

138. Xu Caihou

139. Guo Boxiong

این فصل به بررسی تغییر در سیاست خارجی چین تحت ریاست جمهوری شی جین‌پینگ از منظر تاکتیک‌ها و ابزارها می‌پردازد. فصل حاضر سه مبحث را بسط می‌دهد. اولاً، سیاست خارجی چین اکنون استفاده از سیاستمداری اقتصادی را به طور کامل در خود تلفیق کرده است. پس از یک تحول طولانی و تدریجی، تحریم‌ها اکنون مشخصاً بخشی از ابزارهای مذکور هستند، در حالی که طرح «یک کمربند، یک جاده» را می‌توان به عنوان ترفندی در رابطه با انگیزش اقتصادی جهت کسب نفوذ سیاسی تعبیر نمود. ثانیاً، قدرت نظامی به طرز بهتری در اهداف سیاست خارجی تلفیق شده است، همراه با بازدارندگی<sup>۱۴۰</sup> و تهدید به اجبار که وضعیت چین را در خصوص اولویت‌های امنیت ملی آن در آسیای شرقی از جمله تایوان، مناقشات دریایی و رقابت با اتحاد بین ایالات متحده و ژاپن، تقویت می‌کند. همزمان، ضرورت جدید دفاع از منافع چین در خارج در حال شکل دهی مجدد به ردپای چین در امور بین‌الملل با بهره‌گیری از ظرفیت‌های نمایش قدرت شدیدتر، تعهد رهبران و بودجه‌های قابل توجه است. ثالثاً، تدوینگران سیاست خارجی چین در حال حاضر علاقه محدودی به قدرت نرم و نهادسازی از خود نشان می‌دهند. با این وجود، گرایش دولت ترامپ مبنی بر نگاه به داخل کشور به عنوان فرصتی جهت تغییر شکل دوباره روایت جامع خیزش چین (که در پکن بیش از حد منفی و غیرعادلانه تلقی می‌شود) تعبیر شده است. این رویکرد با موفقیت مواجه شده است، اما تنها نتایج ملموس در میان مدت اهمیت خواهند داشت؛ برای میزان شکل‌گیری استنباط‌ها و تلقی‌ها توسط ارتباطات ماهرانه، محدودیت وجود دارد. فصل حاضر اینگونه نتیجه‌گیری می‌کند که این تاکتیک‌ها و ابزارها توسط استراتژی کلانی تعیین می‌گردند که به دنبال جایگاه رهبری برای چین در سیاست بین‌الملل است.

### سیاستمداری اقتصادی: تحریم‌ها و مشوق‌ها

سیاست خارجی چین تحت ریاست جمهوری شی جین‌پینگ به واسطه یک موتور اقتصادی قدرتمند (یعنی تحول چین به عنوان یک سرمایه‌گذار پیشگام در کشورهای خارجی) به حرکت در می‌آید. در سال ۲۰۱۶، سرمایه‌گذاری چین در خارج به میزان ۴۰ درصد در مقایسه با سال قبل افزایش یافت، و به ۱۸۰ میلیارد یورو (از جمله ۳۵ میلیارد یورو در اتحادیه اروپا)<sup>۱۴۱</sup>

140. deterrence

141. Thilo Hanneman and Mikko Huotari, 'Record Flows and Global Imbalances, Chinese Investment in Europe in 2016', Rhodium Group/MERICS, no. 3, January 2017. Available at: <http://rhg.com/reports/record-flows-and-growing-imbances-chinese-investment-in-europe-in-2016>.

رسید. این روند در طول دور دوم ریاست جمهوری شی جین‌پینگ ادامه خواهد یافت، که روابط چین با بسیاری از شرکایش در سراسر جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ شرکایی که چین فرصت‌های جدیدی جهت توسعه اقتصادی برای آنها به ارمغان می‌آورد، اما چالش‌های جدیدی نیز در زمینه حفظ مالکیت زیرساخت‌های حیاتی و بخش‌های راهبردی برای آنها به وجود می‌آورد.

«یک کمربند، یک جاده» که مشخصه و طرح ویژه شی جین‌پینگ در سیاست خارجی به شمار می‌رود، تلاشی در یک مقیاس بی‌سابقه جهت استفاده از قدرت اقتصادی چین به عنوان اهرم و هدایت وام‌ها و سرمایه‌گذاری بیرونی<sup>۱۴۲</sup> به سمت کشورهای هدف و کلیدی است. شی جین‌پینگ در سخنرانی مراسم افتتاحیه مجمع «یک کمربند، یک جاده» مورخه مه ۲۰۱۷ در پکن، وعده داد پشتوانه مالی برای این طرح را با اختصاص ۱۰۰ میلیارد رنمینبی دیگر به صندوق جاده ابریشم<sup>۱۴۳</sup> (که یکی از چندین ابزار مالی دیگر است)، افزایش دهد.<sup>۱۴۴</sup> پس از آن، مجادلات فراوانی در میان دانشگاهیان و متخصصان پرامون این موضوعات در گرفت که آیا محرکه جاده‌های ابریشم جدید، منافع اقتصادی بوده است یا مسائل ژئوپولیتیک و آیا باید فضای بیشتری به نیروهای بازار داده شود یا خیر. بدون دسترسی به اقدامات و جریانات داخلی کمیته دائمی پلیتبورو<sup>۱۴۵</sup> و گروه کوچک سرپرست<sup>۱۴۶</sup> اجرای طرح «یک کمربند، یک جاده»، شواهد لازم برای این نتیجه‌گیری که چین آگاهانه در حال استفاده از سیاستمداری اقتصادی به عنوان اهرمی جهت کسب نفوذ سیاسی است، همچنان به صورت ضمنی، وابسته به شرایط، و در حد قرائن باقی می‌مانند. با این حال، اینکه آیا قصدی برای گسترش نفوذ سیاسی وجود دارد یا خیر، به میزان زیادی نامربوط و خارج از موضوع است، چرا که وام‌ها و سرمایه‌گذاری خارجی ناچاراً به تراکم نفوذ سیاسی تبدیل می‌شوند، حتی اگر این قصد اولیه نبوده باشد؛ به ویژه زمانی که عوامل مورد نظر حول محور زیرساخت‌های حیاتی باشند، مانند انرژی و حمل و نقل. سرمایه‌گذاری در زیرساخت مستلزم پیوندهای سیاسی عمیق‌تر در بسیاری از سطوح بین چین و کشورهای دریافت‌کننده سرمایه‌گذاری است، در حالی که بانک‌های توسعه چینی از طریق وام‌ها به اهرم و نفوذ دست می‌یابند.

142. outward investment

143. Silk Road fund

144. 'Full text of President Xi's speech at opening of Belt and Road forum', *Xinhua*, 14 May 2017, Available at: [http://news.xinhuanet.com/english/2017-05/14/c\\_136282982.htm](http://news.xinhuanet.com/english/2017-05/14/c_136282982.htm).

145. Standing Committee of the Politburo

146. Leading Small Group

با اینکه مشوق‌های اقتصادی تحت ریاست جمهوری شی جین‌پینگ به طور کامل اجرایی می‌شوند، رویکرد چین نسبت به استفاده از تحریم‌ها طی سال‌های متمادی به تدریج تحول یافته است. در سطح چندجانبه، بحران‌های اشاعه تسلیحات هسته‌ای در ایران و کره شمالی منجر به آن شده که چین در خصوص تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل تجدیدنظر کند. با اینکه اکراه و شک هنوز تا اندازه‌های باقی مانده است، چین از مخالفت ایدئولوژیک با تحریم‌ها به بحث آزاد و علنی درباره‌ی اینکه این تحریم‌ها چگونه می‌توانند مؤثرتر واقع شوند، تغییر موضع داده است. گزارش اخیر از سوی هیأت متخصصین سازمان ملل که روی اجرای تحریم‌های شورای امنیت بر کره شمالی نظارت می‌کنند (هیأتی که چین با یک متخصص از وزارت دفاع که به روند تحقیقات و امضای گزارش کمک کرد، در آن شرکت کرد)، نشان می‌دهد که بسیاری از موارد دور زدن تحریم‌ها در خاک چین رخ می‌دهند.<sup>۱۴۷</sup> کارهای زیادی هستند که وزارت امنیت عمومی<sup>۱۴۸</sup> چین برای مهار این فعالیت‌ها می‌تواند انجام دهد، و این کشور هنوز منابع انرژی حیاتی را به روی جمهوری دموکراتیک خلق کره (DPRK، کره شمالی) قطع نکرده است. اما اگر کارهای بیشتری وجود داشته باشد که چین بتواند جهت افزایش فشار روی پیونگ یانگ انجام دهد، پنج آزمایش هسته‌ای و آزمایشات فراوان تکنولوژی موشک‌های بالیستیک باعث شده چین از یک نظام تحریمی به شدت محدود کننده حمایت کند؛ تحریم‌هایی که به طور جدی توسعه اقتصادی کره شمالی و فرصت‌های اشاعه تسلیحات هسته‌ای توسط آن را محدود می‌سازد. در سال ۲۰۰۶ و بعد از اولین آزمایش هسته‌ای، چین حاضر بود صرفاً با تحریم‌های صوری و نمادین موافقت کند.

با این حال در سطح مناسبات دو جانبه، استفاده چین از تحریم‌ها در خور توجه ویژه است؛ آن هم به دلیل یک/سلوب عملکرد<sup>۱۴۹</sup> بسیار مشخص: انکار موجه.<sup>۱۵۰</sup> بعد از آنکه دولت کره جنوبی با استقرار سامانه دفاع ضد موشکی «تاد» در خاک خود موافقت کرد، چین همزمان در جبهه‌های اقتصادی بسیاری اقدام به مقابله به مثل کرد، با این استدلال که سامانه تاد تضعیف توان بازدارندگی هسته‌ای خودش را هدف قرار داده است. شرکت خوشه‌ای لوته<sup>۱۵۱</sup>، مالک زمینی که سامانه تاد قرار بود در آن مستقر شود، با در دسرهای بزرگی در چین مواجه شد که

147. United Nations Security Council, *Report of the Panel of Experts established pursuant to resolution 1874 (2009)*, S/2017/150, 27 February 2017. Available at: <http://undocs.org/S/2017/150>.

148. Ministry of Public Security

149. modus operandi

150. plausible deniability

151. conglomerate Lotte



به تعطیلی ۸۵ مورد از ۹۹ شعبه فروشگاه‌های آن انجامید. اداره ملی گردشگری چین اخطاریه‌ای پیرامون سفر به کره جنوبی منتشر کرد و آژانس‌های مسافرتی متعددی تورهای خود به مقصد جمهوری کره (ROK=کره جنوبی) را لغو نمودند. وانگ یی<sup>۱۵۲</sup> وزیر امور خارجه چین در پاسخ به سؤالات مربوط به این اقدامات تلافی‌جویانه ترکیبی عنوان کرد که این اقدامات «توسط دولت چین آغاز نشدند، بلکه نمایانگر احساسات مردم چین هستند».<sup>۱۵۳</sup> این الگوی انکار در سایر موارد تنش‌های دو جانبه نیز قابل مشاهده است. در دوره ریاست جمهوری شی جینپینگ، هدف‌های مورد غضب چین شامل نروژ، فلیپین و ژاپن بوده‌اند اما در این موارد چین هرگز علناً اذعان نکرده است که تحریم‌هایی در حال اعمال هستند. استفاده از روش انکار، دیپلماسی را سخت‌تر می‌کند، چرا که هیچ کس رسماً مسئولیتی را نمی‌پذیرد. تنها نشان دادن حسن نیت در بالاترین سطح رهبران ارشد و دیپلماسی سران<sup>۱۵۴</sup> می‌تواند به برداشته شدن تحریم‌ها منجر شود.

بر هم کنش میان تحریم‌ها و مشوق‌ها در دریای جنوبی چین به طور کامل در جریان است. به صورت محرمانه، دیپلمات‌های ارشدی از فلیپین بازگو می‌کنند که چگونه تیمهای مذاکره‌کننده چین پشت درهای بسته سعی کرده‌اند آنها را متقاعد سازند که دست کشیدن از ادعاهای مالکیت‌شان بر دریای جنوبی چین، با فرصت‌های اقتصادی بزرگ پاداش داده می‌شود.<sup>۱۵۵</sup> پس از انتخاب رودریگو دوترته<sup>۱۵۶</sup> به مقام ریاست جمهوری فلیپین در ژوئن ۲۰۱۶، این ارتباطات مخفیانه رنگ واقعیت به خود گرفته‌اند. از آنجا که دوترته از به چالش کشیدن چین به دنبال رأی حکمیت<sup>۱۵۷</sup> در خصوص دریای جنوبی چین اجتناب کرده است، در ازای آن سرمایه‌گذاری، حمایت سیاسی برای کمپین خشونت‌بار ضد مواد مخدر، و حتی دسترسی قایق‌های ماهیگیری فلیپینی به آب‌های پیرامون سواحل اسکارورو (که از سال ۲۰۱۲ توسط کشتی‌های چینی مجری قانون مسدود شده بود) را بدست آورد. در اینجا پیغام واضح است: پذیرش یک رتبه‌بندی منطقه‌ای نمادین تحت تسلط پکن، پاداش‌های اقتصادی به همراه دارد.

152. Wang Yi

153. 'Foreign minister demands China's withdrawal of retaliatory actions for THAAD deployment', *The Dong-A Ilbo*, 20 February 2017. Available at: <http://english.donga.com/Home/3/all1/852557/26/>

154. summit diplomacy

155. Author's interviews, 2015 and 2016.

156. Rodrigo Duterte

157. arbitration award

## قدرت نظامی: بازدارندگی و اجبار

تحت ریاست جمهوری شی جین‌پینگ، نظامی‌سازی سیاست خارجی چین بیشتر پیشرفت کرده است. در ۲۰۰۴، هو جینتاو سیاست «عملیات نظامی غیر از جنگ» (MOOTW)<sup>۱۵۸</sup> را به دکترین ارتش آزادی بخش خلق وارد کرد، و راه را برای توسل به ارتش خارج از حیطه دفاعی و حاکمیت ملی باز نمود. امروزه ارتش آزادی بخش خلق تلاش‌های خود در جهت دیپلماسی عمومی را تسریع کرده و نقش‌های آن در امنیت بین‌المللی را مورد تأکید قرار داده است، و نیز مشارکت بین‌المللی بسیار بیشتری را نسبت به گذشته متقبل شده است.

در پنج سال گذشته، قدرت نظامی روابط خارجی چین را در سه حوزه اصلی تحت تأثیر قرار داده است. اولاً، بازدارندگی هسته‌ای کماکان یکی از عوامل تعیین‌کننده راهبردی در سیاست خارجی است، و چین در حال افزایش عملیات‌های ضد نظارتی (یا ضد تجسسی)<sup>۱۵۹</sup> خود بر علیه ایالات متحده است. متخصصین نظامی چین این استدلال را مطرح می‌کنند که روابط هسته‌ای بین چین و ایالات متحده مبتنی بر یک ساختار قدرت نامتقارن است که در آن ایالات متحده از لحاظ قابلیت‌های تهاجمی از برتری مطلق برخوردار بوده و در حال پیشرفت سریع در گسترش قابلیت‌های تدافعی است.<sup>۱۶۰</sup>

در این فضا، چین بسیاری از اقدامات ایالات متحده را ناشی از قصد و تمایلی جهت سلب یک توان بازدارندگی هسته‌ای قابل اطمینان از ارتش آزادی بخش خلق تعبیر می‌کند. وخیم شدن اوضاع در دریای جنوبی چین از سال ۲۰۰۸ و تنش‌های بین چین و جمهوری کره از سال ۲۰۱۶ نیز حساسیت‌های چین را در مورد تأثیر این توزیع نامتقارن قدرت بر روی ثبات راهبردی، دست کم تا حدی، گسترش داده است.

در سال ۲۰۰۸، فدراسیون دانشمندان آمریکا (FAS)<sup>۱۶۱</sup>، یک سازمان غیرانتفاعی در ایالات متحده که گسترش دارایی‌ها و عملیات‌های مربوط به تسلیحات هسته‌ای را مورد نظارت قرار می‌دهد، تلاش‌های چین در راستای بسط دادن پایگاه دریایی یولین<sup>۱۶۲</sup> در جزیره هاینان به منظور استقرار زیردریایی‌های مجهز به موشک بالیستیک را علناً فاش کرد. در سایه این

158. Military Operations Other Than War

159. counter-surveillance

160. Lu Yin, 'Reflections on Strategic Stability', in Li Bin and Tong Zhao (eds), *Understanding Chinese Nuclear Thinking*, Carnegie Endowment for International Peace, 2016, pp. 127-48. Available at: <http://carnegieendowment.org/2016/10/28/understanding-chinese-nuclear-thinking-pub-64975>.

161. Federation of American Scientists

162. Yulin

رویدادها، مقابله با جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات توسط آمریکا (که از طریق انواع و اقسام ابزارهای نظارتی انجام گرفته است) به یکی از اولویت‌های تقویت شده برای پکن بدل شده است، به گونه‌ای که این فعالیت‌های شدید جمع‌آوری اطلاعات به عنوان یکی از «سه مانع» برای عادی سازی روابط نظامی بین ایالات متحده و چین در نظر گرفته می‌شود.<sup>۱۶۲</sup> ارتش چین به اقداماتی مانند رهگیری عملیات‌های دریایی یا هوایی جهت تضعیف توانایی ایالات متحده برای انجام تجسس و نظارت در دریای جنوبی چین ادامه خواهد داد. احداث جزایر مصنوعی در مجمع‌الجزایر اسپراتلی مستقیماً به این مسئله مربوط می‌شود. جزایر مذکور انعطاف‌پذیری بیشتری را برای عملیات‌های هوایی چین با سه باند فرود طویل خود میسر می‌سازند، و همزمان استقرار رادارهای هشدار زودهنگام و موشک‌های پدافند هوایی عملیات‌های هوایی ایالات متحده را تهدید می‌کنند. ابعاد معادله پیچیده دریای جنوبی چین، تحت ریاست جمهوری شی جین‌پینگ و خیم‌تر شده است.

همین منطق در شبه جزیره کره نیز در جریان است. خبرگزاری شینهوآ<sup>۱۶۴</sup> در اوایل ماه مارس ۲۰۱۷ هشدار داد که استقرار سامانه تاد در کره جنوبی «موجب ایجاد یک رقابت تسلیحاتی در منطقه خواهد شد».<sup>۱۶۵</sup> بسیاری از متخصصان اظهار کرده‌اند که قضیه مربوط به تضعیف نیروی بازدارندگی مبتنی بر زمین چین توسط سامانه تاد مبالغه‌آمیز و سیاسی بود. با این وجود نگرانی‌های امنیتی چین و تلقی آن از تهدیدات را باید جدی گرفت. تاد ایالات متحده را قادر می‌سازد در مورد مشخصات راداری<sup>۱۶۶</sup> موشک‌های چینی اطلاعات جمع کند، که تشخیص تمایز کلیدی بین کلاهک‌های واقعی و مصنوعی (فرینده)<sup>۱۶۷</sup> را تسهیل می‌نماید.<sup>۱۶۸</sup> این سامانه همچنین نشانه‌ای از یک تحول اساسی در مسئله طولانی‌تر تعادل تهاجمی-تدافعی است. اگر

۱۶۳. دو مانع دیگری که مقامات چینی از آنها نام برده‌اند، عبارتند از فروش سلاح به تایوان توسط آمریکا و محدودیت‌های اعمال شده بر روی تبادلات نظامی بین دو کشور به موجب قوانین داخلی ایالات متحده. برای جزئیات بیشتر رجوع کنید به:

‘China eyes new-type military relations with U.S: Defense Ministry’, *Xinhua*, 11 May 2011. Available at: [http://news.xinhuanet.com/english2010/china/12/05-2011/c\\_13870266.htm](http://news.xinhuanet.com/english2010/china/12/05-2011/c_13870266.htm).

164. Xinhua agency

165. ‘S.Korea launches de facto THAAD deployment despite continued oppositions’, *Xinhua*, 7 March 2017. Available at: [http://news.xinhuanet.com/english/2017-03/07/c\\_136108968.htm](http://news.xinhuanet.com/english/2017-03/07/c_136108968.htm).

166. radar signatures

167. decoys

168. Li Bin, ‘The Security Dilemma and THAAD Deployment in the ROK’, *China-US Focus*, 6 March 2017. Available at: <http://www.chinausfocus.com/foreign-policy/the-security-dilemma-and-thaad-deployment-in-the-rok>.

دفاع موشکی روزی قابل اطمینان شود، به تلفیق موفقیت‌آمیز سیستم‌های گوناگونی بستگی خواهد داشت. از این منظر، استقرار رادارها و سیستم‌های رهیاب در کره جنوبی، سنگ بنایی برای یک ساختار دفاع موشکی منطقه‌ای در آینده به رهبری ایالات متحده است. چنانکه نیروهای دفاع از خود ژاپن<sup>۱۶۹</sup> به طور مشابه در حال تقویت توانایی‌های دفاع موشکی بوده و در دست گرفتن سامانه تاد را مدنظر قرار می‌دهند، پیش‌بینی می‌شود چین به تقلید از آن دست به اقدامات متقابل بزند.<sup>۱۷۰</sup> در این رابطه، ثبات راهبردی در حوزه امنیت هسته‌ای همچنان یک عامل تعیین‌کننده محوری در سیاست خارجی چین خواهد بود.

به عنوان دومین نمود قدرت نظامی این کشور، چین شی جین‌پینگ تهدید به اجبار را در مناقشات ارضی بدون توسل به زور مهلک، افزایش داده است. با اینکه چین هفت جزیره مصنوعی خود در دریای جنوبی چین را نظامی‌سازی کرده است، ارتش آزادی بخش خلق برای مصادره برآمدگی‌هایی که تحت کنترل مدعیان رقیب هستند، از زور استفاده نکرده است. استفاده چین از نیروی نظامی شکل جنگ روانی و بازدارندگی متعارف را به خود گرفته است. رئیس‌جمهور دوترته ادعا کرده که شی جین‌پینگ در یک گفتگوی خصوصی تهدید به جنگ کرده است، در صورتی که فیلیپین سعی کند «روی موضع خود پافشاری کند»؛ هر چند صحت ادعای او را می‌توان زیر سؤال برد. در پاسخ به اظهارات جنجالی دونالد ترامپ که گفته بود ایالات متحده می‌تواند التزام خود به سیاست «یک چین واحد» را به عنوان یک اهرم فشار تلقی کند (اظهارنظری که بعد آن را پس گرفت)، ناو هواپیمابر نیروی دریایی ارتش آزادی بخش خلق موسوم به «لیائونینگ»<sup>۱۷۱</sup> برای اولین بار به آب‌های اقیانوس آرام در شرق سواحل تایوان اعزام شد، جایی که پشتیبانی هوایی آن در یک مواجهه نظامی برتری‌های حیاتی را برای ارتش چین فراهم می‌سازد. با توجه به پیوند تاریخی تصمیم به تملک ناوهای هواپیمابر با هدف کسب توانایی لازم برای گشایش یک جبهه دوم علیه تایوان، این مانور پیام واضحی را مخابره کرد. عکس یک بمب افکن 6K-H چینی بر فراز حریم هوایی اسکاربورو (که به طور گسترده پخش شد) نیز گواهی است بر استفاده از قدرت نظامی به عنوان ابزاری برای ارسال پیام دیپلماتیک و بازدارندگی متعارف در مناقشات ارضی: عکس مورد نظر چند روز پس از صدور حکم دیوان داوری در خصوص پرونده فیلیپین/چین در دریای جنوبی چین منتشر شد.

169. Japanese Self-Defence Forces

170. Fan Gaoyue, 'Iron Curtain Rises with THAAD in South Korea', *China-US Focus*, 15 March 2017. Available at: <http://www.chinausfocus.com/peace-security/iron-curtain-rises-with-thaad-in-south-korea>.

171. Liaoning

ثالثاً، ارتش چین گام‌هایی در راستای تحقق مأموریت جدید خود مبنی بر دفاع از «منافع چین در خارج» برداشته است. این مفهوم اولین بار در گزارش رسمی ۲۰۱۳ دولت مطرح شد که حاوی «انرژی و منابع خارج از کشور، مسیرهای ارتباط دریایی راهبردی (SLOCs)»<sup>۱۷۲</sup>، و تبعه‌ها و اشخاص حقوقی چینی در خارج» است.<sup>۱۷۳</sup> در ریاست جمهوری شی جین‌پینگ پیشرفت‌های بسیاری حاصل شده‌اند، و یک معنای اساسی به دستورالعمل کلی مطرح شده در گزارش رسمی مورد نظر داده شده است. مهم‌ترین آنها تصدیق این موضوع بود که شایعه‌ای که به مدت یک دهه مطرح بود، در واقع حقیقت داشت: در نوامبر ۲۰۱۵ چین توافقنامه‌ای با دولت جیوتی جهت احداث یک «مرکز پشتیبانی لجستیکی» به منظور ارائه کمک به مأموریت نیروی دریایی این کشور مبنی بر مقابله با دزدی دریایی در خلیج عدن، به امضا رساند. اگرچه سبک دیپلماتیک توافقنامه مورد نظر در صدد آن است که اهمیت راهبردی این تصمیم را کم جلوه دهد، اما این به مثابه فاصله گرفتن چین از سیاست درازمدت خود یعنی مخالفت با ایجاد پایگاه‌های خارجی است. اندکی بعد در دسامبر ۲۰۱۵، چین اولین قانون خود پیرامون مقابله با تروریسم را به تصویب رساند، که حاوی متنی در مورد اعزام ارتش آزادی بخش خلق به خارج برای مأموریت‌های ضدتروریستی است.<sup>۱۷۴</sup>

حفاظت از منافع در خارج کشور تا حد زیادی یک مسئله مربوط به ظرفیت‌ها و مدیریت بحران است. هنگامی که منافع امنیتی چین توسط بحران‌هایی که در خارج روی می‌دهند به مخاطره بیافتند، اراده سیاسی جهت اقدام در این زمینه وجود دارد. اما آیا چین استفاده از قدرت نظامی را به روش‌های دیپلماتیک (و برای چه نوع مأموریت‌هایی) ترجیح خواهد داد؟ ارتش آزادی بخش خلق قصد دارد دومین ناو هواپیمابر خود را در سال ۲۰۲۰ در اختیار نیروی دریایی قرار دهد؛ این ناو پس از اینکه به سرعت در دالیان<sup>۱۷۵</sup> ساخته شد، فعلاً در مرحله تجهیز است. طرح‌های مربوط به نیروی دریایی ارتش جهت راه‌اندازی دست کم سه ناو هواپیمابر اینک به تأیید رسیده‌اند. یک مقاله منتشر شده در نشریه PLA Daily عنوان می‌کند که ارتش آزادی

172. strategic sea lines of communication

173. Chinese State Council, *The Diversified Employment of China's Armed Forces*, Defence White Paper, Information Office of the State Council, Beijing, April 2013, chapter 3. Available at: [http://news.xinhuanet.com/english/china/2013-04/16/c\\_132312681.htm](http://news.xinhuanet.com/english/china/2013-04/16/c_132312681.htm).

174. Mathieu Duchâtel, 'Terror Overseas, Understanding China's Counter-Terrorism Strategy', Policy Brief, European Council on Foreign Relations, October 2016. Available at: [http://www.ecfr.eu/publications/summary/terror\\_over-seas\\_understanding\\_chinas\\_evolutionary\\_counter\\_terror\\_strategy7160](http://www.ecfr.eu/publications/summary/terror_over-seas_understanding_chinas_evolutionary_counter_terror_strategy7160).

۱۷۵. (Dalian) بندری در شمال شرقی چین

بخش خلق نهایتاً به شش گروه رزمی و ده پایگاه خارجی نیاز دارد تا قادر به دفاع از منافع امنیت ملی چین باشد.<sup>۱۷۶</sup> همزمان با ادامه ساخت کشتی برای نیروی دریایی، انجمن راهبردی چین مشغول آماده‌سازی اولین گزارش رسمی استراتژی دریایی این کشور است، که طبیعتاً باید بعد از نوزدهمین کنگره حزب صادر شود، و انتظار می‌رود مأموریت‌های آتی نیروی دریایی ارتش در مقوله دفاع از منافع کشور در خارج را به روشنی توضیح دهد.

### متقاعدسازی دیپلماتیک: «قدرت گفتمان» و نهادسازی

چین تحت رهبری شی جین‌پینگ بیش از هر زمان دیگری علاقمند به چیزی است که با عنوان «قدرت گفتمان» از آن یاد می‌کند: قابلیت طرح‌ریزی روایت‌های مربوط به امور بین‌المللی و به ویژه داستان پیدایش خودش. این علاقه به عرضه اصطلاحات چینی در تفکرات تحلیل‌گران، سیاست‌گذاران و عامه مردم در واکنش به نظریه تهدید چین در دهه ۱۹۹۰ به وجود آمده است. امروزه این روال همه جا در مباحث سیاست خارجی به چشم می‌خورد؛ از جمله به صورت ضعف «قدرت گفتمان» که کماکان یکی از ویژگی‌های محوری در تلقی رایج در پکن از دنیایی است که تحت الشعاع رسانه‌ها و مفاهیم غربی در نظر گرفته می‌شود.

چین با ریاست جمهوری شی جین‌پینگ در یک موضع تهاجمی قرار دارد. طرح «یک کمربند، یک جاده» و سیاست‌های به شدت جدایی‌طلبانه دولت ترامپ پیرامون تغییرات اقلیمی و تجارت آزاد، باعث گشایش فضای جدیدی شده‌اند. تصمیم لحظه آخری رئیس‌جمهور شی جهت شرکت در مجمع جهانی اقتصاد در ژانویه ۲۰۱۷ نشان داد که او از این فرصت نمی‌گذرد. او در داووس دفاع محکمی از جهانی‌سازی به عمل آورد، و چین و طرح «یک کمربند، یک جاده» را به عنوان قهرمانان تجارت آزاد و اداره جهان به تصویر کشید و جهانی‌سازی را به صورت یک روند تاریخی برگشت‌ناپذیر توصیف کرد که پیشرفت بشر را تقویت می‌کند. سخنرانی شی جین‌پینگ از لحاظ سیاسی به گونه‌ای تدوین شده بود که در تقابل آشکار با گرایش‌های روزهای آغازین دولت ترامپ مبنی بر حمایت از صنایع داخلی، قرار گیرد. با تصمیم دولت ترامپ جهت کنار کشیدن از معاهده ۲۰۱۵ پاریس پیرامون تغییرات اقلیمی، فرصت مشابهی در اختیار چین قرار گرفت. چین که بزرگترین انتشاردهنده گازهای گلخانه‌ای است، نسبت به تعهد در قبال اهداف عمده کاهش این گازها اکره داشته و تعیین سقف برای انتشار

176. 'China May Build Six Carriers, Ten Overseas Bases', *Maritime Executive*, 21 April 2017. Available at: <http://maritime-executive.com/article/china-may-build-six-carriers-ten-overseas-bases>.

گازها را ترجیح داده است، و کماکان با ساز و کارهای مداخله‌آمیز راستی آزمایی<sup>۱۷۷</sup> که توسط معاهدات بین‌المللی اعمال می‌شوند، سرسختانه مخالفت می‌کند. با این حال، بحران آلودگی شدیدی که چین در داخل با آن مواجه است، محرکی قوی برای این کشور است که اقداماتی داخلی را در پیش گیرد و این اقدامات را بین‌المللی جلوه دهد.

میزان منفعت‌های ماندگاری که چین در زمینه قدرت نرم (از طریق تصرف جایگاه اخلاقی برتر در مقابل سیاست‌های دولت ترامپ) می‌تواند کسب کند، هنوز نامشخص است.<sup>۱۷۸</sup> موضع شی جین‌پینگ در حمایت از جهانی‌سازی با بازتاب مطلوبی در محافل لیبرال اروپا مواجه می‌شود، و این پتانسیل را دارد که نیروی محرکه مثبتی را در مناسبات اروپا و چین برانگیزد. نوزدهمین نشست سران اتحادیه اروپا و چین در ژوئن ۲۰۱۷ فرصتی را جهت بررسی امکان‌های جدید همکاری راهبردی بین چین و اتحادیه اروپا در سردمداری بین‌المللی در زمینه تغییرات اقلیمی، فراهم نمود. در درازمدت، تنها نتایج ملموس چین را قادر خواهد ساخت به تحکیم منفعت‌های شکننده‌ای پردازد که از طریق ارتباطات ماهرانه آنها را تأمین نموده است. اما در عین حال این منفعت‌ها همچنین به شی جین‌پینگ در پیشبرد یک برنامه اصلاح طلبانه در داخل برای اصلاحات بازاری و یک الگوی رشد پایدارتر، کمک می‌کنند. منفعت‌های راهبردی بالقوه در رابطه با رهبری بین‌المللی تنها یک بخش از ماجرا هستند. در پایان، «قدرت گفتمان» چین به پیشرفت داخلی و حفظ تعهد خود نسبت به عمل کردن به این وعده‌های بلندپروازانه منوط خواهد بود.

همان منطبق استفاده از فرصت‌ها در مسائلی که نگرانی جهانی در مورد آنها وجود دارد، جهت اعمال «شرایط چین»، در دیپلماسی چندجانبه نیز در جریان است. تأسیس بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا (AIIB) اثرات سیاسی را به دنبال داشته که به احتمال زیاد زونگننه‌ای<sup>۱۷۹</sup> بزرگی آنها را پیش‌بینی نمی‌کرد. تصمیم ایالات متحده و ژاپن مبنی بر امتناع از پیوستن به این بانک، در حالی که اکثر کشورهای اروپایی از اعضای مؤسس آن شدند، نشانگر یک اختلاف اساسی در ارزیابی مقاصد راهبردی چین بود. در حالی که چین از جانب عده‌ای به تلاش برای کسب

177. verification

178. François Godement, 'Expanded ambitions, shrinking achievements, how China sees the global order', Policy Brief, European Council on Foreign Relations, March 2017. Available at: [http://www.ecfr.eu/publications/summary/expanded\\_ambitions\\_shrinking\\_achievements\\_how\\_china\\_sees\\_the\\_global\\_order](http://www.ecfr.eu/publications/summary/expanded_ambitions_shrinking_achievements_how_china_sees_the_global_order).

۱۷۹. (Zhongnanhai) مرکز حزب کمونیست چین که دفتر ریاست جمهوری نیز در آن واقع شده است

رهبری بین‌المللی متهم شد، این امر توسط عده‌ای دیگر به عنوان یک نیروی بی‌خطر در پشتیبانی از توسعه اقتصادی و در واکنش به شکاف‌های موجود در نظام مالی بین‌المللی برای بهبود پیوندهای جهانی در نظر گرفته شد. به طور کلی دو سال بعد از تأسیس این بانک، چین تنها تسلط بسیار ملایمی را بر بانک AIIB اعمال کرده است. چین با در اختیار داشتن بیش از ۲۵ درصد از حق رأی‌ها، قدرت و توی بالفعل خود را تأمین نموده است، در حالی که یک اکثریت متشکل از سه چهارم اعضا برای اتخاذ تصمیمات لازم است. تا به اینجای کار، وام‌های تأیید شده الگویی از پیگیری تأمین مالی مشترک به همراه سایر سازمان‌های بین‌المللی (نظیر بانک جهانی و بانک توسعه آسیا<sup>۱۸۰</sup>) را نشان داده‌اند، و استانداردهای اجتماعی و زیست محیطی را تلفیق کرده‌اند.<sup>۱۸۱</sup> در طول بهار ۲۰۱۷، احتمال پیوستن ایالات متحده و ژاپن به بانک AIIB دیگر محال نبود، که نشان می‌دهد چین با چه سطحی از زیرکی و زبردستی نقدها و شک‌ها را مدیریت کرده است. اما روی هم رفته از نظر سیاست، این موضوع به کسب رهبری بین‌المللی مربوط بوده است؛ هر چند مجدداً در صورتی که تأثیر وارده بر توسعه زیرساخت ناچیز باشد، داستان موفقیت دیپلماتیک دوام چندانی نخواهد داشت. در مقام مقایسه، هیچ صاحب نظر مهمی بانک توسعه آسیا (ADB) را به عنوان گواهی بر داستان موفقیت ژاپن در سیاست جهان قلمداد نمی‌کند.

### نتیجه‌گیری

چین تحت ریاست جمهوری شی جین‌پینگ پیچیده‌تر و در استفاده از طیف وسیعی از ابزارهای قدرت، بیشتر سیستماتیک شده است. متمرکزسازی دوباره فرآیند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، در واکنش به دوره‌ای از پراکندگی و چندپارگی، طرح‌های جسورانه در مناقشات ارضی یا در رابطه با سرمایه‌گذاری در خارج را میسر ساخته است. سیاست خارجی چین اینک از قید و بند بازرگانی دنگ ژیاوپینگ و بی‌سر و صدا باقی ماندن، رها شده است. علاوه بر آن، چین اکنون در حال بررسی امکان رهبری در امور بین‌المللی است. «امتناع راسخانه از پیشقدم شدن» یکی از رهنمون‌های محوری تفکر سیاست خارجی دنگ ژیاوپینگ، و مضمون اصلی مداوم سیاست خارجی چین در عصر دنگ تا هو جینتائو بوده است. دونالد ترامپ یک فرصت

180. Asian Development Bank

181. Angela Stanzel, 'A German view of the Asian Infrastructure Investment Bank', European Council on Foreign Relations, 21 April 2017. Available at: [http://www.ecfr.eu/article/commentary\\_a\\_german\\_view\\_of\\_the\\_a\\_iib\\_7275](http://www.ecfr.eu/article/commentary_a_german_view_of_the_a_iib_7275).



منحصر به فرد را برای چین فراهم کرده تا نقش رهبری خود را در مدیریت محیط‌زیست و به عنوان یکی از قهرمانان جهانی سازی، مطالبه نماید. فرصت مورد نظر به تصرف چینی‌ها درآمده است؛ اما تا به حال فقط در سطح ژست دیپلماتیک بوده است. این احتمال وجود دارد که چین روی اقلام تحویلی<sup>۱۸۲</sup> سرمایه‌گذاری کند تا جایگاه بین‌المللی خود را در دور دوم ریاست جمهوری شی جین‌پینگ تحکیم نماید. در عین حال، دفاع از منافع چین در خارج و تغییر تفکر مربوط به استفاده از قدرت نظامی منجر به این خواهد شد که چین بر اکراه خود در رابطه با مداخله‌گری غلبه کند. تنها بحران‌ها میزان حقیقی این تغییرات را تعیین خواهند کرد، اما روندها واضح و آشکار هستند.

## ۷- آسیا-اقیانوسیه: نظم منطقه‌ای

النا آتاناسوا-کورنلیس

در سال‌های منتهی به ۲۰۲۵، سیاست خارجی چین در منطقه آسیا-اقیانوسیه، اعم از رویکردهای آن در قبال ایالات متحده، همسایگان آسیایی، و نیز نظم منطقه‌ای، کماکان تحت تأثیر پیشرفت‌های داخلی خواهد بود. همانطور که در جاهای دیگر این گزارش مورد بحث قرار گرفته است، بقای حزب کمونیست چین و رژیم تک حزبی در درجه اول اهمیت برای رهبران چین قرار دارد. این نقطه شروعی برای در نظر گرفتن موقعیت جمهوری خلق چین (PRC) در آسیا-اقیانوسیه طی دهه آتی است.

اهداف راهبردی اصلی چین (حفظ ثبات داخلی و سیاسی، دفاع از حاکمیت و تمامیت ارضی، پیگیری اتحاد ملی و وضعیت قدرتمندی آن<sup>۱۸۳</sup>) باعث تقویت رفتار چین در منطقه شده‌اند و این روند ادامه خواهد یافت. پکن از قبل آمادگی فزاینده خود برای روبرو شدن با حریفان چالش‌برانگیز (به ویژه واشنگتن و هم‌پیمانان آسیایی آن)، و دفاع از منافع جمهوری خلق چین را به شیوه زورمندانه‌تر و مؤثرتر به نمایش گذاشته است، و در عین حال به دنبال پرهیز از هزینه‌های بالای مقابله نظامی است. جمهوری خلق چین به طور پیوسته در حال فاصله گرفتن از رفتار انفعالی و ریسک‌گریزانه پیشین خود به سمت یک جایگاه منطقه‌ای کشگرایانه‌تر بوده است. این کشور آمادگی خود برای آزمودن (اگر نگوئیم به چالش کشیدن مستقیم) تعهدات امنیتی ایالات متحده در آسیا را نشان داده است، و شروع به اعمال اهرم اقتصادی خود علیه همسایگان آسیایی‌اش کرده است. برای مثال، پکن مخالفت‌های خود با فعالیت‌های جمع‌آوری اطلاعات ایالات متحده در منطقه اقتصادی انحصاری چین یا با مانورهای نظامی آمریکا که مشترکاً با هم‌پیمانان آسیایی‌اش انجام می‌گیرند را تشدید کرده است. چین همچنین سیاست‌های اجبار اقتصادی<sup>۱۸۴</sup> را در قبال همسایگان خود دنبال نموده است. در سال ۲۰۱۰، چین صادرات مواد خاکی کمیاب به ژاپن را در واکنش به دستگیری ناخدای یک قایق ماهیگیری چینی، ممنوع کرد. این قایق با دو شناور گارد ساحلی ژاپن در دریای شرقی چین برخورد کرد. در ۲۰۱۲، به دنبال رسیدن به یک بنسبت با مانیل<sup>۱۸۵</sup> بر سر سواحل کم عمق اسکاربورا واقع در دریای جنوبی چین، پکن محدودیت‌هایی وارداتی را روی موزه‌های صادره از فیلیپین وضع

183. See Liu Feng, 'China's Security Strategy towards East Asia', *The Chinese Journal of International Politics*, 2016, vol. 9, no. 2, pp. 151-79

184. economic coercion

نمود. چین اخیراً به تلافیجویی اقتصادی علیه کره جنوبی پس از تصمیم سئول جهت استقرار سامانه ضد موشکی ایالات متحده یا همان تاد (که در ۲۰۱۷ راه اندازی شد)، متوسل شده است. به نظر می‌رسد این رفتار بخشی از یک استراتژی درازمدت چین در راستای دستیابی به برتری منطقه‌ای را تشکیل می‌دهد. اما حداقل برای دهه آینده، اینکه چین خود را به عنوان قدرت مسلط بعدی آسیا پابرجا کند، امری غیرمحمّل به نظر می‌رسد.

### شرایط لازم برای هژمونی چین

شرایط لازم برای برقراری هژمونی منطقه‌ای توسط چین عبارتند از تمایل و قابلیت آن برای جانشینی ایالات متحده به عنوان تأمین‌کننده کالاهای عمومی جهان در هر دو حیطه اقتصادی و امنیتی. هژمونی چین همچنین باید برای منافع سایر بازیگران بزرگ به ویژه ژاپن و هند و همچنین کشورهای آسه‌آن سودبخش در نظر گرفته شود، تا این کشورها در دست گرفتن این نقش غالب توسط پکن را بپذیرند. ایالات متحده با پذیرش برتری چین مجبور به عقب‌نشینی خواهد بود. یک نظم توافقی سلطه‌گرانه به رهبری چین ایجاب می‌کند که این کشور قدرت رو به رشد خود را به رهبری تبدیل نموده و از طریق هنجارها، ارزش‌ها و اصول مشترک یک جذابیت ایدئولوژیک را برای کشورهای آسیایی ایجاد کند.

از سوی دیگر، یک هژمونی چینی قهرآمیز ممکن است از ترس کشورهای آسیایی از مجازات سر برآورد، که می‌تواند پس از عقب‌نشینی ایالات متحده از منطقه و ناتوانی کشورهای منطقه در هماهنگی مشترک علیه قدرت چین ایجاد شود. با این وجود، احتمال آن نمی‌رود که چین برای برقراری هژمونی در آسیا اقدام به گسترش ارتش خود نماید، به خصوص به خاطر هزینه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی هنگفتی که این کار به دنبال خواهد داشت.

### محدودیت‌های عمده برای هژمونی چین

چین برای تقبل یک نقش رهبری پررنگ‌تر در آسیا-اقیانوسیه با محدودیت‌های داخلی و خارجی مواجه است، که بسیاری از آنها احتمال ندارد تا قبل از سال ۲۰۲۵ کاهش پیدا کنند. در داخل، حزب کمونیست چین همچنان سرگرم چالش‌های اجتماعی-اقتصادی گوناگون بوده و روی حفظ ثبات سیاسی تمرکز خواهد کرد، که باعث می‌شود در مورد بیش تعهدات<sup>۱۸۶</sup> خارجی با احتیاط عمل نماید. همانطور که دخالت چند دهه‌ای ایالات متحده در منطقه نشان می‌دهد، مسئولیت‌ها مستلزم سرمایه‌گذاری منابع قابل توجه و آمادگی تقبل هزینه‌ها (چه مادی

و چه انسانی) هستند. جمهوری خلق چین نه تمایلی به این کار دارد و نه ظرفیت آن را. مطمئناً چین با رهبری شی جین‌پینگ یک استراتژی ژئوپولیتیکی و جغرافیایی-اقتصادی<sup>۱۸۷</sup> جاه‌طلبانه‌تر را دنبال کرده که حول محور دیپلماسی اقتصادی است. نمونه‌های اصلی این استراتژی عبارتند از: طرح «یک کمربند، یک جاده»، صندوق جاده ابریشم، بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا، و نیز حمایت از همکاری اقتصادی جامع منطقه‌ای (RCEP) که یک معاهده تجارت آزاد چندجانبه برای منطقه آسیا-اقیانوسیه است. با این وجود، این مشارکت‌ها به میزان زیادی گزینشی بوده‌اند. به طور کلی، چین برای اعمال واقعی رهبری منطقه‌ای از لحاظ آمادگی جهت تقبل هزینه‌ها و تعهد به فراهم نمودن کالاهای عمومی جهانی، تلاش بسیار اندکی کرده است. در عین حال، توانایی و تمایل پکن برای پیشگام شدن در صورت بروز یک بحران اساسی، برای مثال در شبه جزیره کره و/یا عقب کشیدن ایالات متحده از منطقه، می‌تواند به طور جدی محک زده شود. از یک سو چنین سناریوهایی می‌توانند فرصتی را برای چین جهت پیشگام شدن و بدین ترتیب دنبال کردن آرمان‌های بزرگش در زمینه قدرت فراهم نمایند. از سوی دیگر، ضعف این کشور در وارد شدن به میدان و عمل کردن به عنوان یک «قدرت مسئولیت‌پذیر» می‌تواند تأثیر ماندگاری بر روی تمایل کشورهای آسیایی برای پذیرش اقدامات آتی توسط پکن جهت در دست گرفتن رهبری منطقه آسیا-اقیانوسیه، بر جای بگذارد. در حال حاضر، بسیاری از محدودیت‌هایی که دامنه قدرت بین‌المللی چین با آنها مواجه است خود خواسته بوده و ناشی از برآورد عملگرایانه و مقرون به صرفه چین از منافع ملی خودش هستند. در سطح منطقه‌ای در آسیا-اقیانوسیه، احتمالاً دو محدودیت عمده در سال‌های منتهی به ۲۰۲۵ برای چین باقی می‌مانند. اولاً رفتار منطقه‌ای پکن از اوایل دهه ۲۰۱۰ تلقی «تهدید چین» را در سراسر منطقه تقویت نموده است. جمهوری خلق چین به‌طور پیوسته قابلیت‌های نمایش قدرت خود را فراتر از دفاع ساحلی ارتقا داده است، که با پیگیری آزادانه‌تر مطالبات ارضی آن در دریاهای جنوبی و شرقی چین همراه بوده است. رویکرد «تفرقه‌بیانداز و حکومت کن» چین در قبال کشورهای آسه‌آن، و نیز رفتار زورگویانه اقتصادی‌اش در برابر همسایگان، باعث گریزان شدن بسیاری از کشورهای آسیایی از آن شده است. با اینکه چین به یک شریک اقتصادی و تجاری مهم برای بسیاری از کشورهای آسیایی تبدیل شده، از طرفی توسط کشورهای نظیر ژاپن و هند به منزله یک دشمن امنیتی و یا حتی یک تهدید قلمداد شده است. اهداف سیاست خارجی چین در فیلیپین، ویتنام، اندونزی، مالزی و کره جنوبی با درجات متفاوتی از نگرانی

دیده می‌شوند. با توجه به اینکه مناقشات منطقه‌ای (مانند مناقشات موجود در دریا‌های جنوبی و شرقی چین و تنگه تایوان) شامل منافع ملی «غیر قابل مذاکره» برای چین هستند، اصولاً هر گونه آرمان احتمالی که این کشور ممکن است در زمینه رهبری در سرپروانند را تضعیف می‌کنند.<sup>۱۸۸</sup> سیاست‌های چین نه تنها در حل و فصل این مسائل هیچ نقشی ایفا نمی‌کنند، بلکه اقدامات آن در حال وخیم‌تر کردن اختلافات منطقه‌ای هستند؛ همانطور که در مناقشات دریای جنوبی چین و در رویکرد پکن در قبال کشورهای آسه‌آن شاهد آن هستیم. چنانکه چین در راستای پیگیری اهداف ژئوپولیتیکی خود پیش می‌رود، کاهش نگرانی‌های منطقه‌ای مرتبط با چین تا سال ۲۰۲۵ غیرمحمتمل است.

ثانیاً، مادامی که ایالات متحده مشارکت خود در آسیا-اقیانوسیه را از طریق نظام اتحادها و شراکت‌های دوجانبه‌اش حفظ کند، نظم منطقه‌ای به رهبری چین محقق نخواهد شد. نظام ایالات متحده از اتحادهای رسمی تشکیل شده است، که دامنه آن از شمال شرق آسیا با ژاپن و کره جنوبی، تا جنوب شرق آسیا با فیلیپین و تایلند، و به سمت جنوب تا استرالیا امتداد می‌یابد؛ به علاوه چند شراکت غیراتحادی، برای مثال با سنگاپور، هند، و (به طور روزافزون) با ویتنام. علیرغم نگرانی‌های منطقه‌ای پیرامون عقب‌نشینی و قطع مشارکت ایالات متحده تحت ریاست جمهوری دونالد ترامپ، در زمان نگارش این گزارش، دولت ایالات متحده عملاً به کشورهای آسیایی در خصوص ادامه مشارکت امنیتی آمریکا در آسیا-اقیانوسیه اطمینان خاطر داده است. اگرچه عقب‌نشینی کامل ایالات متحده از منطقه طی ده سال آینده غیرمحمتمل به نظر می‌رسد، اما قطع مشارکت گزینشی (مثلاً مشابه با کناره‌گیری آمریکا از پیمان تجاری اقیانوس آرام) ممکن است به مشخصه‌ای از تعدیل استراتژی این کشور در آسیا-اقیانوسیه تبدیل شود. روی هم رفته، ادامه حضور ایالات متحده همراه با تلاش‌های در راستای تجدید قوا و جهت‌گیری نظامی مجدد بازیگران منطقه‌ای مانند ژاپن و هند، چشم‌انداز هژمونی چین را تضعیف می‌کند.

### پیگیری تسلط منطقه‌ای گزینشی

در طول دهه آتی، چین قادر به رهبری منطقه آسیا-اقیانوسیه نخواهد بود، و یا آمادگی آن را نخواهد داشت. با این وجود، پکن به طور پیوسته در صدد نفوذ منطقه‌ای بیشتر و حتی تسلط در مسائل برگزیده بر خواهد آمد، هرگاه انجام آن را (برای پرهیز از هزینه‌های قابل توجه) امکانپذیر قلمداد کند. موفقیت این استراتژی به میزان زیادی منوط به تداوم رشد اقتصادی

188. Mark Beeson, 'Comparative Hegemony: How Serious is the China Challenge?', *Global Asia*, vol. 11, no. 2, Summer 2016, pp. 58-63

چین خواهد بود. در درازمدت، چین تداوم رهبری ایالات متحده در آسیا-اقیانوسیه را نخواهد پذیرفت. در کوتاه‌مدت تا میان‌مدت، ایالات متحده کماکان قدرتی خواهد بود که بزرگترین چالش‌های بالقوه را برای آرمان‌های منطقه‌ای چین ایجاد می‌کند. بنابراین، هدف اصلی پکن در دهه پیش رو تضعیف نفوذ واشنگتن در منطقه (به یک شیوه غیرمستقیم و غیرمقابله‌ای) و محدود سازی دخالت ایالات متحده در امور منطقه‌ای خواهد بود. جمهوری خلق چین همچنین خواهان حصول اطمینان از این موضوع خواهد بود که کشورهای آسیایی از پیگیری اقداماتی (جمععی) که منافع چین را به خطر می‌اندازند، خودداری نمایند. پکن با اتکای فزاینده بر به کارگیری اهرم اقتصادی رو به رشد خود در مورد همسایه‌های آسیایی اش (از جمله هم‌پیمانان اصلی ایالات متحده) و با تقویت و گسترش «شبکه دوستان» خود، اقدام به این کار(ها) خواهد کرد.

به منظور رسیدگی به چالش‌های فراوان داخلی و اجتماعی-اقتصادی، یک فضای منطقه‌ای باثبات و صلح‌آمیز (اعم از روابط مثبت با همسایگان) اهمیت حیاتی خود را برای جمهوری خلق چین حفظ خواهد کرد. تنش‌های موجود در دریا‌های جنوبی و شرقی چین که اخیراً وخیم‌تر شده‌اند، به تقویت اتحادها و شراکت‌های ایالات متحده در آسیا منجر شده و در عین حال استراتژی منطقه‌ای چین مبنی بر اطمینان‌بخشی مجدد که از دهه ۱۹۹۰ مورد پیگیری قرار گرفته را تضعیف نموده‌اند. پکن در تلاش برای حل این مشکل، روی سوق دادن منافع حاصل از رشد اقتصادی چین به درون منطقه از طریق گسترش دامنه نفوذ خود با طرح‌های ملموس مانند بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا، تأکید فراوانی کرده است. طی ده سال آینده، چین همچنان متکی به ابزارهای اقتصادی و سازمانی سیاست خارجی برای بسط دادن نفوذ سیاسی و اقتصادی خود در آسیا-اقیانوسیه خواهد بود. از منظر پکن، در صورت شکست خوردن نظام اتحادی ایالات متحده (به‌ویژه در نتیجه عدم توانایی یا عدم تمایل آمریکا نسبت به ادامه تقبل هزینه‌ها و ریسک‌های مشارکت در منطقه) کشورهای کوچک‌تری که در حال حاضر تحت حفاظت آن هستند ممکن است تسلیم چین شوند. با اینکه قطع مشارکت ایالات متحده در کوتاه‌مدت امری غیرمحمتمل است (که یعنی بسیاری از کشورهای آسیایی به پناه بردن به حفاظت امنیتی آن ادامه خواهند داد)، چین از تضعیف این نظام و حذف هم‌پیمانان ایالات متحده از طریق جذب آنها با مشوق‌های اقتصادی و زیرساختی، سود می‌برد. بدین طریق چین یک نظم منطقه‌ای را تشکیل خواهد داد که به نفع خودش باشد و در عین حال نفوذ منطقه‌ای ایالات متحده را نیز به طور نامحسوس تضعیف نماید.

یک هدف اساسی برای چین جلوگیری از تشکیل ائتلاف ضد این کشور در منطقه خواهد بود که ممکن است در برگیرنده ایالات متحده باشد یا نباشد، اما می‌تواند تحت رهبری رقبای عمده مانند ژاپن باشد. در این رابطه اکنون می‌توان روند آشکاری را در استراتژی امنیت منطقه‌ای چین در قبال همسایگان آسیایی‌اش مشاهده نمود. چین به صورت فزاینده‌ای رویکرد گذشته خود یعنی اطمینان‌بخشی همه‌جانبه (که در قبال همه بازیگران منطقه‌ای اتخاذ می‌شد) را با اطمینان‌بخشی مشروط در شرایط به خصوص (همراه با اجبار در قبال کشورهای هدف مانند ژاپن) جایگزین کرده است.<sup>۱۸۹</sup> پکن در مناسبات خود با برخی کشورهای آسیایی فشار اقتصادی اعمال نموده، به گونه‌ای که به آنهایی که تسلیم منافعش می‌شوند پاداش داده و کشورهایی که علیه این منافع عمل کنند را تنبیه می‌کند. با افزایش قدرت نسبی چین در آسیا-اقیانوسیه، این ترکیب همکاری و مقابله ممکن است به یکی از مؤلفه‌های جدایی‌ناپذیر استراتژی چین برای تسلط‌گزینی تا ۲۰۲۵ باشد. پکن با استفاده از تهدیدات مربوط به مجازات و مشوق‌های اقتصادی، در صدد وابسته نگه داشتن رقبای مختلف به چین از نظر اقتصادی (اما جدا از یکدیگر به لحاظ راهبردی) خواهد بود.<sup>۱۹۰</sup> این امر تلاش‌های منطقه‌ای برای تشکیل اتحادهای ضدچین را تضعیف خواهد کرد.

در عین حال، احتمال آن نمی‌رود که جمهوری خلق چین برای مقابله با ایالات متحده، به ایجاد اتحادهای رسمی در آسیا-اقیانوسیه در سال‌های آتی اقدام نماید. اتحادها عملاً جایی در مفهوم پردازی پکن از سیاست‌های خارجی و امنیت‌یاش ندارند. چین نسبت به تعهدات مبتنی بر توافقنامه که انعطاف‌پذیری را محدود ساخته و اعمال مسئولیت می‌کنند، محتاطانه رفتار می‌کند. استثنای مهمی که در این خصوص وجود دارد شراکت رسمی با جمهوری دموکراتیک خلق کره (کره شمالی) است که شامل تضمین‌های امنیتی به پیونگیانگ در صورت یک تجاوز بدون تحریک و بی‌جهت علیه کره شمالی، و نیز روابط مستحکم‌تر با پاکستان می‌شود. رفتار تحریک‌آمیز کره شمالی تحت رهبری کیم جونگ اون منجر به بالاگرفتن تنش‌ها در همسایگی چین شده است. ژاپن «عادی‌سازی»<sup>۱۹۱</sup> امنیتی خود را تشدید نموده و کره جنوبی با استقرار سامانه تاد موافقت کرده، و بدین ترتیب جای پای ایالات متحده در شمال شرقی آسیا محکم‌تر شده است.

189. Liu Feng, op.cit. in note 1, p.165.

190. See Aaron Friedberg, 'The Geopolitics of Strategic Asia, 2000-2020', in Ashley J. Tellis, Andrew Marble and Travis Tanner (eds.), *Strategic Asia 2010-11: Asia's Rising Power and America's Continued Purpose*, The National Bureau of Asian Research, 2010, pp. 25-44

191. nor- malisation

چین به جای تشکیل اتحاد، مشغول پایه‌گذاری یک شبکه جهانی از شراکت‌ها با کشورهای بوده که در نگرانی‌های پکن پیرامون تسلط ایالات متحده سهیم هستند یا برداشت‌های مشابهی از چالش‌هایی که با آنها مواجهند، دارند. در بعضی از موارد، پکن به دنبال بهره‌برداری و سوءاستفاده از شکاف‌های موجود در روابط دوجانبه بین کشورهای آسیایی و ایالات متحده بوده تا آنها را از واشنگتن جدا ساخته و به درون مدار (اقتصادی) خود بکشاند. موارد از این دست عبارتند از پیشنهادات و نزدیک شدن چین به تایلند بعد از کودتای نظامی سال ۲۰۱۴ و به فلیپین پس از انتخاب رودریگو دوترته به ریاست جمهوری این کشور. در دهه پیش رو، جمهوری خلق چین این مسیر را ادامه داده و نظام شراکت‌های انعطاف‌پذیر خود با کشورهای آسیایی را تقویت خواهد نمود. چین به اکتشاف روش‌های درو کردن منافع حاصل از اتحادها خواهد پرداخت، به ویژه جهت محافظت از خود در برابر ایالات متحده و ژاپن، بدون آنکه به واقع متحمل هزینه‌های بالای مرتبط با تعهدات رسمی شود. این کشور در صدد تقویت شراکت‌های اقتصادی و سایر همکاری‌های منحصر به یک مسئله برآمده و همزمان به افزایش تمهیدات اعتمادسازی و مشارکت در امور دفاعی (مانند بنادر واسطه<sup>۱۹۲</sup> نیروی دریایی و مانورهای نظامی مشترک با کشورهای مختلف) در ازای کسب حمایت از طرح‌های سیاست خارجی و همچنین پذیرش اقدام مشخصی در رابطه با رهبری چین در منطقه آسیا-اقیانوسیه می‌پردازد.

### چین و نظم منطقه‌ای نامشخص تا سال ۲۰۲۵

چین بر این باور است که تغییر در جریان قدرت در آسیا-اقیانوسیه، در حال گرایش به سمت (و به نفع) آن است. هرچند این کشور انتظار دارد که در بلندمدت ایالات متحده به تدریج حضور نظامی خود را در منطقه کاهش دهد، اما می‌داند وقوع این امر تا سال ۲۰۲۵ غیرمحمتمل است. به منظور مقابله با ایالات متحده و نیز سایر رقبای آسیایی، به‌ویژه ژاپن که در حال «عادی‌سازی» و هند که در حال ظهور است، چین در دهه پیش رو سرمایه‌گذاری قابل ملاحظه‌ای روی افزایش قدرت نسبی خود خواهد کرد.

چین با ایجاد یک نظام دفاعی مستحکم ملی و نوسازی نیروهای مسلح خود، توجه ویژه به نیروی دریایی خود و دفاع از اولین سلسله جزایر<sup>۱۹۳</sup>، رو به جلو حرکت خواهد کرد. این کشور به پافشاری روی مطالبات ارضی خود در دریاهای شرقی و جنوبی چین ادامه خواهد داد، خود را برای یک پیشامد غیرمترقبه با تایوان آماده می‌کند، و در صدد محدودسازی قابل توجه

192. port calls

۱۹۳. (the first island chain) اولین سلسله از مجمع الجزایر بزرگ واقع در سواحل شرق آسیا



نمایش قدرت توسط ایالات متحده و توانایی آن برای فعالیت آزادانه در غرب اقیانوس آرام بر خواهد آمد. چین تلاش خواهد کرد از مقابله تمام عیار با ایالات متحده و هم‌پیمانانش (مانند ژاپن یا مدعیان کوچکتر آسه‌آن در دریای جنوبی چین) اجتناب نماید. با این وجود، قدرت رو به افزایش چین و گسترش منافع امنیت ملی که متناظر با آن است، همراه با خواسته‌های داخلی از پکن مبنی بر ایستادن در برابر رقیب‌های بالقوه، احتمالاً به اقدامات جسورانه‌ی بیشتر توسط چین در دهه‌ی آتی منجر خواهد شد. با اینکه وخیم شدن اوضاع به لحاظ نظامی هزینه‌ی بالایی به دنبال دارد (و احتمال به خطر افتادن ثبات داخلی و منطقه‌ای و خدشه‌دار شدن وجهه‌ی بین‌المللی چین وجود دارد)، اما تعارضات ناخواسته را نمی‌توان تحت این شرایط منتفی دانست.

در سال‌های منتهی به ۲۰۲۵، وظیفه‌ی اصلی پکن حصول اطمینان از این موضوع خواهد بود که نظم منطقه‌ای نامشخص فعلی به یک نظم مساعد برای منافع چین و آرمان‌هایش در زمینه رهبری، متحول شود. اما در این برهه مشخص نیست که چین یک چشم‌انداز جایگزین و متمایز برای نظم منطقه‌ای دارد یا خیر؛ نظمی که جایگزین نظام کنونی شود. پکن آرمان‌هایی در خصوص نفوذ بیشتر و رهبری دارد، اما نسبت به تقبل هزینه‌های آن اکره دارد. این کشور به دنبال ارائه‌ی «الگوی جدیدی از روابط بین قدرت‌های بزرگ» در مورد ایالات متحده است، با این حال به نظر می‌رسد این مسئله صرفاً تلاشی در راستای تضعیف ساختار اتحاد تحت رهبری آمریکا باشد. جمهوری خلق چین خواهان امنیت مشترک در منطقه و سازگاری «نگرانی‌های امنیتی مشروع همه‌ی طرف‌ها» است،<sup>۱۹۴</sup> در حالی که تلاش می‌کند منافع دیگر قدرت‌های بزرگ مانند ژاپن را تضعیف کند، و در میان کشورهای کوچکتر آسه‌آن اختلاف بیافکند. این احتمال وجود دارد که پکن صرفاً در حال محک زدن شرایط در این محیط راهبردی نامشخص باشد. با این وجود، مغایرت بین اعلام مقاصد چین و اقدامات واقعی آن تنها موجب تقویت بی‌اعتمادی منطقه‌ای نسبت به این کشور می‌شود.

بدون شک آن نوع نظم منطقه‌ای که در آسیا-اقیانوسیه پدیدار خواهد شد به چند متغیر بستگی دارد که ویرای کنترل چین هستند. این متغیرها به طور ویژه عبارتند از توانایی و تمایل ایالات متحده به حفظ تعهدات منطقه‌ای خود، و نیز واکنش سایر کشورهای آسیایی به رفتار چین. به علاوه، موقعیت منطقه‌ای ژاپن و هند، توانایی کشورهای آسه‌آن در حفظ انسجام، و وضعیت موجود در شبه جزیره کره همگی عواملی هستند که در این معادله گنجانده می‌شوند.

194. Ministry of Foreign Affairs of the People's Republic of China, 'China's Policies on Asia-Pacific Security Cooperation', January 2017. Available at: [http://www.fmprc.gov.cn/mfa\\_eng/zxxx\\_662805/t1429771.shtml](http://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/zxxx_662805/t1429771.shtml).

متغیرهای خارجی در تعیین اینکه آیا فضای آینده منطقه مقابله‌ای خواهد بود یا مشارکت‌آمیز، مهم ظاهر خواهند شد. چین که از آسیب‌پذیری‌های خود آگاه است در دهه پیش‌رو به دنبال فراهم‌سازی زمینه برای یک نظم منطقه‌ای پساآمریکایی خواهد بود که دغدغه‌های چین و آرمان‌های آن در زمینه رهبری را در بر داشته باشد. اینکه این موضوع گامی در راستای سلطه‌گری آتی چین است یا خیر، همچنان نامعلوم است.

## بخش سوم - چین به مثابه یک بازیگر جهانی

### ۸- روابط بین قدرت‌های بزرگ: قواعد مشارکت

فرانس-پل فندر پوتن

رویکرد چین در قبال قدرت‌های بزرگ به واسطهٔ دو هدف فراگیر شکل می‌گیرد. هدف اول خنثی‌سازی آن دسته از تهدیدات بالقوه برای امنیت چین است که از قدرت‌های مهم نشأت می‌گیرند. هدف دوم همکاری با قدرت‌های بزرگ در راستای یک فضای بین‌المللی است که با ثبات بوده و موجب تعامل اقتصادی سازنده شود. این فصل به شناسایی روندهایی در سیاست خارجی چین که با دو هدف فوق مرتبط هستند، می‌پردازد. هدف فصل حاضر ارائهٔ یک ارزیابی از رویکرد احتمالی چین نسبت به قدرت‌های بزرگ در سال‌های منتهی به اواسط دههٔ ۲۰۲۰ است.

### نگرش چین در مورد قدرت‌های بزرگ

مائو زدونگ در دههٔ ۱۹۷۰ بین سه دسته‌بندی از کشورها تمایز قائل می‌شد: ابرقدرت‌ها، کشورهای توسعه یافته، و کشورهای در حال توسعه. طبق این نگرش، ایالات متحده و جماهیر شوروی دو ابرقدرتی بودند که با یکدیگر جهان اول را تشکیل می‌دادند. به بیان دنگ ژیاو پینگ، هنگامی که جهان‌بینی مائو را در سال ۱۹۷۴ در مجمع عمومی سازمان ملل معرفی می‌کرد: «ابرقدرت یک کشور امپریالیستی است که در همه جا کشورهای دیگر را در معرض تعرض، مداخله، کنترل، براندازی یا چپاول خود قرار می‌دهد و برای سلطه‌گری بر جهان تکاپو می‌کند».<sup>۱۹۵</sup> اینگونه در نظر گرفته می‌شد که دو ابرقدرت مذکور بر قلمروهای ترسیم شدهٔ کشورهای توسعه یافته (جهان دوم) تسلط داشته و برای کنترل کشورهای در حال توسعه (جهان سوم) با یکدیگر رقابت می‌کنند. بنا به اظهارات دنگ، چین به عنوان یک کشور در حال توسعه وظیفه داشت با گرایشات سلطه‌گرانهٔ ابرقدرت‌ها مقابله نماید.

اگرچه مدل سه-جهانی مائو و اصطلاح «ابرقدرت» دیگر جزئی از گفتمان رسمی چین به شمار نمی‌روند، اما یک نگرش سلسله‌مراتبی نسبت به نظم جهانی هنوز الهام بخش سیاست خارجی چین است. با این وجود، رتبه‌بندی سه جهان موردنظر به یک مدل دوگانه تحول یافته است: امروزه دولت چین بین «کشورهای مهم [بزرگ]» و «کشورهای کوچک و متوسط»

195. Speech by Chairman of the Delegation of the People's Republic of China, Deng Xiaoping, at the Special Session of the UN General Assembly, 10 April 1974. Available at: <https://www.marxists.org/reference/archive/deng-xiaoping/1974/04/10.htm>.

تمایز قائل می‌شود. این اصطلاحات رسمی ممکن است به اندازه جغرافیایی یا جمعیت کشورها اشاره داشته باشند، اما اینها معیارهای اصلی نیستند: چین ژاپن را یک کشور مهم در منطقه آسیا-اقیانوسیه میدانست، بر خلاف استرالیا یا اندونزی. اصطلاح «کشور مهم» در بیانیه‌های رسمی چین بیشتر به نفوذ بین‌المللی اشاره دارد تا اندازه نسبی، و باید به شیوه‌ای مشابه با اصطلاح انگلیسی «قدرت بزرگ»<sup>۱۹۶</sup> در نظر گرفته شود. در این زمینه، شایان ذکر است که ترجمه مرجع چین از اصطلاح مذکور («کشور مهم» به جای «قدرت بزرگ») آگاهانه و هدف آن پرهیز از تداعی ابرقدرت‌های گذشته جهت جلوگیری از برانگیختن خاطرات سلطه‌گری است. غیر از ژاپن، سایر کشورها یا بازیگرانی که دولت چین ظاهراً آنها را به عنوان قدرت‌های بزرگ قلمداد می‌کند عبارتند از خود چین، ایالات متحده، روسیه، هند، و اتحادیه اروپا (به همراه بزرگترین کشورهای عضو آن)، و احیاناً برزیل و آفریقای جنوبی.<sup>۱۹۷</sup>

این واقعیت که چین خود را هم قدرت بزرگ می‌داند و هم یک کشور در حال توسعه، بدین معنا است که دولت چین بین دو نوع از قدرت‌های بزرگ تمایز قائل می‌شود: آنهایی که کشورهای توسعه یافته هستند و آنهایی که کشورهای در حال توسعه هستند. رهبران چین مکرراً از چین به عنوان بزرگترین کشور در حال توسعه جهان، و از ایالات متحده به عنوان بزرگترین کشور توسعه یافته جهان یاد کرده‌اند. این موضوع نشانه‌ای از تقسیم‌بندی بیش از پیش قدرت‌های بزرگ است، به گونه‌ای که ایالات متحده و چین عملاً جلودار مابقی قدرت‌های بزرگ هستند.

۱۹۶. در اینجا از واژه «great» به معنی بزرگ استفاده شده، در حالی که در موارد قبل از آن واژه «major» به کار گرفته شده بود که عبارتی جامع‌تر اما مترادف با «great» است. در واقع، این دو کلمه به گونه‌ای معادل یکدیگر هستند و اصطلاح «major» را می‌توان مهم یا عمده نیز معنی کرد. (م)

۱۹۷. یک گزارش رسمی دولتی اخیراً کشورهایی را که چین به عنوان «کشورهای مهم [یا بزرگ]» تلقی می‌کند، فهرست کرده است:

'China's policies on Asia-Pacific security cooperation', published by China's State Council Information Office on 11 January 2017. Full text (official English version): [http://english.gov.cn/archive/white\\_paper/11/01/2017/content\\_281475539078636.htm](http://english.gov.cn/archive/white_paper/11/01/2017/content_281475539078636.htm).

## خنثی‌سازی تهدیدات از جانب دیگر قدرت‌های بزرگ

به لحاظ سنتی، هدف برجسته در سیاست خارجی امپراطوری چین در رابطه با قدرت‌های بزرگ خنثی‌سازی احتمال آسیب‌رساندن به امنیت ملی این کشور توسط آنها بود. این اصولاً مسئله‌ای بود که به ژئوپولیتیک «پیرامونی»<sup>۱۹۸</sup> مربوط می‌شد، که هدف آن مدیریت روابط با همسایگان از طریق تشکیلات سیاسی قدرتمند بود. جلوگیری از (یا مقابله با) مداخلات نظامی توسط قدرت‌های منطقه‌ای در همسایگان ضعیف‌تر چین، بخشی از این رویکرد بود. پس از نیمه اول قرن نوزدهم، رویکرد چین مبنی بر قدرت بزرگ تحت تأثیرات خارجی، جهانی شد. اینک تهدید اصلی نه تنها از داخل همسایگان بلکه از جانب اروپا و ایالات متحده پدیدار می‌شد. قدرت‌های بزرگ آن دوره بریتانیا، روسیه، ژاپن، ایالات متحده، آلمان، و فرانسه بودند. در خصوص پتانسیل آنها برای آسیب‌رساندن به چین، نزدیکی یا دور بودن آنها از نظر جغرافیایی دیگر یک عامل تعیین‌کننده نبود. این قدرت‌های بزرگ و مدرن که به واسطه ارتش و برتری اقتصادی خود توانمند شده بودند، اکثر همسایگان چین را به استعمار خود در آورده بودند و امتیازات ویژه گسترده‌ای از چین می‌گرفتند که کنترل حاکمیتی آن را تضعیف می‌کرد. این تجربه کماکان رویکرد چین را نسبت به آن دسته تکنولوژی‌های فعلی یا آینده که مصونیت حاصله از جغرافیا را تقلیل می‌دهند، شکل می‌دهد؛ چنانکه بالأخص در نگرانی حزب پیرامون تهدیدی که جریان‌ات آزاد اطلاعات آنلاین جهانی ممکن است برای امنیت ایدئولوژیکی آن ایجاد کنند، مشهود است. نگرانی‌های مشابهی نیز در مورد فضای سایبری به عنوان یک عامل تهدید که جغرافیا را مغلوب می‌کند وجود دارند، آن هم در رابطه با آسیب‌پذیری‌های بالقوه کار گذاشته شده در عناصر زیرساختی حیاتی توسط یک دشمن خارجی از طریق زنجیره تأمین جهانی.<sup>۱۹۹</sup>

198. 'peripheral' geopolitics

۱۹۹. به موجب قانون جدید چین در زمینه فضای سایبری که در ۱ ژوئن ۲۰۱۷ به اجرا درآمد، اپراتورهای مهم زیرساخت اطلاعاتی ملزم هستند از آن دسته تجهیزات شبکه‌ای استفاده کنند که ایمنی آنها از سوی ادارات دولتی تصدیق شده باشد، در غیر این صورت با جریمه‌های سنگین مواجه می‌شوند. برای مطالعه ترجمه انگلیسی رسمی این قانون رجوع نماید به:

<https://chinacopyrightandmedia.wordpress.com/07/11/2016/cybersecu-riety-law-of-the-peoples-republic-of-china/>.

دامنه مؤثر نهادهایی که مشمول این نظام بازبینی امنیت سایبری خواهند بود هنوز مبهم است. دوره اجرایی موقت تمهیدات بازبینی امنیتی برای محصولات و خدمات شبکه‌ای (Interim Security Review Measures for Network Products and Services) با اندکی اختلاف، حیطه شمول این قانون را به «همه محصولات و خدمات شبکه‌ای مهم تدارک دیده شده برای استفاده در شبکه‌ها و سیستم‌های اطلاعاتی که به امنیت ملی مربوط می‌شوند» تعمیم می‌دهد. یک ترجمه انگلیسی غیررسمی از تمهیدات بازبینی امنیتی در این وبسایت قابل مشاهده است:

با پایان جنگ سرد، تلقی چین از روسیه به عنوان یک تهدید اصلی فروکش کرد و ایالات متحده به عنوان تنها منبع نگرانی در میان قدرت‌های بزرگی که چین را در قرن نوزدهم تحت فشار قرار داده بودند، باقی ماند. تجربه تاریخی چین نشان می‌دهد که هر قدرت جهانی که از چین قدرتمندتر است، مستعد تضعیف حکومت چین است، چه به علت انگیزه‌های اقتصادی، ژئوپولیتیک و یا ایدئولوژیک. به عبارت دیگر، دولت چین مادامی که کشورهای دیگر را قدرتمندتر از خودش قلمداد کند، به احساس اینکه مورد تهدید واقع شده ادامه خواهد داد. هر چند رقابت ژئوپولیتیک بین چین و ایالات متحده عمدتاً در آسیای شرقی به وقوع می‌پیوندد، اما چین این رقابت را در چهارچوب جهانی آن در نظر می‌گیرد. منافع امنیتی اصلی این کشور اینک فراتر از محیط پیرامون آن رفته و شامل دسترسی به مواد خام، بازارها و تکنولوژی در گوشه و کنار جهان می‌شوند. ایالات متحده به عنوان یک قدرت جهانی توانایی آن را دارد که نه تنها در امور داخلی چین یا روابطش با کشورهای همسایه مداخله نماید، بلکه دسترسی چینی‌ها به مناطق برون مرزی را مسدود کند.

استراتژی چین برای مقابله با توانایی ایالات متحده در آسیب رساندن به منافع این کشور، از رویکرد مربوط به دوره جنگ سرد دچار تحول بیشتری شده است؛ در آن دوره چین با مداخلات ابرقدرت‌ها در مجاورت خود مخالف بود، از رقابت بین این ابرقدرت‌ها بهره‌برداری می‌کرد، و به احساسات ضد استعماری در کشورهای در حال توسعه دامن می‌زد. ۲۰۰ چین استراتژی خود را در هر سه جهت توسعه داده و اصلاح کرد.

اولاً، چین در حال تلاش برای سست کردن تدریجی پیوندهای امنیتی بین ایالات متحده و هم‌پیمانان اصلی‌اش در آسیا-اقیانوسیه است. با پیش روی تدریجی موقعیت راهبردی چین در دریاهای جنوبی و شرقی چین، وضعیت برای دولت ایالات متحده جهت اطمینان دادن به هم‌پیمانان منطقه‌ای خود در این خصوص که قادر به خنثی‌سازی نفوذ رو به رشد چین در درازمدت خواهد بود، سخت‌تر از هر زمان دیگری می‌شود. در نهایت، ژاپن مهم‌ترین هدف این رویکرد به شمار می‌رود. ایالات متحده می‌تواند جایگاه خود را به عنوان یک متعادل‌کننده فرامنطقه‌ای در آسیای شرقی حفظ کند، اما صرفاً تا زمانی که ژاپن بتواند و مایل باشد

<https://chinacopyrightandmedia.wordpress.com/02/05/2017/interim-security-review-measures-for-network-products-and-services/>.

۲۰۰. استراتژی چین در عصر جنگ سرد در رویکردش نسبت به قدرت‌های بزرگ طی اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم ریشه داشت؛ در آن دوره رهبران و دیپلمات‌های چین برای پایان دادن به نظام معاهده‌های به اصطلاح نابرابر و دستیابی به خودمختاری کامل تلاش می‌کردند.

نقش هم‌پیمان منطقه‌ای کلیدی ایالات متحده را ایفا کند. چین عجله‌ای برای بیرون راندن نفوذ ایالات متحده از منطقه ندارد، اما به‌طور پیوسته در حال فراهم کردن زمینه برای یک نظم منطقه‌ای در آسیا-اقیانوسیه پس از خروج ایالات متحده از منطقه است.

ثانیاً، چین به ترویج و تبلیغ ایده‌ی یک جهان چندقطبی پرداخته است. پکن با این کار قدرت‌های منطقه‌ای مهم مانند روسیه، اتحادیه‌ی اروپا، کشورهای اروپایی مهم، و اخیراً هند، برزیل و آفریقای جنوبی را به اجرای سیاست‌های خارجی به صورت مستقل از ایالات متحده ترغیب می‌نماید. پشتیبانی چین از گروه بریکس<sup>۲۰۱</sup> (که مجدداً شامل برزیل، روسیه، هند و آفریقای جنوبی می‌شود) تا حدودی ناشی از هدف ترویج چند قطبی شدن جهان است.

ثالثاً، چین در مناسبات خود با کشورهای در حال توسعه مدت‌ها حق همه‌ی کشورها برای دنبال کردن مسیر توسعه‌ی مخصوص به خودشان را مورد تأکید قرار داده است. پیام ضمنی این موضوع این است که سیاست‌های خارجی ایالات متحده، ژاپن و اروپا (که روی محوریت ارزش‌های لیبرال در برنامه‌های خود برای همکاری در زمینه توسعه تأکید می‌کنند) لزوماً همساز با منافع کشورهای در حال توسعه نیست. لذا دولت چین تلاش می‌کند پیوندهای بین ایالات متحده (و نیز هم‌پیمانان اصلی آن) با کشورهای در حال توسعه را تضعیف نماید.<sup>۲۰۲</sup> همزمان، پکن اغلب خاطر نشان می‌کند که چین تجربه‌ای مشترک با کشورهای در حال توسعه به عنوان یکی از قربانیان اسبق استعمارگری و امپریالیسم غرب دارد؛ از این رو ایده‌ی احترام به تنوع سیاسی در روابط بین‌المللی را به منزله‌ی جایگزینی برای ارزش‌های لیبرالی که غرب رواج می‌دهد، پیشنهاد می‌کند. در سال ۲۰۱۳ چین رویکرد خود در قبال کشورهای در حال توسعه را با اعلام طرح «یک کمربند، یک جاده»، بیش از پیش تقویت نمود. دولت چین به واسطه‌ی این طرح ارزیابی خود از همکاری سنتی در زمینه‌ی توسعه به طریقی که توسط ایالات متحده و هم‌پیمانانش اعمال می‌شود را نشان داد که برای برآوردن نیازهای جهان در حال توسعه ناکافی است. در عوض، با استفاده از طرح «یک کمربند، یک جاده»، چین سرمایه‌گذاری در مقیاس بزرگ جهت سرعت بخشیدن به روند توسعه در شمار زیادی از مناطق به عمل می‌آورد. نه رویکرد کلی چین در قبال کشورهای در حال توسعه و نه طرح «یک کمربند، یک جاده» آن منحصرأ ناشی از هدف گسترش نفوذ چین در ازای نفوذ غرب نیستند، بلکه باید اینگونه فرض

201. BRICS

202. See Frans Paul van der Putten, 'Harmony with diversity: China's preferred world order and weakening Western influence in the developing world', *Global Policy*, vol. 4, no. 1, 2013. Available at: <http://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1111/j.1758-5899.2012.00196.x/abstract>

کرد که رهبران این کشور از تأثیر بلندمدت سیاست‌های آن بر روابط ژئوپولیتیک بین چین و ایالات متحده به خوبی آگاه هستند. دولت ایالات متحده با انتخاب دشواری بین مخالفت با طرح چین (با این ریسک که به عنوان برهم زنده یک تلاش مهم در زمینه توسعه در نظر گرفته شود) و حمایت از آن (که با ریسک مشروعیت زدایی از فعالیت‌های دیرینه‌تر خودش در زمینه توسعه همراه است)، مواجه است. شکیبایی استراتژیک به خرج دادن و باقی ماندن در حالت انفعال می‌تواند برای ایالات متحده سودمند واقع شود، آن هم در صورتی که این احتمال وجود داشته باشد که رویکرد چین در خصوص توسعه جهانی در درازمدت شکست بخورد. به هر حال، حداقل در حال حاضر، عدم مشارکت از سوی دیگر فضا را برای چین در توسعه و اجرای استراتژی «یک کمربند، یک جاده» آن باز می‌گذارد.

رویکرد فعلی چین در قبال تهدیدات بالقوه از جانب کشورهای بزرگ دیگری غیر از ایالات متحده با استراتژی آن در برابر آمریکا رابطه‌ای نزدیک دارد. اگرچه ژاپن، هند و روسیه کشورهای بزرگی هستند که به صورت بالقوه می‌توانند به منافع چین آسیب وارد کنند، اما از منظر چین آنها عمدتاً قدرت‌هایی منطقه‌ای (و نه جهانی) بوده و بسیار کمتر از ایالات متحده قدرتمند هستند. محوریت ایالات متحده در سیاست خارجی چین نسبت به سایر قدرت‌ها، آشکارتر از همه شامل حال ژاپن می‌شود. توکیو به عنوان یکی از هم‌پیمانان ایالات متحده، توانایی محدودی در اجرای یک استراتژی ژئوپولیتیک مستقل در برابر چین دارد. تهدید اصلی از سوی ژاپن این است که موقعیت ایالات متحده را مستحکم می‌نماید، اما در عین حال واشنگتن تمایل شدیدی به جلوگیری از بروز درگیری بین چین و ژاپن دارد. این موضوع حداقل فعلاً احتمال اتخاذ یک سیاست تهاجمی علیه چین توسط ژاپن را برطرف کرده، و سیاست امنیتی چین در رابطه با ژاپن را عملاً زیرمجموعه‌ای از رویکرد امنیتی خود نسبت به ایالات متحده می‌کند. با این وجود، محدودیت‌هایی در توانایی واشنگتن برای مدیریت روابط بین چین و ژاپن وجود دارد و احتمال درگیری بین این دو کشور را نمی‌توان منتفی دانست، حتی با اینکه ایالات متحده از ضمانت‌های امنیتی که به ژاپن داده حفاظت می‌کند.

همچنین به خاطر تلقی مشترکی که از تهدید ایالات متحده بین پکن و مسکو وجود دارد، بازگشت به رابطه مقابله‌ای و همراه با منازعه بین چین و روسیه (که به دوران جنگ سرد برمی‌گردد) غیرمحمتمل است. از دیدگاه چینی‌ها، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی (که یک وزنه تعادل قدرتمند برای مقابله با ایالات متحده محسوب می‌شد)، به مقدار زیادی موقعیت آمریکا در برابر چین را تقویت نموده است و از منظر پکن، میزان محدود و در عین حال تقلیل



ناپذیری از همسویی و همکاری راهبردی با روسیه را ایجاب می‌کند. مکمل این چهارچوب رابطه بین چین و روسیه، این قضیه است که دو کشور تمامی مناقشات مرزی خود را حل و فصل نموده و به عضویت سازمان همکاری شانگهای<sup>۲۰۳</sup> (SCO) درآمده‌اند. سازمان همکاری شانگهای به تثبیت روابط بین چین با روسیه در آسیای مرکزی کمک کرده، جایی که روسیه قدرت بزرگ آنجا به لحاظ سنتی بوده و جایی که نفوذ چینی‌ها در آن در حال ظهور است. این سازمان همچنین می‌تواند در مهار منازعات مهم بین روسیه و چین در آسیای مرکزی همزمان با اجرایی شدن طرح «یک کمربند، یک جاده»، نقش داشته باشد. با این حال، عمدتاً نگرش مشترک نسبت به ایالات متحده به عنوان یک تهدید مهم است که مبنای روابط معاضدت‌آمیز و همکاری بین چین و روسیه را فراهم می‌کند. در رابطه با هند، چین مدت‌هاست که به بازدارندگی نظامی و پیوندهای نزدیکش با پاکستان متکی بوده تا تهدیدات امنیتی احتمالی از سوی هند را تحت کنترل خود داشته باشد. این تهدیدات سابقاً بیشتر به مناقشات مرزی و نقش تبعیدهای اهالی تبت در هند محدود می‌شد. با این وجود، چین و هند هر دو شروع به فعالیت شدن در همسایگی یکدیگر کرده‌اند، و پیوندهای راهبردی بین دهلی و واشنگتن به تدریج در حال مستحکم شدن هستند. بنابراین، محتمل به نظر می‌رسد که نگرانی‌های چین درباره ایالات متحده به طور فزاینده‌ای در سیاست خارجی آن نسبت به هند ایفای نقش کنند.

### مدیریت فضای بین‌المللی

دومین هدف اصلی (و نسبتاً جدید) رویکرد چین در قبال قدرت‌های بزرگ، حفظ یک نظم جهانی با ثبات است که حامی منافع اصلی این کشور باشد. تنها پس از دستیابی خود چین به جایگاه قدرت بزرگ بود (از جمله تقبل نمایندگی دائم چین در شورای امنیت سازمان ملل) که این کشور توانست رویکردی جهت همکاری با دیگر قدرت‌های بزرگ برای مدیریت مشترک نظم بین‌المللی ایجاد نماید.

شورای امنیت مهم‌ترین ساز و کار برای چین جهت هماهنگ کردن با سایر قدرت‌های بزرگ در زمینه ثبات بین‌المللی است. هر قطعنامه‌ای که توسط شورای امنیت به تصویب می‌رسد، عملاً موردی از همکاری میان پنج عضو دائم شورای امنیت<sup>۲۰۴</sup> است. رفتار رأی‌دهی چین در خصوص قطعنامه‌های شورای امنیت طی چند دهه اخیر به طرز چشم‌گیری تغییر نموده است. در حالی که در ابتدای امر چین معمولاً از رأی‌دهی خودداری می‌نمود مگر آنکه احساس

203. Shanghai Cooperation Organisation

204. P<sup>۵</sup> powers

می‌کرد منافع امنیتی کلیدی‌اش در معرض خطر هستند؛ این کشور اکنون نقش فعالانه‌تری را ایفا می‌نماید.<sup>۲۰۵</sup>

طرح‌های پیشنهادی برای عملیات صلح سازمان ملل در آفریقا عموماً مورد حمایت پکن واقع می‌شوند. این رویکرد ناشی از تلاش برای تضعیف نفوذ ایالات متحده در آفریقا یا جای دیگری نیست، بلکه حاصل علاقه چین به تقویت نظام سازمان ملل و نقش خود در داخل آن است. خواسته چین مبنی بر حفاظت از منافع اقتصادی‌اش در آفریقا در این مورد نقش دارد اما محرک اصلی نیست؛ چیزی که برای مثال در مورد کمک چین به مأموریت سازمان ملل در مالی نیز مشهود بود.<sup>۲۰۶</sup> دولت چین همچنین با دیگر قدرت‌های بزرگ جهت پرداختن به مسئله ثبات در شبه جزیره کره (در مذاکرات شش جانبه<sup>۲۰۷</sup>) و در خصوص برنامه هسته‌ای ایران (در مذاکرات ۳+EU/E۳) مشارکت داشته است. در هر یک از این موارد، دولت چین همکاری با سایر قدرت‌های مهم جهت ایجاد ساز و کارهایی برای ثبات منطقه‌ای را ضروری دانسته است. همچنین، در این موارد پکن سعی نکرده ایالات متحده را از سایر قدرت‌های بزرگ جدا سازد. در برخی مسائل چین حتی ایالات متحده را شریک اصلی خود قلمداد می‌کند. توافق بین چین و آمریکا در سال ۲۰۱۴ پیرامون تغییرات اقلیمی که مبنای معاهده اقلیمی چند جانبه پاریس به شمار می‌رفت، یک مثال قابل ملاحظه در این زمینه است (هرچند این معاهده به علت رد آن توسط رئیس جمهور ترامپ در ۲۰۱۷، چندان دوام نیاورد).

### چین و سایر قدرت‌های بزرگ در دهه ۲۰۲۰

فاز کنونی استراتژی چینی‌ها در قبال قدرت‌های بزرگ دو مؤلفه اصلی دارد. مورد اول تداوم تمرکز دولت چین روی ایالات متحده به عنوان یک تهدید بالقوه است. مؤلفه دوم هماهنگی و همکاری با دیگر قدرت‌های بزرگ در راستای مدیریت نظام بین‌المللی است که نقش مهم و روزافزونی در سیاست خارجی چین ایفا می‌کند. فاز بعدی رویکرد چین نسبت به قدرت‌های

205. Xue Lei, 'China as a permanent member of the United Nations Security Council', Friedrich-Ebert-Stiftung, Berlin, 2014. Available at: <http://library.fes.de/pdf-files/iez/10740.pdf>.

206. See Frans-Paul van der Putten, 'China's Evolving Role in Peacekeeping and African Security: The Deployment of Chinese Troops for UN Force Protection in Mali', Clingendael, September 2015. Available at: <http://www.clingendael.nl/sites/default/files/Clingendael20%Report20%-20%China%E99%80%2s20%Evolving%20%Role20%in20%Peacekeeping20%and20%African20%Security20%sept.202015.pdf>.

207. Six Party Talks

بزرگ زمانی آغاز خواهد شد که پکن دیگر ایالات متحده را به منزلهٔ یک تهدید وجودی<sup>۲۰۸</sup> تلقی نکند. بدین ترتیب همکاری با قدرت‌های بزرگ در جهت ثبات فضای بین‌المللی به یکی از ویژگی‌های سیاست خارجی چین که بیش از پیش مهم است، تبدیل خواهد شد. همزمان، استراتژی پکن در پرداختن به تهدیدات احتمالی از سوی قدرت‌های بزرگ نیز متفاوت با امروز خواهد بود. آنگاه احتمال بروز تهدیدات وجودی از جانب قدرت‌های خارجی کمتر شده و چین ممکن است بتواند به تنش‌ها با قدرت‌های بزرگ دیگر به صورت دوجانبه یا در یک چهارچوب منطقه‌ای بپردازد. این امر چین را قادر می‌سازد بر روی همکاری در سطح جهانی تمرکز نماید.

البته پیش‌بینی اینکه فاز کنونی چقدر به طول انجامد یک تلاش پیچیده و بغرنج است. تا اواسط دههٔ ۲۰۲۰، پیش‌بینی می‌شود چین به هدف رسمی دولتش مبنی بر تبدیل شدن به یک «جامعهٔ نسبتاً مرفه» دست یابد (هدفی که به طور رسمی برای سال ۲۰۲۱ تعیین شده است)، و بدین ترتیب در مسیر نیل به هدف اصلی بعدیاش قرار گیرد (که برای سال ۲۰۴۹ تعیین شده)؛ یعنی تبدیل شدن به یک «کشور ثروتمند، دموکراتیک، قدرتمند، متمدن، مدرن، سوسیالیستی، همدل و همصد».<sup>۲۰۹</sup> از آنجا که چین امروز هماکنون نیز از لحاظ بسیاری از شاخص‌ها یک کشور قدرتمند محسوب می‌شود، «قدرتمند» شدن به عنوان یک هدف بلندمدت می‌تواند به معنای دستیابی به موقعیتی باشد که در آن هیچ قدرت خارجی (از جمله ایالات متحده) قادر نباشد یک تهدید وجودی برای کشور چین ایجاد کند. کاهش قابل توجه توانایی (یا تمایل) ایالات متحده برای مداخلهٔ نظامی در روابط بین چین و همسایگانش، یک نقطهٔ عطف مهم در مسیر چین برای دستیابی به چنین نتیجه‌ای خواهد بود. حتی اگر رهبران چین انتظار وقوع تغییراتی از این دست را در برهه‌ای بین سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۴۹ داشته باشند، این فرآیند ورای کنترل یک جانبهٔ چین خواهد بود. این عدم قطعیت فقط شامل مدت زمان فرآیند مذکور نمی‌شود، بلکه این سؤال را هم در برمی‌گیرد که آیا پکن و واشنگتن قادر به جلوگیری از وقوع یک برخورد نظامی بزرگ بین یکدیگر خواهند بود یا خیر.

در حال حاضر، چین ایالات متحده را یک تهدید مهم در نظر می‌گیرد چون یک قدرت جهانی به شمار می‌رود. اما درست به همین دلیل است که چین با ایالات متحده به عنوان

208. existential threat

209. Information Office of the State Council, 'Full text; China's Peaceful Development', Section II, September 2011. Available at: [http://news.xinhuanet.com/english/2010china/06/201109/c.3\\_131102329\\_.htm](http://news.xinhuanet.com/english/2010china/06/201109/c.3_131102329_.htm).

یک شریک بر روی مسائل مشخصی همکاری می‌کند. یکی از سؤالات کلیدی سال‌های پیش رو این است که کشمکش بین دو هدف خنثی‌سازی تهدیدات از سوی ایالات متحده و همکاری با آن جهت تثبیت و تحکیم نظام بین‌المللی، چگونه در سیاست خارجی چین نمود خواهد یافت. رهبران چین فرمولی را برای مدیریت روابط بین چین و آمریکا در این شرایط عدم قطعیت پیشنهاد کرده‌اند: «عدم نزاع، عدم مقابله، احترام متقابل، و همکاری برد-برد».<sup>۲۱۰</sup> این بدان معناست که دو کشور می‌توانند با یکدیگر همکاری کنند (احتمالاً در یک شرایط غیر رسمی از نوع 2-G یا به عبارتی گروه دو جانبه)، مادامی که به منافع اصلی هم احترام بگذارند. به بیان شی جین‌پینگ: «رئیس جمهور اواما و من طی ملاقاتی که در سانلندز<sup>۲۱۱</sup> در سال ۲۰۱۳ داشتیم، به این توافق مهم دست یافتیم که به صورت مشترک الگوی جدیدی از رابطه بین کشورهای بزرگ را میان کشورهای خود ایجاد نماییم. این یک تصمیم مهم و راهبردی بود که ما بر اساس تجربه تاریخی، شرایط ملی مرتبط و رویه متداول جهان اتخاذ کردیم»<sup>۲۱۲</sup> از منظر ایالات متحده، مشکل اینجا است که چین با این فرمول پیشنهادی در حالی که به تدریج قدرتمندتر می‌شود، برای خود زمان می‌خرد. ایالات متحده با آینده‌ای مواجه است که در آن چین به شکل فزاینده‌ای جایگاه جهانی خود را توسعه می‌دهد، در حالی که میزان احترامی که این کشور برای منافع محوری آمریکا در درازمدت قائل است، مبهم باقی می‌ماند. در عین حال، چندان مشخص نیست که ایالات متحده چگونه با این عدم قطعیت برخورد می‌کند. ایالات متحده یا می‌تواند تلاش کند با خیزش چین مقابله نماید (که ممکن است به برخورد مستقیم منجر شود)، یا سعی کند از برتری که به عنوان قدرت پیشگام جهان هنوز دارای آن است استفاده نماید تا با چین مذاکره کرده و/یا یک زمینه بین‌المللی را ایجاد کند که برای مدت مدیدی تا آینده، چین را به عمل کردن به شیوه‌هایی که نظام جهانی مبتنی بر قانون را محترم می‌شمارند، وادار نماید. از سوی دیگر، چین زمان را به نفع خود تلقی می‌کند، حداقل تا زمانی که آمریکا به شکست در قدرت نسبی خود ادامه دهد. بدین ترتیب چین انگیزه‌ای قوی برای پرهیز از منازعات عمده و افزایش همکاری با سایر قدرت‌های بزرگ (از جمله آمریکا) جهت تقویت یک نظم جهانی باثبات دارد.

210. Ministry of Foreign Affairs of the People's Republic of China, 'Xi Jinping holds talks with President Barack Obama of the US'. 12 November 2014. Available at: [http://www.fmprc.gov.cn/mfa\\_eng/topics/665678\\_ytjhzzdrscldrfzshy-jxghd/t1211022.shtml](http://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/topics/665678_ytjhzzdrscldrfzshy-jxghd/t1211022.shtml).

۲۱۱. (Sunnylands) کاخی در کالیفرنای آمریکا

212. 'Full text of Xi Jinping's speech on China-US relations in Seattle', *Xinhuanet*, 24 September 2015. Available at: [http://news.xinhuanet.com/english/2015-09/24/c\\_134653326.htm](http://news.xinhuanet.com/english/2015-09/24/c_134653326.htm).

## ۹- اداره جهان: یک رویکرد متمایز

میگو هوتاری

## مقدمه

مشارکت چین در چند جنبه‌گرایی جهانی در سال‌های ۲۰۱۷/۲۰۱۶ به یک نقطه عطف رسید. در برابر نشانه‌های حاکی از کناره‌گیری ایالات متحده از تعهدات بین‌المللی، رهبران چین از سخنرانی‌های جالب توجه برای عموم<sup>۲۱۳</sup> (مانند نطق کلیدی ارائه شده توسط شی جین‌پینگ در مجمع جهانی اقتصاد در داووس در ژانویه ۲۰۱۷) استفاده کرده‌اند تا با سخنان خود چین را در جایگاه قهرمان نظم بین‌المللی موجود و نظام اداره جهان قرار دهند.

با اینکه بسیاری از جنبه‌های این موقعیت جدید را باید با تردید و احتیاط در نظر گرفت، اما نقش چین در اداره جهان هم اکنون نیز به طرز اساسی دچار تغییر شده است. نهادهای جدید تحت رهبری چین نظیر بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا (AIIB) و بانک توسعه نوین (NDB) آغاز به کار کرده‌اند؛ موقعیت و نفوذ چین در مؤسسات برتون وودز<sup>۲۱۴</sup> ارتقا یافته است، که احتمالاً بهترین مظهر و نماد آن گنجاندن پول رایج خود در سبد ارزهای ذخیره<sup>۲۱۵</sup> صندوق بین‌المللی پول (IMF) جهت تعیین حق برداشت ویژه (SDR)<sup>۲۱۶</sup> در پاییز ۲۰۱۶ است. همراه با کمک‌های در زمینه مواد جدید، پکن نقش بسیار برجسته‌تری را نیز در برخی از فعالیت‌های سازمان ملل بر عهده گرفته است، به ویژه در زمینه حفظ صلح و برنامه سازمان ملل برای توسعه چین در مجسم‌سازی این نقش جدید، همچنین نشست سران گروه بیست در شهر هانگژو<sup>۲۱۷</sup> در سپتامبر ۲۰۱۶ را با موفقیت میزبانی کرد، و در نهایی کردن معاهده اقلیمی پاریس در دسامبر سال قبل از آن یکی از اعضای کلیدی بود. همزمان، چین علاوه بر اینها محور کشمکش‌های مهم پیرامون عناصر کلیدی نظام اداره جهان در سال ۲۰۱۶ بود: پکن آشکارا یک حکم صادره از جانب دادگاهی که پیرو کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاهای (UNCLOS) تأسیس شده بود را رد کرد، و شکایت‌های جداگانه‌ای را علیه اتحادیه اروپا و ایالات متحده به خاطر به رسمیت نشناختن چین (که دارای یک اقتصاد تماماً بازاری است) به عنوان یکی از اعضای سازمان تجارت جهانی (WTO)، اقامه کرده است.

213. high-profile

214. Bretton Woods institutions

215. basket of reserve currencies

216. Special Drawing Rights

217. Hangzhou

این رویدادهای متناقض، عدم قطعیت مسیر آینده چین در عرصه جهانی را مورد تأکید قرار می‌دهد (که نیازمند یک روش تحلیل همراه با جزئیات و مفصل است). تا سال ۲۰۲۵، سیاست‌های چین در رابطه با اداره جهان در نظام‌های مختلف به شدت تغییر خواهد کرد، و نتایج متفاوتی را از لحاظ پیروی از قوانین بین‌المللی، نفوذ، و میزان همکاری و ناسازگاری چینی‌ها به بار می‌آورد. چین نه تماماً ناجی مدیریت جهانی خواهد بود و نه مخرب آن؛ به گونه‌ای که در برخی حیطه‌ها از وضع موجود دفاع می‌کند، در برخی دیگر خواستار اصلاحات بوده، و گه‌گاه در بعضی از حوزه‌های دیگر علناً تجدیدنظر طلب<sup>۲۱۸</sup> خواهد بود. یک دورنمای بیش از حد ساده‌انگارانه که یا روی تجدیدنظرطلبی تمرکز داشته باشد یا هم‌آمیزی کامل، نمی‌تواند پیچیدگی‌های رویکرد متمایز چین را تعیین نماید. چنین چشم‌اندازی همچنین در شناخت این واقعیت ناتوان است که اداره جهان نباید به شکل مجموعه‌ای ثابت از تریبات، بلکه یک هدف متحرک و در جریان در نظر گرفته شود؛ هدفی که در حال حاضر هنوز «نیروی روابط مربوط به دنیای پس از جنگ سرد در آن القاء شده است».<sup>۲۱۹</sup>

طرح‌های چین به شیوه‌ای که آنها را برای جایگزینی نظم موجود مناسب سازد، ساختار بندی نشده‌اند؛ بلکه فحوای اصلی آنها تمرکز بر روی تجدید و وفق دادن جنبه‌های مشخصی از نظم بین‌المللی مطابق با منافع چین است. پکن در این رابطه خود را دچار یک مخمصه می‌بیند؛ به گونه‌ای که پیشنهاداتش در خصوص اداره جهان به واسطه احتمال دو عاقبت (که به یک اندازه شوم هستند) به مخاطره افتاده‌اند. تلقی‌های مبنی بر فعالیت بیش از حد چین، به اتهامات در زمینه تجدیدنظر طلبی و «تهدید چین» برای نظم بین‌المللی موجود دامن زده و می‌تواند به واکنش شدید و خشن تری از سوی «متولیان برانگیخته شده نظم کنونی» منجر شوند (تله توسعه‌یافته<sup>۲۲۰</sup>). با این حال، فعالیت بسیار اندک چین در راستای پشتیبانی از چهارچوب‌های بین‌المللی و تقبل سهم خود از بار تأمین ثبات نیز ممکن است به تضعیف ساختارهای جهانی که برای مدیریت و حل و فصل منازعات ضروری هستند، بیانجامد<sup>۲۲۱</sup> (تله کیندلبرگر<sup>۲۲۲</sup>). مشارکت چین در اداره جهان، هم نشانگر تداوم «سوسیالیستی شدن» چین در جامعه جهانی

218. revisionist

219. Tim Summers, 'Thinking Inside the Box: China and Global/ Regional Governance', *Rising Powers Quarterly*, vol. 1, no. 1, 2016, p. 25.

220. Thucydides Trap

221. See Joseph S. Nye, 'The Kindleberger Trap', Project Syndicate, 9 January 2017. Available at: <https://www.project-syndicate.org/commentary/trump-china-kindleberger-trap-by-joseph-s--nye-2017-01>.) and Graham Allison, *Destined for War: Can America and China Escape Thucydides's Trap?* (Houghton Mifflin Harcourt, 2017).

222. Kindleberger Trap

است و هم وفق دادن همزمان نهادها و عواملان بین‌المللی با کنشگرایی رو به رشد چین. تا سال ۲۰۲۵، منافع پکن و بینش در حال تحول آن نسبت به نظم جهانی به شکل بسیار برجسته‌تری در نهادهای منطقه‌ای و سازمان‌های چندجانبه جهانی نمود خواهد یافت. با اینکه این روند با عامل عقب‌نشینی جزئی ایالات متحده تسریع خواهد شد، اما منافع متغیر چین کماکان محرک اصلی مشارکت رو به افزایش پکن در نظام بین‌الملل محسوب می‌شود.

### منافع متغیر و استراتژی‌های متفاوت

چین در پذیرش چند جانبه‌گرایی و نهادهای مخصوص نظارتی جهانی و منطقه‌ای، راه‌درازی را طی کرده است. به استثنای چند مورد مهم (به ذیل رجوع کنید)، امروزه حالت پیش فرض نقش چین در اداره جهان دست کم با حمایت کلامی، «تظاهر به همکاری» و تبعیت کلی همراه بوده است. با این وجود، رویکرد چین نسبت به چند جانبه‌گرایی و ساختارهای نظارتی کنونی بسیار پویاتر از آنچه است که عموماً تصور می‌شود، که تا حدی مرتبط با این استنباط عمیقاً ریشه‌دار در میان نخبگان چینی است که نظام بین‌المللی نابالغ بوده و (لزوماً) در حال متحمل شدن تغییراتی ژرف است.

رویکرد چین در قبال اداره جهان به سرعت در حال تغییر است، و نیز نمودی از تحولات بسیار گسترده‌تر در نحوه مفهوم‌پردازی و اعمال سیاست خارجی از سال ۲۰۱۳ توسط رهبران این کشور است. به بیان خیلی ساده، آنها قاعده‌دنگ ژیاو‌پینگ برای چین مبنی بر «پنهان کردن درخشندگی خود تا زمانی که موعد مناسب آن سر برسد» و سایر قیده‌های اصولی برای سیاست خارجی کنشگرایانه‌تر و گاه جسورانه را پشت سر نهاده‌اند. «تکاپو برای موفقیت»، ابتکار عمل راهبردی به خرج دادن، و اجرای دیپلماسی مطمئن و متمایز «کشور بزرگ» اکنون شعارهای روز هستند. به وضوح شاهد یک حس اعتماد به نفس تازه و ارتقاء قدرت ملی هستیم که پشتوانه این برآورد غالب است که «ایفای یک نقش منحصر به فرد در اداره جهان برای چین کاملاً امکان‌پذیر است».<sup>۲۳۳</sup>

علاوه بر چند کنفرانس مهم دیگر در زمینه سیاست خارجی که از سال ۲۰۱۳ برگزار شده‌اند و تمایل به بر عهده گرفتن «مسئولیت‌های بین‌المللی» تصریح شده در سیزدهمین برنامه پنج‌ساله، یکی از جلسات بررسی پولیتبورو پیرامون اصلاح مدیریت جهان در سپتامبر ۲۰۱۶ بینش‌هایی را نسبت به این مسئله در اختیار ما قرار می‌دهد که رهبران چین تا چه اندازه قصد دارند اداره جهان را در آینده مورد «طرح ریزی مجدد» قرار دهند. شی جین‌پینگ در سخنرانی خود در این

223. Da Wei and Wang Wen, 'Towards Better Global Governance', in *China-US Relations: Exploring a New Pathway to Win-win Partnership*, Chinese Academy of Social Sciences, 2017, p.238.

جلسه با تأکید روی آرمان‌های چین، «اصلاح نظام اداره جهان» را «باب روز» و مطابق با تغییر توازن قدرت در سطح بین‌المللی و چالش‌های جهانی رو به رشد عنوان نمود. دو اظهار نظر دیگر شی جین‌پینگ رویکرد حساس-به-قدرت و میهن محور چین نسبت به اصلاح این نظام را به خوبی خلاصه می‌کند: «ساختار اداره جهان متکی بر توازن قدرت بین‌المللی بوده و اصلاحات تماماً به تغییر در این توازن بستگی دارند»؛ و اینکه چین باید «روی توسعه اقتصادی و امور داخلی تمرکز نماید، و صدای چین در امور بین‌المللی باید رساتر شود».<sup>۲۲۴</sup>

در حالی که مسیر کلی چین شامل افزایش مشارکت خواهد بود، اما سه عامل (شکل ۱) استراتژی‌های متمایز پکن را نسبت به اینکه خود را در برابر زیرشاخه‌های اداره چند جانبه جهان در چه موقعیتی قرار می‌دهد، تعیین می‌کنند.

شکل ۱ - ترسیم استراتژی‌های چین برای مشارکت در اداره جهان



عامل اول، وضعیت موجود در حیطه مشخصی از مسائل است؛ به عبارت دیگر، اینکه آیا موضوع به حیطه‌های سابق مدیریت جهان مربوط می‌شود یا حیطه‌های جدید آن، و کشورهای دیگر (به ویژه «متصدیان» چهارچوب‌های مدیریتی موجود) خود را در چه موقعیتی قرار می‌دهند، میزان مقاومتی که چین باید جهت پیگیری منافعش بر آنها غلبه کند را تعیین می‌نماید. عامل دوم ماهیت منافع و اولویت‌های چین است، که طبق جهت‌گیری‌هایی (که از وضع موجود حمایت کرده یا آن را به چالش می‌کشند) و نحوه اجرای مشارکت بین‌المللی چین را تحت تأثیر قرار می‌دهند، می‌توان کمابیش آن را تشخیص داد. این منافع می‌توانند با اقدام پکن مبنی بر مطالبه خودمختاری و نفوذ بیشتر، مرتبط باشند؛ به عبارتی مسائل مربوط به تنازعات قدرت سازمانی و نفوذ بین‌المللی. منافع مذکور همچنین می‌توانند با ابزارهای مؤثر

224. Quoted passages reflect Xi Jinping's remarks at the study session as summarised by Xinhua, 'Xi calls for reforms on global governance', *Xinhua*, 28 September 2016. Available at: [http://news.xinhuanet.com/english/2016-09/28/c\\_135720719.htm](http://news.xinhuanet.com/english/2016-09/28/c_135720719.htm).



نفوذ، و محتوا و هنجارهای گنجانده شده در تریبیات مدیریتی و پیگیری اولویت‌های سیاستی بسیار مشخص مرتبط باشند. منافع ماهوی و قدرت طلبانه هر دو اساساً با جستجوی چین برای جایگاه قدرت جهانی، ایفای نقش و ارتقاء وجهه خود (در داخل و خارج کشور) مرتبط هستند. در نهایت، ظرفیت فنی چین و قدرت نفوذ مؤثر دیپلماتیک و نیز محدودیت‌های مرتبط با نقش‌های بین‌المللی مورد نزاع این کشور (مانند تنش‌های بین رفتار منطقه‌ای و جهانی آن، یا در نقش دو گانه چین به عنوان یک قدرت بزرگ و یک کشور در حال توسعه) عوامل تعیین کننده کلیدی در این خصوص هستند که چین در پیگیری آرمان‌های خود چقدر با خودداری یا جسارت عمل خواهد کرد.

### پنج پیامد احتمالی رویکرد متمایز چین نسبت به اداره جهان

تا سال ۲۰۲۵، رویکرد متمایز چین احتمالاً به پنج نتیجه ذیل منجر می‌شود، که هر یک از آنها چالش‌های مشخصی را برای هم‌تایان اروپایی آن به وجود می‌آورد.

#### ۱. اجتناب چین از (یا مقاومت آن نسبت به) عناصر مشخصی از اداره جهان به خصوص

عناصری که «لیبرال» هستند، مشهودتر و علنی‌تر شده و اغلب منجر به ضدیت صریح تر چینی‌ها با طرح‌های پیشنهادی برای اصلاح یا احتراز از تریبیات مربوطه می‌شود.

چین همچنان به شدت مراقب آن خواهد بود که از عناصر اداره جهان اجتناب یا در برابر آنها مقاومت نماید، حتی اگر به صورت نهفته و پنهانی مشروعیت حزب کمونیست چین را تضعیف کنند یا (به هر معنایی) طوری تفسیر شوند که تهدیدی برای اولویت‌های سیاست داخلی فعلی باشند. یکی از نمودهای ظریف اما مهم از مقاومت مداوم چین در برابر اداره جهان به صورت لیبرال، موضع همراه با اکراه پکن در قبال موج جدید آزاد سازی تجارت و سرمایه گذاری است که در مناطق کلان تجاری<sup>۲۲۵</sup> (ناموفق یا معوقه) تعبیه شده است (مانند پیمان تجاری اقیانوس آرام<sup>۲۲۶</sup>، و پیمان تجاری و سرمایه گذاری ترنس-آتلانتیک<sup>۲۲۷</sup>)، از جمله قوانین و مقررات مربوط به شفافیت، استانداردهای نیروی کار و جریانات داده‌های بین مرزی، مقررات ضد انحصار که امتیازات شرکت‌های تحت مالکیت دولت را قطع می‌کنند، رقابت تقویت شده مبتنی بر بازار (به ویژه در زمینه تدارکات دولتی)، و حل و فصل مناقشات پیشرفته بین سرمایه گذار و دولت. پکن با فاصله گرفتن از اجتناب از عناصر اداره جهان، همچنین درگیری شدیدتری

225. trade mega-regionals

226. TPP

227. TTIP

با «روندهای یکپارچگی»<sup>۲۲۸</sup> موجود و جدید مرتبط با مداخله‌گری لیبرال، عدالت کیفری و کنوانسیون‌های مهم بین‌المللی خواهد داشت (و به مقاومت در برابر آنها ادامه خواهد داد)؛ از جمله کنوانسیون‌های پیرامون حقوق بشر نسل اول (چنانکه در پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی<sup>۲۲۹</sup> ارج نهاده شده‌اند) و ممنوعیت مین‌های زمینی و مجازات اعدام. موضع پکن در مورد تعدادی از کنوانسیون‌های حقوق نیروی کار و نیز برخی از عناصر لیبرال‌سازی تجارت و سرمایه‌گذاری (مانند مشارکت چین در معاهده فناوری اطلاعات سازمان تجارت جهانی<sup>۲۳۰</sup>) که بازتاب دهنده شرایط داخلی متغیر این کشور هستند، احتمالاً به تدریج به مواضع اروپا نزدیک می‌شوند: پایان موفقیت‌آمیز مذاکرات مربوط به توافقنامه کالاهای زیست محیطی سازمان تجارت جهانی<sup>۲۳۱</sup> (برطرف سازی موانع تجارت در «کالاهای سبز» با هدف کاهش تخریب محیط‌زیست و تغییرات اقلیمی) یا پیشرفت در مذاکرات مربوط به توافقات سرمایه‌گذاری دوجانبه، شاخص‌های خوبی برای این تقریب جزئی به شمار می‌روند. همچنین نشانه‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه حرکت چین به سمت یک وضعیت امنیتی جامع‌تر می‌تواند آن را وادار به اتخاذ یک موضع حمایتی‌تر در خصوص هنجارهای مهم کنترل صادرات، عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، آزادی ناوربری و غیره نماید.

## ۲. چین به تدریج نقش‌های رهبری محدودی را عهده‌دار شده و اصلاحاتی را در داخل مجموعه‌ای از سازمان‌های اصلی اداره جهان از قبیل نظام سازمان ملل، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول موجب خواهد شد.

رهبران چین بخش بنیادی نسبتاً محدودی را از نظم بین‌المللی فعلی به رسمیت می‌شناسند؛ بخشی که نوعی «حس تعلق خاطر» را نسبت به آن داشته و چین را ذینفع، «آغازگر» و «سهیم» در آن تلقی می‌کنند<sup>۲۳۲</sup>: این موضوع عمدتاً آن دسته از نهادهای بین‌المللی درون تشکیلات سازمان ملل را شامل می‌شود که چین از اعضای هم‌تراز آنها است. به علاوه، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی (نهادهای برتون وودز<sup>۲۳۳</sup>)، سازمان تجارت جهانی، و اخیراً گروه بیست از

228. solidarist trends

229. International Covenant on Civil and Political Rights

230. WTO Information Technology Agreement

231. WTO Environmental Goods Agreement

232. Fu Ying, Chairperson of the Foreign Affairs Committee, National People's Congress of the PRC, 'Under the Same Roof: China's View of Global Order', *Huffington Post*, November 2015. Available at: [http://www.huffingtonpost.com/fu-ying/china-global-order\\_b\\_8537918.html](http://www.huffingtonpost.com/fu-ying/china-global-order_b_8537918.html)

233. Bretton Woods

سوی چین «تنها مجموعه از نظام‌های مدیریتی چندجانبه قلمداد می‌شوند که همه کشورهای مستقل را پوشش می‌دهند».<sup>۲۳۴</sup> رهبران چین در حال حاضر آشکارا قائل به این امر هستند که فرصت‌های آینده چین برای توسعه، به مشارکت در (و حمایت از) این اجزای سازنده اداره جهان بستگی دارند و اینکه «عرصه لازم برای اجرای یک نقش بین‌المللی پررنگ‌تر» را برای چین فراهم می‌کنند.<sup>۲۳۵</sup> پکن با تقبل مسئولیت‌های بیشتر و عمل کردن به یک شیوه مقیدکننده (مقاومت در برابر تغییر)، به سرعت شیوه رهبری در داخل این چهارچوب‌ها را فرا خواهد گرفت.

نگرش کلی چین نسبت به این ساز و کارهای اداره جهان، «حمایت از فعالیت‌های آنها، و بهبود صلاحیت، کارایی، و اجرای آنها» همراه با کمک‌های مادی و مفهومی بیشتر خواهد بود. با این وجود، پکن همچنین به دنبال «تکمیل و اصلاح مناسب این ساز و کارها به گونه‌ای که در یک راستای همراه با ثبات، آزاد، فراگیر، جامع، و پایدار توسعه یابند»<sup>۲۳۶</sup>، خواهد بود. این به معنای یک رفتار اصلاح محور و مبتنی بر وضع موجود است؛<sup>۲۳۷</sup> یعنی اعمال فشار برای چیزی که رهبران چین آن را «دموکراتیک کردن» بیش از پیش نهادهای بین‌المللی عنوان می‌کنند. به عبارت دیگر، اعطای نفوذ بیشتر به چین در صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، و ترویج اولویت‌های سیاستی دولت محور چینی‌ها (در زمینه کنترل سرمایه، سیاست صنعتی و غیره). چین با فعالیت بیشتر در شکل دهی به گفتمان‌های هنجاری و قاعده‌ای در داخل سازمان ملل، کمتر اقدام به اتخاذ استراتژی رد کردن یکسره (برای مثال) مفاهیم امنیتی غرب نموده و به یک رویکرد گزینشی انعطاف‌پذیرتر روی خواهد آورد، و در صدد عرضه اصطلاحات، مفاهیم و ارجاعات خودش در پروژه‌های با محوریت چین بر خواهد آمد (مانند طرح «یک کمربند، یک جاده»).

از بسیاری جهات، چین همچنان در پروسه پیگیری هم‌آمیزی کامل در شرایط برابر (با قدرت‌های بزرگ) خواهد بود. این امر نه تنها شامل مسائل جایگاهی حل نشده، بلکه پذیرش چین از سوی جامعه بین‌المللی به عنوان یک اقتصاد بازاری کامل در چهارچوب سازمان تجارت جهانی می‌شود. هم‌آمیزی و پذیرش کامل چین کماکان به واسطه قابلیت‌های محدود

234. Da and Wang, op.cit. in note 3, p. 243.

235. Fu Ying, op.cit. in note 5.

236. Da and Wang, op.cit. in note 3, p. 243.

237. Ren Xiao, 'A Reform-minded Status Quo Power? China, the G20, and Reform of the International Financial System', *Third World Quarterly*, vol. 36, no. 11, 2015

هر چند سریعاً در حال رشد) پکن در رهبری از لحاظ تخصص فنی و ظرفیت دیپلماتیک، با مانع مواجه خواهد شد.

۳. چین به صورت راهبردی از عرصه‌ها یا تشکل‌های میانجی (بریکس، طرح یک کمربند، یک جاده، گروه بیست) به عنوان اهرمی جهت ارتقاء جایگاه خود و اولویت‌های سیاستیاش استفاده خواهد کرد.

رهبران چین با انجمن‌ها و عرصه‌هایی که مرزهای بین هماهنگی دو جانبه و چند جانبه را محو کرده و شامل مدیریت متعادل یا نقش‌های واسطه‌ای در رابطه با اداره جهان می‌شوند، احساس راحتی می‌کنند. علاوه بر تجربه جاری بریکس، استقبال همه جانبه چین از گروه بیست احتمالاً یکی از مهم‌ترین تغییرات در موضع آن نسبت به اداره جهان در دهه‌های اخیر بوده است. رهبران چین از گروه ۲۰ به عنوان بخشی از هسته نهادی و عرصه اصلی برای اداره اقتصادی جهان استقبال کرده‌اند، چرا که به نفع برداشت چین از خود به عنوان یک میانجی بین جهان در حال توسعه و اقتصادهای پیشرفته است. پکن با پیگیری آنچه که در نشست هانگژو در سال ۲۰۱۶ آن را یک موفقیت تلقی می‌کند، در صدد ارتقاء جایگاه خود و قاعده‌گذاری<sup>۲۳۸</sup> در گروه بیست برآمده و تلاش خواهد کرد این گروه را از یک ابزار مدیریت بحران به سمت تبدیل شدن به یک سازوکار مدیریتی بلندمدت سوق دهد.

گل سر سبد شی جین‌پینگ در زمینه سیاست خارجی یعنی طرح «یک کمربند، یک جاده» به چین کمک می‌کند نقاط قوت و جذبه قوی خود را به نمایش بگذارد. با اینکه این طرح به عنوان روش چین جهت تأمین کالاهای عمومی جهانی تدوین شد (و در واقع آشکال بهینه‌تری از همکاری مانند بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا را نیز در بر می‌گرفت)، در حال حاضر مشخصه آن دو جانبه‌گرایی شبکه‌ای و برگزاری نشست سران (یا «حکمرانی ساختگی»<sup>۲۳۹</sup>) است. توسعه بیشتر طرح «یک کمربند، یک جاده» و اهمیت و توجهی که پکن برای این طرح در نظر گرفته است، که اساساً یک روش دو جانبه با محوریت چین در مقایسه با گونه‌های نهادینه‌تر و چندجانبه همکاری محسوب می‌شود، رویکرد در حال تحول پکن در قبال مهار چالش‌های اداره جهان را روشن خواهد ساخت.

۴. چین به تلاش‌های خود در راستای تکمیل و احتراز از نظام موجود با چهار چوب‌های اقتصادی و امنیتی پر هزینه و چندلایه منطقه‌ای، شدت خواهد بخشید.

238. rule-setting

239. fake governance

مجموعه‌ای کامل از چهارچوب‌های منطقه‌ای مدیریت اقتصادی در آسیا به رهبری یا رهبری مشترک چین در حال شکل‌گیری است که اغلب در غرب دست کم گرفته می‌شود. تشکیلاتی نظیر طرح چیانگمای<sup>۲۴۰</sup>، مرکز تحقیقات اقتصاد کلان آسه‌آن+۳<sup>۲۴۱</sup> (AMRO)، بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا و همکاری اقتصادی جامع منطقه‌ای (RCEP) (که فعلاً تحت مذاکره است) با اینکه مسلماً کامل نیستند، اما مکمل و منعکس‌کننده فعالیت‌های مهمی از صندوق بین‌المللی پول (در زمینه نظارت و نقدینگی در بحران<sup>۲۴۲</sup>)، بانک جهانی (در زمینه تأمین مالی توسعه) و سازمان تجارت جهانی (در آزادسازی تجارت) در سطح منطقه‌ای هستند. احتمال دارد پکن حمایت خود از (و سرمایه‌گذاری در) استقلال منطقه‌ای این نهادها و به هم پیوستگی و قرارگیری<sup>۲۴۳</sup> جهانی آنها را افزایش دهد. رهبران چین در حالی که در پی تشدید توسعه این نهادها از طریق تبادل اطلاعات و ایده‌ها هستند (برای مثال در رابطه با پروژه بین‌المللی کردن پول رایج پکن)، به فکر گونه‌های پیشرفته‌تری از همکاری پولی تحت رهبری چین به عنوان یک چشم‌انداز بلندمدت برای منطقه بوده، اما از محدودیت‌های مشهود ناشی از کشمکش‌های منطقه‌ای بر سر قدرت (به ویژه با ژاپن) آگاه هستند. با این حال در همین اثناء پکن به دنبال هم‌آزمی بسیار نزدیکتر در خصوص بازارهای مالی منطقه و انواع کمتر جاه‌طلبانه بانک مرکزی و هماهنگ‌سازی پول رایج مبتنی بر رنمینبی است.

در حوزه امنیت، پکن به تغییر شکل فعالانه چهارچوب‌های سازمانی منطقه‌ای و امنیتی غیررسمی ادامه خواهد داد تا یک ساختار امنیت منطقه‌ای پرهزینه، چند لایه و با محوریت چین را ترویج دهد. این شبکه ترتیبات امنیتی به دامنه دیپلماسی دفاعی دو جانبه چین وسعت بخشیده و ساختار بندی مجدد منطقه را به منظور غلبه بر نفوذ ایالات متحده هدف قرار می‌دهد، الگوهای اتحاد را به چالش می‌کشد، و آنچه که رهبران چین تحت عنوان «پیشرفت همگام»<sup>۲۴۴</sup> در همکاری‌های اقتصادی و امنیتی از آن یاد می‌کنند را ارتقا می‌دهد. همانگونه که در اسناد استراتژی‌های کلیدی به طور خلاصه شرح داده شده است (مانند گزارش رسمی ژانویه ۲۰۱۷ پیرامون سیاست‌های همکاری امنیتی چین برای آسیا-اقیانوسیه)، پکن از طریق نهادهایی

240. Chiang-Mai Initiative

241. ASEAN<sup>۳</sup>+ Macroeconomic Research Office

242. crisis liquidity and surveillance

243. embeddedness

244. State Council Information Office of the People's Republic of China, 'China's policies on Asia-Pacific security cooperation', White Paper, 11 January 2017. The full text of the official English translation is available at [http://english.gov.cn/archive/white\\_paper/2017/01/11/content\\_281475539078636.htm](http://english.gov.cn/archive/white_paper/2017/01/11/content_281475539078636.htm).

همچون کنفرانس تعامل و اعتمادسازی آسیا<sup>۲۴۵</sup> (CICA)، سازمان همکاری شانگهای (SOC)، و سازوکارهای همکاری با طرف‌های محدود<sup>۲۴۶</sup> به رهبری چین، نفوذ خود را گسترش خواهد داد. چین از چهارچوب‌های همکاری چندجانبه و با طرف‌های محدود به عنوان کانال‌های دیگری برای شکل دهی به تعاملات امنیتی دو جانبه مهم استفاده کرده و بدین طریق عدم تقارن‌ها و قدرت تعیین برنامه چین را تقویت می‌کند.

##### ۵. چین به منظور کنترل حیطه‌های جدیدی از مسائل و حوزه‌های فنی بیشتری از اداره جهان، با قدرت عمل خواهد کرد تا قاعده‌گذاری در آینده را تحت نفوذ یا تسلط خود درآورد.

برخی از اقدامات قدرتمندانه و گاه تعجب‌انگیز پکن به حیطه‌هایی از مسائل مربوط می‌شوند که قاعده‌گذاری جهانی در آنها توسعه نیافته و یا به سرعت در حال تغییر است. رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ در سپتامبر ۲۰۱۶ مدعی شد که «چین در فرآیند وضع قواعد برای حیطه‌های جدیدی نظیر اقیانوس‌ها، نواحی قطبی، فضای سایبری، فضا، امنیت هسته‌ای، مبارزه با فساد و تغییرات اقلیمی فعال بوده است».<sup>۲۴۷</sup> در این حوزه‌ها، پکن از یک جایگاه نسبتاً رقابتی شروع به کار کرده و ساختارهای موجود نسبتاً جلودار آن نیستند. بدین ترتیب چین می‌تواند طرح‌های خودش در زمینه اداره جهان را پیش برده یا دست کم به صورت رو در رو با سایر قدرت‌های بین‌المللی تعامل کند. بالأخص این احتمال وجود دارد که چین مدیریت بین‌المللی را در ارتباط با بازارها و تکنولوژی‌های جدیدی گسترش دهد که در آنها به سمت یک موقعیت رهبری در حال حرکت است. این امر شامل طرح‌های فنی در نهادهای موجود مانند سازمان بهداشت جهانی (WHO)، سازمان هوانوردی غیرنظامی بین‌المللی<sup>۲۴۸</sup> (ICAO)، اتحادیه بین‌المللی مخابرات<sup>۲۴۹</sup> (ITU) و سازمان بین‌المللی استانداردسازی (ISO) خواهد شد، اما این احتمال وجود دارد که اقدامات جاه‌طلبانه‌تری جهت تعیین قاعده‌گذاری بین‌المللی را نیز در بر گیرد؛ برای مثال در رابطه با خودروهای الکتریکی، استفاده از پهپادها، ارزش‌های دیجیتال، کلان داده<sup>۲۵۰</sup> و تجارت الکترونیک.

245. Conference on Interaction and Confidence-Building Measures in Asia

246. minilateral

247. 'Xi calls for reforms on global governance', *Xinhua*, 28 September 2016

248. International Civil Aviation Organisation

249. International Telecommunication Union

250. Big data

حوزه‌های تغییرات اقلیمی و مدیریت فضای سایبری جهان، تأثیرات متنوعی که این طرح‌های چینی‌ها به بار خواهند آورد را برجسته می‌سازند. در مورد مدیریت اقلیم جهان، پس از دهه‌ها مشارکت در گفتگوهای جهانی پیرامون تغییرات اقلیمی همراه با تحقیقات و نوآوری داخلی، سیاستگذاران چینی به طرز باورپذیری در پی همکاری بین‌المللی در زمینه اقلیم هستند. در واقع، چین در شرف تبدیل شدن به یکی از حامیان مهم و احتمالاً یکی از عوامل محرک اداره جهان طبق «چارچوب کنوانسیون سازمان ملل در مورد تغییرات اقلیمی»<sup>۲۵۱</sup> (UNFCCC) است. در حالی که چین از منفعت مرتبط با این مسائل در بحث جایگاه بین‌المللی بهره‌مند می‌شود، این اتفاق عمدتاً به علت تقارب ملموس منافع داخلی و تعهدات بین‌المللی رخ می‌دهد. از سوی دیگر، تلاش‌های چینی‌ها برای ترویج یک رویکرد دولت محور و مبتنی بر کنترل اطلاعات نسبت به امنیت سایبری در مجامع چندجانبه، به صورت مداوم با اقدامات اروپایی‌ها و (به طرز گسترده‌تر) غربی‌ها در راستای ترویج یک اینترنت باز و آزاد مغایرت خواهد داشت. این مسئله عملاً بن بست در گفتگوهای حیاتی امنیت سایبری در سازمان‌های چندجانبه را به درازا خواهد کشاند. چین به بیرونی کردن و صدور فزاینده مفاهیم امنیتی و شیوه‌های مربوطه هم به کشورهای بزرگ (مانند روسیه) و هم به شمار رو به افزایشی از کشورهای در حال توسعه ادامه خواهد داد.

### پیامدهای مربوط به اروپا

در سال‌های پیش رو، تلاش‌های برجسته‌تر اما بسیار متمایزی برای شکل دهی به چهارچوب‌های موجود و جدید همراستا با اولویت‌های سیاست داخلی و خارجی خودش، مشخصه کنشگرایی و تعهدات جهانی پکن در زمینه اداره جهان خواهند بود. به بیان یکی از صاحب نظران برجسته چینی، «چین از طریق مشارکت فعال در اداره جهان و به منظور دستیابی به نفوذ بیشتر، از منافع خود حراست خواهد کرد؛ لذا در فرآیند ارائه طرح‌های پیشنهادی چین نقش پررنگ‌تری در جامعه بین‌المللی ایفا خواهد نمود».<sup>۲۵۲</sup> این امر بیشتر شامل برداشتن گام اول توسط پکن و همچنین بر عهده گرفتن مسئولیت‌های بین‌المللی بزرگ‌تر، در عین اصلاح مدیریت جهان جهت بهبود جایگاه و موقعیت راهبردی چین خواهد شد.

نقش چین از این نظر که این کشور بسیار منفعت محور است و گاه در هماهنگ‌سازی مدیریت بین‌المللی با اولویت‌های داخلی پیچیده و متغیر خود در زمینه توسعه یک کشمکش

251. UN Framework Convention on Climate Change

252. Da and Wang, op.cit. in note 3, p.239

درونی دارد، نسبتاً قابل پیش‌بینی خواهد بود. پکن به میزان زیادی در حال عمل کردن در داخل این سیستم (هم در زمان حال و هم آینده) است. اما اذعان به تصویر کامل موقعیت منطقه‌ای و جهانی چین، و نیز برهمکنش بین رفتار اصلاح‌طلبانه، چالش برانگیز و سرکشانه پکن در زیرشاخه‌های مختلف مدیریت بین‌المللی، امری مهم است.

تأثیر چین بر روی (و رویکرد آن نسبت به) مدیریت جهان، در واقع به مقدار زیادی منعکس کننده «فکر کردن در چهارچوب یک مدرنیته کاپیتالیستی جهانی» است.<sup>۲۵۳</sup> با این وجود، پکن تنها به دنبال تغییر موقعیت قدرت در سیستم مذکور با استفاده از یک رویکرد چند لایه آگاهانه، انطباقی، آزمایشی و متمایز نیست. در سال‌های آتی، ناظران همچنین شاهد تغییر روش چین از نمادگرایی به محتوا، و از درخواست فضای کافی به طرح‌های پیشنهادی بیشتر در مورد سیاست که منحصر به چین هستند، خواهند بود.

مشارکت چین در راستای دنبال کردن همراستایی بیشتر فضای بین‌المللی با مسیر فعلی (و به سرعت در حال تغییر) اقتصاد سیاسی آن، مورد تعدیل قرار خواهد گرفت. این رویه به صورت روزافزونی شامل ارتقاء «آموزه‌های فراگرفته شده چین» (به عبارت دیگر اعتقادات راسخ و ماهرانه چینی‌ها در مورد فحوای سیاست) در داخل سیستم جهانی می‌شود. رویه مورد نظر همچنین متشکل از تلاش‌های سخت‌تر و مطمئن‌تر جهت بیرونی کردن رویکرد تحت رهبری دولت در قبال مدیریت اقتصادی و اجتماعی در ترتیبات بین‌المللی است. بدیهی است که آن دسته از رویه‌های اداره (یا مدیریت) جهان که به نفوذ دستور کار داخلی حزب کمونیست چین و اولویت‌های مدیریتی کمک می‌کنند، حمایت بسیار شدیدتری از جانب پکن دریافت می‌کنند.

اگرچه چین دارای اشتیاق شدیدی برای دخیل بودن در اداره جهان است، اما پکن مواضع سیاسی روشن یا حتی طرح‌هایی عملی برای بسیاری از مسائل مربوط به اداره جهان ندارد. در حالی که رهبران چین به این موضوع پی برده‌اند که سواری مجانی<sup>۲۵۴</sup> یا دوری‌گزیدن به نفع چین نخواهد بود، این کشور هنوز در حال فراگرفتن شیوه رهبری است. رویکرد چین در قبال تأمین کالاهای عمومی و ماهیت اداره جهان، تجربی، در حال تحول و تا حدی منحصر به فرد است. بازیگران اروپایی کماکان با یک دیدگاه رایج و متداول در میان متخصصین چینی مواجه خواهند بود مبنی بر اینکه رسیدگی موفقیت‌آمیز چین به مشکلات خودش هم اکنون نیز سهم بسیار بزرگی را در اداره جهان تشکیل می‌دهد. در عین حال، بحثی در میان متخصصان

253. Summers, op. cit. in note 1, p.23.

254. free-riding



و سیاستگذاران در حال مطرح شدن است که دریچه‌های تازه‌ای را برای تبادل نظر باز می‌کند. در واقع، اینکه طرح‌های چین برای تلفیق در ساختارهای جهانی سازگار و قابل تعدیل باشند یا خیر، تا اندازه‌های منوط به رخدادهای موقعیتی خواهند بود، مانند نقش افراد (برای مثال، رئیس کنونی بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا یعنی جین لیکون<sup>۲۵۵</sup>) و شیوه پیچیده و غیرشفافی که به موجب آن طرح‌های پیشنهادی سیاستی از داخل نظام سیاسی چین عبور می‌کنند. راهی برای دور زدن چین به عنوان یک شریک و رقیب در مدیریت تحول اداره جهان وجود نخواهد داشت. اروپا باید این واقعیت را به طور کامل بپذیرد که میزان و مسیر مشارکت چین در اداره جهان الزامات مهمی برای رسیدگی به مبرمترین مشکلات جهانی در بر دارد. در عین حال، چین همچنین یکی از نیروهای محرکه چند پارگی، تمرکز زدایی، هم راستایی مجدد، و تا حدی غربی‌زدایی نظم بین‌المللی خواهد بود؛ نه تنها از لحاظ توازن کلی نفوذ، بلکه از نظر ماهیت سیاسی. این بدان معنا است که نقش رو به رشد چین متضمن عناصر بیشتری از رقابت سیستمی با رویکردهای لیبرال در قبال اداره جهان خواهد بود که به شکل فرضیات واگرایانه درباره اشکال مشروع و مؤثر اداره داخلی نمود می‌یابد.

## ۱۰- روابط چین و اتحادیه اروپا: افق ۲۰۲۵

گوردون و کر

## مقدمه: از کجا آمده‌ایم و اکنون کجا هستیم

در سه دهه اخیر، الگوی تعامل بین اتحادیه اروپا و چین بسیار پایدار بوده است: هر دو روابط بسیار نزدیک‌تری را در زمینه تجارت و سرمایه‌گذاری برقرار نموده و به مرور زمان این پیوندهای نزدیک‌تر به حیطه‌ها و مسائلی فراتر از اقتصاد تعمیم یافته است. این رابطه تا زمان بحران مالی جهان در سال‌های ۲۰۰۸-۹ عمدتاً توسط اتحادیه اروپا برانگیخته می‌شد، که برنامه کار را تعیین می‌نمود و مسائلی که می‌بایست در «گفتگوهای بخشی»<sup>۲۵۶</sup> مورد بحث قرار گیرند را پیشنهاد می‌کرد. در طول کل این دوره، اتحادیه اروپا علیرغم وقفه‌هایی در طول مسیر، با همبستگی عمیق‌تر و بسط دادن عضوگیری خود (عضویت کشورهای بیشتر در این اتحادیه) رو به جلو حرکت کرده است. از سوی دیگر، توسعه چین با رشد اقتصادی سریع با یک نرخ بی‌سابقه و الحاق تدریجی آن در نظام بین‌المللی تحت سلطه غرب همراه شد که بعد از جنگ جهانی دوم شکل گرفته بود. در تمام این مدت، اختلافات موجود در نظام‌های سیاسی کشورهای عضو اتحادیه اروپا و چین نادیده گرفته نشد اما به موانع عمده‌ای برای همکاری نیز بدل نشد. عده بسیاری از اروپا حتی معتقد بودند که فرآیند نوسازی (یا مدرن سازی) آن در برهه‌ای چین را به یک مسیر همگرایی با غرب سوق خواهد داد (از طریق لیبرال‌سازی اقتصاد، پلورالیزه کردن اجتماعی، و یک طبقه متوسط رو به رشد که خواهان مشارکت در فرآیند سیاسی هستند).

به دنبال بحران مالی جهانی، الگوی شرح داده شده در فوق به تدریج و شاید به نحوی برگشت‌ناپذیر تغییر کرده است. در حالی که اتحادیه اروپا به شدت دچار آسیب ناشی از این رویداد (که تأثیرات هنگفتی بر جای گذاشت) شد و هنوز بر بحران بدهی منطقه یورو فائق نیامده است، چین به لطف یک برنامه تشویقی عظیم به سرعت خود را بازیابی کرد و توانست دست کم برای چند سال نرخ‌های رشد بالای خود را به صورت ۲ رقمی یا نزدیک به آن حفظ نماید. از سال ۲۰۱۱ نرخ‌های رشد چین به زیر ۷ درصد تقلیل یافته‌اند، اما این کاهش به عنوان مشکلات اولیه و اجتناب‌ناپذیر روند گذار به یک مسیر توسعه مبتنی بر مصرف در نظر گرفته شده‌اند («وضعیت متعارف جدید»<sup>۲۵۷</sup>).

256. sectoral dialogues

257. the 'new normal'

کشورهای عضو اتحادیه اروپا و کشورهای همسایه آنها اکنون به یکی از مقصدهای عمده برای سرمایه‌گذاری چینی‌ها تبدیل شده‌اند. با این وجود، اتحادیه اروپا به عنوان الگویی از یکپارچگی و هم‌آمیزی منطقه‌ای و یک وزنه تعادل<sup>۲۵۸</sup> سیاسی بالقوه در برابر ایالات متحده به عنوان تنها ابرقدرت بازمانده از جنگ سرد، بخش زیادی از جذابیت خود برای چین را از دست داده است. شوک رأی به «برگزیت» در بریتانیا، رشد و دامنه شک نسبت به اروپا<sup>۲۵۹</sup> در دیگر کشورهای عضو اتحادیه اروپا و سلسله‌ای کامل از بحران‌ها در همسایگی اروپا حتی منجر به تردیدهایی در مورد دوام و بقای این اتحادیه به شکل کنونی شده است. هرچند درست است که چین نیز با انبوهی از چالش‌های داخلی جدی در سال‌های آتی مواجه است (همانگونه که در بخش اول این گزارش نشان داده شد)، اما احتمال کاهش ردپای این کشور در جهان و در نظم بین‌المللی وجود ندارد. بالعکس، چین تحت رهبری شی جین‌پینگ در سطح جهانی کنشگرانه‌تر عمل کرده است؛ آن هم در مجامع رسمی مانند گروه بیست و همچنین در طرح‌ریزی نهادی جدیدی همچون بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا.

انتخاب دونالد ترامپ به عنوان چهل و پنجمین رئیس‌جمهور ایالات متحده (که حداقل به اندازه نتیجهٔ رفراندوم برگزیت غافلگیرکننده بود) به فهرست تردیدهایی که اتحادیه اروپا و مابقی جهان با آنها روبرو هستند، افزوده است، که سؤالاتی را راجع به آیندهٔ نظم مبتنی بر قانون «غرب» پیش می‌آورد. هرچند خیلی زود است که بگویم ریاست جمهوری ترامپ طی چند سال آینده چه تأثیری بر جای خواهد گذاشت، اما طرح فرضیاتی چند در این خصوص ضروری ندارد. ایالات متحده دیگر شریک قابل اطمینانی در مقابله با تغییرات اقلیمی نخواهد بود؛ پیمان تجاری و سرمایه‌گذاری ترنس-آتلانتیک (TTIP)، که توافقنامهٔ پیشنهادی تجارت آزاد بین اتحادیه اروپا و ایالات متحده است، احتمال ندارد در آینده‌های نزدیک شتاب قابل توجهی به خود بگیرد؛ و حقوق بشر و ارزش‌های دموکراتیک به منزلهٔ مواردی با اولویت بالا در دستور کاری موسوم به «آمریکا در اولویت» گنجانده نخواهند شد.

با توجه به چشم‌انداز اتخاذ یک دستور کار ضد جهانی‌سازی و حامی صنایع داخلی توسط آمریکا، رهبران چین تمایل و آمادگی خود را برای ورود به میدان و ارتقاء وجههٔ این کشور نشان داده‌اند، آن هم از طریق عهده‌دار شدن مسئولیت‌های بین‌المللی بیشتر از جمله در دفاع از جهانی‌سازی و یک نظم تجاری لیبرال. مانند سایر قدرت‌ها، چین عرصه‌هایی را انتخاب خواهد کرد که مایل است ورودی خود در آنها را با دقت و بر اساس منافع ملی خودش افزایش دهد.

258. counterweight

259. euroscepticism

## دوره منتهی به سال ۲۰۲۵: چگونگی برخورد با حضور و جاه‌طلبی بیشتر چین

اینکه آیا (و چطور) اتحادیه اروپا می‌تواند بر بحران‌های متعددی که با آنها مواجه بوده غلبه نماید، برای رابطه‌اش با چین در دهه پیش رو حیاتی خواهد بود. فرآیند خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا از اکنون تا پنج سال آینده تکمیل می‌شود، در حالی که امید است ۲۷ عضو باقیمانده یکپارچگی سیاسی خود را یا بین همه اعضا و یا دست کم در میان اعضای اصلی تعمیق کنند. برای اهداف مربوط به این فصل، ما باید فرض را بر این بگذاریم که اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۵ جایگاه خود را در عرصه سیاست خارجی و امنیتی همچنان حفظ خواهد کرد. احتمالاً بالاترین اولویت چین کماکان حفظ حکومت تک حزبی خواهد بود، به گونه‌ای که سیاست خارجی و موضع‌گیری جهانی آن در درجات بعد قرار می‌گیرند. همانطور که سایل فصل‌های این گزارش شرح داده شد، حزب با چالش‌های داخلی مبرم و زیادی مواجه است. به علاوه، رخدادهای خارجی می‌توانند ادعاهای مبنی بر «فضای صلح‌آمیز» چین را در معرض خطر قرار دهند.

طی دهه آینده، اتحادیه اروپا با چینی سروکار خواهد داشت که ردپای خود را در سطح جهان و از جمله اروپا با انجام اقداماتی از این قبیل افزایش می‌دهد: پیگیری تلاش‌هایی نظیر طرح «یک کمربند، یک جاده»، افزایش سرمایه‌گذاری‌ها در خارج، تقویت منافع تجاری چین در کشورهای ثالث، تحکیم نهادهای بین‌المللی مربوط به خودش مانند بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا، و اظهارنظر و پیشنهاد در خصوص چگونگی ساماندهی فضاهایی که تا به حال بدون نظارت مانده یا تنها نظارت جزئی روی آنها بوده است (مانند فضای سایبری). اگر طرح «یک کمربند، یک جاده» طبق برنامه پیش برود، اروپا همچنین از لحاظ زیرساخت حمل و نقل بیشتر از حال حاضر با چین متصل خواهد بود. اتحادیه اروپا با چینی روبرو خواهد شد که حضور اقتصادی بسیار بیشتری در کشورهای عضو این اتحادیه داشته و با توجه به برنامه کاری تکنولوژیکی آن برای دوره منتهی به ۲۰۲۵، رقابتی‌تر عمل می‌کند.

در سال‌های آتی، چین همچنین ممکن است توجه بیشتری به گسترش گردهمایی‌های منطقه‌ای مشابه با گروه «۱۶+۱» مبذول دارد؛ هیأتی که در سال ۲۰۱۲ آغاز به کار کرد و چین و ۱۶ کشور از اروپای مرکزی و شرقی را برای نشست‌های سالانه سران و برای مباحثی پیرامون سرمایه‌گذاری و پروژه‌های زیرساختی گرد هم می‌آورد. از آنجا که پنج کشور از این ۱۶ کشور اروپایی (هنوز) عضو اتحادیه اروپا نیستند، گروه مذکور تماماً تحت چهارچوب نظارتی

اتحادیه اروپا قرار نمی‌گیرد. مجموعه‌های مشابه دیگری نیز وجود دارند که چین ممکن است سعی کند در سال‌های پیش رو با آنها همکاری کند. مسیرهای احتمالی با کشورهای اسکاندیناوی، جنوب شرقی اروپا، یا کشورهای حوزه مدیترانه در چهارچوب وسیع‌تر طرح «یک کمربند، یک جاده» نیز ممکن است مورد کاوش و بررسی واقع شوند. با اینکه چین این گروه‌بندی را مکمل روابط بین اتحادیه اروپا و چین دانسته و انتظار تشریک مساعی دارد، اما آنها چالش مازادی را برای انسجام و پیوستگی اتحادیه اروپا به وجود می‌آورند.

### سناریوهای جایگزین: اصلاح یا رکود<sup>۳۶۰</sup>

نظر به اصلاحات ساختاری خود چین که در ابتدا هنگام به قدرت رسیدن شی جین پینگ اعلام شدند، دو سناریوی متفاوت، محتمل به نظر می‌رسند. تا به اکنون، مسیر چین تحت رهبری شی جین پینگ با یک تناقض اساسی همراه بوده است: در حالی که رهبران چین از موج دوم «گشایش» کشور رو به دنیای بیرون سخن می‌گویند (هدف اعلام شده طرح «یک کمربند، یک جاده» و یک مضمون مکرر مشهود در موضوع اصلی سخنرانی شی جین پینگ در مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۱۷)، بالعکس، روند موجود در داخل رو به سوی بسته شدن کشور دارد؛ همانطور که نمود آن را در موارد ذیل مشاهده می‌کنیم: محدودیت‌های اعمال شده روی سرمایه‌گذاری خارجی، انتقاد از تأثیرات و نفوذ فرهنگی غرب، قوانین امنیتی جدید، و کاهش فضا برای جامعه مدنی.

پس از نوزدهمین کنگره ملی حزب کمونیست چین در پاییز ۲۰۱۷، این امکان وجود دارد که شی جین پینگ قدرت خود را بیش از پیش تحکیم کرده و حزب شروع به پیاده‌سازی برنامه اصلاحات (که برای دوره پیش رو اعلام شده بود) نماید. این امر مستلزم عرضه رقابت بیشتر در بازار چین و گشایش این کشور رو به سرمایه‌گذاری خارجی، از جمله در بخش خدمات است (بانکداری، بیمه، و غیره) که دسترسی به آن تا کنون بسیار محدود بوده است. با پیگیری چنین مسیری، شی جین پینگ، نطقی را پیگیری خواهد نمود که در اجلاس داووس ایراد کرد و در آن چین را به عنوان مدافع جهانی سازی و تجارت آزاد جلوه داد.

چنانچه این سناریو در چند سال آینده به وقوع بپیوندد، توافقتنامه سرمایه‌گذاری دو جانبه بین اتحادیه اروپا و چین (که برای مدت نسبتاً زیادی مورد مذاکره قرار گرفته است) هر چند پیشرفت اندکی داشته اما می‌تواند به انجام برسد. این موضوع امیدهای مربوط به یک توافق جامع‌تر در زمینه تجارت آزاد تا سال ۲۰۲۵ را تقویت می‌کند. با اینکه سرمایه‌گذاری‌های چینی‌ها در

کشورهای عضو اتحادیه اروپا با محدودیت‌های اندکی مواجه می‌شود، بازار چین در بسیاری از زمینه‌ها همچنان به روی سرمایه‌گذاری‌های اروپا بسته است. به این علت، چین مشوق‌های کمی را برای ارائه امتیازات انحصاری و دسترسی بیشتر به سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم (FDI) فراهم نموده است. گزینش ترامپ همراه با شعار «آمریکا در اولویت» و تهدیدات اقتصادی اولیه توسط وی خطاب به چین، می‌تواند موجب ایجاد یک تغییر در موضع چین شود. اما در نهایت، این تصمیم که آیا رهبران چین با اعطای یک نقش پررنگ‌تر به بازار در مدیریت اقتصاد این کشور پیشرفت کنند (یا نکنند)، یک تصمیم سیاسی داخلی و مبتنی بر ارزیابی رهبران چین از ریسک‌های ناشی از این مسئله برای ثبات اجتماعی و سیاسی خواهد بود.

بالعکس، اگر روندهای حمایت از صنایع داخلی، تقویت شرکت‌های تحت مالکیت دولت و محدودسازی دسترسی به بازار برای عاملان اقتصادی خارجی ادامه یابد، شکست در انجام اصلاحات ساختاری می‌تواند به رکود پایدار منجر شود. چنین توسعه‌ای چین را برای اتحادیه اروپا به شریکی که همکاری با آن طی دهه آتی راحت‌تر باشد، تبدیل نمی‌کند. در این مورد، مذاکرات بر سر یک معاهده سرمایه‌گذاری ممکن است بیش از پیش دچار وقفه شود و امید به یک توافقنامه تجارت آزاد بین اتحادیه اروپا و چین از میان برود؛ به ویژه در سایه نگرانی‌های همگانی در داخل کشورهای عضو اتحادیه اروپا درباره فروپاشی صنایع و از بین رفتن مشاغل در داخل، تحت فشار قیمتگذاری رقبای چینی (که یارانه و کمک مالی از دولت دریافت می‌کنند). در داخل کشورهای عضو اتحادیه اروپا نه تنها نااطمینانی نسبت به اروپا بلکه دیدگاهی منفی نسبت به جهانی‌سازی در حال پیدایش است. هیچ کشوری مانند چین با جنبه‌های مثبت و منفی جهانی‌سازی در ارتباط نبوده است. چین با استفاده از گشودگی و به هم پیوستگی یک اقتصاد جهانی به عنوان اهرمی برای کسب موفقیت‌های بی‌سابقه، همچنین در عین حال پتانسیل این عوامل را برای دخیل بودن در تخریب محیط‌زیست و افزایش نابرابری اجتماعی و اقتصادی به نمایش گذاشته است. دولت‌های اروپایی و اتحادیه اروپا مجبور خواهند بود محدودیت‌هایی که احساسات داخلی ضد جهانی‌سازی و ضد چین بر روی میزان و ماهیت همکاری با پکن اعمال می‌کنند را مورد ملاحظه قرار دهند.

### چشم‌اندازهای مربوط به تقویت همکاری

در صورتی که سناریوی دوم یعنی تداوم حمایت از صنایع و تولیدات داخلی در چین به حقیقت پیوندد، باز هم فرصت‌هایی برای اتحادیه اروپا جهت همکاری با چین (اگر بتواند خود را در

موقعیت روشن تری قرار داده و کشگرایانه‌تر عمل کند) وجود دارد. برای مثال، در طرح «یک کمربند، یک جاده» که تصور چین از یک جاده ابریشم قرن بیست و یکمی است، اروپا یکی از نقاط پایانی مهم به شمار می‌رود. اتحادیه اروپا نه تنها علاقه‌مند به همکاری با چین در این طرح عظیم در داخل اروپا است، بلکه تمایل دارد پروژه‌های مشترکی را نیز در کشورهای ثالث و مناطق دیگر نظیر آسیای مرکزی متقبل شود. با اینکه چهارچوب سازمانی لازم برای چنین همکاری‌ای برقرار شده است (تحت عنوان پلتفرم اتصال<sup>۲۶۱</sup>)، اما باید دید آیا چین از رویکرد کنونی خود (که غالباً دوجانبه است) به اندازه کافی فراتر خواهد رفت تا کوریدوره‌ای اقتصادی مورد پیش‌بینی را ایجاد نماید، و آیا مایل به پیروی از استانداردهایی که اتحادیه اروپا آنها را حیاتی قلمداد می‌کند هست یا خیر. اگر هدف طرح «یک کمربند، یک جاده» به واقع هماهنگ‌سازی استانداردها و فرآیندها (مانند گمرکات) و ایجاد کوریدوره‌ای اقتصادی و شبکه‌های زیرساختی چندملیتی باشد، تجربه اتحادیه اروپا در چهارچوب‌های مذاکره‌ای برای این نوع از همکاری می‌تواند مفید و خوشایند واقع شود.<sup>۲۶۲</sup>

اتحادیه اروپا همچنین به دنبال همکاری بیشتر با چین در مورد مسائل جهانی خواهد بود، به ویژه برنامه‌های مشترکی که احتمال دارد ایالات متحده در دوره ریاست جمهوری ترامپ از آنها دست بکشد. بارزترین گزینه‌ها برای این همکاری تغییرات اقلیمی (به ویژه اجرای معاهده اقلیمی پاریس) و حفاظت از نظام تجاری جهان تحت لوای سازمان تجارت جهانی (WTO) و از طریق توافقنامه‌های تجارت آزاد (چند جانبه) است. یکی دیگر از حیطه‌هایی که همکاری با چین در آن می‌تواند افزایش یابد، عملیات‌های حفظ صلح است. اتحادیه اروپا همچنین می‌تواند تلاش‌های خود به منظور هماهنگی بیشتر با چین در زمینه کمک به توسعه<sup>۲۶۳</sup> را تشدید نماید؛ مقوله‌ای که بدون تردید برای دولت ترامپ یک اولویت محسوب نمی‌شود.

پیمان اقلیمی پاریس که در دسامبر ۲۰۱۵ منعقد شد تنها بدین علت امکانپذیر بود که چین و ایالات متحده (به ریاست جمهوری اوباما) پیشتر توافق کرده بودند کارها را پیش برده و بدین ترتیب چرخه سرزنش متقابل را بشکنند. پس از یک دوره بلاتکلیفی، رئیس‌جمهور ترامپ رسماً کناره‌گیری ایالات متحده از این معاهده را اعلام کرد. هرچند هماهنگ‌سازی

261. Connectivity Platform

262. See Mathieu Duchâtel et al, 'Eurasian Integration and the EU', in *Absorb and Conquer: An EU Approach to Russian and Chinese Integration in Eurasia*, European Council on Foreign Relations (ECFR), London, 2016, pp.11-28

263. development aid

استانداردهای زیست‌محیطی و انتشار گازهای گلخانه‌ای با ضرورت‌های اقتصادی برای چین (که در سال ۲۰۰۶ به بزرگترین انتشاردهنده گازهای گلخانه‌ای بدل شد) یک چالش خواهد بود، اما احتمال آن نمی‌رود که این کشور از توافقنامه پاریس کناره‌گیری کند. این برای اتحادیه اروپا فرصتی برای تعمیق همکاری است، که از زمانی که اولین بیانیه مشترک در مورد تغییرات اقلیمی در ۲۰۰۵ به امضا رسید، در دستور کار اتحادیه اروپا و چین قرار داشته است. عملیات‌های حفظ صلح تحت رهنمودهای سازمان ملل حیطة دیگری است که در آن همکاری بین اتحادیه اروپا و چین در جریان بوده است، از جمله در کشور مالی از سال ۲۰۰۳ و عملیات ضد دزدان دریایی در خلیج عدن از سال ۲۰۰۹. علاوه بر این، شی جین‌پینگ در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۱۵ اعلام کرد که چین کمک‌های خود برای حفظ صلح بین‌المللی را به شکل پشتیبانی مالی، آموزش و نیروی نظامی افزایش خواهد داد.

یکی از حوزه‌هایی که اتحادیه اروپا به مدت چندین سال برای همکاری با چین در آن تلاش کرده است، کمک به توسعه و نزدیک‌تر کردن آن با استانداردهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) است. تا کنون تنها شاهد نتایج محدود در این زمینه بوده‌ایم که با تبدیل کردن آن به یک موضوع مباحثه تحت ساختار گفت‌وگو بین اتحادیه اروپا و چین، فاصله دارد. اختلافات عمده بین هر دو طرف (تعیین شرایط مدیریت مناسب در برابر اعطای کمک‌ها بدون هیچ شرایط یا محدودیت‌های خاصی) نشانگر یک واگرایی در رویکردها است که نمی‌توان به راحتی آنها را به هم نزدیک کرد. پروژه‌های مشترک تحت طرح «یک کمربند، یک جاده» می‌تواند طی دهه آینده فرصتی را جهت مذاکره پیرامون یک رویکرد مشترک (برای مثال در کشورهای آسیای مرکزی) فراهم سازد؛ رویکردی که شرایط و نیازهای محلی و نیز استانداردهای زیست‌محیطی و نیروی کار را مورد ملاحظه قرار دهد.

مسائل دیگری در زمینه اداره جهان وجود دارند که یافتن زمینه مشترک در آنها با چینی که اعتماد به نفس بیشتری داشته و در سازمانها و نظام‌های بین‌المللی است، هم‌اکنون نیز دشوار بوده و ممکن است از این هم سخت‌تر شود. تلاش برای کسب نفوذ بیشتر یکی از چنین حوزه‌هایی، فضای سایبری است که در آن چین تلاش‌هایی را در راستای جلب حمایت بین‌المللی از ایده آن موسوم به «حاکمیت سایبری»<sup>۲۶۴</sup> انجام داده است. اگرچه غرب و کشورهای اروپایی ایده نظارت جزئی بر فضای سایبری را رد نمی‌کنند، اما یک تفسیر محدود و دولت محور از حاکمیت



سایبری را تأیید نکرده‌اند. علیرغم این اختلافات، همکاری با چین در زمینه مسائلی همچون جرائم سایبری، جاسوسی اقتصادی مبتنی بر فضای سایبری، و قوانین سایبری ملی همچنان یک ضرورت خواهند بود؛ به خصوص با توجه به خطر رو به افزایش فناوری اطلاعات شبکه‌ای در تسهیل و سازماندهی فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی. با دغدغه‌های مربوط به امنیت سایبری به عنوان یک مسئله فراگیر در اکثر گونه‌های تعامل، اتحادیه اروپا باید آماده باشد که جدیت خود درباره اعمال و متحمل شدن هزینه‌های لازم برای دستیابی به درک مشترکی با چین در خصوص رفتار مسئولانه در فضای سایبری را نشان داده و همکاری بلندمدت در این زمینه را تضمین نماید. در مورد این مسئله و دیگر مسائل (برای مثال تعریف تروریسم)، جاهایی که چین و اتحادیه اروپا در یک مشترک و یکسانی ندارند، پرهیز از نادیده گرفتن این اختلافات محض خاطر (تصور باطل) همکاری با چین، امری حائز اهمیت برای اتحادیه اروپا خواهد بود. نوآوری و تکنولوژی معمولاً توسط چین با عنوان زمینه‌هایی یاد می‌شوند که در آنها همکاری با اتحادیه اروپا می‌تواند بهبود یافته و تعمیق شود. به منظور پیشرفت در زمینه چنین برنامه‌ای، اتحادیه اروپا باید اهداف وضع شده توسط خود چین برای دوره منتهی به سال ۲۰۲۵ (مانند طرح «ساخت چین، ۲۰۲۵») را در نظر داشته باشد.

### نتیجه‌گیری

اتحادیه اروپا هنگام همکاری با چین نباید از هنجارها و ارزش‌های خود (که در گذشته اصول راهنمای لازم برای موجودیت آن را فراهم نموده‌اند) دست بکشد. نظم جهانی مبتنی بر قانون یک نظام ثابت و تغییرناپذیر نیست، و اتحادیه اروپا به چین نشان داده است (برای مثال با پیوستن اعضای این اتحادیه به بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا) که تمایل دارد از اینکه چین یک نقش بین‌المللی رو به رشد و نفوذ بیشتری در امور جهان داشته باشد، حمایت کرده و آن را بپذیرد. اتحادیه اروپا باید این پذیرا بودن خود نسبت به تغییرات در نظام بین‌الملل را حفظ نماید، مادامی که این تغییرات مغایر با ارزش‌ها و عقاید اساسی آن نباشند. دولت ترامپ ترندهای جدیدی را برای آینده یک نظم مبتنی بر قوانین به بار آورده است. در برابر پس زمینه تغییر نگرش ایالات متحده به یک رویکرد معامله‌گرایانه در قبال دیپلماسی، اتحادیه اروپا همه مسئولیت‌های مرتبط با پاسداشت هنجارها، استانداردها، و الزامات معاهده‌ای بین‌المللی را بیش از پیش بر عهده دارد. چین یکی از ذینفعان نهادهای بین‌المللی موجود و (به طور کلی) یک نظم مبتنی بر قوانین بوده است، حتی اگر در مواقعی جنبه‌های جداگانه‌ای

از این موضوع را نقد یا رد کرده و یا از آن شانه خالی کرده باشد. در سال‌های پیش‌رو، اتحادیه اروپا فرصت کافی خواهد داشت تا همکاری خود با چین در خصوص مسائل جهانی و در چهارچوب سازمان‌های بین‌المللی را تعمیق نماید، اما باید چالش‌های بنیادین مربوط به چگونگی انجام این کار بدون فدا کردن اعتقادات اصلی اتحادیه را حل و فصل کند.

# واکنش اروپا به طرح یک کمربند، یک جاده

گریما موهان

صندوق مارشال آلمان



## چکیده

شور و اشتیاق روزهای اول اروپا نسبت به طرح یک کمربند، یک جاده<sup>۱</sup> (جاده ابریشم جدید) فروکش کرده و رو به سردی گذاشته است. این طرح به طور بالقوه می‌تواند عامل تضعیف انسجام درونی اتحادیه اروپا باشد، می‌تواند امنیت اروپا را تحت شعاع قرار دهد و در نهایت می‌تواند رقابت را برای شرکت‌های اروپایی در زمینه تجارت، سرمایه‌گذاری و دسترسی به بازار در اروپا و آسیا دشوارتر کند. سیاست‌گذاران اروپایی نیز پی به تأثیرات طرح یک کمربند، یک جاده در خارج از قاره اروپا و مشخصاً بر موازنه قدرت و ثبات در آسیا شده‌اند. بازارهای آسیایی از مقاصد مهم صادرات اروپا هستند و بخش اعظم حمل و نقل تجاری دریایی اروپا از هند-اقیانوس آرام می‌گذارد.

بنابراین، روشن است که اروپا از حفظ نظم قاعده محور و جریان بدون مانع تجارت در اقیانوس‌های هند و آرام نفع می‌برد. با اینکه اروپا هنوز با ساختار جدید «هند-اقیانوس آرام» دست و پنجه نرم می‌کند، منافع آن با کشورهای گفتگوی امنیتی چهارجانبه<sup>۲</sup> همگرایی دارد. دولت‌های عضو مانند فرانسه و بریتانیا مشغول ارزیابی دوباره نقش خود در هند-اقیانوس آرام هستند؛ و اتحادیه اروپا می‌خواهد با بازیگران کلیدی آسیا برای تدوین قواعد مربوط به «اتصال»<sup>۳</sup> به یکدیگر و دادن پاسخی جامع به چالش طرح یک کمربند، یک جاده همکاری کند.

---

1. Belt and Road Initiative (BRI)

2. The Quadrilateral Security Dialogue (QSD)

گفتگوی امنیتی چهارجانبه، گفتگوی استراتژیک غیررسمی بین ایالات متحده، ژاپن، استرالیا، و هند است که به واسطه مذاکرات بین کشورهای عضو تداوم می‌یابد. این گفتگو در سال ۲۰۰۷ به ابتکار شینزو آبه، نخست‌وزیر ژاپن و با پشتیبانی دیک چینی، معاون سابق رئیس جمهور آمریکا، جان هاوارد، نخست‌وزیر وقت استرالیا و مان موهان سینگ، نخست‌وزیر هند برگزار شد. (م)

3. connectivity

## مقدمه

شور و اشتیاق روزهای اول اروپا نسبت به طرح یک کمربند، یک جاده فروکش کرده و رو به سردی گذاشته است، چراکه متوجه پیامدهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی آن برای قاره آسیا و مسیرهای تجارت و انرژی اروپا در هند-اقیانوس آرام شده است. اکثر کمربندها و جاده‌های راه ابریشم جدید به اروپا منتهی می‌شوند: ۳۵ شهر چین در حال حاضر از طریق مسیرهای تجاری و راه‌های مواصلاتی به شهرهای اروپایی متصل شده‌اند.<sup>۴</sup> اروپا بزرگ‌ترین دریافت‌کننده سرمایه‌گذاری چینی‌ها در بخش‌های مهمی چون انرژی، مخابرات و املاک محسوب می‌شود. نفوذ سیاسی چین که با این سرمایه‌گذاری‌ها عجین است به شکل ملموسی قابل رؤیت است و پیامدهایی نیز برای انسجام داخلی اتحادیه اروپا در پی داشته است. سیاستگذاران اروپایی نیز متوجه اثرات طرح یک کمربند یک جاده در خارج از قاره اروپا شده‌اند.<sup>۵</sup> بر روی موازنه قوا و ثبات در آسیا و هند-اقیانوس آرام. بخش اعظم تجارت اروپا به صورت ترانزیت کالا است که از طریق هند و اقیانوس آرام انجام می‌گیرد. بیش از ۳۵ درصد از کل صادرات اروپا به آسیا سرازیر می‌شود و چهار کشور آسیایی در فهرست ۱۰ شریک تجاری اول اروپا قرار دارند. برای اقتصادهای صادرات-محور اروپایی، مانند آلمان، هند-اقیانوس آرام دومین بازار بزرگ بعد از اروپا محسوب می‌شود. در نتیجه، روشن است که اروپا از حفظ یک نظم قاعده‌محور و جریان بدون مانع تجارت در اقیانوس‌های هند و آرام نفع می‌برد. منافع اروپا همگرایی زیادی با منافع کشورهایمانند هند، ژاپن، استرالیا و ایالات متحده دارد که با احیای گفتگوی امنیتی چهارجانبه<sup>۶</sup> به دنبال واکنشی درخور به جسارت و ابراز وجود چین در جریان مسیر یک کمربند، یک جاده برآمده‌اند.

در حالی که سیاستگذاران اروپایی تا به اینجای کار برخوردی دوپهلوی و متزلزل در خصوص گفتگوی امنیتی چهارجانبه داشته‌اند و هنوز با ساختار جدید «هند-اقیانوس آرام» دست و پنجه نرم می‌کنند، اتحادیه اروپا و برخی از دولت‌های عضو در حال ارزیابی دوباره نقش امنیتی خود در هند-اقیانوس آرام هستند. فرانسه و بریتانیا، دو بازیگر اصلی امنیتی اروپا در منطقه، در حال بررسی سطح تعامل خود با گفتگوی امنیتی چهارجانبه و شرکای دیگر هستند. اتحادیه

4. "China's Pursuit of Europe Trade Links Powers Freight Rail Surge," Bloomberg News, March 7, 2018.

5. Thorsten Benner, Jan Gaspers, et al, "Authoritarian Advance: Responding to China's Growing Political Influence in Europe," Global Public Policy Institute and MERICS, Berlin, 2018.

6. Quadrilateral Security Dialogue (Quad)

اروپا همچنین در صدد تدوین استراتژی خود در خصوص «اتصال» به کشورهای آسیایی و ارائه پاسخی جامع تر به چالش یک کمربند، یک جاده هستند.

### تأثیرات امنیتی و اقتصادی طرح یک کمربند، یک جاده بر اروپا

تأثیرات امنیتی و اقتصادی طرح یک کمربند، یک جاده بر اروپا را می توان در سه دسته کلی ارزیابی کرد: تأثیر بر وحدت اتحادیه اروپا، تأثیر بر امنیت اروپا و رقابت برای تجارت، سرمایه گذاری و دسترسی به بازار در اروپا و آسیا.

طرح یک کمربند، یک جاده به آهستگی انسجام داخلی و وحدت سیاسی اتحادیه اروپا را تضعیف می کند که می تواند پیامدهای گسترده ای برای پروژه اروپای واحد داشته باشد. دولت های جنوبی، مرکزی و شرقی عضو اتحادیه که از سطح بالای بیکاری و رشد پایین اقتصادی رنج می برند، با شور و اشتیاق فراوان از سرمایه گذاری های چین استقبال کرده اند، در حالی که همتایان غربی آنها احتیاط بیشتری به خرج داده اند. بنا بر برآوردهای رسمی، چین در سال ۲۰۱۶ بیش از ۸ میلیارد دلار در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی سرمایه گذاری کرده است.<sup>۷</sup> این کشورها در نشست مه ۲۰۱۷ «مجمع کمربند و جاده»،<sup>۸</sup> بزرگترین گروه از دولت های اروپایی را تشکیل می دادند. این سرمایه گذاری ها با شروط سیاسی همراه بوده و به نفوذ فزاینده چین در سطح اتحادیه اروپا و دولت های عضو منتهی شده است.<sup>۹</sup> میزان تضعیف انسجام اتحادیه اروپا را می توان در بستریایی چون ۱۶+۱ (چین + ۱۶ کشور اروپای شرقی و مرکزی)، دید که شاهد ملایم شدن اظهارات اتحادیه اروپا در خصوص دریای چین جنوبی یا پرونده های حقوق بشری چین از سوی مجارستان و یونان بودیم. در مورد سایر مسائل مهم هم پیوند با ارزیابی سرمایه گذاری های چین، در سراسر اروپا شاهد خطوط گسل هایی هستیم. دولت های اروپای غربی و بروکسل این ترفند «تفرقه بیانداز و حکومت کن» را مایه نگرانی می دانند. آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان، نفوذ چین را یکی از «بزرگترین چالش های» پیش روی اروپا<sup>۱۰</sup> دانسته و هشدار داده است که سرمایه گذاری های اقتصادی چین نباید با مسائل

7. Valbona Zeneli, "What has China Accomplished in Central and Eastern Europe?" The Diplomat, November 25, 2017.

8. Belt and Road Forum

9. See Benner et al.

10. Nick Miller, "Angela Merkel Eyes Chinese Influence as her Legacy Challenge," The Sydney Morning Herald, March, 2018, 6

سیاسی ارتباطی داشته باشند.<sup>۱۱</sup> امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، ضمن ابراز نگرانی گفت که سرمایه‌گذاری‌های چین نباید به قیمت از دست رفتن منافع اروپا تمام شود.<sup>۱۲</sup> سیاستمداران ارشد آلمانی برای مقابله با چین، رویکردی بر مبنای «اروپای واحد» را تجویز می‌کنند و هشدار داده‌اند که اگر اروپا استراتژی واحدی در برابر چین نداشته باشد، در نهایت دچار اختلاف و جدایی خواهد شد.<sup>۱۳</sup>

دوم، طرح یک کمربند، یک جاده پیامدهای بالقوه‌ای برای امنیت تجارت دریایی و مسیرهای انرژی اروپا دارد. مسیرهای دریایی هند-اقیانوس آرام، گذرگاه‌های اصلی صادرات اروپایی به مقصد بازارهای آسیا-اقیانوس آرام و همچنین منابع انرژی از خاورمیانه به اروپا محسوب می‌شوند. ۹۰ درصد از صادرات اروپا به مقصد بازارهای آسیایی از راه‌های دریایی در اقیانوس‌های هند و آرام عبور می‌کند. ثبات در منطقه و خطوط مواصلاتی دریایی بدون مانع از اهمیت بسزایی برای اروپا برخوردار است.

پروژه‌های طرح یک کمربند، یک جاده در این منطقه، در قالب سرمایه‌گذاری و ساخت<sup>۱۴</sup> اندک ولی وام‌های متعدد برای پروژه‌های به لحاظ اقتصادی ناپایدار صورت گرفته است، مسأله‌ای که به بی‌ثباتی مالی در جیبوتی، پاکستان، مالدیو و لائوس منتهی شده است.<sup>۱۵</sup> این مسأله ثبات دولت‌ها را تحت تأثیر قرار داده است و تبعاتی برای ثبات در منطقه در پی دارد. به علاوه، اقیانوس هند همزمان با سرمایه‌گذاری اقتصادی چین شاهد افزایش حضور نظامی این کشور نیز هست. رقابت فزاینده، نظامی‌گری و «مسابقه احداث پایگاه‌های نظامی»<sup>۱۶</sup> کاملاً مشهود است و کشورهای حاشیه این اقیانوس مانند هند، اندونزی و سایرین نگران توسعه طلبی

11. "Merkel warns against China's influence in the Balkans," South China Morning Post, February, 22, 2018.

12. Michael Rose, "China's New Silk Road Cannot Be One Way, France's Macron Says," Reuters, January, 2018, 8.

13. See former German Foreign Minister Siegmund Gabriel's statement that China should follow a "One Europe" policy: Lucrezia Poggetti, "One China — One Europe? German Foreign Minister's Remarks Irk Beijing," The Diplomat, September 9, 2017; and the call by the incoming German Minister of State for Europe to promote a "One Europe" approach toward China: Von Michael Roth, "Wir Brauchen Eine 'Ein-Europa Politik,'" Politik, March 5, 2018.

14. Greenfield investment

15. Josh Zumbrun and Jon Emont, "China's Financial Reach Leaves Eight Countries Vulnerable, Study Finds," The Wall Street Journal, March, 2018, 4.

16. base-race



چین هستند.<sup>۱۷</sup> سیاستگذاران اتحادیه اروپا، بدون یک چارچوب جامع امنیت منطقه‌ای، نگران آن هستند که این تحولات ثبات منطقه‌ای را برهم زده و رفاه و امنیت اروپا را تحت تأثیر خود قرار دهد.

علاوه بر این، استفاده دوگانه چین از بنادر تجاری در جنوب آسیا (کلمبو، گوادر و غیره) به عنوان محل استقرار زیردریایی‌ها، آماد و پشتیبانی نیروی دریایی ارتش چین و سوخت‌گیری از دیگر روندهای نگران‌کننده است. چین اکنون یک دهم از ظرفیت بندرگاهی اروپا را نه تنها در جنوب این قاره یعنی اسپانیا، ایتالیا و یونان در اختیار دارد، بلکه یک ترمینال کانتینری کامل را در قلب اروپا یعنی بندر ساحلی سی‌بروگک<sup>۱۸</sup> بلژیک تحت تملک خود در آورده است.<sup>۱۹</sup> در سال ۲۰۱۷، رزم‌ناوهای چین در بندر پیرئاس<sup>۲۰</sup> یونان پهلو گرفتند که همانند سی‌بروگک، شرکت دولتی کشتیرانی اقیانوسی چین<sup>۲۱</sup> باعث و بانی آن بود.<sup>۲۲</sup> پایگاه دریایی پیشرفته و بزرگ چین در جیبوتی، توانمندی‌های عملیاتی این کشور را در دریاها و نزدیک اروپا افزایش داده است و این مسأله، به همراه اولین رزمایش دریایی مشترک چین-روسیه در دریایی بالتیک،<sup>۲۳</sup> موجبات ناخرسندی بروکسل را فراهم آورده است. ژان-کلود یونکر، رئیس کمیسیون اروپا، مشخصاً در مورد مالکیت خارجی دارایی‌های استراتژیک مانند بندرگاه‌ها هشدار داده است. این کمیسیون، به ابتکار آلمان، فرانسه و ایتالیا، در صدد تدوین یک ساز و کار نظارت بر سرمایه‌گذاری‌های خارجی در بخش‌های حساس، زیرساخت‌های مهم، انرژی و ارتباطات، شرکت‌های فناوری پیشرفته و فناوری‌های دفاعی است.<sup>۲۴</sup>

در نهایت، طرح یک کمربند، یک جاده عرصه را برای رقابت تنگ کرده و همچنین دسترسی تجارت‌ها و کسب و کارهای اروپایی فعال در بازارهای هند-اقیانوس آرام به این بازارها را با محدودیت مواجه ساخته است. هر چند که شرکت‌های اروپایی به مشارکت در پروژه‌های

17. Garima Mohan, "Engaging with the Indian Ocean," Global Public Policy Institute, Berlin.2018 ,

18. Zeebrugge

19. Keith Johnson, "Why is China Buying up Europe's Ports?" Foreign Policy, February.2018 ,2

20. Piraeus

21. China Ocean Shipping Company (COSCO)

22. "Three Chinese Warships Dock at Piraeus for Courtesy Call," The Greek Observer, October,24 .2017

23. Andrew Higgins, "China and Russia Hold First Joint Naval Drill in the Baltic Sea," The New York Times ,July.2017 ,25

24. European Commission, "State of the Union 2017 — Trade Package: European Commission Proposes Framework for Screening of Foreign Direct Investments ",Brussels ,September.2017 ,14

طرح یک کمربند، یک جاده علاقه دارند، فقدان شفافیت در فرایندهای مناقصه و تدارکات بدان معنی است که این شرکت‌ها اغلب اجازه شرکت در مناقصه‌های چنین قراردادهایی را ندارند. برای مثال، پروژه‌هایی مانند کریدور اقتصادی چین-پاکستان<sup>۲۵</sup> با استقبال شدید کسب و کارهای اروپایی همراه شد، اما اغلب این شرکت‌های چینی بودند که واجد شرایط شرکت در این مناقصه بودند و قراردادهایی را که توسط اسلام آباد تضمین شده بود به دست آوردند. برخی از شرکت‌های اروپایی بزرگتر در پروژه‌های طرح یک کمربند، یک جاده مشارکت داشته‌اند، اما حضور آنها عمدتاً دیر هنگام و در سطح پیمانکار فرعی بوده است. در نتیجه، امانوئل مکرون در دیدار اخیر خود از چین خاطر نشان ساخت که جاده ابریشم جدید نمی‌تواند تلاشی «یک طرفه» باشد و نباید «یک هژمونی جدید» در تجارت جهانی به وجود آورد.

«در نهایت، طرح «یک کمربند، یک جاده» عرصه را برای رقابت تنگ کرده است و همچنین دسترسی تجارت‌ها و کسب و کارهای اروپایی فعال در بازارهای هند-اقیانوس آرام به این بازارها را با محدودیت مواجه ساخته است»

وقتی شرکت‌های دولتی می‌توانند از وام‌های کلان و حمایت دولتی بهره‌مند شوند و عملاً بازارها را قبضه کنند، رقابت شرکت‌های اروپایی برای حضور در پروژه‌های طرح یک کمربند، یک جاده، کماکان کاری بس دشوار است. این مسأله در پروژه‌های بزرگ زیربنایی مانند راه آهن سریع‌السیر، ساخت بنادر و تدارکاتی که شرکت‌های اروپایی پیشگام ساخت و عرضه آن هستند کاملاً مشهود است. ورود استاندارهای فنی و تولیدی چین به بازارهای جدید، عرصه را بیش از پیش بر شرکت‌های اروپایی تنگ کرده است.<sup>۲۶</sup>

### محدودیت‌های تعامل امنیتی اروپا در هند-اقیانوس آرام

نگرانی‌های اروپایی‌ها در خصوص طرح یک کمربند، یک جاده، شباهت زیادی با نگرانی‌های کشورهای عضو گفتگوی چهارجانبه دارد، خصوصاً در زمینه حفظ یک نظم قاعده محور و آزادی کشتیرانی در مسیرهای مواصلاتی هند-اقیانوس آرام؛ اما در حالی که کشورهای گفتگوی امنیتی چهارجانبه بیشتر بر همکاری امنیتی دریایی تمرکز کرده‌اند، اروپا تنها می‌تواند نقش امنیتی محدودی در منطقه ایفا کند.

25. China-Pakistan Economic Corridor (CPEC)

26. See Section 2, Mohan “Engaging with the Indian Ocean.”

نیروهای دریایی اروپایی‌ها عمدتاً در دریا‌های نزدیک به خود، مانند مدیترانه، حضور دارند و بیشتر آنها قادر به ایفای نقشی فعالانه‌تر در هند-اقیانوس آرام نیستند. بسیاری از نیروهای دریایی کشورهای اروپایی اساساً از بودجه کافی برخوردار نیستند و در وضعیت نابسامانی به سر می‌برند. برای نمونه، نیروی دریایی آلمان با تمام اجزای اصلی آن، از جمله زیردریایی‌ها و کشتی‌ها، دارای مشکلاتی هستند<sup>۲۷</sup> که مشارکت آن را در مأموریت‌های اتحادیه‌های اروپا تحت تأثیر قرار خواهد داد. گسترهٔ قدیمی‌ترین مأموریت دریایی اتحادیه اروپا (عملیات «آتالانتا»)<sup>۲۸</sup> در اقیانوس هند غربی به طرز چشمگیری کاهش یافته و در حال حاضر تنها یک کشتی به این منطقه اعزام کرده است.<sup>۲۹</sup> در حالی که اتحادیه اروپا برای تقویت امنیت دریایی در اقیانوس هند غربی برنامه‌ریزی کرده<sup>۳۰</sup> و برخی از دولت‌های عضو اتحادیه در تمرین‌های چندجانبه شرکت می‌کنند،<sup>۳۱</sup> هیچگاه حضور پیوسته‌ای در اقیانوس هند غربی و اقیانوس آرام نداشته است. فرانسه و بریتانیا از این روند مستثنی هستند.

فرانسه برای نخستین بار در سند سال ۲۰۱۶ وزارت دفاع خود از اصطلاح «هند-اقیانوس آرام» استفاده کرد، در این سند آمده است که «فرانسه موازنه مجدد مرکز ثقل استراتژیک خود به سوی هند-اقیانوس آرام را آغاز کرده است، جایی که یک قدرت همسایه محسوب می‌شود».<sup>۳۲</sup> در واقع، فرانسه به واسطهٔ سرزمین‌های فرادریایی<sup>۳۳</sup> و سازمان‌های مربوطه و مناطق انحصاری اقتصادی بزرگ، یک کشور هند-اقیانوس آرامی محسوب می‌شود. فرانسه با پایگاه‌های نظامی دائمی در اقیانوس‌های هند و آرام، پایگاه نظامی در جیبوتی و حدود ۷ هزار پرسنل نظامی

27. John Beckner and Helcoed Heitman, "Can the German Navy be Saved?" Real Clear Defense, February 2018, 19

28. Operation "Atalanta"

نام عملیاتی است که از سوی اتحادیه اروپا و با هدف حمایت از کشتی‌های حامل کمک‌های غذایی جهان به مردم آواره سومالی و شناسایی و مبارزه با پدیده راهزنی دریایی در منطقه شاخ آفریقا به ویژه در نزدیکی سواحل سومالی صورت می‌گیرد. (م)

29. European Union External Action Service, EUNAVFOR, "Deployed Units," <http://eunavfor.eu/deployed-units/surface-vessels#/news-tabs>.

۳۰. برنامه‌های اتحادیه اروپا مانند CRIMARIO، CMR، MASE و گفتگوی رده بالا یا آسه‌آن درباره امنیت دریایی از جمله نمونه‌های این برنامه‌ها هستند.

۳۱. توافق‌های چندجانبه مقابله با دزدی دریایی مانند ReCaap و تمرین‌هایی مانند RIMPAC.

32. David Scott, "French Maritime Strategic Thought on the Indo-Pacific," Center for International Maritime Security, March 2017, 31

۳۳. از جمله جزایر رئونیون و مایوت در اقیانوس هند و کالدونیای جدید، والیس و فوتونا و پُلّی‌نزی فرانسه در اقیانوس آرام.

مستقر، حضوری چشمگیر در منطقه دارد.<sup>۳۴</sup> انتظار می‌رود که با توجه به اهمیت استراتژیک منطقه و حضور فزاینده چین، فرانسه در اعزام و استقرار وسائل و تجهیزات دریایی و همچنین گسترش همکاری‌های دریایی جدید بیشتری در منطقه خرج دهد.<sup>۳۵</sup> به همین ترتیب، بریتانیا نیز تعاملات امنیتی خود را در منطقه هند-اقیانوس آرام افزایش داده است: بازگشایی تأسیسات پشتیبانی دریایی خود در بحرین، حضور دائمی در عمان، ایجاد مراکز جدیدی برای پرسنل دفاعی در دویی و سنگاپور و برنامه‌ریزی برای عملیات‌های آزادسازی ناوبری.<sup>۳۶</sup> بریتانیا به دنبال آن است که مجدداً خود را به عنوان بازیگری امنیتی در منطقه تثبیت کند.

انتظار می‌رود که با توجه به اهمیت استراتژیک منطقه و حضور فزاینده چین، فرانسه در اعزام و استقرار وسائل و تجهیزات دریایی و همچنین گسترش همکاری‌های دریایی جدید بیشتری در منطقه خرج دهد.

بریتانیا و فرانسه در حال حاضر رویکردی دوپهلوی در قبال گفتگوی امنیتی چهارجانبه دارند. این سازوکار ظاهراً مراحل ابتدایی خود را می‌گذارند و پرسش‌های مشروعی درباره طول عمر آن مطرح است. بریتانیا نیز با کاهش چشمگیر ظرفیت نیروی دریایی خود دست و پنجه نرم می‌کند، امری که قابلیت آن برای حفظ حضوری پایدار در هند-اقیانوس آرام را تحت تأثیر قرار خواهد داد.<sup>۳۷</sup> به علاوه، فرانسه و بریتانیا باید مراقب باشند که باعث برانگیخته شدن خصومت چین نشوند. فرانسه در جریان دیدار مکرون از چین از ظرفیت بالقوه پروژه‌های کمربند و جاده استقبال کرد، در عین حال، برخی از نگرانی‌های خود را نیز خاطر نشان ساخت. بریتانیا از امضای توافق رسمی با چین امتناع کرده است اما به طور کلی طرح یک کمربند، یک جاده را فرصتی می‌داند که قواعد آن می‌تواند از رهگذر تعامل شکل بگیرد.

استراتژی فرانسه، در عین انتظار برای تثبیت قالب گفتگوی امنیتی چهارجانبه، تقویت دوجانبه و سه‌جانبه همکاری‌های امنیتی با همه قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای خواهد بود. پاریس همکاری استراتژیک پیشرفته‌ای با استرالیا با تمرکز بر همکاری‌های دفاعی و امنیت دریایی دارد. فرانسه

34. C. Raja Mohan and Darshana Baruah, "Deepening the Indo-France Maritime Partnership", *Carnege India*, February 2018, 23

35. See Scott, "French Maritime Strategic Thought on the Indo-Pacific."

36. planning freedom of navigation operations (FONOPs)

37. Emanuele Scimia, "A Struggling Royal Navy to set Sail for East Asia in 2018," *Asia Times*, December 2017, 4

و هند در مورد معماری امنیتی منطقه اقیانوس هند همکاری نزدیکی دارند<sup>۳۸</sup> و در جریان دیدار مکرون از دهلی، توافقنامه لجستیک دفاعی امضا کردند.<sup>۳۹</sup> فرانسه با ارتقای همکاری امنیت دریایی با ژاپن نیز موافقت نموده که بر «هند-اقیانوس آرام آزاد و بی مانع» تمرکز کرده است.<sup>۴۰</sup> بریتانیا پیشگام «تمهیدات دفاعی پنج قدرت»<sup>۴۱</sup> بوده است و همپوشانی آن با دستور کار گفتگوی امنیتی چهارجانبه می تواند در نهایت منجر به گفتگوهای موازی «چندجانبه» شود. اتحادیه اروپا نیز باید ایجاد یک کارگروه ویژه دریایی حول محور تلاش های فرانسه برای افزایش حضور خود در منطقه را بررسی کند.

### استراتژی اروپا در قبال «اتصال»

در حالی که اروپا به عنوان یک بازیگر امنیتی در هند-اقیانوس آرام، صرفاً قادر به ایفای نقش محدودی است، اما شریک مهمی در تدوین قواعد مرتبط با اتصال محسوب می شود و شاید حتی بدیلی برای طرح یک کمربند، یک جاده عرضه کند.

باید توجه داشت که پاسخ اروپا به طرح یک کمربند، یک جاده دو وجه دارد. اروپای علاقه زیادی به مشارکت در طرح یک کمربند، یک جاده دارد و امیدوار است که بتواند این ابتکار عمل را از درون شکل دهد. با این حال، سیاستگذاران اروپایی در کنار فرصت ها، بیش از پیش متوجه تهدیدات برآمده از طرح یک کمربند، یک جاده نیز شده اند. دولت های اروپایی متوجه لزوم واکنش به این طرح در سطح اتحادیه اروپا هستند. برای مثال، موافقت نامه دولت ائتلافی جدید آلمان اظهار می کند که «ما برای حفظ و حراست از منافع خود، می خواهیم در راستای ارائه یک واکنش اروپایی و نیز تقویت و بسیج ابزارهای مالی آلمان و اروپا گام برداریم».<sup>۴۲</sup> سیاستگذاران اتحادیه اروپا تأکید دارند که اتصال «صرفاً یک ایده چینی نیست» و آنها در صدد آماده سازی استراتژی خود در مورد «اتصال اروپا-آسیا» هستند که اواخر سال

38. "India, France agree to Cooperate on Indian Ocean Regional Security," Business Standard, November.2017, 17

39. See Mohan and Baruah, "Deepening the Indo-France Maritime Partnership."

40. Daisuke Kikuchi, "Japan and France agree to Deepen Maritime Security Ties in 'Two Plus Two' Meeting," The Japan Times, January.2018, 26

41. Five Power Defense Arrangements (FPDA)

مجموعه ای از روابط دفاعی است که به واسطه یک سری توافقنامه های چندجانبه بین بریتانیا، استرالیا، نیوزیلند، مالزی و سنگاپور (که همگی جزو کشورهای مشترک المنافع هستند)، در سال ۱۹۷۱ به امضا رسید. (م)

42. «Ein neuer Aufbruch für Europa. Eine neue Dynamik für Deutschland. Ein neuer Zusammenhalt für unser Land. Koalitionsvertrag zwischen CDU, CSU und SPD,» February 7, 2018, [https://www.cdu.de/system/tdf/media/dokumente/koalitionsvertrag\\_2018.pdf?file=1](https://www.cdu.de/system/tdf/media/dokumente/koalitionsvertrag_2018.pdf?file=1).

جاری منتشر خواهد شد. این استراتژی به تشریح رویکرد اروپا در قبال اتصال، ابزارهای مالی برای تأمین بودجه پروژه‌ها و راهبردهایی برای همکاری با شرکا، از جمله چین و نیز ژاپن، هند، آسه‌آن و دیگران، می‌پردازد.

اتحادیه اروپا هم اکنون با مشورت کشورهای عضو به طرح نقشه‌ای پرداخته است که سیاست‌ها، ابزارها و پروژه‌های موجود را توصیف می‌کند.<sup>۴۳</sup> در این استراتژی جدید، تمرکز متوجه بخش‌های حیاتی، از جمله حمل و نقل (زمینی، هوایی، دریایی)، دیجیتالی، انرژی و اتصال مردم به مردم، خواهد بود.<sup>۴۴</sup> طبعاً، رویکرد اتحادیه اروپا در قبال اتصال موجب ارتقای حقوق کار، استانداردهای اجتماعی و زیست‌محیطی، پایداری، شفافیت، اصول بازار آزاد، قواعد خرید آزاد، شرایط برابر رقابت، برخورد برابر و دسترسی یکسان خواهد شد. برخی از این اصول در اکثر پروژه‌های طرح یک کمربند، یک جاده نادیده گرفته شده‌اند. اسناد پیش‌نویس استراتژی، بدون اشاره مستقیم، از ابتکار عمل‌های «دوجانبه» مانند طرح یک کمربند، یک جاده انتقاد دارند، طرحتی که مسائل زیست‌محیطی، اجتماعی و ثبات مالی در پی داشته است. آنها همچنین بر رویه‌های نامطلوب اعطای وام تأکید دارند که برخی از کشورها را با بحران بدهی مواجه کرده و به «بی‌ثباتی دولت‌های منطقه یورو-آسیا دامن زده است». طرح جایگزین اتحادیه اروپا برای اتصال، «تقویت نظم منطقه‌ای» و تمرکز بر رویکردهای چندجانبه خواهد بود. این استراتژی همچنین «افزایش دسترسی و پایداری تأمین مالی» را در بر می‌گیرد که از ضروریات عملی ساختن هرگونه طرح جایگزین برای طرح یک کمربند، یک جاده محسوب می‌شود. این کار احتمالاً از طریق بانک سرمایه‌گذاری اروپا<sup>۴۵</sup>، صندوق اروپایی سرمایه‌گذاری‌های استراتژیک<sup>۴۶</sup> و ادغام منابع عضو انجام خواهد شد.

هنوز دقیقاً مشخص نیست که این تأمین مالی چگونه عملیاتی خواهد شد و مذاکره درباره آن یکی از وظایف چالش‌برانگیز اتحادیه اروپا و دولت‌های عضو آن خواهد بود. این استراتژی همچنین باید مشخص کند که اتحادیه اروپا چگونه می‌خواهد با شرکای خود، به ویژه ژاپن، که از منابع مالی و ظرفیت لازم برای تحقق این اتصال برخوردار است، همکاری کند. در

43. European Commission, "Joint Staff Working Document Euro-Asian Connectivity Mapping Exercise," Brussels, November 24, 2017, 14882/17.

44. European Commission, "Roadmap: Elements for an EU Strategy on Connecting Europe and Asia", EEAS -ASIAPAC, Joint Communication.

45. European Investment Bank (EIB)

46. European Fund for Strategic Investments) EFSI(

جریان سفر اخیر شینزو آبه، نخست‌وزیر ژاپن به اروپا، این کشور توافقی برای ارتقای روابط اقتصادی با کشورهای حوزه بالتیک امضا کرد. اتحادیه اروپا باید از این استراتژی استفاده کند تا به شرکای خود در آسیا این پیام را منتقل کند که استراتژی آن متضمن یک شراکت معتبر برای اتصال است و در عین مشارکت‌گزینشی در پروژه‌های کمربند و جاده، از ابتکار عمل‌های دیگر نیز حمایت خواهد کرد.